



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٦٩

1940-41

دېښتو ټولنی د خبرونی عمومی لمبر (۳۷)

## د کابل کالانۍ

۱۳۱۹

د صحافت له خانګي خخه

د محمد قدیر «تره کني» په اهتمامه

څوره شو

عمومي مطہر

# د کابل نهمه سالنامه

خوش بختیم که می بینیم هر روزه یک قدم بزرگی بسوی اصلاحات و عمرانات در مملکت عزیز افغانستان گذاشته شده هیئت اجرائیه دولت در تجارت هدایات و رهنمایی های اعیان حضرت معظم همایونی محمد ظاهر شاه پادشاه جوان و ملت خواه افغانستان واردۀ بزرگ وقوی ج، ع، ج، ا، انشان والا حضرت افخم محمد شاه خان افخم محمد شاه خان صدر اعظم در قسمت های مختلفه موظفۀ خود شان طور یکه لازم است و حواچ آنی و فوری مملکت تقاضا میکند با جدیت و خلوص تمام کار میکند و هرسال به حیث مجموع یک صفحه درخشان ترقیات وطن را ذریعه سالنامه کابل بسطاً هموطنان عزیز عرضه میداریم سالنامه کابل گذشته از سائر محسن علمی، طباعتی خود یک منیت بزرگ و غیر قابل انگه کاری دارد که آن منیت ارائه اجرآت و کارهای یکساً له دولت است و افتخار داریم که در عصری به تحریر و نشر سالنامه می پردازیم که هر پر زده از ما شین بزرگ دولت بکمال موافقیت به وظیفه خود مشغول بوده هر کدام دریک شعبه از احتیاجات مبرمه عصری مصدر کارهای بزرگی میشود.

کارکنان پیشتو توله اجرآت و کارروائی های سنه ۱۳۱۹ دوازده مملکتی را به نظر تقدیر و حرمت دیده به هیئت فعال و بصیر دولت ازین موافقیت های ایشان عرض تبریک و از خدای توانا و مددگار در خواست می نماید تاسال های دراز افغانستان عزیز را در اثر رهنمایی های پادشاه جوان صاحب بهمین گونه موافقیت ها نائل گرداند.

(پیشتو توله)

نیک مرغه یوچه هره ورخ وینویه خوازه هواد «پیشتو نخوا» کین دودانیوا او اصلاحات و خواهه بوغتی پل اخیسته کیزی، اود دولت اجرائیه توایه دزلی ملت غوبتو نکی تو او لاک اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ترلا رشتو ونی اوهد ایتو لاندی اود ج، ع، ج، ا، انبان والا حضرت افخم محمد شاه خان صدر اعظم په لویه او غشتی سپیخلی اراده دخیل وظیفویه خنبلو بر خواویه هنها و خنی احتیاجات و کین چه دستی ئی مملکت تقاضا کوی، یه هر جدیت او پهه په کاریخت دی، اوموز هر کمال دولت دتر قیاتو یوه خلاندہ پانه یه مجموعی حیث دکابل به سالنامه کین دنباغلو هموطنانو و مطا لعی ته و راندی کوو،

دکابل سالنامه سر پهه پر نور و علمی، طباعتی پنگه نو، یو بل اوی مزیت چه هیچ دانکار و دنده دی هم لری، دامنیت ددولت دکانی اجرآت او چارو خر گندول دی. موژد هر سر لودی یوچه یه داسی عصر کین دسالنامی په لیک او خپر و او بخت یو، چه دولت دلوی ماشین هر ه پر زده یه خورا موافقیت سره په خپله وظیفه اخته ده، چه هره یوه دعصری امیو په یوه خانگه کین اوی لوى خدمتونه کوی.

دیشتو تو اینی کارکوونکی دملکتی دوازه دی اجرآت او پر مخ تلی جباری دتقدیر او حرمت په ستر گو گوری، اوهم ددولت و پیاویدی او فعالی تو لی ته ددوی پر دی موافقیت دبریک عرض کوی، او له لوی اوس سته کوونکی خبنته خنجه هیله لری چه نور او بزده کللو نه هم دا گران افغانستان دزلی تو لاک او دولا احضرت افخم صدر اعظم صاحب په لارښوونه و داسی هېرو موافقیت ته ورسوی.



## پادشاه افغانستان

شهریار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمدظاهر شاه خلدالله ملکه و اطآل الله عمره و دولته که ذات همایونش درین سنه قدم بر حلة بیست و ششمین حیات شریف خود میگذارند، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل ویس از سن مقضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی و متوسط وبالآخره تحصیلات خود را ذات همایونی در مکاتب عالی کابل با ختم رسانیده و موقیکه والدماجده فقیدشان اعلیحضرت محمدنادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان در پاریس گردیدند ذات همایونی نیز بمعیت آن شهریار فقید بغرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیه را در رشته های مختلف بمکاتب عالی و خاندان های بادانش و معظم آن مملکت تحصیلی، و تربیه خصوصی را نسبت بسائل داخلی وطن و اخلاقی ملی وادرانک مطالب لازمه راجع بوطن و خصایص را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند.

پس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت مددخ خود شارا دران مملکت بسرحد کابل رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعلم عسکری افغانستان و تعییب سنت سنبه پدر بزرگوار خود در شعبه عسکری شامل تلمیگاه عالی نظامی کابل شده و بعده قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل گردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی باصیبه معظامه والا حضرت سردار احمدشاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکالت وزارت جلیله حریه و بعداً بوکالت وزارت معارف مؤذن بوده قابلیت ذاتی واستعداد فطری ذات همایونی در حسن اداره و صحبت ایهای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهریار شهید بتاریخ ۶ اعقرب باتفاق و درخواست و کلاویز بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری اریکه پیرای سلطنت سنبه افغانستان شده سال حاضر هشتمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهریار جوان محسوب میشود.

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش

۱ - شهزاده بیگم بالقیس

۲ - والا حضرت شهزاده محمدناصر خان

۳ - والا حضرت شهزاده احمد شاه خان

میر شهزاده بیگم مریم

# دوائر محلکتی

صدارت عظمی :

صدر اعظم	: ج، ع، ج، ا، نشان والا حضرت اشرف سردار محمد شاہ خان
معاون	: ع، ج والا حضرت افخم سردار محمد نعیم خان
معاون دوم	: ع، ج عبدالرحیم خان
مشاور	: ع، ص سید محمد خان
	: « یار محمد خان »
رئيس ضبط احوالات	: « محمد شاہ خان »
مدیر اول تحریرات	: ع خلیل اللہ خان
	: « دوم » محمد فاروق خان
	: « اوراق » محمد ابراهیم خان
	: « عرایض » میر عبداللہ خان
	: « اجرائیہ » عبدالکریم خان
	: « املاک » عبدالستار خان



ج، ع، ج، ا، نشان والا حضرت افخم سردار محمد هاشم خان صدراعظم افغانستان  
کتر قیات اخیره مملکت در تمام رشته هامر هون خدمات خسته گی ناپذیر ایشان است.

S. A. R. • A. A. Sardar Mohammad Hâchêm Khan  
premier ministre



اعلیحضرت معظم همایونی محمد ڈاہر شاه بادشاہ صدرا فیروز وطن خواه افغانستان  
که پر ای پیشرفت امور حملکت و ترقیات مادی و معنوی افغانستان  
عشق و علاقہ سرشاری دارند۔

S. M. Mohammad Zaher Chah roi d'Afghanistan



ع ، ج ، والاحضرت سر دار محمد نعیم خان وزیر معارف و معاون اول صدارت عظمی  
S. Ex. Sardar Mohammad Na'īm Khan ministre de  
l'instruction publique

## تشکیلات مملکتی

### وزارت حربیہ :

وزیر : ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت غازی سردار شاہ محمود خان  
معاون : ع، ع، ش، محمد انور خان نائب سالار  
مفتش اردو : ع، ش سردار عالی اسلام اللہ خان فرقہ مشر

### ریاستها :

#### ریاست ارکان حربیہ عمومیہ :

رئيس : ع، ش محمد عمر خان فرقہ مشر  
معاون : ح، مصطفیٰ خان غند مشر  
مدیر عمومی حرکات : «، سراج الدین خان »  
مدیر عمومی تعلیم و تربیت : «، غلام سرور خان »

#### ریاست اردو :

رئيس : ع، ش سردار عالی احمد علیخان فرقہ مشر

#### ریاست لوازمات عمومیہ :

رئيس : ع، ع، ش شیر احمد خان نائب سالار

#### ریاست حربیہ :

کفیل رئیس : ع، ش عبدالقیوم خان فرقہ مشر

#### ریاست محکمات :

رئيس : ح، سید علیخان غند مشر  
معاون : ش محمد مهدی خان کنند کمشر

#### ریاست اصلاح و ترقی :

رئيس : ع، ش محمد عمر خان فرقہ مشر  
اعضا : ح محمد عمر خان غند مشر  
» محمد یعقوب خان غند مشر  
» محمد اکبر خان »

**سالنامه « کابل »**

اعضاء

محمد توکل خان غند مشر

»

محمد ایاز خان

»

امیر محمد خان کند کمشر

»

**ریاست دیوان حرب دائمی :**

رئيس

ع، ش عبدالقیوم خان فرقہ مشر

معاون

گل میر خان غند مشر

اعضاء

حیب الله خان

»

احمد شاه خان

»

سید حسین خان

»

سید اصغر شاه خان

»

غلام بهاؤ الدین خان

»

سید احمد خان کند کمشر

»

سلیمان خان

»

محمد عمر خان

»

**ریاست فابریکات حربی :**

رئيس

ع، ش، سید عبدالله خان شاجی

معاون

میر صاحب خان غند مشر

مدیر اجراییه

ش، محمد کاظم خان

مدیر کمپنی

ش، میر ابو طراب خان

کفیل مدیر مکتب میخانیکی

غ، باز محمد خان تولیمشر

**ریاست قبائل :**

رئيس

ع، ش محمد شاه خان فرقہ مشر

معاون

شیر باز خان غند مشر

**ریاست المیک:**

رئيس

ع، ص محمد یوسف خان

معاون

ش، محمد یعقوب خان کند کمشر

## تشکیلات مملکتی

### مدیریت عمومی استخبارات:

مدیر عمومی : ح ، محمد انور خان غندمشر  
معاون : ش ، رستم علیخان کنندگمشر

### مدیریت عمومی تعمیرات :

کفیل : ح ، غلام سعیدخان غندمشر سریاور والا حضرت غازی  
معاون : ش ، محمد ایاز خان کنندگمشر  
نقشه کش : ش ، محمد عوض خان کنندگمشر

### مدیریت مستقل سنجش تعمیرات :

مدیر : ح ، شاه عبدالجمید خان غندمشر

### مدیریت تحریرات و قلم مخصوص

مدیر : ش ، محمد قاسم خان کنندگمشر

### مدیریت عمومی اوراق :

مدیر : ع ، عبدالشکور خان

### دائرہ منظمه وزارت حربیه :

منتظم : ش ، عبدالعظیم خان کنندگمشر

### قوای هوائی :

قوماندان : ع ، ش محمد احسان خان فرقہ مشر

رئیس ارکان حرب : ح ، محمد هاشم خان غندمشر

مدیر فابریکہ ترمیم و مکتب : ح ، غلام دستگیر خان غندمشر

## وزارت خارجہ

- وزیر : ع، ج علی محمد خان
- معین اول : ع، ج حبیب اللہ خان
- معین : ع، من عبدالجمیں خان
- مدیر عمومی سیاسی : ع، نجیب اللہ خان
- مدیر شعبہ اول : ص، عبدالرؤف خان
- ۲ : ص، محمد یونس خان
- ۳ : ص، جمیعہ گل خان
- ۴ : ص، عبدالرحمن خان

### دیاست تشریفات و معاهدات:

رئیس : ع، ص غلام محمد خان

مدیریت عمومی امور بین المللی : ع، ج علی محمد خان وزیر امور خارجہ  
S. Ex. Ali Mohammad Khan ministre des affaires étrangères.



### مدیریت شفر و قلم مخصوص:

مدیر : ص، محمد سلیمان خان

### مدیریت مامورین و اجرائیہ و تنظیمات:

مدیر : ص، عبدالقادر خان

### مدیریت عمومی ویزہ و قوونسلگری:

مدیر عمومی : ع، عبدالرؤف خان

مدیر شعبہ اول : ص، محمد قاسم خان

### مدیریت عمومی اوراق:

مدیر عمومی : ع، عبدالغفار خان

### مدیریت محاسبہ و کنٹرول:

مدیر محاسبہ و کنٹرول : ص، عبدالاحد خان



ع، ج، ۱۹۱۰، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر جنگ  
S. A. R. • A. A. • Sardar Chah Mahmoud Khan ministre de la guerre



ع، ج، ۱۰، نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان «فتح کابل» وزیر مختار  
و نماینده فوق العاده اعلیٰ حضرت همایونی در فرانسه

S. A. R. A. A. Sardar Chah Vali Khan envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire de Sa Majesté  
on France

## سفرا و نمایندگان افغانی در خارج

سفیر کبیر اعلیحضرت در انگلستان : ع، ج سردار فیض محمد خان

سفیر کبیر « در طهران : ع، ج محمد نوروز خان

سفیر کبیر « در ماسکو : ع، ج سلطان احمد خان

وزیر مختار « در پاریس : ع، ج، ا، انشان والا حضرت سردار شاه ولی خان

که سمت وزارت مختاری برن و بروکسل را نیز دارند.

مستشار : ع، ص اسلام بیگ خان

وزیر مختار اعلیحضرت در لندن : ع، ج سردار احمد علیخان

وزیر مختار « در روما : ع، ج عبدالصمد خان

وزیر مختار « در برلین : ع، ج الله نواز خان

وزیر مختار اعلیحضرت در توکیو : ع، ج ذوق‌الفار خان

وزیر مختار « در مصر : در مصطفی کیمی

وزارت مختاری حجاج را نیز دارند.

جنرال قو نسل اعلیحضرت در دلهی : ع، ص محمد شفیع خان

« « افغانی در مشهد : ع، ص عبدالوهاب خان

« « « در بمبئی : ع، محمد شعیب خان

اتشہ اقتصادی : میر حسن شوکت

قو نسل افغانی در کراچی : ع، محمد اکبر خان

مامور ویژه افغانی در پشاور : ص، محمد فیض خان

« « « در چمن : میر غلام فاروق خان



## وزارت داخله

وکيل وزارت : ع، ج، س، ا، غلام فاروق خان  
 رئيس اداري : ع، ص عبدالرشيد خان  
 مدير عمومي بوليس : عبدالحكيم خان  
 رئيس تفتيش : ص محمد نعيم خان  
 مدير عمومي احصائيه : .....  
 مدير تشكيلات : .....  
 مدير اخذ اطلاعات : .....  
 مدير ويزر دو باسيورت : .....  
 مدير امنيت : ص، اخت محمد خان  
 مدير ماموريين : محمدحسن خان  
 مدير كشرون : محمدسعيد خان  
 مدير اوراق : عبدالو دودخان  
 سر کاتب شعبه خصوصي : ميرزا سيد محمد خان



ع، ج، س، ا، غلام فاروق خان وکيل وزارت  
 داخله و رئيس تنظيميه قطعن و بد خشان  
 S. Ex. Ghulam Farouq Khan  
 Ministre par interime du  
 ministre de l'indérieur.



## وزارت عدله



ع، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدله  
S.Ex.Fazl-Ahmad Khan ministre de la Justice.

وزیر : ع، ج فضل احمد خان

مجددی

معین : ع، ص امین الله خان

رئیس تعیز : ج، ف مولوی عبدالرب خان

منشی جمعیت العلما : ج، قاضی عبدالکریم خان

مدیر مامورین : ص، مرزا محمد میر خان

مدیر تحریرات : ج، مرزا عبدالسلام خان

مدیر کنترول : ج، مرزا محمد ناصر خان

مدیر تحریرات تعیز : ج، مرزا محمد شریف خان



## وزارت مالیہ



ع، ج، میرزا محمد خان وزیر مالیہ  
S. Ex. Mirza Mohammad Khan  
ministre de finances.

وزیر : ع، ج میرزا محمد خان  
معین : ع، س محمد اسماعیل خان  
مدیر عمومی کنٹرول : .....  
مدیر عمومی اجرائیہ : ع، محمد انور خان  
تفیش : ع، محمد حسن خان  
مدیر خزانہ و ذخایر : س، میرزا عبدالغفور خان  
مدیر محاسبہ تجارتی  
دواڑ رسمی : میرزا فضل الدین خان  
مدیر ماہورین : میرزا عبدالمجید خان  
مدیر املاک : میرزا نصر اللہ خان  
سر لات خصوصی : میرزا سید محمد خان



## تشکیلات شعبات مرکز و مربوطات مرکزی وزارت معارف

**مقام وزارت :**

- وزیر : ع ، ج سردار محمد نعیم خان
- معین : ع ، ص عبدالجبار خان
- » : » عبدالاحمد خان
- » : » سید عبدالله خان
- مشاور : بی اسماعیل حکمت بی
- » : » هاشم شاپیق آفندی
- مدیر قلم مخصوص : ص ، امیرالدین خان

### ریاست و دواوین مرکزی وزارت :

- رئيس تعلیم و تربیه : ع ، ص برهان الدین خان کشککی
- » تدریسات : « عزیز الرحمن خان
- » تقییش : « سید محمد فاروق خان
- » سبورت و حفظ الصحف : « فاروق شاه خان
- » توسعیع معارف : « جمال الدین خان
- مدیر مامورین و اجرائیه : ص محمد صرید خان
- » کستروول : « غلام سخنی خان
- » تنظیمات : « عبدالمیخان (معاون)
- » وزرہ و حفريات : « احمد علیخان
- اوراق : « عبدالله خان

## شعبات مربوطہ مرکزی وزارت

**الف : ریاست فاکولٹی طبی :**

- رئيس فاکولٹی طبی : ع ، ص رفقتی کامل بی
- مدیر اداری : ص ، محمد آصف خان

ب : ریاست فاکولتۀ حقوق :

رئیس فاکولتۀ حقوق : ع ، ص بای محمد علی فواد  
مدیر نشریات : ص ، میرمحمد ابراهیم خان عالمشاهی

ج : ریاست فاکولتۀ الهیات :

رئیس : ع ، ص عبدالرسول خان

د : ریاست مکتبین استقلال و نجات :

رئیس : ع ، ص عبدالحیم خان  
معاون مکتب استقلال : ص ، عبدالرسول خان  
» « نجات : « ، محمد اکرم خان  
مدیر مکتب حبیبیه : ص ، غلام حیدر خان  
» « غازی : « ، غلام محمدخان  
» « دارالعلیمین نوی کابل : « ، محمد امین خان

مدیریت مکتب پغمان :

مدیر تعلیمی : عزتمند رمزی انجوول  
» اداری : ص ، عبدالرسول خان

مدیریت مکتب صنایع :

مدیر عمومی : ع ، عبدالغفور خان  
» فنی : ص ، نورالله خان

مدیریت مکتب میخانیکی :

کفیل مدیر اداری : ص ، عزیز محمد خان

مدیریت مکتب حکام :

کفیل مدیر اداری : ص ، غلام جانخان

مدیریت ملکتب مساحت :

مدیر : « ، خواجه گابدینخان

تشکیلات محلکتی

مدیریت مکتب اصول تحریر:

مدیر : ص ، عبدالقوم خان

مدیریت مکتب تجارتی:

مدیر : ص ، غلام جانخان

مدیریت مکتب قابلہ گی:

مدیر : مدام فریسہ

معاون : ص ، عبدالباقي خان

مدیریت مکاتب ابتدائی منطقه بلدیہ:

مدیر : ص ، فربان علی خان

منتظم مکتب طبی : « محمد آصف خان



## وزارت اقتصاد ملی



وزیر :	ع، ج عبدالmajid خان
معین اول :	ع، س محمد اکرم خان
معین دوم :	غلام غوث خان
معین سوم :	عبدالله خان
مدیر عمومی گمرکات :	ع، غلام حیدر خان
مدیر گرینی :	س، حبیب اللہ خان
مدیر عمومی اداری :	ع، عبدالشکور خان
مدیر مامورین :	س، محمد هاشم خان
مدیر ترجمانی :	س، محمد علی خان
مدیر اوراق :	س، عبدالودود خان
مدیر عمومی توسعہ تجارتی :	ع، سیداحمد علی شاه خان
ع، ج اعلیٰ ائمان عبدالmajid خان وزیر اقتصادہ ای مدیر شرکتہا و کریدت :	س، محمد صدیق خان
ع، میر ضیاء الدین خان S. Ex, Abdul-Madjid Khan ministre de l'économie Nationale	ع، میر ضیاء الدین خان
مدیر قوانین :	س، عبدالغفور خان
مدیر شعبہ دستی :	غلام محی الدین خان
مدیر عمومی انصباءات :	ع، محمد زمان خان ٹرہ کی
مدیر مجلہ اقتصاد :	س، غلام دستکیر خان
مدیر عمومی ناقلین :	ع، پایاندہ محمد خان
مدیر کشتہ و ل :	س، عایت اللہ خان



### وزارت فوائد عامه :

وزیر	: ع ، ج رحیم الله خان
معین	: ع ، ص عبدالجمید خان
»	: ع ، ص عبدالرحیم خان
	: ع ، ص نصرالله خان

### مدیریت های عمومی :

مدیر عمومی بند و انبار	: ع ، محمد کبیر خان
» همايون	: ، محمد اکرم خان
» حفاظ مرافت	
سر کها	: ، سعد الدین خان
تعمیرات	: ، عبدالرحیم خان
تبیه مصایب	: ، شاه محمود خان
کنترول	: ، عبدالکریم خان



### ج مدیریت های اداری :

مدیر مامورین	: ص ، بدرا الدین خان	ع : ج رحیم الله خان وزیر فوائد عامه
» متر لوزی	: ص ، نور الحق خان	و کفیل وزارت معادن
، نصفیہ ماضیہ	: ص ، محمد موسمی خان	S. Ex. Rahimullah Khan ministre
، پیماشی	: . . . .	travaux publiques et Ministre
		par interim des mines
		مامور حمل نقل
		مامور اوراق



## وزارت صحیه



وزیر : ع، ج غلام یحیی خان  
 معین :  
 مدیر عمومی حفظ الصحه : ع، جلال الدین خان  
 مدیر انتریات و احصایه : ص، عبدالغفور خان  
 مدیر حفظ الصحه و تشکیلات : عبدالغفرنی خان  
 مدیر مامورین و اجراءه : میرزا محمد خان  
 مدیر کنترول : میر عزیز الله خان  
 مامور انتهائی اوراق : صالح محمد خان  
 معاون فنی شعبہ تقاضش : محمد ابراهیم خان  
 شعبہ بنی ا mellی و مجادله : میر عبدالرحیم خان

دکتور مؤسسه دندان  
 سازی زنانه : فضل احمد خان  
 موظف معاونہ خانہ مرکزی : امیر محمد خان

ع، ج غلام یحیی خان وزیر صحیه  
 S. Ex. Gholam Yahya Khan  
 ministre de l'Hygène publique

معاون فنی مؤسسه اکسپرس و تداوی برقی : ص عزیز الله خان  
 سرطیب شفاخانہ مستورات : عبدالقیوم خان  
 مدیرہ : مختار مہریش بیگم  
 رئیس دیوی عمومی : عزمند صلاح الدین بیگ  
 سرطیب شفاخانہ محبس دہڑنگ : عبدالرحیم خان  
 سرطیب مؤسسات صحیہ علی آباد : عزمند دکتور فواد بیگ  
 مدیر کنترول : میرزا محمد طاهر خان  
 مامور اجراءه علی آباد : احمد علی خان  
 مامورہ سناتوریم مستورات : مختار مہ امیر بیگم  
 متخصص استیتوی بافلوژی و حفظ الصحه : عزمند دکتور زهدی بیگ  
 دکتور : ص عبدالمجید خان

## وزارت پست و تلگراف و تیلفون

وزیر	: ع، ج عبدالحسین خان
معین	: ع، ص محمد حسین خان
رئیس تقیش	: ص غلام حیدرخان
مدیر عمومی تلگراف	: علی گل خان
مدیر عمومی پست	
و تیلفون	: محمد سعید خان
مدیر اجر ائمه و مامورین	: ص، عبدالخالق خان
مدیر ارتباط خارجہ	: عبد القیوم خان
مدیر محاسبہ	: لعل محمد خان
کفیل مدیر اوراق	: گل محمد خان
مدیر عمومی فنی رادیو	: ع، عطا اللہ خان
منتظم تلگراف خانہ	
یکہ توت	: ص، محمد حسین خان
منتظم تلگراف	
مہتاب قلعہ	: ص، غلام سرورخان



ع، ج عبدالحسین خان وزیر پست  
و تلگراف و تیلفون

S. Ex. Abdul-Hossain Khan  
ministre des P. T. T.



## وزارت معادن

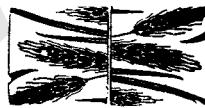
کفیل وزارت معادن : ع، ج رحیم الله خان  
معین : ع، ص عبدالله خان  
سر کاتب قلم مخصوص : ص، میرزا زبردست خان

### مدیریت عمومی :

مدیر عمومی فنی : ع، سید عبدالاحد خان  
مدیر کشاوری : ص، غلامعلی خان

### شعبہ رسولوژی :

متخصص طبقات الارضی : مستر وارت  
مدید خرد و فروش : ص، محمد صدیق خان  
مدیر تحقیقیں : «، احسان خان  
مامور، مامورین و اجرائیہ : «، مرزا عبدالفتاح خان  
کفیل مدیر کتروول : «، مرزا سید قبول شاه خان





### ریاست مستقله زراعت

رئیس : ج، میر محمد یوسف خان

معین :

مدیر عمومی زراعت : ع، محمد زمان خان

مدیر تدقیقیش : نادر علی خان

مدیر دفع آفات

زراعتی : ص، محمد کریم خان

مدیر تدوین فواین : فقیر محمد خان

مدیر کستروم : عبدالرؤوف خان

ج، میر محمد یوسف خان رئیس مستقل زراعت  
S. Ex. Mmr M. Yossuf Khan chef  
de département de l'agriculture

مدیر اوراق : میر محمد ہاشم خان





## ریاست مستقل مطبوعات

- رئيس : ج ، صلاح الدین خان
- معاون : ع ، عبد العجی خان \* جبیبی
- مشاور : فاری عبد الله خان
- سرور خان گویا اعتمادی
- محمد امین خان خوگانی

### مدیریت عمومی نشریات:

- مدیر عمومی : ع ، سید فاسیم خان رشتیا
- مدیر شعبہ اول : ص ، احمد الله خان کریمی
- مدیر شعبہ دوم : محمد فاسیم خان
- مدیر رادیو

### مدیریت عمومی آژانس:

- کفیل مدیر آژانس : ع ، عبدالرحمن خان بروانک
- S. Ex. Salahuddin Khan Chef du  
département de la presse
- مامور اوراق : ص ، گل سعید خان

### مدیریت عمومی یونتو ټولنہ:

- مدیر عمومی : ع ، ص عبد العجی خان \* جبیبی
- معاون : محمد اعظم خان ایازی
- مدیر شعبہ لغات : گل پاچا خان افت
- مدیر صحافت : محمد قدری خان تره کی
- مدیر تالیف : قیام الدین خا خادم
- مدیر تاریخ : ع ، احمد علیخان کہزاد
- مدیر کتبخانوں : میر حسام الدین خان
- مدیر شعبہ اجرائیہ و مامورین : ص ، عبداللطیف خان

### مدیریت عمومی مطبوعہ:

- مدیر عمومی : ع ، عبدالغفور خان بر شنا
- اجرائیہ : ص ، محمد دینخان
- متخصص و مدیر طباعتی : عبدالنبی خان
- مدیر تحریکی : عبدالودود خان

## تشکیلات ولایات و حکومات اعلی

### ولایت کابل

وکیل والی	:	وج محمد اسماعیل خان
فومندان قولای مرکز	:	ع، ش سردار عالی محمد داؤد خان
مستوفی	:	ع، ص سید حبیب خان
قاضی محکمه مرافعه	:	ف، ملا صالح محمد خان
فومندان کوتوالی	:	ع، ش طرہ باز خان
رئيس گمرک	:	ع، ص غلام محمد خان
مدیر تحریرات	:	ص، عبدالباقي خان
«احصائیه	:	«، محمد معصوم خان
معارف	:	«، غلام حیدر خان و کبل
مدیر عمومی تعییرات	:	ع، عبدالغفار خان
» « بندا نهار و معاشر	:	« احمد شاه خان
مدیر سرک تکغارو حصہ اول	:	ص، شیر احمد خان
» « حصہ دوم	:	« محمد امین خان
مدیر درہ شکاری	:	« محمد جان خان
» بند خروار	:	« سید قاسم خان
» سراج غزنی	:	« فیض محمد خان
» قرغہ	:	« محمد جان خان
مدیر تهییہ مصالح	:	« فضل حق خان
تفقیش	:	« علی محمد خان

### ولایت قندھار

نائب الحکومه و فومندان عسکری	:	ع، ش سردار عالی علیشاہ خان
مستوفی	:	ع، ص عبدالاحد خان
قاضی محکمه مرافعه	:	ف، ملا اختیر محمد خان
مدیر خارجہ	:	ص، محمد رفیق خان

فوماندان کوتولی  
رئیس گمرک  
مدیر تحریرات  
» فوائد عامہ  
» احصائیہ  
» معارف  
مامور اڑانس  
کفیل مدیر صحیہ  
مدیر خبرات  
» زراعت

: ح ، محمد اکبر خان  
: ع ، ص عبدالعزیز خان  
: ص ، محمد اسماعیل خان  
: « میر عبدالقدیر خان  
: « امین اللہ خان  
: « غلام جیلانی خان  
: « فرح خان مجددی  
: « محمد رسول خان  
: « گل احمد خان  
: « عبدالغفور خان

### ولایت هرات :

نائب الحکومہ  
قوماندان عسکری  
مستوفی  
قاضی محکمہ مرافقہ  
مدیر خارجہ  
قوماندان کوتولی  
رئیس گمرک  
مدیر تحریرات  
» فوائد عامہ  
» معارف  
» احصائیہ  
» صحیہ  
» خبرات  
» زراعت  
مامور اڑانس

: و ، ج محمد قاسم خان ( و کیل )  
: ع ، ش محمد قاسم خان فرقہ مشر  
: ع ، ص سید محمد خان  
: ف ، ملا احمد علی خان  
: ص سلطان عزیز خان  
: ح خدابخش خان  
: ع ، ص محمد اعظم خان  
: ص ، عبدالقدیر خان  
: « ، محمد عمر خان  
: « ، عبد السلام خان  
: « ، عبدالودود خان  
: « ، عبدالرحمن خان مخدودی  
: « ، محمد عالم خان  
: « ، محمد زمان خان  
: « ، میر غلام محمد خان

### ولایت منارشريف

نائب الحکومہ  
قوماندان عسکری

: و ، ج گل احمد خان  
: ع ، ش اللہ داد خان فرقہ مشر

## تشکیلات مملکتی

: ع ، ص عزیز الله خان	مستوفی
: ف ، ملاعبدالرحمن خان	قاضی محاکمه مرافقه
: ح ، عبدالجلیل خان	کفیل قومندانی کوتولی
: ع ، ص تاج الدین خان	رئیس گمرک
: ص ، عبدالسمع خان	مدیر تحریرات
: » ، داد محمد خان	فوائد عامہ
: » ، سید جعفر خان	احصائیہ
: » ، محراب الدینخان	معارف
: » ، عبدالرحیم خان	صحیہ
: » ، نقیب الله خان	خبرات
: » ، محمد علی خان	کفیل مدیر زراعت
: » ، سید احمد شاہ خان	معاون مدیریت خزانہ
: ع ، ص عبدالاحد خان	رئیس فیصلہ منازعات
: » ، » عبدالقیوم خان	اطاق تجارت
: ص ، عبدالرشید خان	مامور استخارات
: » ، میرزا سرفراز خان	کشtron مستوفیت
: » ، میرزا عبدالکریم خان	اجرائیہ
: » ، عبدالجبار خان	تفقیش
: » ، نور محمد خان	رئیس روضہ شریف
: » ، عبداللطیف خان	مامور آڑانس

## ولایت قطعن و بدخشان

: ع ، ج ، س غلام فاروق خان	رئیس تنظیمیہ
: ع ، ش محمد جعفر خان	قومندان عسکری
: ع ، ص نور محمد خان	مستوفی
: ف ، ملا عبدالجلیل خان	قاضی محاکمه مرافقه
: ش ، عبدالشکور خان	کفیل قومندانی کوتولی
: ص ، نظر محمد خان	مدیر گمرک خان آباد
: » ، غلام محمد خان	وکیل مدیر تحریرات

: ص ، امیر محمد خان	مدیر فوائد عامه
: « ، محمد حفیظ خان	احصائیہ
: « ، محمد طاهر خان	معارف
: « ، غلام صدیق خان	فارم زراعتی قندوز
: « ، سلطان احمد خان	کفیل مدیر صحیہ
: « ، غلام غوث خان	مدیر مخابرات
: « ، غلام بہا والدین خان	زراعت
: « ، غلام حضرت خان	مامور آرائس
: « ، نوروز علی خان	دکتور موظف بغلان

### حکومت اعلای مشرقی

: ع ، ص محمد حکیم خان	حاکم اعلیٰ
: ح ، محمد علم خان غند مشر	کفیل قومندان عسکری
: ع ، ص محمد حسین خان	سر شته دار
: ف ، ملا عبدالله خان	قاضی محکمہ مراجعہ
: ص ، محمد اختر خان	مدیر خارجہ
: ح ، محمد جان خان	قومندان کوتولی
: ص ، محمود خان	مدیر گمرک
: « ، عبدالرزاق خان	تحریرات
: « ، غلام حیدر خان	فوائد عامہ
: . . . . .	احصائیہ
: « ، عبدالمحمد خان ( کفیل )	معارف
: « ، عبدالرحمن خان	صحیہ
: « ، غلام نبی خان	مخابرات
: « ، مسجدی خان	زراعت
: « ، جعلی شاہ خان	مامور آرائس

### حکومت اعلای جنوبی

: ع ، ش ، محمد افضل خان	حاکم اعلیٰ و قومندان عسکری
: ع ، ص ، عبدالجیاد خان	سر شته دار

## تشکیلات مملکتی

: ف ، ملاسید کاظم خان	قاضی محکمہ مرافعہ
: ص ، سلطان علیخان	مدیر خارجہ
: ح ، مددخان	فوماندان کوتولی
: ص ، عبدالمجیدخان	مدیر گمرک
: « ، عبدالهادی خان	مامور تحریرات
: « ، مددخان	مدیر فوائد عامہ
: « ، محمد عمر خان	مامور آرنس
: « ، عبدالصمدخان (کفیل)	مامور معارف
: « ، آصفخان	مدیر صحیہ
: « ، نادر احمدخان	مامور مخابرات
: « ، محمد یوسف خان	مامور زراعت

## حکومت اعلائی میمنہ

: ع ، ع ، ص عبدالرحیم خان (وکیل)	حاکم اعلیٰ
: ع ، ش اللہدادخان	فوماندان عسکری
: . . . . .	سرشہدار
: ف ، ملامحمد یوسف خان	قاضی محکمہ مرافعہ
: ش ، سید امیرخان	فومندان کوتولی
: ص ، افاجان خان	مدیر گمرگٹ
: ص ، فضل حق خان	مدیر تحریرات
: « ، عبدالعزیز خان	مدیر فوائد عامہ
: « ، ابوالخیر خان	مامور احصائیہ
: « ، غلام محمدخان	مامور آرنس
: « ، محمد جعفر خان	مامور معارف
: « ، میر عبدالسمع خان	کفیل مدیر صحیہ
: « ، آقارحیم خان	مامور مخابرات
: . . . . .	مامور زراعت

## حکومت اعلائی فراه

: ع ، ع ، ص عبدالصمد خان	حاکم اعلیٰ
: ح ، محمد علیخان غندمشر	کفیل فوماندان عسکری

: ع، ص عزیز احمدخان	سر شته دار
: ف، ملا عبدالرزاق خان	قاضی محمد مراغعه
: ش، عبدالقویوم خان	قوناندان کوتولی
: ص، رحمت الله خان	مامور گمرک
: ص، غلام رسول خان	مامور تحریرات
: ص، شیر محمد خان	مدیر فوائد عامه
: «، ضیاء الدینخان	مامور احصائیہ
: «، عنایت الله خان	مامور آرائس
: «، عبدالعزیز خان	مامور معارف
: «، نصر الله خان	کفیل مدیر صحیہ
: «، غلام دستگیر خان	مامور خبرات



## تشکیلات دوائر ملن

### ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسه ریاست شورای ملی:

رئیس	: ع، ج عبدالاحد خان
معین اول	: ع، ص محمد الیاس خان
معین دوم	: سلطان محمد خان
مشی	: ع، میرزا عبدالطیف خان
مامور کنترول	: ص، میرزا محمد حسین خان



### و کلا

وکیل مرکز کابل	: ع، سید جلال الدین خان
شش کروهی	: عبدالاحد خان
یغمان	: محمد علیخان
لوگر	: حاجی محمد ابراهیم خان
وردک	: محمد سرور خان

ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی  
S.Ex. Abdul Ahad Khan président  
du Conseil National.

وکیل میدان	
سرابی	
چهاریکار	
جبل السراج	
کوهدامن	
ریزه کوهستان	
تلگاب	
نجراب	
سیغان و کهرد	
پنشیر	
بامیان	
سرخ و پارسا	
غوربند	

: ع ، حاجی عبدالقیوم خان	وکیل مقر
: « ، میرزا عبدالوهابخان	» غزنی
: « ، حاجی حیدرخان	» دهشین کستواز
: « ، احمد جانخان	» کوچی کستواز
: « ، علی احمد خان	» دایز نگری
: « ، محمد نبی خان	» بهسود
: « ، سید اکبر شاه خان	» یکاولنگ
: « ، غلام علیخان	» جاغوری

#### ولایت قندھار :

: « ، عبدالرحمن خان	وکیل مرکز قندھار
: « ، نور احمد خان	» دنه
: « ، امیر محمد خان	» کندنی
: « ، عبدالعزیز خان	» تیرین
: « ، محمد اسحق خان	» کشك نخود
: « ، عبدالرحمن خان	» ارغستان
: « ، محمد یعقوبخان	» دهله
: « ، محمد جمعه خان	» دهر اؤد
: « ، محمد موسی خان	» گرشک پشت رود
: « ، عبدالحید خان	» زمین داور
: « ، محمد اکبر خان	» گرمیز
: « ، حاجی فیض الحق خان	» گیزاب
: « ، محمد کبیر خان	» ارزگان
: « ، محمد حسن خان	» ترنک و جلدک
: « ، نظر محمد خان	» فلات
: « ، اسماعیل حبیب خان	» کوچی قندھار

#### ولایت هرات :

: « ، محمد عثمانخان	وکیل بلوکات
: « ، محمد علیم خان	» شین دنه

## تشکیلات مملکتی

- وکیل غوریان : « ع ، عبدالشکور خان  
 » کشک و گلران : « » ، محمد یعقوب خان  
 » قلعه نو : « » ، حاجی معین الدین خان  
 » او به : « » ، نظر محمد خان  
 » تولک و تگابستان : « » ، عبدالرحیم خان  
 » شهرک : « » ، آفجان خان  
 » چخجران : « » ، بهادر بیگ خان  
 » بالا مرغاب : « » ، عبدالقدیر خان

## ولایت منار شریف :

- وکیل مرکز منار شریف : « حاجی عبدالله خان  
 » کشنده : « » ، ذاکر میر خان  
 » سنگ چارک : « » ، محمد الطیف خان  
 » تاشقرغان : « » ، محمد اسماعیل خان  
 » آیک : « » ، میرزا کلان خان  
 » سریل : « » ، قاری محمد عظیم خان  
 » آفچه : « » ، رحمن بر دی خان  
 » دولت آباد : « » ، نور الله خان  
 » دره صوف : « » ، ملا سنگی خان  
 » شبرغان : « » ، سید غلام حیدر خان  
 » بلخ : « » ، بر هان الدین خان

## ولایت قطعن و بدخشان :

- وکیل شهر خان آباد : « » ، عبدالله خان  
 » قندوز : « » ، عبدالستار خان  
 » نهرین : « » ، گل علم خان  
 » تالقان : « » ، سید مراد خان  
 » حضرت امام صاحب : « » ، محمد افضل خان  
 » چال واشکمش : « » ، میر فضل احمد خان  
 » غوری : « » ، محمد عمر خان

وکیل بدخشنان	:	ع ، محمد صدر خان
» رستاق	:	« ، نجم الدین خان
» ینگکی قلعه	:	« ، محمد نبی خان
» جرم	:	« ، مولوی میرزا شاخان
» درواز	:	« ، سیدملا ایشان خان
» ورخان وزیباک	:	« ، سید شمس الدین خان
» کشم و درایم	:	« ، ملا سعد الله خان

### حکومت اعلایی مشرقی :

وکیل مرکز چلال آباد	:	« ، عبدالعظیم خان
» سرخ رود	:	« ، سید محمد صدیق خان
» افغان	:	« ، غلام نبی خان
» نورستان و اندمان	:	« ، مشک عالم خان
» شنوار	:	« ، محمد ظفر خان
» مهمندره	:	« ، محمد عالم خان
» رودات	:	« ، میاء جانخان
» کامه	:	« ، عیا عبد الغفور خان
» اسمار	:	« ، میر علم خان
» دره پیچ	:	« ، محمد حسین خان
» کشناخاص و کوزکش	:	« ، محمد نیاز خان
» بر کشندره سین	:	« ، محمد افضل خان
» حصارک غلچانی	:	« ، ریدیگل خان
» کوچی نشگهاری	:	« ، طوطی شاه خان

### حکومت اعلایی جنوی :

وکیل زرمت	:	« ، غلام محمد خان
» متون خوست	:	« ، امیر محمد خان
» تنبی خوست	:	« ، گلر زنگ شاه خان
» ارگون	:	« ، فقیر محمد خان
» جدران	:	« ، گلمک خان

## تشکیلات مملکتی

و کیل منگل : ع ، اعلیٰ محمد خان  
» جاجی : « ، حسین خان  
» چمکنی : « ، علیجانخان

### حکومت اعلایی میمنه :

و کیل مرکز میمنه : « ، میرزا نور محمد خان  
» تگاب شیرین : « ، سید ابوالغیر خان  
» اندوخی : « ، چهار یار قل خان  
» درزاب و گرزیوان : « ، میر محمد اسلم خان  
» قیصار : « ، میرزا محمد امین خان

### حکومت اعلایی فراہ :

و کیل چخانسور : « ، غلام رسول خان  
» بکواه و خاشرود : « ، خیر محمد خان



## مجلس اعیان:

رئيس : ع، ج، میر عطا محمد خان  
 معاون اول : ع، ص، حاجی محمد اکبر خان  
 معاون دوم : ع، عبدالرحیم خان  
 رئيس تعیز : ع، حافظ عبدالغفار خان  
 اعضا : سردار گل محمد خان  
             ، حاجی خیر محمد خان  
             ، عطا محمد خان  
             ، عبدالحکیم خان  
             ، معاذ اللہ خان  
             ، شرف الدین خان  
             ، جان محمد خان  
             ، سید یاقوت شاہ خان  
             ، ایشان امان الدین خان  
             ، ملک رحمدل خان  
             ، حاجی میرزا عبدالرحیم خان



ع، ج عطا محمد خان رئیس اعیان

S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan  
président du Sénat.

اعضا

ع، حاجی خان آفاخان	:	
آخندزاده محمد رسول خان	:	
عبدالغفور خان	:	
حاجی عبدالحکیم خان	:	
میرزا محمود خان	:	
عبداللطیف خان	:	
امین اللہ خان	:	
عبدالستار خان	:	
میر محمد علیخان	:	
سید احمد شاہ خان	:	
علی احمد خان	:	
محمد حسن خان مہمند	:	

## شکیلات مملکتی

---

اعضا	:	ع ، میرزا خداداد خان	»
	:	» ، نظر محمد خان	»
	:	» ، محمدحسن خان وردك	»
	:	» ، ملا محمد پذير خان	»
	:	» ، نورالدینخان	»
	:	» ، حاجی محمد شریف خان	»
	:	» ، غلام رسول خان	»
	:	» ، محمدا کبر خان	»
	:	» ، سید احمد خان	»
	:	» ، بشیر احمد خان	»
	:	» ، خواجہ محمد خان	»
	:	» ، محمد یعقوب خان	»
	:	» ، محمد حسین خان	»
	:	» ، خواجہ محمد خان	»
	:	» ، محمداسحق خان	»
	:	» ، حاجی شاه یگ ک خان	»





## تشکیلات دوائر حضور شاهزاده

### وزارت دربار

وزیر : ع، ج، والا حضرت سردار احمد شاه خان

معین : ع، مس، محمد حیدر خان سرکاتب مخصوص : مس، میرعلی احمد خان

مدیر عمومی کنترول : ع، عبدالوهاب خان

تشریفات : مس، عبدالرشید خان

تنظیمات : مس، عبدالرحیم خان

نقليه : مس، میراکبر خان

دواخانه حضور : مس، عبدالنبي خان

ناظر کارخانه : مس، حاجی ناظر محمد خان

فراش باشی : مس، عبدالرشید خان

مدیر خزانه : مس، عبدالباقي خان

خانه سامان باشی : مس، صالح محمد خان

عرض پیگی حضور همایونی : مس، محمد اسماعیل خان

موتردان باشی : مس، خواجه محمد خان

## مصالحین حضور شاهزاده :

ع، مس، محمد اکبر خان

سلطان احمد خان

حاجی محمد نواب خان

محمد سرور خان

صالح محمد خان

### دارالتحیر شاهی



رئیس

وکیل سرمنشی : ع، جمیر محمد حیدر خان  
مشاور : سراج الدین خان  
مدیر شعبہ قلم مخصوص : ع، نور محمد خان  
اول : حافظ نور محمد خان  
دوم : ع، عبدالقدوس خان  
اوراق : غلام قادر خان  
علم کورس پشتوى  
ماوکانہ : ع، مولوی صالح محمد خان  
عضو دارالتحیر شاهی : ص، سید مبشر خان طرازی

وکیل سرمنشی ع، جمیر محمد حیدر خان  
S.Ex. Mohammad Haider Khan  
secrétaire privé par intérim

### سریاوری حربی حضور شاهزاده :

سریاور	ع، ش عبدالغفور خان فرقہ مشر
معاون	ع، محمد اطیف خان
یاور حربی	ع، فیض محمد خان
	ح، محمد حسین خان غنڈ مشر
	غ، در محمد خان تو لمیش

## تشکیلات دوائر متفرقہ

### رباست مبایعات:

رئیس	: ع ، ص عبدالرسول خان
معین	: .....
مدیر اجرائیہ خارجہ	: ص ، محمد عنما نخان
مدیر محاسبہ و کنٹرول	: ص ، محمد سرور خان
کفیل مدیریت اقتصاد	: ، ، جلال الدین خان
کفیل مامور او راق	: ، ، جلال الدین خان
خزانہ دار	: ، باز محمد خان
تحویلدار ذخیرہ	: ، عبدالغفار خان

### مطبوعات:

مدیر روزنامہ اصلاح	: ع ، عبدالرحمن خان پڑواک
» اذیں	: ع ، عبدالرشید خان لطفی
مجلہ آئینہ عرفان از طرف ریاست تعلیم و تربیہ وزارت معارف نشر می شود ۔	
محلہ اردوی افغان	: مدیریت عمومی « « حربیہ » »
مدیر مجلہ اقتصاد	: ع ، غلام دستگیر خان
مدیر مجلہ صحیہ	: .....
مدیر طلوع افغان	: ع ، محمد یوسف خان ایازی
مدیر اتفاق اسلام	: « ، محمد کریم خان صدیقی
مدیر اتحاد خان آباد	: « ، محمد ارسلان خان سلیمانی
» مشرقی	: ع ، شمس الدین خان قلمقوکی
مدیر جریدہ یدار مزار	: ع ، عبدالصمد خان
محلہ پیشتوں بزغ از طرف مدیریت رادیو نشر می شود	
مدیر مجلہ کابل	: ع ، محمد قدیر خان تره کی

# اجرا آت دو ائر مملکتی

برای هر افغان وطن دوست و خواهان ترقیات و پیشرفت مملکت بهتر و خوش آیند تر ازین چیزی نیست که دیده میشود هر سال وطن عزیز ما در زیر اوامر و هدایات ذات مبارک شاهانه و رهنمانی های والا حضرت افخم صدراعظم صاحب یک قدم فراخ و بزرگی بسوی تعالی گذاشته و پیوسته بسوی مقاصد آماییکه دولت درنظر دارد پیش میروند.

سالنامه کابل افتخار دارد که سال یک مرتبه یک ترقی و تطور محسوسی را در تمام شعب مملکتی به علاوه مدنان ارائه مینماید سالنامه کابل مطابق سالهای امسال هم خوشبختانه از ناحیه اصلاحات و پیشرفت هایی که در امور مملکت روداده معنا و ماده دارای مضا مین و مطالب سودمندیست و هر صفحه ازان میتواند مقدمه یک آینده درخشانی باشد.

سال ۱۳۱۹ از حیث اجرا آت و اصلاحات در تمام شعب مملکتی از سالهای ۱۳۱۸ و تاریخی است و میتوان ادعا کرد که درین سال اصلاحات بس اساسی و قابل قدری در مملکت رونماشده که هر کدام آن مقدمه و پیش آهنگ آینده های روشنی ملأا مادر ۱۳۱۹ موفق بافتاح فا بر یکه قند بغلان شدیم، مادرین سال رادیوی کابل را که از سالها منتظر آن بودیم بکار اذاختیم، مادرین سال در عسکریت، معارف، زبان پنفو، مطبوعات، مسائل زراعتی، اقتصادی، مالی، عمر انان بند وانهار موفق به برداشتن قدمهای اسریعی شده تاثیرات آن را واضح احساس کردیم، پس امسال مانند سالهای گذشته بلکه بهتر ازانها کار کردیم و تو انتیم شمه از آمال بزرگ شاهانه و اولیای دولت را به پیش بیریم.

اینکه در ذیل بالنو به اجرا آت هر کدامی ازو زارت ها و دو ائر مملکتی را بطور خلاصه نوشتند از خدای بی نیاز نیاز میکنیم که افغانستان را در زیر سایه هما پایه اعلیحضرت معظم همایونی و والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب وسائل دودمان نجیب شاهی به ترقیات شایان و مطلوبی و اصل نمایند.

## امور حربیه

یکی از شیوه که در حیات بین المللی دولت و تامین امن و آسایش داخلی مملکت تأثیر بارزی دارد امور حربی است زیرا در هر مورد خصوصاً درین موقعیکه وظیفه حفظ استقلال و تامین موجودیت ملی در تمام دنیا از وظائف بس سنگین ملک است عسکریت و امور حربی دارای مقام خاصی گردیده.

است خوشبختانه در مملکت ما بنا بر علاوه زیادی که ارباب امور مملکت در اصلاحات شعب مملکتی و حفظ وصیانت خاک وطن و شرف ملی دارند توجه زیادی به عالم عسکری نموده شده ذات مبارک شاهانه یکی از آمال مهمه شان ترقیات اردوی افغانستان را فرازداده اند و چون از حسن طالع مرد بزرگواری مثل ع، ج، ا، انسان والا حضرت غازی سردار شاه محمود خان سپه سالار وزیر حربیه در راس اردوی افغان قرار دارند لذا از یک طرف میتوانند آرزو های بزرگ شاهانه را که به ترقی و تعالی اردوی مملکت می بروند از عملی نمایند و از طرف دیگر بنا بر شخصیت بر جسته خود شان عسا کر افغانستان از هر حیث سال بسال وارد مراحل عالی تر گردیده و بحال اردوئی درآمده است که میتوان به تمام مفهومش اورا حافظ و حارس تمام شئون مملکت خواند.

ماهر سال در سالنامه کابل یک صفحه از ترقیات اردوی شاهانه را از نظر مطابعین گرام تبر میکنیم و اینک امسال هم ورق دیگری از پیشرفت های عالم عسکریت خود را در ذیل نگاشته از خدای متعال کامیابی اردوی افغان را به تمام آمال و آرزو هایش نیاز میکنیم.

### ریاست ارکان حربیه عمومیه :

این ریاست که اولین مؤسسه وزارت حربیه است به امور، سوق و اداره و تعلیم و تربیه وغیره خصائص مهمه عسکری مصروف میباشد. در هذله مانند سالهای گذشته به اجرآت وظائف امور مهمه محولة خویش موفق گردیده است که قدمت قابل نشر آن ذیلاً توضیح میشود. در تقسیمات عمومیه وضع الجيش اردو غور و تدقیقات لازمه بعمل آورده و برای اصلاح و بهبود اردو پیروزه های لازمه مدنظر گرفته است:

مطابق همه ساله اعطای هدایات لازمه راجع به تغیر و تبدیل قطعات بوستهای حدود و تعمیر یک سلسله عمر ارات تهانه های عسکری در محل معتبره حدود مملکت.

از نقطه نظر عسکری ترتیب لواح حرکات حربیه در امورات عمومیه اردو.

بعضی اصلاحات لازمه در تشکیل مربوطات وزارت حربیه.

غور و دقت در بروگرامهای مرتبه تعلیمی قطعات و اعطای آن برای تعلم و تربیه قطعات.

مراقبت از تطبیق پروگرامهای تعلیمی قطعات عسکری و کورس های مربوطه.

محصلین تعلیمگاه های خورد ضا بطان صنوف مختلفه قطعات، دوره تعلیمیه خود را موافقانه اکمال و بدوره جدید تعلیمگاه های مربور آغاز شده است.

تجددید نظر در امور تعلیمیه مکتب سیورت و بحسب ایجاد تکمیل معلمین و طلاب آن.

مواصلت یک عدد از محصلین اکادمی عسکری که در خارج مشغون تحصیل بودند و به اخذ شهادت نامه درجه اعلى وارد وطن گردیده پس از اذکه مورد تقدیر و تحسین وزارت حربیه واقع شدند وظائف مهمه را در اردو اشغال نمودند.

## اجرا آت دوائر مملکتی

کنایاک عده ضابطان و طلایکه جهت اكمال تحصیل و تعلیم میخانیکی وغیره طویها ، ماشیندار دافع هوا به برلین و چکو ساوا کیا اعزام شده بودند موافقانه بعد از فراغ تحصیل وارد مرکز گردیده به قطعات و فابریکات حریبی به خدمات محله منسوب گردیدند .

مجدداً تاسیس کورس ضابطان پیاده در مرکز به تحت اداره مدیریت کورس عالی وادخال یک تعداد ضابطان پیاده قطعات پفرض تجدید معلومات مسلکی شان .

تجدید نظر در تشكیل و پروگرام تعلیمی کورس تغذیکی وسعت در تعداد طلاب نسبت به سال گذشته دوره سوم کورس لوازم بعداز امتحان شش ماهه جهت ستاره قطعات فرستاده شدندتا بعد ازانقضای ایام معینه ستاره دوباره به تحصیلات خویش پیردازنده .

فراغت یک عده ضابطان از دوره دوم کورس نقلیه بعداز اعطای شهادتname و منسوب گردیدن شان به قطعات .

چون رشته نقلیات در اردو یک صنف خیلی مهم تلقی شده بنا عليه به اسا س امر حضور ع، ج، ا، ا نشان والاحضرت غازی وزیر صاحب حریبی کورس نقلیه بحال یک مکتب تبدیل و برای سال جاری با یک تشكیلات وسیع نر دوام خواهد کرد .

فراغت چند فانوارهای مکمل از تحصیل دوره اول کورس موزیک که بعداز اعطای شهادتname جهت ایفا وظائف به قطعات اطراف اعزام گردیدند .

هکذا یک تعداد ضابطان فانوارهای قطعات که بنام معلم موزیک داخل کورس موزیک شده بودند آنها نیز موافقانه تحصیلات لازمه موزیک را خد و بعداز اعطای شهادتname به قطعات مربوطه شان اعزام گردیدند .

مساعی و وظیفه شناسی ح، ذکر یا خان مدیر کورس مورد تقدیر ذات همایونی گردیده مومنی الیه از حضور اعلیحضرت نائل به اخذ نشان خدمت و فرمان ملو کیانه گردیدند .

مجله اردوی افغان امسال نیز مانند سنه های گذشته با مضامین تازه و مفید در تحت عنوانهای جدا گانه انتشار یافته ضابطان هر مسلک عسکری را از مطالعه آن مستفید گردانیده است .

توزیع بعضی اثار مفید برای قطعات اردو .  
اخذ و ترسیم بعضی خریطه های لازمه از طرف مدیریت خریطه .

### ریاست اردو :

اجام امور نصب و ترفیع، تبدیل و بر طرف منسوبيں عسکری بقرار اصول موضوع عسکری انجام معاملات متعلق به دعوی حقوقی و مسائل حسابی و جلب و احضار منسوبيں عسکری .  
ترتیب و تنظیم دفاتر سوانح و سجل عمومیه منسوبيں عسکری .

انجام امور حاضری مامورین و منصبداران عسکری و صاحبمنصبان احتیاطی .  
انجام امور معاملات اخذنفوس و انقسام آن در قطعات و ترخیص افراد بعداز اختتام دوره  
تعلیم واعظای تندکره باشان .

ترتیب جداول افراد احتیاطی در داخل دوره های معینه .

بعسن صورت وارسی در امور جلب و احضار غیر حاضران قطعات .

درا کمال و احضار و سایط نقلیه حیوانی و تغذیکی . و سایط تعمیر خانه ها تادرجه لازمه ا کمال  
ضابطان نقلیه و فری صنعت کاران و در تنظیم و تنسیق تعلیم و تربیه شو فران نسبت به سال گذشته  
پیشرفت شایانی بعمل آمده .

تأسیس یک تعمیر خانه عمومی برای تکمیل و ترمیم عموم موترها .

« چهار » « » « » موترهای تولی ها .

« آبادی یک قشله جدید برای افراد عسکری نقلیه .

ساختن اصطبل برای حیوانات کشندک جداندار .

ترمیم و تکمیل تعمیر اطاقهای سابقه .

تأسیس و ساختن یکباغچه و میدان سپورت .

تهیه نودن سامان و اسباب کاریگران تعمیر خانه های ترمیم موتر .

تنظیم و تدویر امور صحیه اردو .

### ریاست لو ازمات :

مانند سال گذشته البه و تجهیزات عمومیه اور دور اتهیه و کامل کرده است .

مطابق همه ساله تدارک مایحتاج خوراکه انسانی و حیوانی در موضع آن و اکمال مواد لازمه  
عموم شفاخانه ها .

تنظيم بودجه مصارفاتی وزارت حریبه نظر به ترئیدیکه در معاشرات هند استه از حضور  
اعلیحضرت همایونی نظر به سال گذشته که پنجاه فیصد در معاش بلوکمشان و توییمیشان وسی  
و سه فیصد در معاش کشندک مشران و ۲۵ فیصد در معاش غند مشران وارکان و منسو بین عسکر  
به عمل آمده بود .

هکذا توزیع تخصیص معاشات امتیازی ضابطان فارغ التحصیل مکاتب حریبه و تعلیمگاه ها  
وغیره موسسه های عسکری بقرار فرمان اعلیحضرت همایونی بر علاوه ترئید فوق الذکر که بعمل  
آمده نظر به شهادتname های ضابطان قطعات مربوطه .

### ریاست حریبه :

توحید و تکمیل اسلحه ناریه و جارحه عموم اردو با جیخانه حریبه و مانوره آن از نوع سیستم جدید

## اجرا آت دوازه مملکتی

- ترمیم و تکمیل اسلحه جات بازگشتی قطعات در فابریکه و تحویل آن بگیرین .  
دادن بواهر راجع به ترمیم سلاح قطعات ذریعه فابریکه حربی و دیگر مربوطات آن .  
تحصیل اسلحه و یک مقدار جبخانه مفقودی زمان انقلاب از اهالی .  
خریداری یک مقدار کافی تبل تطهیریه اسلحه .  
تطهیر و تحویل اسلحه اضافه نسبت به قطعات مرکز واطراف .  
ا کمال بعضی ازانواع جبخانه - بم طیاره ; جبخانه تعلیمی تفنگ دستی . بهای حقیقی صرمی  
تویها و مواد ناریه به ذریعه فابریکه حربی .  
نقل دادن یک تعداد بومبهای طیاره که از زمان مدید در فلکن بود .  
تطهیر و ترتیب جبخانه های بازگشتی قطعات وغیره .  
تکمیل کمبود نواقص الات و ادوات استحکامی .  
تکمیل کمبود نواقص الات سراجی ، آهنگری ، نجاری ، بسته کاری قطعات اردو :  
احضار دور پنهانی مودل عسکری (عادی) .  
یومیه معاینه اسلحه جات نقیه و خفیه ناریه و جارحه قطعات مرکز واطراف و انداخت آن  
بعد از ترمیم فابریکات حربی .  
معاینه و انداخت تویها سابقه روسي ، دافع طیاره بعداز اصلاح فابریکه حربی .  
معاینه سامان و پر زه جات متفرقه حربی بعداز ترمیم .  
معاینه آلات و ادوات استحکامیه سامان سراجی ، آهنگری ، نجاری وغیره ذریعه قرار  
دادهایها احضار شده .
- اجرائیه امور هوائی :
- طوریکه در سالهای گذشته پیشرفت های شایانی در امور هوائی پیوسته امسال نیز یک نوع  
انکشاف و تکامل مادی و معنوی روی کار آمده است که قرار آتنی خلاصه میشود :
- ۱- پیشرفت تعلم و تربیه هوائی بصورت اساسی .
  - ۲- آغار تعلم نظری و عملی طلاب پیلوتی به مرکز فواید هوائی .
  - ۳- « » « » « میخانیکی » » » .
  - ۴- به موقیت انجام گردیدن دوره اول تعلم طلاب پیلوتی و توزیع شهادتname های ایشان .
  - ۵- ورود یک عدد محصلین میخانیکی از خارج و مسئول گردانیدن شان به وظایف محوله .
  - ۶- توزیع مكافات به معلمین مکتب هوائی نسبت به مساعی و جدیت که در اجرای وظایف  
خودشان داده بودند .
  - ۷- افزودی در معاش یک قسمت از هوا بازان قدمدار .

- ۸- نصب و بکار انداختن چندین دستگاه‌های جدید در قوماندانی طیاره .
- ۹- تکمیل تعمیر ات هنگرهای طیاره میدان شیرپور و پسررسیدن تعمیر تلگر افغانه آن .
- ۱۰- مجدداً نصب تانکهای بترول در موافق لازمه آن .

### ریاست محکمات و دیوان حرب :

این دو موسسه حقوقی عسکری به ترتیب مساعی همدیگر در معاملات حقوقی اردووارسی خوبی کرده وهم تطبیق قوانین رادر عسکر مرابت و نظارت نموده و در عین زمان سرعت ممکنه در فیصله تعقیقات مجرمین عسکری به اساس قانون موضوعه عمل آمده و نتائج آن رادر معراض اجرا گذاشته . علاوه بر اجرا آن‌تکه فواآند کار گردید امور ریاست اصلاح و ترقی مدیریت عمومی استخبارات . مدیریت سنجش و تعمیرات ، مدیریت او راق ، مدیریت نحریرات ، ریاست قبائل و دایرة منظمیت وغیره کذ کر آن بطور اول آنجام‌های ریک آن بحسب وظایف محو له خویش کارهای بس مفیدی رادرین سال آنجام داده اند . کماز هر حیث قابل تقدیر و موجب امیدواری در استقبال درخشنان اردوی شاهانه میباشد .

### مقررات های مهم در وزارت حربیه :

- به یاوری حضور مبارک شاهانه : « ع ، ش ، فیض محمد خان فرقه مشر فرقه شمالی به معاونی قوماندانی مکتب حربیه : « « عبدالله خان فرقه مشر قوماندان فرقه (۲) قول اردوی مرکز
- به احتیاطی وزارت حربیه : « « عبدالرؤوف خان فرقه مشر فرقه (۲) جنوی به قوای مرکزی
- به غندمشری و قوماندانی کتواز : « « عبدالغفور خان غندمشر غند اول فرقه غزنی
- بعد بریست تدقیق و معاشه : « « سردار محمد علیخان غندمشر اعضاء ریاست اصلاح و ترقی
- در جمله منصبداران احتیاطی وزارت حربیه : « « خداداد خان غندمشر کمیسار اندخوی
- به کمیساری سیاه گرد : « « غلام سرور خان غند مشر کمیسار فرقه تیبه
- به جمله احتیاطی وزارت حربیه : « « باز محمد خان غند مشر سرحددار دکه
- به غند مشری فرقه قند هار : « « عبدالغفور خان غند مشر احتیاطی وزارت حربیه
- به قوای مرکزی : « « محمد عقوب خان غندمشر یاور حربسی حضور شاهانه



ع ، ش ، والا حضرت سردار محمد داؤد خان فومندان قوای مرکزی



از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت حربیه



ع، ش، عبدالقیوم خان فرقہ مشر  
رئیس دیوان حرب

ع، ش، محمد انورخان نائب سالار  
معاون وزارت حرب



ح، محمد حسین خان غند مشر  
اعضا، مدیریت تدقیق و معاینه

ح، گل میر خان غند مشر  
معاون وریاست دیوان حرب

از مقرر بهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت حرب



ح ، محمد علیخان غنبد مشر مدیر تدقیق و معاینه ریاست حرب



ح ، محمد غوث خان مدیر اسلحه وزارت حرب



ح ، اضفند شاه خان غنبد مشر اعضاء دیوان حرب



ح ، عبدالواحد خان غنبد مشر اعضاء فنی مدیریت تدقیق و معاینه

از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت حربیه



ح : عبدالرحمان خان غند مشر  
رئیس ارکان حربیه



ح : احمد شاه خان غند مشر اول  
اعضای دیوان حرب دائمی وزارت  
حربیه



ش ، سید احمد خان کند کمشر  
اعضاء دیوان حرب دائمی



ح ، غلام بهاودین خان غند مشر  
اعضاء دیوان حرب دائمی

از مقرر بهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت حرب به



ش ، محمد عمر خان کند کمشر  
عضوی است دیوان حرب دائمی



ش ، عبدالعظیم خان کند کمشر  
منتظم



ش ، خواجہ عبدالقیوم خان  
مدیر عمومی کنترول



ش ، محمد سلیمانخان کند کمشر  
اعضاء دائمی دیوان حرب



غ، باز محمد خان تویمشر کفیل

مدیریت مکتب میخانیکی

غ، عبدالغفار خان ار کان انحراب و کبیل مدیریت  
شعبات مسائیکی مدیریت عمومی تعلیم و تربیه ریاست  
ار کان

حرب ب

عمومیه که

در سنه

۱۳۰۶

پیش ای

تحصیل

عسکری

عازم

ترکیه

شده شش



غ، محمد سعید خان ار کان انحراب معاون متخصص  
پیاده هفتاد و که در سنه ۱۳۰۶

برای تحصیل

عسکری عازم

ترکیه شده

شش سال

دوره تحصیل

متوجهه

اعدادی

عسکری را

به پایان

رسانیده

متغایراً شامل



مکتب حربه شده دو سال تعلیمات مکتب  
حربیار خوانده بعد از استحصال شهادت نامه  
مکتب حربه داخل مکتب (پیاده) شده  
بعد از انجام تحصیلات مکتب مسلک نامزد  
مکتب ار کان حرب شده پس از ادائی  
امتحان موفق به شامل شدن مکتب ار کان انحرابی  
گردیده و در ظرف سه سال تعلیمات  
اکادمی حرب را به پایان رسانیده بعد از دیدن ستاره  
از دیدن ستاره در ریاست ار کان انحرابی عمومیه  
ترکیه اینکه موافقانه با شهادت نامه اعلی وارد  
وطن شدند.

امتحان موفق به شامل شدن مکتب ار کان انحرابی  
گردیده و در ظرف سه سال تعلیمات اکادمی  
حرب را به پایان رسانیده بعد از دیدن ستاره  
در ریاست ار کان انحرابی عمومیه ترکیه اینکه موافقانه با شهادت نامه اعلی وارد  
وطن شدند.

ع، ش، سر دار عالی اسلام خان مفتیش اردو بامداد مین ضابطان کورس پیاده  
که در سنه ۱۳۱۹ مجدد تاسیس وغاز شدہ است



من او من نیا طان کورس پیاده در حین تعلیمات باهیت موهمن





گارهای طیاره که در هذالسنه ۱۳۱۹ تعمیر و بکر آنداخته شده



تعمیر آنگاره طیاره شیرپور

## اجرا آت دوازد هملکتی

به جمله منصبداران احتیاطی : ح ، محمدحسین خان غنبدمشیر فرقه اول قول اردوی جنوبی  
به فوای مرکزی : سید صالح خان غنبدمشیر یاور حربی حضور شاهزاده  
: عبدالغنی خان غنبدمشیر یاور حربی حضور شاهزاده به اعضای ریاست اصلاح و ترقی وزارت حربیه

، محمدایاز خان غنبدمشیر مر بواسطه قول اردوی جنوبی به مدیریت اسلحه ریاست حربی : محمدغوث خان غنبدمشیر رئیس ارکان حربیه قول اردوی جنوبی  
بر ریاست ارکان حربیه فرقه مشر فی : شیراحمد خان غنبدمشیر رئیس ارکان حربیه فرقه  
قطعنی و بدخشان

بر ریاست ارکان حربیه قول اردوی جنوبی : عبدالرؤوف خان غنبدمشیر رئیس ارکان حربیه فرقه مشر فی  
به غنبدمشیری پیاده فرقه فراه : سیدغریب خان غنبدمشیر غنبد (۳) فرقه قید هار  
به هیئت خردباری حیوانات نقلیه مدیریت نقلیه : دولت محمدخان غنبدمشیر فرقه مشر فی  
بر تهمه وجوده بحیث و کیل قول اردوی جنوبی فرقه دوم قول اردوی جنوبی : گل محمدخان غنبدمشیر قول امدادان اوایل فرقه دوم  
به فرقه عسکری قید هار : محمداسلم خان غنبدمشیر احتیاطی  
به قول اردوی جنوبی : ذکریا خان غنبدمشیر به حیث اعضاء دائمی در دیوان  
حرب وزارت حربیه : حبیب الله خان غنبدمشیر مدیر اخذ عسکر  
بحیث کفیل مدیریت عمومی : ش عبدالباقی خان کنند کمشر عضو ریاست مجلس  
اصلاح و ترقی وزارت حربیه



## امور خارجه :

### مدیریت عمومی سیاسی :

اموال مدیریت عمومی سیاسی در زمرة امورات موظفه دیگر خود یاک موافقة تجاری بین افغانستان و شوروی با موافقت وزارت اقتصاد عقد نموده و نیز کنفرانس دیگری را راجع به مبارزه بالخ با حکومت شوروی در کابل منعقد نموده است.

چون اولی متعلق با جراحت وزارت اقتصاد دومی از وظیفه ریاست زراعت بود البته متن مفصل تر آن را در قسمت اجراءات وزارت اقتصاد و ریاست زراعت مطالعه خواهند فرمود.

### ریاست تشریفات :

ریاست تشریفات هم در حدود وظایف خود درین سنّه مصدر اجراءات و کیار روایی های خوبی شده است که وقتاً فوقاً موضوعات قابل نشر آن را به روز نامه های مرکز انتشار داده اند.

چون موضوعات تشریفاتی و سائر مسائل متعلق با آن مربوط باین ریاست است لذا ریاست مذکور درین نوع موارد آنطوریکه شایسته آداب دیلو ماسی است مصدر خدمت شده است.

### شعبه حقوق (امور بین‌المللی) :

طور یکه از شعبه حقوق اطلاع گرفته ایم : چون درین سال تشبیثات حقوقی عبارت از نظریات و استشاره ها بوده و تاکنون اصولنامه هایی درین زمینه ها از مقامات ذی صلاحیت گذارش نیافرده است تامفصلاً ذکر نمیشد و رویه مرتفه اجراءات امساله شعبه حقوق درسه رشته تقسیم میشود.

۱ : - استشاره ها واراءه نظریات حقوقی .

۲ : - تشبیث به ترتیب لوائح اصولی که پیش نهاد شده است .

۳ : - تنظیم کتب خانه وزارت .

### مقررات :

ص ، عبدالرحمن خان سابق مدیر خارجه قندهار ب مدیریت شعبه ۴ سیاسی  
ص ، محمدقاسم خان سابق سر کاتب وزارت محترم افغانی در توکیه مدیر شعبه اول قونسلگری

ع ، ص عبدالوهاب خان سابق قونسل بمبائی جنرال قونسل مشهد  
ع ، ص محمد شعیب خان « کراجی قونسل بمبائی .  
ص ، محمد طاهر خان سرکاتب قونسلگری بمبائی .  
ع ، محمد اکبر خان قونسل کراجی .

ص ، محمد تیم خان مامور ویژه افغانی در پشاور .  
ص ، محمد رفیق خان مدیر خارجه فندهار مقرر شدند .

### سفرای کبار وزیر امور خارجه در دربار کابل :

ع ، ج ، آ قای مددوح شوکت اسنان نماینده فوق العاده و سفیر کبیر دولت جمهوریه ترکیه  
ع ، ج ، آ قای کوئنستین میخائلوف الکساندر ویچ نماینده فوق العاده و سفیر کبیر دولت  
اتحادیه جماهیر اشترانیه شوروی

ع ، ج ، آ قای حسین سمیعی سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران  
ع ، ج ، آ قای لیتوان کلوفنل سرفیر تتلر نماینده فرق العاده و وزیر مختار دولت  
بر طانیه

ع ، ج ، آ قای کوم دوت پیتر و کوارونی نماینده فوق العاده و وزیر مختار دولت ایطالیا  
» آ قای هنس پلگر نماینده فوق العاده و وزیر مختار دولت آلمان

» آ قای محمد سلیمان الحوت بک وزیر مختار و نماینده فوق العاده دولت شاهی مصر  
عالیقدر آ قای چیناروایوازا کی شارز دافر دولت جاپان

ع ، ج ، آ قای امین العمری نماینده فوق العاده و وزیر مختار دولت شاهی عراق معرفی  
واگریمان جلال آب مذکور صادر شده و تحال مشارا به وارد کابل نشده . عالیقدر  
آ قای سید ابراهیم الخضری بحیث شارز دافر امورات سفارت را اجرا میکند .

ع ، ج ، آ قای شانتی نماینده فوق العاده و وزیر مختار دولت فرانسه در کابل که از طرف  
حکومت فرانسه معرفی و قبول آن از طرف حکومت افغانستان داده شده و تحال جلال آب  
مد کور وارد کابل نشده آ قای کوه فارد بحیث شارز دافر امورات سفارت را اجرا میکند .  
ع ، ج ، آ قای لوئی دریفود وزیر مختار جماهیر متحده امریکا در کابل و طهران و مرکز  
طهران و تاهنوز اعتماد نامه خود را بحضور اعلیحضرت همایونی تقدیم نمکرده .

سوانح مختصر جناب عج آفای حسین سمیعی (ادیب السلطنه) سفير کبیر ایران در در بار اعلیحضرت پادشاه افغانستان

آغاز خدمت دولت شاهنشاهی در وزارت امور خارجه در سال ۱۳۱۴ هجری قمری - پانزده سال در خدمت وزارت امور خارجه و ریاست اداره داران وزارت خارجه مدیریت کل وزارت کشور (داغه) در مدت ۵ سال .

امانیگان مجلس شورای ملی ، معاونت وزارت کشور (داخله) در سنه ۱۲۹۹ هجری شمسی و بعد از چند مأموریت ریاست وزیران .

وزیر فوائد عامه در سال ۱۳۰۱ .

حكومة طهران در سال ۱۳۰۱ .

معاونت ریاست وزیران ۱۳۰۲ .

وزیر دادگستری (عدلیه) ۱۳۰۳ .

حكومة طهران ۱۳۰۴ . عج آفای حسین سمیعی (ادیب السلطنه)

از ۱۳۰۶ تا چهار سال وزیر کشور (داخله) .

سنه کبیر ایران از ۱۳۱۰ تا سه سال والی آذربایجان .

بعد از آن مدت پنج سال رئیس در بار شاهنشاهی .

آستاندار آستان چهارم (رضایه) در اواسط سال ۱۳۱۸ شمسی .

و بتاریخ روز شنبه ۳ عقرب ۱۳۱۹ بحیث سفير کبیر دولت شاهنشاهی ایران در دربار شاه افغانستان وارد کابل شد و بتاریخ روز سه شنبه ۱۴ عقرب ۱۳۱۹ ساعت ۱۱ بقصدر لکشا بحضور اعلیحضرت همایوتوی بار یافته و اعتماد نامه خود را تقدیم نمودند .



سوانح مختصر ع، ج، آقای محمد سلیمان الجوت باك

وزیر مختار مصر!



ع، ج، آقای محمد سلیمان الجوت باك وزیر مختار دولت شاهی مصر در کابل، بناریخ هاده اکتوبر ۱۸۹۱ تولد یافته و در سنه ۱۹۱۳ از فاکولتی حقوق (در مصر) فارغ التحصیل شده است و بسن ۱۹۲۲ در ملازمت حکومت مصر شامل و بما موریتی ای خائف در داخل مملکت و مالک خارجه مقرر شده اند تا آنکه در سنه ۱۹۳۷ در پراک و در ۱۹۳۹ در بودا یست شارذ دادر مقرر گردیدند و بناریخ ۵ میزان ۱۳۱۹ بجای وزیر مختار و نماینده فوق العاده حکومت شاهی مصر بدر بار کابل وارد شدند، بروز شنبه ۲۷ میزان ۱۳۱۹ ساعت ۲ بحضور اعلیحضرت همایونی در قصر دلکشا مشرف و اعتماد نامه خود را تقدیم نمود.

ع، ج، آقای محمد سلیمان الجوت باك  
وزیر مختار مصر



## امور داخلی

واضح است که نخستین شرط ترقی و پیشرفت یک مملکت امنیت است در مملکتی که امنیت وجود دارد و مؤسسات و دوازیر دولتی هر کدام در حدود وظیفه خود اجرای فعالیت مینمایند و همیشه ملتفت اند تا اشخاص از حقوق خود به تمام ممتنع و بوجایب خویش عمل نمایند طبیعی است که دران مملکت ظلم، تجاوز قوی بر ضعیف، تلفی حق و تجاوز بر ناموس و آبروی مردم به عمل نیامده افراد به کمال اطمینان و اعتماد به کارهای موظفه و محوله خود ها می پردازند و مملکت پیوسته بیش میرود.

این وظیفه عمدۀ در دنیا غالباً بدلوش وزارت‌های داخله سپرده می‌شود خوش بختانه وزارت داخله ماهم مثل و زارت‌های داخله جدی وفعال این وظیفه خود را طوری که حکومت متبوعه خواسته انجام داده و درین سوابع اخیره درسایه امنیت و رفاه عامه عامل بزرگ پیشرفت شعب دیگر مملکت شده است این است که بر حسب معنادشۀ از خدمات این وزارت را که در سنۀ ۱۳۱۹ در تحریکیم بثیان امن و آسایش مملکت انجام داده است مینویسیم:

تغیرات و تبدلا تیکه درین سال بوزارت داخله و مربوطات آن از نقطه نظر اداری و ایجاد بات محیط وغیره بعمل آمده میتوان به قسمت ارائه نمود:

اول: تغییرات در تشکیلات اداری وملکی .

دوم: مقررات ها :

### اول: تغییرات در تشکیلات اداری وملکی

(الف) : تغییرات اداری دوازیر وزارت داخله : دوازیر مرکزی از نقطه نظر اهمیت امور مربوطه واقضاء وقت به اساس صوابید دوازیر مربوطه و منظوری مقامات رفیعه تعديل و دارای تشکیلات ذیل شده است:

۱: ریاست زاندارمه و پولیس .

۲: « اداری »

۳: « تقاضیش عمومیه »

۴: سرکتابت خصوصی

ریاست زاندارمه و پولیس مرکب از دوازیر ذیل است:

الف: مدیریت تشکیلات و تعلیم و تربیه .

ب: « امنیت »

ج: « وزاره و پاسپورت »

## اجرا آت دوازه ملکتن

د :- مدیریت اخذ اطلاعات

ه :- « لوازم

و :- « تعلیمگاه پولیس

(۲) ریاست اداری سرکب ازدواز ذیل است :

الف - مدیریت عمومی احصائیه

ب :- « مامورین

ج :- « کشرون

د :- ماموریت اوراق کار تبدیل بعد از نقطه نظر و سعی دوازه و افزونی کار تبدیل بعد از تعداد کتابان بقدر ازوم افزوده شد.

(۳) ریاست تقاضش کدو شعبه ذیل برآن ارتباط دارد :

الف :- شعبه تقاضش / که دارای ۴ عضو و سرکاتب و ناتاب میباشد

ب :- « نتیجه / دارای سرکاتب و کاتب بقدر لازمه میباشد

(۴) سرکتاب خصوصی :- که اساساً بزیر اموروزیر اجرای کار مینماید.

(ب) تعدیلات و تبدیلات ملکیه :- که حسب ییشناه دوازه مربوط و منظوری مقامات عالیه

در تقسیمات ملکیه بعض تبدیلات واقع گردید قرار آنی است :-

۱ :- علاقه داری واژه خواه که سابق برین مربوط حکومتی کتواز بود از نقطه نظر اداره بحکومت درجه ۳ تبدیل شد.

۲ :- وردومی که سابقاً مربوط علاقه داری واژه خواه بود بنام علاقه داری (ممی) تشکیل و مربوط حکومتی واژه خواگردید.

۳ :- علاقه داری لعل و سر جنگل مربوط حکومتی کلان دایز نگی بحکومتی درجه ۳ تعدیل شد.

۴ :- « شارستان » » » » » » » »

۵ :- حکومتی درجه ۳ چهاردهی و نیمان نظر بکشتر نفوس آن بحکومتی درجه ۲ تبدیل داده شد.

۶ :- فریه سرچشمہ از نقطه نظر تسهیلات به اهالی از حکومتی میدان منفک و بحکومتی بهسود مربوط شد.

۷ :- فریه خرین چون از حکومت فرهنگ غرنی دور و بحکومتی (شرن) نزدیک بود از آنجا منفک و به این مربوط شد.

۸ :- فریه جات ملک دین خیل ، صالح خیل از بست حکومتی مقر و فریه پنی از بست حکومتی کتواز از نقطه نظر بهتر اداره شدن منفک و بحکومت واژه خواه مربوط شدند.

۹ :- فریه نوآباد دهمنگ (از حد فاصل کات حریقی میثار عبدالوهاب کیل خان شهید) چون به

- شهر کابل تزدیک بود از حکومتی چهاردهی منفک و شهر مر بو ط شد .

۱۰ : فریه قورماج نواحی آن که از مربوطات حکومتی مرغاب بو دمبل بیک علاقه داری و بحکومتی مذکور مر بو ط شد .

۱۱ : مرکز حکومتی کلان غورات از نقطه نظر مرکزیت به شهر ک تغیر و حکومتی شهر ک بغور منتقل شد .

۱۲ : علاقه داری گلران مربوط حکومتی کشک کیک منصه وسیع بو ده وقوس زیاد دارد بحکومتی درجه ۳ منظور شد .

۱۳ : علاقه داری فارس مازنده علاقه داری گلران بحکومتی درجه ۳ منظور شد .

۱۴ : حکومتی درجه اول کشک بواسطه که علاقه داری گلران ازان منفک شد بحکومتی درجه ۲ تبدیل داده شد .

۱۵ : چون حکومت ایک ، تاشقرغان ، دره صوف از مرکز دارالحکومگی دور بو دبلا حضه برتری و خوبی اداره بحکومتی کلان ایک تشکیل و حکومات دره صوف و تاشقرغان با آن مر بو ط شد .

۱۶ : جزیره درقد که از مربوطات ینگی قلعه بود و تشکیل یک علاقه داری را ایجاد مینمود بنام علاقه داری درقد تشکیل و منظور شد .

۱۷ : بفرض بیود اداره حکومتی درجه اول رستاق از حکومتی کلان بد خشان منفک و بحکومتی کلان تشکیل و منظور شد .

۱۸ : حکومات ینگی قلعه و چاه آب از حکومتی کلان بد خشان مجر ا و بحکومتی کلان رستاق مر بو ط شد .

۱۹ : حکومتی درجه ۳ بغلان بحکومتی درجه اول تبدیل داده شد .

۲۰ : برای اینکه اهالی منطقه ریگ شورابک بصورت بهتری اداره شده و تسهیلات به او شان عائد شده باشد یک علاقه داری جدید تشکیل مسمی بریگ شورابک منظور و بحکومتی شورابک مر بو ط شد .

۲۱ : علاقه داری لجه منگل که از حکومتی منگل نسبتاً بعید و بر کز حکومتی اعلیٰ قریب بود حسب ییش نهاد حکومتی اعلیٰ جنوبی و منظوری مقامات صلاحیت دار از حکومتی منگل منفک و بر کز حکومتی اعلیٰ مر بو ط شد .

۲۲ : حکومتی درجه ۳ اندراب بدرجه ۲ مبدل شد .

۲۳ : در مرکز خان آباد یک حکومتی درجه ۲ تشکیل و منظور شد .

۲۴ : در غوری « » « » « »

۲۵ : در دهنه غوری یک علاقه داری تشکیل و منظور شد .

۲۶ : اسم فریه کافر دره مربوط علاقه داری خوشی به پشتون و پت تبدیل شد .

۲۷ : « » افشار نانچی مربوط حکومتی چهاردهی به سین کلی مبدل شد .

۲۸ : علاقه داری شاهلان به پشتون زرغون تبدیل شد .

## (دوم) مقررات ها

- ۱: ع، ج، س؛ غلام فاروق خان و کیل وزارت داخله عوض ع، ج، ا، محمد گلخان بریاست تنظیمه ولایت قطعن و بد خشان.
- ۲: ع، ص محمد نعیم خان سابق مستوفی ولایت قندهار بریاست تفتش وزارت.
- ۳: ع، ص اختر محمد خان ولد حاجی محمد صدیق خان فارغ التحصیل ترکیه بعیدیریت امنیت وزارت.
- ۴: فاضی محمد شیرین خان سابق فاضی حکومت پنجوانی ولایت قندهار به عضویت تفتش وزارت بدرجہ مدیر انتہائی.
- ۵: عطا محمد خان به عضویت تفتش وزارت بدرجہ مدیر ابتدائی.
- ۶: عبدالسمع خان سابق سر کاتب کوتولی ولایت مزار شریف به عضویت ریاست تفتش وزارت بدرجہ مدیر ابتدائی.
- ۷: شاه محمد خان سر کاتب خصوصی وزارت ترقیا به عضویت تفتش بدرجہ مدیر ابتدائی.
- ۸: محمد حسن خان مامور اوراق وزارت ترقیا بعیدیریت او راق و از آنجا تبدیل بعیدیریت مامورین وزارت.
- ۹: ع، ع سید آقا خان معاف و لایت کتابل بمحکومتی کلان له گرد عوض محمد صدیق خان (که مریضی مشارالیہ بطول انجامید).
- ۱۰: ش، غلام دستگیر خان قوماندان کوتولی حکومتی کلان شمالی ترقیا بکفالت سر ماموریت پولیس کتابل.
- ۱۱: ش، نیاز گل خان فارغ التحصیل تعلیمگاه پولیس بقوماندانی کوتولی غزنی.
- ۱۲: ع، ع پایینده محمد خان حاکم کلان گرشک بمحکومتی کلان ارزگان تبدیل و عوض مذکور ع، ع سید غلام رسول خان مقرر شد.
- ۱۳: ع، ع سعادت خان بمحکومتی کلان باد غیسات.
- ۱۴: ع، ع محمد اختر خان بمحکومتی کلان ایک.
- ۱۵: ص، غریب الله خان سر کاتب شعبہ مامورین وزارت داخله ترقیا بعیدیریت تحریرات ولایت قطعن و بد خشان.
- ۱۶: ص، محمد حفیظ خان سر کاتب شعبہ اجرائیہ بعیدیریت مامورین وزارت بعیدیریت احصائیه ولایت قطعن و بد خشان.
- ۱۷: سید محمد حسن خان حاکم روادات ترقیا بکفالت حکومتی کلان شنوار.
- ۱۸: ش، سید امیر خان قوماندان غزنی ترقیا بقوماندانی کوتولی میمٹه مقرر شدند.

### ریاست تفتيش :

ریاست تفتيش عمومیه وزارت داخله جدیداً تشکيل ودر تحت اداره يكئنفر رئيس اداره وبر حسب مقررات لایحه جداگانه که تعین وظایف و مقررات تفتيش امور و صورت جریانات آن در ان تصریح شده اجرای وظیفه می نماید، ریاست تفتيش عمومیه منشعب است بر دو شعبه.

### شعبه عمومیه و شعبه نتیجه قطعیه :

شعبه تفتيش عمومیه درین سال تاسیس و چهار فقر اعضاء، و بعد از اكمال اعضاي اداره خود آغاز بکار نمود گرچه این ریاست جدیداً تشکيل و درین سال اقدام به اجرا آت نموده معهداً در بعضی قسمت ها مثل تفتيش اجرا آت و دائز نمودن حاکماً مامورین شعبه داخله ، تفتيش ووارشی به امور احصائيه استكشاف مجالهای جعلی و محکوم نمودن مجرمین به جزا، اقدامات در احضار افراد عسکري، وغيره امور راجعه تفتيشه اقدامات و نتائج خوبی بدست آورده است.

### ریاست پوليس و ژاندارمه :

لایحه معلومات صورت اجرا آت و اصلاحات و انتظامات نظم و نسق اداری که در سال ۱۳۱۹ نسبت به انتظام اساسی تشکيلات قوا، پوليس و زاندارمه مملکت و تنظيم امورات متعلقه قیام، امنیت عمومیه مملکت و قسمت های کنترول احصائيه انواع و اعفاء جرائم در مملکت واصول تحقیق و تعقیب و دستگیری مجرمین و تکمیل تحقیقات درباره آنها واصل فیصله باز خواست آن و قسمت های امورات متعلق انواع پاسپورت های دولتی و تنظیم پروژه های قانونی آن و تأسیسات از نظم و نسق تعليماتی تعلیمگاه پولیس و تضییقات از دسپلین عسکري متعلقه قوا، عمومی پولیس و زاندارمه و تکمیل اسلحه والبسه و جباء خانه و تجهیزات سازه آنها و انتظامات امورات تهانه جات مملکتی و سائر امورات متعلقه قوا، پولیس و زاندارمه مملکت بعمل آمده است « صورت اصل تشکيل اساسی و معلومات اجرا آت اداری آن بقرار ذیل است ».

### قسمت اول : صورت تشکيل آن :

بعر کنر وزارت داخله که قبله يك مدیر يك مديريت عمومي پوليس مو جود بود و جون مر جمع اداره مذکور اساساً مر جمع و محور اداري جمیع امورات قوا، پوليس و زاندارم مملکت است لهذا از نقطه نظر ايجا بات لزوم اداري واهیت موضوع فیام امنیت عمومیه تحت احکام نمبر ۳۵۱۴ تاریخی ۲۰ حوت ۱۳۱۸ مقام عالی صداره عظیم درین سال يك ریاست « بنام ریاست پوليس زاندرم » منظور گردیده و دوائر مربوطه آن نیز به صورت وسیعتری تشکيل شده است صورت تشکيلات اداری و تعین و ترقیق وظائف شعبات آن به قرار ذیل است :

ریاست پولیس راندار مه :

ریاست پولیس راندر آمر جمیع ادارات مربوطه اعم ازینکه بمرکز وزارت و بافو ماندانی های پولیس وزانداره ولایات و حکومات اعلی و حکومات کلان و حکومات شلاه و مفرزه های علاقه داری های مملکت و راندر مه های سرحدات باشد همچنان بامور تدویر یه و انتظا میه و نظم و نسق و اصلاح پروژه های اداری و تعلیماتی و تشکیلاتی و پروگرام های خدمات داخلی واداره امور مسائل امنیت عمومیه و ویزا و پاسپورتی و اخذ اطلاعات شعبه دا خله و تو سعه معلومات عمومیه و خصوصیات سائمه و امورات سائزه محاکمات و جزائی و جنائی و حقوق واداره ذاتیات و شخصیات عمومیه و تجویز و تهیه سائز افراد و عمله و فعله مربوطة آن و ضابطان خورد ضابطان آمران و صاحب منصبان عمومیه قطعات و تهیه و تکمیل اسلحه والسه و تجهیزات سائزه ولوازمات عمومیه میباشد برخلافه در محفل اجمعی وزارت کدرا امور مربوطات وزارت منعقد میباشد بحیث عضو مجلس اثبات وجود نموده اشتراک مساعی مینماید . مدیریت تشکیلات و تعلیم و تربیه عمومیه متشکل ازینج شعبه مملکتی بنام شعبه تالیف و ترجیه و شعبه تشکیلات عمومیه شعبه تعلیم و تربیه عمومیه شعبه محاکمات عمومیه شعبه انتظام و ذاتیات شخصیه عمومیه است که شعبات مذکور دارای پنج دفتر منظم میباشد .

مامورین این شعبات از درجه مدیر و مامور و سرکاتب و کتابخان و ترجمان از نظم و نسق امورات قانون و نظام و پروژه تعلیمات و نشیریات و انتظام تشکیلات عمومیه و تعلیم و تربیه عمومیه و تعلیمگاه پولیس و اصول معلومات عمومیه و امور ضبط وربط قطعات عمومیه و امورات عزل و نصب و سائز مجازات و مکافات و اصول تقاضه و مستمری و اصول استخدام صفت آمران ضابطان خورد ضابطان و سلاح اندازان حسب اصول و مقررات مملکتی طوری دارای وظیفه اندکمدیر از امور تدویر یه و نظارت و باخبری جمیع امورات تدویریه آن سرکتابخان و کتابخان هر کدام در حدود وظائف خودها از امور تحریر یه و اصول اداری دفتر داری مسئول و مکلف میباشند .

۱:- راجع به تعلیم و تربیه عمومیه :

۲:- « تشکیلات عمومیه قطعات پولیس وزانداره و هیئت های متعلقه آن .

۳:- « محاکمات عمومیه و سائز افراد و ضابطان و آمران .

۴:- « ضبط وربط عمومیه از درجه مفرزه های دلگیها ، بلوکها ، تولیها ، کنندکها غند های متشكده .

۵:- « پروژه قانون نظام و نظامداری و حدود صلاحیت و اختیارات رتبه داران و ضبط ربط داخلی قطعات .

۶:- راجع به اصول عزل و نصب و تنظیم دفتر سوانح و مجازات و مکافات و محاکمات و تبدلات سائزه .

- ۷:- راجع به اصول تقاضه و مستمری .
- ۸:- « » تدارک و تریقات و دوره های خدمات و کل ضابطی و دوره های ضابطی و آمری و طی نمودن دوره های ابتدائی و انتهائی معینه .
- ۹:- راجع به اصول رخصتی ، مربضی ، حاضری و اصول استغفار .
- ۱۰:- « » تطبیقی دسیلین نظامیه عمومیه تمام امورات متعلقه صنف قواه پولیس زاندارمه مملکت عیناً مطابق نظمات و نظام نامه ها و قوانین عسکری تطبیق و بمقع اجرا گذاشته میشود حتی تعین مجازات سوء رفتار افراد و مامورین آن نهوماً مطابق نظمات نامه های جزای عسکری تطبیق میگردد تهادی و انحراف های ابتدائی قطعات پولیس و زاندارمه در حال حاضر مجالس مشوره و لایات و حکومات اعلی و مسائل صرافیه و تمیز طلبی شان به محفل انجمن و وزارت داخله حل و فصل میگردد یعنی دیوان حرب های مخصوصه قطعات پولیس و زاندارمه و امور محکمانی شان فعلاً حسب ماذونیت مجالس مشوره و لایات و حکومات اعلی متعلق و در صورت صرافعه طلبی به محفل انجمن و وزارت وارسی میشود و مقامات مذکور نیز تطبیق مجازات شان را حسب مقررات مندرجۀ نظاماتمه جزای عسکری تعین و تطبیق مینمایند .

مادة سوم :- مدیریت لوازم دارای یک نفر مدیر بدرجه کنشکمش و بدشعبه که عبارت از تنظیم دفتر و اجرای امورات متعلقه نسبت به معاشرات و مصارفات عمومیه و شعبه دوم آن به تنظیم دفتر اسلحه ، البسه و تجهیزات سائره عمومیه و تکمیل لوازمات عمومیه وظیفه دار میباشد مامورین این شعبه مطابق اصولنامه موضوعه مدیریت های لوازمات عسکری ایضاً وظیفه نموده در حدود مقررات آن مسئول و مکلف میباشد امادر تشکیل امسال مدیریت لوازم گرفته نشده است .

مادة چهارم :- مدیریت اداره امنیت عمومیه بچهار شعبه بنام شعبه کشتارول احصائیه انواع واقعات جرائم و شعبه تحقیقات و اصول فیصله بازخواست جرائم و شعبه محبوسین و توقيفين و شعبه حقوقی منقسم میگردد .

۱:- شعبه کشتارول احصائیه انواع واقعات جرائم در تنظیم و اجرای راپور های مجرد واقعات و راپور های فیصله بازخواست و راپور های احصائیه و افعالات سالمانم کل مملکت به تفريغ و لایات و حکومات اعلی و حکومات کلان و ثلاثة و علاوه داری های مملکت و نوع واقعه و معلومات صورت حوادث بمراتب اربعه و شعبه دستگیری مجرمین و تحقیقات و افعالات جرائم و تکمیل تحقیقات درباره آنها و فیصله بازخواست اصولی راجع به تعین مجازات مجرمین و شعبه <sup>۳</sup> توقيفين و محبوسین و تنظیم سجل و سوابع آنها و صنفی ساختن محبوسین و تقریق انانیه و ذکر رویشه و کسب و کار آنها و عملیات صنعت ، حرفت سائره و مسائل جیره و تکنین و تجهیز سائره امورات محبوسین موظف میباشد و شعبه چهار که مراد از شعبه حقوق است اداره و کشتارول تمام مسائل حقوقیه مملکت و تنظیم راپور

های حقوق مملکت را از ولایات و حکومات اعلی و کلان و حکومات ثالثه و علاوه داری های مملکت را اداره و تنظیم میدهند همچنان مسائل جمیع اموریکه بمسائل حقوقیه ربط داشته باشد و یا از طرف ولایات و حکومات اعلی دران امورات مراجعت شده شعبه موظفه به اجرای آن مسئول و مکلف است :

« تبصره » :

مدیر و مامورین این شعبات از حسن تدویر امور اداره و تعقیب بازخواست لازمه و نظارت باخبری از کنترول اداره امنیت عمومیه و سر کاتب و کتابان هر کدام در حدود وظیفه خودها از حسن اجرا و بموقع اجرا رسیدن امور تحریریه و اصول دفترداری مسئول شمرده میشوند .  
ماده پنجم : مدیریت وزیرا و پاسپورت بدو شعبه منقسم میشود یکی بنام شعبه وزیرا دیگری بنام شعبه پاسپورت .

۱ : شعبه وزیرا بدو دفتر بنام شعبه تنظیم دفتر امور وزیرا و حق وزیرا و اجرای امور وزیرا و شعبه دوم آن بنام تعقیب ازورقه های صادره اذن اقامه اتباع خارجه تقسیم میگردد هر دو شعبات مربوطه آن از حسن تنظیم و اجرای امور وزیرا و حق وزیرا و تطبیقات تمام مواد اصولنامه موضوعه وزیرا مکلف میباشند وقتاً لسته همان حصه اتباع خارجرا که با اساس حصول وزیرا در مملکت اقامه میکنند ترتیب و تعقیب مینمایند .  
هم چنان شعبه پاسپورت به دفتر تقسیم میشود :

۱ : - تنظیم دفتر تمام عوائد پاسپورتی مملکت از سرحدات و قوانین ای ها تنظیم را پرور های صادره ووارده اتباع داخله و خارجه و ضبط نمودن پاسپورت های اتباع داخله که میعاد اعتبار آن بسررسیده باشد بر تبییکه تفرق ولایات و حکومات اعلی و کلان و ثالثه و علاوه داری و محل مسکونه و مربوطه آن بهر دو صورت در فهرست منظم قید شده باشد تابعه موقع از ملاحظه این دفتر استفاده کلی حکومت راجح بمسافرت اتباع مملکتی و محلهای مسافرتی شان بهر دو صورت معلومات حاصل شده از نقطه نظر اداری مورد بسا استفاده های اداری واقع شده بتواند .

۲ : - دفتر تنظیم راپورهای وارد و صادره اتباع خارج و داخله به طوریکه اصول نشان داده است یعنی از صادره اتباع خارج وارد و صادره اتباع داخله رادر هر سه ماه از سرحدات مملکت برای پورهای مسلسل گرفته ووارده اتباع خارج را در پست اولین راپور حاصل نموده به مقامات عزیمت شان قبل از ورود شان اطلاع دهی لازمه نموده بوزارت امور خارج نیز معلومات احصائی آنها را اخباراً اطلاع میدهند .

۳ : - نظم دفتر جمیع مسائل و اموراتیکه به قوانین و اصولات پاسپورتی رابطه داشته باشد و اجرای مسائل ارتباط داخلی و خارجی و اقدامات به مقررات اصولی دائرة آنها و جمیع اموراتیکه

متعلق شعبه داخلی بوده و بدون پاسپورت دولتی به مالک خارجه سفر مینمایندویا عودت مینمایند و با تمام اتباع خارجه که بدون اصول ویزه داشتن پاسپورت قانونی داخل خاک مملکت میگردند و یا خارج مملکت میشوند و جمیع مسائل و مجازاتیکه راجع بحل و فصل امور یا سیورتی و خلاف وزری مورد بحث میگردد متعلق باین دفتر است.

شعبه هند که ویزه او پاسپورتی در حصه اجر ایمه امورات متعلقه عیناً مرافق و موظف از تطیقات مواد مندرجه اصولنامه های ویزا و پروژه اصولی پاسپورت مینباشد که به محور صحیح آن به صورت قانونی اجر اشده باشد و راجع بمسائل اداری و اصول دفترداری به صورت عمومی مدیران از امور تدویر یه و باخبری و نظارت از حسن اجرا آمة امورات به محور لا یقش و سر کاتب و کتابخان از حصه امور تحریر یه و جمیع مسائل متعلقه دفترداری مکاف و مسئول مینباشد.

مادة ششم : مدیریت اخذ اطلاعات مرکب از سه شعبه و شعبات آن به دفاتر جدا گانه منقسم میگردد شعبات مذکور مطابق یک تعلیمات نامه جدا گانه ایفاء و ظائف مینمایند .

#### الف : مدیریت تشکیلات و تعلیم و تربیه عمومیه :

این شعبه از جمیع کتاب های قوانین پولیس که توسط نماینده های وزارت امور خارجه تهیه و خریداری شده بذرایع مختلف استفاده های شایانی گرفته است و چنانچه نسبت به ترتیب لایحه های تحقیقات ابتدائی و صورت استنطاق قضایی جزائی و جنائی ولایحه تسهیل و تعییف مجازات و مکافات محبوسین و تعلیمات نامه اداره داخلی تعلیمگاه پولیس که درین سال بر یا است پولیس وزاندارمه ترتیب و از مقام عالی صادرت عظمی منظور گردیده است تا جاییکه به قوانین اساسی مملکت مطابقت می نمود استفاده خوبی گرفته شده است بدیهی است که بروی این اساس نافع درآتی نیز به بسا استفاده های مزیدی موفق و نائل خواهد شد .

#### ۲:- راجع به تنظیم و نظام و نسق تشکیلات عمومیه قواء ضابط مملکت :

درین سال راجع به انتظام تشکیلات عمومیه قواء ضابط مملکت و غندهای پولیس و غندهای وزاندارمه کزی و قطعات و مفرزه های پولیس وزاندارمه و لايات و حکومات اعلا و کلان و مفرزه های مقرر علاقه داری ها و حکومات ثلاثة مملکت و تهانه جات ملکیه پهنه های مقرر مواضع لازمه بصورت عمومی تجاییکه بودجه اقتصادی مملکت اجازه میداد اصلاحات مفید و منظمی بعمل آمده است چنانچه در غندهای مرکزی و کندها و مفرزه های حکومات ثلاثة و علاقه داری ها به تناسب موقع و محل در تشکیلات آن غور گردیده از نقطه نظر خوبتر و منظمتر اداره شدن تقسیمات درستی در تشکیلات آن بعمل آمده بر علاوه در جمیع مفرزه های حکومات ثلاثة یک یک نفر ضابط بر تهیه بلوکمشر و یک یکنفر کاتب مفرزه جهت ضبط و ربط امور انظباطیه و امور اداریه

واصول حاضری وغیر حاضری وغیره امورات اسلحه والبسه متعلقه مفرزه ها یمند کور ازابتداي سال ۱۳۱۹ منظوري حاصل شده است برعلاوه آن برعدد افراد مفرزه های علاوه داریها و حکومات ثلاثة به اندازه زیادی بعمل آمده اصلاحات درستی شده است.

### تعلیم و تربیه عمومی :

بنست به تعلیم و تربیه عمومیه قوای ضابط مملکت از جیث ایجابات و مقتضیات عصری و عسکری بهردو صورت درین سل اساسات مفید تری بناء گذاشته شده است چنانچه از یکطرف مقتضیات مسلکی و تعلیمی و دسپلین و قواعد داخلی عسکری را ازو زارت حریه معلومات گرفته و به قطعات ولایات و حکومات اعلی دستورات صادر کرده است و توسط ضابطان تعلیم یافته و فارغ التصیلان دوره اول و دوره دوم و دوره سوم تعلیمگاه پولیس که در تمام مملکت داخل بست شده اند اساس تعلیمی و انضباط قائم گردیده است ولی از طرف دیگر برای بدست آوردن از ضابطان تعلیم دیده مزید که بتواند تمام احتیاجات ضابطان داخل بست قوای ضابطه مملکت را بوره کند در بودجه تعلیمگاه پولیس برعلاوه بست مقرره همه ساله آن به تعداد زیادی منظوري جدیدی حاصل و تخصیصیه آن صادر گردیده است چنانچه تمام تعدادی معلمین داخل منظوري تعلیمگاه را از تمام ولایات و حکومات اعلی بدست آورده و فعلی مصروف تعلیم و تربیه اساسی در تعلیمگاه پولیس میباشد که پس از طی شدن دوره مقررة تعلیمی و اخذ امتحان و حصول شها دتنامه حسب پروگرام داخلی تعلیمگاه پولیس ولایات و حکومات اعلی داخل بست میشوند فعلی عده فارغ التصیلان دوره ۳ تعلیمگاه پولیس که احر از موقیت نموده دوره ۳ تعلیمگاه را اطی کرده و نائل رتبه شده اند و بولایات و حکومات اعلی مصروف خدمت میباشند بسیار زیاداند.

### اصول محکمات :

به صورت عمومی درین باره از وزارت جلیله حریه معلومات حاصل نموده جهت تطبیق و تعیین آن در تمام فومندانی های پولیس زاندارمه ولایات و حکومات اعلی امر تطبیق و تعیین صادر شده است تنها الى زمان تشکیل دیوان حرب های موقی و دائمی در فرقه و غند های پولیس زاندارمه مر جمع فیصله های ابتدائی قوای ضابطه مملکت مجلس مشوره حکومات کلان و مر جمع مرافقه آنها مجالس مشوره ولایات و حکومات اعلی و مر جمع تمیز خواهی آنها مجلس انجمن مامورین وزارت داخله است که بروی این ترتیب اساسی عیناً بر طبق نظامنامه جزای عسکری و امورات متعلق فیصله بازخواست و حل و فصل مسائل متعلقه نسبتی افراد و رتبه داران تا جاییکه در حدود صلاحیت قانونی مقامات موصوف آن متعلق است به محور صحیح و قانونی اداره میگردد؛

### عنزل و نصب :

درین سال تمام معاملات این حصه قوای ضابطه مملکت ازو زارت حربیه پروژه های اساسی آنرا بددست آورده حسب مواد لایحه مصوبه مجلس عسکری وزارت حربیه به منظوری حضور شاهانه رسیده به صورت اساسی بر طبق قواعد مرعیه وزارت حربیه تحت اجرا گرفته شده است وهم چنان تنظیم دفتر سجلات رتبه داران و صاحب منصبان قوای ضابط مملکت را به قيد ورقه های جدا گانه به طبع رسانیده پس از تصدیق آمران متعلقه عیناً ترتیب و تنظیم میگردد و مراتب طی شدن دوره های و کلی ضابطی و ضابطی و آمرین مطابق پروژه های است که ترتیب یافته .

و نیز درین سال از تمام فومندانهای پولیس وزاندارمه ولایات و حکومات اعلیٰ لایحه های صورت اصل بست و موجود و کمود عمومیه معلومات صحیح گرفته و یک سواد آن به شعبه ریاست حربی وزارت حربیه راجع شده تا در جمله معلومات عمومیه طور یکه مقرر است بحضور رشاها نه تقدیم نمایند وهم نسبت به تکمیل قلمات کمود آن جدا افدا مات بعمل آمد است راجع به اصول تقاعده و مستمری صاحب منصبان پولیس زاندارمه نیز اصولنامه تقاعده ترتیب یافته چنانچه بر یاست عالی شورای ملی بفرض طی شدن مراتب فانونی تحت بحث است بدیهی است که پس از طی شدن مراتب فانونی عملی میگردد .

### ب : مدیریت اداره امنیت عمومیه :

شعبه اول کنترول احصایه انواع واقعات جرائم به اجرا آت ذیل برداخته است :

الف نسبت به حسن انتظام راپور های انواع واقعات جرائم .

۱:- « راپورهای مجرد واقعات به صورت ماهواره .

۲:- « برایور های فیصله جات و تحقیق و باز خواست به صورت سه ماهه .

۳:- « » کنترول احصایه انواع واقعات جرائم به صورت سال تمام .

۴:- « » جمع کل سال تمام محیط ولایات و حکومات اعلیٰ که در آخر هرسال به صورت مجموع ترتیب شود .

ب :- نسبت به تنظیم امور اداری راپورت های مذکور به خود مدیریت دفتر مخصوصی بوجود آورده شده است .

۱:- به نسبت راپورهای متاخره که بوقت معینه نرسیده است اقدام شده .

۲:- « بدستگیری مجرمین به مقام مربوطه آن هدایات فانونی صادر شده است .

۳:- « به تکمیل تحقیقات اوامر و هدایات لازمه صادر شده است .

۴: نسبت به فیصله و بازخواست اصولی تعقیبات اصولی به مقامات مربوطه به عمل آمده است.  
 ج: « ترتیب لایحه مجمع کل احصائیه واقعات انواع جرائم با مقایسه و کنترول تعدادی واقعات سال گذشته تمام ولایات و حکومات اعلی و صورت هدایات لازمه در آن باره که از سال ۱۳۱۸ درین سال ترتیب و تنظیم گردیده است و راجع به انسداد و جاوگیری از تکرار انواع واقعات جرائم در تمام ولایات و حکومات اعلی هدایات لازمه صادر گردیده است.  
 د: از آنجا که نسبت به تکمیل تحقیقات انواع واقعات جرائم که ربطی به امنیت عمومی مملکت دارد تا حال کدام یروزه موجود نبود یروزه با تعليمات نامه اساسی آن که قبل از ترتیب و درین سال فی ما بین وزارت عدایه، وزارت داخله و اداره کنی جمعیت العالما و ریاست تمیز وزارت عدایه اصلاح و پس از تصویب تحت احکام نمبر ۲۴۰۴ / ۱۲ قوس مقام عالی صدارت عظمی منظور و یک یک نسخه برای تمام مامورین و ظیفه دار به تمامی ولایات و حکومات اعلی فرستاده شده.

### شعبه دوم شعبه محبوسین و حقوق :

۱: نسبت به تهیه البسه بهاری وزمستانی محبوسین درین سال اقدامات لازمه به عمل آمده است  
 ۲: نسبت بمسائل جیره و خوراکه محبوسین لا جایداد درین سال نیز یک انتظام درستی به عمل آمده است  
 ۳: نسبت به تعليمات و تهدیب اخلاق و اصلاح حال محبوسین در محبس خانه ها تبلیغات با موردینی و مذهبی شان اقدام مناسبی به عمل آمده است  
 ۴: آموختن صنعت و حرفت ذریعه معلمین مخصوص و تاسیس کارگاه های امور صنعتی به محبس ها درین سال نیز به صورت عمومی ترتیبات درستی اتخاذ شده است که به اینو سیله محبوسین داخله محبس ها صاحب صنعت و حرفت شده آینده شان خوب و صاحب یک رشته صنعت و حرفت باشد و از رهگذر دیگر این کارگاه های امور صنعتی محبس ها بر علاوه تاء سیس کارگاه ها برای اصلاح حال محبوسین مفید بوده و هم ملت از صنائع آن مستفید می شود چنانچه بر علاوه مربوطات ولایت کابل و مرکز درهذا سنه از توجهات حکومت خیر خواه ما یک مشت پول مکنی جهت تاسیس کارگاه های امور صنعتی برای محبس ولایت مزار شریف و حکومت اعلی مشرقی منظوری آن اعطاه شده و کار آن شروع گردیده است  
 ۵: برای تسهیل و تخفیف مجازات و مکافات محبوسین داخله محبس ها لایحه مدنظر بود که محبوسین در حال حبس نظر به حسن نیت شان مورد مکافات و نظر بعدم حسن نیت شان که در حال حبس مرتكب کدام جرم می شوند مورد مجازات قرار گیرند از دیر یست که یک لایحه تسهیل و تخفیف مجازات و مکافات محبوسین داخله محبس ها زیر نظر بود درهذاسته لایحه مذکور ترتیب و بعد از تصویب انجمن وزارت و منظوری احکام ۱۳۶۶ / ۱۴۴۶ تاریخی ۲۰ اسد ۱۳۱۹ مقام عالی

- صدرات عظمی به تمام محبس خانه های ولایات و حکومات اعلی توزیع گردید ،
- ۶: - راجع بحسن اداره امور راجعه مسائل حقوقی و میراعائدات آن در تزئید واردات دولت و وصول راپورهای احصایی عائدات آن ترتیبات درستی اتخاذ شده است ；
- ۷: - نسبت به راپورهای سه ماهه ده یکه حقوقی که از ولایات و حکومات اعلی میرسد به تنظیم امور اداری آن راپورت ； مذکور به خود مدیریت دوسيه مخصوصی کشاده شده است .

### شعبه سوم حصہ محبس عمومی مرکز کابل :

۱: - امور صنعتی سطرنجی بافی ، گلیم بافی ، تسر و کرمچ ، سرج بافی ، فالین بافی ، بوت دوزی سراجی ، نجاری ، سنگ تراشی ، حلبی سازی ، آهنگری ، تابلو نویسی ، ساختن نل و خشت سمنتی رنگریزی ، خیمه دوزی ، خیاضی ، جوراب بافی ، کجدیداً تاسیس ماشین های آن وارد محبس گردیده است .

امورات فوق الذکر عبارت از کارهای است که محبوسین روزانه قرار اصول موضوع محبس به آن مصروف بوده علاوه بر فوائد مادیه که از آن بدست می آید مصروفیت فعلی و کاریگری آتبه محبوسین نیز از فوائد آن بشمار میرود این هردو امر از نظر اصلاح اخلاق اهمیت خاصی دارد .

### ۲: - فعالیت های داخلی محبس :

این مصروفیت محبوسین که اهمیت آن کمتر از امور مذکوره اول نمیباشد عبارت است از فعالیت هایی که محبوسین برای رفع حوايج روزانه خود مینمایند مثلاً شعبه نانوائی که خود محبوسین نان روزانه محبس و توقیف خانه وغیره را در آن پخته کرده مؤسسه محبس و توقیف خانه وغیره را محتاج نانوائی خارج نمیگذارند ! نانیاً شعبه تعمیرات چون برای رفاه محبوسین و توسعه و ترمیم جاهای رهایش محبوسین وقتاً عمل معماری لازم می افتد اداره محبس اصولی را روی کار آورد که محبوسین را تحت اداره چند نفر معماران خارجی به این کار گماریده که اکنون تماماً احتیاجات داخلی محبس را خود رفع مینمایند چنانچه در اثر فعالیت ایشان عمارت جدیدی تا هذا سنه در محبس عمومی بناء و با حصر نوی به عمارت سابقه افزوده شده است و هنوز هم امور تعمیری جریان دارد علاوه بر کارهای موجوده مدیریت محبس به فکر پیش برداش امور صنعتی بوده وهم در تجهیز است که وسائل جدیدی بدست آورده حتی الامکان صنائع را ترقی بدهد چنانچه فعلاً برای ترقی و توسعه شعبه نل و خشت سازی یك تعداد ماشین ها از خارج خواسته شده است که عنقریب وارد وازان کار گرفته خواهد شد .

در ضمن اجرآت فوق شش نسخه اصلنامه هم به امر وکیل وزارت داخله در دادره مدیریت

- امنیت عمومیه از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده است اصول نامه های مذکور بقرار ذیل است .
- ۱- انتشار ایجاد داخل شدن سلک پولیس / محمد اسحق خان معلم پولیس ترجمه کرده است  
۲- اصول نامه وظیفه و صلاحیت پولیس / « « « « « «  
۳- قانون اصول نامه راندرمه / « « « « « «  
۴- اختیار محمد خان مدیر امنیت عمومیه ترجمه کرده  
۵- قانون اداره دولایات بر اساس توسعی ماذونیت (بر اساس توسعی ماذونیت) و تحریق و غلط اتفاق

### ج : - مدیریت پاسپورت

- ۱- راجع به امورات متعلق وزیر پاسپورت و پاسپورت و تطبيقات از پروژه های اصولی قانون نامه های انواع پاسپورت های دولتی و اصول نامه وزیر اتباع خارجه درین سال به قانون نامه جدید پاسپورت اقدام بعمل آمد و چنانچه پس از طی مرتب قانونی در تمام سرحدات و محلات و مقامات ذیصلاحیت اصول نامه آن تقسیم یافته و اجرای امورات مربوطه آن در تمام مملکت بروی اصول نامه مطبوعه آن مرتبأ تحت احراست :
- ۲- راجع به تنظیم دفتر عوائد پاسپورتی نیز درین سال نرتیبات درستی اتخاذ شده است .
- ۳- راجع به تنظیم رایپور های صادره ووارده اتباع داخله نیز درین سال نرتیبات لازمه گرفته شده است ؟
- ۴- راجع به تنظیم رایپور های صادره ووارده اتباع خارجه نیز بمرکز نرتیبات درستی اتخاذ گردیده چنانچه رایپور های وارد و صادره که از نقاط سرحدات مملکت میرسد منظمآ تحت غور گرفته شده واداره میگردد ؟
- ۵- راجع به امور طباعتی انواع پاسپورت های دولتی و تین در درجات و اصول طبع انواع آن اقدامات مطبوعی بعمل آمد است
- ۶- راجع به تمہیر انواع پاسپورت های دولتی والصاق عکس ها وغیره امورات آن اقدامات لازمه بعمل آمد است
- ۷- راجع به حسن انتظام از صدور ورقه های اذن اقامه و مراقبت های قانونی آن درین شال نیز اقدامات سریعی بعمل آمد است
- ۸- راجع به تنظیم دفتر پاسپورت های مضبوط و متrox که مدت اعتبار آن بمررسیده و برای مزید معلومات مراکزی و حفظ آن بترتیب ولایات و حکومات اعلی درین سال نیز نرتیبات خوبی گرفته شده است
- ۹- راجع به امور اداری و تنظیم دفتر داری و امور اجرائی شعبه پاسپورت مراکزی

و شعبات پاسپورت تمام قواندانهای کوتایی ولایات و حکومات اعلیٰ بهر سه صورت طور تعمیم انتظام لازمه بعمل آمده است.

#### ۵: - مدیریت اخذ اطلاعات ریاست پولیس و زاندارمه:

با وجودیکه در شروع تشکیل خود این مؤسسه جدید تشکیل ایفاء و ظائف مینماید وهم چنان اعضای آن کامل نگردیده است ولی با وجود آن اجرای امورات مؤظفه این شعبه به صورت نافع و تابسیار اندازه طور فناوت بخش بمفاد اداری تمام شده است چنانچه کارات و اجراء آتش طرف تصدیق آمران مأمور واقع وهم چنان در تنویر افکار و توسعه معلومات اداری و ضابطان و خورد ضابطان قوا، پولیس و زاندارمه مملکت از یکطرف و در کشفیات حقائق انواع و افعال جرائم از دیگر طرف نتایج مثبت بدست آورده به قام صلاحیت دار قانونی آن جهت حل و فصل راجع نموده است.

#### امور عدله

محترم ترین چیز در نظر انسان حق است و شاید مادر سطح گیتی ازین جهت زیست داشته و خود را موظف باجرای وظائف متعدد و راجهه بخود میدانیم که برای خود حقی قائل شده و ممکنی به دولتیم که دولت این حق را برایما حمایه و محافظه میکند.

شعبه کدر تشکیلات دولتی تأمین حق و عدالت نموده است مت加وزین را از تجاوز باز میدارد وزارت عدله است ما هم همین جسم را ازو وزارت عدله خود داریم و خوشبختانه این امیدما بی جانیست وزارت عدله در احقاق حقوق مستحبین وقطع وسائل تجاوز متوجه وزین تا کنون بخوبی کار کرده و برای تأمین امن و آسایش در مملکت باسائز شعب دیگر دولت هم کاری شایان تقدیری نموده است چه :

وزارت عدله در سال ۱۳۱۹ مثل سایر سوابقاتی در اصدره دادهای لازمه، تدقیق و غور در امور وارد و مرافق و نگرانی اجراء آت شعب مربوطه وغیره امور موظفه خود مصروف بوده و تحت نظریات شریعت پرورانه حکومت متبوعه در احقاق حقوق عامه واجراء امور حسب مقررات شرعی وصولی اقدامات لازمه کرده است و می توان گفت که اجراء آت وزارت عدله و شعب مربوطه اش در سال ۱۳۱۹ حسب دل خواه بوده و از هر جهت اطمینان بخش بمنظور می آید در سال ۱۳۱۹ حسب لزوم دو محکمه چه یکی در قاؤس و یکی در گلاران هر ات تشکیل گردیده است.

## امور مالیه

واضح است که بزرگترین عامل پیش رفت تمام شعب مملکت حسن تدویر امور مالی دولت میباشد ازین جهت مقام وزارت های مالیه در ضمن تشکیلات دولتی بسیار و بزرگ است زیرا همین وزارت است که عوائد دولت را تحصیل و مصارف آن را اجرامینعايد و باید سعی نماید تادرین عوائد و مصارف توازنی قائم بوده مشی مالی دولت را به پایه که داخل قدرت و توان مالیه دهن وحوائج مملکت باشد فرارداده .

خوش بختانه وزارت مالیه مملکت ماهم در تمام اعمال و اجرا آت این اصول مسلمه را مراجعت کرده در تحصیل عوائد و اجرای مصارف و تعیین قانون بودجه متنهای جدیت و بصیرت را ارائه نموده در ظرف سنه مالی ۱۳۱۹ هم مثل سوابقات قبل در صرف بودجه دولت و تحصیل عوائد مملکتی موافق خوبی کسب و علاوه اما اجرا آت ذیل هم دست زده است .

### شعبه مدرک :

شعبه مدرک وزارت مالیه در هذا سنه موفق با اجرا آت ذیل شده است .

۱:- قرضه وزارت مالیه را که برای وزارت خانه ها و دوائز مستقل علاوه بر بودجه عادی حکومتی شان از د افغانستان بافق اخذ و به دوازه اعتبارداده شده ۳ پول - ۵۱۸۹۰۸۱۱ - افغانی  
۲:- مفادی که ازین قرضه تا حال پرداخته شده ۵۲ « - ۸۴۳۶۸۹ »

۳:- مالیات مدرک جدید که از قرار را پورهای دوازه صلاحیت دار رسیده ۶۹ پول - ۱۲۳۷۰۸۸۱ - افغانی

۴:- تحصیلاتی که از پول مالیه جدید به عمل آمده و در حساب نمبر ۳ وزارت مالیه یا نک جمع و شامل کرده شده است ۸۷ پول - ۱۰۸۳۹۵۶۵ - افغانی

۵:- مبالغیکه از پول ماده ۴ فوق بر بودجه های دوازه تابیه شده به عنوان قرضه و مصارفات ۶۱ پول - ۱۵۹۴ - ۶۶۰ - افغانی

### شعبه تفتيش :

اممال مدیریت عمومی تفتيش به تفتيش عادی ۱۳۱۷ ریاست بلدیه کتاب و تفتيش حسابه ای ۱۳۱۸ الی ۱۳۱۸ ریاست فابریکات حریق و تفتيش حسابه ۱۳۱۷ مکتب میخانیکی و تفتيش حسابه ای ۱۳۱۷ حمل و نقل و تفتيش حسابه ای ۱۳۱۷ الی ۱۳۱۸ کنترون و وزارت جلیله معارف و تحقیق موضوع تفتيش مکتب صنایع و در زمینه دادو طلب صدارت عظمی و توازن کارات دوازه یکه از محدودیت تشکیل و کمی نفر شکایت داشتند اقدامات و تدقیقات نموده و نیز در اطراف

نتایج تقویتیش که در ولایات و حکومات اعلیٰ گردیده و بوزارت مالیه فرستاده اند غور و دقت نموده است

شعبه محاسبه تجاری :

فابریکات دولتی که طور تجاری جریان داشت امسال بعضی ازانها به قرار عرض و پیشنهاد وزارت جلیله اقتصاد و احکام حضور مقام صدارت عظمی بفروش رسیده و به اجاره داده شده و بالمقابل بعضی شبعت جدید بصورت تجاری تحت اجراء گرفته شده که عبارت از شبعت ذیل است:

الف: فابریکات فروش شده و اجاره داده شده :-

۱: بتأثیر ۱۳۱۹ جوزا گو گرد سازی واقع دارالفنون ملکیت دولت را  
بامشین های نصب شده وغیر نصب شده وزمینیکه برای کارخانه محدود شده ببلغ پانزده لک  
افغانی فیصد پنجاه سهم شهرزاده عبدالعزیز خان وفیصد بیست و پنج سهم محمد موسی خان رئیس  
شرکت پیشتوں وفیصد بیست و پنج سهم حاجی غلام حیدرخان بقسط جاری چهار سال خریداری  
نموده اند قبمت مواد خام علیحده .

۲: فابریکه چرم گری و بوت دوزی ملکیت حکومت را با تمام ماشین ها و سامان  
ماشین و اطاقهای ماشین خانه که ماشین ها نصب است با آینه که برای کارخانه مذکور محدود میباشد  
و احاطه که از کارخانه چرم گری محسوب میگردد در بدله ببلغ دولت وندو یکهزار و شصت  
یک افغانی وده بول بقسط جاری ۶ ساله فیصد پنجاه سهم حاجی غلام حیدرخان وفیصد بیست  
و پنج سهم عبدالعزیز خان وفیصد بیست و پنج سهم محمد موسی خان خریداری گردد .

۳: فابریکه نختابی جبل السراج را ببلغ ۲۸ بول ۱۸۴۹۵۲۳ - افغانی شرکت نساجی بقسط  
جاری ۶ ساله خریداری نموده وقلعه فعلى جبل السراج که محل سکونت متخصصین کارخانه میباشد  
تاموقعیکه برای متخصصین مذکور شرکت عمارات تعمیر کشیده برای سکونت آنها گذاشته میشود .

۴: فابریکه نجا ری وحکا کی می باشد و فابریکه نجا ری دارالفنون و ماشین ها  
از فابریکه نجا ری وحکا کی می باشد و فابریکه نجا ری دارالفنون و ماشین ها  
و تعمیر فابریکه جدید خواجه ملا ملکیت حکومت عمارات و تعمیرات ملحقة واراضی با ماشین های متعلقه  
فابریکه خواجه ملا به یعن قطعی بالای شرکت اسهامی که قیمت ماشین های حکا کی و نجاری  
و ماشین های فابریکه نجاری دارالفنون را با سامان پرزه جات آن هادولک افغانی و ماشین و تعمیر  
جدید فابریکه خواجه ملا را با اساس قیمت تمام شد بصورت مکمل و تدویر فابریکه بقسط پانزده  
سال باعتبار خود شرکت که در سه سال اول بعد از تسلیمی فابریکه هاتادیه و اقساط باقی را دردوازده  
سال آینده باقساط سالیانه تحويل خزانه نمایند وهم وزارت اقتصاد ملی کارهای ناتمام فابریکه  
جدید خواجه ملا را تحت نگرانی شرکت مکمل نموده توجه میکند که تا اخیر سال ۱۳۲۰ فابریکه

## اجرا آت دوازه مملکتن

تمکیل وبشر کت سپرده شود و شر کت حق دارد که به تکمیل کار های ابتدائی خود شروع نموده و با کمال کارها بیز دارد.

۵: - فابریکه صابون سازی مملکت حکومت را باستنای عمارت فابریکه با تمام ماشین و سامان ماشین فابریکه که تعلق بحکومت دارد ببلغ ۶۲۸۸۸/۲۹ افغانی حاجی غلام حیدر خان بقسط جاری چهار سال خریداری نموده است.

۶: - فابریکه پشمینه بافی مرکز مملکت حکومت را فی صدقه هله سهم عبداللطیف خان و فی صد سی سهم امیر الدین خان رئیس شر کت نساجی و فی صد سی سهم محمد شریف خان پنج ساله فی سال مبلغ پانزده هزار افغانی اجاره گرفته و اجاره مذکور را با سطادو گاهه ۶ ماهه در ۶ ماهه سالیانه بدوقسط میرساند سامان و پر زه جات فابریکه که در میعاد پنج سال بفابریکه ضرورت می شود اجاره داران از پول خود خریداری کرده و در اخیر ختم قرارداد همان سامان بدون قیمت بحکومت پرداخته می شود اجاره داران حق اخذن قیمت سامان و پر زه جات را ندارند و هم حفاظت فابریکه ذریعه پهنه داران حکومت به عمل آمده پول معاش نفری پهنه دارها از طرف اجاره دارها پرداخته می شود.

شعبات جدیده که بصورت تجارتی تحت اجرا گرفته شده:

۱: - دیوی عمومی دواخانه.

۲: - مدیریت عمومی املاک.

۳: - مدیریت صنایع وزارت معارف.

### ترمیید عوائد دولتی:

ترمیید عایدات مالیه و جمعی و محصول موashi و اصنافی و آسیانی و گمر کی سنه ۱۳۱۹ تمام ولایات و حکومات اعلی به نسبت سال ۱۳۱۸ بقرار ذیل است.

۱: - مالیه جمعی از قرار فی صد  $\frac{۵}{۸}$  پول

۲: - محصول موashi « »  $\frac{۷}{۹}$  پول ۲ افغانی

۳: - محصول اصنافی و آسیانی از قرار فی صد ۶۹ پول ۱۲ افغانی

۴: - محصول گمر کی از قرار فی صد  $\frac{۱}{۲}$  پول ۲۰ افغانی

### مقرراتی ها:

ص، عبدالرب خان بندریت اوراق

«، شفیع خان و ص، سید محمد فقر خان و ص، محمد علی خان اعضای تفتیش وزارت مالیه مقرر شدند.

## امور معارف

اهمیت وقعت آن احصایه سالنامها و رویداد هایی که امروز در دنیای مدنی نسبت به ترقی و پیشرفت هر یکی از شئون مدنی بعمل می آید، از حد زیاد است، زیرا که بالعموم از مطالعه آن مدارج تعالی و سیر مدنی هر یکی از مل و دول عالم، تعیین و تخمین می گردد. ولی در بین تمام احصایات سالنامها در تمام نقاط دنیا، احصایه های « معارف » دارای موقعیت و عظمت خصوصی است. و در هر کجا و در هر طبقه مندرجات فعالیت های سنوی، عرفانی، بنظر غور و تعمق ملاحظه می شود.

البته ناظرین علت این تفحص و تعمق عمومی جهان مدنی را نسبت با اطلاعات عرفانی می دانند که محض با این مطلب است که شالوده اساسی ترقی، و اساس حقیقی تعالی هر ملت همین نشاط و فعالیت مؤسسات عرفانی آنست! و نیکبختی و بد بختی تزاد آتنی هر مملکت به قوت و قدرت، و پستی و رخوت علم و معرفت همان مملکت مربوط و منوط است!

یعنی شوق و ذوق و علاقمندی هر ملتی که نسبت با کتساب علم و هنر کمتر باشد، آن مملکت ختماً قرین رنج و مذلت، و محکوم با انواع نکبت و فلاکت می گردد! همچنین پیشرفت شئون عرفانی یک مملکت بهترین دلیل پیشرفت ترقی معنوی و تعالی روحی آن ملت است!

از آنجا که در عصر حاضر از مواهب الهی و مکارم شهریاری و مراحم حکومت متبعه افغانی مابه علم و عرفان و تعلیم و تریه ابنای ( افغانستان ) توجه واهتمام زیادی مبذول است! ورجال فعال حکومت متبعه مامی خواهند که بنیان تمام فعالیت های حیاتی سکنه این خطه افغانی را بر علم و دانش مستحکم سازند! و هر یک شعبه از شعب زندگانی را بذریعه فضل و معرفت قوت و قدرت بخشنید، لذا از بد و تشکیل سلطنت سنبه « نادری » اقدامات اساسی و اجرآت صمیم در راه نظم و نسق معارف، و بسط و توسعه اخلاق و تریه، و تعمیم تعلیم و سجایی حسته و خصائی خجسته بعمل آمده و موقیمات نمایان و پیشرفت‌های در خشانی در تمام شفوق و شئون تعلیمی و تربیوی خصوص اهل علم و عرفان گردیده است!

برای اینکه ازین الطاف و اکرام حکومت متبعه ما در صفحات تاریخ یادگاری از سنه ۱۳۱۹ هم مثل سنت دیگر تندکار گردد! و وسائل خوشودی و مسرت ناظرین ما از جنبه مطالعه و مقایسه هم فراهم گردد! مامیخواهیم که حسب عادت سالهای گذشته در سطور آنیه خلاصه از سیر تدریجی پیشرفت شئون عرفانی را در طول سال جاری بطالعین گرامی خویش اهد اکنیم. هر چندیکه مایقین داریم که این فراز های مختصر، و جملات موجزی که در ضمن تند کر از اجرآت ( وزارت معارف ) آنیا قید و ضبط می گردد، ابدآ مفسر آن فعالیت، و مظہر

## اجرا آت دوائر مملکتی

آن کار روانهای با اهمیت شده نمی تواند ، که از طرف ( وزارت معارف ) برای تعلیم و تربیة این جامعه ، و تحسین و تزیین صورت و سیرت و معرفت و ثقافت طلبه گرفته شده است ، زیرا که شرح و بسطش اسفراین بکار دارد . ولی ما مسروريم که خوشبختانه این نقیصه از یک ملاحظه سکنه این خطه بر سیر ترقی عرفانی این سر زمین افغانی مرتفع میگردد ! وهر کس در هر جامی تواند که فعالیت و نشاط معرفت این مملکت را بچشم سر بینند ! واز آن وسائل تعلیمی و وسائل تربیوی که فعلاً در دست تمام طبله و در میان تمام مؤسسات عرفانی ( افغانستان ) مشاهده می شود ! و آثار بسیار و شواهد پیشمار نهضت معرفت ما در پیشگاه صغار و کبار وطن ظاهر و مبرهن است ! و تمام افراد ، عائلات ، خانوادها ، فامیلیها ، طبقات مملکت ( بدون قید دوری و نزدیکی آنها از کرسی سلطنت ) توسط اولاد - احفاد - اخوان و نور چشمان شان از حسن پیشرفت علم و معرفت وطن عزیز شان بکلی مستدرک و مستحضراند ! وعلى العموم میدانند که دوره معارف پیوسته حاليه ، بهترین مدد ناشر علم و عرفان ، و اعلى ترین فرصت استفاده واستفادة ابنيا ( افغانستان ) است ! زیرا که عشق و علاوه حکومت معارف خواه اعلیحضرت ( محمد ظاهر شاه ) ( افغانستان ) بلندتر از اندازه است که تصور مینماییم .

یکی از جمله دلائل ظاهر این عشق و علاوه ذات شهریاری با مردم اسلامی و تربیوی این خطه تاریخی ، همانا تقدیر و انتساب ع ، ج ، والا حضرت ( سردار محمد نعیم خان ) معاون صدارت عظمی است بوزارت جلیله معارف که ذات والای شان یکی از جوانان بر جسته صاحب ذوق و فریجه و دارای جذبات عالی ، و احساسات افغانی می باشند .

آری یگانه مقصود عالی ذات شهریاری ازین انتساب با صواب ، همانا ترقی صوری و معنوی معارف افغانی است به بهترین صورت عصری بر طبق سجایی اسلامی و ثقافت افغانی ، تاتو سط فکر بر ممند ، و قلم بلند ، و جذبات ارجمند ، و احساسات نیرومند این جوان سعادتمند تمام آن آمال و آرزوها را بی مثال این پادشاه ستوده خصال مارا که نسبت به حسن حال و خوبی مآل معارف ( افغانستان ) دارند ، از قوه ب فعل بیاورند ! .

چنانچه از روزیکه زمام مهام امور ( وزارت معارف ) بکف با کفايت این فرزند ذی درایت این مملکت ذی سعادت ، کسب افتخار و سیاست کرده است ، طوریکه داشتمندان جهان و وطنداران عزیز برآی العین مشاهده می فرمایند ( وزارت معارف ) بتأسی از نظر یات عالیه ذات شاهانه در هر شعبه از شب منسوبه خویش از هر حيث و هر جهت ترقی و تعالی شایانی را حائز گردیده است ! و در بسی از موارد از هر نقطه نظر اسباب مسرت وطمانت اهل مملکت ، و وسائل فرحت راعی و رعیت ، و وسائل سعادت ملت را فراهم آورده است ! چون آن اجراءات اساسی ، و اقدامات عالی والا حضرت ( سردار محمد نعیم خان ) و دیگر

همکاران درایت بنیان شان (درشق علم و عرفان) که از سنه (۱۳۱۵) الی الان در (وزارت معارف) فرموده اند، بر علاوه اینکه در انتظار واذهان دانشمندان (افغانستان) ظاهر و نمایان است؛ اجمال آنهم وقتاً فوقاً در مطبوعات وطنی سالنامه‌ای « کابل » و جرائد خارجه برای بسط اعله و مراجعت ناظرین درایت تمکن موجود است! لذا ما خود را از تکرار و تذکار آن مستغفی پنداشته می‌خواهیم که در سطور آنی فقط بتذکر بحمل همان اجرآت بر جسته و اقدامات خجسته (وزارت معارف) پیرداز یسم که همه آن حسب امر واردۀ سنیه ذات شاهانه و در اثر افکار اساسی و نظریات عالی این وزیر درایت تغییر وطندوست ملتخواه تنها درسته (۱۳۱۹ش)

از قوه ب فعل آ مده است وبالواسطه اسباب فعالیت و افتخار معین های مؤفر، رؤسای نامور، اراکین دانشور و عموم منسوبين اهل عرفان (افغانستان) را فراهم آورده اند! و عموم شان را از اين عملیات خالق و مخلوق پسندانه خویش درنظر معارف پرور اعلیحضرت نامور ما معزز و مفعخر گردانیده اند! و اسباب سعادت و نیکنامی دینی و دنیوی شانرا فراهم آورده افتخار تاریخی شانرا تامین کرده اند:

### ریاست تعلیم و تربیه :

از جمله کارهای اساسی، وظائف اصلی (ریاست تعلیم و تربیه) تهیه و فراهم آوری تمام وسائل تعلیمی و وسائل تربیوی، و تسهیل تطبیق آن در سرتاسر وطن عزیز بوده است، باعثت این ریاست تمام حوائج تربیوی فعلی و ضروریات تعلیمی عصری آتی این خطه افغانی را زیر سنجش اساسی و مدافعت اصلی خویش بیاورد؛ و ذرا ناع افطاقي و از قوه ب فعل آوردن آنرا در تمام مکاتب ابتدائیه - متوسط - عالیه مسلکیه - دار المعلمینها و دیگر مؤسسات عرفانیه بطريقه درست و اساسی تسهیل و تعییل کند؛ و در طرح تشکیلات علمی ووضع اساس تعلیمات عرفانی صرف مسا عی ورزد؛ و در ترتیب اصولات تعلیمی و تربیوی، و تدوین پروگرامها و دستور العملهای عرفانی و تنظیم لواح و تسبیت دستایر دائماً مصروف باشد؛ و دراصلاح و تعدلیل نصاب تعلیم، و تقسیم اوقات اساسی مکاتب همواره بذل مجاہدت کند؛ و دربسط و توسعه حقیقی امور عرفانی بکمال سرگرمی صرف مسا عی ورزد؛ و در تجسس و تطبیق بهترین و عصری ترین وسائل تعلیم و تربیه بهر صورت ممکنه که باشد، داخل مجھودات گردد؛ و برای اسعاف مأمول خویش موافق ترین و آسان ترین و اساسی ترین طرق و اصول را تحری و جستجوی کند؛ ولمحه از تفحص و تبع این موضو عات خود داری نه ورزد؛ و تمام این تحری یا ت، تفحصات تبعات خود را به نیکوترين صورتی مورد تطبیق و استفاده قرار دهد؛

نظر بسطاب فوق (ریاست تعلیم و تربیه) بمساعدت مشاور علمی وزارت معارف و همکاری دیگر اعضای دانشور این ریاست و هر اهی دیگر فضلای مؤفر مملکت بانجام امور آتی مستقیماً

و با او سطه واز جنبه معانیه و مدارفه ومن حیث الوظیفه کسب موقیت ورزیده است :

### اول - تدوین و تصویب :

- ۱ : - تدوین و تصویب اصولی ( دستورالعمل امتحان ) مکاتب تالی واعطای امر تطبیقش .
- ۲ : - تدوین و تصویب اصولی پروگرام مکمل ( مکتب تجا رتی ) بامفرادات سه ساله و تقسیم اوقات سالانه آن وامر تطبیقش .
- ۳ : - تدوین و تصویب اصولی پروگرام مکمل ( مکتب مساحت ) به مفرادات سه ساله و تقسیم اوقات سالانه آن وامر تطبیقش .
- ۴ : - تدوین و تصویب اصولی پروگرام مکمل ( مکتب حکام ) بامفرادات چار ساله و تقسیم اوقات سالانه آن وامر تطبیقش .
- ۵ : - تدوین و تصویب اصولی پروگرام مکمل ( مکتب مستورات ) بامفرادات قابلگی ، خانگی ، معلماتی و تقسیم اوقات سالانه آن وامر تطبیقش .
- ۶ : - تدوین و تصویب اصولی مفرادات پروگرام معلومات مدنیه و اخلاقی صنوف رشده .
- ۷ : - تدوین و تصویب اصولی مفرادات پروگرام تاریخ صنوف ابتدائیه .
- ۸ : - « « « « « جفرایی » » »
- ۹ : - « وترتیب لائحة عکس گیری و فلم برداری و تقدیمش جهت تصویب اصولی .
- ۱۰ : - « و تصویب اصولی لائحة حق التالیف ، حق النشر جمه ، حق التصحیح ، حق النیپیض آثار علمی و ادبی .
- ۱۱ : - « « « جزای فدان آثار کتابخانه وزارت معارف :
- ۱۲ : - « تعین کتب و ساعات تدریسی کتب پشتوى صنوف اعدادی .
- ۱۳ : - « لائحة تقسیم اوقات اساسی جدید » » .
- ۱۴ : - « « اسباب موجبه تحويل صنوف ابتدائیه چهار صنفی .
- ۱۵ : - به ابتدائی شش صنفی ورؤیت و تدقیق و تعمق آن در کمیسو نهای متمددة علمی و تصدیق آن در مجلس بزرگ علمی و تصویب آن از اعلیحضرت همایونی تو سلط مقام منیع صدارت عظامی
- ۱۶ : - تدوین وترتیب پروگرام جدید صنوف ابتدائی شش صنفی .
- ۱۷ : - تدوین وترتیب وظائف مربوطة ریاست تعلیم و تریه و ریاست تدریسات معارف .
- ۱۸ : - تدوین وترتیب جداول ارتباط دروس سه صفت دوره اولیه ابتدائیه شش صنفه .
- ۱۹ : - تدوین لائحة مکلفت اطفال ( افغانستان ) بوجب ماده ( ۲۰ ) اساسی به تعلیمات ابتدائیه وتقديم آن بدارالشورای ملي ( افغانستان ) .
- ۲۰ : - تدوین وترتیب اصولی پروگرام تاریخ صنوف رشده .

- ۲۱: تدوین و ترتیب لائحة درجه بندي و تقسیم انعامات بیست و سه مجلد آثار جدیده عر فانی دانشمندان افغانی در نمایشگاه علمی جشن استقلال ۱۳۱۹.
- ۲۲: تدوین و ترتیب پروگرام جغرافیه صنوف رشیدیه.
- ۲۳: تدوین لائحة تعیین مکافات پیشو خوانهایکه محترمان متجاوز از پنجاه سال باشد.
- ۲۴: تدوین و ترتیب اصولی مواد لازمه جهت تاییف جغرافیا اساسی (افغانستان) و ترسیل آن برای تطبیق و ترتیب بولایات و حکومات.
- ۲۵: تدوین و ترتیب پروگرام تاریخ صنوف اعدادیه:
- ۲۶: تدبیر و تصحیح پروگرام مکتب اصول تحریر و محاسبات
- ۲۷: تدوین و تصویب اصولی تعلیماتنامه تدریسات ابتدائیه مکاتب افغانستان. (این تعلیماتنامه ابتدائیه که بعد از تکمیل و تصحیح و تصدیق اساسی طبع و نشر هم گردیده است بمتر آله اولین اثر پروگرام شش صنفی میباشد که اخیراً از طرف حکومت متبوعه ما لطف وایشارگردیده است).
- ۲۸: تدوین و تصویب اصولی تعلیماتنامه تدریسات تالی رشدی و اعدادی مکاتب افغانستان.

## دوم - تصویب و تصدیق :

- ۱: تصویب و تصدیق اصولی تعلیماتنامه تدریسی واداری فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۲: تصحیح و تکمیل و تصدیق تعلیماتنامه دارالعلیمین اساسی پغمان.
- ۳: تصدیق اصولی تدبیر لائحة امتحانات فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۴: تصویب و تصدیق اصولی جز و دوم جلد سوم (پیشوگلی).
- ۵: تصدیق ترجمه کتاب مدنیت اسلامی دراندلس.
- ۶: تصویب لائحة استفاده از کتابخانه فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۷: تصحیح و تصویب ماده چهارم و ششم تعلیماتنامه کورسهای السنّه خارجه.
- ۸: تصدیق اصولی سه مواد ضمیمه اولی تعلیماتنامه تدریس واداره فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۹: تصدیق اصولی چارماده ضمیمه ثانیه تعلیماتنامه تدریس واداره فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۱۰: تصدیق اصولی چند مواد مدخله پروگرام فاکولته حقوق و علوم سیاسی.
- ۱۱: تصدیق اصولی چند مواد ضمیمه ثالثه تعلیماتنامه تدریس واداره فاکولته حقوق و علوم سیاسی.

## سوم - قصینیف :

- ۱: اول پیشو (مصور) ریاست تعلیم و تربیه.
- ۲: اول حساب (مصور) ص، محمدنی خان عضور ریاست تعلیم و تربیه.

- ۳: دخلو رم ابتدایی تاریخ (تصور) ص، عبدالغفور خان «احمدی» معاون عضو ریاست  
تعلیم و تربیه .
- ۴: دینیم ابتدایی تاریخ (تصور) ص، عثمانخان «صدقی»
- ۵: دینیم فولکلور ص، میاوردالدین خان عضو پشتتو «ولنه» .

#### چهارم تالیف :

- ۱: اخلاق مدنی صنف ششم تالیف .
- ۲: سائنس عمومی تالیف .
- ۳: دینیات صنف دهم تالیف ف، ملاعبدالکریم خان .
- ۴: تشریح صنف قابلات .
- ۵: تاریخ صنف ششم تالیف ص، مولوی یعقوب حسن خان .
- ۶: دینیات صنف یازدهم تالیف ف، ملاعبدالکریم خان .
- ۷: مصاحبه ملی راجع به محسن عرفانی تالیف سلیمانلی جاغوری .
- ۸: تطبیقات کیمیاوی (از فاکولته طبی) .
- ۹: کیمیای عضوی تالیف جناب پروفیسر بای صائب (از فاکولته طبی) .
- ۱۰: کیمیای حیاتی «» «» «» «» «» «» .
- ۱۱: مبحث عضلات تالیف جناب داکتر بای رفقی کامل رئیس فاکولته طبی .
- ۱۲: مبحث مفاصل «» «» «» «» «» .
- ۱۳: مبادی امراض خارجه «» «» «» .
- ۱۴: مبحث اوعیه «» «» .
- ۱۵: تشریح عظام «» «» .
- ۱۶: امراض جلدیه پروفیسور بای عمر بیگ «» «» .
- ۱۷: انساج بای توفیق «» «» .
- ۱۸: نخصر تشریح و تسلیخ تالیف ص، دکتور محمد اسماعیل خان «علم» .
- ۱۹: نخصر تشریح و فیژولوژی تالیف ص، دکتور محمد اسماعیل خان «علم» .
- ۲۰: اسکندر واریانا تالیف ص، عثمانخان «صدقی» .
- ۲۱: مدنیت ویدی تالیف ص، احمدعلی خان «کهزاد» .
- ۲۲: امثال و حکم تالیف ص، محمدقدیر خان «تره کی» .
- ۲۳: مقیاسات عمومی تالیف ص، محمدناذر خان .
- ۲۴: مینالبلدان تالیف ص، ملاغلام رسول خان «هروی» .

- ۲۵: - دینیات تالیف ف ، حافظ غلام نبی خان
- ۲۶: - ریحان الخطباء تالیف ف ملا عبدالوهابخان .
- ۲۷: - بته اوزی تالیف پروفیسر بای توفیق (از فاکولتة طبی) .
- ۲۸: - آئینه اسلام (در دو مجلد ضخیم) تالیف عالیجاه عبدالقیوم خان .
- ۲۹: - نادر و ظاهراللغات « » « » « » « »
- ۳۰: - دینتو لنیی تالیف ص ، محمد گل خان « نوری » .
- ۳۱: - باغ دلکش یانهضت ینتو تالیف ص ، عبدالخالق خان « اخلاص » .
- ۳۲: - ادبی و دانگه تالیف ص ، عبدالرؤف خان « بنوا » .
- ۳۳: - پیشون ته دیداری غز تالیف ص ، محمد شیر گل خان .
- (نوت : بعضی ازین آثار برای طبع زیر نظر گرفته شده اند ، وبعض از آن حفظ و برخی از آن طبع ، و برخی از آن بعد از تقدیر واپس بصاحبان شان اعاده گردیده اند )
- ۳۴: - جلد اول حقوق اداره تالیف جناب بای داغینر (فاکولته حقوق و علوم سیاسی)
- («) ۳۵: - جلد اول اقتصاد سیاسی تالیف جناب عبدالحی خان عزیز
- («) ۳۶: - جلد اول فقه تالیف جناب مولوی نصرالله خان
- («) ۳۷: - معلومات عصری تالیف جناب بای حلمی اربوغ
- («) ۳۸: - جرمیات جلد اول و دوم تالیف جناب بای دکتور شاکر طورال
- («) ۳۹: - دیلوomasی جدید تالیف بارول سی ریلان
- («) ۴۰: - میکر ولوژی تالیف زهدی یگ (فاکولته طبی)
- (نوت : - بعضی ازین آثار را فاکولته حقوق و علوم سیاسی در سال جاری ۱۳۱۹ و بعض از آن را در سوابق ماضیه تدوین و تالیف و اشاعه داده است . )

### پنجم آر جمه :

- ۱: - دینتو دیننهم صنف قرائت
- ۲: - دیننهم صنف دینیات
- ۳: - دیننهم صنف تاریخ
- ۴: - دیننهم صنف حساب
- ۵: - دیننهم صنف هندسه
- ۶: - دیننهم صنف طبیعی معلومات
- ۷: - دیننهم صنف دانشا اصول

- ۸ : - رسالت بازی اطفال
- (۹) : - مبادی سائنس
- ۱۰ : - اتهلیتک (سپورت) .
- ۱۱ : - مدنت اسلامی در اندرسون ترجمه بناغلی «جلالی»
- ۱۲ : - مکارم الاخلاق ترجمه بناغلی قیام الدین خان «خادم»
- ۱۳ : - دقوانی علم ترجمه بناغلی گلیاچا خان «الفت»
- ۱۴ : - کافیه فارسی ترجمه جناب «بیتاب» صاحب
- ۱۵ : - کافرستان ترجمه من، جیلانی خان .
- ۱۶ - محمودی ادب ترجمه من، محمد عثمان خان «پیشتون»
- ۱۷ - تلخیص رومان مانند کریستو بناغلی عبدالهادی خان «خوبی من»  
 (نوت : بعضی ازین آثار طبع و بعض برای طبع زیر نظر گرفته شده اند و برخی از آن بعد از تقدیر بصاحبان شان و ایس تهدیه شده اند )
- ۱۸ : - اجتماعیات ترجمه نجم الدین خان صادق (از فاکولته حقوق و علوم سیاسی)
- (۱۹) : - استاتستیک ترجمه جلال آیار
- (۲۰) : - اقتصاد اجتماعی از دروس مدرسه علوم سیاسی پاریس
- (۲۱) : - قوانسلها ترجمه از پل فوشیل
- (۲۲) : - نمائندگان سیاسی ترجمه از پل فوشیل
- (۲۳) : - کتب سیجل فوس ترجمه از لوسوار
- (۲۴) : - اداره واستاتستیک ترجمه گیشار
- (۲۵) : - تاریخ فلسفه ترجمه از میل فا که
- (۲۶) : - حقوق اساسی بلویک ترجمه از هائزی و انول
- ۲۷ : - حقوق مدافعت ملی ترجمه از رفت تاشکین (از فاکولته حقوق و علوم سیاسی)
- (۲۸) : - نقلیات و تعرفه ترجمه از احسان علی
- (۲۹) : - علم مالی ترجمه از گاستون رز
- (۳۰) : - فلسفه سیاست ترجمه از صدری ارتمن
- (۳۱) : - مختصر تاریخ سیاسی ترجمه از غلام صدر
- (۳۲) : - روحیات ترجمه از علی چارم و مصطفی امین مصری
- (۳۳) : - تجارب مسکو کات ترجمه اربونی  
 (نوت : بعض ازین آثار را فاکولته حقوق و علوم سیاسی در سال جاری ۱۳۱۹ واکنش در سال های سابق ترجمه و تدوین نموده است . )

## ششم - خریداری آثار علمی :

- ۱ : - خریداری حق التالیف سپهخانی پیشو .
- ۲ : - خریداری حق التالیف پیشو بنوونگکی .
- ۳ : - فراهم آوری و تعیین قیمت دیوان قلمی « رحمن بابا » کددارای ( ۶۰۶ ) صفحه مطلاع خط کشی شده و هفتصد و سی قطعه میناتور های متعدد است و درسنۀ ۱۲۲۵ ق بقلم ولی محمدخان خطاط تحریر ( وبه سردار عصامحمد خان ) حکمران ( کشمیر ) اهدا شده است . ( برای موزیم )
- ۴ : - فراهم آوری و تعیین قیمت ( یوسف زلیغا ) ی منظوم که دارای ( ۴۲۰ ) صفحه وسی و چار میناتور است و بقلم ( ولی محمدخان ) درسنۀ ۱۲۲۰ ق تحریر و بحضور امین الله خان ولدسردار فیض الله خان مہمند حکمران ( کشمیر ) تهدیه شده ( برای موزیم )
- ۵ : - تعیین قیمت یکورق تاریخی کمشرف به الصاق یک قرآن کریم قلمی بود ( برای موزیم )
- ۶ : - تعیین قیمت ( حیات القلوب فی زیارتة المحبوب ) قلمی کددارای ( ۳۷۵ ) صفحه قلمی است و درسنۀ ( ۱۲۳۵ ) بقلم ( اسد خان ) افغان تحریر شده است .
- ۷ : - تعیین قیمت ( منطق الطیر ) کددارای ( ۳۵۳ ) صفحه و بقلم عبدالرحمن خان درسنۀ ۱۲۲۰ ق تحریر شده .
- ۸ : - تعیین قیمت ( جام جم ) کددرسنۀ ××× در ( ۲۵۸ ) بقلم تحریر شده

## هفتم - تصحیح :

- ۱ : - اول دینیات
- ۲ : - دوهم دینیات
- ۳ : - دریم دینیات
- ۴ : - خلرم دینیات
- ۵ : - پنجم دینیات
- ۶ : - دینیات پنجم
- ۷ : - دانشاء اصول
- ۸ : - تعلیماتنامه تدریسات ابتدائیه
- ۹ : - آئینه عرفان از ( ۵ ) تا ( ۱۲ )
- ۱۰ : - دپنجم صنف پیشو فرائت
- ۱۱ : - دخلرم صنف پیشو فرائت
- ۱۲ : - دریم صنف پیشو فرائت

مکالمہ اسلامی

(۱۰۲)



- ۱۳ : - قرائت صنف ششم
- ۱۴ : - دینچم صنف تاریخ
- ۱۵ : - تاریخ صنف ششم
- ۱۶ : - دینچم صنف حساب
- ۱۷ : - حساب صنف ششم
- ۱۸ : - دینچم صنف هندسه
- ۱۹ : - دینچم صنف طبیعی معلومات
- ۲۰ : - معلومات طبیعی صنف (۶)

### هشتم فراهمی تسهیلات

در تهیه کتب عصری و آثار علمی برای مؤسسات عرفانی و سازمان دو ائمہ مملکتی وابانی ملی :

- ۱ : - تهیه واعظای (۲۴۹) مجلد جدید ترین آثار عصری برای دارالعلومین اساسی پغمان.
- ۲ : - تخصیص یک قسمت تخمیناً ۵۰۰ مجلد مهم کتب حقوقی از تحویلخانه عمومی (وزارت معارف) به فاکولته حقوق و علوم سیاسی . وفا کولله طبی .
- ۳ : - تعیین بعض کتب تعلیمی موجوده تحویلخانه عمومی (وزارت معارف) بصورت معاون دروس صنوف رشدیه و اعدادیه .
- ۴ : - تخصیص یک قسمت عمده کتب تحویلخانه عمومی (وزارت معارف) بدارالعلومهای عربی مرکز و ولایات و حکومات .
- ۵ : - تهیه و فراهم آوری مواد و آثار عرفانی برای ندارتون علمی ۲۲ جشن استقلال .
- ۶ : - ترسیل نقل فهرست تمام آثار عرفانی کتابخانه (ریاست تعلیم و تربیه) برای است مطبوعات .

### نهم متفرقات

- ۱ : - اقدام بوجودی اساسی تحویلخانهای عرفانی مربوطه مرکز (وزارت معارف)
- ۲ : - تحریق یک قسمت عمده کتب تحویلخانه عمومی (وزارت معارف) باینصورت که قسمتی از آن بمکاتب تخصیص، و برخی از آن بمکاتب اهداء و حصة از آن برای فروش تعیین ، و امر اصولی احتراق حصه بیکاره آن داده شد .
- ۳ : - تنظیم و اصلاحات مقتضیه در مضماین، مندرجات و منشورات «آئینه عرفان» .
- ۴ : - اخذ تربیات مال اندیشه و مقتضیه در صریفات سامان تعلیمی مکاتب و مؤسسات عرفانی .

- ۵ : - انعقاد (۳۳) مجالس علمی جهت تدقیق و تعمق برپوگرامها و لواجع و تصاویر از علماء و فضلا و معلمین داخلی و خارجی وارا کین (وزارت معارف)
- ۶ : - اهدای یک مجلد ضخیم ترجمه تحریرات بودائی به پیشو توشه.
- ۷ : - تخصیص یک قسمت مهم کتب تاریخی برای استفاده مدیریت تاریخ پیشو توله.
- ۸ : - فراهم آوری تسهیلات در تورید (دها) فلم آثار علمی مالک خارج که متمثبل (صدها) کتب و آثار عصری است.
- ۹ : - اعطای اجوه و مراجعات مهم اصولی علمی و (۱۵) فقرات ارجاعیه.
- ۱۰ : - تبیيض (۲۰۵۲) صفحات مقنه کتب و آثار مختلف تدریسیه.
- ۱۱ : - کایی نویسی (۱۰۲۵) صفحات طباعی کتب تدریسی.
- ۱۲ : - تأیب نمودن (۳۲۲) صفحات لواجع - تعلیماتنامه - رسائل که از بعضی پنج پنج کایی و بعض سه سه کایی نیز بوده است.
- ۱۳ : - اعطای امر تجدید طبع عادی هشتاد و یک مجله کتب تدریسی فارسی و افغانی و معادن درسی بمطبعه عمومی در حالیکه هر واحد این آثار حتی الامکان تصحیح و تعدیل و نظر ثانی هم گردیده اند چون اسمای این کتابهارا با تعداد طبع و تعداد صفحات و تعداد مجلدات وغیره ممیزات آن ناظرین محترم در سالنامهای ماضیه ملاحظه فرموده اند لذا امسال از تکرار تذکار آن عمداً از خوف تقویل و حاصل تحصیل انصراف بعمل می آید.
- ۱۴ : - تنظیم اصول اداری و دفترداری بطرز عصری.
- ۱۵ : - تنظیم اصول اداری و دفترداری بطرز عصری.

## ریاست تدریسات

تطیق شون تدریسی و فعالیت‌های تعلیمی حسب پروگرامهای موضوعه و اصولات مقرره و نگرانی عرفانی عموم مکاتب (افقا نستان) از جنبه معلمین - کتاب - بناء و دیگر وسائل و لوازم تعلیمی وهیئت اداری و تدریسی و دیگر خصوصیات تعلیمی و تربیوی، ورفع هرگونه نواقص از جیث صوری و معنوی و علمی و عملی، از جمله وظائف ریاست تدریسات (وزارت معارف) است اینک این ریاست باقتضا این وظائف محوه اش (که با جماش فواآ اشاره رفت) در سال جاری ۱۳۱۹ در تمام شئون تعلیمی عموم مکاتب مرکز سلطنت و ولایات و حکومات و ارسی‌های مقتضیه را بعمل آورده است! و تمام مجازی امور تعلیمی و تطیقی آنها را بهترین صورتی تحت مدارفه و مطالعه خویش گذاشته و به تطیقات تمام شووق آن بر طبق پروگرامهای مرتبه و لواجع موضوعه پرداخته و نسبت بازاله نقاوص و روی کار آوردن اصلاحات لازمه امور تدریسیه دستورالعملها و هدایات مفیده را اصدر نموده است. و برای ترقی ویشرفت امور عرفانی و مزید تحسین طرز تعلیم

واصول تدریس و حسن تنظیم و تنسيق مکاتب و خوبی تدویر مسائل اداری در سال جاری چندین متعدد المال صادر کرده است . و در راه پیشرفت نهضت زبان ملی خویش (پشتون) مصدر اجرا آت خجسته و اقدامات مؤسسه گردیده بر علاوه توکید و تحسین دروس سه صنف اول ابتدائیه بزبان پشتون، درین سال تمام مضامین صنف چهارم ابتدائیه (افغانستان) حسب امر و اراده سنیه شهر یار معارف شعارمان نیز بزبان پشتون تعلیم و تدریس گردیده و در رای پیشروع ملی گردانیدن این منظور چندین اقدام و دستور از طرف (ریاست تدریسات) بعمل آمده است .

بالجمله اجرا آتی را که وظیفه (ریاست تدریسات) درین سال اجرا و انجام داده است در تحت عنوان آتی اجمال عمده مطاب آن به لاحظه ناظرین رسانیده می شود . وازنده کر تفصیل و تند کر سائز امور، از خوف توطیل اغراض بعمل می آید .

## اول - تاسیس مکاتب :

الف : تاسیس یک باب مکتب ثانوی در محل (ده خواجه) ولايت (قندھار) .

ب : تاسیس مکاتب متوسطه آتیه در مرکز (کابل) : -

۱ : در منطقه (بلدیه) کابل : - ملتب متوسط نمبر (۶) نمبر (۷) نمبر (۸) نمبر (۹) نمبر (۱۰) نمبر (۱۵) تاسیس وافتتاح شده است .

۲ : در محلات مربوطه ولايت کابل : - (۴) مکتب متوسط در (چهل ستون)، چهار اسیاب شیوکی - بگرامی (تاسیس وافتتاح شده است .

ج : تاسیس مکاتب متوسط در اطراف : -

۱ : تاسیس وافتتاح یک باب مکتب متوسط در (گرشک) مربوط ولايت (قندھار) .

۲ : تاسیس وافتتاح یک باب مکتب متوسط در محل (شیوه) کوز کنر به اسم (جمالی)

جهت تند کر از نام گرامی سید جمال الدین افغانی حسب مصوبه مجلس یادبود شهادت ۱۳۱۸ سید منعقدہ کلوب «ستور» که در آن تصریح شده بوده که در مسقط الرأس سید جمال الدین افغان که (اسدآباد) کنر است و حالا در اثر تغیر مجرای دریای (کنر) خروب و بقرب آن (شیوه) معمور است؛ یک مکتب متوسط بنام «جمالی» تاسیس گردد . و مسجدی که در کابل سید در آن تعلیم می خواند به مسجد «جمال» و یک جاده را بلدية کابل بنام جاده «جمالیه» موسوم کنند .

د : تاسیس مکاتب مسلکی :

امسال در مرکز دو باب مکتب مسلکی یکی بنام (مکتب مساحت) و دیگری بنام (مکتب حکام) نیز تاسیس گردیده اند .

ه : تاسیس مکاتب ابتدائیه :

(۱) ب : در مرکز ولايت (کابل) دو باب

(۲) :- دولایت (فندک) سه باب

نوت : - منظوری تاسیس این هر پنج مکتب برای سنه (۱۳۱۹) اخیراً اعطا شده است که (ریاست تدریسات) حالیه در صدد تاسیس آن است و اغلبآ همه آن تا خیر سال تعییی فعلی افتتاح خواهند شد .

(۳) :- تاسیس شش باب مکاتب ابتدائی در مر بو طات ولايت کابل :

اول :- (جغتوی) وردک . دوم :- (تنگی) وردک .

چهارم :- (گلدره) شمالی . سوم :- (تکیه) وردک .

پنجم :- مکتب « ورث » دایر نگی ششم :- قلمه قاضی

(۴) تاسیس شش باب مکاتب ابتدائی در سمت مشرقی :

اول :- دره نور . دوم :- دره مزار .

سوم :- قریه اشیوله . چهارم :- غنی خیل شنوار .

پنجم :- حصارک مزینه . ششم :- (عنقریب در هر جاییکه لازم باشد تاسیس شد) نی است

۵ :- تاسیس یک باب مکتب ابتدائی در مقام (لکن) خوست سمت جنوبی .

## دوم - معائنة و تطبيقاه تدریسی

(۱) : چون حسب اصولات موضوعه ( وزارت معارف ) عموم مکاتب مرکز و حکومات مأمورند که ما هوار رایورهای تعلیمی شافرا به ( ریاست تدریسات ) ارسال دارند ، و همیشه این اطلاعات تدریسی بصورت متواالی از مکاتب تمام نقاط مملکت موافصلت می کنند ، لذا تمام این اوراق مرسوله بکمال تفکر و تعمق تحت مطالعه و مداقه اصولی گرفته می شوند و نسبت بارتفاع نقائص تدریسی آن دساتیر مقتضیه اصدار می شوند .

تعداد مجموعی اوراق واصله این اطلاعات مکاتب ما هواره مکاتب مرکز و اطراف بحدود ده هزار و چهار صد و شصت اوراق بالغ گردیده که اجوبة هر واحدی از آن علی الاکثر بصورت نظریات تقدیمه و هدایت نامه های اصلاحیه و مکاتب و صولیه و بعضًا بصورت متحدد المآل متعاقباً مخابره گردیده است :

(۲) :- چون تمام مکاتب مرکز و ولايات و حکومات از طرف ریاست تقییش معائنه و ملاحظه می گردد ، و از جانب ریاست تقییش همواره حرص تدریسی و تطبيقیه و دیگر شئون تعلیمیه آن به ( ریاست تدریسات ) اطلاع داده می شود بنابر آن این ریاست باسas آن نسبت باز الله نقاوص تدریسی و تطبيق اصولات تعلیمی و تربیوی هدایات و اوامر مقتضی را اصدار می کنند .

### سوم - مراقبت و نگرانی امتحانات و توزیع شهادت‌نامها

- (۱) :- (ریاست تدریسات) در سال جاری هم مانند سال‌های پیش راجع بگرفتن امتحانات به تمام مکاتب (افغانستان) هدایات لازمه و دستاپیر مقتضیه را اصدار نموده است . و نتایج امتحانات که وزارت کسب موصلت ورزیده است تمامًا تحت مراقبت - دقت و نظارت گرفته شده نقائص آن بیرون نویس و در طی مکاتیب با هدایات لازمه بمکاتب مرجعه اعاده گردیده اند .
- ۲:- به نگرانی امتحانات مکاتب مرکز بیشتر صرف مساعی شده و بالغاصه ذوات فاضل و فنی از دیگر وزارات و ادارات جهت ممیزی امتحانات مدعو گردیده اند .
- (۳) :- جهت ممیزی بعض مکاتب حربی که از وزارت معارف خواهش کرده بودند نیز (ریاست تدریسات) ممیزین فاضلی را تعیین و معرفی نموده است :
- (۴) :- نمونه های جداول امتحان که از طرف (ریاست تدریسات) تدوین و ترتیب گردیده برای هر یکی از مکاتب مرکز و ولایات و حکومات توزیع و ترسیل ، و بهر واحدی از آنها امر و هدایت داده شده تا بر طبق آن درآخذ امتحان اجرآت کنند و نتائجش را بهمان عنوانی که به آنها خاطر نشان گردیده بوزارت تقدیم دارند ! .
- (۵) با عطای شهادت‌نامهای عموم فارغ التحصیلان صنوف ابتدائی و صنوف رشدیه و صنوف اعدادیه اقدام و شهادت‌نامهای مفرزه آنها بر طبق اصولات موضوعه باوشان اعطا و تهیه شده است .
- (۶) راجع به توزیع شهادت‌نامهای طلاب فارغ التحصیل (فاکولته طبی) و مکتب (طبی) ودوا سازی ترتیبات لازمه اتخاذ و موضوع بحضور والا حضرت جمع ، ج لمرا اعلی نشان سردار محمد‌هاشم خان صدراعظم عرض گردید چنانچه شهادت‌نامهای موضوع دریک حفله عالیه از حضور والا حضرت مددوح در عین تعاطی نقطه های عالی بطلاب فاکولته اعطا و کرامت گردید که ناظرین تفصیلات این حفله رادر جرائد وطنی قبلًا ملاحظه فرموده اند .

### چهارم - مراقبت کورس‌های پیشتو

- (۱) تامنا صفة سال جاری (۱۳۱۹) که کورس‌های پیشتوی مرکز ما مورین ملکتی به «پیشتو توشه» ارتباط نیافقه بود (ریاست تدریسات) در مراقبت اساسی و نگرانی اصولی تمام کورس‌های پیشتوی وزارات و ادارات بدل مجاهدت ورزیده ، و هفتنه وار مقتصین و مبصرین خود را جهت وارسی مجازی تدریسی کورس‌های افغانی مامورین ملکی و نظامی صرف مجاهدات و مساعی ورزیده است و در تکمیل کمبود معلمین و کتب تعلمی و دیگر وسائل تدریسی آنها مصدر اجرآت و اقدامات گردیده است . و نسبت بر جلب خبرت و فعالیت و ابراز ذوق و نشاط و قوت متعلمين کورس‌های بعض وزارات ، ریاسات ، ادارات ، و صبايای مقتضيه وهدايات ضروريه اصدار

نموده است ! و بهر صورت ممکنه کوشیده تا این لسان ملی در ضمیر و افکارنو آموزان آن بهترین صورتی جاگزین گردد . علاوه برین نوونه های رایورهای تدریسی وجود اول حاضری ، اوراق تعریفه تحصیل لسان پیشتو را تدوین و ترتیب داده بوزارات و ریاست و ادارات ترسیل داشته تا هر واحدی از آنها حسب مطلوب (ریاست تدریسات) منهوا ره رایورهای تدریسیه کورسها پیشتوی شانرا به (وزارت معارف) اطلاع دهند .

(۲) :- بهمن اجمالی که فوغاً اشاره رفته در نگرانی و مراقبت تمام کورسها پیشتو در تمام ولایات و حکومات (افغانستان) نیز اقدامات مطلوبه بعمل آمده است .

(۳) :- اتخاذ امتحانات مستردم تمام کورسها پیشتو واعطای انعامات لازمه با فرآدن کیامیاب آن واجرا آت لازمه نمودن در باره آنیکه که در دروس شان کسب موفقیت نموده اند ، صدق تعییماتنامه کورسها پیشتو .

(نوت :- این امتحان نه تنها در مرکز بلکه در دیگر ولایات و حکومات نیز از تمام نو آموزان پیشتو گرفته شده است . باستثنای چند اداراتی که پس از این مدت پیشتو اقدام کردند که امتحان آنها آتیا گرفته خواهد شد )

(۴) :- اعطای انعامات مقرره به آن معلمین کرام کورسها پیشتو که در انجام و ظائف محولة شان در اعطای دروس کورسها مفوضه شان صرف صداقت و بذل مقدرات کرده بودند بروفق تعییماتنامه کورسها پیشتو .

### پنجم :- انجام امور متعدد عرفانی

۱ :- نسبت به تکمیل کمبود معلمین و تهیه شهادت‌نامهای و لوازم تدریسیه و تعمیم نقائص سامان مکاتب و انتساب کسب و دیگر لوازم ضروریه بادارات مربوطه اطلاعات لازمه و فرقاً فوقاً اعطای گردیده است و راجع به اجرای آن تاکیدات متواتی و تعقیبات اصولی بعمل آمده است .

۲:- از معلمین داوطلب و دیگر شائین امور تعیین اصولاً امتحان گرفته و حسب لیاقت و اهلیت مرئیه در آنها راجع به تقریر و انتصاب شان اقدامات مقتضیه کرده شده است !

۳:- تمام آن بروگرامها ولوائح و تعییماتنامهای و دیگر اساسات تربیوی که متمادیاً از ریاست (تعلیم و تربیه) جهت اجراء و تطبیق به (ریاست تدریسات) توصل می ورزد به تمام مکاتب مربوطه علی العجاله نقل و توزیع و راجع به تطبیق و اجراییش هدایات ضروریه با آن ضمیمه گردیده و همواره نسبت به عنوان اجراء و تطبیق آن اقدامات اصولی ایفا می شود .

۴ :- نسبت به تهیه محل نشیمن آن مکاتبی که دارای محلات درست اساسی در مرکز نیستند - عمارات درست کرائی بیدا گردیده است - هکذا راجع بفرآهم آوری جایهای متفضی

## اجرا آت دوائز ملکتی

- برای بعض مکاتب درولايات و حکومات که الالان دارای جایهای آبرو مندی نمی باشند، منظوری و تخصیص مطلوبه کرائی گرفته شده و باداره مربوطه آن ارسال و اخبارگر دیده است .
- ۵: در مورد ترسیل راپور های ماهوار تعلیمی و اعطای رخصتی های سنوی و صورت تطبیق آن وقتاً فوقاً هدایات مفصلی به اکثری از مکاتب ارسال گردیده است .
- ۶: در مورد صرفه جوئی لوازم تحصیل حسب نظریه ( ریاست تعلیم و تربیه ) بصورت متحده المال بعموم مکاتب مکرر و اطراف هدایات فرستاده شده است .
- ۷: ترتیب جداول احصایی طلبه - گراف معلمین و متعلمين مکاتب و کتب و شها دنامه های فارغ التحصیلان و بودجه از سنه ۱۳۰۸ تا سنه ۱۳۱۹ ش .
- ۸: برای تشویق و تقویه صنعت نقیسه رسامی ترتیب یک مسابقه رسامی که در آن تمام رسامان فارغ التحصیل مکتب صنایع نقیسه اشتراک ورزند و در اثر آن هر واحدی از آن ها ذوق نقیس شانرا در معرض نمائش گذارند و نمائشگاه عرفانی را تشکیل بدهند ، متحده المال صادر گردیده است .
- ۹: اجرا و تدویر کنفرانسهاي هفتگی راجع به تلقین و توضیح اصولات تعلیمات ابتدائی بمعناست شش صنفی شدن تعلیمات ابتدائی و اجرای اصول صنفی تا درنتیجه استماع نطق های تعلیمی و خطابه های تربیوی معلمین ابتدائی در انجام وظائف محو له شان جدی تر و یید ار تر و هوشیار تر گردند و با فکار توانگر تر و اذهان منور تری دراجرا ، و تطبیق آن پروگرام شش صنفی بدل مساعی کنند .
- ۱۰: عرض حسن خدمت وجدیت ذوانیکه در راه علم و عرفان مصدر خدمات درخشنانی شده اند ، بحضور والا حضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف که در اثر این تحریر ، وزیر درایت تغییر موصوف این موضوع را اصولاً بحضور معارف نشور اعلیحضرت معظم همایونی معروض داشتند و در نتیجه بهمان ذوات نشا نهای درجه اول و درجه دوم و درجه سوم بهمان شرحی که در روزنامهها و مطبوعات وطنی مندرج است از حضور عرفان ظهور شهر یاری تلطیف و احسان گردید .
- ۱۱: تعین اندازه معاش آن فارغ التحصیلان افقانی که از مکاتب عالی ممالک خارجه وارد وطن گردیده اند نظر به تخصص و دیبلوم و شهادتnameای شان و معرفی اصولی آنها بدوازه مربوطه .
- ۱۲: تعین درجه لیاقت - علمیت و کفایت و اندازه معاش تمام آن ترجمانهایکه ازو زارات ، ریاسات ، ادارات بغرض اتخاذ امتحان بوزارت معارف ارجاع شده بود و ترسیل اطلاع رسمی آن باداره مربوطه شان .
- ۱۳: اتخاذ ترتیبات لازمه جهت تشکیل یک نمائشگاه عرفانی که از محصول فکر و دماغ

طلبه و دیگر منسویین شئون تعلیمی و تربیوی جم آوری خواهد گردید .  
۴ : - تعین بست و نظارت تمام سامان و لوازم تحصیل عموم مکاتب افغانستان .

### ریاست تفتیش :

این ریاست در تکمیل و ادامه محسنات و فضائل وازا له رذائل و تعمیم اخلاق حسن ، ومطروديث عادات نکوهیده ، و مرافقت از امور تعلیمی ، و نگرانی از شئون تربیوی ، و نظارت کولتورملی ، و حفظ ثقافت افغانی ، و حسن اجراء و تطبیق اوامر صادره وزارت در تمام مکاتب مملکت ، و برآنگیختن احسان فعالیت ، و تنشیط جذبات عرفانی و تربیوی معلمین ، معلمین و مأمورین معارف ، واستصلاح از هر نوع حرکت و هر قسم وضعیت متصدیان امور علم و معرفت ، و دیدن انتظام و معاملات حیاتی و امور اداری ، و ملاحظه اضباط مؤسسات علمیه ، و تولید ذوق و نشاط در اذهان طلبه ، و حفظ توازن تعداد طلبه و اتخاذ احصاییات شهریه ، و روایت تعلیمات مقررده ، و توشیق سویه تعلیمی معلمین ، و تثیت حسن رویه معلمین ، واستعلام بر صریفات بامورد کتب تعلیمی ، و سامان تدریسی ، و حفظ دیگر صفات علمی ، و شئون عرفانی » می کوشد .  
نظر باین امور مذکوره ( ریاست تفتیش ) درین سال ۱۳۱۹ مصدر اجرا آتی گردید که اجمالش ذیلاً مرقوم است :

### اول - تفتیش مکاتب افغانستان :

	تعداد مکتب	تعداد تفتیش	اسم مقام
۲	۳۱		مرکز : -
۲	۶۶		ولایت کابل : -
۱	۵۷		« قندهار : -
۱	۳۹		« هرات : -
۲	۳۴		« مزار : -
۲	۳۱		« قصمن و بدخشان : -
۲	۳۲		حکومت اعلای مشرقی : -
۱	۸		« فراه : -
۲	۱۳		« هیمنه : -

درطی تمام این تفتیشها و معائالت از طرف مقتشین اعزامیه ( ریاست تفتیش ) مسائل مهم تعلیمی ، تربیوی ، اداری ، اخلاقی وغیره تحت نظارت و تدقیق گرفته شده است که عمده مطالب آن را در مواد آتی الذکر می توان خلاصتاً مطالعه کرد .

## اجرا آت دوازه ملکتی

- ۱ : - مدافعت بر فعالیتهای معلمین عموم مکاتب نسبت به حیات تربیوی و اندازه توجه مامورین عرفانیه با نجاح وظایف مفوضه شان .
- ۲ : - ملاحظه جدیت سر معلمین و معلمین وماورین در موارد تهیه و تدارک و تأمین کتب تعلیمی و سامان و لوازم تحصیلی و امثال آن .
- ۳ : - مطالعه طرز جریان و صورت تطبيقات امور تدریسیه با پروگرامهای موضوعه واساسات مقرره و چگونگی اصول تعلیم و اشایه آن .
- ۴ : - معائمه احوال و حرکات اوضاع معلمین و مامورین و علاقمندی شان در حیات تربیوی و تعلیمی طلبه مکاتب .
- ۵ : - مشاهده انتظام و صورت اداره مکاتب در موضوع معاملات و امور و قیود حسابیه و امور وشئون اداریه .
- ۶ : - دیدن امور مربوطه حفظاصحه و رعایت آن درین طلب و تطبیق آن در در سخا نهاد و دیگر نظام صحی .
- ۷ : - تعمق در امور انصباطیه نسبت به طلبه در داخل و خارج مکتب و وارسی به شکایات و مراجعت منسوین عرفانیه و محافظت سامان تعلیمی و لوازم تحصیلیه و اثایه مکاتب .
- ۸ : - تدقیق بر صور تطبیقه تعلیمات اتمها و امر صادره و هدایات معطیه ( وزارت معارف ) در ادارات مکاتب .

## دو م - معائمه موازنۀ عدد طلبه

( ریاست تقیش ) در حفظ موازنۀ طلبه مکاتب ابتدایه - متوسطه - ثانیه - مسلکی - دارالعلمین همواره بذل جهاده ورزیده و دانما کوشیده تایین توازن فرادر آتی همیشه کسب توافق و تعادل ورزد :  
تعداد طلبه در مکاتب ابتدایه : - ( ۲۰۰۰۰۰ ) شاگرد .  
تعداد طلبه در مکاتب متوسطه : - ( ۰۲۲۰۲ ) شاگرد .  
تعداد طلبه در مکاتب ثانیه : - ( ۱۵۵ ) شاگرد .  
تعداد طلبه در مکاتب مسلکی و دارالعلمین : - ( ۸۴۰ ) شاگرد .

## سو م - دفتر هویت طلبه

( ریاست تقیش ) برای معرفی و توضیع هویت هر یکی از طلاب شامله مکاتب ثانوی حبیبه استقلال - نجات - غازی و مکاتب مسلکی مثل دارالعلمین ها - اصول تحریر و محاسبات - حکام مساحت - میخانیکی - طبی - دواسازی وغیره دوسيه های منظم و مرتبی را تدوین و ترتیب نموده و در آن اسم - ولدیت - موطن - مسکن - فتو و دیگر صفات ممیزه تعلیمی و تربیوی طلاب از

فیلی لیافت - اهلیت - کفاایت و عشق و علاوه آنها با مرتدی ایشی ، و حفظ شئون عرفانی ، و علاقمندی شان به امور و انظام مکتبی ثبت و قید کرده ، بانسق و انظم خوش آیندی آنها را مرتب داشته ، ولدی الاقتضاء از آن به شئون عرفانی معلومات اساسی و قیمتی را تقدیم و تهدیه میدارد .

## چهارم - اعطای هدایات اصولی بمتصدیان امور عرفانی

(ریاست تفتیش) این امر را بر خود حتمی و لازمی قرار داده است تا در نتیجه دیدن بعض نقاشه و فروگذاشت در یکی از مکاتب یاد ربع منسوین عرفانی ، بعض نکات لازمه و هدایات مقتضیه را ، محض جهت حفظ ما تقدم ، واصلاح حال و مآل مر بوطن (وزارت معارف) و منحوظ استوار داشتن ، سویه ، تعلیمی ، و تقاضت ملی ، و حسن رویه اخلاقی معلمین و مامورین معارف بصورت مراسله و مکاتبه بخود آنها و دیگر فقط لازمه اخبار و اشعار گند ، بنا برین تمام امور و شئون تعلیمی - تربیوی - اداری - اخلاقی - صحی و سائر امور معلمین - معلمین - مامورین و همه منسوین (وزارت معارف) از یکطرف بواسطه تدقیق و تعمق مقتشین صادق و امین این ریاست واژ طرف دیگر بواسطه راهنمائی و تبلیغ و مکاتبات مر سوله (ریاست تفتیش) از هر جهت و هر چهت خیلی ها قابل مسرت و امیدواری است وازبکار انداختن این وسائل و وسائط تمام لزشها مدفوع ، و همه نواقص مرفوع ، واژه چیکس شکایتی مسموع نیست و جمله کار های عرفانی خو شختا نه درست و مطبوع بنظر می آید .

## پنجم : تو کیدرو ابط و رفع حواج طلب افغانی در ممالک خارجی

همچنین (ریاست تفتیش) در تو کید ارتباطش با طلاب افغانی در مکاتب مهم خارجی و رفع حواج ضروری و تعمق بر مسائل حیاتی آنها می کوشد و همواره با کنله های بزرگ طلباء افغانستان مقیمین ترکیه - فرانسه - انگلستان - المان - امریکه - جاپان در تماس بوده ، واژ مسائل زیست و ضروریات مقتضیه این معلمین خود را مستدرک و می تبحضر ساخته ، ومصدر اجراء آت مطلوبی درین موارد گردیده است . وهم از تعیین شعبات و دیگر امور تعلیمی و تخصصی آنها بعد از استشاره واستهداء از ادارات مر بو طه و مقامات رفیعه نتایج همان تجاویز و قیصله ها و فتاوی مبنای متذکرہ فوق و طلاب افغانی مخابر و تعاطی شده است . هکذا اتمام آن اجوبه و مراجعتی که از آن ممالک واستیضاحتی که نسبت به تخصص و مصالح طلاب مو صوف تو صل ورزیده اند تمام آن بمقامات ذی رابطه اطلاع و اعلام و مخابر گردیده اند . بر علاوه داده از رایورهای تعلیمی آنها استطلاع واژ چگونگی تحصیل وغیره امور مرجعه شان کسب اطلاع بعمل آمده است .

### ششم - اهتمام در تعمیم اعمال حسن

در مورد و درستی و صفائی امور حساب و جلوگیری از اجراء آت ناصواب نظارت و مرافت اساسی، در تمام مکاتب و مؤسسات و ادارات عرف فانی، از طرف منسوبین (ریاست تقیش) و قذافه با عمل آمده است، و در موارد جمیع فقرات ناقصه مرئیه امور اداری مالی حسب تصاویر بحسابی و تصاویر باصول اجراء آت قانونی و اقدامات اصولی بعمل آمده است. برخلاف آن در تحقیقات آن استناد جعلی و تحریرات اختلاسی و دیگر امور تحقیق و تقیش طلبی که از دوائر حسابی و اداری باین ریاست تقیش شده‌اند هم اقدامات متفقی کرده شده است که اینک مجمل آن ذیلاً بمالحظه ناظرین مرقوم میگردد:

- ۱: - فقراتی که توسط متشین در مرکز واطراف تدقیق و تحقیق شده اند (۲۵) فقره (۴۰) واقعه
- ۲: - وقائع مربوطه متعلین مرکز واطراف (۲۵) حادثه
- ۳: - حوادث منسوب به معلمین مرکز واطراف (۱۵) قضیه
- ۴: - قضایای مربوطه بمامورین مرکز واطراف امور راجعه بمسائل جزائیه و انصباطیه تمامأ بعد از اتمام مرتب ابتدائی در انجمن معارف وزارت ملاحظه و مطالعه و قرارهای لازمه داده شده اصولاً بعد از تصویب آمرین بزرگ در معرض اجراء و اتخاذ قرار داده شده اند.

### هفتم - مذاقه بواسطه ماهواره طلبه

رایور حاضری و غیر حاضری و دخول طلبه جدید المشول تمام مکاتب مرکز و عموم مکاتب اطراف (ولايات - حکومات اعلای افغانستان) در بیان هرمه از طرف (ریاست تقیش) تحت ملاحظه و تدقیق گرفته می‌شود، و در نتیجه احصائیه جداگانه هرمه تدوین و ترتیب علیحده درین ریاست قبوضه می‌گردد. و در جلب طلاب غیر حاضر اقدامات اصولی بعمل آورده می‌شود.

### ریاست توسعی معارف

این ریاست اصولی را که در ترتیب بودجه معارف تعقیب، وصول و موادی را که تدوین می‌کند نسبت بسنوات ماضیه اساسی تر و خصوصی تر است. و در اجراء آت و کار روایهای مربوطه بسط و توسعه اصولی امور عرفانی مصدر افکار و نظریات خوبی گردیده است و در هر مور دیگه راجع بحسن حال و مال امور عرفانی از آن استیضاحات و استشارات مقتضیه بعمل می‌آید. اطلاعات مفیده و معلومات اساسیه را بمرا جعین اهدا میدارد. و در حدود معین و مرتبی را درباره استنده و تلامذه و درجات معینه آنها و مکاتب ابتدائیه و متوسط و تابعیه معین داشته و نسبت بمعاشات مامورین و تعداد داخله مکاتب و ضروریات آنها پلان و لواچ را مرتب میدارد و ضمناً باداره و تربیه یک مؤسسه

مغایدہ هام المتفقہ دار المعلمین نوی کابل هم بذل مساعی و مقدرت میورزد .  
علی ای حال اجمال اقدامات سال جاری ریاست توسعیت معارف را میتوان در جملات آتی  
خاطر نشان کرد :

- ۱ : - ترتیب نمودن بودجه نظریہ موازنہ اقتصادیات و ضروریات علمی .
- ۲ : - ترتیب و تنظیم بودجه معاشات و مصارفات تمام موسسات و دوائر و مکاتب عالی و تابعی  
ومتوسط وابتدائیه دار المعلمین ها و دارالعلومها و دارالحفظهای ولایات و حکومات افغانستان  
در جداول چهاری بصورت جداگانه .
- ۳ : - خلاصہ بودجه هر ولایت و حکومت اعلی .
- ۴ : - خلاصہ عمومی بودجه .
- ۵ : - ترتیب و تنظیم بودجه مدران جدید .
- ۶ : - تدوین بعضی لواح عرفانی و ترتیب پیشنهادها راجع بترقی معارف .
- ۷ : - اصلاحات در فراهم آوری تسهیلات و سائل حیاتی طلاب دارالاقامه دنوی کابل  
دار المعلمین و مامورین و عمله و فعله آن .
- ۸ : - انجام وظائف یومی اداری از قبیل مکتب استعلامیه ها و جداول لازمه .
- ۹ : - تهییه یکدسته معلمین خارجی و بکار اندختن آنها در تطبیق پروگرام دنوی کابل  
دار المعلمین بصورت مطلوب اساسی بمعاونت معلمین داخلی .

### ریاست سپورت و حفظ الصحوه

طوریکه ناظرین در ضمن نمائش های ورزش مکاتب و هم تقاریب مسرت ملاحظه میفرمایند  
و در جرائد یو میه و مو قو ته میخوانند و از نشر الصوت ( رادیو کابل ) همواره منشنند امور  
سیورتی طلبی ( افغانستان ) چه در مرکز و چه در ولایات و حکومات دزادری بذل مساعی ( وزارت  
معارف ) و مجهودات این ریاست خیلی کسب فعالیت ورزیده و یکرنسگ و رونق مرغوب ، و سر  
وصورت مطلوبی را حائز گردیده است .

هکذا مساعی قابل تقدیر این ریاست در حمایت تدریسی و حفظ صحت طلبی این مملکت نیز  
بسیار مؤثر و ذی اهمیت است ! چه این ریاست مطابق اصولات موضوعه مملکت تمام طلبی عموم  
مکاتب افغانستان را زیر معاشه و مدافعت صحی منظمی گرفته و معالجه و مداوات هر نوع امر ارض  
واسقام آنها را بکمال درستی و انتظام برخود الزام نموده است .

بر علاوه معاشرات صحی و معالجات طبی طلبی مکتب ، در استلاح و تداوی عموم مامورین  
و معلمین و متصدیان امور عرفانی نیز به بهترین صورتی واردی و همیشه از آنها هم خبر گیری  
نموده است ! .

## اجرا آت دوائر مملکتی

همچنین در معاهنات صحی ابینه و عمارات و باغچه ها و تقریبگاهای مکاتب و دیگر لوازم و لواحق مربوطه امور تعلیمی و طلاب عرفانی نیز حسب ایجاحات صحی و اصولات موضوع اموروزی صرف مقدرت واقعی و بذل مجاهدات کافی ورزیده است!

در اعطای افسکار و نظریات اساسی و صحی در اجرای امور سپورتی و انجام حرکات ورزشی و ادمان بدنه هم اوامر و هدایات و دستایر خوبی وقتاً فو قتاً بمکاتب و مدارس اعطای و درین مورد اقدامات مطلوبی عملی گردیده است.

بر علاوه تعلیم و تربیه و نظارت صحیح معلمین سابقه سپورتی درین سال یک عدد معلمین لائق و تعلیمیافته سپورتی را بعداز اعطای شها دتنامه و هدایات مقتضیه نیز بمکاتب لازمه منصوب و مقرر داشته است.

در تهیه میدانهای اساسی سپورتی و فراهم آوری سامان و ادوات لازمه ورزشی هم بالمازه مکفی اقدامات لازمی بعمل آمده است.

در تعیین و تقویه انواع ورزشها و مسابقات سپورتی نیز صرف مساعی گردیده و در هر یکی از مکاتب به تناسب مقتضیه فتابال، والی بال، بهنده بال، باسکت بال، جست زدن طویل، خیز زدن مرتفع، جمناستیک، بوکسینگ، آنداختن دستک آب بازی، دوین، دیگر انواع ورزش اجراء و انجام یافته است. و طبله موفق و کامیاب هر مکتب با انواع تحسین و تکریم و نوازش به تفصیلی (که مطبوعات وطنی شهادت میدهد) موفق و سرفراز گردیده اند که از آنجلمه ما بتند کر اسمای مکاتبی که کپ سپورت امساله را ربوده اند ذیلاً اکینه میکنیم.

- ۱ - مکتب نجات حائز نمره اول طلاب شاملین تیم های مختلف آن ۶۲ نفر فی فرق یکدانه کپ فا کولته طبی « ۲ » ۲۳ » » »
- ۲ - مکتب استقلال « ۳ » ۵۳ » » »
- ۳ - مکتب حبیبیه « ۴ » ۱۱ » » »

در تهیه و فراهمی ادویه و سامان و لوازم صحیه نیز این ریاست بیشتر صرف قدرت و فعالیت کرده است و یک مقدار مکفی ادویه مطلوبه را جهت تداوی روز مرأ طلبه مکاتب و مر بو طین مؤسسات عرفانی در دسترس استفاده مراجعن معارف گذاشته است!

بعاینه اطاقهای تدریسی و مطبخ و طعام و دیگر مربوطات و ملحقات مکاتب لیلیه پر داخته و در خبر گیری طلاب مريض هم مطابق اصولات صحیه اقدامات اساسیه فرموده و بالجمله از هر حیث و هر جهت امور مربوطه سپورت و حفظ الصحة را تسويه و تأمین نموده است!

## ریاست فا کولته طبی

اهیت و خدمت فا کولته طبی (که از مؤسسات بر جسته و قابل افتخار عصر منور حاضر ه

واز باقیات الصالحات شاه استقلال ونجات بخشای افغانستان الغازی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید است ) باندازه ظاهر وعیان می باشد که محتاج دادن شرح ویانی نیست .

این موسسه هم مانند دیگر موسسات عر فانی در سال ۱۳۱۹ مصدر خدماتی شده است که اجمال آن ذیلاً بمطالعه ناظرین کرام اعلام میگردد :

۱ : - فاکولته طبی درین سال سومین دسته فارغ التحصیلان فاکولته طب را که عبارت از ( ۹ نفر ) دوکتورهای لایق بوده برای خدمات صحی بجامعه تقدیم نموده و بتعداً دوکتوران افغانی یک مقدار دیگر افزود !

علاوهً از مربوطات فاکولته درین سال سومین دسته دواسازان ثیز از موسسه دوا سازی فارغ التحصیل شده و به نقاط مختلفه مصروف خدمت شدند . هچنان از مکتب طبی که طلاب در آنجا بعد از طبی کردن صنف ۹ و ۸ مکاتب یک کورس ۳ ساله طبابت را تحصیل میکنند به تعداد ( ۱۴ ) نفر فارغ التحصیل شده و به معاونی دوکتوران مشغول خدمت شدند .

( ۲ ) :- به اول میزان سال جاری که سال تعییعی فاکولته شروع می شود به تعداد ( ۹ ) نفر از فارغ التحصیلان بکلور یا مکاتب مختلفه پایی تخت را در صنف اول فاکولته و ( ۲۲ ) نفر طلاب صنوف ۹ و ۸ مکاتب رشیدی را به شعبات دواسازی و مکتب طبی پذیر فته تحت تعلیم گرفته است ،

( ۳ ) :- در دوران امسال ریاست فاکولته موفق شده است که به تعداد ده جلد کتاب دیگر از دروس فاکولته را که پروفیسرهای فاکولته تدریس کرده اند به لسان و طنی تهیه و ترتیب نموده و یک تعداد نشه ها ورسم های طبی بطبعه بسیار بزرگ مذکور مسلسل از طبع فارغ و مورد استفاده قرار گرفته است .

۴ : - از ناحیه تدریسات نیز به مقتضیات انکشافات جدید طبابت فاکولته طب در دوران سال نائل اصلاحات و تزئیدات قابل قدری گردیده مضامین جدیدی دربروگرام درسی ایزدانموده است .

۵ : - در دوران سال جاری یک عدد طلاب فاکولته طبی که دروس نظری تشریح را تکمیل کرده بودند جهه مزید تطییقات بهنداعزام شدند تا از ایام تعطیل استفاده کرده در قسمت عملیات بتجارب خود بیفزایند .

۶ : - نظر به تزئیدات در شعبات درسی وعدّه طلبی واصلاح و بهتری اصول اباته واعشه محصلین ریاست فاکولته بگر فتن اعتبارات مالی مزیدی از وزارت جلیله معارف نائل شده است .

### مدیریت قام مخصوص

این مدیریت ذاتاً برای اخذ تمام آن عرائض و مکاتبات و مراجعتی است که از وزارات - ریاسات - ادارات - مؤسسات - مرکز کتابل - ولایات - حکومات - داخل و خارج راساً

## اجرا آت دوازد مملکتی

و مخصوصاً بحضور عج والا حضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف (معاون صدارت عظمی) معروض و تقدیم میگردد و همچنان سرسته خدمت شان توسط همین مدیریت تهذیب میشود و زیر صاحب معارف بعض ازین مراسلات را شخصاً بقلم شان مجاب و سرسته توسط همین مدیریت قلم مخصوص بمرجع آن اعاده میفرمایند.

وجواب بعضی را به مدیر قلم مخصوص هدایت میدهند که تحریر و بامضای والا حضرت شان رسانیده بعداً ارسال دارد و اکثری از آنرا بعد از مطالعه بریاست و ادارات مربوطه آن تو سط همین مدیریت ارجاع میفرمایند تا آنها اصولاً بامضای والا حضرت تمدوح بجواب آن پیر دارند؛ (نوت: این مدیریت در سنّة ۱۳۱۹ تشكیل شده چه قلبرین آنرا یک نفر سر کاتب اداره میگرد)

## مدیریت تنظیمات

این مدیریت (وزارت معارف) هم دریسرفت و عملی شدن پلانهای عمرانی مملکت سهم بزرگی را حائز است. زیرا کتمان اوازم و ضروریات عمده تمام مکاتب مرکزی و ولایات و حکومات (افغانستان) بر طبق پلان مرتبه نقشه پیشینی شده این دائره تهیه و تدارک میشود.

در طول سال جاری (۱۳۱۹) دائره تنظیمات (وزارت معارف) با وجود مصاعب و مشکلاتی که در راه تورید اوازم تدریسی از ممالک خارج متصور بود، وظائف محولة خود را بکمال درستی انجام و انصرام داده و هیچیک تغییر و سکته در هیچیکی از امور مربوطه آن از جنبه عدم و صول سامان و لوازم وارد نگردیده و خوشبختانه در اثر فعالیت این مدیریت تمام سامان و ضروریات تعلیمی آماده و مهیا گردیده است که در اثر آن امور تعلیمی و تربیوی عموم مکاتب (افغانستان) به بهترین صورتی ایفاء و انجام گردیده است.

این امر از حسن عاقبت اندیشی و خوبی پیشینی مدیریت تنظیمات است که تمام حوائج و ضروریات تعلیمی مکاتب در قسمت اموال داخلی و خارجی بوقت مقرر و زمان معینه آن آمده و تهیه گردیده چنانچه بصورت عمومی میتوان گفت که (مدیریت تنظیمات) در انجام امور محولة و انصرام وظائف مفوضه خویش از هر حیث و هر جهت درین سال جاری (۱۳۱۹) کاملاً و فایز المرام است. بر علاوه از جنبه تنظیم امور دفترداری و ترتیب اداری هم اجرا آت مدیریت تنظیمات (وزارت معارف) قابل مسرت و اطمینان است.

## مدیریت موزیم

این مدیریت که در واقع موزه آن خزینه آثار تاریخی و گنجینه مفاخر قدیمی و شاهد صنعت و حرفت افغانیان و مظہر نفائس و بداعی افغانستان است بر علاوه موجودات و محسن و مزایای دوشیه خویش در سال جاضر نیز بسی از آثار عتیقه و نوادر تاریخیها چه از اطراف و کنایا

سر زمین و چه از زیر زمین بصرف مجاهده و بذل سرمایه جمع آوری نموده و بر تعداد اند و خته های تاریخی موزه افروده است و در ترقیق و طبقه بندی و ضبط و ربط و نظم و نسق این مخزن تاریخی هم اقدامات اساسی و افکار عالی را عملی نموده است و در اجرا و تعیین تمام آن اوامر و یاد شهائیکه از طرف (وزارت معارف) نسبت به جمع آوری آثار قیمتدار یکه مظہر جلال و جمال و مستند دانشمندی این سر زمین تاریخی میباشد اصدار یافته است، نیز به بهترین صورتی کوشیده است.

اجرا آتی را که مدیر بت موزه و حفريات درین سال جاری ۱۳۱۹ مصدر گردیده میتوان قرار آتی خاطر نشان کرد:

## اول حفريات

در بهار سال ۱۳۱۹ هیئت حفريات فرانسه تحت اداره وهدایات موسیو پروفیسر (ها کن) مدیر هیئت حفريات فرانسه و همراهی خانم شان (مدام ها کن) و موسیو (کرل) رسام و مهندس هیئت و همکاری بناغلی محمد عزیز خان عضو هیئت حفريات افغانی و بناغلی محمد نبی خان عکاس هیئت در محوطه شهر جدید شاهی (بگرام) در پهلوی اطاوهایکه سابق برین حفريات شده بود کاوش و تحقیق را شروع نموده و در دوماهی که حفريات دوام داشت اسباب و ظروف تیکری مخصوص ص عصر کوشانی، مسکوکات سلاطین کوشانی و یکمده آثار فلزی، مسی و طلائی وغیره کشف شده اند. این آثار بعد از کشف قرار معمول بموزه کابل منتقل وعلی الفور زیر مرمت کاری علمی و اصولی گرفته شده وباطاق مخصوص مرتباً نهاده شده اند.

## دوم مرمت کاری آثار عتیقه

چون موزه کابل از سالی که تأسیس شده تا حال وضعيت یک تحول یافته را داشت و تمام آثار یکه از تاحدیه حفريات یا از طریق خریداری در آن جمع آوری شده بود همه آن بدون مرمت کاری و اتخاذ یک ترتیب و طبقه بندی در صندوقها و دیگر جایها افتاده بودند و حسب مطلوب استفاده علمی از آن ممکن نبود حتی خوف خرابی و اتلاف بعضی از آن هم می رفت لذا مدیریت موزه حسب امر و تصویب وزارت جلیله معارف موسیو (هلن) متخصص مرمت کاری آثار موزه را از فرانسه استخدام نمود و مشارکیه با اختصاص علمی که درین زمینه دارد آثار چندین ساله مارا (چه اسلامی و چه پیش از اسلام را) با ذوق واستعداد مخصوصی مرمت کاری نمود. این کار از عملیات مهمه سال ۱۳۱۹ موزه کابل است که اگر بقیمت مادی سنجیده شود تاملیونها افغانی از خساره خلاص شده و اگر از روی معنویات نگاه شود بهترین آثار افتخارات تاریخی ما (که در تمام جهان منحصر به موزه کابل است) از خرابی نجات داده است. بالجمله مرمت کاری اشیائی

که درین سال جاری بعمل آمده قرار آتی است :

- الف :- مرمت کاری آثار عاجی بگرام که در دنیا منحصر به موزه کابل است .
- ب :- مرمت کاری گلاسهای منقوش یونانی و دیگر ظروف شیشین بگرام که اکثرش منحصر به موزه کابل است .
- پ :- مرمت کاری ظروف تیکری بگرام ، تپه مرنجان - ساکا و شهر غله .
- ت :- مرمت کاری وروشن کردن ظروف فلزی غزنی .
- ث :- روشن کاری اسلحه باب موزه کابل .

### سوم - ترتیبات داخلی موزه

همان طوریکه درین چند سال آثار مختلف موزه کابل مرمت کاری نشده بود طبیعی ترتیبات آن در جاهای مخصوص خودش هم در موزه صورت نگرفته بود زیرا ترتیبات بعد از مرمت کاری عملی شده میتواند . و چون ترتیب و طبقه بندی آثار یک موزه نظر به محل بیدایش ، مواد ، ارتباط تاریخی صفتی و بسا چیزهای دیگر از کارهای اساسی است درین باره هم توجه لازمه شده است اگرچه گفته میتوانیم همه قسمتهای موزه انتظام طلب بوده و همه چیز تحت ترتیب آمده باز هم خصوصاً فعالیت مدیریت موزه و حفريات در زمینه ذیل بیشتر بوده است .

- الف :- اطاق شترک : در ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ موسیو (موینه) در معبد (شترک) (وقول نادر) که به ۶-۵ کیلو متری شرق (بگرام) در پای کوه (پهلوان) واقع است حفريات نموده و آثار زیاد سنگی کشف کرده است این آثار را یهم رفته در یک اطاق جمع و به ترتیب مخصوص چیده شده است و یک اطاق بنام (شترک) در موزه کابل تازه بمبان آمد .
- ب :- اطاق فندقستان : در ۱۳۱۶ موسیو (کرل) در (فندقستان) غوریند در معبد قدیمی حفريات نموده و از انجاییک عده مجسمه های گلی منقوش تصاویر رنگی دیواری یافته که به قرن ۶-۵ میلادی نسبت می شود و آخرین آثار بودائی افغانستان بشمار می رود . این آثار در الماریهای لو تحت انتظام آمده و یک اطاق جدید بنام «فندقستان» در اطاقهای موزه علاوه شده است .
- پ :- اطاق بگرام : (بگرام) در اثر سه سال حفريات متواتر چند دسته اشیای عاجی ، شیشه نی استخوانی ، فلزی داده که غالب آن در سایر موزه های دنیا نیست . ترتیب این چیزها چند مرتبه دست خورده و آخر بعد از بدست آوردن الماریهای جدید به بهترین رویه صورت گرفته است .
- ت :- اطاقهای هده : در اطاقهای (هده) آثار به ترتیب نو گذاشته شده است .
- ث :- در دهلیز بالا : آثار چوبی و نمونه بجایهای قرن ۱۸-۱۹ مخلوط با آثار کشمیری در اطاقي افتاده بود . با مشوره متخصص موزه این اشیارا در دیوارهای دهلیز فو قانی به ترتیب نوی نصب نمودیم هکذا یک عدد تصاویر قلمی و عکسها تاریخی هم درینجا نصب شده است تا دیوار

هابرهن نماند، همین قسم پارچه‌های دوخت و خامک دوزی و نمونه‌های لباس‌های قومی در دیوارهای این دهليز آوران شده است.

ث : - ترتیب اسلحه - در تحویلخانه موزه یک عدد تفنگ‌های قدیمی، تیرو کمان و سپر و دیگر چیزها وجود داشت این چیز‌هارا از تحویلخانه کشیده بصورت بسیار زیبا در کتابه دهليز بالا و در پته‌های زینه نصب نمودیم.

ج : - اطاق غرنی : درینجا بعلاوه اینکه سامان پاک و مرمت کاری شده ترتیب نمودیم در نظر گرفته شده و عملی شده است.

ج : - مسکوکات : مسکوکات موزه که قبل برین در میان خریطه ها بود تحت مطالعه و دقیق آمد و تواندازه کسکه در موزه کابل موجود است همه از روی تاریخ طبقه‌بندی شده و برای گذاشتن آنها تخته‌های مخطط مخصوص ساخته شده، و عجالتاً مسکوکات مرتبآ در کشکن منزل دوم در الماری ها چیده شده است.

ح : - ظروف تیکری : ظروف تیکری نقاط مختلف افغانستان به سبک زیبا و علمی و با مراعات طبقه‌بندی در الماری‌های بزرگ والماری‌های دو طرفه در مدخل عمارت موزه گذاشته شده است.

خ : - در دهليز پایان : بعضی پرده‌های بزرگ و بعضی عکسها وغیره نصب شده است.

خ : - اطاق یادگار سلاطین : عکسها متفرق و بعضی چیزهای دیگر را که یادگار پادشاهان افغانستان بود درینجا جمع آوری شده است.

خ : - تحویلخانه آثار هده : آثار (هده) به تعداد هزار ها پارچه در روی زمین افتاده بود این آثار در یک اطاق در میان الماریها جمع و مرتب شده است.

د : - برای تمام اطاقهای موزه لوحه‌های چوبی ساخته شده که بالای هر دروازه نصب است و در هر کدام نام و نمره اطاق به فارسی و فرانسه تحریر است.

#### چهارم - معائنه و علم آوری نقاط

الف : - در اثر را یورتی که بوزارت جلیلیه معارف رسیده بود مدیر موزه کابل با جناب بروفیسر (ها کن) مدیر هیئت حفريات فرانسه در گل بهار محل بیت معبد قدیمی را معاینه نموده و نتیجه را بوزارت معارف سپردند.

ب : - مدیر موزه کابل با مدیر هیئت حفريات فرانسه موسیو (ها کن) بگرام و بند امیر را معاینه کرده لواح با میان را به اطاقهای معینه آن نصب کردند.

پ : - شاغلی محمدعزیز خان عضو حفريات در اثر را یورتی که بوزارت جلیلیه معارف رسیده بود در نزدیکی قره‌رفته و را یورت مفصل خود را بوزارت تقدیم کرده.

## پنجم - خریداری آثار تازه برای موزیم

مدیریت موزه کابل امسال در قسمت خریداری کتب فلمنی، مسکوکات البسه فومی، و دیگر سامان باستانی جدیت بیشتری مبذول داشته و سامان ذیل را خریداری نموده است:

### الف. کتب فلمنی:

- ۱ - قرآن شریف: کاغذ و قندی نباتی مجدول و مطلا، ده سطره در میان سطور ترجمه تحت الفظ بر نگه سرخ نوشته شده است در حاشیه آن قصیر حسینی شریف بخط نستعلیق نوشته شده. این قرآن شریف روی هر فت ۹۱ ورق دارد. شانزده صفحه اول آن سر لوحه دارد و طلا کاری شده. در آخر هم چند صفحه آن نقاشی و مطلا است این قرآن شریف به قیمت ۲۰۰۰ افغانی در ماه سرطان ۱۳۱۹ هدیه شده و در اطاق متبر کات محفوظ نگاه شده است.
- ۲ - کتاب عجائب البلدان: دارای ۷۹ صفحه اوراق آنرا چیزی موریانه خورده و چیزی پاره شده و کمبود است، بکاغذ سفید پنبه‌ئی تحریر شده.
- ۳ - دیوان رحمن بابا (پشتون) این کتاب فیض که اوین اثر پشتون در موزه کابل میباشد کتاب خلیل فیض و کمیابی است که دارای هفت صفحه و مطلا درست (۷۳۰) فسطه تصاویر فلمنی نیز میباشد. این دیوان ۶۰۶ صفحه خط کشی و مطلا دارد و بتاریخ ۱۲۲۵ هجری قمری در عهد سردار عطا محمد خان حکمران کشمیر بقلم ولی محمد خان در صوبه کشمیر تحریر شده شیرازه آن از هم جدا میباشد حسب تصویب ریاست تعلیم و تربیه به قیمت دونیم هزار افغانی بتاریخ ۱۶ سپتمبر ۱۳۱۹ خریداری شده و در کتابخانه آثار قلمی موزه کابل ضبط است.
- ۴ - یوسف زلیخا پینتو: دارای ۴۲ صفحه و چهل قطعه تصویر فلمنی میباشد این اثر بتاریخ ۱۲۲۰ هجری قمری در عصر امین الله خان ولد فیض الله خان مهمند حکمران کشمیر بخط ملاولی محمد خان تحریر شده. خط آن خوب و میناتور آن بست است، بتاریخ ۱۶ سپتمبر ۱۳۱۹ به قیمت معینه ریاست تعلیم و تربیه به (۹۰۰) افغانی خریداری شده در کتابخانه آثار قلمی موزه کابل ضبط است.
- ۵ - ملل و نحل شهرستانی: دارای ۱۹۴ ورق. مضمون عربی، کاغذ خانبالغ خط نسخ.
- ۶ - ریاض الا رواح: دارای ۲۱۹ صفحه. کاغذ کشمیری تالیف شیخ محمد رضا خان این کتاب در باب مزارات غزنی نوشته شده و بعلاوه اینکه لواح مزارات دران ترجمه شده کتیبه های مینارهای غزنی ولوحه های اطراف مرقد سلطان محمود کبیر غزنی با نوشته های کوفی آن بدست خود مولف رسم و تحریر شده است.
- ۷ - خزان السکون فی مسکوکات الملوك: این کتاب راشیخ محمد رضا خان در اطراف مسکوکات طلا و نقره کولکسیون شخصی، سردار نصر الله خان مر حوم تحریر نموده و باصول

- نخصوصی از اوراق طلائی و نقره‌ئی اشکال مسکوکات را رسم کرده است .
- ۸ : - اشکال العالم صیحانی : دارای ۸۱ صفحه . خطش متوسط کاغذش خانبالغ دا رای قطعه نقشه جغرافیائی . مترجمش از عربی عبدالاصغر بن عبدالسلام . کاتبش حاجیخان بن حاجی محمدحسین درسته ۱۰۱۸ تحریر شده و یا سنه جلوس میباشد .
- ۹ : - نوامیس الاعضاء : مولف آن معلوم نیست . اول و آخر ندارد . خطش خراب است . صفحات آن بسته شده و مغشوش است دارای ۹۹ ورق میباشد .
- ۱۰ : - شاهان متاخرین افغانستان : این کتاب را میرزا محمدیعقوب خان ولادا حمد علی خان سا کن خافی چندول در سمرقند نوشته واژوخت امیر دوست محمد خان الی زمان اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان بحث میکند و درین قسمت تاریخ افغانستان مأخذ جدیدی شمرده میشود دا رای ۳۰ صفحه است و بقلم خود مولف نوشته شده . جلدومی هم داشته که متأسفانه بدست نیامده .
- ۱۱ : - کنز الاشتہا : تالیف ابواسحق معروف به حللاج و کاتب آن میرزا ابوالحسن نام است کاغذ کشمیری مجلد و مطلما دارای یك سرلوحه و یك ستاره و یکصد ویست و دو و نیصد . نویسنده عناوین بر نگ سرخ تحریر شده : وقایه آن قلمدانی بنفس در سال ۱۳۰۹ بفرموده سردار نصرالله خان مرحوم تحریر شده .
- ۱۲ : - فضیل التفرقه : تالیف مولوی عبدالرحمن ابدالی ولد ملا محمد سعید خان بفرموده اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان تالیف و در سال ۱۳۰۲ تحریر شده .
- ۱۳ : - مفتاح النجات و بها رستان جامی در یک وقایه : مؤلف کتاب اول ابونصر احمد بن ابوالحسن نافقی ، مؤلف کتاب دوم حضرت جامی علیه الرحمه کتاب اول بخط یحیی سا کن گازر گاه دوم بخط محمد حبیم الکوزائی تحریر شده هردو کتاب مجلد و مطلما و لا جورد کاری شده هردو دارای سرلوحه در صفحه اول و هردو بفرمایش رسمت علیخان در سنه ۱۲۳۰ و سنه ۱۳۴۰ تحریر شده .
- ۱۴ : - دیوان افغانی .
- ۱۵ : - طوطی نامه ن
- ب : - البسه و نمونه های دوخت .
- ۱ : - بر قع حوالی هندو کش بر نگ هاو الوان مختلف پارچه شاهی چکن و یخته دوزی . چهار عدد ،
- ۲ : - پرده ما هوت سرمهئی حاشیه و چهار کنج آن خامک دوزی .
- ۳ : - میزیوش صحنه نخی سرمهئی متن و حاشیه سوزن دوزی پر کار .
- ۴ : - گلچه سوزن دوزی حاشه دار .
- ۵ : - کوسی ساخت زمین داور . گلاباتون وزردوزی .

## اجرا آت دوازه مملکتی

- ۶ : - چین نورستانی نصواری قیتان دوزی .  
۷ : - چین جاجی سفید ابریشم دوزی سرخ .  
۸ : - پوستین کابلی حاشیه و تخته پشت پخته دوزی با ابریشم زرد .  
۹ : - دسمال سفید . سوزن دوزی کار وردک .  
۱۰ : - یقین پیر اهن خامک دوزی قندهاری .  
۱۱ : - جای نماز پخته دوزی کار صفحات شمال افغانستان .  
۱۲ : - دوره خرگاه بطول ۵ متر ویست و پنج سانتی ریشه دار .  
۱۳ : - گلیم فاغمه‌ئی شکاف دوزی بطول سه متر و پانزده سانتی، عرض یک متر و هفتادو پنج سانتی .  
۱۴ : - رویکش قورمه‌ئی طول دو متر و شصت سانتی، عرض دو متر چهل و چار سانتی .  
۱۵ : - کرتی طوبخانه‌ئی فیطان دوزی .  
۱۶ : - سینه بند افغانی چکن دوزی .  
۱۷ : - کلاه کبی روم نورستانی قیطان دوزی .  
۱۸ : - چین جاجی تکه پشمی راهدار سفید و بنفش گل دوزی و چرم دوزی .  
۱۹ : - پراهن مقری روی سینه و سرهای آستین خامک دوزی آینه کاری .  
۲۰ : - یلان ماہوت سفید گلا باتون دوزی سچه دوزی .  
۲۱ : - چین ابریشم دوزی غور بندی .  
۲۲ : - پراهن آینه دوزی مقری .  
۲۳ : - پراهن خامک دوزی قندهاری .  
۲۴ : - یک دست پراهن و تمیان بنارسی پر چک دار مخصوص عروسی با یک جوره کفش و جوراب .  
۲۵ : - یک دست پراهن و تمیان کم خواب با یک جوره کفش .  
۲۶ : - کوسی قندهاری پوپاک دار پخته دوزی با سر دوز سفید .  
۲۷ : - پراهن نحملی سبز لیس و چرم کاری .  
۲۸ : - پراهن نحملی سرخ لیس و چرم کاری .  
پ مسکوکات : امسال مسکوکات به دو ذریعه به موزه کابل رسیده یکی از درک خریداری و دیگری ذریعه اهدا به موزه کابل .

### سکه های خریداری شده

- (۱) - سکه مسی هلیو کلس شاه یونانی باخته (۲) سکه مسی هتریوس شاه یونانی باخته  
(۳) سکه مسی کجولو کد فیزس شاه کوشانی . (۴) سکه موتر مکاس (۵) سکه نقہ ساسانی

(۶) سکه مسی کجو لو کدفیزس (۷) سکه مسی هوویشکا (۸) سکه نقره ئی پینکی (۹) سکه سومتر مکاس (۱۰) سکه مسی هر ما یوس (۱۱) سکه هوویشکا (۱۲) سکه مسی کنیشکا (۱۳) سکی مسی ویما کد فیزس (۱۴) سکه مسی هر ما یوس (۱۵) مسکو کات مانادر ۸ دانه به سه رنگ مختلف نقره ئی (۱۶) سکه نقره ئی ایولودتس ۱۴ دانه (۱۷) سکه نقره ئی هر ما یوس یک دانه (۱۸) سکه های نقره ئی سلطان مسعود غزنوی ۱۹ دانه مسکو کات که طور اعانه رسیده .

۱ : - ع، ص عبدالا حمدخان معین دوم معارف ۴ عدد سکه مسی و سه عدد سکه نقره ئی عصر غزنوی به موزه کابل اهدا کردند .

۲ : - مسکو کاتی که از ولایت قند هار ذریعه شعبه قلم مخصوص صدارت عظمی به موزه رسیده و عبارت از نمونه های مسکو کات درانی و مغلی هند میباشد .

ت : - نگینه و مهرها :

۱ : - نگینه عقیق بالای آن تصویر دو مرغ خروس به نقره گرفتگی .

۲ : - نگینه یاسنگ معدنی بالای آن شکل روی حک شده .

۳ : - نگینه سنگ یخاک بالای آن تصویر آهونی خوابیده کنده شده

۴ : - عقیق بیضوی که دران ماشاء الله - کلمات شریفه لا قوت الا بالله نوشته است .

۵ : - شیشه فیروزه ئی رنگ مستطیل دوره زده ردو روی آن تصویر سر کسی حک شده .

۶ : - لعل پیازی بنفش مدور و محدب و تقریباً نیم کره . بالای سطح محدب آن برسم الخط خوشتنی نوشته است .

۷ : - یاقوت کوچک بیضوی بالای آن سر کسی با کلاک یونانی کنده شده

۸ : - یاقوت کوچک مدور روی آن شکل چوچه سگی کنده شده .

۹ : - عقیق سنید روی آن صحنه جنگ گاو و شیری ترسیم شده .

ت : - خریداری سامان برای مرمت کاری :

اممال قسمت اعظم آثاریکه ذریعه حفریات از بگرام و سائر نقاط پیدا شده بود مرمت کاری شد . برای مرمت کاری ها و یا کردن سامان اطاق غزنی و مرمت کاری ظروف تیکری وغیره اشیای ضروریه به مقداری زیاد خریداری و به تدریج بمصرف رسانیده شده .

## ششم .- عکاسی - رسم - تابلو های جدید

ما نند تمام مسائل دیگر مسئله عکس و عکاسی و ترتیب عکس ها و الیم ها هم تو جه طلب بود امثال تمام امورات عکاسی نگه داری کلیشه ها و عکس ها و الیم ها همه بعکاس موزه سپرده شده است علاوه اینکه عکسهای متفرق که در تحویلخانها افتاده بود جمع و در الیم ها سرش

وآثار مهم موزه تازه هم عکاسی شد والبم های نو خریداری گردید همین قسم تو سط بنا على محمدعزیر خان معاون موزه تبلوهای زیادی از آثار رنگه بامیان ساخته شد . که عجالاً در موزه کابل است و در نظر داریم که آنها را به بامیان بفرستیم تا سیاحین در خود بامیان هم از تماشای آن محروم نمانند .

### هفتم - نمائش البسه ملی ( قدم اول در تاسیس موزه اتنو گرافی )

چون موزه اتنو گرافی یا حفظ آثار ملی یکی از ضروریات است و از سالها انتظار آن کشیده می شد مدیریت موزه امسال بنا سیس این مو سسه مفید اقدام نموده و چون موضوع موزه اتنو گرافی خیلی جام و بزرگ است برای سال آینده ترتیبات گرفته شده است که تنها شق لباس ملی حتی الا مکان جمع و بنام نمایش البسه ملی بسال آینده بعرض نمایش گذاشته شود عجالاً در راه تعییل این مرام بزرگ سه نوع اقدام بعمل آمد است .

الف : تهیه و خریداری البسه که فهرست آن پیشتر ذکر شد

ب : تهیه تصاویر و تبلوهای پادشاهان افغانستان از قدیم ترین زمانها تا امروز - جمع آوری و بزرگ ساختن تصاویر مشاهیر ملی و دیگر نمونه های مختلف لباس .

پ : فرستادن اشخاص باطراف و ولایات برای جمع آوری البسه

### هشتم - اجرا آت اداری

چون تمام کاروائیهای که تا اینجا شرح داده شد باداره و اجرا آت آن ربط دارد و اینچنان است که از نقطه نظر اداری امسال کارهای زیاد شده . علاوه برین امسال دفتر موزه تمام محاسبات سالان گذشته و قریب و دیگر معاملات موزه را حل و فیصله نموده است .

### مدیریت مامورین و اجرائیه

همان طوریکه سائر شعبات و ریاست وزارت معارف در تطبیق پلان عرفانی حصه گرفته و هر یک ازان در حدود وظائف خود شان مصدر خدمات خوب و شایانی شده اند ( مدیریت مامورین و اجرائیه ) هم بسهم خود در حوزه اختیارات و دائرة صلاحیت خویش تمام وظائف محوه و امور مربوط خود را به بهترین صورتی اجرا و انجام داشته و در راه پیشرفت و عملی گردانیدن تمام امور تعلیمی و شئون تربیوی ( وزارت معارف ) حصه واقعی و قسمت کافی را حائز است ! زیرا که مسلماً این اداره مرجع تقرر ، تبدل ، عزل ، نصب ، ترقی ، تنزیل ، وضبط و قید سجل و سوانح و تهیه و تدارک تمام مامورین ، معلقین و مستخدمین معارف بوده و در فراهم آوری هر نوع ضروریات و اوازمات و اجراءات و اقدامات در شقوق عرفانی مساعدت و همکاری می کند ، بنابرین بجز بیمه

که موسسات ، ادارات و شعبات عرفانی مملکت کسب ترقی می کند ، و رو به ترقی و توسعه میگذارد خوشبختانه وظائف و خدمات واجرا آت این اداره نیز کسب ترقی و افزونی یافته مهتر و سنگین تر شده می رود . با تذکار این مطالب اجمالی اینک در ذیل خلاصه اجرآت سال ( ۱۳۱۹ ) این اداره نیز یاداشت می شود :

### اول - مقرر یهای مهم

- (۱) :- ع، ص سید عبدالله خان مدیر اداری فاکولته طبی و کلیل مدیریت معارف ولايت کابل بحیث معین معارف
- (۲) :- ع، ص هاشم شائق افندی رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف بحیث مشاور وزارت معارف
- (۳) :- ع ، ص برها الدین خان کشکلکی سابق مدیر روز نامه شریفه « اصلاح » بحیث رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف
- (۴) :- ع ، ص عبدالرحیم خان مدیر اداری مکتب استقلال بحیث رئیس مکتبین نجات واستقلال
- (۵) :- تقریر چهارده نفر مدیر به دوائر و شعبات مختلف وزارت معارف

### دوم : تدارک متخصصین و معلمین

- ۱ :- تقریر ( دو نفر ) متخصصین تربیه بنگاهی ( گلبدین خان ) و بنا غلی یار محمد خان به دارالعلمین اساسی یغمان .
- ۲ :- استخدام ( ۲۲ ) نفر متخصصین خارجی بحیث معلم و معلمہ برای فاکولتها و مکاتب ثانوی و مسلکی و مکتب مستورات .
- ۳ :- تجدید قرارداد با ( ۲۱ ) نفر متخصصین و پروفیسورهای خارجی که قرارداد های آنها اختتام یافته بود .
- ۴ :- اقدامات راجح باستخدام ( ۲۰ ) نفر پروفیسورها و متخصصین خارجی از امریکا ، فرانسه ، المان ، ترکیه و هند برای مکاتب ثانوی و مسلکی مرکز .
- ۵ :- تقریر ( ۳۹ ) نفر فارغ التحصیلان دارالعلمین اساسی بمکاتب ثانوی ، متوسطه .
- ۶ :- تقریر ( ۱۲۳ ) « فارغ التحصیلان کورس پیشو بمکاتب متوسط و ابتدائی .
- ۷ :- تقریر ( ۲۱۵ ) « فارغ التحصیلان دارالعلمین مستعجله کابل و قندهار بمکاتب ابتدائی .
- ۸ :- « ( ۱۵ ) « کورس سپورت به مکاتب ثانوی و متوسطه .

### سوم : مأمورین و مستخدمین جدید التقریر :

- ۱ :- مأمورین از درجه مأمور انتهائی تا کاتب ( ۸۹ ) نفر .

## اجرا آت دوائر مملکتی

۲ : مستخدمین به درجات مختلفه : (۲۳۱) نفر

چهارم :

ترتیب لواح استحقاق و تزئید معاشات تمام مامورین و معلمین معارف .

پنجم :

ترتیب دفاتر سجل وسوانح عموم مامورین و معلمین .

ششم :

رسیدگی بمعاملات جزائی وجرائم واوراق تحقیقات مامورین و معلمین .

هفتم :

اداره امور تشریفاتی مامورین و معلمین معارف ؛

هشتم :

رسیدگی به امور اجرائی وزارت ازفیل معاشات ومصارفات وغیره .

## مدیریت کنترول

این اداره مؤظف است تمام معاشات ومصارفات وعموم اجرا آت حسایه مربوطه (وزارت معارف) را حسب اصولات موضوعه مالی وحسابی مملکت نظارت وتدقيق وسنجهش وکنترول کند . واز تمام آن اغلاط وخطای وتجاویز وابتهاهاتی که در امور حسابی ومالی حادث وواقع گردد ، بهترین صورتی جلو گیری کند ونظریات وافکار منعقدانه حسایه خود را برآجع آن در تمام هنرات وبرون نویسی های خود را بلاغ واجوهه مقتصدیه را در هر مورد بگیرد . وهمه مناجعات واجرا آت عرفانی را حسب اصولات مالی در حدود مشخص بودجه اجراء کند بنابر آن مدیریت کنترول (وزارت معارف) بهمن اساس در طول سال جاری تمام امور مصارفات ، معاشات تخصصیات ، تعمیرات و دیگر شئون مالی این وزارت را بهترین صورتی اجرا وانجام نموده است مدیریت کنترول وزارت معارف مشتمل بر شعبات ذیل است :

اول :- شق بودجه که محتوی برین ادارات است :- (۱) :- ماموریت بودجه ووار دات

(۲) :- ماموریت معاش وصرف (۳) :- ماموریت جنسی

دوم :- شق مدرک جدید سوم کنترول های مربوطه که حاوی امور ادارات ذیل است :-

(۱) کنترول مكتب صنائع . (۲) :- کنترول فاکولته طبی . (۳) :- مكتب میخانیکی :-

(۴) دارالمعلمین اساسی یعنان (۵) دنوی کتابل دار المعلمین :

مدیریت کنترول وزارت معارف به مدستی و همکاری شعبات فوق الذکر درین سال جاری

- با حرا آتی موفق گردیده که اجمال آن حسب آتی است :
- ۱ : - ماموریت بودجه وواردات مدیریت کنترول وزارت معارف همواره کوشیده تا بر طبق بودجه در حدود منظوری معینه اجرآت لازمه بعمل آمده و از مشکلات و موانع حسابیه جلو گیری کرده شود . چنانچه در راه حصول این مطلوب بر ارجع مربوطه هدایات لازمه صادر نموده است . در شق واردات تابلوهای وارداتی خود را در موقع معینه آن با تطبیق حساب خزانه بوزارت مالیه سپرده و نسبت به تحصیل باقیات وارداتی اقدامات مقتضی بعمل آورده است و یک مبلغ زیادی را تحصیل و تحويل خزینه کرده و در تصفیه محاسبات وزارت معارف ببانک ملی داخل اقدامات جدی گردیده و در کشدن آن عتهای لایحه که از چندین سال افتاده بود موفق گردیده وازن ناحیه منافع زیادی را بنا و وزارت معارف دربانک ملی قید و ضبط نموده است .
  - ۲ : - ماموریت معاشات و مصارفات مدیریت کنترول وزارت معارف درین سال با کمال موقیت در ترتیب و تنظیم حسابات عملیات جدیانه نموده تابلوهای مربوطه خود را در موقع لا زمه بوزارت مالیه فرستاده و در انجام امور مفوضة خویش و تقدیم راپورهای مطلوب به مقامات صالحه کسب موقیت تام نموده است و راجع بحل مشکلات حسابی مقامات مقتضی و مذاکرات لازمی با وزارت مالیه کرده و اکثری از موضوعات پیجیده حل طلب را تصفیه کرده و هدایات لازمه را بشعب مربوطه صادر کرده است و در متحدد الشکل بودن حسابات و سرعت عمل کنترولی صرف مساعی ورزیده است چیز یکه در طی اجرآت مدیریت کنترول درین سال پیشتر قا بل تذکر است همانا تصفیه و تنقیه امور حسابیه سوابت ماضیه است بالای مامورین موظفه آن و تحصیل مبالغ زیادی است از درک باقیات سال های گذشته علاوه از اثر یک سلسله مذاکرات باوزارت مالیه تصفیه باقیات عمومی وزارت معارف را بعده وزارت مالیه گذشته است که این اقدام از جمله اجرآت عمدۀ این ماموریت پنداشته میشود .
  - ۳ : - ماموریت جنسی مدیریت کنترول وزارت معارف هم مثل شعبات فوق در اجرای وظائف خود کوشیده و راجع بوجودی سامان تحويلخانها اقدامات لازمه کرده و اوامر مفیدی نسبت بوجودی تحويلخانها صادر و در تطبیق حسابات با اوراق موجود پرداخته و راجع به ترتیب حسابات کتابخانه ملی که در گذشته وجود نداشت اقدامات مقتضی کرده و این ثروت گران بهای مملکت را از هر حیث و هر جهت تحت نظرارت و حمایت خود گرفته وهم نسبت با خراج کتب خارج پروگرام از تحويلخانها داخل اقدامات اساسی گردیده است .
  - ۴ : - ماموریت کنترول مدرک جدید یا شعبه جدید المشکلی است که در هذالسن بوزارت معارف روی کار آمده ولاعجه مفصلی از اجرآت این شعبه بصحة وزارت مالیه بدوار مربوطه صادر و ارتباط حسابی خود را باوزارت مالیه و دادگانستان بانک قائم کرده و عموم و ظائف

## اجرا آت دوازد مملکتی

محوله خود را به بهترین صورتی انجام داده و رویهمرونه در تطبیق محاسبات و اجرای بودجه و معاش و مصرف و معاملات جنسی می کوشد .

( نوی : - تهیه و ترتیب گراف بودجه و گراف مصارف عمومی وزارت معارف و تدبیر احصائیه لوازم و سامان غرفانی و تحصیل باقیات وغیره امور راجعه بامور حسایه نیز از جمله وظائف مدیریت کنترول است . )

### مدیریت اوراق

این مدیریت مؤظف به حسن اداره و محافظت و مناقبت تمام ارسال و مرسل، و تدویر امور اتصالیه و ارتباطیه بین ( وزارت معارف ) و عموم وزارات ، ریاستات ، مؤسسات ، ادارات ، و لانیات حکومات و سایر محلات بوده ، در تسریع رساله نیدن عموم مکاتیب واردہ بر ارجع مر بوصه آن و علی الفور فرستادن تمام مکاتبات صادره ( وزارت معارف ) به محلات معنونه آن، و حفظ اوراق و دوسيه ، و انجام سائر امور راجعه به اوراق ، طبق اصولنامه مخصوصه آن بوده ، و در طول سال جاری ( ۱۳۱۹ ) قرار آتی در مبارله و تعاطی مجررات رسمیه بذل مجاهده ورزیده است .

نمبر شمار	ریاستات ، ادارات	تعداد مکاتب
۱	ریاست تقاضش	۱۶۸۷۸
۲	» تدریسات	۹۳۵۰
۳	» تعلیم و تربیه	۲۵۳۶
۴	» توسعیع معارف	۱۰۲۸
۵	» پیورت و حفظ الصحف	۳۸۴۰
۶	» فاکولته حقوق و علوم سیاسی	۱۲۲۶
۷	مدیریت مأمورین	۸۹۰۲
۸	» شعبه اجراییه	۵۰۴۸
۹	» معلمین	۶۶۷۰
۱۰	» سوانح	۱۴۷۸
۱۱	» تنظیمات داخله	۷۷۲۰
۱۲	» خارجه	۲۴۸۴
۱۳	» کنترول بودجه	۷۹۱۸
۱۴	» معاش و مصرف	۴۴۰۰
۱۵	» جنسی	۲۶۰۰

۵۹۵	مدیریت مامورین شعبهٔ مدران	- ۱۶
۳۶۰۰	» فلم مخصوص	- ۱۷
۱۱۵۰	» موذیم	- ۱۸
۸۰۰	» اوراق شعبهٔ اجراییه	- ۱۹
۵۰۰	» » حفظیه	- ۲۰
۷۶۰۰	» منطقهٔ بادیه	- ۲۱
۲۲ تعداد تخمینی مکاتب ایام متباقی سال جاری ریاست و ادارات فوق ۱۵۹۷۰		-
(نوت : در این مکاتیب آن مراسلات و مکاتبات هم شامل است که بدون سلسلهٔ اوراق در بین خود مؤسسات مرکزی وزارت تبادل و تعاطی شده است :)		

### مقرراتها :

- ع، ص سید عبدالله خان معین تدریسی .
- » هاشم خان شائق مشاور اداری .
- » مولوی برhan الدین خان « کشککی » رئیس تعلیم و تربیه .
- ص ، احمد علیخان کهزاد مدیر موذیم و تاریخ .
- » ، امیرالدین خان مدیر فلم مخصوص .
- » ، غلام سخی خان مدیر کشتیول .
- » ، محمدآصف خان مدیر فاکولتهٔ طب .

### امور اقتصاد ملی

#### مدیریت عمومی توسعهٔ تجارتی :

##### ۱: اجرآت داخلی :

تجارت داخلی با وجود وضعیت پریشان دنبای امروزه سیر سریع تری را نشان داده و حرکات دوران سرمایه از همه وقت بیشتر جالب دقت واقع گردیده است . تأسیس شرکت های جدید که ذیلاً ذکر میشود همه مبشر تر قیات روز افرون آینده مملکت بشمار میروند . واقعاً در قیمت اشیاء وارداتی ترفیعی محسوس میگردد اما این وضعیت قطعاً بر سرعت روش تجارت متأثیری تولید نکرده است . شرکت های جدید التأسیس ذیل این افاده است .

##### ۲: تشکیلات دائرة نمایشگاه و تأسیس بنادرتون :

۳: شعبهٔ مشاوریت این مدیریت جهت وقوف طبقهٔ تجارت و مامورین وزارت به زبان انگلیسی

## اجرا آت دوائر مملکتی

کورسی افتتاح نمود که اشخاص زیادی داخل آن گردیده و تا آکنون با کمال سرگرمی و شوق مشغول تعلیم زبان انگلیسی میباشند.

علاوه بر آن برای تنظیم حقوقی امورات اقتصادی مملکت پروژه های قوانین لازمه و مفیدی ترتیب شده است. تا آکنون پروژه های ذیل تکمیل گردیده است.

الف: پروژه قانون کار.

ب: پروژه قانون مالیات بر عائدات.

ج: پروژه های مربوط به قانون تجارت.

## اجرا آت خارجی:

در این موقع بازیک جهان وضعیت صادرات خیلی وسعت بیدا کرده و یک اکشاف شایان تقدیری نشان داده است. اشاره ترقی صادرات ما فرارداد تبدله وی است که درین بازد ملی افغان و مؤسسه (ویستوک ایستورک) اتحاد شوروی منعقد گردیده است.

علاوه بر آن تمام مواد صادراتی در بازارهای خارج نزد بلند تری را بدست آورده است باینصورت وضعیت تجارت خارجی در یک سیر بسیار امید بخشی میباشد.

## تشکیل دائرة نمایشگاه و تاسیس نندارتون:

یکی از اجراءات عمده وزارت اقتصاد ملی تشکیل دائرة نمایشگاه و تاسیس یک نندارتون است اهمیت فوق العاده نندارتون که آئینه ترقیات صنعتی و مظہر اسرار حیات تجارتی بشمار میروند از انتظار رجال مربوطه این کار بعد نبوده و برای بوجود آوردن آن مساعی بسیار زیادی بکار برده شده است. چون مملکت باصلاح وضعیت صنعتی موجوده و داخل شدن به حیات صنعتی عصری عزم راسخی دارد. لازم است آثار این عزم و اقدام همیشه ذریعه نندارتون نشان داده شود. جهت این مقصد که ار باب صنائع و تجارت مملکت به پیشرفت مقاصد شخصی خود و آمال اساسی مملکت نائل گردند دائرة بنام نمایشگاه تحت اثر مدیریت عمومی توسعه تجارتی در ابتدای ۱۳۱۹ تشکیل گردید. وعلاوه بر آن برای بدست آمدن غایی بزرگتر اقتصادی مملکت فعالیت بر جسته و قابل تقدیر حیات اقتصادی که در سنۀ ۱۳۱۹ آغاز گردید باعث جلب انتظار و تحریک حیات صنعت خواهانه افراد مملکت واقع شد واقعاً در سالهای گذشته هم محصولات و امتنعه صنعتی مملکت در موقع نداش گذاشته می شد ولی امسال مملکت در راه تکامل اقتصادی یک خطوه متین تری انداخته باینصورت تمام ارباب صنائع درجه ذوق و مهارت خود را در صنعت به افراد مملکت نشان دادند.

### مدیریت عمومی انتباعات:

مجله اقتصاد که در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید در وزارت تجارت تحت مدیریت بناغی محمد زمانخان « تره کی » انتشار یافت از بدو انتشار آن تاکنون خدمات تبلیغی عمده را در امور اقتصادی مملکت ابراز نموده و چون وزارت اقتصاد ملی در اثر تو جهات حکومت و مساعی ع، ج، المر عالی نشان عبدالجبار خان و سعی یافته و دوائر آن نسبت به ترقی و توسعه امور اقتصادی به مدیریت های عمومی تبدیل گردید لازم دیده شد که امور نشریات نیز وسعت داده شده از جهات پروپاگاند و تبلیغات خدمت شایانی با امور اقتصادی مملکت کرده شود بناءً علیه تشکیل یک دائزه عمومی نشریات بنام مدیریت عمومی انتباعات در وزارت اقتصاد ملی منظور گردیده که مدیریت مجله اقتصادی شعبه اهم این مدیریت بوده وعلاوه بر این شعبه دیگری هم بنام شعبه نشریات و یک شعبه هم بنام تصحیح و صحافت نیز از اجزای مدیریت عمومی موصوف می باشد شعبه اجرایی و توزیع از شبکات اداری آن شمرده میشود.

مدیریت عمومی انتباعات و مدیریت مجله اقتصاد به نشریات مفیده اقتصادی که تا کنون در مملکت سا بهقه نداشته اند امات نموده و تمام تر قیات اقتصادی و صنعتی مملکت را با نشر گراورها و مقالات شایع نموده و باعث تشویق و تحریک در روح جامعه شده است کنون بناغی محمد زمانخان تره کی به حیث مدیر عمومی انتباعات و بنا غلی غلام دستگیر خان معاون بحیث مدیر مجله اقتصاد عزتقرار حاصل نموده اند.

### شعبه شرکتها:

#### اول انحصار پوست قره قلی:

یکی از صادرات عمده مملکت چنانچه مشهور است پوست قره قلی می باشد وزارت اقتصاد بمنظور صدور پوستهای مذکوره از افغانستان و بکار افتدان سرمایه ملی درین شعبه و ایجاد روابط درین شرکتها در خرید پوست کبه نفع مستحصلین پوست (مالدار) تمام میشود امتیاز خرید و صدور پوستهای پیداوار ولایات شمالی را برای مدت سه سال از اول سال ۱۳۲۰ الی ختم سال ۱۳۲۱ بشرطیکه اسمی آنها با تعداد پوست امتیازی هر یک در ذیل مطالعه میشود تخصیص داده و همچنین بمنظور نظر فوق اجازه و امتیاز پوستهای پیداوار ولایت هرات را بشرطیکه و تاجر ان افرا دی هراتی که هر کدام آنها با عدد پوست امتیازی شان در ذیل فامبرده میشود از اول سال جاری الی ختم سال ۱۳۲۱ که سه سال کامل شود اجازه اعطای نموده و بغرض ایشکار و امتیاز نامه های سه ساله باسمی هر یک شرکت و تاجر مذکور که تعدادی پوست امتیازی شان را واضح می نماید ترتیب و تفویض نموده و همچنین لایحه باسم لایحه انحصار

## اجرا آلت دوائر ملکتی

پوست قره قلی حاوی مقرراتی نسبت به خرید و اخراج پوست قره قلی تدوین و بدارنده گان امتیاز پوست قره قلی وهم بگمر کات مربوطه تفویض نموده است.

### ( صورت تشکیل شرکتهاي پوست قره قلی )

الف : شرکتهاي امتيازی يبداوار ولايات شماли .  
تعداد پوست امتيازی :

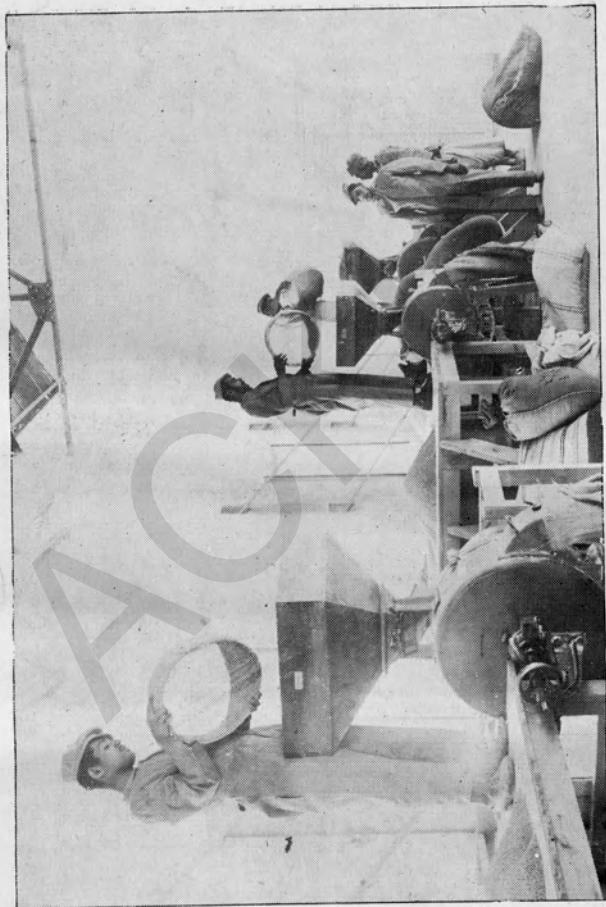
۱ -	شرکت عمومی صادرات قره قلی - ۸۹۸۵۰۰	- جلد
۲ -	» توکل کابل	- ۱۶۰۰۰
۳ -	» خیر خواه	- ۱۷۰۰۰
۴ -	» عزیز	- ۱۵۰۰۰
۵ -	» برادران	- ۱۲۰۰۰
۶ -	» تسلیم	- ۱۰۰۰۰
۷ -	» شهرزاده	- ۳۴۰۰۰
۸ -	» نقشبندی	- ۲۰۰۰۰
۹ -	» سعید	- ۱۲۰۰۰
۱۰ -	» رجاه مزار شریف	- ۱۰۰۰۰
۱۱ -	» کاکاه	- ۱۰۰۰۰
۱۲ -	» رفاه	- ۱۰۰۰۰
۱۳ -	» رشتیا	- ۸۰۰۰۰
۱۴ -	» قومی سریل	- ۱۰۰۰۰
۱۵ -	» کمال بلخ	- ۱۰۰۰۰
۱۶ -	» تخاری خان آباد	- ۱۰۰۰۰
۱۷ -	» میمنت مینه	- ۳۰۰۰۰
۱۸ -	» اخوت اندخوی	- ۲۰۰۰۰
۱۹ -	» اتفاق	- ۱۵۰۰۰
۲۰ -	» محبت	- ۱۰۰۰۰
۲۱ -	» اقدام	- ۱۰۰۰۰
۲۲ -	» متوكيل	- ۱۰۰۰۰
۲۳ -	» صداقت	- ۳۵۲۰۰

- ۲۴: شرکت اخلاص اندوخوی ۳۶۰۰۰ - جلد
- ۲۵: « سلامت » ۱۰۸۲۸
- ۲۶: « سعادت » ۲۶۹۷۶
- ۲۷: « اطاق تجارت کابل » ۳۰۰۰۰ - جلد پوستهای امتیازی اطاق برای یکسال ۱۳۱۹ است
- ۲۸: « شرکت یولوهئی قندوز » ۱۵۰۰۰ - جلد
- ۲۹: « صادرات تریاک هرات » ۲۰۰۰۰

ب: شرکتها و تاجران افرادی امتیازی پوستهای بیداوار ولایت هرات!

اسم شرکت	تعداد پوست امتیازی
۱: شرکت اتحادیه هرات	۵۳۵۰۰ - جلد
۲: حبیب الله خان ارباب زاده بصورت افرادی	۱۲۵۰۰ -
۳: عبدالرحمن خان جگانی	۲۰۰۰ -
۴: غلام حیدرخان ولد غلام رضا خان	۴۰۰۰ -
۵: ملا احمد خان بیت الامانی	۳۵۰۰ -
۶: محمد نبی خان بیت الامانی	۴۰۰۰ -
۷: محمد حیدر خان بیت الامانی	۲۰۰۰ -
۸: سید عبدالسلام خان سید، منصور خان	۲۰۰۰ -
۹: حاجی محمد رحیم خان فاسزاده	۲۰۰۰ -
۱۰: محمد حسن خان هاشمی بصورت افرادی	۳۰۰۰ -
۱۱: سید عبدالوهاب خان سید اعظم آقا	۷۲۳۵ -
۱۲: محمد ابراهیم خان بیت الامانی	۲۰۰۰ -
۱۳: دین محمد خان محمد حسین خان	۲۰۰۰ -
۱۴: ذبیح الله خان رضائی	۲۰۰۰ -
۱۵: حاجی محمد مهدی خان	۲۰۰۰ -
۱۶: محمد عمر خان ولد حاجی عبدالقیوم خان	۲۰۰۰ -
۱۷: حاجی ملانظام خان ولد محمد عظیم خان	۳۰۰۰ -
۱۸: حاجی ملا عبد الرحمن خان ولد عبدالله خان	۳۰۰۰ -
۱۹: حاجی محمد حسین خان ولد سیر اعلیخان	۵۵۵۰ -
۲۰: حاجی رحمت خان قلعه نوی	۶۶۹۸ -
۲۱: شهسوار خان قلعه نوی	۹۰۵۶ -

آسیا بر قی از فابریکات شر کت پیشون





منظره داخلی کارگاه صربا سازی شرکت پیشتون



منظره خارجی عمارت فابریکات شرکت پیشتون



گوسفند های مرینوس در تربیه گاه حیوانات در فند هار



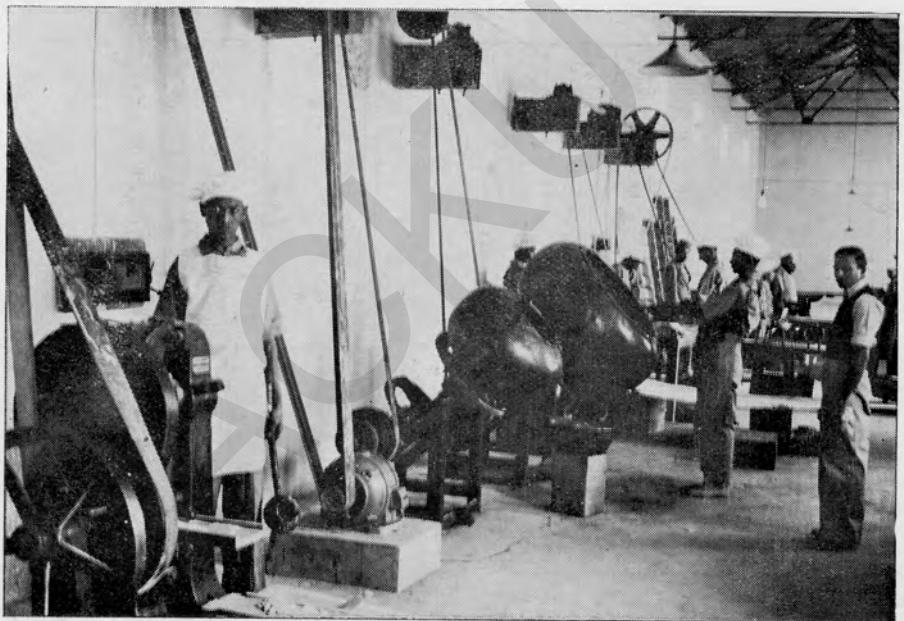
یک تعداد گوسفند های ماده اصیل مرینوس که بعدهای زراعت ولایت فینهار نسلییری شده است



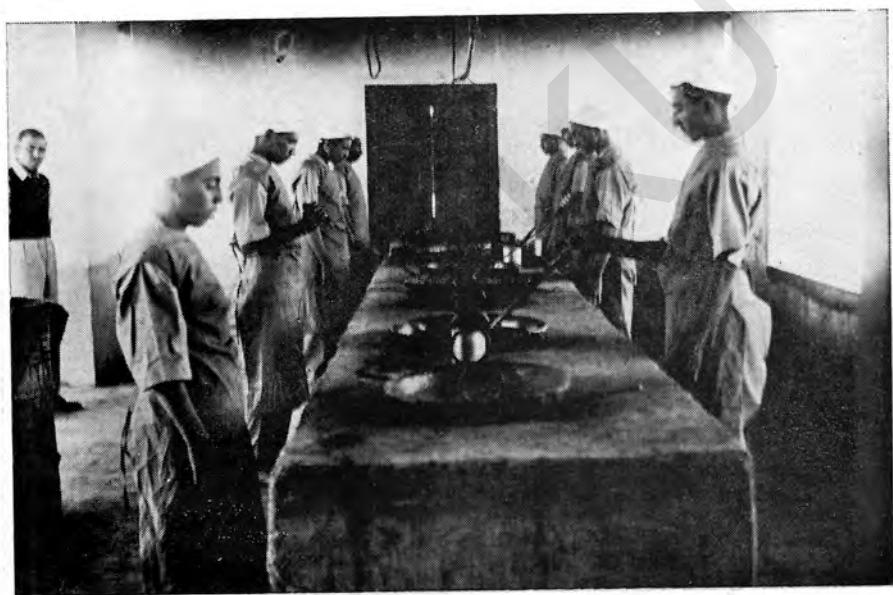
یک تعداد گوسفند های قوچ اصیل مرینوس که بعدها زراعت ولايت فندهار  
ناسلگیری شده است



گوسفند های مرینوس در تربیه گاه حیوانات در فندهار

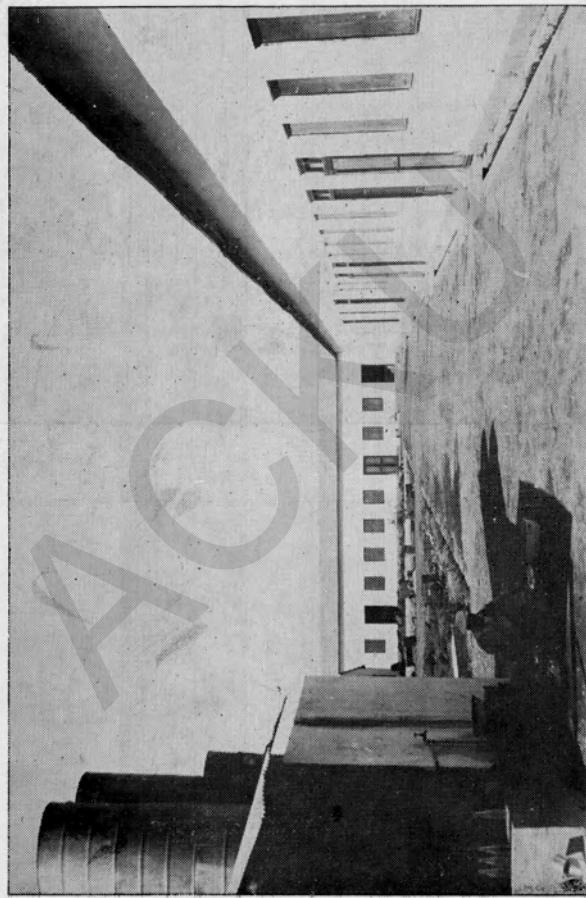


ماشین شیرینی سازی و جلای شیر نمی باب از فابریکات شرکت پستون

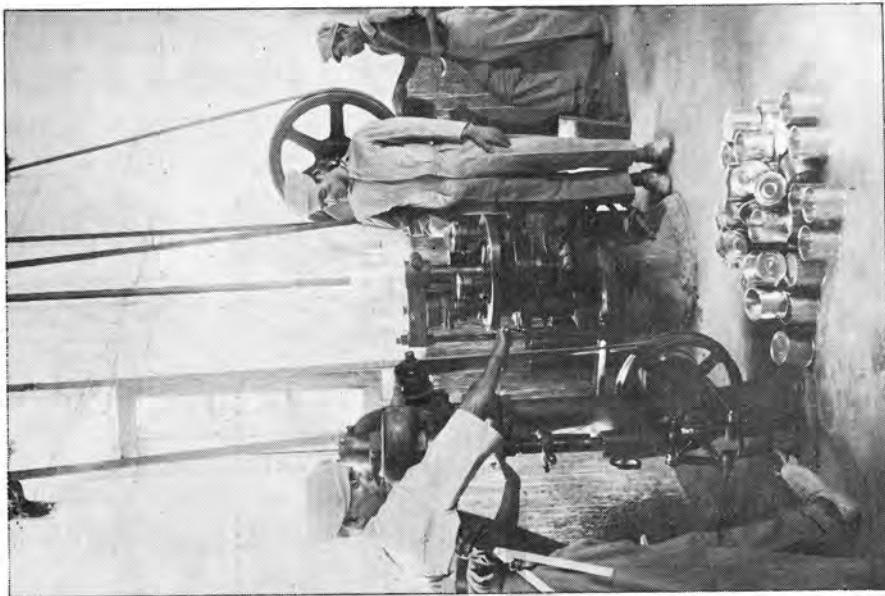


عملیات شیرینی سازی ، شرکت پیشتون قندهار

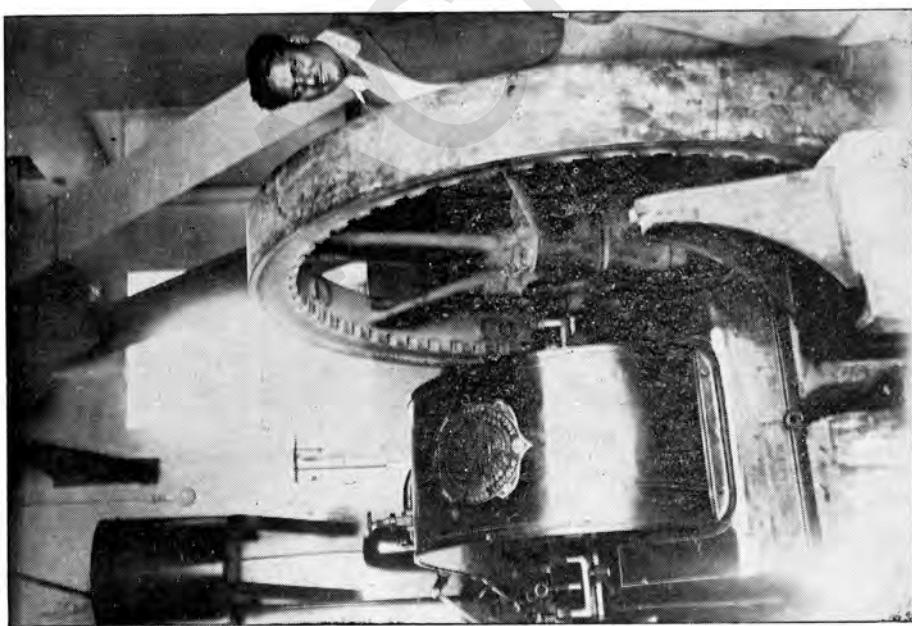
صحن محل فابریکات شرکت پیشون



ماشین قوطی سازی شرکت پیشتون



ماشین دیزل شرکت پیشتون



## اجرا آت دوائر مملکتی

- ۲۲ : محمد رحیم خان تجارت گولیانی بصورت افرادی ۲۵۰۰ جلد
- ۲۳ : شرکت اعتماد هرات « » ۵۰۰۰ « »
- ۲۴ : غلام نبی خان تره کی ۱۲۰۰۰ « »
- ۲۵ : شرکت کلیمان ازاول ۴۰۰۰ « »
- ۲۶ : حاجی شیر محمد خان قلعه نوی سال ۱۳۲۰ الی سال امتیاز دارد ۲۰۰۰ جلد

### دوم : انجصار روده :

همچنین بغرض صدور و اخراج روده های بیداوار مملکت و هم منافع از منابع اقتصادی امتیاز صدور و اخراج روده که از اول سال ۱۳۱۶ تا اخر سال ۱۳۱۸ سه سال بمبلغ ده لک افغانی به آفای عبدالعزیز خان تاجر اعطاء گردیده بود بالاخره نظر باختتم موعد امتیازی سه ساله عبدالعزیز خان موصوف و در اثر داوطلبی شاغلی حاجی غلام حیدر خان رئیس شرکت نقشبندی درنتیجه امتیاز صدور و اخراج روده ازاول سال ۱۳۱۹ الی ختم سال ۱۳۲۱ سه ساله بمبلغ بیست و یک لک افغانی بحاجی غلام حیدر خان مذکور تعاقن گرفته حسب ایجاد مرائب اصولی معاملات روده ازاول سال ۱۳۱۹ الی ختم سه سال با توفیض و فرار داد لازمه آن با مضای طرفین رسید .

سوم : شرکت کلیمان وطن : همچنان بمنظور نظر اتفاق و اتحاد و بکار افتادن سرمایه ملی شرکتی با شرکت کلیمان وطن در هرات با سرمایه « سی لک » افغانی در هذالسنہ تاسیس و اساسنامه شرکت مذکور طرف منظور وزارت واقع گردیده بشرکت مذکور طبق مقررات اسا سنامه مزبور امر واجا زه داده شده که کنون امورات شرکت مذکور در جریان بوده و اسهام این شرکت بیشتر در دست یهو دیان وطنی و هم در راس اداره و کار روابط های شرکت مذکور یهو دیان واقع میباشد :-

چهارم : شرکت صادرات پسته : این شرکت نیز در هذا سنہ با سرمایه ابتدائی « دو میلیون » افغانی بمنظور نظر وزارت در هرات دائز گردیده اجرای عمل مینماید و اساسنامه مرتبه آن طرف قبول و وزارت واقع شده بشرکت مذکور موقع داده شد تا از نقطه نظر منافع وطنی از منابع اقتصادی استفاده نماید .

پنجم : شرکت اعتماد بادغیسات : این شرکت نیز بر ترتیب فوق در هذا سنہ در هرات تاسیس گردیده اساسنامه آن طرف قبول و وزارت افنا دشترکت مذکور اجازه داده شده تا در اقتصادیات مملکت سهمی گرفته و نیز شرکت مزبور با سرمایه « ده لک » افغانی تشکیل و شروع بکار نموده است :

ششم : شرکت توفیق : شرکت توفیق نیز از شرکت های تاسیس شده در هرات میباشد

که درهذا سنه شرکت مذکور تاسیس یافته و با سرمایه « یک میلیون » افغانی تشکیل وطبق مقررات اساسنامه که از طرف وزارت منظور شده برای شرکت مزبور جواز داده شده که شروع بکار نموده است .

هفتم : شرکت سرویس و پر زه فروشی این شرکت نیز از شرکت های تاسیس شده هذاسنه بوده و شرکت مذکور با سرمایه « بیست لک » افغانی در کابل تشکیل گردیده امتیازاتی نیز باین شرکت حسب تصویب و مقتضوری مقامات صالحه اعطاء شده .

هشتم : نماینده گی دایر نگی و بهسود : بفرض رفاه و بهود اهالی هزاره جات بمساعدت شعبه شرکت های اینوزارت دونماینده گی در بهسود و دایر نگی نیز درهذاسته از طرف شرکت عزیر و شرکت صابر تاسیس و قایم نموده شده که نماینده گی ها یعنی مذکور ازواں سال جاری تاسیس و شروع بکار نموده اند و تمام امایحتاج اهالی آن مرزو بوم راحتی الامکان تهیه و تکمیل میدارند نهم : اعانه شرکت ها و تاجر ان امتیازی پوست فره قلی بموسم خیریه :-

حسب موا فقه و تصویب رؤساو نمایندگان شرکت های پوست فره قلی در مجلس اطاق وهم مصوبه اطاق تجارتی موصوف بتمام شرکت ها و تاجر ان امتیازی پوست فره قلی در مرکز و ولایات و محالات ذریعه شعبه شرکت های اینوزارت اطلاع نموده شده تا سرماز اول حمل سال ۱۳۲۰ الی اخیر حوت ۱۳۲۶ که هفت سال کا مل شود تمام شرکت ها و تاجر ان دارند امتیاز پوست فره قلی از هر جلد پوست اصل و دوبر فی جلد پنجاه بول بعنوان اعانه خیریه بگمرا کیات مربوطه تحويل بدنه و گمرا کیات مزبور بول های جمع شده گی این مدرک راهفت وار به نماینده گی های بانک تحويل نموده رسیده حاصل دارند .

### مدیریت عمومی صنایع :

#### ۱: تأسیس شرکت سهایی برق :

این شرکت به سرمایه هفت و نیم کیور افغانی تاسیس شده است که هر سهم آن پنجصد افغانی قیمت دارد و قادر یکات برق مال حکومت به شرح ذیل با لای شرکت موصوف فروخته شده است :

- |                      |                              |
|----------------------|------------------------------|
| الف :-               | با بریکه برق جبل السراج      |
| ۳۵ لک افغانی         |                              |
| ب :-                 | فابریکات « پیمان و جلال آباد |
| ۴ لک افغانی          |                              |
| ج :-                 | فابریکه برق قندھار -         |
| به اساس قیمت تمام شد |                              |
| د :-                 | » دیزل -                     |
| »                    |                              |
| ه :-                 | » « چک وردک -                |
| »                    |                              |

## اجرا آت دوازد مملکتی

از جمله هفت و نیم کر و ر افغانی سر ما یه شرکت مذکور - ۵ فیصد آن را د افغانستان بازک خریداری نموده و مابقی بالای اهالی به فروش رسیده - از طرف حکومت علیه برای مدت پنجاه سال امتیاز تأسیس و توسعه بر ق در منطقه ولايت کابل به شرکت مذکور اعطای شده است.

### ۲ - تأسیس شرکت سهامی نساجی:

این شرکت به سرمایه دو صد میلیون افغانی تأسیس شده است که قیمت هر یک سهم آن یکصد افغانی است کارخانه بزرگ نساجی در پل خمری بوده و در سال ۱۳۲۰ افتتاح خواهد شد . فابریکه نعمتی و نساجی جبل السراج مال حکومت نیز به اساس قیمت تمام شد بالای شرکت موصوف به قسط شش سال فروخته شده است .

### ۳ فروش کارخانه بوت دوزی و چرمگری :

فابریکه مذکور بالای شزاده عبدالعزیز خان ، محمد موسی خان و حاجی غلام حیدر خان تجار به مبلغ دولك و نو دویک هزار و شصت و یک افغانی و نوزده پول به قسط شش سال فروخته شده است . در راس آن بناغلی حاجی غلام حیدر خان که سهم دار بزرگ است بحیث رئیس کار میکند .

### ۴ فروش فابریکه صابون سازی :

این فابریکه بالای حاجی غلام حیدر خان رئیس شرکت فاروقی به مبلغ شصت و هزار و شصصدو هشتاد و هشت افغانی ویست و نه پول به قسط چهار سال به فروش رسانیده شده است .

### ۵ فروش فابریکه گوگرد سازی :

این فابریکه بالای شزاده عبدالعزیز خان ، محمد موسی خان و حاجی غلام حیدر خان به مبلغ پانزده لک افغانی به قسط چهار سال فروخته شده است . در راس آن بناغلی شزاده عبدالعزیز خان که سهم دار بزرگ است بحیث رئیس کار میکند .

### ۶ اجاره فابریکه پشمینه بافی :

فابریکه مذکور به آقایان عبداللطیف خان و حاجی محمد شریف خان تجار و شرکت نساجی برای مدت پنج سال اجاره داده شده که سالانه مبلغ پانزده هزار افغانی حق الاجاره آن را بحکومت می پردازند .

### ۷ تأسیس شرکت سهامی حجاري و نجاري :

این شرکت به سرمایه (۱۰) میلیون افغانی تحت ریاست آفای دوست محمد خان که سهم دار بزرگ شرکت اند تشکیل گردیده است .

فابریکه نجاری مرکز و فابریکه نجاری دار الفنون در بدل مبلغ دولت افغانی و فابریکه جدید خواجه ملا به اساس قیمت تمام شد به قسط پانزده سال بالای شرکت موصوف به فروش رسیده است .  
تشکیلات و تعین وظایف شعبات مدیریت عمومی صنایع کجدیداً دروزارت اقتصاد ملی تشکیل گردیده است .

مدیر عمومی : ۱ نفر

### شعبه اول - مطالعات در اطراف صنایع ممکنه در مملکت و ترتیب پروژه ها .

مدیر : ۱ نفر

متخصص : ۳ نفر سرکاتب و کاتب و ترجمان : بقدر لزوم

#### وظائف :

۱: - مطالعات در اطراف صنایع ممکنه مملکت و ترتیب و تدقیق پروژه ها

۲: - تقسیم و تغیریق صنایع مملکت بدسته های مختلف از نقطه نظر احتیاج ، از جیش کش ر مواد خام ، تسهیلات عملی و منافع تجارتی .

۳: - ترتیب نمودن یلانهای عمومی هر دسته صنعت ، تعین وقت و سنجش وسائل بسکار انداختن آن .

۴: - احصائیه مواد خام که در مملکت بحال طبیعی وجود دارد .

۵: - ایجاد یک کتابخانه تکنیکی و صنعتی . (در نظر است که وزارت یک کتابخانه تأسیس نماید بنابران در همان کتابخانه حصة تکنیکی و صنعتی تخصیص یابد . )

نوت : شروع تعمیل ماده (۱) در سال ۱۳۲۱ .

» » (۲) ۱۳۲۳ .

» » (۳) ۱۳۲۴ .

» » (۴) ۱۳۲۰ .

(۵) هر زمانیکه کتابخانه وزارت تأسیس میباشد .

### شعبه دوم - ترتیب قانون نامها ، اصول نامها ، هنایات نامها و جواز نامها :

مدیر : ۱ نفر

قانون دان : ۱

متخصص دفتر داری و حسابی : ۲ نفر - سرکاتب و کاتب بقدر لزرم .

## اجرا آت دوائر مملکتی

### وظائف:

- (۱) ترتیب و تحریر اصول نامه‌ها، نظام‌ها، هدایات نامه‌ها، و جواز نامه‌ها و سپردن آنها به مؤسسات صنعتی و مراجع مربوطه.
- (۲) ترتیب و بوجود آوردن فواین کار و کارگر و فواین اداری برای مؤسسات صنعتی.
- (۳) تعین خط مشی فنی و رهنمایی تکنیکی.
- (۴) تحریر مقالات در اطراف صناع مختلف ملی و اشاعه آن توسط مجلات.
- (۵) اخذ پیشنهادات و خواهشات مؤسسات ملی و غرائض ویشنها دات توده کارگر و سنجش و تدقیق آنها.
- (۶) داخل مقاهمه شدن مؤسسات مخابله صنعتی خارجی، اشتراك بمجلات صنعتی خارجی و حتی الامکان تطییق طرز رفتار و کردار آنها بصنایع وطن.
- (۷) ترتیب و بوجود آوردن طرز دفترداری باصول جدید برای مؤسسات صنعتی ملی و در معرض اجرا گذاشتن آن توسط مؤسسات منبور در حدود ممکنه و تدریجی.
- (۸) همکاری بدبیریت نمایشگاه وزارت اقتصاد ملی در موضوع صنایع.
- (۹) تعیین مواد اصول نامه تشویق صنایع بدون موادیکه بشهه مرافت و کاترول ارتباط دارد.
- (۱۰) تعیین تصویبات مجلس شورای عالی اقتصادی و انجمن صنایع.
- نوت: شروع تعیین مواد (۱)، (۲)، (۴)، (۵)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰) در سال ۱۳۲۰.
- » ماده (۶) در سال ۱۲۲۳.
- » ماده (۳) در سال ۱۳۲۴.

### شعبه سوم تشویق و ترویج صنایع دستی:

مدیر: ۱ نفر

متخصص: ۱

### وظائف:

- (۱) تسهیلات لازمه برای فراهم نمودن مواد نیمه مصنوع.
- (۲) اصلاح و اساسی ساختن تدریجی دستگاهها و آلات صنایع دستی.
- (۳) تشویق و ترغیب راجع به تشکیل جمیعیتهای کارگر و تاسیس شرکت‌های صنعتی دستی.
- (۴) تسهیلات لازمه راجع بذریافت و معین نمودن وضعات بفرض فروش منسوچات وغیره اموال صنعتی.
- (۵) احصای تدریجی صنعت گران دستی.

- (۶) تسهیلات لازمه بفرض در یافت نمودن نموذها یکیکه در بازار داخل و خارج فروش دارد و انتشار آن در مؤسسات و جمعیت صنعت کاران .
- (۷) توسعه و ترغیب رنگهای نباتی وطن و تسهیلات لازمه راجع به تورید رنگهای جو هری پخته و اساسی بالخصوص برای قالین .
- (۸) تاسیس یک شرکت رنگریزی برای رنگ آمیزی پشم در مراکز قالین بافی .
- (۹) تاسیس یک شرکت قالین بافی باصول واساس صحیح .
- (۱۰) تسلیم شدن معلومات و پژوههای شعبه اولی و تحت عمل گذاشتن آنها در حدود ممکنه .
- نوت : شروع تعمیل مواد (۱)، (۲)، (۴)، (۵)، (۶)، (۸)، (۹) در سال ۱۳۲۰ .
- » » (۳)، (۶) در سال ۱۳۲۱  
» » (۱۰) در سال ۱۳۲۲

#### شعبه چهارم : تشویق و ترویج صناعه ماشینی .

مدیر : ۱ نفر

متخصص : ۱ » - سرکاتب و کاتب بقدر لزوم

#### وظائف :

- (۱) تسهیلات لازمه برای فراهم نمودن مواد خام خارجی و اگر ضرورت افتد مواد خام داخلی .
- (۲) » » » لوازم فابریکات از قبیل ماشین ها، پر زه ها و آلات وغیره .
- ۳ : تسهیلات لازمه برای استخدام متخصصین خارجی .
- ۴ : تسهیلات راجع به بازار فروش در مختلف نقاط داخلی مملکت و رهنمایی نماینده گیهای یکه در خارج مملکت میباشد .
- ۵ : اخذ ترتیبات لازمه برای ترقی تدریجی فابریکات و صنعت ، تجدید اصول کار تسبیت لازمه از طرز اصول کار ممالک همچوار و خارجی ، تطبیق و عملی ساختن آن در حدود ممکنه و تقاضای محیط در داخل مملکت .
- ۶ : سنجش و دریافت وسائل ممکنه بفرض محدود ساختن تدریجی واردات خارجی و توسعه دادن صنائع داخلی .
- ۷ : کمک های تکنیکی ، اداری ، و حسابی بموسسات صناعتی ملی .
- ۸ : تسلیم شدن معلومات و پژوههای شعبه اول و تحت عمل گذاشتن آنها در حدود ممکنه .
- نوت : شروع تعمیل مواد ، (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۶)، (۷)، (۸) در سال ۱۳۲۰ .
- » ماده (۶) در سال ۱۳۲۱  
» (۴) و (۸) در سال ۱۳۲۲

## اجرا آت دواز مملکتی

### شعبه پنجم : مراقبت و کانترول :

مدیر : ۱ نفر

مفتی ، سر کاتب و کاتب بقدر لزوم .

وظائف :

۱ : - تطبیق تعییل قوانین و هدایای تکه بفرض اجرا به مؤسسات صناعتی ملی فرستاده شده .

۲ : - کانترول عملیات مواد ذیل تشویق صنایع :

الف : - مواد (۲۶) و (۲۷) و (۳۰) فصل ششم :

ب : - مواد (۳۱) و (۳۲) و (۳۳) و (۳۴) و (۳۵) و (۳۶) فصل هفتم .

ج : - ماده (۴۰) فصل هشتم .

۳ : - مراقبت و کانترول رنگهای جوهری و انجاز تدبیر برای اصلاحات آن

نوت : - شروع تعییل مواد (۱) و (۲) و (۳) در سال ۱۳۲۰ .

### شعبه ششم : احصائیه

مدیر ۱ نفر

سر کاتب و کاتب بقدر لزوم .

وظائف :

۱ : - ثبت احصائیه جمیع موادواردانی خارجی و مواد خام داخلی - مواد پخته و تلفات جائزه مؤسسات صناعتی و تخصیص دوسیه برای هر یک مؤسسات مذکور .

۲ : - ثبت طاقت محركه ، تعداد ماشین ها با انواع آن ، پر زده جات فالتلوی کار آمدیکساله ، تعداد کارگران با اصناف شان و تعداد کارگران اداری .

۳ : - ترتیب اوراق بر آورد و تقسیم آن به مؤسسات صناعتی بفرض خانه پری و تسليم شدن آن با وفات منظم بعد خانه پری .

۴ : - ثبت احصائیه سرمایه واردات نقدی ، مصارفات ، معاشات ، صادرات و منافع مؤسسات صناعتی و تخصیص دوسیه برای هر یک مؤسسات مذکور .

نوت : شروع تعییل مواد (۱) ، (۲) ، (۳) در سال ۱۳۲۰ (۴)

۱۱ : - لائمه تشکیلات و اجرآت اطاقهای تجارت وزارت اقتصاد ملی «

## اطاق تجارت مركزي

### تشکیلات :

الف : معین وزارت اقتصاد ملی و رئیس عمومی اطاقهای تجارت .

ب : مدیریت عمومیه اطاقهای تجارت و محکم تجاریه .

### ۱ - اطاق تجارت مرکز :

الف : مجلس اطاق تجارت مرکزی .

ب : مجلس مرافعه اطاق تجارت مرکزی .

### ۲ - اطاقهای تجارت در ولایات :

الف : اطاق تجارت مزار شریف .

ب : اطاق تجارت ، قندھار .

ج : اطاق تجارت ، اندخوی .

د : اطاق تجارت ، هرات

### ۳ - ریاست های فیصله منازعات تجارتی در مرکز و ولایات

الف : ریاست فیصله منازعات مرکز .

ب : « » « قندھار »

ج : ریاست منازعات هرات

د : « » « مزار شریف و مینه »

ه : ریاست منازعات

### ب : اجراءات :

۱ - برای تعین رئیس و معاون اطاق تجارت مرکز از بین خود تجار و ترتیب اداره امور مالی و اداری آن درسته ۱۴۱۹ (۱۵) بتاریخ میزان پیشنهادی ذیل از طرف وزارت اقتصاد ملی به مجلس عالی وزراء تقدیم و تصویب مجلس عالی حاصل شد .

### ب : مجلس عالی وزراء :

در قسمت اطاقهای تجارت پس از اصلاحات سائره از قبیل تعديل اوضاع داخلی اطاق تجارت کابل و تاسیس اطاقهای تجارت دیگر ولایات ، مزار ، هرات ، قندھار ، اندخوی اگذون وزارت چنین نظریه دارد که برای اداره امور محاسباتی مجلسین اطاق تجارت کابل هم مانند سایر اطاقهای تجارت تشکیلات جدیدی نموده شود برای است مجلس اطاق تجارت کابل نیز مانند سایر و لایات بخود تجار منوضع گردد تا آنها رفته شروع پاداره امور اطاق نموده و تدریجاً عادی و آماده برای آنوقتی بشوند که اگر بکلی امورات اطاق تجارت بخود شان سیرده میشود مانند سرمایه داران و تجار مالک مترقبی بتوانند از عهده اداره آن

بطور مستقلانه بر آیند.

اینک در تحت همین نظریه، وزارت اقتصاد ملی موضوع را مجلس عالی و زرای پیشنهاد ننماید. تابع تصویب مجلس عالی وزراء تشکیل و اجرا آت اطاق تجارت کابل به ترتیب مواد ذیل تحت اجراء گرفته شود:

- ۱: رئیس مجلس اطاق تجارت دعاون آن از جمله خود تجار عضو اطاق تجارت معین گردد البته تقدیر رئیس اطاق طوریکه در پروردۀ اصولنامۀ اطاقهای تجارت تصریح شده بانتخاب خوداعضای اطاق و موافقت وزارت اقتصاد ملی بنظروری مقام صدارت عظمی صورت خواهد گرفت.
- ۲: انتخاب یکی از معین‌های وزارت اقتصاد ملی بحیث رئیس عمومی اطاقهای تجارت افغانستان وزارت اقتصاد ملی که امور اطاقهای تجارت را نگرانی واداره خواهد نمود.
- ۳: مدیر عمومی اطاقهای تجارت وزارت اقتصاد ملی بحیث سکرتری نزدیک (منشی عمومی) از طرف وزارت اقتصاد ملی در مجالس اطاق تجارت مکرری شامل وظیفه منشیت را ایفا نماید.
- ۴: تصاویب مجالس اطاق را بدون آنچه از مسائل پولی و بودجه وی است رئیس عمومی ملاحظه و امضاء مینماید مسائل پولی و بودجه وی و همچنین تصاویب راجعه بموضوعات مهمه بعد امضاء و منظوری شخص وزیر اقتصاد ملی قابل الاجرا است.
- ۵: رئیس عمومی از امور اداری یاما لی تا جاییکه خودش به صلاحیت خود اجرا کرد و میتواند اجراء و مسائل بلندتر از صلاحیت خود را از وزیر اقتصاد ملی استهدا مینماید.
- ۶: رئیس اطاق تجارت وظیفه ریاست مجلس را ایام میکند امور اداری مثل سابق تحت نظر و امر رئیس عمومی و معین وزارت اقتصاد ملی اجرا می‌شود.
- ۷: مدت ریاست اطاق تجارت برای یکسال است تجدید انتخاب رئیس بدورة دو م نیز ممکن است.
- ۸: رئیس اطاق تجارت که از بین اعضاء اطاق انتخاب می‌شود بر علاوه داشتن او صاف مصربه در ماده (۸) پروردۀ اصولنامۀ اطاقهای تجارت واجد شرایط ذیل نیز باید باشد.
  - الف: برای یکدوره (سه سال) باید عضویت اطاق تجارت را طی کرده باشد.
  - ب: سن او متجاوز از سی سال باشد.
- ج: اقلّاً دویست اعضاء هر دو مجلس به انتخاب او جهت ریاست اطاق تجارت توافق نظر داشته باشند و رای بدهند.

۹: بودن یکی از معین‌های وزارت اقتصاد ملی بحیث رئیس عمومی اطاقهای تجارت افغانستان البته تاییک میعاد معینی مثلّاً برای ییچ سال باشد بعد از آن درهنگامی کدیده شود تجار میتواند خودشان از عهده اداره و پیشرفت اطاقهای تجارت بصورت مستقلانه و صحیح برآیند ضرورت

ریاست عمومی نبوده اطاقهای تجارت عموماً مستقل و همینه در کدر مرکز در جلسات اطاق تجارت مدیر عمومی اطاقهای تجارت و در لایات مدیر های تجارت از طرف وزارت اقتصاد ملی نهایندگی و شمولیت نمایندگانی خواهد بود.

این بود پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی که تعیین میگردد.

به فرمان ۴۷۵ / ۲۵ میزان صدارت عظمی چنین جواب داده شد.

نظر به پیشنهاد مورخه ۱۵ میزان نومره ۱۰۹۶ وزارت اقتصاد ملی راجع به تعديل اوضاع داخلی اطاق تجارت کابل و تاسیس اطاقهای تجارت دیگر لایات مجلس عالی وزراء تصویب نومره (۴۵۳) تاریخی ۱۵ میزان ۱۳۱۹ را قرار ذیل نمود « مصوبه مذکور تحت نمبر ۵۵۱ / ۲۰ میزان بصجه و منظوری حضور شاهانه رسیده است »

۲: تشکیل و تاسیس اطاقهای تجارت جدیداً در لایات ذیل درسته ۱۳۱۹ بعمل آمد:

الف: اطاق تجارت در قندهار

ب: اطاق تجارت در هرات

ج: اطاق تجارت در مزار شریف

د: اطاق تجارت در اندوخوی

۳: مسائل اعانه جات:

الف: اعانه جهته اتیام و مسائی:

۱: در آخر سال ۱۳۱۷ باشر مذکور که در مجلس اطاق تجارت مرکز رویداده بود مسئله جمع کردن یکمقدار پول را از طرف طبقه تجار و شرکتها بنام اعانه دارالاتیام و مسائی بود، درنتیجه مذکور که مجلس یک مقدار پول تعین شد، چنانچه از آنجمله تا کنون یک اند ازه را تادیه و باقی آن حصول شده میروند.

ب: اعانه امدادیه به مستحقین:

۱: مسئله اعانه امدادیه به مستحقین به اطاق تجارت مرکز تحت بحث و مذکور گرفته درنتیجه مذکور که درسته ۱۳۱۸ بعمل آمد یک مقدار پول بنام طبقه تجار و شرکتها تعین، چنانچه تا دوره کنونی یک مقدار آن تادیه، و حصة باقیمانده آن درشرف تادیه میباشد.

ج: اعانه ائیس:

۱: مسئله جمع آوری یکمقدار پول بنام اعانه ائیس و خدمت بمطبوعات در اوائل برج ثور هذا سنه ۱۳۱۹ ازین طبقه تجار، مذکور و درنتیجه یک مقدار پول بنام اعانه مذکور تعین شد، چنانچه پول اعانه مذکور چهته اعانه ائیس جمع وتحویل بانک کرده شده.

۴: در ضمن مذکورات تاریخی ۵ حوت ۱۳۱۹ مجلس اطاق تجارت یکی مسئله تاسیس

شرکت سمنت بوده، که جهت ذخیره کردن یکمقدار پول برای شرکت مذکور چنین تجویز شده که از مقادیر فروش پوستهای ۱۳۱۹، هر تاجر پوست و شرکتهای پوست یکمقدار پول باید جمع و آن را برای شرکت سمنت و خرید ماشین آن ذخیره شود.

**۵: مسئله اعانه خیریه بموسسه خیریه:**

بوجب تصویب نمبر ۲۱۰ مجلس اطاق تجارتی که در اطاق تجارت بعمل آمد عیناً سواد مصوبه مجلس قرار ذیل است:-

در جلسه امروزی اطاق تجارت که تجار عضو اطاق و یکمده آقایان تجار و رؤسا شرکتهای دارندۀ سهم قره قل حضور داشتند، از طرف تجار و رؤسائے شرکتهای مذکور چنین بیشنها دی مجلس اطاق نموده شد، که چون هر فرد تاجر و شرکتهای آرزو دارند در امور خیریه شامل گردیده و در معاونت بموسسه خیریه که قبل از حسب تصویب مجمع عمومی شرکاء بانک ملی تاسیس گردیده است سهیم و حصه دار باشند اینکه برای صورت گرفتن این مقصود ما تجار و رؤسائے و نایندگان شرکتهای قره قل اصلًا از طرف خودها و کمالاً از جانب باقی سهم داران شرکتهای پوست ترتیب ذیل را بنام اعانه بموسسه خیریه بیشنها و تصویب مینماییم.

۱: اشرکت های پوست از هر جلد پوست قره قل اصل و دو بر که در محصول گرفتار کی خود مساوی هستند (بنجاه پول) بنام اعانه بموسسه خیریه میدهند.

۲: سایر اقسام پوست باستثنای پوست قرقل اصل و دو بر تحت اعانه نمی آیند.

۳: تحصیل و اجرای اعانه خیریه از ابتدای سنه ۱۳۲۰ توسط گمرکات مر بوظه بعمل خواهد آمد.

۴: پولیکه ازین درک اعانه خیریه بگمرکات جمع میشود تحویل خزانه دار گمرک گردیده گمرکات با اشخاص و شرکتهای اعانه دهنده سنتات علیحده خواهند داد و پول مذکور را به ترتیب هفته وار توسط خزانه داران گمرکات مر بوظه بیانک ملی بنام موسسه خیریه تحویل داده خواهد شد.

۵: اعانه مذکور که از اول حمل ۱۳۲۰ شروع میشود برای مدت ۷ سال کامل دوام نموده و در ۳۰ حوت ۱۳۲۶ خاتمه میداد خواهد نمود.

۶: بمنظور ترقی تجارت میوه و اصلاح طرز صادرات آن مذاکره در اطاق تجارت بعمل آمدہ بالآخره مذاکره مجلس متنبی به جمع کردن یکمقدار سرمایه را بطور شرکت و وضع کردن آن را به سرمایه شرکت صابر تجویز شد، تارویهم رفته این نظریه عملی شده و شرکت صابر که شق واردات آن رخت بباب بوده در مقابل شق صادرات خود میوه را قرارداده شرکت را دوام داده باشند و این شرکت از تاریخ ۱۳۲۰ شروع بکار میوه می کند.

۷: برای رفع احتیاجات و تهیه ضروریات پل خمری اطاق تجارت تاسیس یک مغازه را

بسمایه (۱۰۰۰۰) افغانی در پل خمری تجویز نمودند که در مغازه مذکور رخت، چای، شرینی وغیره ضروریات آنجا تهیه و فروش شود، چنانچه این نظریه تعییل و مغازه مذکور قایم و شروع بکار نمود.

۸- اطاق تجارت مرکز از آغاز ۱۳۱۹ تاین تاریخ (۲۶۰) فقره از موضوعات مختلفه که متعلق اطاق تجارت بوده حل و فصل نموده تصاویر و نظریات قایم نموده که تفصیل آن بقرار ذیل است.

الف : نظریات خود اطاق تجارت که بمقام وزارت تقدیم شده.

ب: اموراتیکه از طرف مقام وزارت جهت حل و فصل با اطاق تجارت محول و در اطاق فیصله گردیده . نظریه داده شده .

ج: فیصله جات مرافقه دعاوی تجارتی که هر اتب ابتدائیه آن در ریاست فیصله منازعات طی و جیبیه مرافقه وی آن بمجلس اطاق حل شده یاد را مورخا کمات تجارتی نظریه داده شده .

۹: برای منابع عایداتی اطاق های تجارت در اثر تجا ویز موثری که از طرف وزارت اقتصادملی بشوره اطاق تجارت مرکزی بعمل آمده مدارک جدیدی در سال ۱۳۱۹ بیداشده که درنتیجه آن مجموع عایدات سال ۱۳۱۹ اطاق های تجارت نسبت بسال ۱۳۱۷ یک مقدار و نسبت بسال ۱۳۱۸ یک مقدار زیاده تری افزود گردیده است .

### مقرری ها :

صداقتمناب عبدالغفورخان مدیر شعبه قانون نامه های مدیریت عمومی صنائع .

» « غلام محی الدین خان » شعبه دستی » » »

ع، ص غلام محمدخان رئیس گمرک کابل ،

ص، فخر الدین خان مدیر کشتی و ریاست گمرک کابل .

ع، ص محمد عزیزخان رئیس گمرک فندهار .

عالیقدر سید احمدعلی شاه خان مدیر عمومی توسعه تجارتی .

عزت مند هانس تورک مشاور » » »

ص، محمد اسماعیل خان معاون نمایشگاه مدیریت عمومی توسعه تجارتی .



## امور وزارت صحیه

وزارت صحیه ! که یکی از شعب مهمه مملکتی مارا تشکیل داده و موظف است تا چاره های بوجود آمدن یک نسل قوی و نیز وحدتی را عمیق‌تر سنجیده و به دفع و مجادله هرگونه امر اض وعارضیکه بنیه صحی مملکت را تهدید میکند پیر دازد، همه ساله نسبت بتو ج خاصی که حکومت ترقیخواه به آن ابدال و هدایات نافعه اعطای می کند قدمهای متین‌تری بسوی پیشرفت و تعالی می بردارد .

اینوزارت که بجز مصارف هنگفت در نواحی مختلفه صحی و جهت معاونت به افراد علیل و بیمار جامعه ه هیج عائدی ندارد همیشه مورد الطاف گرانبهای حکومت واقع و بنابرآن در شبكات محتاج به خوبیش افزوده و دامنه فعالیت خود را حتی‌الامکان توسعه داده است. چنانچه امر روز للہ الحمد وزارت صحیه موفق گشته است شفاخانها و موسسات تداوی متعددی در مرکز و گوشه های مختلف مملکت دائز ساخته و دامنه این تدارکات را وسیعتر نماید .

درین سال جدیت های صحیه مملکت ما که محض بادستگیری های کافی و توجهات نیک حکومت صورت می‌گیرد خیلی زیاد واهبیت خدمات آن در نزد عامه ثابت می‌باشد، امیدواریم این روش نتائج نسکوتی بینان آورد .

این است که در ذیل بطور مختصر اجرای آت امساله وزارت معزی‌الیهارا از نظر مطالعین گرام تیر میکنیم .

### تشکیل و تاسیس شفاخانه ملکی ارزگان :

در تشکیلات وزارت صحیه وجودیک شفاخانه ملکی در ارزگان احسان و در ۱۳۱۹ منظوری آن حاصل و در همین سال با تکمیل شدن مامورین فنی و اداری و اسباب و لوازم آن افتتاح گردید اکنون از مدیتیست شفاخانه مذکور به فعالیت آغاز نموده و به تداوی مريضان آنجا می‌پر دارد .

### شفاخانه چیخانسور :

یک شفاخانه ملکی در چیخانسور نیز تاسیس و افتتاح گردیده و از اوائل سال ۱۳۱۹ شروع بکار نموده است .

### ده کده جدا میها :

قبل ازا ینکه با صل مرام این ده پرداخته شود و یا از اقدامات نیک حکومت بهی خواه ذکری بیان آید بی مورد نیست چند سخنی در اطراف مرض جدام بگوئیم :

جدام از بیماریهای خیلی خطر ناکی است که پانزده هزار سال بیش از میلاد حضرت مسیح در هندوستان و مصر ظهور کرده است این مرض در زمان جنگ های صلیبی و سنت بی رایانی اختیار

کرده و از آن به بعد مردم به مسری بودن آن آگاه شده در صدد تجربید کردن مبتلا یان از میان توده برآمدند.

در قرن سیزدهم میلادی جذام خانهای برای تجربید بیماران ساخته و جذامی‌ها را در آنجا جادا دند، در اثر این اقدامات از شدت این مرض کاسته شد، در آن زمان مجذومین ناچار بودند که همیشه با خود زنگی در دست داشته و هنگام عبور از راهی زنگ مزبور را بنا زش در آورند تا مردم از سرراه ایشان دور شوند، امامت‌اسفانه باهمه این احتیاطات مرض جذام را بودنگر دیده در کنارهای دریاها می‌ترانه، دریای سیاه، کشورهای بالقان، جنوب روسیه هسپانیه نوروز، هندوستان و چین امریکه، فرانسه، انگلستان و مملکت‌های دیگر هبلا یان این مرض زیاد شدند و دامنه آن تا اکنون بقدرتی توسعه یافته که دولت‌ها ناچار گردیدند مجددآ آسایش گاه‌ها و جذام خانهای متعدد بنا نمایند و مجذومین را از جامعه و میان مردم دور کرده و در محل مجرای تداوی و مرافق نمایند.

اینک درین اواخر به اساس احصایه هائی که در دست وزارت صحیه افتاده موجود دیت مرض جذام را مخصوصاً در حرص (جاگوری وغیره نقاط دیگر) نشان میدهد، حکومت مطلع و خبر اندیش ما که نصب العین همیشه شان تامین صحت و سعادت عامه می‌باشد بیشتر باین موضوع توجه فرموده و مخصوصاً نسبت برفع نمودن امراض مسری ازین توده از هیچ‌گونه مساعدت و مجاہدت خود داری نکرده است.

وزارت صحیه با اساس نظریات به غواهانه حکومت متوجه از چندی بانظر فهرست بود که برای ازین بردن این مرض مسری چاره سنجی کرده و نظریات خود را با پروژه مرتبه آن به بیشگاه حکومت خیر اندیش خود تقدیم نمایند، اینست که پس از یک سلسله تفحصات تیکه در باره دهکده جذامیها و صورت تجربید آسایش ایشان بعمل آمد و نقاط مختلفه در هر گوش و کنار جهت این مسئله مورد توجه قرار گرفت بالاخره در منطقه (سرخ آب لهوگرد) برای ده کده جذامی‌ها که از هر جیث هم برای جذامی‌ها وهم برای صیانت سائرین از سرایت مرض ایشان و ضمایر این وارسی از احوالات و گذارشات و تنظیم حیات مناسبی برای ایشان می‌باشد یک حرص اراضی انتخاب گردید، منطقه (سرخ آب لهوگرد) دارای یک اراضی وسیع و از نقطه نظر راحت و آرامش خاطر جذامیها قابل توصیف زیادی است.

درین دهکده عموم جذامی‌های مملکت باعیله و اطفال خویش جمع شده و بر طبق پروگرام مرتبه دریک ناحیه آرام و آزاد مشغول کار و فعالیت و گذشتاندن یک حیات بی دغدغه و مامون می‌شوند، در دهکده جذامیها برای هر عایله یک مقدار اراضی زراعی که تامین اعماشه و مایحتاج هر خانواده جذامی را بخوبی نموده بتواند تخصیص یافته هر جذامی می‌تواند فرا خور حال و وضعیت

خویش از مزایای دهکده استفاده نموده در تحت نظریات صحی بر طبق میل و آرزوی خود بکاری افدام نماید.

فرقی که این دهکده از حیات منفرد و مشت جذا می ها در هر ناحیه مملکت دارد اینست که جذامیها ی یچاره بنابر فقرت و اثر جاری که از جانب مردم احساس می کردند و بسوی هر که با نظر مایوسیت و ناامیدی می نگریستند در هر جا و هر وقت حیات پراز اضطراب تیر میکردند ، اکنون در محیط خود با هم دردان خویش بسیار برد و در طی یک پروگرامی کتمانه امنی بر خیر و بهبود ایشان مرتب شده حرکت می نمایند ، در دهکده چشم امها تمام مایحتاج انسانی مد نظر قرار داده شده و هرگونه تسهیلات برای افراد آن فراهم شده است ، متهی چیز یکه درین دهکده یا یک شهر کوچک تفاوت دارد تجربه جذامیها و تداوی ایشان است تاسایرین از سرایت مرض ایشان مصئون مانده وجود شان از لوث چین مرض خیث و خوف در امان بمانند ، این چاره که عبارت از تجربه جذامیها در یک منطقه بی جنبال است از بهترین چاره های است که مناسب حال و وضعیت مملکت ما دیده میشود .

حکومت غمخوار ما برای بوجود آوردن یک دهکده جذامیها احسان بزرگی فرموده است و بدین سیله در نظر دارد تطور یکه عرض شد از یکطرف جذامیها یچاره با یک رفاهیت کامل زندگی نموده و از طرف دیگر اشخاص از آافت شان بر کنار مانده و دامنه انتشار مرض محدود شود .

فعلاً وزارت صحیه در صدد بدست آوردن احصائیه صحیح مریضان جذامی است که به ذرا سعی ممکنه از تمام نقاط مملکت این احصائیه را بدست خواهد آورد و بعد از آن اگر خدا بخواهد در شروع سال آتی نسبت به عملی نمودن این نظریه افدام می کند ، ازین جهت و بواسطه ایشکه باید احصائیه مریضان جذامی از تمام اطراف مملکت بوزارت صحیه زودتر موافصلت کند تا وزارت صحیه احصائیه مذکور را نزد خود مرتبآ قید و مادامیکه جذام خانه افتتاح می یابد از قرار لست احصائیه فرستادگی مدیریت ها و ماموریت های صحیه اطراف اسامی جذام میهارا معلوم کرده و آنها را بدون اشکال و به زودی بمرکز طلبیده و به جذام خانه شامل و تحت تداوی فنی بگیرد ، طبق این منظور فرمانی از مقام منیع صدارت عظمی صادر شده است که برای روشن شدن اقدامات راجع به جذامیها بدرج تقلیل احکام فوق الذکر می پردازیم :

« از آنجائیکه حکومت بهیخواه شما بسلامتی و تندرستی افراد وطن عزیز اهیت زیادی میدهد ، ازین جهت همیشه مترصد احوال اهالی بوده و مخصوصاً برای مرتفع ساختن امر اس مسری خیلی بدل توجه دارد ، چه یک شخصی که بمرض مسری گرفتار میشود ، نه تنها خودش مورد تهلکه فرار میگیرد بلکه یک توده زیاد اهالی از اثرات این ، مرض متأذی گردیده

و بالاخره آسیب آن در میان جوامع بشری منتشر خواهد گردید و البته مملکت ازین حیث دوچار خسارات بزرگی میشود، این مرض مسری مهلک که عبارت از جذام است وباصطلاح عوام به اسم کولی نیز یاد میشود برای پرستاری و نخواری همچو مریضان حکومت متوجه چنین تجویز کرده است که یک جذام خانه در یک حصة مناسب مملکت بصورت ده و یا فزیه که به اهالی تماس نداشته باشد تعمیر و اشخاص مبتلایان مرض مذکور را از گوش و کنار مملکت جمع آوری نموده باتمام عایله و فامیل شان در موضع مذکور به قسمیکه از روی ایجابات فنی تجویز گردیده تحت کنترول و تداوی قرار بدد وهم ضمناً هر کدام مریضهای مذکور یکنوع مشغله که از طرف وزارت صحیه به آنها محو میشود، مصروفیت داشته از زحمت کشی خود هم بتواند استفاده نمایند واز طرف دیگر هر کدام به اندک زمان دارای یکنوع صنعت و هنر شوند و علاوه‌تاً در تردیکی فریه مذکور که برای سکونت و گذاره آنها تعیین گردیده یک شفاخانه عصری بادکنک وادویه و سامان لازمه پرستار جهت تداوی شان تجویز گردیده تا اشخاص مبتلایش گان مرض مذکور را تحت تداوی بگیرند یعنی مریضان مزبور از یک طرف مشغولیتی را در دست داشته باشند تا شبا روز شان عبث نگذرد واز طرفی هم تحت تداوی گرفته شوند تارفته رفته اگر خداوند بخواهد اشخاص مذکور روبه بهبودی گذاشته واز طرفی هم برای انسداد از شیوع مرض جذام اقدام نافع بعمل آورده شود، بناءً عليه مرابت اقدام خیریه حکومت را فوای بشما بлаг وهدایت داده میشود تا مدیریت صحیه آنجا هر چه زودتر در اطراف مریضهای جذام هر کثر واطراف تشبات فوق العاده نموده در هر قریه و محل که سراغ مریض جذام را داشته باشند بسیار بزودی طور مفصل اسم و ولد و قوم اناه وذکور صغير و یا کبیر با محل سکونت، همه را به ترتیبیکه در فرق تند کار یا فنه است مفصل بوزارت صحیه تقدیم نمایند تا وزارت صحیه بتواند در ترد خود احصائیه قید کرده و بیوفع لازمه طبق احصائیه مذکور مریضان جذامی را از تمام نقاط افغانستان جمع کرده در موضعیکه برای اسکان ایشان تعیین گردیده شامل و تحت تداوی بگیرد، البته تطبیق امر هذا بذریعه مدیریت های صحیه عملی میشود، پس به مدیرهای صحیه و متخصلین مربوطه امر میشود که در تشخیص و لست اسامی گرفتار شده باین مرض خیلی دقت و اهتمام بخرج بد هند و مریضا نیکه مشبوه نزد شان قرار میگیرد، اینگونه اشخاص را بصورت مشبوه در لاست قید کرده و صورت اسامی اشخاص حقیقی گرفتار این مرض را علیحده توضیح بدارند و خیلی دقت نموده احصائیه صحیح به سرعت نمکنند باید بوزارت صحیه بروند، تا کید است».

تشکیلات اداری و فنی این دهکده قبل از نظور و آماده شده است تا پیش از رسیدن جذامی ها دهکده و ترتیب آن مکمل بوده و هر یک به شغل خویش آغاز نماید، مصارف این

## اجرا آت دوازیر مملکتی

دهکده یک مبلغ معنابه را دربر میگیرد ، چنانچه اگذیه ، البسه ، تریبه جذامیها مصارف تعمیر جای . خریداری املاک برای دهکده و حتی افراد محافظ ، زاندارمه پیش بینی و روی دست قرار داده شده است .

### دیوی عمومی :

این موسسه قبل از وزارت صحیه بنام دواخانه عمومی مرکزی بوده تمام ادویه ولو ازمن فنی کار آمد موسسات رسمیه صحیه بوسیله آن تدارک و توزیع میگردید ، وزیر طرفی شبكات فروش ادویه نیز بصورت تجاری داشته مثل شرکتهای شخصی به فروش ادویه بالای اهالی باقیمت مناسبی میپرداخت ، پس از طبق منظور مقامات صلاحیت دار ، دواخانه عمومی بصورت یک موسسه تجاری رسمی تبدیل گشته اسم آن نیز به دیوی عمومی تبدیل یافت ولی در همان حین قرار گذاشته شد که تامدت یکسال دیگر اجرا آت مقدماتی . کنترول و فعالیت آن در دست وزارت صحیه باشد ، پس از طی یکسال فوق اکنون این موسسه بر طبق احکام مقام عالی صدارت عظمی تمام به شکل یک موسسه تجاری که از طرف دولت اداره میشود ، بوده و صرف جنبه های حسابات سرمایه آن به کنترول وزارت صحیه و جنبه کنترول حسابی آن بدمیریت محاسبه تجاری وزارت مالیه تعلق داشته وزارت صحیه از نقطه نظر اداره آنرا مانند یک موسسه دوازده میباشد و گاهی از فروش ادویه و نظافت موسسه آن طبق اصول نامه دواخانها تفییض و مراجعت مینماید .

### تعمیر شفاخانه عقلیه و عصیه برای انان :

تعمیر یک شفاخانه برای انان از ضروریات جدی اجرا آت وزارت صحیه بشمار میرفت ، زیرا طبقه مريضان عقلی و عصی نسوان بیشتر از طبقه ذکور قابل توجه بوده و ضرورت یک موسسه جدا گانه را باین طبقه ایجاد مینمود تازنان دیوانه از کوچه و بازار و خانهای خصوصی خود جمع شده و درین موسسه تحت تداوی قرار داده شوند اینک در سال ۱۳۱۹ اعتبار شفاخانه مذکور حاصل و شروع به تعمیر آن گردیده و اکنون قریب اختتام میباشد .

### تعمیر رهایشگاه برای سرتطبابت شفانه مملکتی مزار شریف :

برای اینکه سرتطبیب متخصص موظف مزار شریف در نزدیک شفاخانه وجود داشته و از طرفی نسبت به داشتن یک جای رهایش مناسبی آسوده تر باشند درین سال منظوری یک رهایشگاه برای سرتطبیب ، متخصص مزار شریف حاصل و تعمیر آن قریب اختتام میباشد .

تعمیرات جدید دیگریکه برای بعض هوسسات صحیه مدنظر قرارداده است:

- ۱: تعمیر یک شفاخانه مستورات برای ولایت مزار شریف
- ۲: « » « » برای مرکز
- ۳: تعمیر یک معاینه خانه مرکزی در کابل
- ۴: تعمیر یک دپوی عمومی در کابل علاوه بر تعمیر موجوده برای ذخیره عمومی در حصه تعمیرات کارته ۴
- ۵: تعمیر یک معاینه خانه در منار شریف
- ۶: « » در قدهار
- ۷: تعمیر یک شفاخانه برای حکومتی کلان لغمان
- ۸: تعمیر شفاخانه برای حکومت کلان کنرها

اصل موسسات قلمات ۱ - ۴ و قلمات ۷ و ۸ موجود و در فعالیت میباشند ولی از حیث اینکه دارای عمارت جدید عصری نبودند، اکنون در نظر گرفته شده است تا برای هر کدام عمارت لازم ولايقي ساخته شود.

### باغچه کودکستان:

تعمیر کودکستان قبله<sup>۱</sup> به پایه تکمیل رسیده اما باعچه متعلقه آن که اهمیتش کمتر از عمارت کودکستان نبست برای سال آتی در نظر گرفته شده وامند است درین سال کودکستان مذکور از حیث مسائل عمرانی و احداث باغچه مکمل گردد.

### عمارت اسپریت کشی:

قبله<sup>۲</sup> شعبه اسپریت کشی هربوط دواخانه عمومی بوده و در آنجا به کشیدن اسپریت مبادرت میشد، درین سال ماشین اسپریت کشی مذکور برای کار آمد شفاخانه ها با تمام لوازم واشخاص فنی آن بمعمارت مخصوص اسپریت کشی که قبله<sup>۳</sup> احضار شده است نقل یافته و در آنجا که همه گونه لوازم و تجهیزات فنی موجود است به کشیدن اسپریت مبادرت شده است، فعلاً<sup>۴</sup> این ماشین مایحتاج اسپریت موسسات صحیه مرکز را تدارک نموده و در نظر است در آتیه فریب به تکامل آن پرداخته شده و برای عموم موسسات اسپریت بدهد در آنوقت البته شبكات صحی ما از تورید اسپریت خارج مستغنی شده و یک قلم مهم وارداتی ما ازین برداشته شود.

ایراد بستر در بعضی از شفاخانهای.

### ۱: شفاخانه عقلیه و عصبیه علی آباد:

از آنجا که مریضان و مراجعين قابل بستر ( مخصوصاً جلبی ها ) باین شفاخانه زیاد و بستر

های موجوده آن مملو از مریض بود ، وزارت صحیه در صدرفع این معذور برآمده و منظوري یک تعداد بستر دیگر را نیز حاصل نمود واکنون از آنها استفاده می نماید .

### ۲ - شفاخانه ملکی علی آباد :

چون بسترهای لوکس اجرتی آن برای مراجعین کفایت نمی کرد علی هذا چند عدد بستر لوکس دیگر نیز در تعداد بستر های لوکس مذکور افزوده شد .

### ۳ - شفاخانه مستورات :

شفاخانه مستورات تایند عاری از بستر های لوکس بود ، درین سال حسب پیشنهاد مقام سر طبابت آن تخصیص چند عدد بستر اجرتی لوکس باین شفاخانه نیز اعطا گردید .

### ۴ - شفاخانه محس دمنگ :

حسب در خواست شفاخانه محس که ضرورت ایزاد بستر را وامد می کرد به تعداد ده بستر در شفاخانه مذکور ایزاد بعمل آمد .

### اعنام هیئت های صحی جهت تداوی عمله طرق و انوار :

- ۱ - یک هیئتی مرکب از معاون دکتور ، کمپوندر ، وجراح برای سرک تنگ غار و
- ۲ - یک هیئت صحی برای تداوی مريضان عمله نهر بغرای قندهار باادویه و سامان لازمه
- ۳ - تعیین یک هیئت صحی دیگر برای تداوی عمله مصروفین سرک درونه

### اقدامات راجع به مجادله ملاریایی سمت شمالی :

ازدو سال باینطرف وزارت صحیه داخل اقدامات نسبت بمجادله باملا ریایی سمت شمال است چه درین سمت بسا مناطق ملاریایی خیز از قبیل باطلاقها و جه زارها وجود دارد که همه سا له پشه های ملاریائی را پرورش داده و باعث از کار انداختن یک تعداد هنگفت عمله آن سمت میگردد بالاخره در اثر فیصله مجلسیکه درین خصوص بوزارت اقتصاد ملی بعمل آمده بود یک هیئت صحی کعبارت از متخصصین و دکتوران باشدار طرف وزارت صحیه و یک هیئت مهندسین از طرف وزارت فوائد عامه تعیین و بست مذکور اعزام گردید تا این هردو هیئت نسبت به بخشک کردن باطلاقها وجه زار های مذکور نظریاتی را بروفق فن مهندسی و دکتوری فائم کرده و نتائج آنرا بوزارت صحیه و فوائد عامه تقدیم نمایند ، چون دو سیه مکمل و سوابق این موضوع نزد وزارت صحیه موجود بود یروزه این هیئت صحی با آن تطبیق واینک پس از تدقیقات لازمه و مجلسی که بین وزارت جلیله اقتصاد و وزارت صحیه و فوائد عامه دائر میشود اقدامات موثری

روی کار آورده خواهد شد و چاره دفع و تابود ساختن ملاریای که باین سمت است اتخاذ خواهد گردید.

### ورود یکدسته فارغ التحصیلان فن طبابت از خارج :

یکی از چیز هایی که بایست در موقیات وزارت صحیه سهم عمده حاصل کند ورود یکدسته فارغ التحصیلان شعبه طبابت از خارج (امریکا، آلمان و انگلستان) و دسته دیگری فارغ التحصیلان فا کولته طب است (فارغ التحصیلان فا کولته طب) فعلاً در شعبات مختلفه مشغول ستاز میباشد که وجود این ذوات اثرات مستقیم وغیر مستقیمی در شعبات و موسسات صحیحه انداخته و به وزارت صحیه موقع داده است تادر رأس بعضی موسسات خویش مدیران فنی و اداری را از صنف دکتوران مقرر ونتایج نیکوترا از اجرای آت شان حاصل نماید لست اسامی هر سه دسته فوق در ضمن جداول نومره ۹۸-۷ تذکار یافته و فوتوهای بعض شان نیز نصب شده است . درین سال ۱۳۹۷ نفر از دوره ششم مکتب طبی نیز فارغ التحصیل شده و در دوره ستاز میباشد . سه نفر از شق دوازی واسینچیاری فا کولته طب فارغ التحصیل و به شعبات متعلقه خویش مشغول ستاز میباشد .

در گذشته یکعده طلاب ازوایات، حکومات اعلی و کلان چهت اخذ تعليمات فن کمپوندری جلب و تحت تعليم گرفته شده بودند، در هذالسته یازده نفر از طلاب مذکور فارغ التحصیل شده و به موسسات صحیه مربوطه مقرر واعزام گردیده اند، اسامی ایشان در جدول درج است -

### طلاب فارغ التحصیل کورس جراحی:-

#### اول - طلاب و طالبات کورس دندانسازی :

ذکور (۱) فارغ التحصیلان کمیس از اکمال تحصیلات در فن تداوی و دندانسازی شهادتname حاصل کرده کنون بصفت معاون دکتور دندان کارمی کنند ۳ نفر

(۲) فارغ التحصیلان که بعد از طی تحصیلات در فن پرتویز دندانسازی شهادتname اخذ کرده اند مصروف کار میباشند ۷ نفر

(۳) طالبات فارغ التحصیل فن دندانسازی مستورات که حاضر آدر شعبات دندانسازی انانشه مصروف خدمت میباشند ۶ نفر

تبصره : چون سرویس این هر دو موسسه دندانسازی افات و ذکور راوزارت صحیه از چندی باينظرف بکار انداخته و درختم هر دوره آن به حاصل کردن یکدسته فارغ التحصیلان نائل میگردد اينست که افراد فارغ التحصیل هردو کورس فوق به استثنای چند نفر فخری که پس از اخذ شهادتname در شعبات شخصی مصروف میشوند ، متباقی آنها در موسسات صحی شامل کار و خدمت میگردد .

## دوم - طلاب فارغ التحصیل کورس جراحی :

طلاب کورس جراحی نیز از مخلوبین ولایات میباشند که حسب فیصله وزارت صحیه به شعبه جراحی علی آباد مصروف تعلیمات عملی و نظری بوده بالآخر درین اواخر نائل شهادت نامه شده در شعبات صحیه به حیث پاسمنان چی داخل کار میباشند این کورس متصلاً در فعالیت بوده برای آماده ساختن طلاب فنون مذکور در ختم هر دوره معینه حاضر است .

### سائز تصویبات وزارت صحیه :

وزارت صحیه نسبت به تشکیلات موسسه با کثر لوزی از ادتی را قائل شده و برای توسعه این موسسه یک مقدار پول کافی را در بودجه پیش بین شد چنانچه به اساس همین از ادت و توسعه بود که درین اواخر وزارت صحیه خواست تا با معاونت فیتمدار وزارت جلیله معارف قدیمی برای شمولیت یکدسته از طلاب معارف جهت تحصیل فن مستحضری تحت اثر عزتمند دکتور زهدی ییگ مخصوص موسسه با کثر لوزی برداشته و حسب منظوری مقامات صلاحت دار داشت اقدامات شود ، اکنون این اقدام عملی شده و در نتیجه بشمولیت یک تعداد کافی از طلاب درین موسسه موفق آمده است .

### مسئله ظهور کالرا در هند:

در اوایل بهار سال ۱۳۱۹ اطلاعی بوزارت صحیه موافقن و شیوع مرض کالرا ارا در حرص هند، و اخیراً به حصه هائیکه هنجوار و قرب خاک افغانی میشود و انود کرده بود، چون مرد مذکور یک مردمدهش و خانمان سوزیست که باعث اتفاق یک بارگی افراد خانواده های متعدد یک مملکت میگردد و صدمات تلافی تاییدیری در تکثیر حیات عمومی حواله می کند برای وزارت صحیه موضوع مهمی را تشکیل داده آنرا واداشت تا جهت جلوگیری از سرایت آن بخاک افغانستان باه رگونه و سایل ممکنه مشتبث شود، برای این کار از همه اولتر هیئت های منظمی مرکب از دکتوران لایق و معنوین با ۱۰۰۰ راسی سی واکسین ضد کالرا وادویه و سامان کار آمد لازمه را بحصه های سرحد افغانی هنجوار با سرحد هند کموضع عبور و مرور کوچی ها و سائر اشخاص است اعزام و به حکام مر بو طه توصیه های معاونت و همراهی و فراهم آوری تسهیلات در امور مر بو طه بامورین مجادله گوش زد کرده و علاوه ای به هیئت های مجادله نیز دستایر لازمه و هدایات کافی داده شدتا اشخاصیکه از خاک هندوارد خاک افغانی میشوند هر گاه در خاک هند به واکسین کالرا اترزیق و ورقة تصدیق آنرا از مامورین مجادله حکومت هند با خود داشته باشند مراحم شده و اجازه دخول به افغانستان داده شود، ورنه حتماً با واکسین پیچکاری شده و بعد اجازه دخول به خاک افغانی برای شان داده شود - از طرفی به تمام حکام مر بو طه و هیئت های مجادله هدایت داده شد تا اگر خدا نخواسته در حصه های

مر بوطه هر یک اندک آثاری از مرض کولرا و لومشکوک هم باشد دیده شود هر چه زودتر بوسیله تلفون بوزارت صحیه اطلاع بدنهند تا وزارت صحیه قبل ازینکه مرض انتشار زیادیده کند چاره های عده تری در مقابل آن اتخاذ نموده بتواند، و این ترتیب با تعقیبات صحی مقام وزارت تحت کنترول همیشگی قرار گرفته و هر روز استفسارات لازمه بعمل می آمد - علاوه از اجرآت فوق مقام وزارت صحیه باوزارت جلیله خارجه نیز مذاکره و مفاهمه نموده و نظریات فنی را با آنها پیش نهاد داده تا به تمام ماموریت های ویژه افغانی مقیم هند تو صیه وهدایت داده شود که اشخاصیکه ویژه داخل شدن را به خاک افغانی میخواهند هر گاه تصدیق تلقیح واکسین کولر ارا در دست نداشته باشند از ویژه پاسپورت ایشان جهت دخول بخاک افغانی خودداری شود - در طی این تدبیر الله الحمد نتائج نیکوئی بدست آمده و از دخول مرض کولرا در افغانستان جلو گیری کامل بعمل آمد .

### مرض چیچک :

چیچک کیکی از امراض مدهشه انسان و مخصوصاً دشن فوی اطفال بشمار میرود امسال تقریباً در تمام حصص افغانستان مستولی بوده و یک مجادله جدی را ایجاد میکرد علیهذا پس از یک سنجش صحیح تجویز آبله کوئی مکمل در مرکز و ولایات صورت گرفته و به منطقه حسب احتیاجات ایشان آب تازه چیچک ساخت موسمه با کتریو لوزی مر کراسال گردید وهدایتی صادر شد که ازین آب تامدت یکماه کنار گرفته شده ویس از مرور یکماه وایس بمر کز ارسال شود تا آب تازه و موثر دیگری بجا ای آن فرستاده شود ، طوریکه معلوم شده این اقدام نتیجه خیلی نیکوئی داده و یکدم از شدت مرض چیچک در تمام نقاط مملکت کاسته و در طی این اجرآت در حدود یک لک ویست هزار نفر آب چیچک بمصرف رسیده است .

### تیفو :

چنانچه معمول وزارت صحیه است تدبیر دفع و جلو گیری از هر گونه امراض و خاصه امراض ساریه و مستولیه پیش از این اتخاذ شده و سعی میشود تا حتی الامکان موقعي برای ظهور اینگونه امراض بیداشود ، روی این عقیده وزارت صحیه راجع به مرض تیفو نیز کیک مرض ساری میباشد به تمام مامورین صحیه ولايات و مناطق مختلفه مملکت هدایاتی صادر و ایشان را جهت حفظ ماقدرم این مرض پیش بین ساخته بود چنانچه وقتیکه مدیریت های صحیه هرات ، و قندھار و مشرقی اثر محروم را وانمود کردند ، علی الفور واکسین ضد مرض مذکور به ولايات متذکر ه فرستاده شده و از شیوع مرض مذکور جلو گیری بعمل آمد ، مقدار واکسین تیفو که امسال توزیع شده است با مجموع تعداد یکه به وزارت جلیله حریه فرستاده شده بالغ بر چهل هزار سی سی میباشد .

### و ظائف شعبات :

۱- برای اینکه احصائیه فعالیت های کلینیک و بولی کلینیک شفاخانه و معاینه خانهای

## اجرا آت دوازه مملکتی

مرکز و ولایات و حکومات اعلی و کلان به یکصورت صحیح طور فنی و اساسی به قسم متحدد الشکل بحسب آورده شود، واژ روی ترتیب احصائیه های صحیح عوامل امراض که بد رستی سنجیده شده بتواند چندین متحدد الماتی راجع بصورت ترتیب و ارسال هرگونه احصائیات صحی هدایت کافی داده شده و همچنان جداول فنی آن تحت طبع واجرا فرار گرفته است .

۲- یکی از وظائف شعبه احصائیات صحیه ترتیب احصائیه امراض ساری مملکت است ، این احصائیه که برای معلومات شعب مربوطه از امراض ساری کدرنقطاط مختلف افغانستان وجود دارد خدمت کرده و همچنان برای دادن معلومات به مالک خارج یادراو قاتیکه از طرف منابع خارج سوالی نمیشود ، مورد ضرورت واحتیاج زیاد وزارت صحیه است فعلاً از طرف شعبه احصائیه درباره آوردن این احصائیه اقداماتی بعمل آمده و همچنان هدایاتی به نقاط مربوطه صادر و برای ترتیب احصائیه فنی آن اوراق اساسی تحت طبع واجراء گرفته شده .

۳- احصائیه تولادات ووفیات که عامل موثری در خدمت احصائیه مملکت است وین وزارت صحیه و ریاست بلدیه مشترک بوده ، به همکاری و معاونت شعبه مربوطه ریاست بلدیه بحسب می آید باریاست بلدیه مفاهمه و مذا کراتی بعمل آمده و درین زمینه ترتیبی سنجیده شده که عنقریب عملی خواهد گردید .

در ابتدای محادله یک مجلس دروزارت اقتصاد ترتیب و بذرائع همکنه قیمت‌های ادویه و سماهان لازمه خواسته شد تا از هر جاییکه بقیمت ارزان و به مفاده اهالی وطن تمام شود اقدامات بخریداری کرده شود ، چه در آنوقت وضعیت جنگی تیره شده را های تجاری اروپا تقریباً مسدود بود از طرف دیگر باشرکت پیشتون وزارت اقتصاد قرار دادی ترتیب شده یک مقدار بزرگ ادویه ساخت کمپانی بایر خریداری شد که یک حصه آن بکابل وارد و به دیوی عمومی کنونی در سابق به اسم دواخانه عمومی موسوم بود ذخیره کرده شد ، در شانی توسط وزارت جلیله اقتصاد به نمایندگی تجاری افغانی در امریکه راجع به سامان وادویه آدرداده شده که آنهم خریداری شده یکچه آن به کراجی وارد و در آخر زمستان بکابل خواهد رسید و احتمال دارد که از جایان هم یک مقدار بزرگ سامان و دیگر لوازم طرف ضرورت شفاخانها و موسسات دیگر خریداری شود علاوه ازین کنون هم سعی بعمل می آید تا از هر جا و منابعی که ممکن شود ادویه و دیگر سامان مایحتاج با صورت بهتری تهیه شود .

یکی از تشبتات خوبی که در قطار اجرا آت وزارت صحیه بنظر میخورد همکاریست که درین اواخر باریاست مطبوعات نسبت به تهیه و ارسال مضامین صحی جهت رادیو و مطبوعات وطن بعمل آمده و از طرفی جمیع مضامین صحی را که از هر تاچیه بریاست مطبوعات میرسد بوسیله مامورین و منسویین فنی خویش کونترول نموده آنها نیز پس از ملاحظه و اصلاحات فنی ( ۱ گرم موجود بود ) عودت میدهد .

ترتیب و تدوین اصولنامه های مربوط صحی .

۱: ترتیب و تدوین تعلماتنامه و بعنوان اصول صرفیات ادویه و ترتیب حساب آن و وظائف کمپوندر و دوازدگان مربوطه .

۲: ترتیب یک اصولنامه و بعنوان وظائف اداری و فنی شفاخانها .

از عرصه چند سال یک‌گذه نفری به موسسه انسستیوی با کترلوری حفظ الصحه بصفت زیر دست مستحضران خارجی شامل تعلیم بودند، اخیراً از ایشان امتحان اخذ شده درنتیجه عده اوشان کامیاب و درنظر راست که به تزئید معاش اشخاص مستحق آن در شباهت داخله موسمه مذکوره ترقی داده شوند .

عزتمند دکتور جواد ذکائی ترکی درهذاسته استخدام وبصافت متخصص امراض عقلیه و عصبیه به شفاخانه عقلیه و عصبیه واقع علی آباد مقرر ومصروف خدمت میباشد و بر علاوه بروز های معینه درسرویس پولی کلینیک معاینه خانه مرکزی و شفاخانه مستورات هم معاینه و تداوی مريضان راجعه می بردند .

عزتمند احمد راشیدیگ سر طبیب مدیریت صحیه ولايت هرات بقرار در خواست خودش قبل از ختم فرارداد اعلام وطن خود گردیده و عوض او آقای دکتور عبدالرحمن خان محمودی کاز جمله فارغ التحصیلان دوره اول فاکولته طبی میباشد بصفت سر طبیب و مدیر صحیه ولايت موصوف مقرر واعزام شده است .

عزتمند دکتور محی الدین یگ دکتور موسسه دندانسازی مردانه کمدت قرار داد ش تکمیل شده بود عازم ترکیه شده و عوضش آقای دکتور میر نجم الدین خان که جدیداً از امریکا فارغ التحصیل شده ووارد مرکز گردیده وبصافت دکتور دندان به موسسه دندانسازی مردانه مقرر گردیده اند .

محترمه شادیه خانم دکتور س دندان موسسه دندانسازی زنانه خانم دکتور محی الدین یگ که مدت قرار داد واستخدا میش تکمیل شده بود عازم وطن خود گردیده و عوض آن آقای دکتور فضل احمد خان دکتور دندان که جدیداً از فرانسه فارغ التحصیل شده و وارد مرکز گردیده اند مقرر و به موسسه مذکور ایفای وظیفه میدارند .

ترتیب یک پروگرام رسائل راجع به تعین اوقات متخصصین جهت پولی کلینیک های پومی معاینه خانه مرکزی و شفاخانه مستو رات و موظف ساختن متخصصین مذکور علاوه بر ساعت پولی کلینیک در هفته دوروز به معاینه خانه مرکزی جهت معاینه طلاب مکتب حریه و افراد جلی بعده از وقت ظهر از ساعت دو بجه به بعد .

موظف ساختن دکتور ان داخلی که مراد از فارغ التحصیلان دوره اول و دوم فاکولته طبی

## اجرا آت دوائر مملکتی

باشد به حیث دستیان متخصص در هوسسات صحی .

افتتاح یک مجلس فنی دکتوران هر ماه دوم را به شفاخانه مستورات راجع به تدقیقات اجرا آت فنی واداری یومی شفاخانه مذکور و دادن را پورت نظریات مجلس مذکور از طرف سرطابت آن برختم هر مجلس بوزارت صحیه .

چون در شفاخانه مستورات اکثر آمریض از خارج شفاخانه بفرض گرفتن او کسیجن حسب هدایت دکتور صور اجرتی مراجعه میکرد ، در این اواخر یک عدد آله دادن او کسیجن برعیض یا سه عدد سلسندر مذکور برای استفاده مریضان خارج شفاخانه که عندالضرورت گدام نفر مریض به قسم اجرتی از شفاخانه بسهولت بدست آوردند بتوانند داده شد .

اصدار هدایت متحده الممالی حسب ایجابات صحی به تمام دکتوران مربوطه راجع به دادن را پورت امراض ساری طور مهاهنه بوزارت صحیه .

خواستن یک نقشه شهر کابل از ریاست بلدیه من حیث تقسیمات ادویه فروشی های مطابق نقشه مذکور به تطبیق احصایه نفوس در اصراف و اکنیاف شهر و منطقه های مربوطه ریاست بلدیه کابل اصدار امر و اجازه جهت افتتاح یک ادویه فروشی جدید در حدود بازار مسکنی کابل بنام شرکت ادویه فروشی (سینا) جهت رفاهیت اهالی بهمان موضع که به سهولت حسب نسخه دکتور از ادویه فروشی مذکور بدست آورده بتوانند .

## شفاخانه امراض ساری

خوانند گان محترم اطلاع دارند که وزارت صحیه دو سال قبل پلان پنجساله طرح نموده و اساس عملیات خود را در پنجسال اخیر برطبق آن قرار داده است ، درین پلان یکی تاسیس شفاخانه امراض ساریه است که نوبت تاسیس آن برای سال ۱۳۲۰ مدد نظر فرار داده شده است ، طوریکه اطلاع گرفته ایم وزارت مشارا لیها موضع من بوره را از مقامات صلاحیت دار گذارش داده و ازحالا در صدد تعیین موضع برای این شفاخانه برآمده تلقیه مناسبی را برای وضع تعمیر آن تحت ملاحظه قرار بدهد .

## عمارت شفاخانه مستورات مزار شریف

شفاخانه مستورات مزار شریف که از مدتهاست به معالجه و تداوی نسوان مریض می پردازد فاقد عمارات عصری بوده و اجرآت خود را دریکی از عمارت ساقه مزار شریف انجام میداد اکنون وزارت صحیه مواد اساسی نقشه تعمیر جدید این شفاخانه را احضار و بوزارت فوائد عامه سپرده است تا مطابق آن بتمکمل نقشه و تعمیر شفاخانه آغاز نمایند ، و در قرب شفاخانه مردانه فعلی که طور عصری اعمار گردیده است شفاخانه مستورات نیز تاسیس گردد .

### بیمه صحی بانک ملی

بیمه صحی مأمورین ، خیلی ها قبل در اجرآات وزارت صحیه موقع مهمی گرفته و بیمه مأمورین بانک ملی یکی از نمونه های این بیمه است که بالا خر در قطار فعالیت های وزارت صحیه صورت یک بیمه صحی بزرگی را برای عموم مأمورین خواهد گرفت اکنون بر طبق تشویق وزارت صحیه که از طرف ریاست بانک ملی اساس آن قبول و چون بیمه صحی بانک تا حال محل تمرکز معاینه خانه اساسی از خود نداشت ، مقرر شده است تا عمارت معاینه خانه بیمه صحی بانک ملی در حصه سمت شرقی عمارت گهرک کابل تاسیس و بنا نهاده شود .

### مکتب پرستاری

تهیه پرستاران صحیح و تعلیمیافته یک کار مهمی است که در تقویه فعالیت های صحی سهم کافی می گیرد ، تاسیس یک مکتب پرستاری نیز در پلان صحیه شامل و فعلاً که وقت افتتاح و اجرآات لازمه این مکتب حاول نموده است چنانچه به اثر عرض وزارت صحیه والا حضرت ع ، ج ، سردار محمد نعیم خان وزیر معارف ، معاون مقام منصب صدارت عظمی مساعدت فیتمد از شانرا درین زمینه ظاهر ، وعده وامر فرموده اند تا مکتب پرستاری طبق پروگرام وزارت صحیه دروز ارت معارف تاسیس و به اثر تشریک مساعی وزارت صحیه از طرف وزارت معارف اداره و تدویر شود ، امیداست به تاسیس هچه یک دوره تعلیمی مفاد قیمتداری برای شفاخانها حاصل شود چه بیشتر ف امورات یک شفا خانه و نتیجه گرفتن از تداوی مریضان مربوطه پرستاران قابل و فهمیده میباشد .

### تمرکزیت اداره و اراضی امورات موسسات متذکرہ ذیل

برای اداره و اراضی امورات دفترداری معاینه خانه مرکزی و موسسه دندان سازی مردانه و موسسه اکسر یز و شعبه تحلیل و تجزیه جدید ایک اداره اجرائیه تشکیل و در راس آن یک نفر بصفت سر کاتب انتهائی مقرر و به تحت اثر سر کاتب مذکور دونفر کاتب دو مویک نفر کاتب درجه چهارم مقرر گردید که اجرای وظیفه می نمایند و تمرکزیت موسسات فوق الذکر به معاینه خانه مرکزی قائم شده است دکتوران افغانی که در خارج تحصیلات خودهارا به پایه تکمیل رسانیده اندرسپر ذیل است :

۱:- ص ، محمد همایون خان دکتور جراحی و معاون سر طبابت موسسات صحیه علی آباد

تعلیم یافته انگلستان

۲:- ص ، عبد القیوم خان دکتور اطفال و سر طبیب شفا خانه مستورات تعلیم یافته فرانسه

۳:- « فضل احمد خان دکتور دندان موسسه دندان سازی مردانه تعلیم یافته فرانسه

۴:- « عبد الرحیم خان « امراض داخلی و سر طبیب شفا خانه مجبس تعلیم یافته المان

- ۵: ص، سید سلطان خان دکتور جراحی شفاخانه مستورات مرکز تعلیم یافته المان  
 ۶: « غلام فاروق خان » امراض داخلی شفاخانه مستورات مرکز تعلیم یافته المان  
 ۷: « نظام الدین خان دکتور جراحی »  
 ۸: « میر نجم الدین خان دکتور دندان موسسه دنسازی مردانه تعلیم یافته امریکا  
 ۹: « عبدالمحیج خان دکتور باکتر لوز موسسه باکتر لوزی تعلیم یافته امریکا

⊗ ⊗ ⊗ ⊗

لست فارغ التحصیلان دوره سی و معاشر کو انتطبی که در هذاسن فارغ التحصیل شده اند حسب ذیل است؟  
 ۱: ص، محمد حسین خان دکتور متخصص

- ۲: « شهاب الدین خان »  
 ۳: « حسن علی خان »  
 ۴: « محمد عظیم خان »  
 ۵: « عزیزالله خان »  
 ۶: « حبیب الله خان »  
 ۷: « محمد سرور خان »  
 ۸: « محمد شریف خان »  
 ۹: « حافظ احمد علی خان »

فهرست آقایونیکه در هذاسن بصفت مدیران فنی و اداری مقرر گردیده اند حسب ذیل است:

- ۱: ص، عبدالرحمن خان محمودی مدیر صحیه مدیریت صحیه ولایت هرات  
 ۲: « عبدالغنسی خان مدیر مدیریت حفاظاً لمسجه و تشکیلات  
 ۳: « عبدالراهن حمن خان نمبر ۲ مدیر صحیه مدیریت صحیه مشرقی  
 ۴: « محمد آصف خان مدیر صحیه مدیریت صحیه جنوبي  
 ۵: « میر عزیز الله خان مدیر صحیه مدیریت کنترول وزارت  
 ۶: « محمد طاهر خا مدیر مدیریت کنترول موسسات صحیه عالی باد  
 ۷: « سلطان احمد خان کنیل مدیر صحیه مدیریت و لايت قطعن  
 ۸: « محمد رسول خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه ولايت قندھار  
 ۹: « ذصر الله خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه حکومتی اعلی فراه  
 ۱۰: « عبد الجلیل خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه شمالی  
 ۱۱: « عبدالرشید خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه غزنی  
 ۱۲: « میرزا محمد خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه اهو گر  
 ۱۳: « محمد جفر خان کنیل مدیر صحیه مدیریت صحیه میمنه

- لست کمپوندران که در هذا سنه از کورس کمپوندری فارغ التحصيل شده‌اند و بموسّسات صحیه ذیل مقرر آند حسب ذیل است .
- ۱:- ص، مظفر الدینخان کمپوندر ماموریت صحیه افغان
  - ۲:- « محمدایوب خان » » بدخشان
  - ۳:- « غلام حیدر خان » » شبرغان
  - ۴:- « محمدامین خان » شناخانه مستورات
  - ۵:- « کرام الدینخان » ماموریت صحیه کمنرها
  - ۶:- « محمداسحق خان » سباتور یوم مستورات
  - ۷:- « محمدعزیز خان » مدیریت صحیه لهوگر
  - ۸:- « سعیج الله خان » شفاخانه مستورات مزار شریف
  - ۹:- « حیات الدین خان » معاینه خانه مرکزی
  - ۱۰:- « شیراحمد خان » ماموریت صحیه غورات
  - ۱۱:- « غلام سخی خان » مدیریت صحیه مشرقی

### امور مخابرات

یکی از مهمترین شعبیکه میتواند در دوره نهضت موجوده به افغانستان خدمت بسزائی نماید امور مخابرات میباشد زیرا ما از همه زیاده تر احتیاج داریم آرزوها و آمال اصلاح خواهانه دولت را به دورترین نقاط مملکت ایصال و از احوال و آمال های فرد فرد مملکت مطلع شویم . اینکه بنابر همین اصل مسلم و ضروری خوش بختانه در امور مخابرات مملکت ماهم مثل سائر امور مملکت هر ساله قدم های فراخی بردا شته شده و ما را با آینده در خشانی درین زمینه امیدوار میسازد .

اینکه باز هم بر حسب عادت هر ساله یک سلسه خدمات وزارت پست را در ذیل از مطالعه خواهند گرفت عزیز میگذرانیم :

اجرا آت مدیریت پست :

- ۱:- ترتیب یک نقشه خطوط پستی داخله مملکت .
- ۲:- سیر و حرکت پوسته های کابل و جاریکار که سابقاً هفتة دوم رتبه بود هفته سه رتبه .
- ۳:- « » « مزار شریف و میمه که سابق ذریعه سوار حرکت داده میشد ذریعه موثر .
- ۴:- تشکیل یک پوسته خانه مستقل در یغمان و اجرآت پستی انجا بذریعه کتاب پوسته .
- ۵:- « » « دارالفنون » »

## اجرا آت دوائر مملکتی

- ۶: تبادله پوسته های بین قندهار و فراه و هرات که سابقاً بوسیله موتر کرائی به عمل می آمد در سال جاری بوسیله موتر مخصوصه پستی شکل ارسال و مرسول را اختیار نموده است.
- ۷: طبع کارت های پستی جدید که تکت مطبوعه آن به تصویر اعلیحضرت همایونی مزین است.
- ۸: استعمال تکت های پستی جشن در موقع جشن به تمام حکومات ثلاثه و علاوه داری ها.
- ۹: ارسال و مرسول پوسته های کابل و غمان در موقع تابستان بوسیله موتر.
- ۱۰: فروش تکت های پستی بخارج به پیمانه (یکصد هزار افغانی).
- ۱۱: تبدیل رنگ یکسلیله تکت های پستی.
- ۱۲: اتمام تعمیرات پوسته خانه مزار شریف و جلال آباد.
- ۱۳: تغییر ذرخ نامه پستی و پارسلات که ذرخ نامه های مذکور و قتاً فوقتاً در جراید نشر شده است.

## اجرا آت مدیریت تلگراف:

- ۱: استخدام یک نفر نماینده مارکونی بعیث انجینیر بیسم تلگراف
- ۲: مر بوط شدن تصفیه حسابات خارجه و داخله تلگرامات از مدیریت ارتباط
- ۳: ارتباط خبره سررا سرترادیو تلفونی با المان.
- ۴: « « « تلگرافی »
- ۵: « « « طهران »
- ۶: « « « ایطالیا »
- ۷: دایر شدن دو تلگرافخانه بی سیم در میدان طیاره کابل و هرات.
- ۸: ارتباط تلگرافی سیدار بین کابل و بل خمری و بلغان و بل خمری و مزار و میمه و نصب الات و اسباب مایلز م آن بصورت اساسی و جریان خبره.
- ۹: ارتباط خط تلگراف سیدار بین میمه و اندرخوی و جریان اساسی خبره.
- ۱۰: نصب یک ماشین قوه دهنه مركز برای تلگرافخانه مركزی که در حال نبودن بر ق ازان کار گرفته شود.
- ۱۱: اتخاذ ترتیبات حسب دایر نodon یک تلگرافخانه اخذ مطبوعاتی.
- ۱۲: جریان تلگراف سیدار بین کابل و گردیز.
- ۱۳: « « « مرغاب و میمه مرغاب و هرات.

## اجرا آت مدیریت ارتباط:

- ۱: عقد و امضاء موافقة رادیو تلگرافی و رادیو تلفونی با چاپان.

- ۲: ترتیب موافقة رادیو تیلگرافی با ایطالیا .
- ۳: ترتیب پروژه و پیشنهاد رادیو تیلگرافی و رادیو تیلفونی با ترکیه، انگلستان، فرانسه .
- ۴: اقدامات برای ارسال پوسته های سربسته عنوان المان، ایطالیا از راه روسیه .
- ۵: ترتیبات برای ارسال پوسته های سربسته ترکیه از راه ایران .
- ۶: تبادله مستقیم مربوطه های پست بین کابل و تاشکند .
- ۷: حل و فصل حسابات واردہ و صادرہ پارسلات سال ۱۹۴۰ با هندوستان .
- ۸: ترتیب نرخنامه محصولات رادیو تیلگرافی و رادیو تیلفونی بالمان .
- ۹: ترتیب نرخنامه محصولات رادیو تیلگرافی با ایطالیا و مالک ماورای آن .
- ۱۰: « » « » « » جایان .
- ۱۱: تغیر و تبدیل نرخنامه پستی و تیلگرافی صادره به مالک خارجه از تاریخ اول مارچ ۴۱
- ۱۲: ترجمه مقررات پستی و تیلگرافی وابلاع آن به دوایر مربوطه .

### اجرا آت مدیریت رادیو :

- ۱: تکمیل و انجام بروکاست و به کار انداختن آن .
- ۲: نصب و به کار انداختن ۴ دستگاه کوچک بولايات و حکومات اعلی و بعض حکومات کلان .
- ۳: تکمیل تعمیر استیشن های اخذه کوچک قدهار، بغلان، لهوگرد، جلال آباد و غیره .
- ۴: ساختن ۲۳ یا یه سمعتی جهت نصب لودا سپیکر در جاده ها و خیابان های شهر کابل .
- ۵: فروش یک تعداد رادیو کرستل ها که از سنت ماضیه مانده بود .
- ۶: فرمایش تورید یک تعداد رادیوهای دوچراغه بخارج برای شوک مندان کم بضاعت .
- ۷: ترتیب لایحه محصولات و مقررات رادیو و تورید آن .
- ۸: تکمیل عمارت استودیو .
- ۹: « » بروکاست .
- ۱۰: « » دفتر نظافتی .

### مدیریت تیلفون :

- ۱: تهدید یک این علیحده برای مخابرات تیلگراف از مرکز ال گردیز .
- ۲: « » جدید از حکومت قرقین تعلفه مزار شریف به کلفت به مسافه ۴۰ میل .
- ۳: نصب یک دستگاه سوچبورد کیل یکصد لینه برای مخابرات تیلفون در ده افغانستان .
- ۴: « » « » پنجاه یا یه در پیمان .
- ۵: « » « » بست و پنج یا یه در دارالفنون .

## اجرا آت دوائر مملکتی

- ۶: - نصب یک سوچبورد جدید برای کنترول مخابرات تیلفون مخصوصی در مرکز وزارت پست.
- ۷: - « » « مخابرات به کوتی بیگرا می.
- ۸: - « » « » « مهتاب قلعه.
- ۹: - نصب یک سوچبورد جدید برای مخابرات چهل ستون
- ۱۰: - امتداد یک لین جدید از چهل ستون الی فرقه ریشخور
- ۱۱: - نصب یک سوچبورد به فره باع کوهدام و اتصال لین های استال و کله کان به آن
- ۱۲: - تمدید یک لین از حکومت خاکریز الی علاقه داری نیش فندهار ۳۲ میل
- ۱۳: - « علاقه داری نیش » « دیوالک
- ۱۴: - « حکومت پنجوانی » حکومت کشت نخود
- ۱۵: - دولیته شدن لین از کابل الی علی آباد

## مقربها:

- ۱: - تقرر عالیقدر علیگل خان بمديریت عمومی تبلگراف
- ۲: - « صداقت عاب محمد محسن خان بمديریت تبلگراف
- ۳: - « نقیب الله خان به مخابرات مناز شریف
- ۴: - « غلام غوث خان » « قطعن
- ۵: - « عبدالغفور خان ». مدیریت تیلفون وزارت پست
- ۶: - « عبدالاحمد خان به متنظمه سیار
- ۷: - « گل محمد خان مدیر اوراق

## امور معادن

منبع قوت و قدرت اقتصادی یک مملکت ترورت های نهفته یعنی معادن آن است افغانستان عزیز از جیش معادن از مملکت های بر جسته و ممتاز است و اینک خوشبختانه دولت هم در زمرة سائنس اصلاحات مملکتی ازین اصل مهم بی بهره نمانده به مقیاس زیادی معادن مملکت را مورد استفاده و عمل قرارداده است.

طوریکه افغانستان در دیگر شعبات مدنی خود حرکت قابل توجهی نموده در امور معادن نیز از حيث کیفیت و کمیت گامی چند بزداشته چنانچه در سال ۱۳۱۹ مسایل ذیل راوزارت معادن نظر- به مقتضیات وقت در دست اجرا گرفته است:-

۱: - معادن ذغال اشپشه را که در هشت میلی دو آب میخ زرین وافع است که شعبه اداری آن در تحت اثر آقای محمد احسا نخان متخصص و مدیر فتش وزارت معادن و شعبه فنی آن در تحت اثر

ع، آفای سید عبدالاحد خان دیلوم انجینیر و داکتر درات زئولو گک بکار انداخته صوف هابه غرض امتحان و استخراج زده شده چنانچه هیئت موظف بود تا تمامی ذغال آن تا حیه را تخمین و تعیین نمایند در نتیجه هیئت مذکور حصه کار خود را امسال ختم و بنا سبب سردی موسم عملیات خوش را ادامه داده توانسته بقیه - کار آنها برای سال ۱۳۲۰ ملتوي گذاشته شد . این هیئت مرکب از سه دسته بوده

اول برمه کار دوم : عمله سوم : دسته سروی و نقشه کش

شعبه برمه کاری مو صوف در سه نقطه مختلف برمه نمودند که در مقام اولی به عمق ۲۰۰ فوت و در دویمی به عمق ۲۵۰ فوت و در سیمی به عمق دو صد و چهل و نه فوت فرورفته است عمله اکتشاف در جستجو رگکهای ذغال صرف مداعی نمودند و شق سروی و نقشه کش آن نقشه جات رگکهای ذغال اهواز پیش از این منطقه را به اسکیل های مختلف ترتیب داده اند مقدار مکلفی ذغال از معدن اشیشه بفرض استفاده اهالی ودوایر رسمی وارد شده است .

درین معدن بر علاوه ذغال سخت مقدار زیاد آن بقسم خاکه عرض اندام نموده که وزارت در صدد آن برآمده تادو پایه ماشین بریکت بخراز که ذغال خاکه پودری را بشکل خشت بر زرد چنانچه هر دو پایه ماشین فرق را خریده عنقریب بکابل وارد و بکار آغاز خواهد کرد . فعلاً برای خشت سازی ذغال از فابریکه سمنت که از مدت های بکار افتاده بود کار گرفته توسط ماشین فشار آن مقدار زیاد ذغال خشت ریخته در مردم استفاده قرار داده شده است .

۲: متخصص وزارت معادن به کشف یک معدن ذغال دیگر یکه در موضع کر کر واقع است موفق شده چنانچه در ابتداء سال ۱۳۱۹ ص غلام علیخان متخصص و مدیر کشاوری وزارت معادن چهنه کشفیات و تحقیقات ذغال سنگ که که از فابریکه نساجی پول خمری بمسافة هجده کیلو متر و از فابریکه قندبلان بمسافة ۱۶ کیلومتر واقع است از رام گردیده و تا ۲۷ جدی کار آن جاری و بعد در اثر شدت سرماه موقعی کار آن معطل شد . اینک صورت اجراء آت و تحقیقات فنی که متخصص مو صوف در تحت اثر هدایات دکتور درات بعمل آورده است حسب ذیل است .

۱: تسطیح و امتداد سرک موتو از سرک عمومی پل خمری الی معدن ذغال ۱۴ کیلو متر .

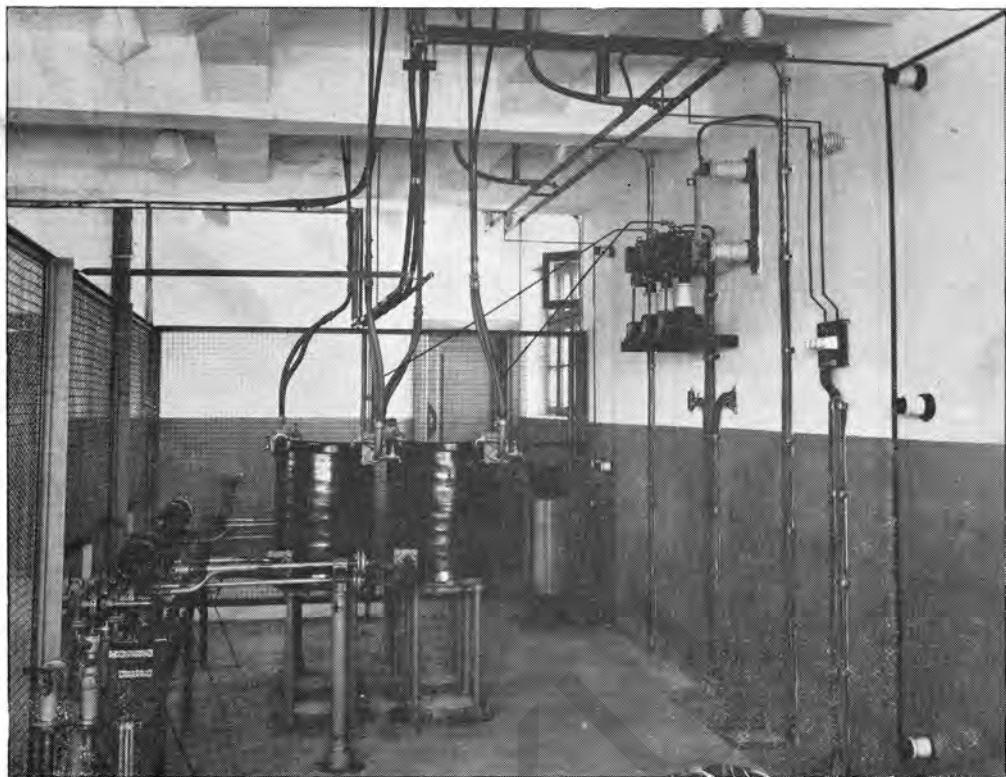
۲: حفر (۹) صوف اکتشافی باصول فنی بداخل کوه درین طبقه ذغال بعمق ۴۰۰ متر و به حجم ۱۲۰۰ متر مکعب .

۳: استخراج ذغال از صوف های مذکور و در عین عملیات اکتشافی یگهزار تن استفاده فابریکه قندبلان و فابریکه نساجی پل خمری از ذغال های مذکور .

۴: حفر چرهای اکتشافی .

۵: تسطیح مواضع گدام های ذغال ۲۰۰۰ متر مکعب .

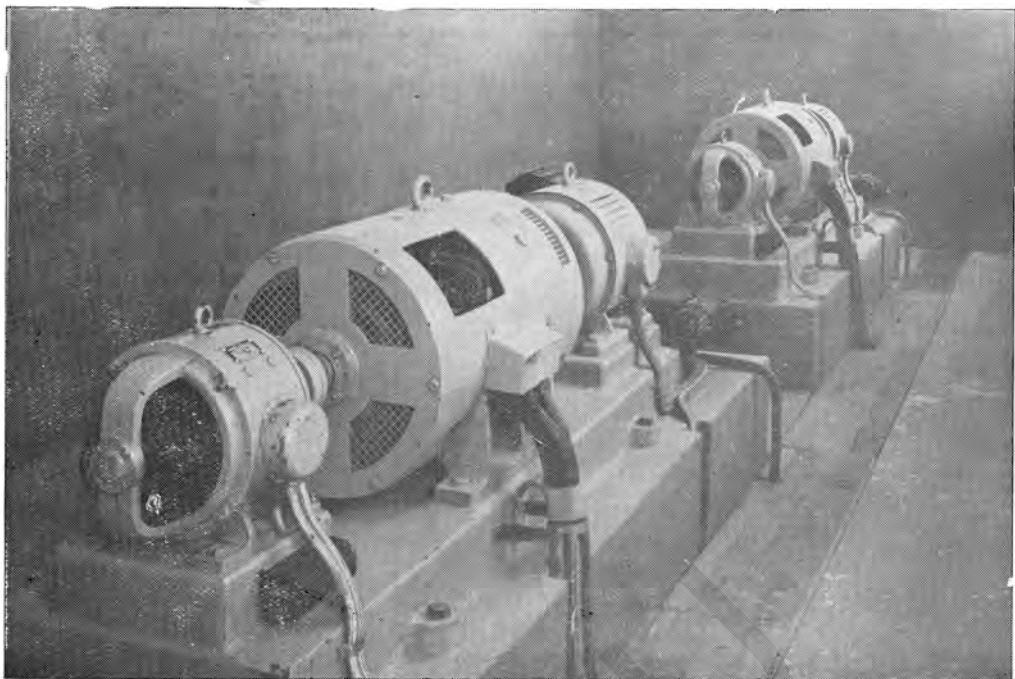
۶: ترتیب یک نقشه طبقات الارضی یک بر بیج هزار به محیط ۱۳ کیلو متر مربع .



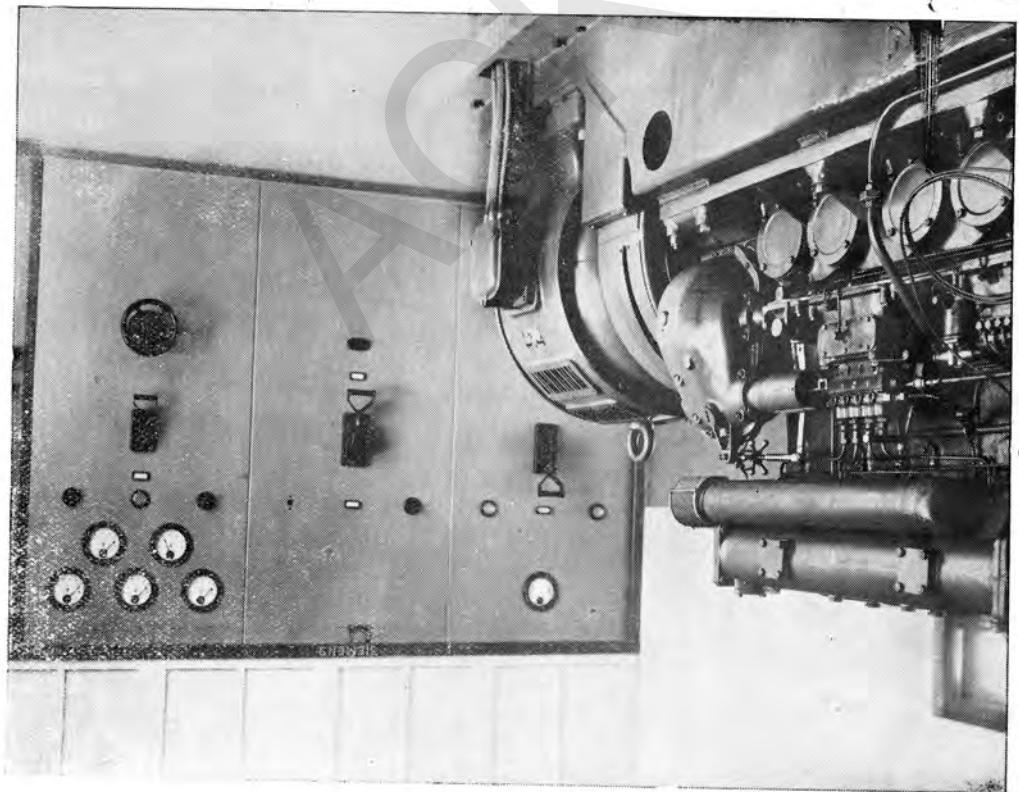
زیب نیل روم باهوضع فلترو ارتباط آب مقطر باجراغ های بزرگ دستگاه بروود کاست ۲۰ کیلواته در یکه توت



حصه ۴ و مولدتور دستگاه بروود کاست ۲۰ کیلواته در یکه توت

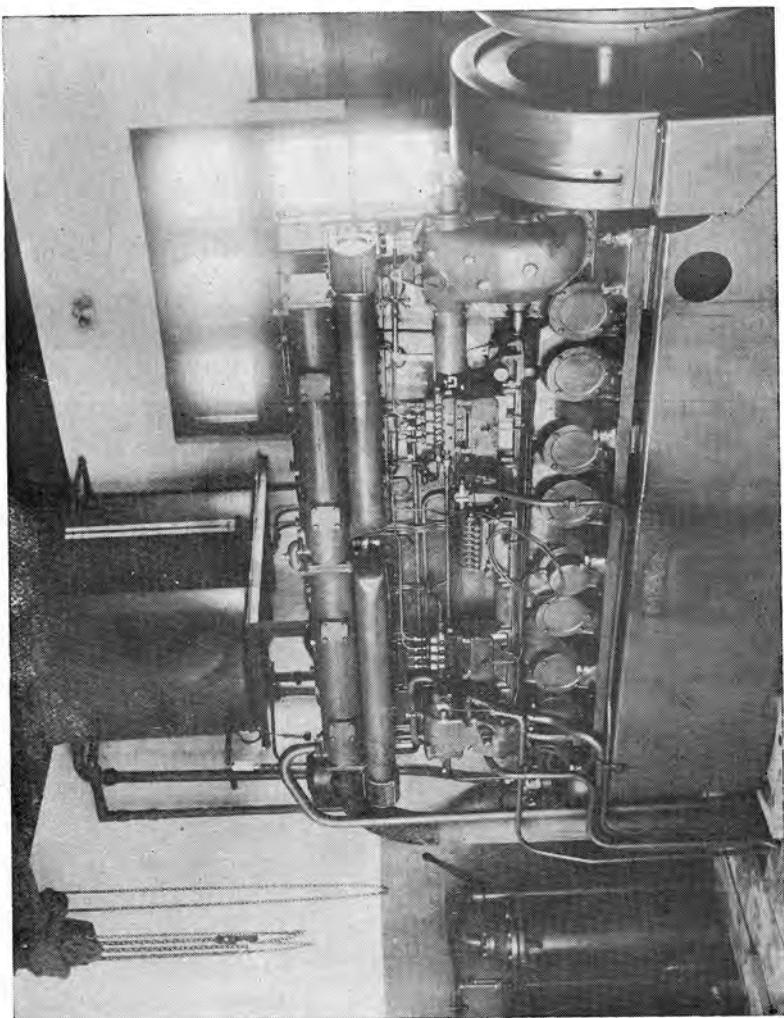


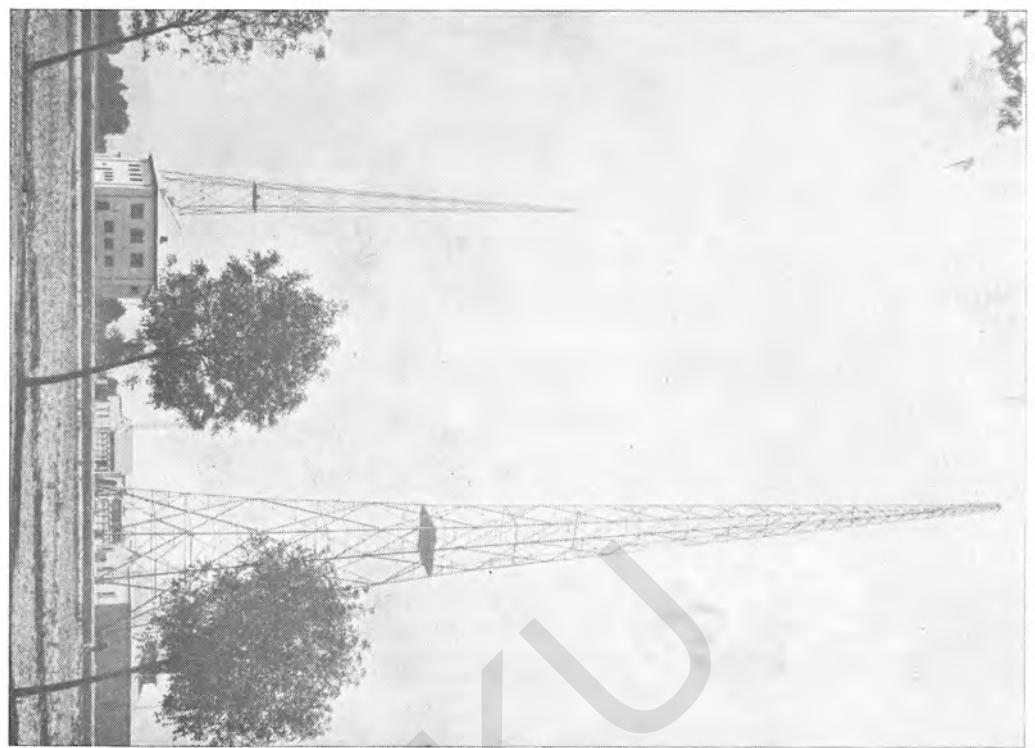
موتور جریتر های دستگاه برود کاست ۲۰ کیلوواته در یکه توت



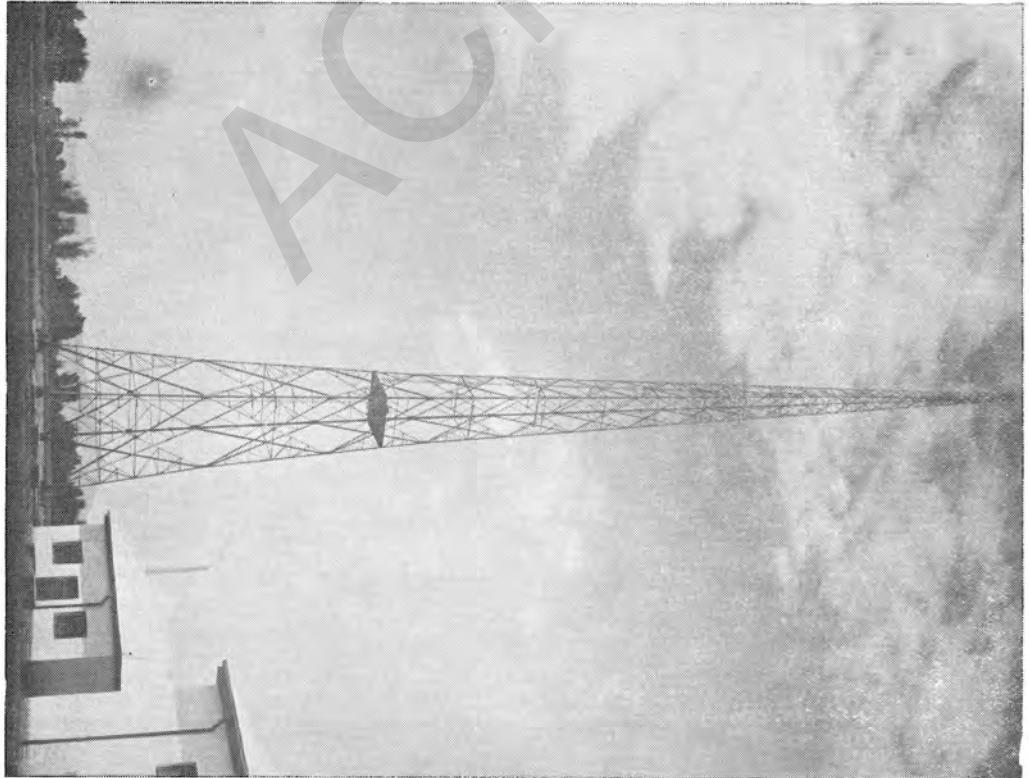
موتور دیزل ۱۸۰ اسپ قوه با جزیره سوچ بورد آن که برای تولید قوه برق دستگاه برود کاست ۲۰ کیلوواته در یکه توت نصب است

موتور دیزل ۱۸۰ اسب فوچه که برای تولید فوچه برق دستگاه بروکاست در یکدهنوت نصب است





دو راه امدادی که بارگاه اتوبوسی ۲۰ کیلومتری است یعنی  
باشد هر دو کیلومتری این راه



باشد یکمین پلندی استیشن دستگاه بروز کاست ۲۰ کیلومتری  
دریکه توت

## اجرا آت دوائر مملکتی

۷: ترتیب یک نقشه طبقات الارضی مقیاس یک بر هزار به محوط ۸۰۰ متر مربع .

۸: ترتیب یک پروفیل طبقات الارضی به مقیاس یک بر هزار :

۹: ترتیب چهار پروفیل صوف اکتشافی به مقیاس یک بر صد .

۱۰: ترتیب بیست و چهار پروفیل جرهای اکتشافی به مقیاس یک بر صد .

۱۱: عملیات برمه تا عمق ۳۰ متر ملی متر .

۱۲: ترتیب پروفیل برم به مقیاس یک بر صد .

درنتیجه این عملیات امتداد طبقه ذغال تا حدودده کیلو متر عمق آن در بعضی جاهای اضافه از یکصد مترو خمامت طبقه ازدو الی هشت و نیم متر کشف گردیده . ذغال مذکور از نقطه نظر کیمیاوی و ساختمان فیزیکی و درجه حرارت بسیار مناسب بوده احتیا جات فابریکه نسا جی پل خمری و فابریکه بغلان را برای سالهای زیاد تامین کرده میتواند نتیجه این عملیات که توسط آقای غلام علیخان متخصص و مدیر کشافی اجرا شده موظفین شبعت را مصمم با آن گردانیده تابه ساختمان های ماشین های حرارت دهنده که بحساب سوخت تیل و دیزل خارجی تعمیر شده باشد تعمیرات بعمل آید .

۳: هیئت بزرگ اثر، سید عبدالاحمد خان دپلوم الجنیرو مدیر عمومی فنی وزارت معادن موظف شناخته شد که اصلاحات فنی وداری در چگونگی بقیه حالات معدن نمک قطفن ونمک سار های مزارشریف، مینه، هرات، قندهار، بعمل اورده صورت را پورت های خود را بوزارت حاضر سازند چنانچه هیئت مذکور را پورت مفصل خود را درباره بیهودویشتر کار و طرز استخراج وغیره . اصلاحات آن بوزارت تقدیم داشته اند نظریات آن هابعضاً به معرض اجرا، و بقیه درآمده تعمیر خواهد شد .  
۴: همین هیئت فوق برای ترقی و انسکراف و طرز استخراج رنگ های بامیان فرستاده شده تا نظریات خود را بوزارت تقدیم کرند چنانچه عملی ساختن نظریات آن ها مد نظر است

۵: هیئت بزرگ اثر در آت ژنو لوک بصوب مزارشریف و مینه فرستاده شد تا تأثیات سنگ گوگرد دار و حصص معدن دار دیگری که در فرب و جوار آن جاهابوقوع داشته باشد تحت مطالعه قرار دهدند . این هیئت حصص تا شقر غان تا سر پل و نواحی متعدد مینه را گردش کرده نموده های سنگ گوگرد را از چندین نقاط گرد آورده و یک مقدار سنگ گوگرد بفابریکه قند سازی بغلان از حیث ضرورت آن هایشان تحول نداده شد . هیئت مزبور ملاحظات و اکتشافات خود را بوزارت عرضه داشتند و اجراء آت آن در نظر گرفته شده است

۶: یک هیئت بفرض اصلاحات اداری مدیریت نمکساز هرات و مدیریت نمکساز قندهار فرستاده شد آن ها نظریات خویش را بوزارت معدن تقدیم و به محل اجرا گذاشته شد :

۷- متخصصین معدن ع، سید عبدالاحد خان دیباو، انجیر و دکتور درات ژئولوگ در گوهای ایلک و مزار شریف جهته اکتشاف معدن ذغال فرستاده شد متخصصین فوق نواحی فوق را مطالعه و پنهان آیلک معدن سنگ گوگر در ادرجه ناچی و لایت مزار شریف کشف نمودند. عالیمند جلالات آب وزیر معدن شخصاً بتمام معادن فوق تشریف برده نظریات متخصصین رایگان بگان غورسی و صورت مطالعات ایشان را در آن حرص تطبیق داده در اصلاحات اداری و نواحی آن ها توجه خویش را معطوف ساخته هدایات سودمندی برای پیشرفت امداد و فنی بما مورین مربوطه اعطاء قرمودند - بر علاوه مقدار سنگ ریشه از حرص مختلف استخراج و یک مقدار سنگ لا جورد در بازار های خارج فرستاده شد رخصو ص صدور و فروش همچو معذنیات با مقامات صلاحیت دار مباحثه و مذاکرات گردید امور زرشوئی نیز بسرعت جریان دارد.

### امور زراعت و فلاحت:

پیشتر از اینکه اجرآت سنه ۱۳۱۹ ریاست مستقبل زراعت را تحت تحریر بیاوریم لازم است که در اطراف خصوصیات عمرانات و اصلاحات زراعتی بحث رانده آن تقریق مهمی را که از نقطه نظر اجرای کار درین فن زراعت و مابقی مشاغل اجتماعی مثلاً صنعت و تجارت وغیره موجود است شرح دهیم، این مسئله روشن و هویداست که تمام امور حیاتی بدون استثناء برای اینکه از قوه ب فعل انجام میده نتیجه مثبتی بد تایک اندازه وقت بکار دارد و بدون صرف یک مقدار وقت اجرای آن ناممکن است، لآن انسانها طبعاً به کامیابی سریعانه میلان داشته بمعد علوم و تختیک موچو ده امر و زه میتوانند که خیلی ها از دوام وقت کاسته کارهای مهمی را بعدت قلیلی به محل اجرا آورند. اینست که در معاملات تعمریز از قبیل شمران بله - کشیدن طرق اسلام معاابر ، ساختن بند و انبار و بکار آنداختن معادن وغیره امور صنعتی در مدت کمی نتایج فوق العاده در بعضی ممالک به نظر میرسد. و اینست که درین عصر تمدن و ترقی باید که تمامی فوای ملی بکار افتداد به مقدار مساعی وجودیت خویش افزوده کوشش نما ائیم که بوقت کمی به اجرای کار های بزرگ و اصلاحات مهم اجتماعی نائل گردیم . مع الاسف تطبیق تقلیل وقت و تکثیر کار در اکثر امور اصلاحات زراعتی از دائرة امکان خارج بوده می بینیم که تمامی اصلاحات زراعتی مقید بمرووقت بوده برای اینکه از تجارب و اقدامات زراعتی خویش نتیجه مثبتی بگیریم مجبوریم که مدتی انتظار بریم چه، اگر میوڑای خواهیم ترویج دهیم مجبوریم که اولاً نهال آنرا عرس بعد از انتظار بکشیم که نهال میوه بار آورده بعد از ملاحظه میوڑ آن که خوبست یا خراب اقدام به تکثیر و ترویج آن شود : بهمه کس میرهن و آشکارا است که بدون داشتن معلومات صحیح محیط از قبیل خواص اراضی، آب و هوا، شرایط آبیاری ، وغیره نمی توان برای عمرانات زراعتی وطن خویش پلان فنی و صحیحی

تر تیب دهیم ، یعنی برای اصلاح امور زراعتی افغانستان مجبوریم که اولاً حرص مختلف آنرا که دارای آب و هوای - متفاوتی است تحت مطالعات فنی قرار دهیم و این مطالعات متضی وقت بوده نمی توان بدون اجرای تجارب فنی معلومات لازمه را برای خود حاصل نماییم . مثلاً برای دانستن مقدار باران و برف سالانه یک منطقه مجبوریم که چند سال مراقب بوده نتائج تجارب خویش را بدقت جمع آوردی نمائیم .

اصلاح نباتات وطنی تو سط تقویه و تصفیه جنس Purification de la race و یا تخلیط

با جنس خارجی Hybridation سالهای متعددی بکار دارد . همچنین برای اصلاح حیوانات اهلی خویش مجبوریم که از انتخاب Sélection و تخلیط خون Croisement وغیره عملیات فنی که وقت کافی را ایجاد میکند کیار بگیریم . اگر بخواهیم که اجناض نباتات و حیوانات اصلاح شده خارجی را تو سط اعتیاد به محیط Acclimatation با آب و هوای مملکت خویش عادی سازیم هم مدتی بکار می باشد و نباتات و حیوانات که بجمله اجسام حیه محسو بند برای نمو و بار آوری خویش مجبورند که دوره طبیعی حیاتی خود را به زیما بند مدافعته حشرات هضره نباتات و امراض مسری حیوانات مطالعات فنی و مؤسسات علمی و سامان و لوازم و اشخاص تحقیقی مخصوصی را ایجاد میکند که مسئله یک روز نیست . علاوه بر این بعضی مسائل دیگر زراعتی با صفت و ثروت ملی اقدارها ربط مستقیمی دارد که پیش رفت آن متناسب به ترقیات صنعتی بوده بحال حاضر نمی توان به جریان آن توصیه نمود . یکی ازین قبیل مسائل مسئله کودهای کیمیا وی است که اگر در افغانستان وجود باشند تجزیه و تصفیه آن متناسب فایر یکه های مخصوصی بوده حمل و نقل آن به نقاط مختلف افغانستان خطوط آهن و ذرایع اصولی ترانسپورت را ایجاد میکند . ترویج استعمال ماشین های زراعتی علاوه بر اینکه در زمین های کوچک و نقاط کوهستانی بی فائد است به ثروت و مهارت دهایی و تایک حد معلوم امت عملی آنها ربط زیادی دارد . علاوه بر این باید که ترمیم پر زده های آن که مستعمل و یا خراب میشود در خود وطن بعمل آمده بتواند از طرف دیگر امروز ترقی امور زراعتی در مالک متمدن مدیون ترقیات تجزیی وی و صنعتی مالک مذکور بوده آنچنان شق زراعتی نیست که از علوم جدیده استفاده نکرده باشد . لا کن ترقیات صنعتی بدون ثروت نمکن است و برای حصول ثروت در داخل وطن عنزیز خویش مجبوریم که متابع طبیعی ثروت های ملی خویش را تحت مطالعه و معاینه فنی قرار دهیم ، حال آنکه این مسئله صاف و هوی داشت که افغانستان از همه اولین مملکت زراعتی است و اگر راهی برای اندوختن سرمایه های هنگفت موجود است همین اصلاحات زراعتی است وسیلی زیرا که سرمایه ملی متناسب بصادرات تجاری ما است بخارج ، و این صادرات اگر قدری توجه شود تماماً مواد زراعتی است خواهد مواد نباتی باشد و خواه حیوانی . پس مسئله اساسی در یافت

آنچنان راهیست که مارا بمطلوب اصلی ما یعنی اصلاحات زراعتی بر ساند . از تشریفات فوق دوچیز ثابت شد یکی اینکه بدون اصلاحات زراعتی نمی‌توان با اصلاحات دیگر امور اجتماعی پرداخت ، دیگر اینکه اصلاحات زراعتی طبعاً تدریجی بوده مجبوریم که برای حصول مقصد خویش صابر بوده از مرور وقت مضطرب و افسردگی خاطر نگردیم . ریاست مستقل زراعت که در اوائل سنه ۱۳۱۷ تشکیل یافته است باین دو مسئله مهم دقت نموده پلان اجرا آت خویش را باساس آن ترتیب داده است . نواقص زراعتی افغا نستان را از لحاظ نبودن معلومات عملی و عدم قوانین فنی زرع درک نموده برای رفع نواقص مذکور و برای ترویج قواعد اصولی زرع درین دهائق وطن اولتر از همه به تأسیس یک تجریب گاه مهمنم زراعتی در قندوز پرداخته است . چون از لحاظ وسعت اراضی قابل الردع و وفور آب و مسا عدت هوا حرصن قطعی بهترین حرصن زراعتی وطن عزیز ماست لهذا ریاست زراعت مساعی خود را به آن صوب بطور خصوصی معطوف داشته اکثر معلوماتیکه در ضمن این را پورت داده میشود متضمن تجارب و کارهای خواهد بود که در جریان سنه ۱۳۱۹ در فارم قند و زعملی گردیده است . بعداز شروع معلومات فارم قندوز به اجرا آت دوائر مرکزی ریاست مستقل زراعت و مدیریت های زراعتی ولايات و حکومتی های اعلی خواهیم پرداخت :

### اجرا آت فارم قندوز در سنه ۱۳۱۹ .

اکثر اشخاص خیال میکنند که مانند معاملات صنعتی باید که اقدامات و مساعی که در اصلاح امور زراعتی بعمل می آید در اوین وهله منتج به استفاده مالی گردیده نه تنها عایدات آن مصارفی را که شده است جبران نماید بلکه یک مبلغ هنگفتی نیز به عنوان فائدہ بددست آید . لآن حقیقت اینستکه اصلاحات زراعتی مناسب بمرور وقت و طول عمل بوده تدریجی میباشد . لهذا چیز یکه ازان خدر باید نمود طول وقت نه بلکه تصمیمات کور کورانه و اجرا آت غیر اصولی عاجلانه خواهد بود که رفع نواقص آن وابسته به مطالعه عمیق و اصولی شرایط محیط میباشد . از همین جهت است که اوین اقدامات ریاست مستقل زراعت در قندوز مدعماً از یک سلسه تجارب فنی است که برای اصلاح جنس و توسعه زرع پنبه و دیگر نباتات داخلی و خارجی وطن بعمل آمده است .

### اصلاحات در تخم پنبه

#### ۱ : تجارب زرع پنبه در فارم قندوز در جریان سنه ۱۳۱۹

چون پیشتر از تأسیس فارم قندوز پنبه داده که اهالی بزمین خود بذر مینمودند مخلوط بوده در ان تخم پنبه قوقدی وسیاه چگت که از انواع پست پنبه میباشد با تخم نوع امریکائی یکجا بزمین ها زرع

می شده از این جهت پنجه حاصل شده از لحاظ مقدار کم بوده و نیز از نقطه نظر جنسیت مختلف بوده به قیمت پنجه کسر زیادی عاید می شد . بنا برین در چریان سنه ۱۳۱۸ و سنه ۱۳۱۹ در اثر پیشنهاد آفای محمد محمود افتندی متخصص پنجه چنین ترتیبات گرفته شد که از بذر نمو دن پنجه سیاه جگت و غوزه ای جلو گیری بعمل آمده تخم پنجه غوزه و سیاه جگت را بقیمت زیاده تری شرکت خواهد برای تبل کشی و یاخورا که حیوانات صرف نماید و نیز برای اشغال صیبه بزراعت پنجه امریکائی که جدید از امریکائی وارد شده است و یانواع پنجه مصری مباردت می ورزند از شرکت قیمت زیاده تری پرداخته میشود . این نظریه متخصص بشرکت پنجه چهته عملی شدن تقدیم شد . اگرچه یک نوع پنجه امریکائی که تقریباً ۳۰ سال پیشتر از روسیه داخل قطعن گردیده است آلان در اثر تدایر لازمه که گرفته شده است بهمراه باطرور خالص زرع شده حاصل خوبی ازان گرفته میشود لاین قرار تجاریکه بفارم قندوز بعمل آمده است یک نوع دیگر پنجه امریکائی که ۹۹ سیرفی جریب حاصل پنجه آن شده است برتری خود را بر جنس سابق بآباد رسانیده بنابران برای اینکه تخم پنجه امریکائی جدید الورود زیاده شده جنس آن تعیین پذیرد بحصه علی آباد موازی (۲۰۰۰) جریب زمین از تخم پنجه مذکور تحت زرع گرفته شده است . پنجه دانه که ازین (۲۰۰۰) جریب زمین حاصل میشود در سال ۱۳۲۰ به اهالی قندوز و دیگر محال قطعن برای زرع تقسیم خواهد شد .

همچنین نوع پنجه مصری که نتیجه خوبتری داده است در حصه چهار دره زرع شده پنجصد جریب زمین برای آن تخصیص داده شده است یعنی اولين اقدام مهم فنی که بعمل آمده است همانا تعیین و ترویج بذر پنجه اعلی و اصلاح شده خارجی میباشد .

۲ - قرار نظریه متخصص پنجه چون یک نوع پنجه دانه متواتر در همان یک منطقه زرع شود در فوئه نمو و مقدار حاصل و مقاومت آن بمقابل امر اراض قصوری رو نموده با الترجیع نباتاتیکه ازان میروید ضعیف شده میروند بنابران در اثر پیشنهاد متخصص مذکور پنجه دانه های مخصوصه یک منطقه قلعه به منطقه دیگری نقل داده شده معاوضه درین پنجه دانه های محل قطعن بعمل آمده است ، از همین جهت نتایج خوبی بدست آمده در مقدار و خوبایی پنجه ها ترقی پیدا شده است .

### اصلاحات در عملیات زرع پنجه

برای رفع نوا قصیکه در زراعت پنجه اهالی مو جود بود برای متخصص پنجه از ریاست مستقل زراعت امر شد تامناتیق مختلف قطعن را از نظر گرانیه نظریات خود را بریاست مستقل زراعت تحریر دارد و نیز بفارم قندوز را بورث معابنات خود را تقدیم نماید تا برای نماینده گی های پنجه هدایات لازمه داده شده زارعین زمین خود هارا باطور اصولی زرع نمایند ، نوا قصیکه

- ذریعه متخصص مصری در زراعت پنبه اهالی ملاحظه رسیده قرار ذیل است :
- ۱: مشاهده شد که فاصله بین بته های پنبه خیلی زیاد واز ۴۰ تا ۵۰ سانتی متر در بین دو بته های فاصله موجود نیز پشته ها نسبتاً زیاده تن از حد لروم عریض بوده اند، دیده شد که بته های پنبه تمامی حصه زمین را پر کرده نمیتوانند وبالای زمین لامزروع علف های مضره میروند و یک حصه زمین بفائدہ می مانند ، لهذا برای معلوم نمودن بهتری مسافت بین بته ها تجارت لازمه بفارم قندوز عمل آمده برای اهالی بهتری فاصله که در صحافت آینده ملاحظه خواهد شد معلومات داده شد .
  - ۲: مشاهده شد که اکثر اهالی پنبه را در حرص قطعن درماه جوز او بقند هار درماه سرطان زراعت میگردند بنا برین برای تعیین بهترین موقع زرع تجارب مختلفی بفارم تجری وی قندوز بعمل آمده برای اهالی هدایات داده شد که هر قدر وقت زرع پیشتر باشد همان نظر نتائج خوبتری بدست خواهد آمد .
  - ۳: معلوم گردید که زراعت پنبه بمجاورت کشت های شالی کاری دارای نقصی بوده برگهای آن زرد شده و گلهای آن ریخته و کوکله ها هم خیلی خورد میمانندوا کثیر به مرض سر شک گرفتار می شد درنتیجه معاشرین ثابت شد که زردیکی رطوبت زیاد سبب این همه نقص بوده باید توسط کشیدن جر و دیگر اصلاحات لازمه افزایش رطوبت زمین رفع گردد .
  - ۴: جوی پا کی عموماً بوقت اخیر درماه حمل و شور اجرامی شد وازین جهه در وقت لروم برای باغها و کشت آب لازمه نمیرسید پس باین این عمل درماه دلوتمام و درماه سرطان دوباره تکرار شود، لهذا برای حکومتی ها خبر داده شد تا ازین بعد قرار اصول تعیین دارند .
  - ۵: ملاحظه شد که حفر جوی ها و طریق آبیاری مطابق با صول فنی نبوده در جو یها پستی ها و بلندی زیاد دیده میشود وازین سبب در بعضی نقاط آب زیاده از مقدار حاجت و در بعضی جاهای به مقدار کم آب میرسد لهذا ریاست مستقل زراعت درنظر دارد که یکنفر متخصص آبیاری استخدام نموده در اصلاح نواص فوچ بپارزد .
  - ۶: با وجود یکه خیشاوه پنهان خیلی ضروری است اهالی با آن چندان توجهی نداشت لهذا درین خصوص بناینده گئی های زرع پنهان هدایات لازمه داده شد .
  - ۷: در جمع نمودن حاصل پنهان که بنام چین یاد میشود پیش ازین تقریق چین و سرت نمودن پنهان ملحوظ خاطر نبوده است. چون تقریق نمودن پنهان و جدا کردن یا چین از چین دیگر خیلی مهم است لهذا بناینده گئی های خبر داده شده است تا اهالی را مجبور سازند که حاصل هر کدام چین پنهان را علیحده گذارند . باین قسم پنهان افغانی در خارج بخوابائی مشهور گردیده قیمت آن بالند شود در اثر معاینات متخصص زرع پنهان ثابت شد که اهالی قطعن در زرع پنهان همان اصول قدیم

## اجرا آت دوازه مملکتی

و معمولی را که از لحاظ فنی نوافض زیادی دارد تعیین ذاته اند، در قلب نمودن متعدد و عميق زمین و انتخاب نمودن بذر جویه کشی و تعداد آبیاری وجود نمودن چن اول از دوم و سوم هیچ تو جهی اندازند. لهذا از زیر است مستقل زراعت برای فارم قند وزهداست داده شد که به تمام نماینده گی ها خبر بدهند که در خصوص زرع اصولی پنهان قرار نظریات و راپورت متخصص پنهان برای اهالی هدایت لازمه زرع را داده زراعت اینها راحت نگرانی خود قرار دهدن تأمیلیات مختلف آن مطابق باصول فنی بعمل آمد هدایت یکه قرار نظریه متخصص برای نماینده گی ها فرستاده شده و ذریعه آنها بالای دهاین عملی شده است قرار ذیل است.

۱- زمین سه‌فعه قلبه و پس از هر قلبه ماله شود.

۲- بعداز ازان زمین بصورت پلوانها که عرض هر یک آن ۶۶ سانتی متر باشد تقسیم شود بد و طرف پلوانها جویه ها که دارای یکسان سطح باشد تهیه گردد.

۳- چون زمین و ترشود بمسافة ۲۵ سانتی متر درز مین سورا خها شده در هر سوراخ دو یاسه عدد تخم ریخته باریگ و اگر یکت نباشد باخک پوشیده و آب داده شوند.

۴- زرع نیشته نتیجه خوب میدهد و آخرین وقت بذر در قطعن ۱۵ ثور است.

۵- بهترین فاصله درین دوسته پنهان ۲۵ سانتی متر و بهترین عرض پلوان ۶۶ سانتی متر است باید در ساختمان پلوانها دقت شود که مستقیم بوده دارای یکسان عرض و بلندی باشد.

۶- پس از سبز شدن تخم ها عمل داغ گیری شروع می شود و بعداز ازان خیشاوه اول توسط کشتن (بیل خمیده قطبنه) شروع می شود.

۷- چون زمین خشک میگردد فورا آب داده نشود بلکه انتظار کشیده شود تا آثار تشیگی از قبیل تیره گی برگ وغیره برباتات ظاهر شود، بعداز ازان آب داده شود.

۸- در همین وقت نهالها یکه کرده می شوند و بعد آن خفیف آبیاری می شوند.

۹- پس از خشک شدن زمین آبیاری دوم شروع می شود و باید که به نسبت آبیاری اول زیاده تر باشد.

۱۰- پس از خشک شدن دوم خيشاوه سوم شروع شود که بنسبت خيشاوه های پیشتر عمیق تر باشد.

۱۱- آبیاری ها بعداز این بعداز هر ۸ یا ۱۰ روز از روی وضعیت زمین بعمل می آید.

۱۲- باید که آبیاریها بعداز چهار بجهه بعد ظهر تا صبح فردا اجرآشود آبیاری در وقت حرارت برگهارا در اثر تبخیر آب پژمرده داشته نمودی پنهان را به تأخیر می اندازد.

۱۳- از روی ترکیب زمین و وضعیت طبیعی محل در ترکستان پنهان از ۱۵ تا ۱۵ آبیاری ضرورت دارد.

- ۱۴: در ابتدای بازشنوند کوکله‌ها از شنبه نیگاهداشت‌شنبه‌ها جلوگیری شود زیرا که از کمی آب در مقدار حاصل قلت پیدا می‌شود .
- ۱۵: چنان‌اول از وقتیکه ۰ ۰ فیصد کوکله‌ها بازشوند شروع می‌گردد .
- ۱۶: در وقت چندین پنه زمین باید گل ولای نباشد تا همان پنه هاییکه از دست بزمین می‌افتد خراب نشوند .
- ۱۷: پس از چندین اول زمین سیرآب آبیاری شود تا که کوکله‌ها ای ما بهی بزودی باز شوند واژجین سوم و حتی چهارم نیز استفاده شود .
- ۱۸: هر چین پنه را علیحده جمع کنند تا در وقت و خواص پنه و در شهرت فروش آن نقصی نرسد هدایات فوق از فارم قندوز به نماینده گیهای زرع پنه داده شد تا نماینده گیهای مذکور برای زارعین پنه هدایات مذکور را تلقین نمایند .
- در اثر تعییل هدایات فوق در زراعت پنه اهالی اصلاحات بعل آمده در مقدار و خواص پنه‌ها ترقی حاصل شده است چنانچه حاصلات پنه درسته ۱۳۱۵ که دران وقت فارم قند وز تاسیس نشده بود ( ۱۹۱۵۹۲۷ ) سیر و درسته ۱۳۱۶ در اثر نگرانی و مساعی ریاست زراعت که اهالی را به تعقیب اصول فنی زرع مجبور نموده است مقدار مذکور به ( ۲۱۶۵۰۲ ) سیر بالغ گردیده درسته ۱۳۱۸ درنتیجه صراحت و مساعی مزید تحریک است به ( ۲۶۱۰۳۹۳ ) سیر رسیده در جریان سنه جاری با اینکه هنوز تمامی پنه‌های زارعین بشر کت پنه تحویل داده نشده است قرار اطلاع واصله فارم قندوز مقدار مجموعی پنه‌های محال قطعن که تاریخ ۱۰ جدی جمع شده است عبارت از ( ۲۷۱۰۸۲۲ ) سیر می‌باشد .

یکی از اجراءات مهم فنی فارم قندوز و نماینده گیهای زرع پنه همانا انتخاب تخم است که بیشتر از تاسیس فارم قندوز قطعاً معمول نبوده ازین باعث بر مقدار و خوبی پنه نقصان وارد می‌گردد لهدابرای معلوم نمودن فوه نامه تخم و سالم بودن شان از امر ارض ترتیبات فنی لازمه گرفته شده تمامی تخم هاییکه درین ۶۴ و ۴۸ ساعت سبز نمی‌شوند و یا اینکه تعداد مجموعی آنها نیش نمیزند دور کرده شده اند و باین قسم برای اهالی تخم هاییکه تقسیم شده است سالم و قوی بوده حاصلات فراوان و خوبی برای آنها خواهد داد . این عمل انتخاب تخم‌ها اهمیت زیادی دارد و دارای همه ساله ادامه داده شود میتوان ذریعه آن جنس پنه خراب را اصلاح نمود و اگر از جنس اعلی باشد توسط همین عمل خواص میزه آنرا می‌توان حفاظت نمود زیرا که قاعدة طبیعی است که اگر یک جنس پنه اعلی را بدون انتخاب تخم و رعایت قوانین فنی زرع دریک زمین برای مدتی متواتر بزرع نمایند رفتار فنی جنس مذکور خواهد درآمد از همین سبب برای اصلاح تخم پنه و برای اصلاح حاصل آن بیش از اینکه تخم پنه برای اهالی تقسیم گردد تحت معاینه فنی قرار داده شده

بهترین آنها انتخاب و جدا و بعد از آن برای اهالی تقسیم میشود :

### نمایج تجارب زرع پنبه در فارم قندوز :

چون بیشتر از تاسیس فارم قندوز اصول صحیحی برای زرع وجود نبوده کسی نمیدانست که بهترین وقت بذر کدام است بکدام فاصله بذر را زرع باید نمود ، بکدام وقت و چه تعداد آبیاری شود ، لذا یک عدد تجارب فنی ذریعه متخصص پنبه با فارم قندوز بعمل آمدۀ علاوه بر آن یک عدد زیاد تخم‌های پنبه مصری وامریکائی ووطنی برای معلوم نمودن بهتری اجتناس نیز زرع شده است که نتایج تجارب مذکور قرار ذیل است ،

۱ - از ۱۱ ثور تا ۱۱ جوزا به تفاوت دهد روز زرع پنبه بعمل آمده ثابت شد که بهترین وقت زرع ۱۱ ثور است .

۲ - از لحظ عریض بودن بلوانها قرار یکه تجربه شد بهترین نتیجه از عرض ۶۶ سانتی گرفته شده است ، در میان دو پایه پنبه بهترین فاصله ۲۵ سانتی متر است .

۳ - برای معلوم نمودن آن نوع پنبه که آب و هوای قطعن نتیجه بهتری میدهد در ۱۵ ثور ۱۳۱۹ انواع ذیل تحت زرع گرفته شده است .

الف : نه قسم پنبه مصری : ساکل، جیزه، اشمونی، فوادی، جیزه نمبر ۲۹، سخا نمبر ۴ جیزه نمبر ۷، جیزه نمبر ۳۱ .

ب : علاوه بر اقسام فوق دو قسم دیگر پنبه مصری بوده زرع شده است که یکی آن از رو سیه وارد شده بود و دیگر در قندوز یافت شده .

ج : قسم امریکائی واردۀ رو سیه که در رو سیه نیز حاضر از زرع میشود .

د : قسم امریکائی که راساً از امریکا وارد شده است .

ه : سیاه جگت که از شرکت پنبه گرفته شده است .

### ملاحظات در اطراف تجربۀ فوق:

۱ - مدت ماندن پنبه امریکائی درین زمین از شروع زرع تا ختم حاصل ۶ ماه

۲ - مدت ماندن پنبه های مصری در زمین از شروع زرع تا ختم حاصل ۷ ماه

۳ - حاصل امریکائی از تمام اقسام مصری زیاده تر بود .

۴ - حاصل سیاه جگت به نسبت اقسام امریکائی کمتر بود و به نسبت بعضی اقسام مصری زیاده تر .

۵ - حاصل پنبه امریکائی واردۀ رو سیه از حاصل پنبه امریکائی موجوده افغانستان و امریکائی واردۀ امریکا زیاده تر بود .

۶ - حاصل پنبه امریکائی واردۀ امریکا به نسبت حاصل پنبه امریکائی موجوده افغانستان زیاده تر بوده است تا

- ۷ : - تخم پنبه مزار شریف و بلخ و تاشقان به نسبت تخم منا طوف قطعن زیاده تر بود .
- ۸ : - بازشدن کوکله پنبه سیاه چگت نسبت به عموم تخم امریکائی مقدم بود .
- ۹ : - بازشدن کوکله ساکل و جیزه نمبر ۲۹ نسبت به تمام اقسام پنبه مصری متاخر بود .
- ۱۰ : - حاصل پنبه های تخم قطفنی به نسبت یکدیگر تقریباً مساویانه بوده و حاصل نمونه های ولايت مزار شریف به نسبت حاصل پنبه دانه های قطفنی بهتر بود . حاصل تخم امریکائی واردہ رو سیه به نسبت تخم واردہ مزار شریف بهتر بود و هر قدر یکه یکنونه پنبه بمسافه دورتر نقل داده شود حاصل آن خوبتر میباشد و از همین سبب بهتر که هدایات داده شد تا تخم پنبه یک محل را به محل دیگر نقل نهاد .
- ۱۱ : - بازشدن کوکله های اقسام مصری در یک بته به نسبت معداد کوکله باز شده امریکائی زیاده تر بود .
- ۱۲ بازشدن کوکله های اقسام مصری تمام نشده درجه حاصل چین دوم به نسبت مقدار متوسط کمتر بوده زیرا که کوکله ها از سبب سردی هوا کاملاً بازنشده .
- ۱۳ : - حجم کوکله های امریکائی تقریباً دوچند حجم کوکله های اقسام مصری بود .
- ۱۴ : - اکثر تعداد بر جهای کوکله های مصری سه و ندر تا چهار میباشد .
- ۱۵ : - تعداد اکثر بر جهای کوکله های پنبه امریکائی چهار و ندر تا پنج میباشد .
- ۱۶ : - عدد تخم های یک کوکله در اقسام پنبه مصری بطور اوسط ۳۳ است .
- ۱۷ : - عدد تخم های یک برج کوکله در اقسام مصری اکثر از ۶۷ میباشد .
- ۱۸ : - متوسط وزن یک کوکله در اکثر پنبه های اقسام مصری ۵ و ۳ گرام است .
- ۱۹ : - بدون جیزه نمبر ۲۶ واشمنی و فوادی کوزن آنها کمتر از ۳ گرام است و از سیاه چگت که وزنش کمتر از سه گرام میباشد وزن دیگر کوکله ها در دیگر اقسام پنبه ها قرار ذیل میباشد .
- او سط وزن یک کوکله امریکائی عادی ۶/۵ گرام .
- او سط وزن یک کوکله واردہ امریک ۷/۵ گرام .
- وزن صد دانه تخم امریکائی متوسط ۱۲/۵ گرام .
- وزن صد دانه تخم اقسام مصری ۱۱ گرام .
- وزن صد دانه تخم سیاه چگت ۹/۵ گرام .
- ۲۰ او سط وزن پنبه محلوج به نسبت پنبه غیر محلوج امریکائی مزروعه افغانستان که از رو سیه وارد شده ۳۳ فیصد و از امریکائی وارد شده امریکا ۳۵ فیصد و از سیاه چگت ۳۱ فیصد و بهترین اقسام مصری واشمنی ۳۴ فیصد است .

## اجرا آت دوائر مملکتی

- ۱- درازی متوسط موی پنهان امریکائی عادی ۱۱۰
- ۲- درازی متوسط موی پنهان واردشده امریکا  $\frac{1}{4}$  ۱۱۰
- ۳- درازی متوسط موی پنهان مصری جیزه نمبر ۲۶  $\frac{11}{16}$  ۱۱۰ است
- ۴- از سبب بودن آلات لازمه امتحان محکمی تار پنهان امتحانات آن ذریعه دست اجرا شده است.

۵- از جایت اقتصاد بهترین نوع پنهان امریکائی واردشده امریکا میباشد، حاصل آن خوبتر و تار آن درازتر وزن پنهان مخلوق به نسبت پنهان امریکائی واردشده روسیه زیاده تراست، در اقسام مصری بهترین آن اشمونی است چرا که حاصل آن زیاده تر و بازشدن کوکله آن مقدم تر وزن پنهان مخلوق آن نسبتاً زیاده تر و همچنین بازشدن کوکله آن مقدم تر وزن پنهان مخلوق مقاومتش بعرض زیاده است.

### ملاحظات عامه :

- ۱- جمیع تجربه ها بطریق ریگک پوشی دانه و بلانت دار (نهال نشان) بعمل آمد است.
- ۲- تجربه تخم پنهان امریکائی معموله افغانستان با انواع مختلف بعمل آمد و همچنین تجربه انواع نخصوص دیگر بطریقه های متنوع عملی شده است.
- ۳- چون این تجربه برای اولین دفعه در افغانستان بعمل آمد است برای حصول معلومات یقینی باید برای چند سال تکرار عمل شود.

### اصلاحات در اصول چیدن پنهان.

بیشتر در چیدن پنهان احتیاطات فنی که رعایت آن لازم است از طرف اهالی معمول نبوده است بنابران در خاصیت طبیعی و سرشت پنهان مخصوصه نواقص زیادی دیده می شد. لهذا در خصوص چیدن پنهان هدایات لازمه از فارم قندوز برای نماینده گی های پنهان و برای اهالی داده شد که خلاصه آن قرار ذیل است.

- ۱- بالسه مرد کاریش از چیدن پنهان ملاحظه شود تا برگهای خشکیده و خاشک از چین اول آنها آغشته نباشد.
- ۲- در روزهای افرات شنبه به چیدن پنهان آغاز نشود و نیز اگر شنبه خفیف باشد فرست از دست نداده بکار آغاز باید نمود و بیشتر از نقل دادن پنهان را در بغل دیوار بالای زمین به آفتاب گذاشت.

۳- برای جمع نهودن پنهان های چیده شده موضع باکی منتخب باید نمود و در انجا گلیم های کهنه را هوار نموده بالای آنها پنهان هارا بایا ندارند. و در گلیم ها میخ های چو بی محافظ گردد تا بالای پنهان کسی تردد نکند.

- ۴: نفری جمع کننده پنه باید برای تسلیم دادن پنه های خود به نشستن به صفت عادی گرددند تا پنه های خود را در حین تحویل دادن پاک کرده فائدہ زیاده تری اخذ نمایند .
- ۵: در وقایتیکه پنه را در جو الها می اندازند دقت لازمه شود تا هر چین علیحده باشد .
- ۶: آن پنه هاییکه کوکله های آن با انتهای شگفتان خویش رسیده باشد جدا نگاهداشته شوند و آن پنه های نیکه کوکله های شان کما ملا باز نشده و پنه آنهم بقایم لازمه نز رسیده باشد علیحده شود زیرا که حاصل پنه های نوع اول به نسبت دوم بهتر است
- ۷: درون خریصه هاییکه دران پنه انداخته میشود باید پاک و بیخس و خاشاک باشد همچنین کراچی هاییکه حامل پنه ها میباشند باید پاک باشد چرا که وجود خس و خاشاک در میان پنه جنسیت آن را گم میسازد .
- ۸: اکثر اهالی چوب های پنه را تا دیر وقت بالای زمین میگذارند و یا تنها حصه بالائی چوب ها یعنیکور را قطع میکنند ، این عمل قوه زمین را کم میکند و حاصل گندم اینچنین زمین کمتر میباشد لهذا لازم است که اولاً زمین را آبیاری کرده بعد ازان چوب هارا خارج کنند و یا تو سطح بیل بدون آبیاری آنها را بکنند .
- ملاحظات : در حین تحویل نمودن پنه بشر کت د از فارم قندوز رسمآ خبرداده شده است :
- ۱: بعضی ها پنه را علی الصباح جمع کرده با افتاب نمیگذارند تا خشک شود زیرا که نمی خواهند از وزن آن کاسته شود .
  - ۲: قیمت چین اول و دوم و سوم از طرف شرکت یکسان بود اما خته می شد چون این عمل منافی تشجیع جدانمودن چین های پنه است لهذا شرکت هدایت داده شد تا چین های مختلف پنه قیمت های مختلفی بگذارند .
  - ۳: پنه خوب و خراب را پیشتر از این در گذا مها مخلوط میکردن حالا در جدا کردن پنه خوب از پنه خراب مساعی لازمه بعمل می آید .
  - ۴: در وقت وزن نمودن پنه یک مقدار را خواهی پنه ، ترمی بود و خواه خشک کسر نشان میدادند که کسر آن تا به ۲۸ فیصد میرسد . چون این عمل اهالی را از زرع پنه متنفس میساخت لهذا هدایات لازمه بشر کت داشد .
  - ۵: برای تشویق اهالی بر عرض پنه در قیمت فی سیر آن چیزی افزوده شده و نیز ترتیباتی گرفته شده است که پنه های تخم امریکائی را بقیمت بلندتر خریداری کنند تا جنس آن نرویج و تو سیع باید و سبب دیگر افزود قیمت پنه اینست که اهالی برای جلوگیری از خساره خود ندر میان جو الها پنه خودستگ و زیگ وغیره و اداجنی را داخل میکردنند فهم خود را ملاحظه نموده از این گونه تقلب ها صرف نظر نمایند .

## اجرا آت دوائر محلکتی

۶: برای جدانمودن چین های اول و دوم و سوم و چهارم برای نماینده گی ها و برای شرکت و اها لی هدایات لازمه داده شده تا پنهانه هارا به لحاظ چین ترتیب دهنده در جدا نمودن و ترتیب آن ملا حظات ذیل را مد نظر گیرند:

۱: پنهانه درجه اعلی که مدعما از پنهانه های چین اول و زمین های اعلی و موازنی شده بحسب می آید

۲: پنهانه درجه عالی که مدعما از پنهانه های چین اول و زمین های عادی میباشد.

۳: پنهانه درجه دوم که مدعما از پنهانه درجه دوم است.

۴: پنهانه درجه سوم که عبارت از پنهانه چین سوم است.

۵: پنهانه درجه چهارم که عبارت از حاصل چین چهارم است.

۶: پنهانه درجه پنجم که مدعما از ازان پنهانه ها نیست که در وقت چیدن بر زمین افتاده اند برای اینکه به تقریب اقسام فوق الذکر پنهانه موقعاً گردند برای نماینده گی ها نامونه های انواع فوق داده شده.

۷: هدایت داده شد تا شرکت پنهانه مرطوب را شلیم نشود زیرا که در گدام ها درین آنها تبدلات کیمیا وی تولید شده رنگ پنهانه را تغییر میدهد و نیز قوه نامیه تنخ را میکاهد.

۸: برای تادیه قیمت از روی درجه پنهانه و برای مجرائی صحیح کسر پنهانه مرطوب نیز هدایات مفصلی از فارم قندوز بشرکت پنهانه داده شده است.

مرا قبت و نیگرانی زرع پنهانه تو سط مامورین نماینده گی ها و تلقین و تعديل

هدایات فنی متخصص پنهانه درین اهالی:

چون برای اصلاح زرع پنهانه تنها دادن هدایات فنی کافی نبوده لازم است که نظریات و هدایات متخصص درین اهالی تلقین و تبلیغ شود لهذا در هشت محال ولايت وصفن (خان آباد، بغلان، قندوز، حضرت امام، تالقان، خواجه غار، ینگی قلعه، قلعه ذات) هشت نماینده گی معین و مقرر گردیده است: وظایف این نماینده گی ها دوچیز است: یکی انتشار معلومات فنی زرع پنهانه درین اهالی، دیگر ترتیب دادن دفاتر احصائی زرع پنهانه، لهذا در هر نماینده گی علاوه بر تقریب یک نفر سر کتاب برای فراهم آوری معلومات احصائی پنهانه نیز مقرر گردیده است تادر خصوص معلومات صحیح زمین مزرعه و عی پنهانه و مقدار بندر و حاصل آن که پیشتر ازین خیلی مجھول و مبهم بوده است اقدامات لازمه نماید.

تمامی هدایای تیکه در اثر تجارب فنی متخصص برای شعبه اجرائیه فارم قندوز. داده میشود تحریر برای نماینده گی های دیگر محال فقط نیز فرستاده میشود. مامورین فنی نماینده گی ها معلومات مذکور را ذریعه معاونت حکومت محلی درین ذریعین پنهانه انتشار میدهند و زمین های پنهانه اهالی را از نظر خود ها گذرانیده اگر نقصی در اصول زرع پنهانه اهالی بینند هدایات

لازم داده علاوه بر ان بحکومت محلی هم رایپورت خود هارا تقدیم میدارند تا اهالی را مجبور به تعییل قواعد فنی زرع نمایند. علاوه برین خود متخصص پنبه در موسم نموی پنبه در مناطق زرع پنبه - گردش نموده برای اینکه از عملی شدن هدایات خوش درین اهالی مطمئن گردد شخصاً مزروعات پنبه را از نظر خوش میگذراند. مامورین فنی نماینده گی ها وقتاً فوقاً به فارم قندوز رایپورت و نظریات خود را فرستاده هدایات جدیدی حاصل میکنند و از وقوع حمله حشرات و بروز امراض جلو گیری لازمه نموده فوراً بفارم قندوز اطلاع مید هند تادر اطراط آن مطالعات فنی بعمل آمدند هدایات لازمه داده شود.

مامورین احصائی نماینده گی ها مؤظف به ترتیب احصائی اراضی پنبه و مقدار پنبه داده بذرشده و معلوم نمودن مقدار حاصل پنبه بوده علاوه آنرا مراقب میباشند که اهالی همان قدر زمینی را که برای زرع پنبه معین شده است زرع نمایند.

این نماینده گیها ممکن است کدر آینده قریبی توسعه پذیرفته بر تعداد مامورین آنها افزوده گردد. در نظر است که با اساس تجربه به گاه فنی فارم قندوز در محال دیگر قطعن ایز تجربه گی های فنی تاسیس گردیده پنبه های هر منطقه تحت تجارب گرفته شده اصلاح شوند. نه تنها در اصلاح جنس پنبه بلکه با اصلاح جنس دیگر نباتات منطقه مذکور نیز پرداخته شود علاوه بر این انواع پنبه های امریکائی و مصری و انواع نباتات دیگر خارجی در هر منطقه تحت تجارب گرفته خواهند شد تا گر نباتات مذکور با آب و هوای محل مذکور قابل نشو و نمو باشد در ترویج زرع و توسعه آنها اجرآت لازمه بعمل آید.

این بود پاره از اجرآت ریاست مستقل زراعت که درخصوص توسعه زرع و اصلاح جنس پنبه قطعن بعمل آمد است، ریاست زراعت در ادامه تجارب خوش در فارم قندوز کوشیده چنانچه پیشتر مذکور شدیم در اصلاح جنس های عادی داخلی پنبه و در عادی ساختن انواع پنبه های خارجی هنوز یک نتیجه مثبت و قطعی نرسیده ایم بلان اصلاحات زراعتی آینده ریاست زراعت در قطعن نه تنها برای زیادتی زیبائی و مقدار پنبه قطعی است بلکه درخصوص اصلاح دیگر نباتات قطعن و درخصوص تورید و زرع نباتات خارجی در قطعن نیز اجرآتی بعمل آمد است که شرح آن فرار ذیل است:

**اصلاح نباتات میوه دار و زرع نباتات جنگلی، تجارب زرع نباتات خارجی**

#### در فارم قندوز:

بنجصد جریب زمین برای تجارب فنی فارم قندوز که تحت مراقبت و هدایات متخصصین خارجی اجرا میشود تخصیص داده شده است: درین زمین علاوه بر تجارب متنوعه زرع پنبه تجربه ها و اجرآت فنی دیگری نیز بعمل آمد است که مراد از آن اصلاح نباتات داخلی و انتیاد نباتات

خارجی به آب و هوای قطعن است اینک اجرا آتنی که درین شق فنی فارم قندوز در جریان سنه ۱۳۱۹ بعمل آمد است ذیلاً معلومات میدهیم

۱: - زرع و تجارب نباتات داخلی در فارم قندوز : نهال و قلمه اثار و تاک انگور و انجدیر به انواع متعدد از قندهار خریداری و به اصول فنی زرع شده است آثار و سیب و ناک و بادام بصورت نهال از تاشقرغان و نارنج و مته و ستره از مشرقی نیز بفارم قندوز نقل داده و زرع شده است مدعای زرع این نباتات در فارم قندوز نه تنها عادی ساختن آنها با آب و هوای قطعن و تکثیر آنها است ، بلکه تریه آنها کاملاً طور فنی بوده زرع و پیوند و قطع نمو دن شاخصه و شکل بخشی آنها تحت قواعد فنی اجرا خواهد شد . علاوه بر این یک مقدار زیاد تخم توت برای آینده تریه پیله بذر شده است چون چوب سوخت و تعمیر اهمیت زیادی پیدا کرده است اهدا نهالهای سرو و ناجو و عرعر و سفیدار و پنجه چنان نیز به تعداد مهی غرس گرددیه است .

۲: - بعضی نباتات تیست که در خارج خواه از میوه آن و خواه از چوب و یادیگر محصول آن استفاده های کلی می نمایند و نیز بعضی نباتات تیست که اگرچه در وطن عزیر ماهم پیدایش دارد لاین چون در خارج از مدت میدی تحقیق اصلاح گرفته شده اند و یا طبعاً دارای میزان مخصوصی اند لازم است که در عادی ساختن و بالتدربی انتشار زرع آنها در افغانستان اجرا آت لازمه شود . اینستکه در جریان سنه ۱۳۱۸ و سنه ۱۳۱۹ در اثر درخواست فارم قندوز یکفر متخصص هندی راجه خریدار نهالهای نباتات هندی که با آب و هوای قندوز اعتیاد آن ممکن محسوس میشود به هند فرستادیم تا نهالهای لازمه را بایکنده سامان واوازام دیگر زراعتی را خریداری نموده با خود بیاورد . نباتاتیکه بصورت نهال یا قلمه از هند تورید و در فارم قندوز زرع شده اند قرار ذیل اند .

#### ۱: برای غله و علوفه

چهار نوع برآجع هندی لک و بار یک بقسم تجریه و تضمیم گیری بذر شده و تیجه هم اطمینان بخش است . چند نوع گندم افریقائی و جو فرانسوی هم زرع شده است ، بر سیم که یک نوع از شبدر مصری است و سودان گراس والیفات گراس و مکچری و کیتیا گراس و گوارا که به قسم علوفه و خوراکه حیوانات بکاربرده میشوند نیز زرع و تیجه خوبی ازان گرفته شده است .

۲: برای میوه : نارنج، مالت، ستره، بری، لچی، آم، امرد، لکات .

۳: برای چوب: چوب سوخت و تعمیر و صنعت .

سورا، بار، بیبل، کیکر، کچنار، زیتون، شیشم، آبنوس، اقسام عکاسی وغیره .

#### ۴ نباتات اقتصادی و صنعتی :

موئلک پلی که به فرانسوی ارشید نام دارد نباتیست بسیار مفید، در زمین نرم و ریگ دار زرع

میشود، میوه آن بصورت خسته بوده اگر برایان شوند لذت و قوّه غذائی زیادی دارد، دو قسم تیل ازان هم کشیده میشود. یکی برای خوردن و دیگری برای ماشین، کنخاره آن برای حیوانات داده می شود زرع این نباتات نتیجه خوبی داده ازان حاصل هم گرفته شده است. علاوه بر نباتات مذکور نباتات اقتصادی دیگری مثلاً شکر قند، زنجیبل، تعبا کوی امریکائی (ویرزینیا) سند، نیشکر نیز زرع شده است یکی از جمله این نباتات سویا بین است که از حاصلات آن استفاده های متعددی میشود، موادی که ازان حاصل میشود فرار ذیل است.

۱: مار گرین (Margarine) یک نوع روغن نباتی که درخورا که استعمال میشود.

۲: کازین (Caséine) کبرای ساختن شیر مصنوعی بکار میروند.

۳: یک قسم روغن درجه ۲ برای ماشین های زراعت این نباتات در مالک متوجه امریکا خیلی ترویج پیدا کرده چنانچه کمپنی مشهور فورد در امریکا یک حصه زیاد زمین را ازین نبات زرع کرده واز دانه های آن که بقسم یک لویای کوچک است تیل کشیده باشین ها ازان استفاده مینمایند.

۴: از آردداهه این نبات نان پخته میشود که برای مرض فند (Diabète) خیلی مفید ثابت شده است.

۵: برگ و شاخ آن برای حیوانات بقسم علف داده میشود مخصوص برای گواهای شیری

#### سبز بجاجات و نباتات زمینی:

کرم گلدار، کرم دوبه دار، کرم شلغم، مشنگ، فاسولیا، بامیه، بادنجان رومی و سیاه (خصوصاً یک نوع آن موسوم به شاهزاده حبس که میوه بزرگ و بالنتی دارد) اقسام مرغ زردک، کدو و تربوز بطريق فنی زرع شده حاصلی خوبی گرفته شده است. بعضی اقسام نباتات زیستی مثلاً مشنگ های گلدار، زینیا، پتونی، گلاب، بخش و دیگر انواع خارجی هم زرع شده است.

این بود بعضی اجرآت فنی فارم قندوز که فوّا شرح داده شد. برای اصلاح نباتات قطعن تناها فارم قندوز که آن هم هنوز در مرحله اول اقدامات خود مبیا شد کافی نیست، به تطبیق فارم مذکور در خان آباد، بغلان، حضرت امام صاحب، تالقان، وغیره نیز فارم های علیحده لازم است، ریاست مستقل زراعت برای تشکیل فارم های زراعتی در محل مذکور بودجه علیحده ترتیب و منظوری حاصل نموده است و از شروع سنه ۱۳۲۰ در این موضوع داخل اقدامات لازمه خواهد شد.

همین قسم در مناطق دیگر افغانستان مثلاً قندهار، مشرقی، هرات، مزار شریف وغیره نیز بعد ازینکه مطالعات فنی لازمه درخصوص شروط و خواص زراعتی مناطق مذکور فراهم گردد تجربه گاهای زراعتی تاسیس و در اصلاح نباتات و حیوانات مناطق مذکور و مدافعه با امراض

و حشرات و اصلاحات امور آبیاری وغیره اجرا آتیکه در نظر است انشاء الله عملی خواهد شد.

### اجرا آت شعبه دفع آفات در جریان سنه ۱۳۱۹

در اثر راپورت هائیکه در سال ۱۳۱۹ بعد از بیت دفع آفات ریاست مستقل زراعت وأصل گردیده در بعض نقاط ولايات مزار شریف و مینه و قطن و هرات و قندهار ملخ بروز نموده توسط یکعده مامورین فنی مدافعه ملخ که به نقاط فوق الذ کربلاهایت لازمه فرستاده شده بودند یکعده زیاد ملخ هایند که از پراگنده و محوشده و علاوه اتا برای سال آینده احتیاطات لازمه از طرف مدیریت دفع آفات ریاست گرفته شده است. در جریان سنه ۱۳۱۸ و سنه ۱۳۱۹ مدافعه ملخ بطور ملی و کیمیاوی بعمل آمد و یکعده زیاد ملخ ها محو گردیده است.

علاوه آتا در شروع سنه ۱۳۱۹ در بعضی مربوطات ولايت کابل مثل ده سبز . بتخاک ، لهو گر ، سیغان و کهرمنیز یکعده ملخ بروز نموده بود که بمدد خود اهالی تحت هدایات مدیریت دفع آفات و کهمک لازمه والی صاحب ولايت کابل بمدافعت آن برداخته شد.

در سنه ۱۳۱۸ و سنه ۱۳۱۹ در احایی یک حشره مضره دیگری که به باغات غزنی و قلات حمله ور شده درین اهالی بنام موریاد میشود نیز اقدامات لازمه از طرف مدیریت دفع آفات ریاست بعمل آمد و یکعده مامورین فنی با هدایات لازمه در اوایل سنه ۱۳۱۹ و در اوخر سنه مذکور بطرف غزنی و قلات فرستاده شدند نظر برآپورت های واصله اقداماتیکه نموده شده است اطمینان بخش است، این حشره در باغات پغان و چهاردهی هم بخلاف حظه رسیده اولاً بطور کیمیاوی تحت مدافعه گرفته شدند چون نتیجه مطلوبه بدست نیامد بطور وضی اجرا آت شده نتیجه خوبی گرفته شد. زیرا کچون عده این حشرات زیاد است و علاوه بر ان ادویه کیمیاوی ازین جانی هائیکه درین آن محفوظ میباشدند بخوبی عبور کرده نمیتواند لهذا اقتصادی ترین وبهترین اصول مدافعه حشرات مذکور بحال حاضر همان مدافعه وطنی که مدعماً از جمع آوری شاخچه های مریض و سوزانیدن آنها است بوده باین صورت از مساعی اهالی هم فائدی گرفته میشود. چون در اطراف نوع حیات و خصوصیات این حشره معلوماتی برای اهالی نبود لهذا برای اینکه معرفت اهالی بالای آن زیاده تر شده مدافعه آن بصورت بهتری اجرا گردد درین هم موضع که حاوی شناخت حشر و اصول مدافعه آن است بطبع رسیده نیز در روز نامه های اصلاح و انس - تفصیلات لازمه بالای حشره مذکور شایع گردید. چونکه قرار همه ساله درین هیئتین افغانی و شوروی در خصوص مدافعه ملخ سرحدی افغانی و شوروی ومدافعت حشرات مضره ینبه کافرانسی بالنوبه بخاک یکی از مملکتین منعقد میشود لهذا در برج سنبله سنه ۱۳۱۹ که محل کافرانس را در کابل معین نموده بودند متخصصین شوروی جهه مذاکرات فنی وارد مرکز گردیده قرار معمول مذاکرات لازمه بعمل آمد.

قرار رایورت متخصصین زراعتی که به قندهار و مشرقی کرم سرخ و کرم خاردار ملاحظه نموده بودند چون این دو نوع حشره از خوف ترین حشرات مضر مه پنه میباشد برای جلوگیری از نفوذ آن دردیگر نقاط افغانستان وابشکه حشرات مذکور در قندهار و مشرقی معمول گردند زراعت پنه برای چند سال از طرف ریاست مستقل زراعت منوع قرار داده شده بولایات مذکور خبر داده شد تا اهالی را از زرع پنه منع نمایند.

در نتائی و فتیکه متخصصین زراعتی برای ملاحظه سمت های مذکور فرستاده شد اما حشرات مذکور و تخم آنها ثابت گردید البته برای اهالی تخم های اصلاح شده پنه امریکانی تقسیم خواهد شد تا انت هدایات متخصصین به زرع پنه اقدام نمایند.

قرار رایورت های واصله قندهار و مزار شریف و هرات برای گوسفند های بولایات مذکور بعضی امراض مسری از قبیل مرض چیچک وغیره بروز نموده بود لهذا ریاست مستقل زراعت با وزارت صحیه داخل مذاکره شده از طرف مؤسسه با کمیشور و لوژی نفر فنی و آلات امتحانی بقندهار فرستاده شد تا امراض مذکور را معاينه کرده نموده اعضا مرضی را با خود بمرکز بیاورد تا امراض مذکور ذریعه مؤسسه با کمیشور و لوژی تحت معاینات فنی گرفته شده درخصوص تهیه سیروم واکسن وغیره که همچنین امراض ایجاب میکند اقدامات لازمه بعمل آید.

در جریان سنه ۱۳۱۹ نموده های حشرات مضره و امراض نباتات ذریعه مدیریت دفع آفات جمع آوری شده است تا حشرات و امراض مذکور بطور فنی مطالعه شده درخصوص مدافعت آنها تدبیر لازمه اتخاذ گردد.

نهالشانی و توسعه قوریه ها از شعبه جنگل های ریاست مستقل زراعت در سنه ۱۳۱۹  
امروز مسئله محروقات در حیات کنونی دنیا آنچنان اهمیتی را حاصل نموده است که تهیه مواد محروقات را میتوان اولین مسئله حیاتی و اقتصادی محسوب نموده . حرکت فابریکه ها و حصول حرارت در موسم سرما و طبخ اغذیه یک مقدار حرارت کافی را ایجاب میکند که تو سط پترول، ذغال سنگ، گیس، و یا جوب عنده الموقم حاصل خواهد شد . در مملکت عزیز ما که پترول آن از خارج می آید و ذغال سنگ هم هنوز بمقدار زیاد استخراج و در محل استفاده قرارداده شده است لهذا با استثنای فابریکه ها که به برق و یا پترول حرکت میکنند تمامی حوايج ملی ما از قبیل حرارت زمستان طبخ اغذیه وغیره توسط چوب یعنی قطع یک عدد زیاد اشجار تامین میگردد . بنابران بکمال افسوس دیده میشود که ضرورت ملی ما به سوخت چوب روز افرون و نیز دائرة قطع اشجار میوه دار و جنگلی رو به وسعت است . اگر قطع نمودن اشجار بهمین صورت ادامه داشته باشد البته نتائج آن برای یک مملکتی که آبادی و سرسبزی و صحت اهالی آن وابسته بوجود اشجار و مزارع آنست و خیم خواهد بود ، نه تنها قیمت چوب در مدت کمی فوق العاده بلند خواهد رفت بلکه اراضی

جنگلی و باغها نیز صورت زمین های لامزروع را خواهد گرفت . اینستکه ریاست مستقل زراعت برای حفاظه و حمایه جنگلات و باغات تبلیغاتی را روی کار آورده است و علاوه اما به تشکیل قوریه های جدید اشجار خواه میوه دار باشد خواه جنگلی توجه و مساعی خود را معطوف داشته در جریان سنه ۱۳۱۹ از یکطرف به توسعه قوریه های سابق پرداخته است واز طرف دیگر در بعضی نقاط به تشکیل قوریه های جدید صرف مساعی نموده است .

۱:- در قوریه پفمان یک مقدار زیاد چارمنز و بادام و زردآلو و نیز یکمقدار مهم تخم اشجار جنگلی از قبیل سرو ، بلوط ، اکاسی ، ارغوان وغیره زرع شده است . ازین قوریه یک تعداد زیاد اشجار متنوعه بدست خواهد آمد که عنداضرور به نقاط لازمه تقسیم خواهد شد .

۲:- همچنین در گذر گاه قوریه مهمی تشکیل داده شده و دران تهمه ای متنوعه اشجار از قبیل عکاسی رنگه ترکی ، عکاسی وطنی اشجار زردآلو ، بادام شنگ ، ارغوان ، توت ، سنجید وغیره بندر شده است .

۳:- در باغ ولایتی و باغ یعنی حصه نیز برای تامین حوالج دها قیس و از دیاد نهال شانی نواحی قوریه یک مقدار تخم اشجار زرع شده است .

۴:- در آلو گرد علاوه بر قوریه سابقه یک تعداد جریب زمین زیاده تری بندر اشجار شده در آینده نیز توسعه آن در نظر است .

۵:- در حصه سیدآباد کوههاین که برای تشکیل قوریه داری موقعیت خوبی است و پیشتر ازین نهال عز و تخم اشجار میوه دار دران زرع شده بود در سنه ۱۳۱۹ به توسعه آن پرداخته شده یکتعداد زیاد عز عرق ، سفیدار ، بادام ، زردآلو ، چارمنز ، عکاسی ، توت ، سیب ، ناک ، آلو وغیره زرع شده اکنون تعداد نهالها متجاوز از یک لک است .

۶:- همچنین در استالف علاوه بر قوریه های سابقه قوریه های جدید اشجار میوه دار تشکیل داده شده است .

۷:- چون اشجار جنگلی نسبتاً سخت سر بوده آب کمتری بکار دارند و نیز نموی شان به نسبت اشجار میوه دار سریع تر بوده از چوب آنها علاوه بر مواد سوخت استفاده های صنعتی هم کرده میشود لذا یک مقدار تخم اشجار جنگلی از خارج خریداری شده علاوه بر اینکه در نقاط لازمه مرکز و ولایات بندر شده است برای زمین دار هائیکه شایق زرع آن بوده برای است مراجعت نموده اند نیز یک مقدار از تخم های مذکور بشرط اینکه تعداد جریب مزروعه ونتیجه محصوله را برای است را پورت بدنه داده شده است .

۸:- چون اکثر کوها و تپه های افغانستان لامزروع میباشد و تا لahan برای سیز ساختن آنها از سبب نابود آب وغیره در نهال شانی و مزروع ساختن آنها تو جهی نشده بود لهذا

تجربتاً در قطعه کوه اسمائی بالای حوض آب پیمان یکده نهال توت : عکاسی ، ارغوان ، پسته و صنوبر وغیره غرس شده است تابعه از حصول معلومات لازمه در بعضی حصه های کوهی و پهنه های خشک که مساعدت و شرط لازمه را دارا باشد جنگل ها تشکیل داده شود .

۹: برای معلوم نمودن مسامحه و تعداد صحیح نهال فوریه ها و یکنکه در آینده برای توسعه فوریها چه ترتیباتی گرفته شود یک هیئت از ریاست شمالی ولو گر وغیره فقط فرستاده شده و راپورت آنها بریاست زراعت تحت غور است .

۱۰: برای حفاظت جنگلات پسته هرات ترتیبات صحیح تری گرفته شده بنام جواز نامه جمع آوری پسته باهالی به محصول معینی تکت ها داده شده است . محصول امساله پسته هر ات ترقی نموده است .

۱۱: همچنین بدیگر ولایات قطعن و بدخشان و مزارشریف وغیره برای حفاظه و حمایه جنگلات هدایات لازمه داده شده است .

ریاست زراعت اکنون مشغول جمع آوری معلومات احصائی جنگلات بوده در نظر دارد که بعد از تهیه احصائیه مذکور برای حفاظت و توسعه جنگلات افغانستان پلان فنی وو سیعی را ترتیب نموده داخل اجرا آت اصولی گردد .

### اجرا آت مدیریت های زراعت در ولایات و حکومتی های اعلی :

در مدیریت های زراعت ولایات و حکومتی های اعلی امور مهندسی که به آن پرداخته شده است و توجه زیاد مأمورین زراعتی ولایات را در سنه ۱۳۱۹ بخود جلب نموده است مدافعته ملخ بوده است که در بعضی حصن قندهار و قطعن و مزارشریف ، و میمه و هرات بصورت پراگزنه بروز نموده و ذریعه اهالی تحت هدایات مأمورین مدافعته ملخ و مراقبت مدیریت های زراعت مدافعته شده است .

علاوه بر آن در قطعن و هرات و مشرقی هر سال یک تعداد جریب زمین تحت زراعت تریاک می آید که فراهم آوری معلومات احصائی آن از قبیل تعداد جریب زمین مزروعی و مقدار حاصل تریاک وغیره بدوش مأمورین زراعتی ولایات مذکور گذاشته شده است اگرچه برای ترتیب احصائیه تریاک محل مذکور منظوری یک عدد مأمورین جدیدی را حاصل نموده این وعتریب ترتیبات اصولی ووسیع تری گرفته خواهد شد ، لا کن در سنه ۱۳۱۹ ترتیب همچه یک احصائیه بدوش مدیریت های زراعت ولایات مذکور بوده است .

در بعضی ولایات و محالات مثل مزارشریف ، قطعن ، قندهار ، هرات ، میمه یک عدد گو سفت مرینوس برای اصلاح جنس های پشم دهنده گوسفت های وطنی موجود است که ازان نسل (بقیه در صفحه ۴۹۷)

از مقر ربهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت خارجه



ع ، محمد شعیب خان ژنرال قونسل  
افغانی در بمی



ع ، ص محمد شفیع خان ژنرال قونسل  
افغانی در دهلی



ع ، محمد اکبر خان ژنرال قونسل افغانی  
در کراچی



ع ، ص عبدالوهابخان ژنرال قونسل  
افغانی در مشهد

## از مقرريهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت خارجه



ص ، محمد فسیم خان مدیر شعبه  
اول قونسل گری

ص ، عبدالرحمن خان مدیر  
شعبه ۴ سیاسی



ص ، محمد رفیق خان مدیر خارجه  
قندھار

ص ، محمد قیوم خان مامور ویزه  
افغانی در پشاور

از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت داخله



ع ، ص محمد نعیم خان رئیس  
تفییش عمومیه



ع ، ص عبدالرشید خان رئیس  
اداری



ص ، اختر محمد خان مدیر امنیت  
عمومیه



ع ، ع محمد اختر خان «اعتمادی»  
حاکم کلان ایلک

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت داخله



ش ، عبدالغنی خان کندکمش رغند  
رآندارمه سرکر ولايت کابل



ش ، نیاز گل خان قوماندان  
کوتولی شمالی



ش ، غلام دستگیر خان کندکمش  
کفیل سرماوریت پولیس کابل



ش ، گلاب شاه خان کندکمش  
پولیس کابل

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت داخله



ش، مسجدی خان کند کمتر غند  
ژاندارمه مرکز ولايت کابل

ص، عبدالسمع خان مدیر عضو  
ریاست تقییش



ص، عطا محمد خان مدیر عضو  
ریاست تقییش

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت مالیه



ص ، مرزا قطب الدینخان مدیر تجاری



ع ، ص عبدالاحد خان مستوفی ولایت فندک



ص ، مرزا محمد شفیع خان مدیر ابتداء  
عضو مدیریت عمومی تقسیش



ص ، مرزا محمد علی خان مدیر ابتدائی  
مدیریت عمومی تقسیش



ص ، مرزا عبدالرب خان مدیر اوراق

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت معارف



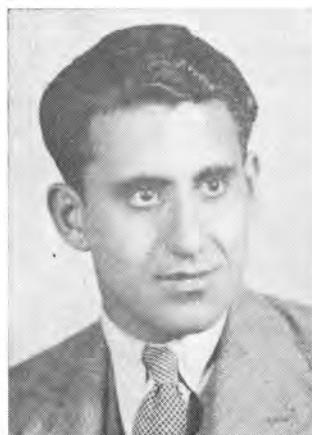
ع ، ص برهان الدین خان کشککی  
رئیس تعلیم و تربیه



ع ، ص سید عبدالله خان  
معین



ع ، ص ، هاشم شائق افندی  
مشاور



ع ، ص ، میان فاروق شاه خان  
رئیس سپورت

از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت معارف



ع ، نورالله خان مدیر عمومی مکتب صنایع



ع ، ص عبدالرحیم خان رئیس مکتبین



ص ، غلام سadr خان مدیر کمترول



ص ، غلام جانخان مدیر مکتب تجاری

از مقرر بهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت معارف



ص ، خواجہ گلبدینخان مدیر مکتب  
مساحت

اصول تحریر و محاسبات



ص ، محمد امین خان مدیر اداری  
دارالعلمین نوی کابل

ص ، عبد الرسول خان مدیر اداری  
دارالعلمین یغمان

از مقرزیهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت معارف



ص ، محراب الدین خان مدیر معارف  
ولايت مزار شريف



ص ، غلام محمد خان مدیر مکتب  
غازی



ص ، محمد طاهر خان مدیر معارف  
ولايت قطعن و بدخشان



ص عبدالسلام خان مدیر معارف  
هرات



ص فربان علیخان مدیر مکاتب  
مناطق بلدیه کا بل

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت اقتصاد



ع ، ص ، حاجی محمد اعظم خان  
رئیس گمرگ هرات



ع ، ص ، غلام محمد خان رئیس  
گمرگ کابل



ع ، سید احمد علی شاہ خان  
مدیر عمومی توسعه تجارتی



ع ، ص ، محمد عزیز خان رئیس گمرک  
ولایت فندار

از مقرراتی مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت اقتصاد



عن تمند دا کتر هانس تورک مشاور  
شعبه قانون



ع ، پاینده محمد خان کفیل مدیریت  
عمومی ناقلين



ع ، محمد نعیم خان مدیر عمومی  
صنایع



ع ، عبدالشکورخان کفیل مدیریت  
عمومی اداری

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت اقتصاد



ص ، غلام دستگیر خان مدیر  
محله اقتصاد

ع ، ص عبدالقيوم خان رئیس اطاق  
تجاری مزار شریف



صر : غلام محی الدین خان مدیر شعبه  
دستی مدیریت عمومی صنایع

ص ، عبدالغفورخان مدیر شعبه قانون  
ناده‌دای مدیریت عمومی صنایع

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت اقتصاد



ص ، نظر محمدخان مدیر گمرک  
فغان و بدخشان

ص ، محمد هاتم خان مدیر  
مامورین



ص ، فخرالدین خان مدیر کنترول  
گمرک کابل

ص ، محمد اسمعیل خان معاون نمایشگاه مری بوط  
مدیریت عمومی توسعه تجارتی

از مقر ربهای مهمه سال ۱۳۱۹ در ریاست بلدیه



ص ، عبد الصمد خان مدیر  
ناحیه اول



ع، محمد آصف خان مدیر عمومی  
تنظیفات و صحیه



ع ، محمد جانخان مدیر عمومی  
کنترول



ص ، سلام الدین خان مدیر  
ناحیه ۲

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۹ در ریاست بلدیه



ص، رجب علی خان مدیر تحصیلی



ص، میر احمد خان مدیر فاجهه

پنجم



ص، عبد القیا ث خان مدیر بلدیه

بغمان

و کلای دوره چهارم اهالی ولایت کابل



۱۹۲۰ میں دہلی کے ایک عوامی جماعت



از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت فواید عامه



ص ، شیراحمد خان مدیر سرک  
تنگ غارو

ع ، احمد شاه خان مدیر عمومی  
معابر ، بند و انبار ولایت کابل

از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در وزارت صحیه



ص ، دکتور عبدالحنی خان مدیر  
حفظ الصحه و تشکیلات

« ، دکتور عبدالحنی خان «مودادی»  
سرطیب و مدیر صحیه ولایت هرات

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت صحیه



ص ، سلطان احمد خان مدیر  
شفاخانه بغلان



ص ، دکتور عبدالرحمن خان مدیر  
صحیه مشرفی



ص ، عبدالجلیل خان کفیل مدیر  
صحیه شمالی



ص ، محمد رسول خان مدیر صحیه  
قندهار

از مقرر بهای مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت صحیه



ص ، محمد جعفر خان کفیل مدیر صحیه میونه

ص ، میرزا محمد خان کفیل مدیر صحیه اوگر



ص ، میر عزیز الله خان مدیر  
انتهائی کستروول

ص ، دکتور محمد آصف خان مدیر  
صحیه جنوبی



ص ، محمد طاهر خان مدیر  
کستروول علی آباد

از مقرراتی های مهمه سال ۱۳۱۹ در وزارت معادن



ص ، عبدالغفور خان مدیر امکسار  
معادن فندهار

ص ، محمد صدیق خان مدیر  
اقتصادی معادن

از مقرراتی های مهمه سال ۱۳۱۹ ریاست زراعت



ص ، محمد کریم خان مدیر دفع  
آفات زراعتی

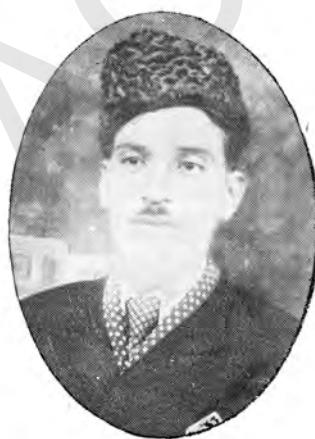
ع ، غلام صدیق خان مدیر فارم  
فندهار

از مقرریهای مهم سال ۱۳۱۹ در ریاست زراعت



ص، فقیر محمد خان مدیر تدوین  
قوانين زراعتی

ص ، نادر علیخان مدیر تقاضش و  
کفیل مدیریت مامورین و اجرائیه



ص ، عبدالغفور خان مدیر زراعت  
ولایت قند هار

از مقر ریهای مهم سال ۱۳۱۹ در ریاست مطبوعات

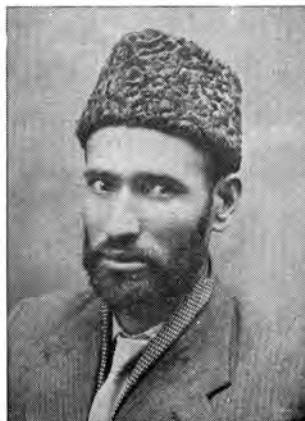


ع، محمد امین خان خوگیانی مشاور

ع، سرور خان گویا مشاور



ص ، عبد الطیف خان مدیر  
اجرایی



ص ، گل یاچا خان الفت مدیر نفاس

مقرر بهای مهم در سال ۱۳۱۹



ع ، عبدالقدوس خان مدیر شعبهٔ ۲  
ص ، غلام دستگیر خان مدیر  
دارالتحrir شاهی  
سينما

ع ، امير الدین خان مدیر شعبهٔ  
خصوصی وزارت معارف

از مقرراتی های مهمه سال ۱۳۱۹ در ریاست شورای ملی

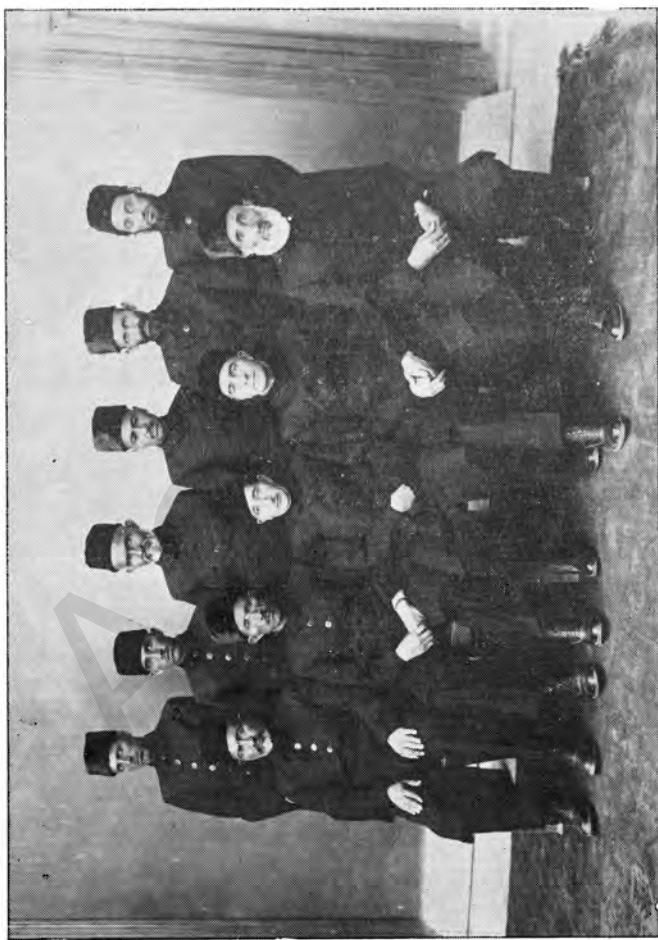


ع ، عبداللطیف خان منشی



ع ، سر محمد الیاس خان معین اول

و کلای دوره چهارم اهالی ولایت هرات





و کلای دوره چهارم اهالی ولایت مزار شریف



و کلای دوره چهارم اهالی ولاۃ قسطن و بد خشان



و کلای دوره چهارم اهالی حکومت اعلای مشرقی



و کلای دوره چهارم اهالی حکومت اعلای جنوبی



و کلای دوره چهارم اهالی حکومات اعلای فراه و مینه

# تاریخچه سبکهای اشعار پشتون

شاعری عبدالحق خان «حیلی»

## فلسفه پیدایش سبکها :

اوپرای اوضاع و اطوار گیتی باصره و عصر هاوزمانها فرق میکند، انسانها وزندگانی، و اخلاق و کردار و افکارشان با گذشت زمان ازمنه و عصور دستخوش تغییر است؛ بوم زاد و اختلاف اقالیم و آب و هوای زمین، و مغایرت مکان و مسکن نیز درین تغییر دستی دارد.

ازینروست که اوضاع حیات، و کیفیت اجتماعی، و تمام عواید و لوازم زندگانی ملت ها باهم اختلاف واضح و مغایرتی داشته، و بقایای یک عصر باعصر دیگر کمتر نزدیکی بهم میرساند، و درین جمله زبان هر ملت نیز با اوضاع اجتماعی، و کیفیات روحی و معنوی وی تحول میپذیرد از زبان همواره حاکی از تحولات و چگونگی افکار و خیالات جوامن و افراد است، که حیات عقلی و اجتماعی آنها را تصویر میکند، یک نفر مدقق و کنجدکار و میتواند، از ادبیات یک ملت، تمام افکار، عقاید، روحیات، و اطوار حیات عقلی و مادی آنها را تشخیص کند، دانشمند معروف فرانسوی درین مورد چه خوش گفته است که :

«هر ملت و قومی مدام در کار تغییر زبان خود میباشد، زیرا که زبانها همواره ترقیات معنوی ملل را پیروی میکند، هر قدر که افکار یک جمیعت ترقی میکند، زبان شان نیز شیوه اتر و مکمل تر می شود . (۱)

و یکنوره و گوادیب نامور فرانسه در مقدمه کتاب خود (کرو مویل) راجع به تطور ایشانکه اشعار بشر دیده و در هر دوره موافق به مقتضای عصر و چگونگی محظوظ و عوامل خارجیه، دوچار تحول و انقلاب گردیده، چنین شرح میدهد .

«موافق با تطورات اجتماعی ادوار زندگانی بشر، شعر نیز سه دوره را طی کرده آمده است اول: در قرون اولیه که مدینت هنوز ترقی نکرده و افکار بشر آمیخته با هر گونه بساطت و سادگی بود اشعار همان انسانها نخستین عبارت ازان نفعه ها و سرود های مهیجی بود که ذریعه آهنگ و غنا خوانده میشد و آنرا اشعار غنائی Lyrique گویند، بعد ازان انسانها از حالت بدآوت برآمده و به مدینت رسیدند، و مالک و جمیعت هارا تشکیل دادند، با این تطور اجتماعی

(۱) تمدن های اولیه نگارش گوستاو لوپون طبع پاریس ۱۸۸۹ ع

افکار و احساسات آنها نیز منقلب گردیده و اشعار حماسی و رزمی و فصوصی *Epique* رواج یافت ، دوره سوم شعر عبارت از اشعار تمثیلی *Dramatique* است که این هر سه دوره زائیده مدنت و ارتقای ذهنی و حیات عقلی بشری است (۱) \*

در حقیقت این سه دوره شعر که در بالا شمردیم ، دوره های صباوت و شباب و پیری و پختگی آن است ، ادبیات هر ملتی این دوره هارادیده و عموماً اشعار غنائی بر حماسی مقدم بوده و کذلک حماسی بر تمثیلی وغیره ، مثلاً اوریید شاعر غنائی یونان بر هو میر شاعر حماسه سر امقدم بوده و بعد ازان ایشیل پدر تراژدی *Tragedie* یعنی اشعار هائله تمثیلی بیان آمده است (۲) در زبانهای آریائی نیز اشعار اویله عبارت بود از نفعه های مذهبی وادعیه که در مواقع عبادت وغیره می خوانده و تغفی می نموده اند که کتب اوستا ، وریگویدا اکنون نموده ازان اشعار مانده است بعد ازان که آریانها در مالک یر فسحت آسیا متفرق و پراگنده شده و مدنت و جمعیت را تشکیل داده اند ، آثار و اشعار حماسی نیز از آنها باقی مانده که یکی ازان قصه جنگی مها بهارت هند است ، که تعداد ایات آن از دو صد هزار زیاد است ، و این اثر ادبی در سبک و افکار و مضامین خود باویدا متفاوت ، ویک اثر حماسی و شعر رزمی گفته می شود (۳) \*

از مراتب بالا خوانندگان محترم ما تایک اندازه بضرورت بیدایش سبکهای نو در ادبیات السنه فهمیده باشد ، چون زمان ، مکان ، اقلیم ، کیفیت و طرز حیات اجتماعی و دیگر عوامل مهمه زبان را زیر اثر می آورد ، و افکار و احساسات و عواطف انسانی را منقلب میگرداند ، بنابران اشعار و ادبیات نیز دستخوش تحول بوده ، وهم از ینروست که ما در ادبیات هر ملت و هر زبان با تبدیل عصرها و امکنه ، سبکها و طرزها و اسالیب مختلفی را می بینیم ، که هر اسلوب و سبک زائیده محیط و عصر واقعیم ، و کیفیت حیات اجتماعی انسانها بوده ، و از مزایای خاصه و افکار و احساسات همان عصر و همان محیط مخصوص حکایه می کند .

مثلا سبک اشعار بازار عکاظ در زبان تازی ما سوای سبکی است که اخیراً در بغداد و اندلس بوده ، و هکذا سبک بخارا و غزنی زبان پارسی ، با سبک متأخر هندی مغایرت و بعدی داشته ، که هم از جنبه طرز اداء و میزرات ادبی و هم از جنبه تفکر و ذهنیت فرق کرده است ، بنابران حدوث سبکهای نو در ادبیات و اشعار هر زبان امری بوده طبیعی ، و موافق به طبیعت عمران و ارتقا ، که هر زبان در سلسله نشوونمای خود دیده است .

(۱) مقدمه کرو مویل و یکتور هو گو .

(۲) تاریخ الادب عند الافرج والعرب، المقدسي .

(۳) تاریخ تمدن هند ص ۳۲۸ - اثر گوستاولو بون .

### سبک چیست؟

شمر از لحاظ الفاظ و طرز تلفیق آن ، و همچنان از جنبه خیالات و افکار ، و اوزان و کیفیت و کیمیت ، واژنقطه نظر بحور و عروض وغیره اقسام و شعب و انواعی دارد ، که هر شاعر و گوینده ، یک اسلوب را پسندیده ، و آنرا در اشعار و سرود های خود پیروی میکند ! این طرز و اسلوپ یکه از خود مزایا و خصائص مادی و معنوی داشته ، واژنجه کم و کیف از اسلیب دیگر متفاوت و ممتاز باشد «سبک» نامیده می شود .

### سبک دوچنبه مهمی دارد :

اول : جنبه ظاهری و مادی آن که عبارت از بحرو عروض و قافیه ، یا کدام طرز آزاد و خصوصی بوده ، که مبنی بر تعداد سیلاه ، و یا کدام اساس تغیی و سرودی و صنعتی باشد . دوم : - جنبه معنوی که عبارت از هویت افکار و عقائد و تشیوه واستعاره وغیره امور معنوی است و به این هر دوچنبه میتوان اشعار یک شاعر یا یک عصر یا یک توده را از اشعار دیگران فصل و امتیاز داد ، ربط و انسجام الفاظ و کلمات ، بامعنی و افکار از اساسهای مهم سبک بوده و منبع الهامیکه شاعر ازان استفاده میکند ، در تغییر جنبه معنوی سبک اهمیت بسزایی دارد ، بنابران اگر در ادبیات و اشعار یک زبان از نقطه نظر سبک و اسلوب تدقیقی بعمل می آید ، باید هر دوچنبه مذکوره را مراعات نمود .

### آغاز بمقصد :

درین مضمون می خواهیم نگاهی به سبکهای اشعار زبان ملی نموده ، واژنقطه نظر اختلافات اسلیب بیان و سبکها دران گنجگاوی نماییم ، چون تاریخ ادبیات و اشعار زبان پنتو طو ریکه می باید و می شاید تا کنون نگاشته نشده ، بنابران این تبیع و کاوش ادبی ما مکمل نبوده ، و شاید نوافصی داشته ، و فروگذاشتی بنظر خوانندگان عزیز بر سد ، چون زمینه نگارش و تبیع من نواست ، و تا کنون درین موضوع تدقیقی بعمل نیامده ، و چیزی نشته نشده ، بنابران اگر سهو و زللی بنظر برخورد ، دانشمندان مرابح خواهند داشت .

برداش پژوهان وطن پو شیده نیست ، که تا کنون زبان ملی ما ، طوریکه لازمه پر ورش یکرمان است پروردگار نشده ، واژنقطه و بی اعتمانی های زیاد در قل جبال و وادیهای وطن مهجدور مانده ، و ادبیات و آثار وذخایر آن بمرور سالها و فرنها محو و تابود گردیده ، و یا اکنون در هر گوش و کنار از استفاده دور مانده واژناظرها ناپدید است .

حالا وقت است که بریر حمایه ملیت پرورانه حکومت متبعه ، جوانان و دلبختگان وطن کمر همت چست بر میان بندند ، و صدمات جبران نایذر گذشته را که بین زبان رسیده ، تلافی

نمایند ، وادیبات آنرا زندگی بخشنند ، آثار گم شده که تسلطالسته دیگر آزادجو و ناپدید میکند ، پس بیان کشند ، واژه طرف گرد آورند !

من از مدت چند سال است که درین زمینه جستجو و کنجکاوی دارم ، آثار ادبیه زبان ملی را که از هر جا و هر گوش بدبست آورده ام ، آنرا حرز جان ساخته و نگهداشته ام .

در نتیجه تبع و جستجو بن یقین شده ، که اگر در تمام زوایا و اطراف وطن عزیز کنجکاوی و تفحصی بعمل آید ، میتوان ذخایر گرانبایی ادب ملی را یافت ، و میتوان لایی نایابی را ازین محیط یکران کشید ، در قراء و مساکن ملت شیردل افغان ، و در کوهه سار و وادیهای پهناور پیشوای خواه بسی از آثار ادبی زبان ملی ما متفرق است ، بهر گوشة وطن ، لثاؤ آبداری افتاده ، واژ عدم اعتنای اولاد وطن فریاد بر می آورد ، که هر دایید ، من گوهر گرانها و لؤی غلطان شمايم ، ولی دست بی قدری روزگار صراخیلی گرد آورد نموده ، و مزایای مرآ پنهان داشته است !

هان ! ایجو ا نان وطن ! ای کسا نیکه خون پاک غربت و سرین در قلب شما جوشان است ! ... ای وطنخواهانیکه حس ملیت و عاضفه پاک افغانیت دارید ، ذخایر فیضه ملی ، و گوهرهای درخشان زبان خود را از جو و ائتلاف بکشید ، زبان خود را از پستی و مردگی نجات دهید ، روح زیگان غیور را شادسازی ! ...

### پیشوای سیکهای اشعارش :

آثار ادبی و شعری که تا کنون بنظر من رسیده و یابدستم افتاده است ، تمامًا متعلق به دوره اسلامی است ، تا کنون شعری و اثری را نیافته ام ، که بعد از قبیل اسلام بر طی داشته باشد ، قدیمترین اشعار پیشوای که در دست است بعد از غزنیه و غور پیامتعلق بوده ، بعد از سال (۴۰۰ه) دوره های شعر و ادب پیشوای آغاز میگردد .

از نقطه نظر اختلافات سبک و اسلوب اشعار پیشوای رابه طبقه مهمه ذیل بخش کرده می توانیم که هر طبقه از خود شعب و متفع عاتی دارد :

(۱) طبقه قدماء و پیروان آنها . (۲) طبقه شعرای عروضی (۳) طبقه شعرای عوام .

### (۱) طبقه قدماء و پیروان آنها

دوره طبقه قدماء و پیروان آنها از (۴۰۰ه) آغازوتا (۱۰۰۰ه) میرسد ، درین دوره ، شعر پیشوای تحولات مهمی را دیده ، و مراحل زیادی را پیموده است ، که در مواد ذیل خلاصه میگردد :

(الف) سبک قدماء ، یا سبک اوزان والحان ملی

(ب) سبک شعرای نیم عروضی یا سبک خیرالبيان

### (۲) طبقه شعرای عروضی :

دوره این طبقه نیز از سال (۴۰۰ ه) آغاز و تا عصر حاضر می‌رسد، درین مدت نه صد سال شعرای زیادی درین طبقه بیان آمده، و سبکهای زیادی را بیان آورده‌اند که عبارت ازین سبکهای است:

(الف) سبک قدمای عروضیین (ب) سبک روشنایی‌ها (ج) سبک خوشحال خان (د) سبک رحمان بابا (ه) سبک حمید یاشیدا - (و) سبک پیر محمد.

### (۳) طبقه شعرای عوام

مقصد از شعرای عوام همان گویندگان و سرایندگانی است. که از قدیمترین دورهای ادب تا کنون به اوزان خالص و بحور ملیه شعر سروده، و درین ملت یاد گار گذاشته اند، این طبقه از حیث اسلوب ظاهری و اوزان شعر، مقادرهایان طبقه قدماء، بوده، و اشعارشان کلاً تمام‌آرنگ و وزن ملی دارد، ولی در میزات دیگر و افکار با سبک قدماء، فرقی داشته، و خواص میزه از خود دارند - (تصویر) تاریخ آثار ادب و شعر پنتو قرار معلومات و کنیکاوی نگارنده‌ها (۴۰۰ ه) میرسد در قرن‌های مابعد تا کنون در هر عصری طبقات سه گاهه مذکوره موجود بوده، و اشعاری را از خود گذاشته اند، یعنی طبقات سه گاهه بالازیاد تر محدود به عصر و زمانی نبوده اند، درین عصر و یک‌مانی میتوان هر سه طبقه شعر را یافت.

اکنون میرویم که تفصیلات لازمه را در اطراف هر یکی ازین سبکهای فراز تشکیلات فوق تقدیم و انتظار و امثاله راهم نگارش دهیم:

### (۱) قدماء و پیروان آنها

قدماء و پیروان شان در سبک و اسلوب شعر روش مخصوصی داشتند، که زاده اوضاع اجتماعی و سنت تفکر و محیط ساده و بی آلایش آنها بود، قدمای شعرای پنتو در دامنه های کوه هسار بلند وطن عزیز ما ازین کنار دریای سیحون گرفته تا جبال غور و هرات میز یستند، بنا بران از اشعار شان هم افکار کوهستانی و متناسب کوه هسار تراووش میکنند. اشعاری که در نتیجه استقرار ای زیاد و در پایان کنیکاوی از قدماء بدست رسیده، زیاده تر از اشخاصی است، که در اسامی الرجال و اعلام پنتو، از روی عنوانات ملی موقع مهمه داشته، و اجداد ملت غیرپنتون شمرده می‌شوند، و ازین بر می‌آید، که قدماء شعر و ادب را بضرر اهمیت دیده و پرگان قوم، و پدران که سلامه چندین اقوام آنها میرسد، شعر میسر و دند، و درین اخلاق اشعار ملی آنها مرتب بلندی داشت. وقتی که این اشعار قدیم، و هدایای گرانبهای اجداد را میخواهیم، درین آن آثار افکار سلیم و احساسات خیلی روشن و متنین جلوه میکند، و ازین اشعار انوار عقیدت و ایمان

می بارد ، اخلاق پا کیزه و روحیات درخششده را نمایندگی می کند .  
طور یکه بیشتر نیشه آمد ، در شعر ای قدیم سبک موجود است .

### الف: سبک اوزان و الحان ملی

این سبک از بقایای سبک اقدم و باستان زبان ملی است ، که شاید در دوره های قبل الا  
نیز وجود داشت ، چون این سبک ، ملی قبح و خالصی بوده ، و اوزان آن هم تماماً ملی  
است و درین ملت نیز آنقدر محبوب واقع شده که تا کنون هم آنرا بیر وی میکنند ، بنا بران  
بعجرأت گفته می توانیم که این سبک شعر از خصائص زبان پیشتو بوده و با این زبان توأم آفریده  
شده ، و از آثاریست که آرایانهای قدیم ، واجداد اولین پیشتو نهای از خود مانده اند .

این سبک مخصوص به اشعار است که پیشتو نهای در بزم و رزم ، و در سفر و حضورین خود می خوانند  
و هر شعر از خود یک لحن علیحده و طرز سروden دارد که تا کنون بین پیشتو نهای بنامهای مختلف  
زنه ، و در بسی از نقاط (سپری بدی) یعنی غز لهای سوار نامیده می شود .  
این گونه اشعار تابع عروض و بحور معمولة عربی و پارسی نبوده ، و از خود بحور جداگانه  
دارد ، که ترتیب و تبوب آن در خورنگارش کتاب علیحده است

#### ممیزات و خصوصیات .

سبک اوزان و الحان ملی ممیزات بارزه دارد ، که در یائین ، کوتاه ترنگارش می یابد :

(۱) سادگی و جزالت ، و استعمال الفاظ و کلمات خالص پیشتو ، که اکنون زنه نمانده  
و جز در ادبیات قدیم پیشتو نمی توان دید ، مثلاً (زوی) معنی حیوان و زنه جان ، و (هسک)  
معنی آسمان وغیره .

(۲) عدم استعمال کلمات زبانهای دیگر ، که منظومات فدماء ازان پاکند ، و کمتر الفاظ  
خارجی را در آن آورده اند ، و یا فقط نیاورده اند ، و ازین بینا می آید ، که زبان پیشتو بعد  
ازین دوره ها کلمات و الفاظ استه دیگر را پذیرفته است ، و پیش ازان خالص یات زبانی بود .  
(۳) دروزن و بحر تابع بحور عربی و پارسی نبوده و اوزان و بحور مخصوصی را دار است  
که ما آنرا بحور ملی میگوئیم .

(۴) این اشعار از نقطه نظر مضمون و افکار زیاده تر مانند است ، به همان اشعار و نعماتیکه  
از آرایانهای قدیم مانده است ، مثلاً بیهه نیکه یا شیخ یعنی که از اجداد معروف پیشتو نهای است  
و در عنعنات ملیه مابسی از قصص و روایات بذات شریش متنه میگردد ، شعری دارد ، کمزایی  
فوق دران جمع وهم مضمون آن بایک فقره کتاب ریگوید rig vida نزدیکی بهم مهرساند  
این شعر در کتاب تند کرمه الولیا پیشتو نهای که درسال (۶۱۲هـ) از طرف سلیمان ما کو

در ارغسان فندهار نگارش یافته، و نسخه های آن به استثنای چند ورق محو و گم شده است، ضبط و محفوظ مانده است که از آثار اولیه ادبی این زبان محسوب می شود.

سلیمان ما کومی گوید که حضرت شیخ یقینی در آوان پیری و کهوالت به ستایش و نیایش پروردگار می برد اخた، و شبها در کوه های کسه (سلیمان) می گشت، و این نعمه ها را می خواهد تا که خداوند کریم، دعا ایش را مستجاب نموده، و نسن وی وبرا درانش (سرین، و غر غبت) راز باد گردانید، متأسفانه در او راقیکه بدست آمده فقط دو بند منظومه مند کوره نشته است، و آن این است:

ستا په مینه هر هر خا یه تو له ژوی په خاری- کبن زموز کبر دی دی پکش پلنی دا و گپی هپر کپی خدا یه لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه ووید کور گی دی، ووید بور جلدی بل دچا په مله تله نه یو هسک او مُشکه نفیته ستا ده دا پاله لشاده خدا یه ! لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه (۱)	لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه غر ولا مددی ، درنا وی- کبن دلته دی دغرو لمتی ! دا و گپی هپر کپی خدا یه لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه دلته لنز موز او ربل دی مینه ستا کبن موز می شته یو هسک او مُشکه نفیته ستا ده دا پاله لشاده خدا یه ! لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

ترجمه: ای خدای بزرگ! کوه با میان خود و تمام زندگان به کمال عجز در محبت و عشق توایستاده اند، اینجاد آنها های کوه هایی است که سیه خیمه های مادران متفرق است!... ای خدا! این مردم را زیاده کن!

اینجا، خانمان وعشیرت ماخورد است... خانه و آرامگاه ماخیلی کوچک است! ما فقط در عشق وجذبه محبت تو (ایخدا) زیست می کنیم، و جزو بادیگری سروکار نداریم، این همه آسمان و زمین ازتست، مردان را تو پرورش مید هی، همه پرورشها ازتست، ای خدای بزرگ ای خدا بزرگ!... «ای نعمه مناجات حضرت ییت نیکدرا ۱۱ گر بایك قطعه مناجات ریگویدامقايسه کنیم خواهیم دید، که چقدر با هم نزدیکی دارند؟ و از جنبه تفکر، ومضمون چگونه با هم فریب اند یک فقره مناجات ریگویدا این است:

« خدای بزرگ خدا وند حیات است، مالک الْمَلَکِ است، اوتعالی خانمان شریف و نجیب

(۱) اوراق قلمی تذکرة الاولیاء سلیمان ما کوتا لیف (۶۱۲ ه)

رامی بخشید ، خدا یا ! مابینندگان توانیم ، مارابی اولاد و بی خانواده میران ! . . . (۱)

دانشمند معروف گوستاولوبون گوید ، که آریانهای فدیم خانواده را پرستش میکردند

واجداد خود را مقدس میدانستند ، و خیلی زیاد میکوشیدند تا خانواده آنهازیادت کنند ، و خاندان

رام را کن تمام نعیم می انگاشتند . (۲)

حالا خوانندگان محترم مقایس کرده می توانند ، که اشعار و نغمه های حضرت بیت نیکه

در مضمون و توحید و خدا پرستی ، و دعای تزئید نسل و عشيرت ، چه نزدیکی با مضمون

ریگو یاد دارد ؟

و این خود از مزایای است که در سبک قدماء دیده می شود ، و از بقایای عصر باستانی

آریانی است و میتوان آنرا ممیزه مهمی از خصائص اشعار قدیم پنفو فرارداد . (۳)

(۴) - یکی از خصایص بزرگ سبک قدماء این است که مضامین اشعارشان از سرتا به آخر

یک شعر ، با هم مربوط و مسلسل است ، آیندگان شان که با اشعار و آثار ادبی ملل دیگر آشنا

شده اند ، این خاصیت را از دست داده اند ، پیشوایان ادب پارسی که سبک خراسانی در

دوره های صفاریان و سلجوقیان و غزنویان شعری سروده اند ، سبک شان نیز دارای این

ممیزه است . (۴)

در اشعار یکه از حضرت شیخ یعنی وغیره شعرای قدیم و پیشوایان سبک باستانی پنفو

مانده این ممیزه بصورت اتم و اکمل بمنظور می آید ، تا کنون هم کسانیکه بسبک

اعمارشان بالحان واوزان ملی شعر می سرایند ، این خاصیت را در اشعار شان بوضوح میبینیم .

مقصد و مضمون یکه شاعر و گوینده از اول شعر آغاز میکند ، تا اواخر شعر همان مضمون را

تعقیب کرده است ، مضامین شتی و بی موردی را در یک منظومه نمی گنجاند .

(۶) خوبترین و آشکارترین مظاہر خدا پرستی ، و بارز ترین احساسات دینیه درین سبک

دیده می شود ، ادعیه و مناجات ، و پاک ترین جذبات روحیه و دینیه گویندگان این اشعار از

آثار بارزه این سبک است .

(۷) این سبک غالباً از ییجیدگی های بیان ، و تشبیهات دور از طبیعت خالی است ، از مناظر

ومزایای طبیعی ، بایانی ساده و بی تکلف ستایش میکند ، تازگی و خرمی بوستان ، و شرشر

آبهای روان ، و تماشای حیرت آور آنرا خیلی بدیع و دلچسپ بصورتی که نزدیک به حقیقت

طبیعت است تصویر می نماید .

(۱) ریگو یادا باب ۷ - فصل ۶ - فقره ۶ - ۷ - ۷ (۲) تمدن هند ، گوستاولوبون طبع آگره ص ۱۸۸

(۳) شرح و تفصیل این مقاله در تاریخ شعرای پنفو که در پنفو تو له زیر ترتیب و نگارش

است خوانده شود . (۴) روابط ادبی ایران وهند ص ۸۵ -

از قدماًی پیشوا یان شعر پیشتو تایمئنی یکسفر ادیس که بروز گارشا هشادهان غور حیات داشت، شعری را در مده سلطان غیاث الدین معروف سروده، که یک بد این شعر وصفی است از بستانی که سلطان نامور، در زمین داور ساخته بود، و خوشبختانه ماذ کر این بستان تاریخی را در خلال اوراق تاریخ ازیان مورخ معروف آنحضرمتهاج السراج الجو ز جانی نیز می شنویم، که اندر طبقات ناصری سخت واضح و شیوه ایست:

« تفات چنین روایت کرده اند، که سلطان غیاث الدین در اول جوانی معاشر عظیم بود، و شکار دوست، از حضرت فیروز کوه که دارالملک او بود، تا شهر زمین داور که دارالملک زمستانی بود، هیچ آفریده را بجال نبودی که شکار کردی، . . . در زمین داور با غی ساخته بود که آنرا باع ارم نام نهاد، والحق در میان دنیا مثل نراحت و ضراوت آن باع هیچ بادشاهی را نبود، و طول او بقدر دومیدان و ارزیادت بود . . . . (۱)

از تصريحات بالای مورخ معروف ما می براید، که این باع ارم دران عصر شهرت بسیاری داشت، تایمئنی شاعر بزرگ ماهمن این بوستان بستانی را دیده، و آنرا مثل بستان فیروز کوه بقلم داده است، درین قطعه شعر، تایمئنی ما بهترین خصایص سبک خود را فراهم آورده، که قطعه مذکور این است:

دادجنت په خبر و بنه په خورم بنکلی هر گل خه بنه خندان دنیا او به بهزی سر و دونه کوی کوی نتداری خداوند دبستان	مداداور په مخکه و لید ارم د فیروز کوه په دود و دان دنیا دلته که دونگی دی زغونه کوی هر سری گوری چه ولادی حیران
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

ترجمه « من در زمین داور ارم را دیدم ، که مانند بهشت خرم بود ، این باع مثل فیروز کوه معمور، و گلهای قشنگ آن خندان است ، شلالهها و آبشارها صدای دلفریب میکشدند ، آبهای جاری میسر ایند ، هر شخص با حیرت و تعجب به تمایشی خداوند بستان مصروف است » (۲)

(۳) احساسات حماسی و رزمی درین سبک زیاده تر موجود است ، و میتوان گفت که حما سیات پیشتو در دوره های اخیر از سبک قدماء بهره و افری را گرفته ، و این گونه جذبات حماس است را از ملت سلحشوری مثل پیشتوں توقع میتوان کرد.

تایمئنی شاعر دوره غوری که پیش ازین ذکر ش رفت ، یکی از بهترین سرایندگان حماسی است و در یک نشیده بر جسته که بروزن اشعار ملی به لحن دلچسپی سروده میشود ، مردانگی

(۱) طبقات ناصری ص ۱۶۴ ضبع سو سایته آسیائی بنگال ، کلکته ۱۸۶۴ و همچنان سخنه قلمی طبقات ناصری ص ۲۰۲ .

(۲) شرح حال و دیگر بیان تایمئنی در تند کرده شعر ای پیشتو که در پیشتو و لنه نگارش یافته خوانده شود .

وچانگیری شاهنشاه خود را چنین سروده است :

جهدی بادار غازی ملک دجهان	نن زه زغبزم په صفت د سلطان
هم دېر و تورو و بر پښنه ده ده	دفیروزه کوه اوغرور رناله دده
غایمئی کله کمی په توره سیالی	چه توره و کمازی چه تون کی خالی
داسلام دین دده په توره روښان	غیاث الدین دغورز مری عالیشان (۱)

ترجمه امروز به ستایش سلطان و بادار غازی ، ملک جهان آغاز میکنم ، که آب و تاب فیروز کوه وغور ازتابش شمشیر وی است ، اگر شمشیر تیزرا از غلاف کشد ، هیچ دشمن باوی همسری کرد  
نمیتواند غیاث الدین آن شیر عالیشان غور ، که دین اسلام از شمشیرش روشن است «

همچنان ملک یار غرشن که از بیشاپیان ادب و عرفان پشتتوست ، نعمت الله روی و خان جهان  
خان لودی ، وی را از اولیای افغان در دوره غوریه ، معاصر سلطان شهاب الدین محمد غوری  
می نگارند ، که در جنگ ملنغان بحضور بادشاه شد ، وازوی مسکنی را در دلهی گرفت (۲) چون  
شهر یار غور بسال (۵۷۱ هـ) او لین بار ب ملنغان تاخته بود ، بنابران حیات این شاعر بزرگ ملی را  
نیز بعد از سال (۵۰۰ هـ) تختین کرد همی توایم ، مورخ دیگر افغانی سلیمان ما کو نیز این روایت  
نعمت الله وجود ملکی کار رادر جنگهای سلطان شهاب الدین تائید میکند ، سلطان گوید ، دریکی از  
جنگها که سلطان غور و عساکر کوش بر دشمن تاخته بود ، لشکر اسلام را شکستی فاحش رسید ، و نزدیک  
بود که از دست دشمنان نابود گردد ، ولی ملکی کار بر دشمن مردانه تاخت ، و شمشیر برانش را  
آخت ، خدای برتر ، هم بهین همت و مردانگی این را د مرد پیشون لشکر سلطان را فیروز گردانید  
ملکی کار درین تاخت قسطنطی را خواند ، که مردان جنگی را همچون شیران غرنده برانگیختند ،  
وبر دشمن مردانه بتاختند (۳)

بعد ازین سلیمان این شعر ملکی کار را چنین نقل میکند ، و بهترین آثار حماست اجداد را بدست  
مامی سپار د ، که در دنیا ادب پشتتو ، بهای لؤلؤی آبداری را دارد :

او س مویر غل دی	خیتن مو مل دی	هوا د دبل دی
غاز یا نو گوری		
خیتن مو مل دی !		
منگلی سری کدی	توري تپري کدی	
دارین مو بری کدی		
خله به تپتسو ?		
خیتن مو مل دی !		

(۱) این ترانه در سال ۱۳۰۹ بر کنار هلمند از یکنفر سراینده معمری شنیده و ضبط شده است .

(۲) مخزن افغانی قلمی . (۳) تذکرہ قلمی سلیمان ما کو .

که تینگ کدو زد و نه پر بری یونه اسلام راخنه دی	خپتن مومن دی! غاز یانو راشی تو ل شاوخواشی
دشہاب په ملاشی دشن موغوغ کی خپتن مومن دی!	

ترجمه « خدا یارو مدد گار ماست ، اکنون برین همکت بیگانه تاخت آورده ایم ، ای مجاهدین بیینید ، خدا یار ماست ، شمشیر های خودرا تیز ، دشمن را بیرید ، چنگ خودرا سرخ سازید چرا بگریزیم ؟ خدا یار ماست .

اگر دل خودرا قوی داریم ، فیروزی از ماست ، ماشیرانیم ، اسلام باما ماست ، بنابران خداهم باما مدد گار است .

ای غازیان بیائید که باهم فراهم شده ، و بدد « شهاب » بستایم ، دشمن خودرا نابود سازیم ، که خدا یار و مدد گار ماست »  
اکنون خوانند گان محترم ما قیاس کرده می توانند که در شعر قدیم و سبک قدماء بر جسته ترین احساسات حماست و جنگجویی منزلتی رفیع داشت ، که ما آنرا بازترین میزات سبک قدماء قرار داده می توانیم .

(۹) در سبک قدماء مواعظی دینی ، و نصائح و پندهای اخلاقی نیز بهره داشته ، و شعرای قدیم در ضمن سرود های شعری خود ، وظیفه مبلغ اخلاقی و دینی را نیز ایفا میکرده اند ، که این جزو مهم شعر پشتون در اصلاحات اجتماعی ، و درستی اوضاع معاشرت قبیلوی دستی داشته و همواره مؤثر و تأثیر واقع میشده است .

از اشعار شیخ اسماعیل سر بنی که بروایت نعمت الله بزرگترین رجال عرفانی و روحا نانی قرن ششم هجری بوده و در حدود (۵۰۰هـ) حیات داشته (۱) سلیمان ما کو این قطعه موظعه را در تذکرۀ خود نقل کرده است :

تبته و کرده له ابلیسه هلتهور که پلوشه شی	چه ابلیس لعین شکاره شی (۲) تول ندی - توره تیاره شی
---------------------------------------------	-------------------------------------------------------

ترجمه « از اهريمن بگریز ، زیرا جاییکه اهريمن بیاید ، درانجا تاریکی آمده و نور و روشنی ناپدیده میگردد »

(۱) مخزن افغانی - قلمی .

(۲) تذکرۀ سلیمان ما کو - قلمی .

(۱۰) دیگری از ممیزات سبک قدما، اظهار احساسات و جذبات سوزان عشقی است که شعرای پیشین در اشعار خود همی آورده‌اند، درین خصوصیت آیندگان شان نیز با آنها شریک و سهیم‌اند، ولی فرق اینقدر است که قدماء با کمال سادگی و بساطت، و بدون پیچیدگی و تکلف به ابراز جذبات عشق من پرداختند، و هیچگونه تصنیع را درین مورد روانمی پنداشتند.

قطب الدین بختیار که از مشاهیر دنیای عرفان و ضریقت، و همچنان از سر بر آور دگان و پیشوایان ادب باستان ماست، و تولدش رانعمت الله در (۵۷۵) نگاشته و بسی از مناقب وی را بنام «قطب افغان» آورده است (۱) سلیمان ما کو (از معاصرین قطب الدین) این منظومه را از روی نقل می‌کند، که از قدیمترین اشعار عشقی زبان ملی محسوب و از آثار گرانبهای ادب پنفو بشمار می‌آید:

ویرمی زده سوری سوری آمد په بیلتون ڪی دی و باسم	را ته و گو ره ملو ڪی له خوز منه زم گی ڪو ڪی
را ته و گوره ملو ڪی را ته و گوره ملو ڪی	د بیلتون او رو نه بل دی لپو نی یمه د میسني سوئم زه لکه پیلو ڪی
هر گدی می زم گی سو ڄئی را ته و گوره ملو ڪی !	را ته و گوره ملو ڪی ! را ته و گوره ملو ڪی !
غومه ولی دی اور بل دی زه بختیار خاوری ایری شوم	اور زما په زم گی بل دی یه اور سوی می ڪو گل دی
را ته و گوره ملو ڪی !	را ته و گوره ملو ڪی ! را ته و گوره ملو ڪی (۲)

ترجمه: « غمت دلم را فرسود، ای محبوبه سویم بنگر! در فراقت ناله های حزین برمی آورم، ای محبوبه بنگر! آتش های فراقت فروزان، و دلم را هردم می سوزاند دیوانه عشق توام، و می سوزم بنگرای محبوبه! کما کل خود را پریشان کرده! و آتش در دام افروخته، من خاکستر، و اندرونم سوخته، بنگرای محبوبه صاحب اختیار! » سادگی و بساطت جذبات، و همچنان صراحت بیان و معانی نفر عاشقانه از مزایائی است که در سبک قدماء، پیدیدار است.

(۱) مخزن افغانی قلمی

(۲) تند کرہ قلمی سلیمان ما کو .

اکبر شاعر زبردست پنتون که بعد از (۷۵۰ه) در زمین داور منطقه تاریخی وطن حیات داشت از شعرای متقد مینی است که منظومات سوزان و مهیج عشقی وی در ادب پنتو گرانها ترین آثار است، بینید که درین منظومه احساسات عشقی خود را با چه شگفتگی و هیجان ابراز می‌دهد، واین غزل ملی را با چه احساسات سوزانی می‌سراشد؟

زه چه په مینه معشو قو د بنگید و شرنگ لره کم

زه د هجران د پلنانه د تو رو جنگ لر ه کم

زه اپو ته یم په هجران سره قرار نلم رم هجرمی او ز دش دش دصال د امید کارنلم  
پلتون به خوله را کردی خاپری زه لاعار نلم وام د مشوق پرسینه پروت زه تور لو نگل لر ه کم

لحنی ئی ولی خونک عاشق خورنگ په توری کاندی بر خوارمین دشاهه هوری زوری کاندی  
بی نیازه نکا، چه پلو له نخه لیری کاندی چه راویا خه په اخلاص چه خبل خورنگ لر ه کم

اول خوته نجلی پر عشق باندی افراره شولی اوردی رایوری کی نور کشنبه سپی قراره شوالی  
هیچ گفتگوله عشقه نکوی بیزاره شو ای یووار خووا یه قرار چه دیار خنگ لر ه کم

ترجمه: در فراق تو پریشانم، قراری ندارم، دوره دوری وجودی من دراز شد، حالا آرزوی وصال نمانده، فراق تو مراسیلی سختی بردهان داد، ولی من هنوز می‌گویم، که دستم به حمالیکه پرسینه ات افتاده برسد.

عاشق را آزار میدهنند، و دلخختگان را میرنجانند، ولی محوبه چادر از رویش نمی‌بر دارد و بسوی افگار غمگین نمی‌آید.

ای دو شیزه محبوب! اول تو بنیاد عشق را ماندی، و آتش بدلم زدی، ولی اکنون ازان عشق گفتگوئی نداری، وازن بیزاری می‌جوئی! ...  
هان! یک بار در کنارم بیا ...

(۱۱) از آخر ترین میزانت بارزه سیک قدما، همانا خصوصیت احن و وزن آنست، که آنرا اشعار غنائی گفته می‌توانیم، این همه اشعار به مهیج ترین اصول تغیی ملی گفته می‌شود، واژ خواص بارزه آن العانی است که این ملت کوهسار هواره به آن مترنم است.  
الحان و اوزان خاصه آن از نقطه نظر تغیی ملی محتاج کتابی است جدا گانه، که باتدقیق و کنجیکاویهای لازمه نگاشته آید. درین مبحث که سبک شعری آن بیان می‌شود، بی مورد است.

### بهلوان این سبک:

طوریکه پیشتر گفتیم ، متأسفانه آثار ادبای پیشین و باستانی زبان ملی ناپدید گشته واکنون که کنجهکاویها لازمه هم نشده ، در دسترس ما نیست ، فقط درینجا چند نفر از پیشوایان این سبک که بامعلوم بوده ، و نمونه های اشعار شان خوشبختانه بمارسیده ، و گنجینه ادب ملی را به لالی گرانبهائی ابناشته ، نامی بریم ، چون این موضوع تشنۀ تجسس واستقراری عمیقی است ، بنابران مابه کنجهکاویها آینده و آیندگان حواله داده ، درینجا معلومات ناجیز خود را نگارش میدهیم .

۱ - بیت نیکه : یاشیخ پیغمبری همان بهلوان معروف تاریخ ملی که بسی از عنعتات ملیه وی را یکی از عمامه بزرگ ملت افغان می شمارد ، مؤرخین افغانی نیروی را زیاده تر می ستایند؛ اولین شخصیکه یادی ازین بهلوان تاریخ ملی می نماید ، همانا سلیمان ولدارک خان قوم ما کو است ، که تند کرۀ اولیای افغانی را در (۶۱۲ ه) نگاشته ، واکنون او راق چندی ازین اثر نفیس در دست است . بروایت سلیمان ، حضرت پیغمبر در کوه سلیمان میزیست که این کوه را خود پیشتوнаها (کسی غر) نامند ، چنانچه پیشتر ذکررفت ، سلیمان یک شعر این نایخۀ ملی را نیز نقل میکند که بجایش آنرا تقدیم داشتیم ، بعد از سلیمان ما کو ، ابوالفضل علامی مورخ دورۀ اکبر مغولی در سال (۱۰۰۶ ه) مطابق به عنعتات ملیه ما ، ذکری ازین جد بزرگوار افغان می نماید (۱) پس از وی نعمت الله و خان جهانخان لودی در مخزن افغانی در سال (۱۰۱۸ ه) مناقب حضرت بیت نیکه را مفصلانه (۲) می شمارند .

آخوند درویزه ننگرهاری که از نویسندهای این دورۀ اکبر مغولی است و بسال (۱۰۴۸ ه) فوت شده (۳) .

نیز در مبحث انساب قبائل پشتون ازین جد بزرگوار ذکری میکند (۴) نعمت الله در شرح انساب افغانی به کتب مجمع انساب و اخبار احمدی نیز حواله میدهد ، و ازین بر می آید ، که پیش از وی مل سلیمان ما کو ، مؤرخین دیگریکه آثارشان اکنون گم است انساب افغانی را نگاشته و ازان جمله حضرت پیغمبر را یکی از اجداد بزرگ شمرده اند .

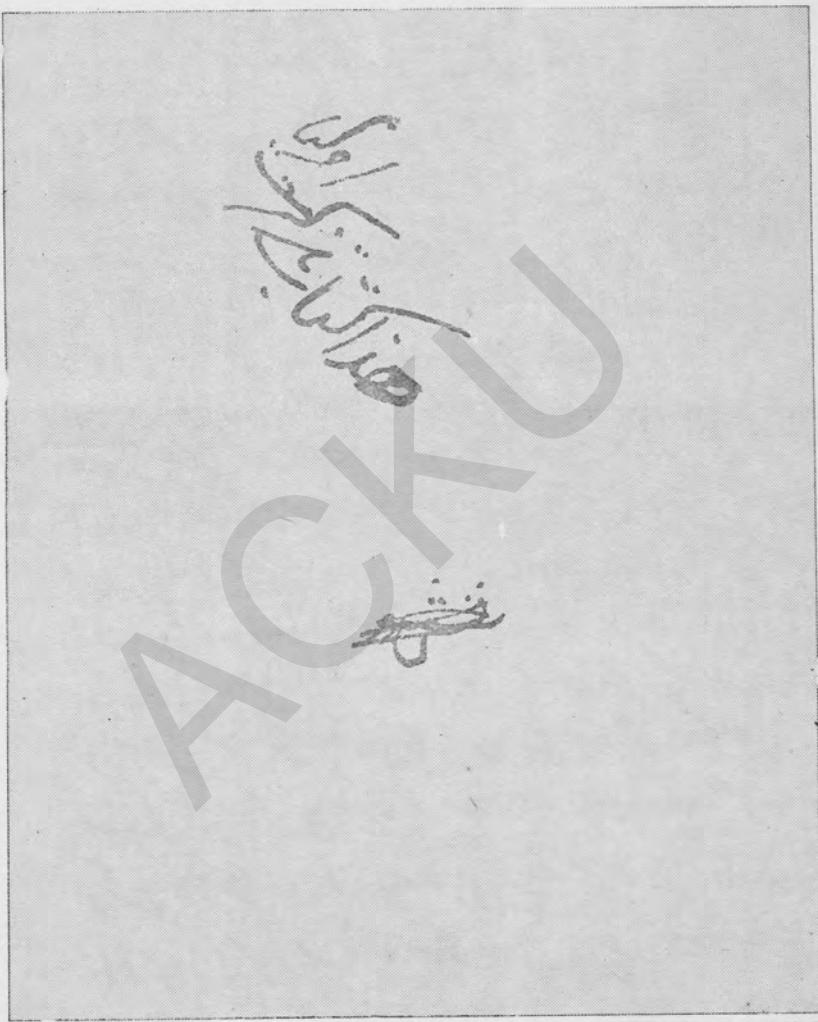
عموم مؤرخین افغانی داستان معاصرت شیخ بیت را با شاهان غوری نسبته اند که حسین نامی

(۱) آین اکبری ج ۲ ص ۹۱

(۲) مخزن افغانی - نسخه قلمی .

(۳) تند کرۀ علمای هند ص ۵۹ .

(۴) تند کرۀ الابرار والاشرار مطبوع پشاور - مخزن الاسلام نسخه قلمی .



زینگوگراف هشت صفحه کتاب تند کرمه اولیای افغان که بعد از (۱۹۶۱) از طرف سلیمان بن بارک خان ما کو در ارغسان قندهار نگاشته شده، ویکی از آنها دنیس ادبی پستویشم میرود، و اشعار بسی از رجال ملی را حفظ کرده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واریم محمد و سیاس خلوف کانادا و درود پر مصطفی  
صلیله و سلام بر روح ابارکه داریم و رحمت علیه و رحمه و  
رخمتون را روتی داشته باشیم و با رحیمی روح کرامان  
پسر احمد در وطنی اهل العجم زده خیریت خاوری سالمان رحیم داشت  
خان اکو شاهزاد بچی پر عیا به درخواست خوسفانه و پدر و مادر  
پسر صد عده من شیر صفوہ رحیم نام عم و سخا پسر علوی  
که بیکر جنتی عم اقدام و پایار در مسلمونم پیش از این لوی  
که مدنی مرند او را روحی پیش از خاتمه پیش از این اور همه سار و آن  
والدی کیل و حضرت پر کوئی مسنه و مهاتم و کار و این سعی سار  
با تصریح و اوله حضنه کام شترن شفوم بی احمد رحیم خویی میراندو  
او دویچی شمع و ناما امانت کرد و پس از کیمی اوسانی قدر و از  
لو اصلیق شمع شایع بنتی محی دارد که پس پر اند خلوکی از  
هفتولو تویی او بزرگ قتل کاندی بچی شمع سنه نویل سه خبر  
دکسی باند کحا او دکته دیگر امودیه هر که خسبیدن طالیه  
او اوزی بیور شیوه دخنای پیش بگذشت

بسم الله الرحمن الرحيم

وايم حمد و سپاس دلوی خاوند او درود پر محمد مصطفی صلی الله عليه وسلم .

چه دی بادار د کونینو او رحمت د ٿئينو ، لوی لوی رحمتونه دی وي د هفه استازى بر آل او يارانوچه دواوه جهانه به دوي دی روپيان ، اما بعد زه غريب خاورى سلمان ذوي دبارك خان ما کو صابزى چه به وiale دار غسان هو سڀزم او پهدي من کو پايهزرم ، يه سن دوولس شيز صوه د هجرى تللى و م او د پيختخا (پيختنخوا) به راغو او کليو گر محېدم او مرافق د اوليا او دا صلينو می پيلن ، او په هر لوري می کاملان مو ندل ، او د دوي به خدمت خا ڪپايو و م او هر ڪله په سلام ورته ولاړ .

چه له دې سفره به کور ڪبن کپي هستم ، او تهنا کي و چاودلي د پينو ، بيا پا خېدولم اوله خبته می مير ستون شوم چه احوال د هفو کاملا نو و کاٻم ، او دوي چه هفه ويناوي پاته ڪري دی او پيختانه به لولي اوس .

### ذكر قدوة الواصلين شيخ مشايخ پيغمبر

چه د خداي يه پيڙند گلوی تر ٿولو ، لوی و او بزرگت ، نقل کاندي چه شيخ پيغمبر هو سڀد يه غره د کسي باندي ، او هلتنه د هر (و) او ده به هر ڪله خبتن باله ، او روزه به و ، يه شيو به د خداي به عبادت بخت به و .

نقل سی کانتری یا الفوجی پر روزگار دشیع بینتی  
 کتب ددک و اورچی سرمن نوچید او پیر شیع کم  
 خواهکران و سرمن ندر لرز امن او هر کند بیل  
 چیل و اوررت بینتی خیل جوی اسماعیل ورکاده  
 او لوئی سود سرمن پر کاله خداداں ۳۰ ربان د  
 اسماعیل پر ببرکت شرم من ت نصیب کر  
 دوشی ز آدمی بھی او سن ترویج ترویج کنون دستخود  
 اسطلاعیل مرفت صارک واقع دشیع دمچی پر غرچا  
 زہ سلطنه تملکی قلم بقل کاندیل بھی بینتی سپان جو میر کل سو  
 نو ده ب سر کلد بشیشتن ستایه اور بست ب دخوا  
 است کافر پیچا زایچ کمال او دسرمن او بینتیش پر  
 کول کتبیں ببرکت کتبیسمیله هادا رفتگول کرد د در  
 خواست او چکم سسوہ ترک د پیشتنا ۳۰ ول

نقل هسى کاندى يارانو چه به روزگار دشیخ بېتى کېش دده ورور چە سېرىن نومېد ، اوپرشیخ  
ھم خوراڭان و ، سېرىن نە درلۇ زامن ، اوھر كىلە بە (ئى) ويل خېل ورورتە ، بېتى خېل خۇي  
اسماعىل ورکاوه ، اولوي سو د سېرىن يە كىالە ، خەدائى مەھر بان داسماعىل يە بر كەت سېرىن تە  
فصىب كېرە دونى زامن چە اوس ترسو تېرسو گۈنون دەغۇ ، داسماعىل مەتە مبارك واقع دى  
دكىسى يېرغرە ، چىزە هلتە تلىي وم ، نقل کاندى چە بېتى سىيىن بېرى سو ، نودە بەھر كىلە  
خېتىن ستايىھ ، او رب تە بە (ئى) درخواست كاوه ، چە زمايە كىالە او د سېرىن او غرغەتى پە كۈل  
(كەھول ) كېش بىر كەت كېتپېزدە ، بادار قبول كېرددە درخواست ، او د كە سوھ مەركە د پېشىنغا  
(پېشىنغا) ددوى .

پـ کـ دـ لـ فـ قـ لـ کـ اـ وـ مـ شـ بـ حـ شـ شـ هـ تـ هـ بـ حـ دـ آـ  
دـ پـ زـ دـ اـ سـ نـ رـ هـ لـ لـ لـ وـ اـ وـ دـ کـ سـ عـ غـ بـ نـ بـ  
مـ کـ هـ جـ هـ دـ پـ شـ پـ لـ وـ هـ خـ رـ اـ لـ هـ خـ رـ اـ شـ اـ پـ  
هـ هـ بـ سـ سـ رـ بـ جـ هـ اـ غـ وـ لـ لـ اـ دـ هـ دـ دـ نـ اـ وـ هـ کـ بـ هـ اـ  
لـ قـ لـ زـ وـ هـ پـ بـ جـ هـ اـ کـ بـ کـ دـ لـ لـ هـ دـ دـ عـ زـ وـ طـ هـ  
زـ صـ بـ زـ دـ هـ دـ بـ کـ بـ لـ بـ نـ دـ اـ وـ هـ تـ هـ دـ بـ يـ رـ کـ لـ  
نـ هـ اـ لـ وـ لـ بـ لـ خـ دـ خـ دـ دـ لـ لـ هـ لـ بـ زـ صـ بـ اـ وـ  
بـ لـ دـ دـ لـ وـ وـ دـ کـ دـ دـ وـ وـ بـ بـ وـ بـ بـ دـ دـ  
مـ بـ نـ سـ تـ اـ کـ بـ صـ بـ مـ بـ شـ تـ بـ بـ بـ بـ دـ چـ اـ پـ  
وـ لـ هـ تـ لـ هـ نـ بـ بـ دـ سـ کـ دـ مـ زـ کـ فـ غـ بـ نـ  
سـ تـ دـ دـ هـ مـ وـ دـ دـ لـ هـ نـ اـ دـ دـ پـ اـ لـ لـ تـ اـ دـ خـ دـ اـ لـ هـ اـ  
لـ وـ کـ

په کول (کھول)

نقلى کساوه شى چه شىخ پېقنى به ڈېر ترپهړ داسندری اولولي ، او د کسې غره کښ به  
گر تجېد په شىي :

ستا په مينه په هر کخا يه  
او له زووي په نخاري کښ  
زموند کېندي دی پکښېلنۍ  
داو ګريه ڈېر کړي خدا يه !  
او يه خدا يه ! او يه خدا يه !

او يه خدا يه ! او يه خدا يه !

دلنه اېر زموږ او رېل دی  
ووډ کور ګي دی ووډ بور جل دی  
بل دچا يه منه تله نه یو  
هسک او منز که نغېنټه ستاده  
دا پا آنه ستاده خدا يه !  
او يه خدا يه ! او يه خدا يه !

قلکا و شی پور او بھا دخازی شہاب الدین پیغمبر غل و  
 شیخ ملک اپنے عزیز بیوی ستائیں کم مکاری و دشہا بے لذتیں پیغام  
 دہانی تباہ نفعہ سترہ اکھنے کا تجویز و روضہا نہ اوم سفرتی مسح  
 شو قتل کا وہ کاشی جی پس بلوبلہ کتنے مہماں تھے شاہزادہ اور  
 فقا و حمزہ حاکم لر نامی صدماں اسرشی کھا و مکافیور کیا اور  
 پیغام و دین پیغام دہانی تھا شیخ ہمارا خی افسوس دہنے کے  
 غل و کا وڑا و دیم رہبنت و وہرل فور و مہماں افادہ  
 د ملکیاں اتر اسیہ لوری و کبیس اور دین پیغام سرو و مہموں کی  
 دین پیغام دستہ دشمن روی ت پس کھان دلچسپی درکار  
 لو سو بہ او بری بھی بھرا ہم نہ وہ بہ بھر بھر شوگ د  
 پھا پیچھا کے سچ نہایتیں پے بھون بکبیں ملکیاں دا  
 پارکی و دیل پیغام دیاں و پیار بیلکا اور پے لکھ دیم بیو  
 مرتوی شریں شنبہ مولی دی / وس صورتیں دیں

نقل کاوه شی چه یه روزگار دغازی شهاب الدین ، چه یه کفر یرغل ۋ ، شیخ ملکیارچە غرشن  
ستانە ئۇ ، ھم ملگری ۋ دشہاب الدین ، چه یه دیلى كېنھە ستر واكمۇن تاقوبىي وروپىاندە ، اوھم  
ھورىي مىھىشۇ ، نقل کاوه شی چه یه جوبله كېن مسلمانان ترشا ولاھە او كفارو برى و كېر ،  
لېرى نەو چە مسلمانان شى دكفارو پەكتاروپىتنا ، او دېنە برى و كېر ، چە ناخايى شیخ ملکیار  
رااغى ، اوپىردېن (ئى) يرغل و كاوە ، اوھېر زىست (ئى) ووژل .

نورو مسلما نانو ھم دملکیار ترايد خ تو روی و كېنىي ، اوسرە و مر ودل (ئى) دېنە  
ستە خېتىن دوى تە یەمىانە دشیخ ور كېر لوسوبە ، او برى چە يغواھم نە ئۇ یە برخە شوی دچاھىشكەنە ،  
پەھىچەخای كېن ، یە جوبله كېن ملکیار داياد كى ووپىل ، چە غازيان و يارېدل ، او بە محېردىز مەريپو  
ورتوى شول :

او س مو يرغل دى

خېتىن مو مل دى

اسعاد د بیل دل فاریا بو تو ری خشتن موصول دل فری تر چو  
کمرباد بین مر پرس کرمه منگل سر دل کم کم خله بسته  
خشتن عزم دل دل کت تیکای کم و زد ون پر بر کل پول  
بی زمزی لون اسلام را تجذیل خشتن مول دل  
خیل ز بالو راش قبول شاوه خواهی دشها - پهلا مشی خشن  
مومل دی تقلید و شخا پی شیخ هزارستان به تقلید  
شیخ اهل عمل سترستان پار که و پل او بزیر بکار داد  
در آنچه در سرخ بخواه و تبته و کاره ایل بی خواهی ایل  
لیعنی بکاره شی خوبی و رکبر پوشش شخا تدوں نیزه تو ریا و شی  
سرخا در آن شی ایل بی خوش خود پس په کاره کشی سرخ  
و پیشنهاد که سرخا ایل بی خشخا کی خوس طه تدارو  
ش کس سرخی ایل بی خست که شو ز پر کو دیز کاره شی  
او

نقل کاوهشی چه شیخ ملکیار ستانه به تل تنه دشیخ اسماعیل ستر ستانه پامد کی ویل ، او بزغ  
به (ئی) کاوه ، داشیخ دسر بن خوی و :

چه ابلیس لعین شکاره شی	تپته و کره له ابلیسه
تول نپی- توره تیاره شی	هلته و رکه پلو شه شی
غوش دیس په کتاره شی	سرپی وران شی اه ابلیسه
نو بی هله نداره شی	که هر چا ابلیس خرڅ کړ
نوبیر کورد ویر ناره شی	که سروی ابلیس ته پېشو

نفلس کاوهه شی پھی بختیار می سترستان  
 لر و نگرانی شوی درم سخدا کردات پھی ۳۰  
 دکنی او و میل موسی پھی سترپلار و قطب  
 نملی و که بختیار انو تخته او صشت و پیرالوار  
 پھی سیند بالهشی لر غزو فی بُهُوی موسی پھی  
 الهمت لعویستان ور کشوری دسترن لاس  
 و شید و کروید او پیر نزیں دستن پر عنزو و اه  
 د خداوند میریم بـ را بل سـ می تھوڑے بھیما  
 شور و مکر بـ بختیار پـ سنتوند زـ کریمہ او بـ

نفل هسى کداوه شى چه بختيار مى ستر ستانه و، لىدە نە سرگىند شوي دى ھە كرا مات  
چە ووكىپيل اووويل ، موسى چە ستر پلارۇ دەقطىپ تلىي و ا بختيارانو خىخە اومىشىت وپرا يوادىچە  
سېنىد بالاشى ، لىرغۇنى بىرخە ئۇرى دەرسى شىيخ احمد ، تەلوي ستانه ورکىشوى (و) دىستزىر  
لاس (ئى) ونبو وگروھىد ، اوپىرنىزى (ئى) دىستن زغۇوه ، او دىخدايى وگۈيە به (ئى) را بىلل  
يە سمعى ، خوچە بىميا شو درگۈرۈ .  
بختيار پەپشتو سىندىرى كېرىنە ، اوشىنى

نویسیده بینه نهاد است ناز که غمبلی که پا را کل بگیرید پیش  
بیدادی عجیب مزده مسونی هست و رنگ که راست و  
کهوره طوکی پیش بگیرد کی در باطن از خوبی من از نکری و  
را صفت و گوره طوکی را مستقر نموده طوکی دیگر بگیرد  
بل دیگر که می زندگی شوچی لایو کیم دین شوچیم زده  
کنند پیشتری راست و گوره طوکی رات و  
کهوره طوکی رات و گوره طوکی سخونه ولی دیگر  
بل دیگر اهرن کاپ زندگی بل دیگر زده سختیار خواهی  
ایری شدم پیشتر شوچی کوکل دیدار راست و گوره طوکی  
رات

تو یوینه ، خدای ته ناری گری ، غلبی گری ، پاد کی ارینه ، چه یود ادی :-  
ویرمی زده سوری سوری گر راته و گوره ملو کی !  
په بیلتون کی دی وباسه له خوبز منه زید کی کو کی  
راته و گوره ملو کی !  
راته و گوره ملو کی !

د بیلتون او رو نه بل دی هر گپی می زمه گی سو ځی  
لپونی یمه د مینی ؟ سو ځم زه اکه پیلو ځی  
راته و گوره ملو کی ؟  
راته و گوره ملو کی !

غود ولی دی اور بل دی اور زما په زمه گی بل دی  
زه «بختیار» خاوری ایری شوم په اور سوی می کو ګل دی  
راته و گوره ملو کی !  
راته و گوره ملو کی !

ازان دودمان بزرگ در تیجه یک سلسله حوادث روزگار به خانه حضرت شیخ بیت نیکه رسیده و در آنجا مسکن گزیده، و در نتیجه با دختر حضرت شیخ که (متو) نامداشت، ازدواج نمود (۱).

طوریکه مؤرخین نوشته اند، جد بزرگ شاهان غور شنب نام معاصر حضرت علی بوده و بر دست آنحضرت ایمان آورد، وازوی عهدی ولوائی بستد (۲) بعد از آن در عهد سلطان محمود ملک سوری نامی بر بست و داور و غور و خج مستولی بوده سلطان مشارالیه وی را مالشی داده و سخت کوفت، که خانواده اش به هرات فرار گردید (۳).

مؤرخین ما بعد چون حمد الله مستوفی ویحیی بن عبداللطیف فروینی داستان حسین نامی را ازا ولاده ملک سوری مذکور و رفقتش بهند و بازآمدنش بفرنی با کمال صراحت می آورند (۴) که عینه بر روایات مؤرخین افغانی فردیکی میرساند.

مطابق با این روایات عصر زندگانی حضرت شیخ بیت نیکه را از (۴۰۰ تا ۵۰۰ ه) تخمین کرده می توانیم.

طوریکه نمونه شعر این جد بزرگوار را بیش ازین نگاشتم، حضرتش ادیب و شاعر بزرگ ملی مابوده، و شعری را در نهایت جزالت و سلاست سروده، که از هر جنبه بر جسته ترین آثار قدماء بشمار می آید.

۲- دیگر از شعرای بزرگوار قدیمی که آثار شان بمارسیده حضرت شیخ ملکیار غرشین است، که غرشین بر روایت صاحبان انساب عشیرتی است از میانه سربن (۵) سلیمان ماکو قصه معاصرت وی را با سلطان شهاب الدین غوری نگاشته که با او در حمله اولین ملتان (۵۷۱ ه) هراه بود، (۶) که نعمت الله و خان چهان خان هم این روایت را تائید میکنند (۷) ملکیار بزرگترین شاعر حمامه سرای پیشوای بوده، و در بین قدماء متزل رفیعی را مالک است، واز نگارش سلیمان برمی آید، که این بزرگوار ذوق قیس ادبی داشت و اشعار شعرای دیگر پیشون راه میخواند (۸)

(۱) مخزن افغانی، تاریخ سلطانی، حیات افغانی، خورشید جهان وغیره .

(۲) طبقات ناصری ج ۱ ص ۲۹ .

(۳) طبقات ناصری وتاریخ جهان آراء قاضی احمد غفاری .

(۴) تاریخ گزیده ص ۴۰۷ طبع لندن ۱۳۲۸ ه - ولی التواریخ طبع ایران ص ۹۲

(۵) حیات افغانی ص ۱۵۲ .

(۶) اوراق قلمی تند کرده سلیمان ماکو .

(۷) مخزن افغانی قلمی .

(۸) تند کرده سلیمان ماکو

۳ : تایمی : نام این شاعر باستانی معلوم نیست ، فقط در یک منظومه منحصر بفرد یکه ذریعه یکی از معمربن کنار هلمند بمار سیده ، خود را تایمی گفته است ، و تایمی عشيرت افغانی است که در مراتع کوههای سیاه بندهور سکونت داشته و به تین بن کاکر منسوب است (۱)

این شاعر در یک منظومه اش که پیش ازین بتطیقات تاریخی آن گذشت ، سلطان معروف افغان غیاث الدین غوری را مدح کرد ، و معاصر آن شهنشاه قاور شمرده می شود ، چون سلطان موصوف در حدود (۵۶۰ه) پادشاهی کرد ، بنابران زمان حیات تایمی شاعر بزرگ خود را بعداز (۵۰۰ه) تخمین کرده می توانیم ، در شعر تایمی سلاست و سادگی و احساسات گرم مردانگی و حماس پدیدار است ، که از پیشوaran سبک قدماء شمرده می شود .

۴ : قطب الدین بختیار ولد احمد بن موسی از قوم بختیار پشتون بوده ، واز مشاھیر عرفای عصر خود شمرده شده است ، اگرچه تذکره نگاران و مورخین یگانه وی را نشناخته اند ، ولی مورخین افغانی وی را افغان شمرده ، و در جمله مشاهیر عرفانی پشتونها بقلم میدهند مثلاً سلیمان ماکو همیگوید : که پدر کلان قطب الدین موسی از قوم خود رفت و درسیستند سکونت پذیر بود ، مورخین مولدش را در داوش ، نوشتند اند ، که بقول ابوالفضل شهری بود از فرغانه ، (۲) و فرشته یکی از شهرهای ماوراء النهر می نگارد (۳) فرار نگارش چهرا فیما نگاران قدیم اوش یا اوج از شهرهای ماوراء النهر بود (۴) وابن خرداذ به آنرا ده فرسخ دور از او کشند ماوراء النهر نشان میدهد (۵)

به حال پدر کلان قطب الدین در اوش ماواه النهر می زیست ، یا اگر در سیند سکونت گزینیده بود ، درینصورت هم (اوچه یاچه) را که شهر مشهوری بود درستند و مورخین آنرا در فتوحات سلطان شهاب الدین یکجا با ملتان می آورند (۶) تطیق می توان کرد و قول سلیمان ماکوراهم درین که مطلب ازاوچه سند است موید میتوان شمرد .

وفات قطب الدین راخمن افغانی ، و آئین اکبری مخبر الوائلین (۱۴) ربيع الاول سال (۶۳۳ه) و فرشته (۶۳۴ه) نگاشته اند ، مزارش دردهلی تاکنون معروف و مرجع عمومی است.

(۱) حیات افغانی ص ۲۴۴ - ۴۵

(۲) آئین اکبری ص ۱۶۹ ج ۳ طبع لکهنو

(۳) فرشته ص ۳۷۸ طبع لکهنو

(۴) حدود العالم بن المشرق الی المغرب ص ۲۴-۱۸ طبع عکسی بارتوله ، لینن گراد

(۵) المسالک والمالک ابن خرداذبه ضبط لیدن ص ۳۰-۲۰

(۶) دیده شود تاریخ معصومی ص ۳۳-۳ تاریخ بمار کشاوی ص ۵-۶ طبقات اکبری .

ج ۱ - ص ۱۶ -

قطب الدین شاعریست که نمونه کلامش در عشق و غرام بما مانده، و سلیمان ما کو یک قصعه سوزان از اشعار عشقی و رامحفوظ داشته است، کلامش ساده، منسجم و بلیغ واز کلمات اجنبی پاک است، احساساتش سوزان و گرم و متین بنظر می‌آید (۱) ۵ - دیگر از شعرای سبك قدماء (اکبر) زمین داوری است، که با تیمور لانگ معاصر بوده و در حدود (۷۵۰ه) زنده بوده است، وی در اشعار خود گرم ترین جذبات عشقی را با سبکی ساده و بدیع اشکارا می‌سازد، و از تاختت تیمور شکوه هادارد.

اشعار اکبر متعلق بدوره ایست که شعر عروضی غلبه جسته، واوزان ملی را ضعیف ساخته است و از یزیر و اشعار اکبر تما ماب بر عروض و قوافی عربی تضییق می‌شود، ولی با آنهم کیفیت غنائی و اعجنبی خود را از دست نمی‌دهد، که نمونه اشعار ملی وی را بیش ازین نگاشتیم، و در مبحث سبك عروضیین هم نمونه گرانبهایی را تقدیم خواهیم کرد.

### سبک قدماء چه شد؟

در صفحات گذشته دیدید که این سبك چه گونه بیداشد، و چه مزايا و خصایصی را در یافت و بزرگان و پرورندگان این سبك کیا نزد؟ حالا می‌خواهیم بگوئیم که سبك قدماء در ازمنه مابعد چه شد؟ و چرا درین ادبیات و اشعار مرتب و محفوظ پیشتو نفوذش کم گردید؟ در جواب این سوالها همان شرحی که در مقدمه این مضمون نگارش رفت، باید خواند، نفوذ ادبیات عرب و پارسی در مشرق زمین، و در ممالک همسایه وهم جوار ملت پیشتوون، بدرجۀ اتم و اکمل رسید، و قوس صعود خود را بیمود، از یزیر و شعراء، و گویندگان پیشتوون که دارای سواد بوده، و با آثار ادبی دیگران آشناشی یافته‌اند، اشعار عروضی تازی و پارسی را خواهند ندند و شنیدند، و در زبان ملی خود مثل آن اشعاری را سروده و بمیان کشیدند، و این تحول یک دوره میانه را درین سبکیین قدماء و عروضیین بوجود آورد، که شعر نه مثل سبك قدماء غنائی و مخصوص ملی بود، و نه پوره عروضی!

چون شعراء صبغة دانشواری بوده، و به آثار ادبی دیگران تمايل نشان داده، و پیروی همی گردند. بنابر این سبك قدماء درین عوام و صبغات عمومی ملت ماند، که تا کنون خوشختانه زنده بوده و درین ملت پیشتوون، در کوهه سار و قراء عموماً رایج و جوانان همواره به اشعار ملی خود بسبک قدماء، مترب نم اند این اشعار و سرود های ملی مسأله ایکنون هم زنده است، برای شعر ای جوان و کسانیکه با شعایر ملی خود دلچسپی زیادی دارند، خیلی غیمت بوده، و ما می‌توانیم اساس ادب جدید خود را در آینده بران شالوده ریخته، و پس همان مزایای ملی و مقا خر

(۱) نمونه اشعار قطب افغان پیشتر گذشت.

اجداد را زندگانی دهیم.

به عقیده من توسعی و تجدید و تحولیکه در ادب پیشتو به مقتضای این قرن که عصر ملت اش می‌توان گفت، روی دادنی است، زمینه مسا عدی برای آن همین سبک قدماء و اشعار و سرودهای ملی است، که اوزان شعری آن اساس شعرونو، والحان و اصول غنائی آن شالوده موسیقی جدید ملی مامیتوان شد، ملیت خواهان و جوانان پیشتو راست که این گوهر گرامایی خود را از دست ندهند، وروح اجداد را شاد سازند، چون بیان تمام طرزها و اقسام اشعار ملی محتاج تبع و کتاب علیحده ایست، بنابران درینجا به آن نپرداختیم.

### سبک خیرالبيان

طوریکه پیشتر اشاره رفت، بعد از دوره قدما، یعنی پس از (۵۷۰۰) نفوذ سبک ادبی شان ضعیف شد، ودوره عروضی آغاز گردید، ولی دوره تحول و انتقال که بین دو روش و دومنهج از امور طبیعی است، بین این دو سبک نیز بوجود آمد، سبک قدماء خالی از هرگونه تصنیع و تکلف بود، وآن اشعار مطابق به ذوق ملی و اصول غنائی و هجایی نزدیکتر به طبیعت سروده می‌شد. در دوره مغول‌های هرات و هند، که زبان پارسی در ممالک پرفسحت آسیائی رواج یافت و روابط ادیه هندی و پارسی مستحکم گردیده و پادشاهان مغولیه وصفویه در دولت مملکت عزیز ما بر رواج شعروادب پرداختند، بنابران پیشتو نهای طبعاً از آثار مدنیت این ممالک همسایه متأثر گردیده، ودر پیشتوهم کم کم آغاز شد، که بر عرض شعر عرب و بحور اشعار تازی و عربی شعری سرایند، واثری را بوجود آورند، درین وقتیکه مبادی نوهنوز استقرار یافته، ومبادی قدیمه حکومت ناپدید شده بود، یک گونه اشعاری را در پیشتو می‌یابیم، که نه تن خاصی بوده، ونه پوره بر اصول عروض و بحور و فاقیه تطبیق می‌شود، واین اشعار را ما اشعار نیم مصنوعی یا نیم عروضی پیشتو می‌نامیم این اشعار در ذات خود موزون بوده و وزن آن بمیزان روح ملی سنجیده شده بود. اگرچه به ترازوی شعر تازی بر ابر نبوده است. یعنی اثرات عرب و پارسی شعر پیشتو را تحول داده تکامل، وزن عبارت از افاعیل عربی نیست چه مقیاس این اوزان حسیات عرب است ولا کن وزن حقیقی شعر یک زبان آن است که میتواند به خنده و گریه و حسیات متکلمین آن اطراد کند. آن اوزانی که سابق در اشعار پیشتو بوده مولود همان اوصاف عالی وهم آهنگ، بانپ و حسیات پر شور شان بوده است.

دوره که شعر پیشتو از دامان طبیعت جدا گردیده، تامدیکه کاملاً زیر اثر صنعت و تکلف آمده است، دوره خوش آیند و عجیبی است که آثار ادبی این دوره هم زیاده تر و تا کنون محفوظ مانده و بما رسیده است.

از آثار نخستین و باستانی این سبک شاید، کتابی است که از طرف یک تنفرئیس معروف قوم یوسف ذمی شیخ ملی نگاشته شده، و این کتاب مشتمل بوده هر یک حصه حماسی تاریخ جنگهای این قوم که در سوایات نموده و آن اراضی را فتح کرده اند، شیخ ملی درین کتاب تقسیم اراضی را بین قبائل خود نیز نگاشته که تاعصر حاضر بهمان طور درین شان معمول بوده و این کتاب را شاید (دفتر شیخ ملی) می‌گفتند، ولی نسخه ازان در دست نبوده، و طور یکه مستشر قین مدقق نگاشته اند، نسخه‌های آن را دیده اند، قصه مهاجرت اقوام پشتون از قندھار بسوی کابل و از آنجا به وادیهای پیشاور و سوات و باجور از عنعناتی است که مدت زیادی است درین پشتونها بوده و اخوند در ویژه ننگر هاری شرح مفصل آنرا می‌نگارند، واز تقسیم شیخ ملی نیز ذکر مینماید (۱) بعد از این افضل خان ختمک در تاریخ مرصع نیز این روایات را تائید می‌کند (۲) سپس محمد حیات و شیر محمد، و دیگر مؤرخین افغانی نیز آنرا می‌نویستند، خوشحال خان نابغه معروف افغان که نزدیک به عصر درویزه است، نیز در بین سوات از کتابی بنام (دفتر شیخ ملی) یادی می‌نماید، ازین روایات بر می‌آید که محققًا این کتاب موجود بوده و شاید اکنون هم نسخه‌های آن بیدا گردد، افضل خان می‌نگارد که مهاجرت یو سف زائیها در (۸۱۰ ه) بوده ولی شیخ ملی این کتاب را (در ۱۴۲۴ ع = ۱۴۱۷ ع) ممنظوم ساخته است یکی از پشتون شناسان مدقق و مستشر قین اروپا مارگن سترن Morgeustierne می‌نگارد، که از نوشه های راورتی Rauerty (۳) بر می‌آید که شیخ ملی کتاب تاریخ طوائف و فتوحات خود را به سال (۱۴۱۷ ع) نگاشته ووی دیده است (۴) وهم وی از اخوند درویزه نقل می‌کند، که در عصر درویزه کتاب مشهوری بنام (پا کان) در تصرف یوسف زائیها بوده است.

علی ای حال چون اکنون ازین کتب باستانی اثری بمناسیده، و متأسفانه آن نظر گم است که نمی‌توان نسخه و حتی سطري ازان را یافت، پس ماجبوهیم این دوره مهمه ادب و شعر پشتون این همان اثرا و این بنامیم، که اکنون نمونه از تحریر و نگارش آن در دسترس نماست. یکی از آثار مهمه زبان پشتون که اکنون نسخ قلمی آن به ندرت یافته می‌شود، کتاب

(۱) تذکرة البار والشارط طبع پشاور

(۲) تاریخ مرصع، افضل خان ختمک، از نشریات راورتی، طبع هر قدر ۱۸۶۰ ع در گلشن روہ

(۳) مستر راورتی مستشرق انگلیسی کایتن لشکر سوم بمبنی در حدود (۱۸۵۰ ه) حیات داشت و در تاریخ و لغت و گرامر پشتون آثار مینماید را نگاشت.

(۴) دیده شود مضمون مبارکنترن در مجله آثار عتیقه هند ج ۱۱ ص ۳۶۶

خیرالیان است که نسخه قلمی آن در تصرف مستشرق معروف (سرای دینسن راس) بوده، و مستشرق ناروژی مارگنسنیترین شرح آن را با عنوان مخطوطی از مضمون آن در مجله آثار باستانی هند نگاشته، و در دسترس ما گذاشت، فرازیکه شرق شناس مذکور شرح آن در این نسخه بخط فقیر بهارضوی نوشته شده و روز چهارشنبه ۲۰ رمضان ۱۳۶۶ هـ ۱۶۵۰ ع بیان رسیده است، خاورشناس و مارگنسنیترین این نسخه را قدیمترین کتب پیشتو می نویسد.

ضروریکه معلوم است کتاب خیرالیان را یکسینه مفکر معروفی که بنام پیر روشن یا پیر تاریک موسوم است نگاشته، این شخص برایت اخوند درویزه که از بزرگترین دشمنان مسلک و روش وی است بازید بن عبدالله نامداشت، و پدرش اصلاح‌دهاری، و بعد از آن در کانی کرم‌سکونت در زیده (۱) و بازید مذکور بهره از علم داشته و از ملا پاینه و ملا سلیمان نامی تحصیل علوم کرده و در سفرهای هند و سور کستان و سمر قند در فلسفه مذاهب مطا لاعاتی نموده، و شخص فیلسوف و عالمی باز آمده، و مسلک نوی را که در آن افکار متصوفین افرادی داخل است بعیان کشیده و به تبیغ آن پرداخته است (۲)

اخوند درویزه در مقابل این شخص به تغییر مارگنسنیترین مدافع بزرگ که ایمان بوده، همواره در مقابل تبیغات بازید و پیر وانش ایستادگی میکرده و مردم را از پیروی و افتضای افکارش باز داشته است.

اخوند درویزه (رحمت‌الله علیه) کتب خود را پیارسی و پیشتو تماماً بر خلاف این گروه نشته، و همواره جهد کرده است که از پیروی شان مردم را بیزار سازد.  
محسن فانی کشیری که از (۱۴۰۸۱هـ) حیات داشته (۳) در کتاب خود دستان مذاهب شرح مستوفی راجع به پیر روشن نگارش داده، وی از کتاب حالات که بقلم خود روشن است اقتباس میکند که خلف شیخ عبدالله است و شیخ سراج الدین انصاری به هفت پشت میرسد، که در اوآخر حکومت افغان در شهر جلنده هر پنجاب متولد گشت (۱۴۹۳۲هـ) مادرش بنیان نامداشت، واورا تصانیف بسیار است از عربی و پیارسی و هندی و افغانی، مقصود المومنین بعریبیست، و کتابی دارد، خیرالیان نام و آن بجهار زبان است اول بعریبی دوم بپیارسی سوم بهندی چهارم پیشتو و همان یک مطلب را بجهار زبان گفته، و حالات کتابی دارد، که در انجا احوال خود را باز گذارد... نامه نگار از میرزا شاه محمد مخاطب بوزین خان شنیده که گفت میان روشن در نهضت و چهل و نه قوی شد و مذهب اور وائی یافت... و قبر میان بازیر ید

(۱) مخزن الاسلام قلمی.

(۲) مخزن وندکرۀ البار اخوند درویزه دیده شود.

(۳) مجله کناوه ضبط بر لین ج ۵ ص ۹ -

در بته پوراست از کوهستان افغانان (۱) که اخوند در وزیر آنرا در اشقر نمی پندارد. چون محسن فانی و اخوند در وزیر باهم معاصرند، بنابران نوشتگات آنها را من تو ان بعدازیانات معاصرین آن شخص قرار داد، یکی از آثار مهم که ازانوقت بما مانده دیوان شاگرد و پیر و معروف پیر روشن (دولت لوانی) است که بایپر روشن معاصر بو ده و در دیوان اشعارش وی را می ستاید، دولت همیگوید که پیر روشن خیرالبيان خود را به چهار زبان نوشت و برای زبان پستو رسم الخطی را وضع کرد (۲)

اخوند در وزیر راجح به شعر پیر روشن چنین می نویسد:

«اما ذکر اوتامی از نامهای باری تعالی نه بوده، بلکه افغانرا بربان افغانی، یگان سخنی موافق طبع او موزون ساخته می داده، و بعضی جهلای فارسی را بربان فارسی و هندوان را بربان هندی (۳)»

و درجای دیگر میگوید که او (پیر روشن) شعر افغانی میگفت، ازین روایات واضح است، که بازیبد مؤسس مسلک روشنانی هایکنفر شاعر زبان ملی نیز می بود، دار مستتر خاور شناس فرانسوی نیز با این سخن موافقت دارد، (۴) ولی نسخه خیرالبيان که مار گنستیرن دیده عبارت است از (۱۶۷) ورق که بعضی از فقرات عربی درمتن پستوداخل، و یادداشت‌های پارسی بقلم جدا گاهه بر حواشی آن نگاشته شده، و در دیباچه آن عبارات هندی و پارسی دیده می شود (۵) علی ای حال خیرالبيان کتابی است که بعداز دوره قدما، پیش از سال هزاره هجری از طرف بازیبد معروف نگاشته شده، و مؤلف آن هم بعداز (۹۰۰ ه) حیات داشته، که شرح مقام فلسفی وروش تصوف و افکار این مفکر افغان خارج موضوع ماست. چون در نگارش پستو بازیبد مشهور دارای سبکی است که آیندگان نیز وی را پیر وی کرده، و اخوند در وزیر وغیره نویسنده گان آن عصر بسیکش نوشته‌اند، بنابران ما آن را سبک خیرالبيان گوئیم، و دیگران را پیر وان ادبی (نه پیر وان مسلکی) وی می شناسیم.

### خواص سبک خیرالبيان:

حالا که منبع پیدایش سبک خیرالبيان و شرح حال نویسنده آنرا در یافته‌یم، مختصرآ

(۱) دستان مذاهب ص ۲۵۱ طبع بعیی ۱۲۹۲ ه

(۲) دیوان دولت، کتابخانه پستو تولنه ص ۳ خطوط قدیم.

(۳) مخزن الاسلام اخوند در وزیر - قلمی خطوط در سال ۱۱۴۴ ه

(۴) دیپستو نغوا دشعرها را و بهار طبع پاریس ۱۸۸۸ ع

(۵) مجله آثار باستانی هند.

من خواهیم خواص این سبک را نیز نویسیم :

۱- این سبک شعر نیم منظوم بوده، و از خواص آنست که شاعر تلفیق مصاریع، وزن ایات را همچون شعرای عروضی رعایت نکرده، و آزاد می‌سراید، فقط اواخر جملات را قافیه دار می‌سازد، شبیه به نثر مسجع و مدققی.

۲- از جثیت مضمون و افکار، اینگونه اشعار عموماً دینی و تبلیغی است، جنبه اخلاقی نیز دارد.

۳- سلاست و انسجام و روانی عبارات آن هم بسبک قدماء نمی‌رسد، کلمات عربی و پارسی دران زیاده تر داخل گردیده.

۴- اینگونه اشعار از آغاز خود برای تبلیغ و پر و یا گند مخصوص شده، بنابران جنبه ادبی و شعری آن ضعیف بوده، و مطالب آن بدون کدام صناعت شعری، یا نرا کت ادبی، گفته شده است گویند گان این گونه اشعار کوشش کرده اند، که مسائل فقهیه و اخلاقیه را بدون ترتیب و جرالت الفاظ و کلمات بسبک تر عربی بیاورند.

۱- کنون برای نمونه چند جمله از کتاب خیرالیان که مستشرق ناروزی نقل کرده‌می‌آوریم:

« بنی ویلی دی رحمت دوی پهده .

مرگ ک بهور شی و سپری ته نا گهان

نشته دسپری په دنیا کبن تل دتله مقام

گوره ددغی زمانی آدمیان، غواصی دنیا

اوهر چه پکبن دی مشغول دی دبر آدمیان

خنی یه کر لو یا په بازر گانی یا په پوند گلی یا په تور کبن بانمی لخنی به نور نور چار  
مشغولی که آدمیان . »

⊗ ⊗ ⊗

« که خوک آس اسی لری ، کمال پرشی تمام  
شبشن ئی اختیار لری چه یودیناردي ور کی دهر حیو ان  
یادی بها کی له دوو سودرومودی پنچه ور کی تمام »

### شعرای بر جسته این سبک

- ۱- بازیزید پیر روشن که ذکر شد با نمونه اشعار وی در بالا گذشت، و وی را مؤسس این سبک قرار داده می‌توانیم.
- ۲- اخوند درویزه معروف که در مقابل بازیزید و پیر و انش مقاومت نموده، و تبلیغ هامیکرده

است، درویزه از نسل جیون نامی بوده، ویدرش (گدائی) بن سعدی نامد اشت که مد تی در قندوز نیز می زیست (۱)

اخوند درویزه در حدود (۱۰۰۰ ه) زنده بوده و بقول رحمان علی در (۱۰۴۸ ه) وفات یافته (۲) و در حدود پیش از مدفنون است، که در پیشتو آییات زیادی دارد.

درویزه به سبک خیرالیان کتب زیادی را نوشته، و در جانی سبک خود را خوب شرح میکند و گوید:

« بدان ای عزیز! که در اشعار افغانی شعراء ایشان چندان مبالغه در فصاحت و مواقت در قافیه و تطبیق مصراعین در حروف و کلمات رعایت نداشته‌اند، وهم ازان روکه فقیر را دغدغه شعرو شاعری نبوده تا دران سعی نماید، مگر اینقدر که انه ک و بیش سخن مو زون گردد تاسامع رالذین نماید (۳) »

چنانکه معلوم است اخوند درویزه در تمام حیات خود کاری جز مخالفت مسلک روشنی نداشت، و از نگارش وی می براشد که چون پیر روشن شعر میگفت، واژین رو گفتار ش مؤثر می‌افتد، و مردم بشوق ورغبت همی شنیدند، بنابران اخوند مرحوم نیز مدافعته با لحنل فرموده و بیانات موزون و شرینی را در درود مقابله داعی مذکور نوشته است، چنانچه درد یا جه غزن الاسلام اشارت میکند:

« واو (پیر روشن) به زبان افغانی شعر میگفت، و سب شرایع و علم و علماء میکرد، و شعرهای لا یعنی به افغانان می نمود، پس این فقیر برخلاف او شعر افغانی آغاز کرد، حتی در شاعری قدم ازو پیشتر نهاده . . . . (۴) »

ازین تصريح می برايد، که درویزه به پیروی روشنان داخل این سبک شده، و کتب خود را به سبک خیرالیان انشاد نموده است.

درویزه مدتی در افغانها شهرت زیادی را مالک بوده، و کتاب مخزن الاسلام آنقدر ترویج یافت که در تمام وطن کتاب درسی بود، وزن و مرد پیشتو آنرا می خواند، خوشحال خان معروف درسوات به شهرت این کتاب اشاره میکند.

اخوند درویزه هم چون خیرالیان، آثارش را تماماً دینی و اخلاقی نبشه، و مسائل فقهیه و دینیه را به پیشتو تلفیق بخشیده است، ولی طرز بیانش نسبتاً واضح و بلیغ می نماید.

(۱) تذكرة البرار والا شرار ص ۳۱-۱۰۷

(۲) تذكرة علماء هند ص ۵۹-

(۳) مخزن الاسلام مخطوط در ملتان بسال ۱۱۶۷ ه بخط فاضل محمد کاسی.

(۴) مخزن قلمی.

اینک نموده از کلام اخوند درویزه ، از خزن الاسلام :  
 دانشمند چه اجتهاد کا ، ته منکر و رخنی مشه  
 ژرته ژر ه که ثواب وی وئی و نسه  
 کله کله رونده پرمته لارهم و شویپنی

ولی زده کره اجتها د هله ما نه شی  
 چو هو ا د مجتهد په نوس کبس نه وی  
 او که دی اهل هو اوی پسی مه نجه

تحقیق چه اینیا و اراده افضل دی  
 تر جمله ۰ فربنتگانو تر اوله تر پایونه  
 تر دانورو آدمیانو دچاشک پکش نکپنی

در دویزه چه عقاید په پیشو ووی  
 شفقت ئې ویر لوی پر هلک پر آزاد پر بند و هم په وا ره پیشو نخواو هر چه دوی  
 به دا کتاب په زده کبس نخای کتا

مستقیم بشی پرشرع هم په دین دیاکنی کبس هیخکنه نه بنوی سپزی  
 هر گمراچه به لناسره دعوا کا په لخگوه به وشر مپنی

۳ : شخص سومی که سبک خیرالبيان را رو نق بخشیده ، کریم داد یا عبدالکریم پسر  
 اخوند در ویزه است که این عالم به کمالات صوری و معنوی مو صوف و حصن متفرقه  
 خزن راجمع کرده و بهمان سبک پدر دران تزئیداتی کرده است ، کریم داد شهرت بزرائی  
 را در عالم عرفان داشته ، و معارج الولايت مناقبی رامی شمارد ، و کتاب خلاصه البحر وی را  
 « محقق افغان » می نامند .

مفتی غلام سرور لاہوری و رحمان علی هم اورا ستوده ، و مراتب علمی و عرفانی وی را خیلی  
 بلند نشان میدهد و وفاتش رادرسال (۱۴۰۷) می نویسد (۱)

از تعلیقاتی که کریم داد در خزن پدر نموده باین نتیجه می رسیم ، که وی در سبک پدر  
 اصلاحاتی نموده ، و شعر نیم منظوم و نیم مصنوعی را به سبک عروضیین فردیک ساخته است .  
 علاوه بر این از جنبه افکار و معانی نیز جمعی از اصطلاحات تصوف و شعر عرفانی را در پیشو  
 آورده ، و شعر عشقی را سروده است ، حال آنکه اشعار پدرش تمامآ در مسائل فقه و عقاید  
 و اخلاق مخصوص بوده است ، مثلاً :

دایم وته حضور شه      له جمله غفلتہ دور شه

(۱) خزینه‌الا صفیاء - تذکرة علمای هند س ۱۳۱ -

تیاره واخله کل یونورشه  
ته د دیو و بنو تصور شه  
دا فتاب به دودیو نور شه  
هر شاه و سوچه چور چور شه  
ته په ونه کبن انگور شه  
دخد مت په پانی ڪور شه  
داتبات په مپه پور شه  
دمعنی پرسمر مستور شه

ستا دا خیل صورت تیاره دی  
کل امکان داوج وابه کره  
شهی ستا صورت آفتاب دی  
ای طا لبه که طلب کری  
در وشان بار داره و نه  
د توحید ونه کرہ نهاده  
دازمه گی دکور و زنک کرہ  
تصورت یردہ کرہ خیری

پر انگنه ئی و رختنی  
که هر خوئی سروی غوش له تنہ تملی  
دی په پوهه کبن هیجانندی مو ندلی  
هفو خود کلام له حق سره اولی  
هر طالب چه وی دعقل بیک و زلی  
کوم شاعر ئی لگرداورا وتلی  
په نری سیننسی پیپیلی  
که یو حرف دی لحنی پر پشو  
داهمبلئی بخله ترمی ترمی تملی

ذا کر مذکور لیدلی  
دده له او ری به دانو مدی  
غا فل وائی زه و در پو ه شوم  
جه د عقل ایلچی وباسلی له میانه  
شاده به و وینی حضوره  
شاعر مسال بصر که یوهبزی  
»دکریمداد« بنده گفتار و درمنی

که

اگر خواننده گان غریز گفتار کریمداد را با پدرس مقایسه فرما یند اصلاحاتیکه کریمداد در آن نموده آشکارا خواهد شد، که این شعر به بحور عروضی فردیک بوده، و به لحاظ وزن و مطابقت مصراعین و موافقت قافیت سروده شده است، از نوشته جات خود دکریمداد می براید، که وی بطرف هند نیز مسا فرت های را نموده، و مدتی در آگرہ بو ده است (۱)

۴: عبدالسلام : این شخص نیز در تزئیدات مخزن بهرہ دارد، و از معاصرین اخوند در ویژه یا پرسش می باشد، ولی ندانستم که عبدالسلام نیز ازین دود مان علم برآمده یانه؟ دریک نسخه قلمی مخزن این قطعه به وی منسوب است :

ستا په تن کبن داینه خیزه گو هر دی ته ئی و ساته عاقبه  
هر چه دا گوهر خوندی کری دنبی یا کمیزه لار ئی و نیوله

(۱) مخزن قلمی ص ۳۲۸

اول گو هر ایمان دی دایمان زوال دروغ دی  
لکه تول چه وزی کازی په ناگاه ئی ذلی ووهی پر بله  
دو هم گو هر ئی عقل بیاد عقل زوال فهر  
لکه مانفی کاتیاره، اور په پوری کا پغله  
دریم گوهرئی عام بیا دعلم زوال کبر  
لکه نادان چه په باع گلوشی اومه خربوزه پری کاندی لگله  
خلورم گو هرئی سخاوت دی بیازوال ئی پنهیمانی ده  
هر چه پنهیمانی پرسخاوت کا د گوهر و خزانه ئی شیاضنو ولو قله.  
پنجم گوهر ئی صبر، بیا دصبر زوال حرس دی  
هر چه حرس پر غلبه شی غیر لار ئی و نبو له  
فقیر چه دایان پستو کر، هر مؤمن دی ئی په یاد کا  
هر چه داواده پر ئخای کما، د گوهر و خزانه ئی و سائله

۵: عبدالحليم: از کسانیکه در ملحقات درویزه حصه گرفته اند، یکی عبدالحليم است که اوی خود را پسر عبدالله و نواسه درویزه معرفی میکند و در سبک و روش هم از پیر و ان جد خود است اشعار اوی نیز به سبک عروضیین فردیک است، وازوست:

چه ئخان نلری تنهاوی دا ڪلی جهان ئی سرای دی  
پر هر ئخای چه شپه پر راغله هم هنجه ئخای دده سرای دی  
په مشرق مغرب کښ گر زی غریب نه وی بی پرو اوی  
پر هر لوری چه، ئخای ئی نه وی یک تنهاوی  
چه خوک نلری، بی خدایه، ئخای ئی نه وی یک تنهاوی  
ته گدای ورته مهوایه، چه پادشاه دده گدای دی

چه دزده په ستر گونه وینی دراحت طلب کو ینه  
دغارف راحت بلا کښ تل دائم په هوی و های دی

دا « حلیم » هم امید وار دی ستاو فضل حقانی ته

چه حلیم دعارفانو نیکمردانو خاکپای دی

۶: مصطفی محمد بن نور محمد پسر عبدالکریم ولاد درویزه نیز بعضی آثار اجداد خود را جمع آوری و در سال (۱۱۱۲هـ) جمعی از اشعار خود را به مخرن الحاق کرده است از متنظومات اوست:

یاری غواصم له تانه حمام خدایه مهر بازه که توفیق می کردی په بخر هزه به نشم بی اینه  
که متابعت دیاکنی می کردی په بخره ما به خلاص کردی له نیز انه

۷: اخوند قاسم: این اخوند مر حوم از پاپنخیل شنوار بوده، و در عصر شاهنشاهی اکبر

مغولی می زیسته است ، وی کتاب فوائد الشریعه را به پنتو در سال ۱۵۶۰ ع مطابق (۵۹۶۷) نگاشته است (۱)

سبک نگارش فوائد الشریعه نزدیک به خیرالیان مخزن است مستر راورتی یک جمله این کتاب را در مجموعه گلشن روہ بسال ۱۸۶۰ ع در هر تقریب صیغه و نشر کرده است ، در این کتاب مسائل شرعیه و اخلاقی از کتب معتبره فقهه و اخلاق عربی ترجمه و جمع کردشده است. طرز تحریر و نگارش اخوند قاسم نسبتاً روشن و شیوا و خالی از تعقید است ، از وست : حضرت عمر هسی و یلی دخدای یاد پر خان لا زم گناهی ای خلقو چه شفاده  
دبل چاله یا دلو بدی یارته کپزی چه جفاده

جی چه چه

اسم حق دخبتتن دادی چه خدمت دی دخبتتن . دمیلما نه په لحای کوینه  
هم پخیله په اخلاص دی داطعام تیار وینه .

له یارانو مجانو دخبتتن دی مرود محبت کن ، بنه خدمت ئی دی کوینه (۲)  
از دیباچه فوائد شریعت که بسال ۱۹۳۸ ع در لاهور صیغه شده بر می آید ، که اخوند قاسم نیز از بیرون و اراد تمندان اخوند درویزه بوده ، و درین قبایل یوسف زائی می زیسته است (۳)  
۸ - دیگر از بیرون سبک خیرالیان با بوجان است که به تصریح مستر راورتی از کافرهای سیاه پوش بلورستان بوده و تغییر آئین داده است (۴) ولی قاضی میر احمد شاه رضوانی وی را لعمانی می نگارد (۵) و شاید بعد از قبول اسلام در لعمان سکونت گزیده باشد ، یک حصه اشعار با بوجان که مستر راورتی در گاشن روہ اقتباس ، و ضیغ کرده تمامًا عبارت از نصایح و اندرزهای دینی است ، که بسبک خیرالیان بصورت نیم منظوم گفته شده ،  
ولی در اخیر یک نسخه مخزن اخوند درویزه که بسال ۱۱۴۴ ه بخط عبدالواحد ولد شیر خان نگارش یافته یک قصيدة پوره عروضی و متفقی از با بوجان نیز آمده ، که در نسخ دیگر مخزن که بعد از تاریخ همان نسخه نگاشته شده است ، نیز ضبط شده و ازین بر می آید که این شعر رامصفی محمد که شخص و ایسین دودمان تاریخی اخوند درویزه است ، بکتاب الحاق کرده است.  
بنابران ماهم با بوجان را از معاصرین فرزندان اخوند درویزه می دانیم ، که در حدود

(۱) را ورتی دیبا چه گرا مر پنتو

(۲) گاشن روہ را ورتی طبع هر تقریب .

(۳) فوائد الشریعه اخوند قاسم .

(۴) دیباچه گرامر راورتی طبع کلکته .

(۵) شکرستان افغانی ضیغ ۱۹۰۵ ع

(۱۰۵۰ ه) جیات داشته است، ولی با بوجان تنها پیرو سبک خیرالیان نبوده، بلکه بسبک عروضیین نیز اشعاری ازو دردست است ولی درینجا یک پارچه شعر یکه بسبک خیرالیان است نقل می شود:

چه تر ما وتا ته تپر دغه الذت و ؟  
سلیمان دپر دخدای له وپری په هیبت و  
نه سا تل نهئی تپل نهئی خدمت و  
په غه ملک به نهی ورود چه دده ذرت و  
دغه هسی بر کت د سخاوت و  
که نهی دیر وه دنیا دپر نهی دولت و  
دغه واردہ دزیات ز کوکه بر کت و  
د هفو جه په ازال بخره همت و (۱)

په سلیمان باندی ال لھام و شوله غیبه  
هفه آسونه نهی دخپتن په رضاور کره  
باد صبا خدای دغو آسویه لخای ور کره  
هفه تخت به باد دده په حکم واخیست  
باد صباد غو آسویه لخای بیاموند  
هیچ نهی نه خو امده مگر له خیله کسبه  
ته شفر ب ته مفر ب نهی وه حکم  
په دوه کونه ب دروی داروی بابوجانه

## (۲) طبقه عروضیین

عروض علمی است که اوزان اشعار و منظومات را بما می فهماند، و میزان کلام منظوم است، همچنانکه نحو میزان کلام مشور است و آنرا از بهر آن عروض خوانندن، که معروض عليه شعر است یعنی شعر را بران عرض کنند تا موزون آن از ناموزون پدید آید، و مستقیم از نا مستقیم ممتاز گردد (۲) طور یکه مورخین متفق اند، واضح اولین این علم و مستخرج این میزان ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد ازدی (۱۰۰ - ۱۷۵ ه) است (۳) که شعر عرب را تدوین، و اولین شخصی است که شعر تازی را حضر نمود (۴) و ابن النديم نیز راجع به وی چنین میگوید که خلیل نخستین کسی است که عروض را استخراج نموده و اشعار عرب را به آن استواری داد (۵) این شخص هوشمند دارای فکر مبتکر، و دقیقی بود، و اصول بسی از علوم عربی چون لغت و عروض و موسیقی و نحو را نهاد، و شاگردان دانشمندی را به ترتیب و تأثیف آن گذاشت (۶) چون شهرهای مشهور تاریخی وطن عزیز ما سجستان، بست، هرات

(۱) گلشن روه، طبع هر قوردن، ص ۱۳

(۲) المجمع فی معاشر اشعار العجم، شمس الدین بن قیس رازی طبع تهران ص ۲۰

(۳) کشف الظنون ج ۲ ص ۲۳ - العجم ص ۳۰

(۴) صفات الادبیاب ابن الباری ص ۵۵

(۵) الفهرست ص ۶۴

(۶) ضجن الاسلام ج ۲ ص ۲۹۰

غزنه و غیره مرکز علم و تفاقت بوده، و بسی از علوم عربیه درین سر زمین پرورده شده، و هکذا اشعار عروضی زبان پارسی نیز در عصر صفاریان سیستان و غزنویان و غوریان پرورش دیده بنا بران عروض عرب هم بر اشعار پیشو اثر کرده است.

چون در مملل آریائی اشعار مخصوص و منظومات از قدیمترین عصور موجود بوده، و آریانان هند بعد از عصر ریگویدا، اشعار مفصلی را دارا بودند، و باشعر و کلام منظوم سخت دلچیسی داشتند، علامه ابو ریحان الیرونی که بسی از آداب و عوائد و اصطلاحات هند را با تحقیقات مفصل خود راجع بهند نگاشته، از منظومات زیاد و وافر هندیها شکایت داشته، که تمام قواعد ریاضیات و فلک را منظوم کرده اند و احیاناً توانسته اند، که آنرا ذریعه اشعار خود خوبتر واضح سازند، وی هیگویید که هندیها برای اشعار خود بحور واوزانی را داشتند که خود بیرونی به تحریص آن زحمت کشیده و در کتاب خود شرح داده است!

الیرونی می نویسد: که شاید خلیل بن احمد هم طوریکه ظن بعضی ها است، شنیده بود که هندیها برای اشعار خود موازینی دارند (۱).

چون به تحقیق اهل خبر ت واز روی استاد محکم تاریخی، وطن اصلی آریانیها همین کشور عزیز ماست، و زبان ملی ماهم بالاسنة باستانی این نزد نهایت ربط و نزدیکی زیادی دارد، بنا بران اگر بقول الیرونی اوزان و بحور هندی آریائی که محل نشوونمای نقضتین آن خاک پاک وطن ماست، مبدأ و اساسی، برای واضح عروض عرب شده باشد، بعید نیست.

وهم ازین رو علت شهرت ودخول، و قبولیت سبک اشعار عروضی عرب را در زبان پیشو و پارسی می توان فهمید، والا مبادی اجنبی با این سلطان و جبروت در مدت کمی، مخصوصاً درالبله، مستحکم و مستقر نمیشود، تا که مراوده اجتماعی و علمی وادی قرنها صورت نگیرد، و دولت مدتها باهم نزدیکی نجوید.

به حال شعر پیشو در سبکهای اشعار عروضی آثار گرانها و نهایت بلند و نیکی را داشته، و درین قسمت خیلی مستعد، و دارای سرمایه های فیزی است، که من در سطو رذیل مختصر آزان یادی خواهم نمود:

### الف: سبک قدمای عروضیین

این سبک از قدیمترین روشهای ادبی زبان ما بوده، و بعد از عصر سلطان محمود غزنوی شهنشاه معروف افغانستان (۳۸۷-۴۲۱ھ) باششت حریقی و مدنی افغانها زندگی یافته است.

(۱) الیرونی ص ۷۱.

چنانچه در صفحات دیگر این تاریخچه گذشت زبان ملی ما پیش ازین هم اشعار و سرودهای خصوصی داشت ، که از الجمله تراویه های ملی (اندی) و بدلهای ملی است ، که از نفا یس آثار بدیعی و ادبی ما شمرده میشود .

چون بدختانه ایشگونه اشعار و ذخایر فیض ملی را کسی تا کنون تدوین نموده ، بنابر ان قسمت بزرگ آنرا سیلاپ ازمنه ودهور با خود برده ، ومارا به تنگدستی ادبی مبتلا ساخته است . ورنه اگر اکنون هم در قلل جبال ، ووادیهای عزیز « پیشو نخوا » کاوش و جستجوئی کنیم ، بسی از آثار گرانبهای ملی را می یابیم ، که علاوه بر ارزش ادبی ، قیمت تاریخی را نیز داشته ، وزوایای تاریخ ملی ما را روشن میکند .

برای مثال یک اندی ملی را در سطور آینده باروایات تاریخی تطبیق میدهیم :

داستان عزیمت <sup>۴</sup> فغانها را با سبکتگین و سلطان محمود ، مؤرخ آنحضر ابو نصر محمد بن عبدالجبار العتبی در حدود ( ۴۱۵ ه ) چنین نگاشته که پیشتوانها مانند اجل ، یا به مثل شیران گرسنه بر دشمن می تاختند ، کوتول هارا می نور دیدند ، مانند برق در چنگلها می آمدند ، و همچون آهو بر کو هها می برآمدند ، و مانند سیل در دردها و نشیب ها می افتادند ، و در اوقات وقوع مهمات با سبکتگین همراهی داشتند ( ۱ ) .

در مؤخرین ماه بعد نعمت الله و خانجه نخان این داستان را تازگی بخشیده و می نویسد :

بعد ازان درسته . . . . حق تعالی سلطان محمود غازی را بسلطنت معزز ساخت ، و دیار عراق و خراسان و مواراء النهر تا حدود دریای سند بحوزه تصرف اود رآمد ، نه کس از رؤسای افغان که اسمی شان در کتب تواریخ باین وجه مسطور است ، چنانچه ملک خانو ، ملک عامون ، ملک داؤد ، ملک یعیی ملک احمد ، ملک محمود ، ملک عارف ، ملک غازی بخلاف مسلطان محمود غازی آمده بشرف ملازمت مشرف شدند ، . . . . و این جماعت را بخد مت خود گرفته و بعزمیت انهدام سومنات هندوستان توجه فرمود ، . . . . درین سفر هر جا کاری مهم صعب روی میداد ، این جماعت افغان را تعیین می نمود ( ۲ ) .

این روایات که بسال ( ۴۱۶ ه ) دروغه سومنات مرافت افغانها را با سلطان محمود می ساند ، باروایات محلی و خصوصی افغانی نیز تائید میشود ، مثلاً مخزن افغانی یکی از جنرال های افغانی سلطان محمود را ملک خانو می نویسد ، چون رفت و آمد عساکر شاهنشا هی از غز نی بهند زیاده تر از معتبر گومل می بود ، بنابران دریکی از لشیهای ملی که محظوظ یکی از دلبختگان افغانی در لشکر ملک خانوی مذکور بهند رفت ، محظوظ با اشتیاق و لع به دره گومل رفتن

( ۱ ) تاریخ یعنی .

( ۲ ) مخزن افغانی قلمی .

خود را برای دیدار یار چنین سروده است :

چه د خانو لپهکری راسی زه به گومل ته د خیل یارلیدن له نجه  
مؤخرین متأخر چون شیر محمدخان درخورشید جهان ، وسادات خان تورترین در خصائص السعادت  
و دیگران نیز ملک خانورا یکی از خوانین بزرگ محمود نوشته اند . ازین تطبیق ظاهر می شود که  
اعمار ملی ماهی قدمیم ترین زمانها علّق میگیرد ، که درین چند سطراً بطور نمونه به آن اشارت رفت .  
چون مقصد اصلی درینجا بحث و تدقیق اشعار عروضی پشتواست بنابران میرویم به مقصد .

۱- شیخ اسماعیل سهر بنی : یکی از قدمای شعرای عروضیین که آثارش بما رسیده شیخ  
اسماعیل ولد پیغمبر مشهور است که بر وايت نعمت الله و خان جهانخان یکی از عرفای بزرگ‌تر عصر  
خود بود ، و بر کوه سلیمان مدفن است ، مطابق به ذکارش این مؤخرین ، اسماعیل معاصر  
شیخ احمد ولد شیخ موسی است که این شیخ احمد پدر معروف فطب الدین بختیار افغان است (۱)  
چون فطب الدین به قول اغلب مؤخرین در (۵۷۵هـ) متولد گردید (۲) بنابران زمان  
حیات پدرش را بعد از (۵۰۰هـ) قیاس کرده و سنتات زندگانی شیخ اسماعیل را هم در حدود  
همین سالها تخمین میکنیم :

اسماعیل سه بنی از شعرائی است که در سبک قدمای عروضیین جایگاه بلندی دارد ، و سلیمان  
ما کو یک قطعه منحصر بفرد شعرش را بمسپرده است . و آن قصه این است :  
تبته و رکره له ابلیسه چه ابلیس این پنکاره شی  
هله و رکره پلو شه شی قول نزی توره تیاره شی  
سری وران شی له ابلیسه غوش دیس به کتاره شی  
که هر چه ابلیس خرخ کر نوبی هله لنداره شی  
که سری ابلیس ته پر شو

نو پر کور دوره ناره شی (۳)

به این طور اسماعیل پسر بیهوده جد مشهور افغان یکی از شعرای قدمای عروضیین بوده و  
قطعه اخلاقی فوق ازو در دست است ، و مدفن این شیخ بزرگوار را طور یکه نعمت الله بر کوه  
سلیمان نوشته ، سلیمان ما کو نیز آنرا تأیید میکند و همیگوید که من بزیارت آن بزرگوار رفته  
و مشرف شده ام (۴) .

۲- دو یعنی شاعر بزرگوار دوره عروضیین قدیم ، اکبر زمین داوری است ، چنانچه  
گذشت از اشعارش بیداست که وی معاصر دوره تیمور گور گانی است ، و از تاخت و تاز آن

(۱) نخن افغانی قلمی .

(۲) دیده شود فرشته ، نخن ، خبر الواصلین .

(۳) اوراق قلمی تذکرہ سلیمان ما کو .

(۴) تذکرہ قلمی سلیمان ما کو .

جهان کشای معروف می نالد .

طوریکه بیشتر گفته ای کبر هم در شعر ملی دستی دارد ، وهم در اشعار عروضی ازوی بر جسته ترین آثار در دست است : ووی راشا عرب سبکین و نامور طبقین نامیده می توانیم . اشعار عروضی اکبر خیلی جذاب و متین ، و از نقطه نظر قدمات نیز خیلی فیمت دار و بر جسته است ، اینک نمونه اشعار عروضی وی :

### مثنوی

زه عاشق یم یار هم نیز !  
نور خه نسلر و تمیز !  
هم پخیل عشق صادقان یو  
یو پسر بله عاشقان یسو  
چه نژدی نه یو مهجور یو  
یو پسی رنگو ر یو  
بیدا کری خموز مولادی  
عشق که بنده دی که بلاذری  
میمه شی دوی پردا جهان خوک  
که زغ نکا عاشقان خوک  
که روشنی مسلمان وی  
خوبه دولده شهیدان وی  
زمه که مخ په اوینو سور کرم  
زمه که داده شهیدان وی  
شه تهمت به پر یار نکرم  
لا یق دا چه دازه و کرم  
ولی هر خای زه پیلتون کرم  
ولی هر خای زه پیلتون کرم  
هم اشنا خوار کرم هم خان  
بیا تهمت کرم پر دوران

### غزل

د خیل محان له حیرانی خه و بیل کرم  
د عشق ویر به تل پخیله پتو ل کرم  
ما مدام لکه بورا پر گلو گیفت کرم  
او س به کرم یه سرتور سرفراق دگل کرم  
د غماز لرمون به زه په لمبه کنیه ز دم  
د غماز لرمون به زه په لمبه کنیه ز دم  
تحما دیار دمینی اور په زده کشی بل دی  
تحما دیار دمینی اور په زده کشی بل دی  
د پیلتون له ویر ه زادم او سنی وینی  
د پیلتون له ویر ه زادم او سنی وینی  
زه «اکبر» پر خیل اشنا دسر بندل کرم

۳: دیگر از قدمای عروضیین بینتو شیخ عیسی مشوانی است ، و مشوانی بقرار اشاره نگارندگان علم الانساب و اسماء الرجال پیشتو شعبه ایست از کاکر ، که بتداد قلیل در کوهه امن کابل و بعضی در حصص هند متفرق است (۱) شیخ عیسی با شیرشاه سوری شهنشاه مدنت پرور

(۱) حیات افغانی ص ۴۱

و بزرگ افغان در هند معاصر بوده ، و بتصریح نعمت الله در مخزن ، مسکن شیخ عیسی «دامله» است که در آنجا اموال و عقاری داشت ، وقتی شیرشاه از ضرف شیخ عیسی ساعت و بدگونی کردند ، کدوی شراب میخورد ، ولی مقتض شیرشاه در صراحیش شیر یافت (۱) سوانح دیگر این شاعر بما معلوم نبوده ، ولی مخزن زمانه زندگانی وی را در عصر شیرشاه سوری تعیین میکند ، چون جلوس شیرشاه در (۵۹۴۸) است ، بنابران زمان حیاتش را بعد از (۶۹۰۰) تخمین کرده می‌توانیم ، مخزن افغانی در (۱۰۱۸هـ) را جمع به شیخ عیسی چنین می‌نگارد .

نقل است که شیخ عیسی در توحید باری تعالی شعر پیشتو و پارسی و هندی هم میگفت ، چنانچه دو سه کلمه بجهت یادگار از شعر ایشان مرقوم نموده شد (۲)

بعد ازین صاحب مخزن سه بیت از اشعار عیسی رانگاشته ، ولی چون متأسفانه نساخین مخزن به پیشتو نمی‌فهمیدند ، بنابران خواندن این اشعار مشکل ، و ظاهراً مسخ شده است ، تا حدیکه خوانده می‌شود و مابنفل آن اشعار می‌بردازم :

پیشله کار کپی پیشله انکار کپی  
جهک پر هایم ، کله می خوار کپی  
نه نه قا در بی ، صفت دی دادی  
کله می نور کپی ، کله می نار کپی  
کله می یار کپی ، کله اغیار کپی  
«عیسی» حیران دی په دی صفت کنی  
نعمت الله مناقب شیخ عیسی راز یاد می شمارد ، ووی را از اجله اولیای افغان می آورده  
واز مضمون ایات مذکور هم می براید ، که شیخ متصوف باجرأتی بوده ، ومثل حضرت خواجه  
عبدالله انصاری هروی رحمة الله عليه باجرأت سخن گفته است ، که از اسرار خصوصی حضرات مشایخ  
ومتصوفه است رحمة الله عليهم .

### خواص و منایای این سبک :

سبک قدمای عروضیین در دوره بعد از سبک گذشتگان و اجداد بزرگ پدید آمد ، بنابران از یکطرف بسی از منایای سبک گذشتگان و مردان نخستین را حاوی ، و از طرف دیگر هم تار مادی و معنوی را از ادب دیگران در خود پذیرفت مثلاً :

- ۱- از حیث سلاست و روانی و سادگی اداء و روش گفتار بی تکلف و غیر متصنع به سبک قدماه و اجداد بزرگوار مانند است ، تکلف و بیچیدگی ، و تعقید و ابهام را دران کتر راه است .
- ۲- از حیث فکر و مضمون ، مضامین عشقی که در اشعار بزمی و عشقی عربها بعد از دوره جاهلی در عصر تمدن و پختگی تفاوت عیاسی و بقداد ، وهکذا در اشعار ابتدای دوره مفول در پارسی

(۱) مخزن قلمی

(۲) مخزن قلمی

دیده می شود ، در پیشتو هم سبک قدمای عروضین آمیخته ، و شعراء مثل مشنو یها و غر لیات عشقیه دیگران سروده اند .

۳: عروض و قافیه را بصورت اتم و اکمل در سرودها و اشعار خویش مراعات ، و از اقسام اشعار ، مشنوی ، غزل ، قطعه ، قصیده وغیره رامانده اند .

۴: تمام اصطلاحات اشعار پارسی که در دوره مغل سبک عراقی زبان پارسی درآمده ، از قبیل می ، ساغر ، دیر ، وغیره درین سبک بزبان پیشتو آمیخته ، وعلاوه بر ان مضامین و افکار شاعرانه به اصطلاحات تصوف و عرفان نیز اداء شده ، واین خود اثری است که محیط آن فته بزبان پیشتو انداخته است .

این بود گذارش کوتاه خواص و مزایای سبک قدمای عروضین پیشتو که نگاشته آمد ، حالا می رویم که سبک دوم دوره عروضی پیشتو را شرح دهیم .

### ب : سبک روشنانی ها

بعد از دوره قدمای عروضین که پیشتر ذکر رفت ، در شعر پیشتو دوره روشنانی آغاز ، واژ (۹۰۰ه) بعد این سبک فروغی بخود میگیرد :

در مبحث سبک خیرالیان شرح دادیم ، که بازی ید بنعبدالله مشهور به بیرون شن چه روی را در زمینه ادب پیشتو بازی کرد ، این شخص دسته از مریدان واردات کیشانی را نیز ماند ، که در اشعار پیشتو عروضی آن ، خدمت جاویدی بزبان خود کردند .  
بیرون و هفکران بازی سبکی را در پیشتو آوردند ، که با سبکهای ماقبل و مابعد مغایرت کلی داشته ، و اشعار عروضی را رونق و فروغی دادند .

سبک روشنانی ها در میزات ذیل از دیگران جدا می شود :

۱: شعرای این سبک در اشعار پیشتو اکثر اقسام شعر را که عبارت از غزل ، قطعه ، رباعی ، و فصائد طولی است داخلی ، و دامنه اشعار را وسیع ساختند ، قصائده درازی را که حاوی مدح ، رثا ، و دیگر مباحث مدلکیه شانست ، سرو دند .

۲: اصطلاحات عرفانی و تصوف ، و دنیای مجردرا به تعداد خیلی زیاد بزبان پیشتو داخل کرده ، و اشعار خود را به بیان مسائل مطلق تصوف از قبیل وحدت وجود و شهود و مراتب اذواق روحی والهم وغیره مقامات تصوف مخصوص کردند ، و در مباحث فلسه ماوراءالعاده و تصوف افتادند ، واینگونه مطالب را در غزلها و فصائد وقطعات شعریه خود آوردند .

۳: از حیث استعاره و تشبیه و کنایه و تلازمات شعریه نیز از سبک قدماء که ساده محض بود برآمدند ، و شعر خود را به زیور صنعت وبداعت آراستند ، و فنون بدیع و بیان وغیره را بصورت ابتدائی مراعات کردند .

آمده اشخاص ذلند :  
کسانیکه درنشر و توسعی این سبک کار کردند، از روی معلوماتیکه تاکنون بدست

۱:- مخلص : این شخص به تصریح دولت که یک نفر شاعر معاصر پیر روشن واز جمله اتباع ویست ، علی محمد نام دارد ، ودولت وی را خلیفه پیر روشن گفته و مراثی درازی را بمناسبت وفاتش سروده ، که ازان مترلت بلند علی محمد درسلک روشنایان ظاهر می شود .

علی محمد (خلص) تخلص داشته و دولت وی را زیاد می‌ستاید، و در شاعری هم به‌وی تسليم است آنجائی که همیگوید:

بی مرزا، بی ارزانی بی مخلص یاره  
بل شاعر برابر ندی پشتون ستایو  
علاوه بر ان یکنفر شاعر همسلاک و معاصر دیگر « مخلص » میرزا خان انصاری نیز ویرا  
جنین می ستاید :

ای میرزا له پا کو پاکه وینا وایی دخالص کلام شیرین دی معتبر شو  
از روایات این دونفر شاعر معاصر، بما آشکارا میگردد که مخلص دارای کلام شیرین  
و جذابی بوده، که معاصرین را هم به تسلیم و ستایش واداشته است.

چون دولت و میرزا بعداز سال (۱۰۰۰ه) زنده بودند، بنابران حیات مخلص هم در حدود همین سالها متین است، اخوند درویزه که از مخالفین آهنین این گروه است ملا علی را از برادران ارزانی خویشکی می‌شاردد که از هند آمده، و باز پریدرا تقویت دادند، و از نزدیکان وی بودند (۱) بنابران قرین قیاس است که همین ملا علی اخوند در ویزه عبارت از مخلص باشد، زیرا اخوند درویزه عادتی دارد که مخالفین خود را بنام کامل ذکر نمی‌کند، و به نیمه ساختن نامها، آنها را تحقیر می‌کند مستر را ورتی در دیباچه گرامر خود از یک قصيدة قاسم علی افریدی یکنفر شاعری را بنام مخلص نیز ذکر می‌کند که بالاشیوه همین مخلص روشنانه است.

بهر صورت اکنون ما زیاده ازین درباره مخلص معلوماتی نداریم، ونه نمونه کلامش بما رسیده است.

۲ - ارزانی: این شاعر از اعیان وارکمان بزرگ روشانی هاست که به تصریح اخو ندرورویز در تصنیف خیرالبیان نیز بهره داشته، و «سه برادران بودند از افغانان خوشکی کیکی ملا ارزانی دویم ملا عمر سوم ملا علی و ارزانی چون شاعر تیز فهم و فصیح زبان بود شعر افغانی و فارسی و هندی و عربی بیان کرده، و ارزانی کتابی را نیز تصنیف کرده و آنرا (چهارما) (۲) نامیده، و بعد از چندی از پیر تاریک، ارزانی جدا شده،

(١) تذكرة الابرار والاشرار ص ١٤٩.

(٢) كندا في الأصل .

باز بهند رفته اما دو برادر او همراه او مانده « (۱) ».

از شعرای معاصر ارزانی ، دولت مقام وی را در بیتکه پیش ازین ذکر رفت نشان میدهد خوشحال خان هم در عالم افتخار شاعرانه نامی از ارزانی می برد و گوید « مسخره می ارزانی خویشکی زمند کنم ».

رحمان بابا هم درین چنین مقام می سراید :

دیرزا دارزانی دعوا به پر بکا  
قدر دان دشاعرانو رحمان راغی  
ازین تصریحات بر می آید ، که در عصر خوشحال و رحمان ، اشعار ارزانی شهرت بسزائی داشت ، که شعرای نامور مثل خوشحال و رحمان بابا را به مقابله بر انگیخته است .  
چون ارزانی معاصر بازیید بوده ، بنابران زمان حیات وی را در حدود سال هزارم هجری تخمین متوان کرد .

مستر را ورتی بحواله‌یک قصيدة فاسق علی افریدی ذکری از ارزانی می کند (۲) و دارمستر نیز وی را از قدمای شعرای پیشوای شمارد (۳) .

۳ : عبدالله : از معاصرین روشنانی هاست ، و بقول درویزه . پسر ملا رکن الدین بوده ، و از پنج پسرش که بدنا آمدۀ عبدالله شاعر زبان پیشوای نیز بوده و برادر دیگر ش نعمت الله نیز دارای رسائل و تألیفی است (۴) بدون این قدر ذکر اخوند در ویزه دیگر چیزی از عبدالله در دست نیست .

۴ : میرزا خان انصاری : از مشاهیر سبک روشنانی هاست که فتح خان نامداشته و میرزا تخلص میکرده است را ورتی راجع به وی چنین می نگارد :  
که شاعریست مشهور و صوفی مشرب ، که کلامش بجموعه تصوف است و در سال (۱۶۸۶ع) مطابق (۱۰۹۷ه) در محاربات اورنگ‌زیب درد کن خدماتی را انجام داده است (۵)  
میرزا از شعرایی است که از طرف شاعر معاصر خود دولت زیادتر ستوده شده ، و مراثی درد ناکی راجع به شهادت وی در جنگ دکن سروده ، و تاریخ شهادتش را (۱۰۴۰ه) تصریح میکند :  
دد کن په جنگ شهید شو خوشنود او سه یه تاریخ دزركلوبیت کشئی گذرو  
دولت وی را از بزرگترین نمایندگان اشارات بازیید مشهور میداند ، و از بیانات خود میرزا واضح است که

(۱) تذکرة الابرار والاشرار ص ۱۴۹ .

(۲) مقدمه گرامی آف پیشوای .

(۳) دیپشوخوا دشعرهارو بهار ضبع پاریس .

(۴) تذکرة الابرار والاشرار ص ۱۷۰ .

(۵) مقدمه گرامی پیشوای .

از مهندر قریب‌دره خیر بوده، و غالباً بقول راورتی از قوم یوسف زئی است، میرزا دارای دیوان اشعاری است که درین متقدمین و متأخرین شهرت داشته و خوشحال خان هم میرزا را از کسانی میداند که در پیشتو اشعار موزون عروضی رایش ازوی گفته است، خوشحال راست:

له جانه په پیشتو کنی ما میز ان لیدلی ندی میرزا په داز بان کن و بیل کری دی تلی

از دیوان میرزا یک حصه را راورتی در گشن رو و طبع کرده، و اخیراً از طرف ملا قطب اخوند فردوسی بعد (۱۲۰۰) شرحی نیز بران به پارسی نگاشته شده، که اشعارش عموماً عشقی و دارای مضامین مغلق و بیچیده تصوف است، وازان می‌برايد، که‌وی فائی به وحدة الوجود بود، و عقايد را هر خود «بایزید» را خوب بلباس شعر درآورده است.

۵- دیگر از مشاهیر سبک روشانی شیخ دولت‌الله پسرداداو فوم لوحانی (لوانی) حسن خیل است که به تصریح خودش مادر وی از قوم مردم ورد گک بوده، و مستر راورتی که‌وی را به غلط شخص جدید اسلامی نامیده، (۱) این اشتباه ناشی از نام (شیخ) است که در هند جدید اسلام را شیخ گویند، ولی چون خودش واضح‌ا حسب و نسب خود را نشان داده بنابران برای چنین اشتباه موردی نیست.

دولت از عماید مسلک پیر روشان بوده، و در دیوان خود قصائد زیادی را در مدح او لاد و بیر روشان سروده و آنکه باران همسلک خود را یامدح یا مرثیه گفته است.

از مضامین اشعارش ظاهر است که دولت ناسن چهل سالگی رسیده، و تاسال (۱۰۵۸) زنده بوده و هدین سال مرثیه‌یکی از اختلاف بایزید را گفته است (۲)

دولت شاعر مغلق وزیر دستی بوده، که دیوان اشعارش تایپ چهره را بیت‌میرسد، وازان اقسام شعر، غزل، رباعی، مثنوی، قصائد، و قطعات بر جست‌آرد، کلامش جذاب و شیرین است که بلندی فریحه، و مرتبه علمش ازان واضح می‌گردد.

دولت در شاعری پیشتو مقام بلندی دارد، واولین شخصی است که بیان مقامات بلند تصوف و مسلک خود را بالاظ شیرین و شعر رنگینی درآورده، و قوت طبع و زور فریحه را نشان داده است.

۶- واصل: خوشحال خان این شاعر را همایه دولت ویش از عصر خود شمرده و چنین گفته است:

که دولت و که واصل و که دانوروه په خبر و می دهريوه ريشخند ڪر

وازین تصریح خوشحال خان واضح است که واصل از دوره ایست که سبک روشانی ها دران رواج تمامی داشت، میرزا خان شاعر متأخر فندهار نیز ذکری از واصل می‌نماید،

(۱) دیباچه گرام پیشتو طبع کلکته.

(۲) دیوان قلمی دولت متعلق بکتب خانه پیشتو قوشه.

ومعلوم میشود که دارای دیوان و اشعار شیرینی است. «بنه شیرین اشعار ویلی دی «واصل»

### ج. سبک ملا الف

در حدود سال هزارم هجری که سبک روشنای ها درست مشرقی افغانستان و سواحل اتل فروغی داشت، در طرفهای قندهار نیز یک سبکی را می یابیم، که آثار آن جسته دیده می شود، این سبک را ماسبک ملا الف نام می نهیم، چون سابق ترازوی شخصی بن معلوم نبوده، واگر باشد به کشف آثارش مؤفق نشده ام.

سبک ملا الف دارای خواص و میزبانی است، که در سطور ذیل کوتاه می شود:

- ۱: از حیث معنی و مضمون نزدیک است بسبک خیر الیان و اخوند درویزه ننگرهاری یعنی تماماً از مضماین دینیه و اخلاقیه باحت است، ولی از جنبه تحقیق بران سبقت می جوید، و از منقولات دینیه بحث و بیان میراند، وهدف اشعار، اصلاح اخلاقی و دینی است، نه مقابله.
- ۲: اشعار یکه درین سبک سروده شده، حصه اکثر آن مثنوی است که مضماین دینی را از عربی به پنتو منظوماً ترجمه کرده اند، و عقاید اهل السنّه را شرح داده.
- ۳: درین سبک صنایع و بداعی شعریه کمتر دخلی دارد، و با الفاظ بی تکلف و بیانی ساده مطالب خود را در شعر آورده اند، واستعارات شاعرانه را دران راهی نیست.
- ۴: بحور اشعار آن هم کوتاه و بریده انتخاب شده که خواننده زود بمقصد اشعار رسیده می تواند.

۵: باین سبک اغلب کتب درسی پنتو سروده شده، که در عصرهای قبل در اکثر حصص پنتوخوا در نصاب ابتدائی تدریس عمومی داخل بوده، وزنان و مردان آنرا می خواندند، و ذریعه آن به احکام و اعمال ابتدائیه و عقاید لازمه اهل السنّه آگاه می شدند.

سبک ملا الف در اطراف قندهار مدت‌ها ذریعه افاده و استفاده علمی فرار گرفت، و کتیبه‌یکه باصول سهل و ممتنع بین سبک می نگاشتند، مورد استفاده عمومی و اقام میگشت!

گفتم شخص نخستین‌که آثارش درین سبک بمن رسیده و معلوماتی از او در دست است، ملا الف نامدارد، که در قرای (اقغر) کلات سکونت داشت و اصلاً هم هوتك بوده است.

ملا الف شخص جها ندیده و سیاحی بود، که مدت‌ها دور از مسکن خود به تحصیل علم می پرداخت، و در آنجا از استادش ملا محمد عظیم استفاده می فرمود.

ملا الف در حدود سال هزارم هجری می زیست، و سبک او زان و الحان ملی که اثر قدماء است نیز یک نصیحت نامه را منظوم ساخته، ولی کتاب دیگر ش در مثنوی خفیف (بحر الایمان) است که بسال (۱۰۱۹هـ) آنرا نظم کرد، وزیر عناوین عربی عقائد اسلامی را شرح داد.

ملا الف در تمام اشعار خود ، قیافت یک نفر مبلغ را بخود میگیرد ، و نصایح گرانبهائی را میدهد ، سبک ملا الف بعداز وو سعت یافته ، واغلب پیروان این سبک اخلاق و عقایدو قصص وسیر راهم بدین سبک منظوم کردند ، اینک نهونه از کلامش منقول از بحر الایمان :

راشه وا وره اي فر زنده تاته وايم ارجمنده  
 ته دیاک نبی پر لارشه دنی پر لاره ولا ر شه  
 بیرون مه اخله نیکخویه یوقد م له شر عی زو یه  
 که بیرون یوقم کتبپزدی دنی شرعه به پر پزدی  
 نصیحت کوم وتا ته مه جا روزه بله خوانه  
 تاته وايم خما خان یپی لادخان راباندی گران یپی  
 خمو بز پلار یو و همدمه دغه یو با آدمه  
 نور به خه محبله جدا یو چه جدا پر بله خوا یو  
 نصیحت می کرده قبو له پر ته مه بنوره ملو له  
 مجلس گرده دصا لجینو فاستی مکرده دبی دینو  
 هر مجلس لره اثر دی !

په حدیث که دی باور دی

۲: شخص دیگری که در سبک ملا الف آثارش در دست است ، مر حوم ملا شیر محمد هو تک است ، که بسال (۱۰۹۲ھ) در قندهار متولد ، و از علمای معروف عصر خویش بود .

ملا صاحب اوقات جوانی خود را به تحصیل علوم در هرات و ایران سپری و بعد ازان پس بقندهار برگشته و به تعلیم و تصنیف پرداخته است ، شیر محمد بعمر (۸۳) سالگی به سال (۱۱۷۵ھ) در قندهار از دنیا گذشت ، وبطرف غرب قندهار در تکیه ملا شاهو مدفون گشت ، وی در منطق و علوم دینیه دستی داشت ، و آثاری را به سبک ملا الف به لهجه عالمانه و متین در پیشو سروده که حاوی بر ماضیان اخلاقی و وضعی و نصیحت و عرفان است .

شعرش ساده وی تکلف است ، یک کتاب منظوم ش اسرار العارفین نامدارد ، که به منوی خبیف از کتب معتبره دینی اخذ واقیعاً شده است ، یک اثر دیگر ش هم تجوید افغانی منظوم است و این آثار وی را در رأس شعرای سبک ملا الف فرار میدهد .

۳: شیر محمد ننگرهاری : که پس از سال (۱۱۰۰ھ) می زیسته ، و اشعار اخلاقی و دینی و مواضع راسر وده ، ازین قطعه ، نازکی فکر و طرز حیاتش خوب آشکارا می شود :

یا گوشه وای له سدیو پر آسمان باندی سحاب وای  
 یاعاشق وای پر مهرویو یامعشوق لکه آفتاد وای

چهند اشوی له هفه شوی شیر محمد کشکی ترابوای

۴: حضرت میان فقیرالله جلال آبادی ولد عبدالرحمن و از حصارک سمت مشرقی است، جناب شان از اعاظم مشایخ طریقت و عرفان بوده، و در علم و عرفان و تصوف اسلامی مرتبی دارد شامخ که بسی از بزرگان طریقت و مشاهیر زبر دست این روش است ازوی استفاده کرده اند جنابش در حدود (۱۱۵۰ه) حیات داشته، و در شکار پور سنده مرکز ارشاد بوده اند در عربی آثار شان زیاد است که از انجمله فتح الجمل فی مدارج التکمیل، فیوضات الہیه و مشهورتر همه قطب الارشاد و مکتوبات نفیس شان است در پارسی، و منظوماتی هم بعربي و پارسی دارند، میان صاحب از شعرای سبک ملاطف در زبان ملی نیز بوده، و کتابی بنام فوائد فقیرالله در پیشتو منظوم فرموده اند، جناب شان در حدود (۱۱۹۵ه) در شکار پور وفات و مرقد منور شان زیارتگاه عوام است.

اعلیحضرت احمد شاه با بای کبیر نیز به وی ارادتی داشت، و از مرائب علمی شان استفاده می فرمود.

۵: ملاعبدالرشید: ولد سلطان حسین ولد عبدالرحیم قریشی است، که در ملتان خاندان شان مرکز علم و فضل بوده، و در عصر سلاطین مغولیه اعزاز اتی داشتند، عبدالرشید از انجا به لنگر کوت آمد، و بسال (۱۱۲۹ه) کتاب معروف رشیداللیان را به پیشتو منظوم داشت (۱) و تمام مسائل ضروریه و مبادی فقهیه و عقائد را دران گردآورد روش یافش سهل و ساده و در عین زمان بلغ و دلچسپ است، وی از ارکان مهم سبک ملاطف شمرده میشود، و کتابش تا امروز مورد استفاده عوام است، و در پیشتو کتابی را باین شهرت نمیدهد ایم.

۶: سعادت خان: ولد عبدالرحمن که در کابل و رهنس و ننگرهارسکونت داشته، و در سالیکه نادرشاه افشار بر هند می تاخت، در کابل بوده و شاگرد محمد سعید لاهوریست، وی کتابی را بنام کیمیای سعادت در (۱۱۵۰ه) بسبک ملاطف پرداخت (۲)

۷: جان محمد اصلاً از حدود ننگرهار پیشاور است که در حدود (۱۱۵۰ه) حیات داشت و کتابی را بنام نورنامه نوشت، اشعارش رنگ اخلاقی و دینی دارد، و گاهی غرایات عشقی را نیز می سروده است.

۸: ملا فرج الدین: مشهور به اخوند صاحب و از مشاهیر عرفانی دوره احمد شاهی است در فندهار، کبسال (۱۱۵۹ه) متولد و بسال (۱۲۴۱ه) بعمر ۸۲ سالگی در فندهار وفات و همدرانجا مدفون است، وی از جناب میان فقیرالله صاحب شکار پوری استفاده و استفاده فرموده (۳)

(۱) رشیداللیان (۲) کیمیای سعادت.

(۳) مکتوبات میان فقیرالله (رج)

ودرقندهار بزرگترین اولیای عصر خود شمرده می‌شد ، اخوند صاحب در پشتون کتابی را بنام تعداد الکبائر به متنی خفیف منظوم فرمود که تادوهزار بیت میرسد .

۹ - محقق قندهاری : علامہ مشهور حبیب الله معروف به حبواخند زاده کما کپری قندهاری است ولد ملا فیض الله که از مشاهیر علمی فرون اخیر افغانستان است و شهرت علمی وی در آفاق ییجیده ، علامہ مرحوم بسال (۱۲۱۳ه) در عصر شاه زمان سدوزی در قندهار متولد ، و تحصیل علوم رادرهند و ایران و افغانستان فرموده ، و از استادی و معاصرین علمی شان مرحوم ملا احمد ابدالی است در قندهار ، و مرحوم ملا محمد اعظم تره کی در مقبره ، و بامولوی اسماعیل مجاهدمشہور سرحدی نیز مراودات داشت .

۱۰ - لیف شان در علوم شرقیه بعربی و پارسی زیاد است ، که از شهکارهای علمی شمرده میشود حضرت علامه در رمضان (۱۲۶۵ه) بعمر ۵۲ سالگی وفات و در قندهار مدفون است .

از اشعارشان در پشتون کتابی است بنام منهاج العابدین که بسال (۱۲۳۶ه) از نظم آن قارغ شده اند ، و از آثار اولیه ادبی پشتون محسوب میگردد ، و متشتمل است بر ابحاث عرفانی و عقاید و معاشرت .

مراتب علمی و بلندی مقام شان در منقول و معقول خیلی مشهور است ، که مراتب ادبی شان را تحت الشاعع قرار میدهد ، ولی ماجناب شان را از اذباء و خدمتگاران ، زبان پشتون نیز میدانیم ، که این خود برای یک عالم بزرگ و دانشمند متبحر افغان ضرور است .

۱۱ - ملا زبر دست کاکر ، ولد کرم خان و ولد جلال قندهاری است ، که در حدود (۱۲۰۰ه) زنده بود و کتاب روضة النعیم را بسال (۱۲۲۶ه) به پشتون منظوم داشت ، این کتاب متنی است در بحر خفیف که مضامین آن اخلاقی بوده ، و سبک خود رادران خوب پرورد است .

۱۲ - مولوی عبدالمجید کاکر : از دود مان علامه محقق حبیب الله قندهاری است ، که در علوم مروجۀ عصر دستی داشت و خطاط زبردستی بود ، وی در سال (۱۲۲۶ه) در قندهار متولد ، و بسال (۱۲۸۶ه) بعمر صحت سالگی کتابی را در سیرت نبوی منظوم ساخت ، که فضیلت علمی وی از آن آشکار است ، این اثر در زبان پشتون منحصر بفرد بوده ، و در حدود سی تاچهل هزار بیت در دو جلد ضخیم خاتمه می‌یابد ، و مؤلف دانشمند آن هیچ سخنی را بدون سند محکم نمی‌آورد ، کلامش هم ساده و شیرین و متنی بحر خفیف بوده ، و از آثار نافعه پشتون است .

۱۳ - شخص دیگر یکه باین سبک شعر گفته صاحبزاده مراد علی کاموی ولد جناب عبدالرحمن السیلانی است که در حدود (۱۲۳۵ه) در کامه جلال آباد مسکن گزیده است ، مراد علی در سال (۱۲۲۰ه) متولد ، و در علوم متداوله دستی یافت ، و چندین جلد کتب را در موضوعهای دینی نگاشت ، که از آثار بر جسته اش تفسیر یسیر فرآن کریم است در دو جلد که بسال (۱۲۸۲ه) نگارش یافته . مراد علی در پشتون طبع روانی داشت ، و اشعار خوبی از اوی مانده است .

۱۳ : دوست محمد ختک : نواسه حاجی محمد اکرم و کواسه محمد زمانخان است، کویی ولد زرnam ولد پاینده خان ولد عبدالقدیر خان ولد خو شحال خان مشهور است، و محمد زمانخان از اکوره و مسکن خود کوچیده و قندھار رحل اقامت افغانستان است، دوست محمد چون اباً عن جد ادیب زاده بوده، و به بزرگترین شعراء پندر زبان پشتون خوشحال خان نسبت داشت، بنابران وی هم بسبک ملا الف اشعار زیادی را سرود که تعداد آن از سی تا چهل هزار میر سد، تولد دوست محمد در قندھار بعدود (۱۲۳۰ه) واقع شده است.

دوست محمد علاء بر آثار مشوره پشتون کتابی را بنام بحر العلوم در حدود بیست هزار بیت بسال (۱۲۹۰ه) و اخلاق احمدی رادرحدود یازده هزار بیت بسال (۱۲۹۲ه) منظوم داشت، وهمه این کتب حاوی است بر مواعظ و اخلاق و تراجم از آیات و احادیث شریفه، که تمام شعرای مکتب ملا افال برین طریق رفته‌اند، شعروی سلیس و روان و دارای مزایای شستگی و سادگی است، و هر دو کتابش مشنوی خفیف است!

۱۴ : از آخرین و نزدیکترین بیرون مکتب ملا افال، مرحوم ملا عبدالباقي کاکر است، که فرزند ملا عبدالرسول وزیر سردار کهندلخان محمد زائی بوده، و بعد از (۱۲۵۰ه) در قندھار متولد و بسال (۱۳۰۴ه) شمسی بعمر تخمیناً نواد سالگی به قندھار درگذشت، ملا صاحب‌عالی متبصر وجهاندیده و فکوری بود، و کتابی را بنام تبیین الوجایات لتخربی العادات در بحر طویل پشتون بصورت مشنوی در حدود شش هزار بیت منظوم فرمود، که حاوی مضامین اصلاحی و دینی و فقیهی است، کلامش هم بخته و متنی ولذیذ است.

۱۵ : اخوند کیم پشاوری از شاگردان متأخر مکتب ملا افال است، که کتابی را بنام معجزات در مشنوی پشتون منظوم، و بیان گارانده روش کلامش دلچسب و خوب است.

## د : سبک و مکتب خوشحال خان

بعد از سال هزارم هجری نهضت مخصوص، و جنبش شدیدی را در عالم ادب و شعر پشتونی یابیم، که معلم بزرگ و مؤسس اولین این نهضت همانا یکسفرسردار معروف و شخص آهنین پشتون مرحوم خوشحال خان ختک است که فریحه روشن ویلندش را بایه عروج رسانید، و او را میتوان استاد بزرگ و پدر ادب پشتون شمرد.

خوشحال خان سردار بزرگوار و شجاع قوم ختک در اکوره اتک بوده و پسر شهباز خان ولد یحیی خان ولد ملک اکوی است که سلسله نسب آنها بواسطه هژد هم به کران مشهور میرسد، که در انساب افغانی وی را پدر بزرگ اقوام

خنثک گفته اند (۱) خوشحال خان در سال (۱۰۲۲ ه) از صلب یحیی خان بدینیا آمدوپدرش از رجال بزرگ دوره شاهجهان مفوی بود، که در یکی از جنگها بسال (۱۰۰۰ ه) محروم وفات شد، واژ طرف شاهجهان، خوشحال خان پسر بزرگش، رئیس و مشر افغانان شناخته آمد (۲) ولی بعد از اسکه اورنگ زیب مفوی شاهجهان را اسیر و مقام سلطنت را بچنگ آورد، مناسبات این نامور افغان با مرکز دهلي خیره گردیده، و اورنگ زیب که به سبب نفوذ فوق العاده و مردانگی خوشحال خان از طرفش مطیع نبود، در صدد گرفتاری وی برآمد، و در رمضان (۱۰۷۴ ه) خوشحال خان را بلطفه العیل به پشاور جلب، و از آنجا تحت الحفظ بدھلی فرستاد، بعد از حضور بدر بار دھلی حکم جبس وی را صادر و چهار ماه در دھلی، و بعد از آن تامدت پنج سال در رشپور محبوس ماند (۳) .

خوشحال خان بعد از اینکه در نتیجه مردانگی یاران خود از جبس رها و بوطنش باز گشت برخلاف مظلوم در بار مغل علناً اعلام مصاف داد، و مردانه ایستاد، و بارها لشکر مغل را سخت کوفت، ودمار از روزگار شان برآورد، و به تقاضای فطرت افغانی: واحساسات پرشور خویش انتقام خود را پوره از دشمن کشید، و تا کمی توانست نماند، که قوای دربار مغل بر کوهسار آزاد افغان سلطنت چوید .

خوشحال خان بعد از یک دوره حیات خیلی دلیرانه و پرافتخار در حالی که بربان وملت خود خدمتها نموده و جان خود را درین راه باخته بود، بعمر ۷۸ سالگی بتا ریخ ۲۸ ربیع الاول (۱۱۰۰ ه) از جهان گذشت، و قام نیک جاویدی را در دنیا افغانیت و ملت ماند، و در وصایای آخرین خود همی گفت:

«مرا در موقعی دفن سازید، که آنجا گردم سروران سواران مثل راهی نداشته باشد» خوشحال خان فهرمان بزرگ، و قوانین دلیر و جنگجویی بود، که روح مایت را تکان داد و از طرف دیگر به اشعار آبدار خود ملت وزبانش را زندگی بخشید .

در تاریخ ادب پنتو، شخصیت بر جسته تر و شاعری بزرگتر را از خوشحال خان نمی ناییم بنابران وی را «پدر ادب پنتو» میدانیم .

خوشحال خان در مدت حیات پرافتخار خویش متجاوز از پنجاه هزار بیت، اشعار رنگین و قیمت داری را سرود، و شعر پنتو را رونق و فروغی بخشید، که بیش از آن فاقد آن بود، وی مؤلف بزرگ این زبان است که علاوه بر اشعار گرانها کتب متعددی را درین زبان نگاشته

(۱) حیات افغانی، مخون افغانی، خورشید جهان، تاریخ مر ص .

(۲) تاریخ مر ص .

(۳) رجوع به کلیات خوشحال خان جبس نامه .

وراورتی مؤلفات وی را تا (۲۵۰) جاه شمرده است.

خوشحال خان در فنون سخنوری قدرتی داشت، و فنون ادبیه چون بدیع، بیان، معانی وغیره را نیک میدانست، بنابران در پیشتوانم اقسام اشعار را داخل کرد و مکتب مهمی را تأسیس فرمود که بعد از اوی اخلاف و شاگردانش آنرا وسعت دادند، و شعر پیشتوان را باوج رسانیدند (۱) خوشحال در پیشتوان متکبر سبک مخصوص، و مؤسس مکتب معینی است، که دارای مزايا و خصائص ذیل است:

### خصائص سبک و مکتب خوشحال خان :

- ۱ : - سبک خوشحال خان شعر پیشتوانه و سیعی داد، علاوه بر غزل، و مثنوی و قصیده و راعی که پیشتر سروده شده بود، تمام اقسام شعر را که در عربی و پارسی موجود است، به پیشتوان سروده و علاوه بر آن بعضی از منظومات خوبی را که در پارسی نظری و بحور آنرا نمی یابیم، ابتکار فرمود.
- ۲ : - در سبک خوشحال خان هر گونه مضامین صوفیانه، اخلاقی، فلسفی، فکاهی، مدح، رثاء محاکات و دروس اجتماعی و تحریک به عواطف ملی و تلقین مزايا ملی را می یابیم، و بالفاظ کوتاه این سبک، سبک جهان شمولی است، که هر چیز را در آن یافته می توانیم.
- ۳ : - تنمیه و پرورش احساسات ملی، و اخلاق افغانی که به تعبیر خود پیشتوانها (پیشتوان و پیشتوان والی) است، در سبک خوشحال خان زیاد بنتظر می آید، و اشعار خود آن بزرگوار بهترین ممثل احساسات ملی است.

- ۴ : - درین سبک قصاید طولی راجع به یک موضوعی که شاعر پسندیده، سروده شده، و هر قصیده از حیث مضمون یک مقالت تاریخی یا مثلاً اجتماعی و تبلیغی شمرده می شود.
- ۵ : - در سبک خوشحال خان، صنایع بدیعی و تلازمات و تشبیهات دلکش داخل گردیده، ولی در اشعار سلاست و سادگی خود را قربان صنعت و تکلف نکرد، و شاعر این مکتب هم دورتر از دامان طبیعت نرفت، و بیچیدگی را به اشعار و سروده های خود جای نداد.
- ۶ : - احساسات حماسی ملی را پدر ادب پیشتوان در سبک خود استقرار بخشید، و پیر وانش هم کم کم تعقیب کردند.

- ۷ : - هجو و تبنیه هم در سبک خوشحال خان جای گزید، و مخصوصاً استعمار طلبان مغول را شعرای افغان مورد نکو هش قرار دادند، و در مقابل پیشتوان واله که جا مع صفات شجاعت و شهامت و قوت است بصورت منفی یا ضد آن مقاومه را استعمال کردند.

این اظهار نفرت از تقلب غیر روح این سبک شمرده شده، که اغلب شعراء از نظام مغوله

(۱) شرح این مجله را در مقدمه کلیات خوشحال خان بخوانید طبع قندھار از نشریات نگارنده

می‌نالند آن را ذم و ذکوهش می‌کنند.

۸ : در سبک خوشحال خان و مکتب وی انواع حکم و مطالب فلسفی، و اندرزهای مفید اجتماعی دیده می‌شود که شعراء آنرا مانند گوهر شاهوار بسلک نظم کشیده‌اند، و فلسفه‌های دقیق و اسرار زندگانی را صریح‌آیین کرده‌اند.

۹ : از نقطه نظر ارزش ادبی سبک خوشحال خان جامع ترین و بهترین سبکهای پنتو است چه از پهلوی معنی و چه از جنبه ادب و بهای شعری، قیمت دارد.

۱۰ : از حیث تعلیل و رنگینی آن نیز سبک خوشحال خان بهتر است، و مابله ترین و پر فراست ترین تغیلات شاعرانه را در آن می‌یابیم، بلکه خود خوشحال خان و بسی از شاگردان مکتبش فهرمانان دنبای تغیل بوده، و درین مزیت که رو حشعر شعر ده می‌شود، ابتکارها نموده، و از بداعت و فرائح اخلاقی کار گرفته‌اند، که نوترین و بدیع ترین ابتکارات ادبی را در آن راه است، و از پهلوی تغیل، این سبک خیلی رفیع و اکمل و سالم است.

### مکتب ادبی دودمان خوشحال خان

خوشحال خان بزرگ و پدر پنتو، بحیث یکسفر استاد دانشمند و هوشیار، مکتبی را در ادب پنتو کشود، که تمام افراد دودمان و پسران هوشمند خود را در آن پرورش داد، که بعد از او هر یکی بنوی خود علم سخنوری را در گوهه ساران ما افراد است، و شعر پنتو را رنگینی و بداعت بخشد، دودمان خوشحال خان در ادب پنتو سویین خاندان ادبی و علمی است، که بعد از خانواده بازید، و اخوند درویزه مرحوم ادب و شعر پنتو را پروردند، در دودمان نخستین احساسات دینی و مسائل تصوف مدار شعر و ادب همی بود، ولی در مکتب خوشحال خان با وجود رعایة روح مقدس دینی، احساسات ملی و حماسی و بزمی رانیز می‌نگریم، و همین مکتب است که دامنهٔ شعر و ادب را پهنانی عالمگیری داد، و شعر پنتو را از هر پهلو بر ته کمال وزیانی درآورد. اینک ما اولاً ادبی بزرگ دودمان علمی حضرت پدر پنتو را نام می‌بریم، و بعد از آن تمام پیروان سبک راهم می‌شناسانیم :

۱ : اولین شاعر بر جسته سخنگوی نامور یکه از مکتب خوشحال خان برآمد، پسر بزرگش عبدالقدیر خان است، که بسال (۱۰۶۲ھ) بدنا آمد و تا سال (۱۱۱۸ھ) نیز حیات وی یقینی است، عبدالقدیر خان مانند دیگر افراد خاندانش مدتها در هند نفی، و بحکم دربار مغل ازوطن عزیزش دور افتاده بود، و مدتی هم در کابل زیسته است (۱)

شعر عبدالقدیر عشقی، اجتماعی و اخلاقی است، و بهره هم از تصوف دارد، که بهترین متش

(۱) مقدمه دیوان عبدالقدیر خان طبع قندهار

مزایای مکتب خوشحال خان شرده میشود ، وعلاوه بر دیوان اشعار که در حدود سه و نیم هزار بیت بسال ۱۳۱۷ - از قندھار طبع ونشر گرده ام .

آثار دیگری را هم به پیشو نوشت که مستر راورتی عدد آثارش را تاشصت می شمارد (۱) و از انجمله گلستان سعدی ، ونصیحت نامه به صفت تجنبیس ، وجهل حدیث ، وقصه آدم خان ودرخانی ، ویوسف وزلیخا به بحر خیف در چهار هزار بیت بمامعلوم است .

۲ - اشرف خان فرزند لایق وسلحشور خوشحال خان است که (هجری ) تخلص میکنند ، ودر مصافهایکه پدر نامورش به اورنگ زیب مغولی داده بود بسال (۱۰۹۳ ه ) بدست قشون مغل افتاد ، ومدتها درد کن ویجاپور نهی ، ودر فراق وطن اشعار سوزانی را می سرود ، وابن گوهرهای آبدار شعر ملی ما بعداز وفات (هجری ) در فراق ونا کامی ، همدران جا محو و تلف گردید ، هجری در مکتب خوشحال خان مقام بلندی دارد ، وبا برادرش عبدالقدیر خان همدوش و همسر است ، واعشار نفر عشقی را سروده است ، که پیشو شناس معروف مستر راورتی تقریبا هشتاد سال پیشتر یک قسمت غزلیات قیمت دارش را . در گشن روه طبع و از ضیاع محفوظ داشت .

۳ - صدر خان نیز پسر خوشحال خان و ازادبای ناموریست ، که بسبک پدر سروده ، و چند غر لش را پادری هیوز در سال ۱۸۹۳ ع طبع ، و به قدر دانان ادب ملی سپرده است (۲) وازان متانت طبع و بلندی قریحه صدر خان ظاهر میگردد ، ولی دیوان اشعارش گم شده ، وابن لؤلؤی غلطان نایاب است .

۴ - علی خان یکی از مشاهیر این دودمان تاریخی است که پسر محمد افضل خان و لد اشرف خان هجریست ، و مدتی رئیس قوم خود همی بود ، وی برادر شاعر معروف دیگریست که شیدا تخلص میکند ، و مادر سبک خودش ازو ذکری خواهیم کرد ، علی خان بعداز اذکه مدته بحکومت وریاست قبایل خود پرداخت ، بسبب رقاتهای خاندانی از وطن دوری گزید ، واواخر زندگانی خود را در فراق وطن بسر برد (۳) ولی دارای دیوان اشعاریست که امروز بدست نمی آید .

۵ - سکندر خان پسر خوشحال خان شاعریست ، که دیوان گرانبهائی داشت ، و در مکتب خود ، با علیخان و شیدا همسر بود ، مستر راورتی نیز به حواله یک قصيدة قاسم علی افریدی نام وی را در جمله شرامی آورد (۴) و هیوز یک دریتم ویکنل را از دیوانش در کلید افغانی

(۱) انتخاب شعر پیشو اثر راورتی .

(۲) کلید افغانی هیوز

(۳) حیات افغانی ص ۳۲۲ و خورشید جهان ص ۲۴۴ -

(۴) تاریخچه شعر پیشو نگارش نگارنده

طبع و محفوظ داشته است سکندر خان بنام مهر و مشتری کتابی را به پنتو منظوم داشت، که پیش از او محمد بن احمد تبریزی آنرا بمال (۷۷۸ه) در پنج هزار بیت به پارسی منظوم و هکذا چندین نفر از شعراء بربان تور کی نظم آن را ترجمه کرده بودند (۱)

یاد داشت:

از نویسنده‌گان نامور دودمان خوشحال خان یکی کاظم خان شیداست، که ازین خاندان تاریخی برآمده ولی بسبک (حمسد) شعر سروده، بنا بران وی رادران نجاذب کرد، شخص دیگر محمد افضل خان ولداشرف خان است که تاریخ معروف «مرصع» را بربان پنتو نگاشته ولی شعری از او ندیده ام، وهم ازین رو ذکرش را در شعرای این مکتب جائز نشمردم حالا می‌روم که از پیروان دیگر سبک خوشحال خان نیز ذکری کنم :

### پیروان این سبک

۱:- عیسی اخندزاده : عالم و شاعریست که بعد از (۱۰۵۰ه) در قندهار حیات داشت و در مجتمع علمی مخصوص بود، وی دارای دیوان مدو نی است که میرزا حثان قندهاری ذکری ازان می‌نماید.

۲:- خواجه محمد بنگنی، از معاصرین پیروان خوشحال خان است، که از قوم بنگنی بوده و از مظالم حکومت مغول می‌نالد، وی شخص سالک و عارفی بوده و با او رنگ زیب مقولی معاصر است، در کلامش بداعت و رنگینی دیده می‌شود.

۳:- معزالله با عبد القادر خان معاصر و بعد از (۱۱۰۰ه) زنده بوده، عالم و ادبی است. که با عبد القادر خان مشاعره‌های خوبی دارد، و با آن شاعر بزرگوار همسری می‌جوید.  
۴- عثمان: از معاصرین عبد القادر خان و در طبقه متوسط مکتب خوشحال خان داخل است، و با عبد القادر خان مشاعره خوبی دارد.

۵- اودل: از معاصرین خوشحال و پسران ویست (۲) که در مشاعره عبد القادر خان شرکت ورزیده، و پادری هیوز چند غزلی را از دیوانش نقل می‌کند، اودل با پسران خوشحال خان در شعر همسری می‌جوید.

۶:- اشرف: این اشرف ماسوای اشرف خان هجریست که ذکر ش پیش گذشت، ولی با فرزندان خوشحال خان معاصر و با عبد القادر خان مشاعره هادارد.

۷:- فاضل: راورتی وی را از شعرای معاصر خوشحال خان می‌شمارد، و قاسم علی افریدی

(۱) کشف الظنون ج ۲ ص ۳۷۳

(۲) منجم الم厄ان مستدرک معجم البلدان سید محمد امین خانجی طبع مصر ص ۳۳۵

در قصيدة از اوی ذکر میکند پادری هیوز چندین غزل وی را محفوظ داشته است (۱) شعرای دیگر یکه هیوز از دیوانهای شان غزلیاتی را انتخاب و در کلید افغانی طبع کرد ، و بسبک خوشحال خان داخلند :

(۸) ابراهیم (۹) فضیل (۱۰) حسین (۱۱) مهین (۱۲) عصام (۱۳) ابوالقاسم (۱۴) فتح علی (۱۵) علیم . ولی متأسفانه سفائن اشعار این شعرای برجسته گم شده و جزار خاورشناسان مدقق بدست دیگران نرسیده است .

### ه: سبک رحمان بابا

در عصر زندگانی خوشحال خان که ستارگان در خشانی در اسلام ادب پیشتو در خشیدند . در بپا در کلی بطرف جنوب شهر پشاور به اندازه پنج میل دور دریک خانواده فقر طفلي بدینا آمد که اوی را عبدالرحمون گفتند ، این شخص که از قوم مهمند سربن بود ، وهیوز وی را از عشيرت ابراهیم زی مهمندمی نویسد (۲) بعدها مصدر کار نامه بزر گت ادبی گردید ، و در زبان پیشتو شاعری شیوا ، و گوینده زبردستی برآمد ، و مکتبی را کشود ، و سبکی را آفرید ، که ما آنرا سبک رحمان بابا گوئیم .

رحمان بابا بعداز (۱۰۰ه) بدینا آمد ، و تا عهد شاه عالم مغولی فرزند او رنگزیب که جلوس وی در (۱۱۱ه) است ، حیات داشت ، بقول هیوز رحمان بابا در عنوان شباب درا کوره خنثک بایدر پیشتو مرحوم خوشحال خان ملاقاتها کرد ، و بهره از افاس میمونش اند وخت (۳) رحمان بابا شاعر ناز کخيال و متن و سنجیده گوئی بارآمد ، و در عالم ادب پیشتو شهرتی را یافت که نصب دیگران نشده بود ، وی از طرف طبقات عامه در سرتاسر وطن مور د احترام و قبول گردید ، و لقب « بابا » را که غیر از احمد شاه بیدیگری داده نشده است ، دریافت .

سبک رحمان و مکتب ادبی او بهترین و جامع ترین سبکهای است ، رحمان بابا از فطرت انسانی ترجمانی کرده و نداهایش از اعماق قلب برآمد ، و سرود هایش رامطابق به طبیعت افغانی سرود . رحمان از دنیای اخلاق و اجتماعیات با عنعنات افغانی خود برای ترجمانی کرده ، و از عالم تصوف و عرفان جنبه عملی را برگزید ، و از عشق و واردات آن بخوبترین و دلچسپ ترین صور پر شور ترین احساسات وجودیات گرم و سوزان را بروز داد .  
بنابران مکتب رحمان بابا ، بسی از جنبه های ناقص شعر پیشوارا تکمیل کرد ، و در هر موضوع

(۱) کلید افغانی هیوز .

(۲) مقدمه کلید افغانی هیوز .

(۳) مقدمه کلید هیوز .

یا قدرت ادبی، و چیره دستی داخل گردید، که مکتب سبک وی خواص ذیل را دارد است :

### خواص سبک رحمان بابا :

۱: درین سبک شاعر از عالم روح الهام میگیرد، و سروکارش هم زیاده تر با ماده نیست، و از عالمی که ماورای این سقف نیلگونست میسر اید، و از جهانی که منبع فیوض معنویست، نعمه می نوازد. گویا این دوره اولین است که شاعر سلحشور افغان نیزه و سپهرا را با کمند صید بهرا می به هیکل فلسفه و تصوف گذاشته و جام افغان نمای تخلیات فوق الطیعه را شاید باراول ازدست در داشم های هندی می ستاند.

۲: شاعر درین سبک از کثافتات مادی دوری میجوید، و مقامی می آرامد، که در انجا صلح کل بوده، و غوغائی ازین جهان خاکی نیست، و زیاده تر دنیای خاکی را تدقید، و اوضاع آنرا بنظر خوب نمی بیند، واز آ لایش های آن تبرا می جوید.

۳: در تصویر احساسات و طرز بیان و روش اداء، این سبک خیلی ساده و سلیس و روان است هیچگونه ابهام را در بیان جائز نمی شارد، عبارات و لفاظ شعر را خیلی شسته و پاکیزه انتخاب میکند

۴: غزلیات، و قصاید و رباعیات و تخمیس، و دیگر اقسام شعر را به اسلوبی یا کیزه می سراید و زیاده تر از عشق و اخلاق بعثت میراند.

۵: در جهان عشق و علاوه مندی نیز به واقعیت میگراید، و کمتر تابع خیال میگردد.

۶: عشق والهام روحی را مدار حیات می شارد، و یقین و ایمان ابر عقلیت محض ترجیح میدهد.

رحمان بابا پرورنده نخستین این سبک نیز شخصی بود، که یک گونه زندگانی عرفانی و روحی داشت، و به متاع دنیا کمتر مایل بود، ایمان و یقین را مدار زندگانی قرار میداد، و همواره در دامنه های کوهه سار، و پیرامون قریه خویش زیر درختی می نشست، و از عالم معنی الهام می گرفت، و اشعار بدیعی را می سرود، این آرامگاه ایام حیات شاعر را تا کنون مردم بنظر احترام می نگرند (۱) رحمان بابا بعد از (۱۱۲۰ه) از دنیا برفت، و در هزارخانه پشاور بمقبره اخوند در پریزه آرمید (۲)

سبک رحمان بابا در پنتو نخواه مقبولیت تمامی یافتد، و بعد از اوی جم غیری از گویندگان پنتو به سبکش سخن گفتهند، و در گذارش نعمه سرودند، و آن استاد بزرگوار، و آموز گمار زبردست را پیروی و اقتضا کرند، که مشاهیر شاگردان این مکتب قرار ذیل اند.

۱: عبدالرحیم هوتك : از شعرای است که سبک رحمان بابا را حیات داد وی در عصر

(۱) هیوز .

(۲) هیوز .

نجات بخششی بزرگ ملی حضرت حاجی میرویس خان هوتك و اخلاق فش در شهر کهنه قندھار می زیست ، و مسقط الرأس وی به بولان کلات بود ، که در آنجا اقوام هوتك سکونت یندیر اند . عبد الرحیم از مدافعین وطن بود ، و پدرش بعد از سقوط قندھار ، بدبست نادر افشار ، از قندھار نهی و پرسش هم با اوی رفت ، که از سن ده تا هشتاد سالگی مدت طولانی زندگانی را در غرب و مغارقت گذرانید ، و وقتی در نیشاپور و خراسان ایران و بعد ازان در تورکستان و بخارا اورا می یابیم (۱) و درین مدت بفراق وطن و یاد یاران بوم و زاد عن یزش ، ناله های مؤثری کشید ، و فریاد های پر سوزی بر آورد ، و اشعار رنگینی را انشاد نمود .

دیوان اشعار عبدالرحیم جز دونسخه پیش نمانده ، و نسخه ناقص آن که پیش نگارنده است تاشش هزار بیت دارد ، و در آوان حیاتش تحریر یافته ، و کلامش نهایت شیرین و ساده و بی تکلف است .

عبدالرحیم سبک رحمان با با را پیروی نمود ، و اشعار زیاد عشقی و اخلاقی و سرفانی را بیادگار ماند ، وی عالم زبردستی بود ، که در منقول و معقول دستی داشت ، و مدت‌ها در مدارس بخارا و ایران تعلیم و تعلم می نمود .

۲ - احمدشاه با با : اعلیحضرت شاهنشاه کبیر احمدشاه با با از بزرگترین شعرائی است که سبک حضرت رحمان با با نشوونما بخشید ، این نابغه بزرگ افغان که شمشیر و قلم را توأم قرار داد ، به حدود (۱۱۳۵هـ) در هرات بدنیآمد ، و پدرش زمانخان ولدرس مست خان بن خواجه خضر بن سد وازمشاهیر وزؤسای ملی هرات بود ، احمدشاه با با به سال (۱۱۶۰هـ) بعداز مرگ نادرشاه افشار در قندھار بسلطنت افغانستان انتخاب و بعدازان جهانگشای معروف وفاتح نامور آسیا گردید ، و مسافت های حربی بطرف خراسان و بخارا نمود ، و در سال (۱۷۴هـ) بر میدان پانی پت یک میلیون عسا کررا مغلوب نموده و بعدازان این فتح نامور سلطنت هنرها به اخلاق شاهان مغولی هند ، و خراسان را به اخلاق نادرشاه افشار بخشید .

احمدشاه بادشاه مندین و عالم وادیب ومصلح و منکر زبر دستی است که مملکت را معمور ورعایا را مسرور ساخت ، سلحشور ، قوی و فرمانده عادل بود مدنیت و تقافت را نیکوپرورید ، و بعد تختیم بناجاه سالگی بعد از سلطنت (۲۶) سال به ۲۰ ربیع (۱۱۸۶هـ) در کوه تو به قندھار از جهان گذشت و در شهر قندھار به آرامگاه ابدی سپرده شد (۲) احمدشاه شاهنشاه عالم وادیب و دانشمند ، عالم پروری بود ، و بزر بان پیشو اشعار مليح و نظر می گفت ، دیوان

(۱) دیوان قلمی عبدالرحیم هوتك و تاریخچه شعر پیشو اشعار نگارش نگارنده .

(۲) سراج التواریخ ، حیات افغانی ، تمهیلیان وغیره

اعشارش یکی از بهترین آثار ادبی پنто است .

۳ - اخوند گدا : در حدود (۱۱۶۰ه) حیات داشت ، و از مشاهیر شعرای سبک رحمان با با شمرده می شود ، و اثری بنام نافع‌الملimin از اوی مانده که بسبک ملاف نگارش یافته ، ولی قسمت بزرگ اشعارش به پیروی رحمان با با است و دیوان مستقلی هم دارد .

۴ - عبدالعظيم؛ از نیره نورخان رانی زی سوات است ، که بسال (۱۱۶۷ه) در آنجا بدنیا آمد ، و تا (۱۲۵۳ه) زیدگانی داشت ، و بعدازین سال بعمر تخمیناً نوادگانی از جهان رفت . عبدالعظيم حیات ساده داشت ، و نیکو عالم و پر هیز گاری بود ، و رحمان با با آموز گار نخستین سبک خود را همواره می ستد و اوی را پیروی می فرمود ، دیوان عظیم مشتمل است بر اشعار عشقی و اخلاقی و تصوفی (۱) .

۵ - میا نعیم : ولد شیخ محمد شعیب ولد شیخ محمد سعید ، وقوماً خلیل مهمند است ، جد نهمین وی همان شخص مشهور تاریخ ملی است که (شیخ متی) نامدار ، و بر تیه کیلات مدفون و مزارش مطاف عامه است .

میانعیم از خانواده روحانی برآمد ، و معاصر شاه زمان سدویزی بود ، توالش در (۱۲۰۰ه) تخمین میگردد ، وی در سبک رحمان با با رکنی است عظیم و سفینه اشعارش در حدود سه هزار بیت باقی است ، که تمامآ مکتب رحمان را پیروی میکند ، و نیکو می سراید (۲) .

۶ - ملا جمهه : از قوم بارگزی گرجی است که به حدود (۱۲۰۰ه) در قندهار حیات داشت و عارف خدا پرستی بود ، و در سال (۱۲۵۹ه) در حرم محترم کعبه‌الله از جهان گذشت ، عمرش تا ۷۰ سالگی میزید .

ملاجمه دارای دیوان اشعاریست که آنرا در دوران جذب عشق در حدود سه هزار بیت سروده ، و سبک رحمان را پیروی کرده است (۳) .

۷ - عبدالتبی : ولد اسماعیل قوم پیشی است که در قندهار میزیست ، و دیوان اشعاری را مانده که دارای مضمون عشقی و تصوف و اخلاق است (۴) .

۸ - شیر محمد : ولد ولی محمد قوم هوئک در مندی سار قندهار بسال (۱۲۴۲ه) متولد و بعمر (۶۰) سالگی بسال (۱۳۰۴ه) در گذشته است ، شیر محمد مدتنی در هرات و هند می زیست ، و شخص جهانگردی بود .

(۱) تاریخچه شعر پنتو اثر نگارنده .

(۲) دیوان فلمی میانعیم -

(۳) تاریخچه شعر پنتو -

(۴) تاریخچه شعر پنتو -

۹: مطبع اللہ قوم پیر خیل و بر کناراتک در فرای گیب سکونت داشت ، و در حدود (۱۱۸۰ھ) متولدوز مان تیمورشاہ و شاه شجاع سدو زی رادرک کرد ، ولی به کشش عشق بوم و زادش را ماند و مدتی را در هند و کشمیر به غربت بسر برد ، و دیوان اشعارش را در دو نیم هزار بیت در سال (۱۲۲۶ھ) بیان رسانید (۱) .

۱۰: قاسم علی افربیدی که بقول را ورتی در عهد مظفر جنگک در فرج آباد هنله متولد ودارای دیوان پشتو است ، وزبانها عربی و ترکی و پارسی و کمی انگلیسی را هم میدانست ، و در اوائل ورود انگلیس‌ها به هند ، در آنجا همی بود ، و دریک قصیده خود تمام شعرای پشتو را نام گرفته است (۲) .

۱۱: یونس : از پروان مکتب رحمان با باست ، کطبع روانی داشت ، وهیوز از دیوانش انتخاب میکند (۳) .

۱۲: غفور : از اشعارش واضح میگردد ، کسبک رحمان با با را جدا واردتاً پیر وی میکرد و وی را از انتخاییکه هیوز از دیوانش کرده می‌شناسیم (۴) .

۱۳: صدیق : از پروان رحمان ، ودارای دیوانی است که هیوز ازان انتخاب کرده است (۵) .

۱۴: شهناز : در حدود پشاور بعداز (۱۳۰۰ھ) میزیست ، سبک رحمان را اقتضا میکرد .

۱۵: حافظ الیوری در حدود (۱۳۰۰ھ) به پیر وسوات میزیست ، و شاعر نایین ، و عالم نیکوئی بود ، کلامش شیوا و ملیح است ، و دیوانی ازوی یادگار مانده (۶) . این بود ار کان بزرگ پیر وان مشهور مکتب رحمان با با کدر بالا شمردیم ، این راهم ناگفته نباید ماند ، کسبک رحمان با با در تمام وطن نهایت مقبول واقع گردیده ، و پروان این سبک و شاگردان این مکتب خیلی زیادند .

### و سبک پیر محمد

به روزگار شاهنشاهی بادشاه علم دوست و ادب پرور افغانستان اعلیحضرت احمدشاه بابای کبیر جنبش ونهضتی در ادب پشتو پدید آمد ، و در پیرامون کوهسار وطن بسی از سرایندگان

(۱) دیوان فلمی مطبع اللہ .

(۲) مقدمه گرامر را ورنی س ۶۴ .

(۳) چمن بی نظیر ، کلید افغانی .

(۴) چمن بی نظیر ، کلید افغانی .

(۵) کلید .

(۶) تاریخچه شعر پشتو .

و شعرای نامور و آتش زبانی بیان آمدند، که از هر یهلو شعر پیشتو را تازگی و طراوت دادند، و سبکهای نوی راشاوده گذشتند و از انجمله سبک مشهوریست که بنام آموزگار و مسروج نخستین خویش یادمی شود، و آن هم سبک پیر محمد کیا کر است.

پیر محمد اصلاً کاکر، و در ماورای کوه کوژک به علاوه زوب و کاکرستان بدنیا آمد، و از آنجا بقدھار رفت، و علوم مروجہ عصر را کسب و تحصیل فرمود، و بعد از جندي در علامی دربار احمد شاهی جای گزید، و به معلمی شهزاده سلیمان فرزند اعلیحضرت احمد شاه منتخب شد. پیر محمد در عصر تیمور شاهی بسن پیری از گیتی رفت، و سفنه اشعار آبدار خود را در حدود پنج هزار بیت بسال (۱۱۹۶ه) بیان رسانید، وی بعداز وفات احمدشاه که سلیمان بر تخت سلطنت نشست، نسخین گرامی زبان ملی را بنام (معرفت الافغان) تألیف، و بحضور آن شهر یاراهداء کرد (۱) پیر محمد از فریحه موجود و مبتکر خویش سبکی را در پیشتو اساس گذاشت، که بعد ازوی بسی از گویند گان آنرا پیروی کردنده، و وی را به استادی آموزگاری بر گردیدند.

شعر پیر محمد عموماً عشقی است و احساسات گرسوسوزانی دارد و تماها از عالم دل حکایه میکند، و اسلوب بیانش هم ساده و روشان است، سبک پیر محمد به میزرات و خصایص ذیل از دیگران جدا میگردد؛ ۱: - ناز کشتن احساسات عشقی را حائز است، و سرو کارش سراپا بادل است، نه مثل رحمان بابا لسان الغیب است که از عالم قدس نعمه سرائی کند، و نه مثل خوشحال خان ناسوتی است، بلکه شعر درین سبک ازان جذبات و احساسات الهام من گیرد، که آرت و صنعت نقیس را می‌زاید.

۲: - تشیهات واستعارات درین مکتب رنگ طبیعی دارد، و از حسن و جمال ظاهر حکایه میکند. که درین مزیت زیاده تر به سبک خوشحال خان شیوه است.

۳: - عبارات والفاظ آن شسته و روان و برجسته است، و زبان آن هم سلیس تروجذاب است.

۴: - در تصویر و تجسم معنی احساسات بلاغت خاصه زبان ایکار می‌برد، و مطلب را روشن و ساده تر می‌ساند، و هیچگونه تعقید وابهامی را روا نمی‌پنداشد،

۵: - تلقین اخلاقی و موضعه هم لا هو تی نبوده، و حتی المقدور از مقامی که خارج حدود اجتماع و معاشرت انسانی نیست همی سراید.

با این میزرات سبک پیر محمد حدفاصلی است بین سبک خوشحال و رحمان که ما در جای خود از آنها بحث و بیان را نمیم، اکنون مشاهیر پیروان این سبک و سر بر آوردگان این مکتب را بشناسید:

۱: - شمس الدین کاکر: در اوآخر عصر احمدشاهی بحدود (۱۱۸۰ه) در قلیچ آباد

(۱) تاریخچه شعر پیشتو -

قدھار متولد و از پیر محمد استاد سبک علم و ادب آموخت ، و روش ادبی حضرت استاد را حیاء کرد .

شمس الدین درعنهوان شباب به عشق سوزانی مبتلا گردید ، و درین هیأه از وطن برآمد ، و مدتی در هند و بنگال متواری ماند ، و در آنجا بیاد و طن اشعار طربنا کی سرود ، و بوم و زاد و کوهسار خویشتن را ستود .

شمس الدین نیکو عالمی بود ، و بروزگار خویش در علوم دینیه و ادبیه و فلسفیه نامی داشت ، و علاوه بر دیوان اشعار که در حدود پنج هزار بیت بسال (۱۱۳۸ه) تمام کرد ، کتابی را به نام سراج الموتی نیز منظوم فرمود (۱) شعر شمس الدین خیلی اثر ناک و دل انگیز و پر کیف است ، ومثل اشعار پیر محمد در طربنا کی و یا کیزگی احساسات سرامد اشعار پیشتو است ، و در دیوانش تمام اقسام شعر ، و صنایع یافته میشود .

۲ : - کل محمد ولد گلزار قوم نورزی ابدالی است ، که در مالگیر کنار رود هلمند پس از سال (۱۱۶۰ه) بدینا آمد ، و در نهضت وزیر فتح خان معروف حیات داشت ، و مدتی به روزگار شاه زمان در کابل و پشاور و کشمیر همی زیست ، و تعاصر شاه محمود زنده بود (۲) گل محمد نیز بدرد عشق مبتلا و همچون آموزگاران سبک خود ، حیاتی را در نهایت سوز و ساز گذشتند ، و دیوانی را در حدود سه هزار بیت از خود بیاد گار ماند ، که تماما از احساسات سوزان و گرم وی حکایه میکند .

۳ : - سردار مهردل خان مشرقی : شخص معروف تاریخ ملی ماست پسر سردار پایینده خان مشهور که در ادب پیشتو و پارسی مرتب عظیمی دارد ، وی در محرم سال (۱۲۱۲ه) در قندھار متولد ، و در آوان جوانی شخص باخدا و عارف بلند وادیب بزرگواری بار آمد ، و ادبستانی را در قندھار بحضور خویش ساخت و ادباء و علماء را زیاد پرورانید .

سردار مهردل خان در فارسی دارای دیوان اشعار و آثار متعدد و منظوم دیگریست و به ۲۷ جمادی الاول سال (۱۲۷۱ه) (عمر ۵۹) سالگی در قندھار از دنیا گذشت . سردار مرحوم در شعر پیشتو از پیروان سبک پیر محمد شمرده می شود .

### ز : سبک حمید

بعد از خوشحال خان و رحمان بابا سر زمین مرد خیز و ادب پرور پشاور و سواحل اتلک و کوهسار خیر یکشفر ادیب و شاعر زیر دست دیگری را بدنیا داد ، که مؤسس سبک نوی

(۱) دیوان قلمی شمس الدین -

(۲) دیوان قلمی گل محمد .

در پنتو گردید ، و ادب این زبان را دونق و فروغ نو ، و تابندگی مهرآسانی داد ، این شخص عبد الحمید ماشوقیل مهمند است که بعد از ( ۱۱۰ ه ) متولد گردید ( ۱ ) حمید اشعار نفر و آبداری را در پنتو سرود ، و شهرتی راناییل گردید ، و علاوه بر دیوان نقیص اشعار ، بسال ( ۱۱۳۷ ه ) قصه شاه گدای را به پنتو منظوم ، و هکذا مشنوی غنیمت نیز نگ کوش را از فارسی به پنتو منظوماً ترجمه کرده ، و درین کتب زور قریحه ، و قوت شاعری خود را نیک نشان داد .

عبدالحمید طبع مبتکر وبداعت پسندی داشت ، و نفواست که سبکهای دیگران را پیروی کند ، و بر قدم دیگران برود ، بنا بران در زبان پنتو مکتب نوادب را کشود ، و دیگران را به پیروی خود خواست .

حیمه درین مامول خود نیک کامیاب شد ، و سبکی را که خودش پسید آورد ، خوب ترویج و پیهنانی داد .

حیمه ادب پارسی راخوب خواند ، و مخصوصاً سبک هند را که در عصرش بعروج رسیده بود ، تدقیق و کنگکاوی فرمود ، و خواست که درین زمینه داخل گردد ، و شعر پنتو را بر نگ سبک هندی ادب پارسی درآورد ، بنابران سبک وی زیاده تر به سبک هندی ادبیات پارسی مایل و تزدیک است و همان خصائصی دارد که در سبک هندی شعر فارسی بنظر می آید .

### خصایص این سبک :

۱: از خصایص بارزه این سبک شدت خیالپروری است که افکار و خیالات دور از جدود طبیعت را در شعر جای دهند ، و معانی باریک و لطیفی را که از دنیا ماده و جسم دور است در تخيیل شاعر انه بیاورند ، و با تشبیهات واستعارات نادر و غریب که در عالم جسم و ماده نمی گنجد موضوع راجسم کنند .

۲: اغراق و مبالغه از خصایص مهمه این سبک است . اگر بخواهند ، چیزی را خورد سازند بیقین آنرا نخواهند دید ، و اگر بزرگ ساختن مقصد باشد ، در جهان نخواهد گجید .

۳: تلازم بصورت شدید مراعات میگردد ، مثل و مثیل ، لازم و ملزم ، و ناتج و متنج ، از لوازم عنصری این سبک است ، اگر آئینه بیاید غباری لازم است ، و اگر سروی آید فمری مرادف

۴: چون آوردن تشبیه ها واستعارات نادره لازم و ملزم متصل بود بنا بران پیر و ان این سبک بسی از اصلاحات فارسی را به پنتو آورده ، و در بسی از مواقع از جملات و لغات مصطلح شعرای پارسی استفاده کرده که کار زینده و خوش آیندی نبود .

(۱) تاریخچه شعر پنتو .

۵: سبک حمید پاکیزگی بیان ، و سلاست سخن را که مخصوص پیشتو بود ، و خوشحال خان و پیر محمد و رحمان بابا پرورانده بودند ، ضعیف ساخت ، و پیچیدگی های را بیان کشید ، که از پیشوی تغیل واید یا لیز خیلی بلند رفت ، و بعداز حمید ، شیدا آنرا نشو و نمای خوبی داد . بهر صورت سبک حمید با این خواص بیان آمد ، و در وطن رواج یافت ، و خود حمید به موشگاف شهرت پیدا کرد ، و سخن پروران نرا کشت سنج ، و خیال پروران آنرا اپیروی کردند . از کان این مکتب ادبی اینها بودند :

۱: کاظم خان شیدا کاظم خان ولد افضل خان ولد اشرف خان و ولد خوشحال خان بسال (۱۳۴۵ه) در برگشتن خاندان علمی وادی پیشونهای خانک بدنیآمد ، وی برادر علی خان و شاعری ناموری بود ، سرفوشت افراد دانشمند این خاندان است که ازوطن دور باشند ، شیدا هم حکوم این سرفوشت شوی گردید ، و مدتها ازوطن دورافتاد ، و در سر هندورامبور می زیست ، و غالبا هم در انجا از دنیا در گذشت . شیدا دیوان مردمی دارد ، که بعد از (۱۳۸۱ه) سالگی در سال (۱۳۸۶ه) آنرا ترتیب و تبیوب کرده .

حیات شیدا از آن اشعارش تا (۱۳۹۱ه) یقینی است ، و از وفاتش خبر نداریم . کاظم خان چون حمید مهمند خیلی ناز کخيال و موشگاف است ، واز برآنده ترین از کان مکتب حمید است .

۲: محمدی ولدمیان عمر چمکنی از صاحبزادگان پشاور است ، که پدرش در عصر احمدشاهی بلند ترین مقامات روحانی را داشت ، وی از معاصرین شیدا بحساب می روید که بعد از (۱۳۵۰ه) علم سخنوری افراخت .

شیدا در مقدمه دیوان خود متاثر فکر و سلیقه سخن شناسی محمدی را نیک می ستاید (۱) دیوان محمدی بدست نیامده ، فقط پادری هیوز در کلید افغانی غزلی چند از دیوانش انتخاب کرده ، وی از پیروان مکتب حمید است .

۳: میرزا حنان : ولد محمدحسن در قریه مرت کلای فندهار بدنیآمد ، و مدتها در ادبستان سردار مهردل خان پرورش یافت و در حدود (۱۲۵۰ه) در دنیای سخنوری نامورشد ، و بسن کهولت بعداز سال (۱۲۷۱ه) از دنیارفت . میرزا حنان دیوان گرانبهائی دارد . وی به حمید مهمند ارادت نشان می دهد ، و آن استاد را خیلی می ستاید ، و در پیروی سبک حمید دفیقه فرو نمی گذارد ، طبیعت ادبی حنان بدیع و مبتکر است ، و در مضمون آفرینی برجسته .

۴: حاجی عبدالله محرون ولد عطاء محمدخان قوم پوپلزی است که در بلندی فندهار به سال (۱۲۵۷ه) متولد و در ادبستان مشرقی راه یافت ، و از ادبای بر جسته عصر خویش گردید ، و مدنی

(۱) مقدمه دیوان قلمی شیدا

هم با سردار غلام محمدخان طرزی در کابل مخصوص بود، مخون بسال (۱۳۳۴ ه) از دنیا درگذشت و اشعار زیادی را در پشتون و پارسی انشاد نمود (۱)

دیوان پشتونی مخون در حدود چهار هزار بیت و حاوی اقسام اشعار نظر است، که سبک حمیدرا پیروی کرده و آن استاد بزرگوار را خوب می‌ستاید:

دیوان پشتونی مخون ده بیوهیزی د «حمید» دنیز نگ راز غواصی خوشنده  
۵: کاظم خان: از معاصرین شبد و از شاگردان مکتب حمید است، که هیوز از دیو انش اقتباس می‌کند (۲)

۶: کامگار: از پیروان مکتب حمید است که هیوز چند غزل را از دیوانش نقل کرده است (۳)

۷: ملا محمد اکرم . بعد از سال (۱۲۰۰ ه) در قندھار می‌زیست و عالم زبردستی بود،  
وی استاد عبدالله مخون است، و دارای اشعار نظر و سندیده ایست که سبک حمید را پیروی کرده است.

۸: صمد: پیرو سبک حمید است و از انتخابات هیوز در کلید افغانی وی را می‌شناسیم .

## ح: سبک قلندر

از وادیهای پشاور در حدود (۱۱۰۰ ه) شخصی برآمد که قلندر نام داشت، وی به تصریح مستشرق معروف دارمشتر از قوم اپریدی بود (۴) و طوریکه خودش در اشعار خود اشاره می‌کند بر سواحل باره و جمرود سکونت داشت، که این دونه را از کوههای اپریدی نیان می‌کند.

قلندر با حمید ماشو خیل معاصر است، و در غزل تمام سبک حمید را پیروی می‌کند، و به شاگردی آن استاد بزرگوار قائل است (۵)

قلندر مرشدی بنام میراد است، که عشق وی بامیرابه درجه جنون رسیده بود، و در عنوانات ملیه داستان سوزان عشق قلندر و میرا معروف بوده، و عوام آنرا می‌سرایند.

سلسله عشق قلندر طول میکشد، و سوزان ترین مراحل راطی می‌کند، و قلندر سالها بر تپه سوات بدیدار «میرا» منتظر می‌ماند، و اخیراً بحسبت ونا کامی می‌میرد، و بران تپه دفن می‌شود، وقتیکه میرا به خاکش می‌رود، اشکی می‌ریزاند، و جذب عشق و محبت وی را هم می‌کشاند و می‌میرد، و با قلندر یکجا بر همان تپه دفن می‌شود .

(۱) دیوان فلمی عبدالله.

(۲) کلید افغانی - چمن بی نظیر.

(۳) کلید افغانی - چمن بی نظیر.

(۴) دیوان خوا د شعرهار او بهار طبع پاریس ۱۸۸۸

(۵) فضل د سبحان د قلندر به شعروشو دا واده سبب فضیح بلغه و د ما شو

گفته‌یم که قلندر در غزل تابع و پیرو سبک حمید است ، ولی این عاشق دلسوخته از خود سبکی را نیز بوجود آورده ، که دارای خواص و مزایای جدا گانه است ، واژدیگران امتیاز می‌گردد . از مزایای خواص سبک قلندر امور ذیل است :

۱ : قلندر احساسات مجروح و درد دل خونین و اندوهگین خود را در لف ناله های پرسوز خود بصورتی نیفته ، که دل را در میدهد ، و در اثر ناگزینی خود آنقدر کار گراست که انسان تصور می‌کند ، قلندر یارچه های دل اندوهناک و غمگین خود را در خلال اشعار پیچیده است . من اینقدر تندی جذبات و احساسات ، وقدرت ابراز آنرا در هیچ شعر پیشتوانیده ام .

۲ : قلندر برای ناله های حزین و غمناک خویش یک بحر مخصوص و سبک خوبی را در پیشتو ایجاد کرد که هم به لحن سوزان ملی سراییده می‌شد ، وهم به اصول شعر عروضی مطابق است این نوع شعر چهار متراع دارد ، و به رباعی شبیه تراست .

قلندر یک مطلب را در یک رباعی جای میدهد ، و ضرایدای مقصد ، و روش بیان آنقدر دل انگیز و بی تکلف وائز باراست که هیچ اهل زبان نمی‌تواند ، در وقت شنیدن آن از گریه خود داری کند ، مخصوصاً اگر بر لحن مخصوص آن با صدای خوبی خوانده شود . درین دو میزه سبک قلندر از دیگران امتیاز می‌یابد ، و کمتر کسی هم به پیروی آن موفق شده است .

قلندر در حالت نزع بر تپه سوات افتاده ، و شباهی آند و هنگ فراق را بیان رسانیده ، سپیده دم که شنا گران آسمان یعنی ستارگان در امواج روشی ناییده می‌شوند ، قلندر با چه صدای حزینی همیگوید :

سهار سبا شو پهپزی ستوری	خبر را نهی دیار له لو روی
قادمه ور سه خبر ئی را ورد	پسی می سپین سوه دستر گوتوری
بعد ازان بحضور دلدار چنین خط می نویسد و کاغذ من فرستد :	
درب دیاره کاغذه ور شه	هنه آشنا ته په نار و سر شه
پر لحکستان ئی تلقین له ور شه	

یکی از اشخاصی که موفق شده بسبک قلندر شعری بسراید ، و به اسلوبش ناله بر آورد ، مرحوم ملا حسن اسحق زی تلو کان قندهار است که بعمر ۶۸ سالگی در (۱۹۴۵) وفات یافته ، این شخص نیز عشق سوزانی در دل داشت ، و بمرتبه جنون رسیده بود ، اشعارش هم بسبک قلندر خیلی سوزانده و شور انگیز و برجسته است .

حسن در عرفان مقام بلندی داشت ، و از مراتب بلند روحی می‌سرود ، و بارها بیرارت حریمین

مشرف، و در آنجا بزبان پیشتو اشعار اثر ناک و دل انگیزی را گفت (۱) شخصی دیگری که سبک قلندر را پیروی کرده توانسته ملا صالح محمد داوی قندهاریست، که از همسلکان ملا حسن و شخص متورع و پارسائی بود، این دلداده جمال قدرت هم به آهنگ قلندر اشعاری را سروده، که بدل راه دارد، واژدل برآمده است.

### ط - سبک حمامیدون

حمسه و اشعار رزمی که دران احساسات مردانه و دلیرانه بجسم میگردد، و شاعر از مقامات بلند شجاعت ملی و دلیری مردان شیردل خود میسراید، جزو مهم ادبیات پیشتو است در تمام سبکها از قدیمترین عصرها تا کنون این روح شعر ملی ما زنده بوده، و در هر عصر شعراء و سرایندگان پیشتو بهترین و بلندترین جذبات حمسی خود را در اشعار آبدار خود آورده‌اند. اشعار ساده و قیچی ملی، و ادبیات دوره عروضی همه از حماست و احساسات دلیرانه و مردانگی مملو بوده، و افراد دلاور و شیردل ملت غیور پیشتون در لذتی ها و سبکهای عوام، و غزل‌های سوار و تمام اقسام ادب پیشتو، دلاوری و شجاعت و مردانگی و احساسات بلند حمسی را جاداده‌اند. اگر در اشعار ودواوین ادب ملی سیر شود، به قسمت‌های مهم حما سی - در آثار هریکی از شعراء، بر میخوردیم، و این گونه اشعار را ماقر جمان روح ملی خود میدانیم، و ملت - غیور پیشتون هم آزرا غریزه ملی خویش میداند، و شیرین ترین و دلچسب ترین اشعار هم نزد جوانان کوهسار وطن همین اشعار و سرود های مردانه و حمسی است. ولی در بین شعرای ملی مایک طبقه گویندگان و سرایندگانی داریم، که آنها سرود های حمسی و اشعار رزمی و مردانگی را سبک خود قرار داده، و ازین زمینه بیرون نرفته‌اند. این دسته شعراء، یک سبک نوی را که سراپا مبنی بر حماسیات است آفریدند، و بدیگر سو کمتر همت گماشتند، اینها قصص جنگهای یهلوانان ملی را سرودند، جذبات جنگی، و احساسات مردانگی ملت شیردل را ذریعه اشعار نفر و آبدار بیان کشیدند، که ماجند نفری را که شخصو صد حمسه سرایان پیشتو اند نام نمی‌بریم:

۱ - بر هانخان: از ماصرین احمدشاه کبیر است، که در مصادف تاریخی پانی پت بسال (۱۷۴ه) در عسکر احمدشاهی شامل و فصه آن جنگ بزرگ را که بعد از مباربات تاریخی (مہابارت) هند بزرگترین جنگهای آن سرزمین است، در نظم پیشتو سرود، بر هان خان بعد از (۱۱۰ه) بدینا آمد، و دار مستر خاور شناس وی را پسر نادر ساکن هزاره صوبه سرحد هند می‌شمارد، وی گوید که بر هانخان علاوه بر داستان جنگ پانی پت قصص جنگ

(۱) تاریخچه شعر پیشتو.

- خواص خان و افضل خان ، و آدم خان و درخانی را نیز بسلک نظم کشیده (۱)
- ۲ : مسعود گل پاسنی : که در حدود مقر می زیست ، زمان حیاتش در حدود (۱۲۰۰ ه) تھیم می شود وی در پشاور و کرموده های سین غر ، نیز مدتی بسر برده ، وارداتی به میان عمر چمکنی رو حانی برگ ک آن عصر داشت ، مسعود گل واقعی محاربات اعلیحضرت احمد شاه را در هرات و خراسان - منظوم کرد ، و بهترین آثار حماسی ورزشی را در پیشو بوجود آورد یک نسخه از آثار وی در موزه لندن موجود است (۲)
- ۳ : نور الدین که بقول دارمستر از پیر بائی پشاور ، و محاصه اعلیحضرت امیر کبیر بود ، وی قصص جنگهای آن عصر را در پیشو نظم نمود ، دار مستر بسی از غزلهای وی را نقل می کند (۳)
- ۴ : زاهد خان ابراهیم زئی تا (۱۲۷۰ ه) می زیست ، ویکی از آثار رزمی وی قصه جنگ پنجه است ، که در عصر امیر عبدالرحمن خان واقع ، وجنرال افغانستان مرحوم غوث الدین خان معروف دران داد مردانگی داد .
- ۵ : عزیز خان رفای خیل در حدود (۱۲۵۰ ه) می زیست ، وقصص جنگهای هرات را که بسال (۱۲۵۵ ه) محاصره یک ساله آن واقع شد ، با بر جسته ترین احساسات ملی سرود ، و مدافعين ملی را که شهر اده کامران وزیر نامدارش پار محمد خان الکووزی باشد ، بهترین و جهی ستود .  
شعر عزیز خان رنگ ملی دارد ، و احساساتش تند و مردانه است ، درین قصص احساسات ملدانه گی آن جنرال های ملی را خوب مجسم فرمود .
- ۶ : سینه : شاعر افغانی زبر دست زبان ملی است که ابدار ترین اشعار حما سی ازین عقبه افغانی بیادگار مانده ، وی دختر نور محمد خان الکووزی است که در حدود هرات می زیست ، بسال (۱۲۵۵ ه) که هرات محاصره شد این شاعر افغانی شیردلی که درین محاصره داد مردانگی واستقامت دادند از طرف این شاعر افغانی ملی مدح گردید ، این شاعر واقعی چشم دید آن مدافعانه های ملدانه که ملت افغان از بوم و زاد اجداد خود نمود ، در یک کتابی که متآسفانه جز یک دو فصل آن در دست نیست منحلا با شعار نفر و گرا نبهائی که در تاریخ ادب ملی باید به آب زرنگارش باید سر و د ، و روح ملی را احیاء فرمود ، از مضا مین اشعارش می باید که این شاعر افغانی ملی ما بادو دمان پهلو ان

(۱) دپیشو نغوا دشعر هار او بهار ، طبع پاریس ۱۸۸۱

(۲) شکرستان رضوانی

(۳) دپیشو نغوا دشعر هار او بهار

این جنگ مر حوم وزیر یار محمد خان نزدیکی و تماسی داشت، درین قصه شاعر ةما حسب المعمول بحمد و نعمت آغاز و بعد از آن بمدح شهزاده کامران و وزیر یار محمد خان میگردید و ضمناً شرح شاهی و ریاست دودمان اعلیحضرت احمدشاه را پیش از سلطتش میدهد و ازین واضح میشود که یاک پرده از وقایع محاصره هرات و حوادث جنگ و بهترین نمونه احساسات افغانی است خود داری کرده نمی توانم و بعقیده من باین اشعار گران بها و آبداریکه شاعر ةعفیف ةما سروده را یتیم مانده و دیگر اشعار این شاعر ةکه از مقاوم ادب پیشتوی ماست محو و تاپدید شده است. ولی قدرت بیان و طراوت و شگفتگی که درین چند بیت بنظر می آید و احساساتیکه در این اشعار نهفته کافی است، که علو صرتبت و بلندی منزلت گوینده را نماینده گی کند:

مخ تی ولا ددی یار محمد پیا و مدی  
و لبی د و یبو پر حصار به پیزی  
پیشتوون زخمی دی دغیم په خذلگ  
توله را ووزی وسله دار له ڪورو  
هرات له لاسه په زوندون مه باسی  
دالخوبیز تاقو بی خموز ما من دینه  
خموز دیلرو پېکلی مدنون و ساتی  
دلنه به پیزی و ینی تل داغفان  
خموز تفری دی خموز گور دینه  
ولادشی دادی دیشتوون لوی پیغور  
تو ره را با سه صره پر ننگه نا مه  
دیشناهه پر ننگه خان ڪړه ایثار  
نوم دیشتوون نوم داولس خوندی شی  
له یار محمد او له کامرا نه دلپی  
پی دیشنا نوئی جود ڪړه لپیز  
دیا ر محمد دبری ستوری خلان  
۷: دیگر از سر ایندگان سبک حمامی پیشتو یاک تن از دوشیزگان جوان قندھار (ملاله) نامه است که در حدود (۱۲۹۰ه) در میوند و کشک نخود حیات داشت.

این شاعر ةما رول مهمی را در حرب تاریخی میوند بازی کرد، و در هنگامیکه یک جبهه

غلیم په شهر بیا هجوم را وری  
زموز پیشناه لکه زمری جنگپیزی  
هرات په وینو دیشتوون شو گلرنگ  
یار محمد و ایبی پیشتو خما ز مرد  
پر غلیم و ڪړی یو هجوم گړندي  
دالخوبیز کور دی خموز ب وطن دینه  
ڪفن په غاړه دا وطن و ساتی  
دلتنه پراته دی ننگیال نیکه گان  
هرات خموز دی خموز کور دینه  
دیشمن را غلی تر دېو اله د ڪو ر  
کامران ناري ګړی چه پیشتو نه فامه  
مه با یله خان او سه ولا د پر حصار  
بویه غیرت چه مو ناموس خوندی شی  
خلمو چه وار و پدی نا رې غلبلي  
له کلا و واته ز مرد یا نو په خپر  
دیشمن شومات راغی دوران د کامران

(ملاله)

قشون غازیان افغان ضعف و فتوری را دید، این دوشیزه مرد صفت، چون شیری خود را در صف او لین جنگ کشید، و برق سرخی را برآفرشت، وبالعن ملي این ترانه های رجز مرقس را سرود:

حال به دیار په وینو ڪپنځی دم  
تو ری وله بری به مو مې  
کبری نه و خوانان تل په تورو مليه  
په تو رو توک توک شی لایه!  
چې شینکی باغ ګښ ګل ګلابو شرمونه  
دې ننگی زغ دی را مشه تروطنه  
که په میو نه ګښ شهید نشوې  
خدایز ولايې بې ننگی تهدی ساتینه

این صدای شاعره ملي مابننله بانگ سروشی بود، که مردان جنگی را بجوش و خروش آورد، و هر جوان افغان چون شیر غراني بر دشمن تاخت، وفتح تاریخي حرب میوند بنام این شاعره ملي ما تمام شد، و این اشعار و ترانه های حماسی از شکار های حماسیات ماست.

### ی : سبک داستان سرایان

یک حصه مهمی از ادبیات زبان پښتو عبارت از داستان وقصه است، که درین پښونها شهرت نیکی را مالک است، و میتوان گفت که سبک این داستان سرایان عمومیت زیادی را یافته و بهر طرف بخوبی تلقی شده است.

در ادب پښتو مادو گونه داستان داریم: یکی همان داستانهای عشقی است، که از زمانهای خلی قدمی در پښتو موجود، و بنام دونفر عاشق و معشوقه که پهلو انان همان داستانند یادمی شود: مثلاً افسانه آدم و درخوا، توردلی وشاوه، مؤمن و شرینو وغیره....

این داستانها در ادب ملي موقع مهمی دارد، و پیشکو لوژی و روحیات ملت پښتون را حکایه میکند، ولی مقصد مادرمبحث سبکها، این داستان هاینیست، بلکه شعرائی داریم، که بصورت اشعار عروضی، داستانهای طولی رامنظوم کرده و سبک خود را - داستان سرائی قرارداده اند.

چنانچه از خلال سطور گذشته بشما واضح شده باشد، درین شعرای دیگر یکه از خود سبک علیحده - دارتند، نیز بعضی هاداستانهارا نظم کرده اند، ولی نه بصورت سبک مستقل. در شرح ذیل مازان شعراء نامه میبریم، که بصورت مستقل سبک خود را داستان سرائی قرار داده اند:

- ۱:- بای خان: از اقوام پنیر بود و طبع روانی داشته و افسانه لیلی و مجنون را در پښتو منظوم ساخت (۱)
- ۲:- در حدود (۱۱۰۰ هـ) میزیست و عبدالرحیم هوتك وی را میهم سلک خوشحال خان ذکر میکند (۲)

(۱) مقدمه گرامر راوتی (۲) دیوان قلمی عبدالرحیم هوتك

- ۲ : میان عمر چمکنی : در حدود (۱۲۰۰ه) حیات داشت، و از عرفای مشهور عصر خود است که در کرم و پیشوار سکونت داشت، وی شجره اقوام پیشون را باقصص آن منظوم کرد، و این قسمت تاریخ ملی رازندگی بخشید (۱) کذلک مناجات‌های منظومی نیز دارد.
- ۳ : امام الدین : دارای فضاید داستانی بنام جمجمه است که درین عوام شهرتی دارد، و خوانده می‌شود، راورتی نیز ذکری ازوی می‌نماید (۲)
- ۴ : ارسلان : از شعرای داستان سرایی است که بسال (۱۳۰۳ه) قصه‌ملی فتحخان را بسلک نظم کشید، دارمسبت در ذکر شعرای پیشتو ارسلان را می‌آورد (۳)
- ۵ : فیاض : هیوز گوید کوی مطر ب خانه بدوشی بود (۴) و بقول راورتی در دوره حکومت مغولی هند میزیست، و تاقرن (۱۷) مسیحی زنده بود (۵) فیاض داستانی را بنام بهرام و گل اندام با ترددستی خوبی سرود، اگر بقول راورتی اعتماد کنیم، وی را شخص نخستین داستان سرایان قرار داده می‌توانیم.
- ۶ : مسعود ولد عبدالله از نویسندهای ایرانی است، که طبع خوبی داشت، وی افسانه آدم و درخوا را که در عننتات ملیه واقعیت‌واصلیتی دارد، بصورت حقیقی جمع آورد، و خلطی را از خود در ان روایانداشت و ظاهر است که بعد از وقوع همان قصه یعنی پس از سال (۹۰۰ه) زندگی کرده است.
- ۷ : غلام محمد : بقول راورتی در قرن (۱۷) مسیحی میزیست، و افسانه‌ای را بنام سیف الملوك نگاشت، و علاوه برین کتاب معراج نامه و تفسیر منظوم والضحی بهوی منسوب است.
- ۸ : نور : از قوم درانی و در قریه روغانو سواحل دریای مازنیه نزگر هار بسال (۱۲۶۹ه) متولد و بعمر (۴۵) سالگی بهندو بغداد رفت، قصص منظومه نور در سمت مشرق شهرت تمامی دارد، و از داستانهای وی قصه جمال خان قندهاری و زیب النساء، و داستان کوتوال و سیف الملوك وزاغ و رویاه و عبدالله، و نیم بولا و بهرام مشهور است.
- ۹ : احمد اخون خپل که بقول رضوانی قصه امیر حمزه رادر هشت هزار بیت منظوم داشت (۷) و اوی اولاً در (خونه) و بعد از آن در قریه (ماکل) سکونت گزید.

- (۱) تاریخ صولت افغانی
- (۲) مقدمه گرامر راورتی
- (۳) دیپنتو نخوا دشتر هار او بهار
- (۴) مقدمه گرامر راورتی
- (۵) مقدمه گرامر را ورتی
- (۶) مقدمه گرامر راورتی
- (۷) شکرستان افغانی میراحمدشاه رضوانی

۱۰ : - رحمت داوی : بروز گارشاه زمان در فندهار می زیست ، و بعد از آن در کوهستان سکونت گزید ، واندر او قاتیکه سردار عبدالله خان حکمران کشمیر بود ، رحمت به حضورش رفت و کتاب لیلی و مجنون خودرا بسال (۱۲۱۰ ه) بنام آن سردار افغانی اهداء داشت . رحمت در شعر این داستان قدرت قریحه بخراج داد ، و آن را در متنوی خفیف بصورت دلچسپی سرود ، و در مقدمه کتاب از معارف پروری شاه زمان و سردار عبدالله خان حکمران افغان در کشمیر - شکریه کرد و ثنایمدح گفت .

۱۱ : - ملا احمدخان : از (مردان) پشاور است که در حدود (۱۳۰۰ ه) متولد و تاسال (۱۳۳۲ ه) - در قریه دواوه مردان میزیست ، وی از مشاهیر داستان سرایان پیشوای شمار میرود ، و فصص زیادی را چون شیرویه ، زلیخا ، ورقه گلشا ، بهرام در حدود ده پانزده هزار بیت منظوم داشت .

۱۲ : - رحمت : از قصه سرایان پیشتوست که بعداز سال (۱۳۰۰ ه) داستانی را بنام جنگنامه زیتون منظوم و سبک داستان سرایان را پیروی کرد .

۱۳ : - ملا نعمت الله : از مشاهیر داستان سرایان پیشتوست ، که در نوبشار پشاور متولد ، و فصص زیادی را در پیشتوبا قدرت طبع و بلندی قریحه سرود ، اشعار و فصص نعمت الله از لحاظ کم و کیف از شهکارهای ادبی پیشتوست ، نعمت الله بعداز سال (۱۳۰۰ ه) بدین آمد ، و در حدود پنجاه هزار بیت شعر پیشتورا بیادگار گذاشت ، ویک حصه شاهنامه فردوسی را در پیشتو منظوم داشت . از داستانهای منظوم وی موسی خان و گلمکی ، لیلی و مجنون ، فتح خان ، الف لیله ، حاتم طائی ، نیمولا ، شاهنامه وغیره است .

۱۴ : - ملا احمد : ساکن داؤدزی پچگی پشاور ، و قوما خلیل سین دیری است که بعداز (۱۲۵۰ ه) متولد و تا (۱۳۰۵ ه) زنده بود ، ملا احمد فصص الانیاء را در هشت هزار بیت ، و اینس الوعظین رادر (۹) هزار بیت منظوم کرد ، و تمام اشعارش در حدود (۲۵) هزار بیت تخمین میگردد ، احمد نیز از مشاهیر سبک داستان سرایان پیشتو است .

### ( ۳ ) سبک عوام

یک قسمت خیلی مهم از ادبیات و اشعار پیشتو به سبک عوام سروده شده ، و بهترین ذخایر شعر ملی ماهم درین سبک موجود است ، این سبک راما ازینرو سبک عوام گفته ، که نسبت به سبکهای دیگر این روش و اسلوب نیکو ، درین طبقات عامه ملت مقبولیت تام یافته و در تمام وطن مروج است ، و این سبک از نقطه نظر ارزش ادبی ملی قبح ، و زبان طبقات عامه ملت شمرده می شود ، و آئینه احساسات توده ملت است .

طوریکه پیش ازین هم اشارت رفت تحقیقات درین سبک و نگارش تاریخ آن محتاج کتاب

علیحده ایست، ولی درینجا بفرض تعمیم این تاریخچه لازم افتاد که کمی درین موضوع داخل گردیم. سبک عوام بسی از اقسام اشعار و ترانه‌ها دارد، که مشهور ترین آن لندي، ناره اتن، سیری بدی، ناره نقل وغیره است، هر یکی ازینها دارای شعب و انواع علیحده ایست، که هم از حیث وزن هجایی و بحور خصوصی خویش ممتاز، وهم از حیث مضمون و فکر جداست. چنانچه در دوره قدیم شعر پشتو و سبک قدماء دیدیم، اغلب آثار شعریه آن عهد بر لهجه ملی سروده می‌شد، و دارای او زان مخصوصی است، وازان واضح میگردد، که همین سبکهای عوام نمونه قدیم ترین و نفخت ترین اشعار پشتو است، و سبک قدماء هم از آن مشعل تابان استواره کرده است، سبک عوام دارای میزات آتی است:

۱: اشعار آن از خود اوزان و بحور آهنگهای هجایی وغیره دارد، که این گونه بحور واوزان صرف ملی است، ویاک از شایه تقیید دیگران.

۲: هر ترانه و هر روزن و بحر از خود آهنگ خاصی دارد، که اصول غنای ملی ماهم همین آهنگهای است، و این ترانه‌ها که به آهنگهای سکین و متن و خیلی دلچسب خوانده می‌شود از مقالات شامخ ملیت و صلابت و علویت روح ملی حکایه میکند، - و شنونده میتواند از احن ولهجه واداء آهنگ پر صلابت آن متأثر و عالی جنای وحیت سراینده آن را تشخیص کند.

۳: این سبک از حیث موضوع هم دامنه خوبی دارد، بهترین ورشیق ترین مضامین عشقی، و حماسی، و اخلاقی، و مرح، و هجو و فکاهی و اخلاقی وغیره را دران می‌توان یافت، و گاهی قصص منفصل را دران منظوم میکنند، و داستانهای حماسی ورزی دران می‌آورند، مردان و نماوران ملی را دران می‌ستایند، بدله‌های احمدشاه، غازی محمد‌اکبر، غازی ایوب، میرعلم، و صاحب جان تره کی و موسی‌خان وغیره تاکنون درین ملت زنده، و بهترین مدحیه هائی است از رادمردان و پهلوانان ملی.

۴: الحان و آهنگ و مضامین این گونه ترانه‌ها و سرودهای ملی ماهردو دلچسب وجداب بود، مدققین و کنجهکاوان خارجی راملتفت داشته و دار مستر ورا ورتی وغیره بسی ازین اشعار یکه بسبک عوام سروده شده، گرد آورده اند، را ورتی می نویسد این گونه تراکیب که ذریعه موزیکه سرگردان نواخته می شود خیلی بر حرارت است و مراییاد سرودهای وطنی و ملی خودم می اندازد، در اوقات اقامت پشاور بسی ازان را تحریر داشته ام (۱)

۵: اشعار یکه بسبک عوام سروده شده چه در موضوع عشق و علاقه مندی، وجه در موارد دیگر از حیث تأثیر و جدا بیت نیز خیلی دلچسب و دلنشیں ومهیج است، که احساسات بدیعی را بر می انگیزند، و دل هارا وجد می‌آورد، ولازم است که شنونده با آن اتن کند، ونشاط

(۱) مقدمه گرامر را ورتی طبع کلکته

ویای کوبی نماید ، با این خواص و مزایا که در سبک عوام موجود است و اقسام مفصلی که شعر ملی دارد ، باید در آینده در نهضتی که شعر ملی دیدنی و توسعی که گرفتنی است اساس و شالوده مقرر گردد ، و ازین راه ادبیات ملی خود را دامنه وسیعی دهیم ، و شعر خود را تماماً بر نگه ملی درا وریم حالاً ماچند نفر را از سرایندگان سبک عوام معرفی میکنیم :

۱: - کمال درقریه دروشنان تیری قندهار بدینا آمد ، و بسبک عوام اشعار سوز ناکی را سرود و مدتی در کش و کوک عشق ازوطن دوری گردید و بهند رفت ، وی بسی از اقسام (سپری بدای) را زنده ساخت ، و بکوهسار پیشو تو نخوا شوری افگان .

۲: - محمدجی شاعر دیوانه که دار مستتروی را بسال (۱۸۸۶) در مجلس ایت آباد سرحد هند دید ، و بسی از اشعار ویرانگارش داد ، و مزایای سبک بود و لیر Baudelaire شاعر معروف فرانسه را در اشعارش دید (۱)

۳: - میرا ، افریدی که بعد از (۱۲۵۰ه) بدینا آمد ، پدرش کوکی خیل مادرش پته خیل افریدی بود پسرشان شاعر آتش زبانی بار آمد ، و بسی از اوزان جدید در غزل پیشو آفرید ۴: - عبدالله نورزی که در ارغنداب قندهار می زیست ، و مانند بلبل شیرین نوادر گلزار قندهار نعمه سرائی میگرد .

۵: - خدایر حم اکا خیل در حدود (۱۳۰۰ه) در نواح کلات و سیوری میزیست و بسبک عوام اشعار سوز ناک و دلکشی می سرود (۲)

۶: - عبدالودود ستریانی در قندهار متولد و در هرات تجارت داشت ، و در هند مرد وی هم از بزرگترین شعرا ای سبک عوام است (۳)

۷: - ملا حیران ولد احمد خان قوم یوپلزئی که در حدود (۱۲۵۰ه) در قرای دامان قندهار می زیست و بسبک عوام اشعار آبداری را انشاد نموده (۴)

۸: - ملا خواجه محمد که در قندهار بحدود (۱۳۰۰ه) در سبک عوام شاعر نا مداری بود .

۹: - صدیق آخند زاده هوتک در شهر قندهار بعد از (۱۲۵۰ه) میزیست و شخص عالم

و شاعر شیرین نوائی بوده ، که در ادبستان سردار مهردل خان راه داشت و عمری را در سوز و ساز عشق میگذرانید ، اشعار عشقی و فکاهی وی خیلی شهرت دارد (۵)

۱۰: - سلیم زمین داوری بعداز (۱۲۰۰ه) در مناطق زمین داور زندگانی پر سوزی

(۱) دیشو تو نخوا د شعرهارا وبهار طبع پاریس

(۲) تاریخچه شعر پیشو نگارش حبیبی

(۳) تاریخچه شعر پیشو (۴) تاریخچه شعر پیشو

(۵) تاریخچه شعر پیشو

- داشت و اشعار یکه سروده هم تماماً پراز آتش و درد است .
- ۱۱: ملا عبدالرحمن از قوم علی زی زمین داور بوده ، و بعداز ( ۱۳۰۰ ه ) میزیست و اشعار اثر نا کی را سبک عوام می سرود .
- ۱۲: محمد ایوب پریغ : که در حدود ( ۱۳۰۰ ه ) به قندهار علم سخنوری افرادت و احساسات سوزان عشقی را در اشعار رنگین خود سرود .
- ۱۳: طااب از خوب ترین گویند گان این سبک است و بعداز ( ۱۳۰۰ ه ) در قندهار میزیست .
- ۱۴: توکل از شیوه کوز کترنگر هار بر خاست ، و اشعارش در حواشی مشرقی و پشاور شهرت تمامی یافت
- ۱۵: سردار پر دل خان ولد سردار پاینده خان مشهور ، از برادران اعلیحضرت امیر دوست محمد خان است که مدتی در قندهار حکمرانی کرده ، و بعمر ( ۴۵ ) سالگی به سلح ذیقه ده ( ۱۲۴۵ ه ) در قندهار از جهان گذشت ( ۱ ) وی مانند برادر دیگر ش ادیب و عالم ، و حکمران دانشمند بود . سردار مر حوم در سبک عوام پنتو اشعاری را سرود و این سبک ملی را بعلا قمندی فاضلانه خود نواخت .
- ۱۶: ملا شیر محمد قوم اچکزئی سا کن پشین قندهار است که بعداز ( ۱۳۰۰ ه ) میزیست و دل انگیز ترین اشعار عشقی را در سبک عوام پیاد گار گذاشت .
- ۱۷: بر خوردار : از پاشمول قندهار بعداز ( ۱۲۵۰ ه ) بر خاست و باحساسات آتشین بدلهای ملی را سرود ( ۲ )
- ۱۸: فیض الله در خاکریز قندهار بعداز ( ۱۲۰۰ ه ) بدنی آمد ، و در گلستان ارغند اوچون عند لیب دلباخته تغمه سرائی کرد ( ۳ )
- ۱۹: سید کمال در شگه کوز کتر سمت مشرقی وطن پیش از ( ۱۳۰۰ ه ) علم سخنوری افرادت ، و بعشق بیوجانه مدتیها در اشک و خون گذرانید ، و اشعار سوزانی را سرود .
- ۲۰: محمد یار صاحبزاده از کلات تو خی بود ، و بعداز ( ۱۲۵۰ ه ) در قندهار میزیست ، شخص روحانی و متین خدا پرستی بود و اشعار بس گرانبهائی را در سبک عوام سرود .
- ۲۱: ملا زاهد اندر بعدود ( ۱۳۰۰ ه ) در شلگر غزنی میزیست ، و شاعر دیوانه و مجذوبی بود که مدت دراز عمر خود را در عشق دختر ا کرم خان گذرانید ، و مراحل سوزانی را طی کرد ، سوانح حیات این شاعر افغانی به جنون میماند ، و اشعار خیلی در دنک و گرم ازومانده که قیمت دارترین واثر ناک ترین سرودهای عشق است .
- ۲۲: محمد دین از تیلی پشاور پیش از ( ۱۳۰۰ ه ) برامد ، و در سبک عوام ابتکار هائی نمود

(۱) سراج التواریخ ( ۲ ) تاریخچه شعر پنتو ( ۳ ) تاریخچه شعر پنتو

وازار کان آن بشمار آمد (۱) ۲۳: نوروز از مشاهیر سرایندگان سبک عوام است که بسی از اشعار وی در پیشتو نخوا شهرت تمامی یافت.

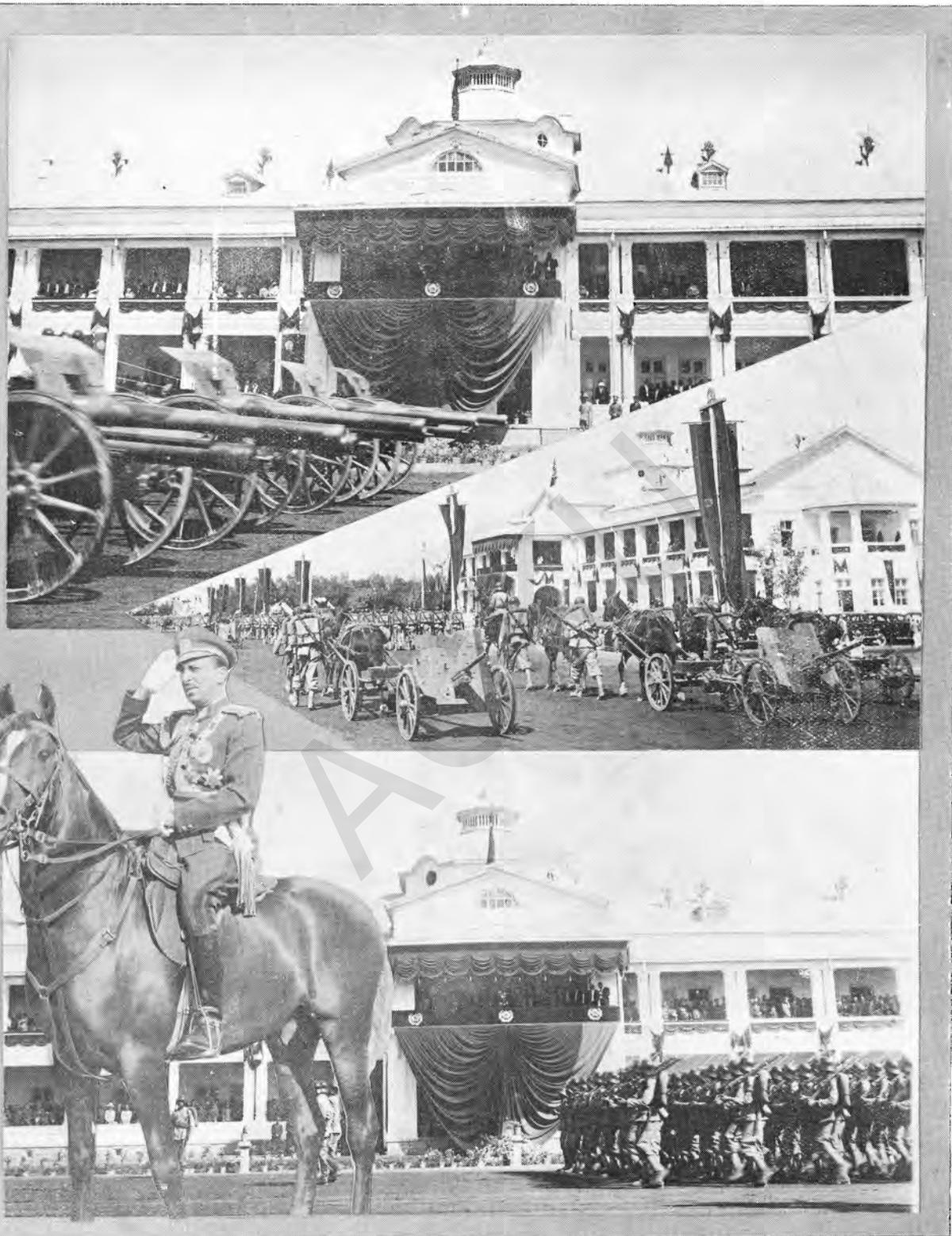
### ( خلاصه مبحث ما ) ..

در نگارشیکه از نظر خواند گان غریز ما به صفحات گذشته گذشت، مطالب ذیل واضح شد: شعر پیشتو در قدیمترین ازمنه دارای اوزان و سبک خاص ملی بود، که این دوره پیش از اسلام تادوسه قرن اولین ورود دین مقدس اسلام و به عصر غزنوی هامی رسید، درین وقت است که ما آثار اشعار پیشتو را می باییم، ولی اندرونی عصر جمعی از اجداد بزرگ بسبکی شعر گفته اند که ما ازرا سبک قدماء گوئیم، درین سبک افکار ساده و بدیع ملی به روشنی سروده شده، که با اوزان و آهنگهای ملی موجوده نزدیک است. مضماین آن حماسی، اخلاقی، موعظه و ملی است، بعد ازین سبک خیرالبیان بیان آمده که شعر نه پوره بر سبک قدماء است و نه پوره عروضی شده، در این دوره تحول و انتقال دو خانواده تاریخی کدو دمان و پیر وان با یزید پیر روش و دو دمان مر حوم ملا درویش و پیر وان اوست، سبک خیرالبیان رادر حدود سال نهصدم تا هزارم هجری پروردۀ اند، درین سبک مضماین دینی و فلسفی و اخلاقی سرو ده شده، که پس از آن در حدود سال هزارم هجری طبقه عروضیین خروج میکنند، که قدمای آنها مضماین عشقی و اخلاقی و حماسی را سرو دند، وازان پس طبقه روشنانی ها که پیر وان پیر روش اند، سبک عروضی را پرورش و مضماین اخلاقی و عرفانی و فلسفی را در شعر جای میدهند هم درین اوقات سبک ملاف بصورت ابتدائی عروضی مبنی بر مضماین اخلاقی و موعظه دینی از قندهار آغاز میگردد، کدک در حدود سال هزارم هجری سبک خوشحال خان معروف و بعد از و سبک رحمان بابا و حمید و پیر محمد و قلندر آغاز می شود، درین سبک ها هرگونه صنایع و بداعی شعری و اقسام مختلفه اشعار؛ و مضماین رنگارنگ ادبی، اخلاقی، تصویف فلسفه ماوراء اعاده و فلسفه مادی پرورش می یابد، و از هر پهلو شعر پیشتو تکمیل میگردد.

علاوه بر سبکهای گذشته سبک حماسه سرایان و قصه گویان نیز در اشعار پیشتو موجود است، و سبک عوام اسلوب مخصوص ملی است، که باین صورت تمام سبکهای شعری، پیشتو را دارای ادب گرانها و رنگینی نموده، ورزش ادبی اشعار پیشتو را چه از نقطه نظر کیف و کم، وجهه از پهلوی رشاقت، سلاست و متانت معنی و لفظ خیلی بلند می برد، که با اشعار زبانهای دیگر از هر جیت همسری و بر ابری میکنند (انتها)

تبصره: سنواتیکه درین تاریخچه آمده و بعد از ان (ه) نوشته شده، تاریخ هجری قمریست و اگر (ش) آمده باشد هجری شمسی است. کابل، شور بازار، شب اول جدی (۱۳۱۹)

(۱) دیپشتو نخوا دشعر هارا و بهار دار مستتر



اعلیحضرت معظم همایونی در موقع جواب سلام اردوی افغانی در روز جشن استقلال

# مسکوکات افغانستان

در

## «عصر اسلام»

نگارش: بناغلی احمدعلی «کهزاد»  
مدیر موزه کابل و شعبه تاریخ

در سالنامه ۱۳۱۶ بار اول موضوع مسکوکات افغانستان را سر دست گرفته و تا جاییکه معلومات و مطالعه بعن کمک میکرد شرحی مبنی بر تاریخچه ظهور مسکوکات و رول آن در زندگانی عمومی بشر و روشن کردن تاریکی های تاریخ و اهمیت خاک افغانستان از نقطه نظر کثرت مسکوکات متنوعه نگاشته و بعد از مقدمه طولانی که تمام نظر یا ت فوق را در بر میگرفت تاریخچه مختصر خانواده های سلطنتی و در ذیل آن خصوصیات مسکوکات هر یک از اعضای خانواده ها شرح داده شده و در اخیر هم تاجا ییکه دست میرسید و مطبوعه موافقت میتوانست لوایح تصاویر مسکوکات داده شد.

اگرچه حین نگارش مقاله مذکور در نظر داشتیم که تحت عنوان (مسکوکات افغانستان) از قدیم ترین زمانه ها تا امروز هم را مطالعه کرده و موضوع را یکباره تا اخیر بر سانیم ولی بعضی مشکلاتی که من حیث مأخذ ییداشد از یک طرف، کافی نبودن صفحات سالنامه از طرف دیگر مجبور نمود که مطالعات خودرا به دو حصه نموده قسمت (پیش از اسلام) آنرا نشر کنم و دوره اسلامی را به وقت دیگر موکول سازم چنانچه این کار تا حال به تعویق افتاد و در سال های ۱۷-۱۸ موضوعات مهم و مفصل تر دیگر در سالنامه های کابل نشر شد. چون شعبه صحافت پیشتو تو له که موظف به نشر سالنامه ها نیز میباشد خواهش تکمیل موضوع مسکوکات افغانستان و نشر آنرا در سالنامه امسال نموده اند به پاره یادداشت های سه سال قبل مراجعه کرده در صدد برآمد که حتی الامکان موضوع مطالعات مسکوکات دوره اسلامی را برای تکمیل قسمت گذشته برای سالنامه امسال حاضر کنم ولی چون صفحاتی که برای من معین شده نسبت به سال های گذشته محدود تر است باز موضوع کامل نشده و از ذکر مسکوکات خوارزمشا هی ها - غوری ها - شیبانی ها - شنبانی های بامیان ، بعض مفل های هند ،

سلامه های افغانی که در هند سلطنت نموده اند مثل خلجی ها - لودی ها، سوری ها و غیره  
عمدأً صرف نظر شد ،

⊗ ⊗ ⊗

### سامانی ها

نصر بن احمد : سه مسکوک نقره ائی او که بدست آمده و در موذة پنجاب حفظ است واجد  
شرح ذیل میباشد .

### راست :

« لا إله إلا الله وحده لا شريك له » - ( نوشته حاشیه خوانده نمیشود . از کستانه پول  
کمی شکسته است )

### چپ :

للہ محمد رسول اللہ المقتدر با اللہ نصر بن احمد . ( نوشته حاشیه قسمآ خوانده نمیشود )

### منصور بن نوح :

در رو : در دائرة داخلی سکه « لا إله إلا الله وحده لا شريك له ». در دائرة حاشیه داخلی :  
بسم الله ضرب هذا الدرهم بسم قند سنه ثلث و خمسين وثلاث مايه ( ۳۵۳ ) « نوشته شده  
دائرة خارجي خوانده نمیشود .

در پشت : در داخل دائرة « الله محمد رسول الله المطیع الله منصور بن ( نوح )  
نوشته شده - حاشیه کاملاً غیر قابل خواندن است .

نصر ۲ بن احمد : مسکوک مسی یا برنجی - ۲ دانه .

در یکطرف طور تزئین نقش شده : « لا إله إلا الله وحده لا شريك له - بسم الله ضرب هذا الفلس  
به بخارا سنه خمس وثلاث مايه . ( ۳۰۵ )

در طرف دیگر : للہ محمد رسول اللہ نصر - مماصر به الامیر نصر بن احمد اعزه اللہ .

### نوح ابن نصر :

در یکطرف : « لا إله إلا الله وحده لا شريك له بسم الله ضرب هذا الفلس ،

در طرف دیگر : در داخل دائرة نقطه دار : « عبدالملك مماصر به الامیر السید نوح  
بن منصور اعزه اللہ . »

منصور بن نوح : مسکوک مسى ۸ قطعه بدست آمده .

در یکطرف بطور ترئین کلمات ذیل نقش است : لا اله الا الله وحده لا شریک له . بسم الله ضرب هذا الفلس به بخاراسته ثلث و خمسین و ثلث مائه (۳۵۳) ازین مسکو کات یکی در فرغانه (در ۳۵۸) ضرب و بقیه در بخارا ضرب شده و در تو شتجات خود باسمکوک مذکور کمی تفاوت دارد .

نوح بن منصور :

در یکطرف طور تزئین در داخل دائیره نقطه دار نوشته شده : « لا اله الا الله وحده لا شریک له » در حاشیه بسم الله ضرب هذا الفلس به بخاراسته اربع و سبعین و ثلث مائه (۳۷۴)

در طرف دیگر : در داخل دائیره نقطه دار « الله محمد رسول الله . نوح بن منصور »

در حاشیه : « ما امر به الامير السيد الملك المنصور ايمه الله . »

دو مسکوک دیگر نیز ازین نوع در موزه پنجاب است که کمی ازان اختلاف دارد .

غزنویها

.....

مسکوک نقره

سبکتگین :

در یکطرف : در داخل دائیره : « لا اله الا الله وحده لا شریک له الطابع الله - ۹ » (حاشیه خوازده نمیشود) .

در طرف دیگر : « الله محمد رسول الله نوح بن منصور سبکتگین ۹ » حاشیه آن خوانده نمیشود .

ده عدد مسکوک دیگر که مشاهده شده بعض عبارات و نقوش از مسکوک فوق اختلاف دارد .

محود :

(۱) مسکو کات نقره ای : ۴۰ عدد مسکوک نقره ای که مشاهده شده با بعض اختلافات

در کلمات و نقوش قرار ذیل است :

طرف راست : بر عایت ترتیب کلمات در روی سکه « ك لا اله الا الله وحده لا شریک له

یمینی - بسم الله ضرب هذا لدرهم بسجستان سنّة سبع و سبعین و ثلث مائه (۳۹۷) » .

طرف دیگر : بر عایت ترتیب کلمات روی سکه : « الله محمد رسول الله القادر بالله یمینی الدوله

و امین الملہ ابوالقاسم محمد رسول الله ارسله بالهدی » .

در مسکوک دیگر : طرف راست « لا اله الا الله وحده لا شريك له - الطابع الله ». و به جانب دیگر بر عایت ترتیب خطوط سکه عبارت : « الله محمد رسول الله منصور بن نوح سيف الدولة محمود » خوانده میشود .

در مسکوکات دیگر با اختلاف ترتیب حروف ذکر القاب محمود « يمين الدولة » « سيف الدولة » « امن الله » باضافه شروح مذکور بنظر میرسد .

(۲) مسکوکات مسی : سه قطعه از سلطان محمود ملاحظه شده در یکی ازین مسکوکات که بخوبی خوانده میشود در طرف راست در داخل سکه کلمه « محمود امین الله » نوشته شده و در چهار طرف سکه کلمات « القادر بالله ولا الله الا الله وحده لا شريك له » نوشته شده .

در پیش ف دیگر : در داخل دائرة نقطه دار این جمله : « محمد رسول الله يمين الدولة ابو القاسم » بنظر میرسد .

### نصر برادر محمود :

در مسکوکات نقره : در طرف راست در داخل دائرة نقطه دار به ترتیب ورعایت خطوط سکه این عبارت : « يعیني لا الله الا الله وحده لا شريك له نصر » و در حاشیه نقطه لفظ سجستان خوانده میشود . در طرف چپ : بر عایت ترتیب خطوط سکه کلمات : « الله محمد رسول الله القادر بالله يمين الدولة و امین الله ابو القاسم » خوانده شده ولی حاشیه خوانده نمیشود

### محمود و طاهر :

در روی سکه که به سال ۳۸۱ هجری در سجستان ضرب شده چنین خوانده میشود .

« لا اله الا الله وحده طاهر بن ولی الدولة ابن احمد »

« بسم الله ضرب هذا الدرهم بسجستان سنة احدى وعشرين وثلاثين مائة »

در پیش : « الله محمد رسول الله القادر بالله يمين الدولة محمود محمد رسول الله ارسله بالهدى » ولی الدولة : (پدر طاهر)

روی سکه : لا اله الا الله وحده ولی الدولة (حاشیه مثل مسکوک فوق بوده ولی سنه آن تسعین

و تئماهه ۳۹۰ معلوم میشود ممکن است سبعین ۷۰ باشد )

پشت سکه : « الله محمد رسول الله القادر بالله القادر » خوانده میشود حاشیه مثل بالا است .

### مسعود :

سیزده عدد مسکوک نقره ای او مشاهده شده که حواشی اکثر خوانده نمیشود و عموماً

جمله « لا اله الا الله وحده لا شريك له » در رو و جمله « الله محمد رسول الله عليه السلام مسعود »

در طرف دیگر خوانده میشود . در بعضی دیگر : « محمد رسول الله القائم بامر الله ناصر دین الله مسعود » خوانده میشود . و در یکی دیگر « محمد رسول الله کیقباد خلیفه الله مسعود » دیده میشود .

### مودود :

هفت مسکوک نقره ئی ودو مسکوک مسی او مشا هده شده که در همه اسم ماه نیز قید شد ه  
روی سکه : بطور کلی چنین خوانده میشود : « محرم عدل لا اله الا الله وحده لا شريك له القائم بامر الله »

پشت سکه : « ابو الفتح محمد رسول الله شهاب الدو له و فخر الامه مودود »  
پول های مسی : نیز مثل مسکوکات فوق است .

شش دانه پول : مخلوط فازی هم از مددود دیده شده که مثل مسکوک نقره ئی میباشد اما در یکی از ان محل ضرب نیز ذکر شده باین معنی : « ابو الفتح شهاب الدوله و قطب الملة مودود - ضرب هزار درهم بلو هورفی سنہ ثلث یاخمس و تلثین وار بعماهه .

### عبدالرشید :

یازده دانه مسکوک مخلوط فازی ازو دیده شده که با اختلاف کمی در عبارات و اشکال چنین ضرب شده . : « عزالدوله وزین الملة ابو منصور الرشید »

### فر خزاد :

مسکوکات نقرئی بر روی : « ظفر لا اله الا الله وحده لا شريك له القائم بامر الله » در طرف

دیگر « محمد رسول الله جمال الدوله کمال الملة فرج زاد »

مسکوکات مخلوط بر روی : « عدل جمال الدوله ابو شجاع فرج زاد »

### ابراهیم :

سیزده دانه مسکوک نقره او ملاحظه شده که در خوانا ترین آن چنین خوانده میشود در یک رو : « لا اله الا الله وحده لا شريك له القائم بامر الله ملك الامام نصیری . »

در روی دیگر : « الله ملك الله محمد رسول الله السلطان الاعظم القاهر الملوك سيد السلاطين »

ابراهیم .

مسکوک مخلوط : چهار دانه آن ملاحظه شده از مسکوک نقره کمی اختلاف داشته

و در یکی جای ضرب ( لاهور ) نیز قید شده است .

سعود سوم :

یازده داه مسکوک فلزی مخلوط اومشاهده شده که در پشت و روی آن چنین ضرب زده اند:  
در رو : عدل لا اله الا الله محمد رسول الله المستظہر بالله قا هری : « در پشت :  
ملک السلطان العادل مولی السلاطین نظام الدین مسعود » در باقی نیز همین عبارات باختلاف  
نحوی خوانده میشود.

ملک ارسلان :

یک مسکوک مخلوط ازو دیده شده که جمله ذیل در ان خوانده میشود « بنا السلطان  
الا عظم ملک ارسلان »

بهرام شاه :

نه مسکوک نقره ازو دیده شده که این عبارت در آن نقش است : « الله لا اله الا الله  
المسترشد بالله عضد الدوله سنجر » در پشت : « السلطان محمد رسول الله السلطان الا عظم یعنی الدوله  
بهرامشاه » در پنج مسکوک مخلوط او که دیده شده چنین نوشته اند: « عدل السلطان الا عظم  
بهرامشاه »

خسرو شاه :

یک مسکوک مخلوط ازو دیده شده که در بین دائرة نقطه دار چنین نوشته اند.  
« السلطان الا عظم معز الدوله خسرو شاه »

خسرو ملک :

هشت مسکوک مخلوط فلزی ازو دیده شد در یکی از ان چنین نوشته اند:  
« السلطان الا عظم سراج الدوله » در عقب « خسرو ملک » بعضی مسکوکات دیگر نیز  
دیده شده که در دوره غزنویها به تقدیم یولهای ساما نتا دیوا ( Samanta Deva ) یکی از  
برهمن شاهیان کابل زده شده درین مسکوکات در بالای شکل سر اسپ اسم سلاطین غزنوی  
دیده میشود این یولهای ممکن است در پنجاب در زمان حکمرانی مسعود اول برادرش محمد  
ضرب شده باشد . بعضی یولهای دیگر هم دیده شده که در ان نام مودود نقش است .

تیموری ها

تیموری ها در طلا و نقره و مس سکه زده اند روی هم رفته از ارکان مهم این خاندان  
یک یک سکه را بطور نمونه شرح میدهیم .

### سکه نقره ئی تیمور :

روی سکه : سیور بیر لانی امیر غنیم شیمور کور ا کمتو .  
پشت سکه : کلمه شریفه .

### سکه نقره ئی شاه رخ ضرب هرات :

روی سکه : (ضرب) السلطان الاعظم شاه رخ بهادر خاد الله ملکه و سلطانه هرات (۸۲۸)  
پشت سکه : کلمه شریفه در میان صربع به چهار ضلع آن اسمای خلفای راشدین .

### سکه نقره ئی سلطان حسین میرزا ضرب هرات :

روی سکه : السلطان الاعظم ابوالنازی حسین بهادر سلطان خلد الله و تعالی ملکه .  
پشت سکه : کلمه شریفه در میان سه برگ در حاشیه اسمای خلفای راشدین .

### هو تکی ها

دوره هو تکی که در تاریخ کشور خود آنرا عصر نهضت قومی میتوان شمرد با زعیم ملی  
میرویس خان شروع و بعد از یک سلسله فتوحات محمود و اشرف در ایران به حادثه قتل اخیر الذکر  
تمام می شود . خود میرویس خان چون بصورت رئیس ملی حکومت نموده سکه ضرب نزد  
مسکوکات اعلیحضرت محمود و اشرف فرار ذیل است :

### محمود ۱۱۳۵-۱۱۳۷ هجری

سکه نقره ئی : روی سکه : در میان صربع : لا اله الا الله محمد رسول الله در حاشیه  
ابا بکر - عمر - عثمان - علی

پشت سکه : سکه زد از شرق ایران چو قرص افتاد  
شاہ محمود جهانگیر سیادت انساب

چند ایات ذیل را هم به مسکوکات او نسبت میدهدند .

فرو رود به زمین ماه و افتاد منیر

زرشک سکه محمود شاه عالم گیر

دین حق را سکه بزر کرد از حکم الله

عاقبت محمود باشد پادشاه دین بنام

اشرف :

سکه طلا ضرب اصفهان .

روی سکه : لا اله الا الله محمد رسول الله (محمد) .

پشت سکه : به اشرفی اثر نام آنجناب رسید

ضرب اصفهان

ج ۱۳۷

سکه نقره :

روی سکه : دست زدیر جلاله اشرف شاه بود تغییر سکه داد کنگا .

پشت سکه : جلوس میمنت مانوس دردار السلطنه اصفهان « ۱۱۳۷ »

نوع دیگر سکه نقره :

روی سکه : لا اله الا الله محمد رسول الله

پشت سکه : زاطاف شاه اشرف حق شعار

ضرب اصفهان

ج ۱۳۷

چون از روی تاریخ و حتی وقایع از ادخان افغان هم در همین عصر واقع شده است به شرح سکه او می پردازیم .

از ادخان ۱۱۶۹ - ۱۱۶۶ هجری

سکه نقره ضرب تبریز

روی سکه : لا اله الا الله محمد رسول الله

پشت سکه : تا که آزاد درجهان باشد سکه صاحب الزمان باشد

ضراب خانه های شاهان درانی

چون در اثر یک سلسله کشور کشائی ها قلمرو امیر اطوری درانی خصوصاً بطرف هند خیلی ها وسعت یافته و دامنه آن از مشهد تا سواحل شرقی دریای گنگا و از رود آمو تا دلتای سند انساط داشت شاهان این دور مان به تمام نقاط متصرفه امیر اطوری خود سکه زده اند و مسکوکات خودش نشان میدهد که ایشان تقریباً در تمام شهر های معروف افغانستان و خراسان و هند ضراب خانه داشتند چنانچه روی هم رفته تعداد ضراب خانه ها به ۲۷ میرسد .

قلمر و افغانستان :

درانی ها در حوضه خاک افغانستان فعلی در هرات ، بلخ ، قندهار ( احمد شاهی ) کابل

## مسکو کات افغانستان

سکه زده اند به این تفصیل که در هرات احمد شاه بابا ، تیمورشاه ، شاه زمان شاه محمود و کامران ، در کندهار احمد شاه بابا ، سلیمان ، تیمور ، همایون ، زمان ، محمود ، (دفعه اول) قیصر شجاع ، (دفعه دوم) محمود (دفعه دوم) ایوب شجاع (دفعه سوم) فتح جنگ ، در بلخ تیمورشاه ، در کابل احمد شاه بابا ، سلیمان ، تیمور ، زمان ، محمود (دفعه اول) قیصر ، شجاع (دفعه دوم) محمود (دفعه دوم) ایوب ، شجاع (دفعه سوم) فتح جنگ سکه زده است . شهرهای که در آن سکه ضرب زده ویشد چه در داخل خاک افغانستان و چه در نقاط مفتوحه امیر اطوروی اغلبأ به صفات میز یاد میشند چنانچه بلخ بصفت «ام البلاد» . قندهار «شرف البلاد» هرات «جایگاه راحت سلطنت» . وغیره

### در ایران :

درانی هادرخاک ایران کنونی هم در یکی دو جا سکه زده اند اعلیحضرت احمد شاه بابا در سال های بین ۱۷۴۸-۱۷۵۰ ع خراسان را فتح نموده و پسر او تیمورشاه در مشهد متولد شده است . اعلیحضرت احمد شاه و تیمور شاه هردو در مشهد سکه زده اند . علاوه برین اعلیحضرت تیمور شاه در «خوی» هم سکه زده است . محل اخیرالذ کر را در غرب ایران در نقطه‌ئی که خلی ها از دائرة تقویز تیمورشاه دور بود تعیین نموده اند .

### در هند :

چون سیر فتوحات درانی ها پیشتر متوجه خاک هند بود پیشتر از ۲۰ ضراب خانه در انجا داشتند و در ۲۰ شهر مختلف هند سکه زده اند . ضراب خانه های درانی ها در هند از پشاور و دیر جات و دیر و بکهر و حیدآ آباد سند ، و تانه که در حوضه سند واقع است گرفته تا نواحی ، بارلی ، فرغ آباد ، مراد آباد ، فیض آباد ، در سر زمین ماورای جمناگنگ انساط داشت این شهر ها متعلق به کسانی بود که در جنگ «پانی پت» با اعلیحضرت احمد شاه با با متعدد بودند ، ناگفته نماند که بعضی از دارالضرب های هندی هم بصفات میز یاد میشند مانند سرهند «جایگاه امنیت» کشمیر «جایگاه راحت سلطنت» ، به اوپور «خانه مسرا» وغیره چون ضراب خانه های درانی ها در هند متعدد و دانستن موقعیت و خصوصیات هر کدام آن برای هر فرد افغان ضروری است مختصرآ به تذکار موقعیت و خصوصیات جفراء بنی و تاریخی هر یک می پردازیم (۱)

اتک : محل مشهور و مستحکمی است در کنار شرقی ساحل اندوس قلعه اتک را اکبر امیر احصور هند ساخته و در هینجا پول مسی بضرب رسانیده است اعلیحضرت احمد شاه بابای درانی شمال غرب پنجاب را در ۱۱۶۵ هجری به افغانستان ملحق کرد اعلیحضرت احمد شاه و تیمور شاه

(۱) از مقدمه کتیلک مسکو کات پنجاب موزیم لاہور اتخاذ و اختصار شده است

مسکوکات طلا و نقره در ائمۀ ضرب کرده اند.

احمد پور : احمد پور مركز قدیم ایالت بهاولپور است در اینجا بنام محمود شاه سکه ضرب زده شده اما نوع ضرب آن خوب نیست و چنین تصور می‌رود که بعد از وفات محمود بنام او ضرب زده شده باشد.

انواله : شهری است در « روہیل کنڈ » نجیب الدوله که از متخدین اعلیحضرت احمد شاه در جنگ « یانی پت » بود مسکوکاتی در اینجا بنام اعلیحضرت احمد شاه سکه زده که بسال ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ سنه خورده است کما میابی اعلیحضرت احمد شاه در جنگ « یانی پت » شکست مراهته هنود ، اشغال دهلي و شکست شاه عالم مغل در ۱۱۷۳ ( ۱۷۶۰ ) قشون درانی را به ماورای رود جمنا و حوضه گنگا رسانیده و متخدین زیادی برای اعلیحضرت احمد شاه فراهم کرد چنانچه همین متخدین مدتی در انواله - برملی - فرخ اباد - مراد اباد بنام اعلیحضرت احمد شاه سکه زده اند.

بریلی : شهر عمده « روہیل کنڈ » است . نجیب الله متخد اعلیحضرت احمد شاه در سال های ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ بنام اعلیحضرت موصوف سکه زده است .

باهاولپور : یکی از نقاط مهم تجاری است که روی راه کاروان روین کابل و دهلي واقع است . مال التجاره ئی که از کابل بطرف دهلي فرستاده میشد از ملتان ، باهاولپور - صورت گر « - بهتر ، میگذشت و اگر کاروان ها قصیدسنده میداشت از باهاولپور منحرف میشد در سال ۱۷۸۸ اعلیحضرت تیمور شاه شخصاً نواب باهاولپور را با غلوب نموده بعلاوه اینکه از خساره جنگ گرفت هرساله خراج ده کابلش ساخت . شاه محمود در هردو دفعه سلطنت خود و شاه شجاع در دفعه دوم سلطنت خود در باهاولپور طلا و نقره سکه زده اند و آنجا را دارالسرور « خوانده اند .

### بهکهر :

جزیره مستحکم « بهکهر » بین « سکهر » و « رهري » واقع است و یکی از نقاط زیبای اندوس است که در زمان قدیم کلید سند محسوب میشد . اعلیحضرت احمد شاه در « بهکهر » مسکوکات طلا ضرب زده و دونوع آن بدست آمده یکی که در سال ۱۱۶۸ سنه خورده فرد عادی مسکوکات اعلیحضرت احمد شاه در آن دیده میشود در رقم دومی جمله « احمد شاه در دران » در وسط دور آن فرد معمولی ضرب زده شده است و سنه آن ۱۱۷۷ است نمونه مسکوکات سال هفتم و هشتم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه در سالهای بعد در اینجا عرض شده جمله « احمد شاه در دران » در میان گل برگشته نما در وسط دورانها دورانرا فراگرفته است . این نمونه در دیرین - دیرجات - ملتان - کابل هم معمول معروج بوده است . تیمور شاه

در بیکر بقسم نایب الحکومه بنا میدر خود سکه زده و در زمان شاهی خود سکه طلا و مس در اینجا بضرب رسانیده است . اعلیحضرت شاه زمان ، شاه محمود ( دفعه اول ) شاه شجاع ( دفعه دوم ) شاه محمود ( دفعه دوم ) در اینجا سکه بضرب رسانیده اند .

پشاور :

پا یخت زمستانی شاهان درانی بوده و مخصوصاً شاه شجاع به آن علاوه زیاد داشت . در اینجا اعلیحضرت احمد شاه ، سلیمان شاه ، تیمور شاه ، زمان شاه ، شاه محمود ( دفعه اول ) شاه شجاع ( دفعه دوم ) شاه محمود ( دفعه دوم ) ایوب شاه سکه های مختلف طلائی ، نقره ای ، مسی ضرب زده اند .

وتایک اندازه این سکه قیافه مسکوکات مغلی را اختیار کرده است . سکه های اعلیحضرت احمد شاه در پشاور از روی نمونه و شکل به سکه های مغل قریب تر است چنانچه بعضی مسکوکات مسی فرق نمیشود که از اعلیحضرت احمد شاه درانی ویا از احمد شاه بهادر مغل است . مسکوکات طلائی و نقره ای اعلیحضرت تیمورشاه در پشاور بیشتر به نمونه و سبک مسکوکات احمد شاه بابا و سلیمان شاه بضرب رسیده . شاه محمود در سال های ۱۲۱۶ - ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸ در اینجا سکه زده .

تنه :

بندری است در دلتای انوس و اولین شهر سند است که مورد حمله اعراب در قرن ۸ قرار گرفت . در اینجا اعلیحضرت احمد شاه و تیمورشاه هر دو سکه زده اند و سکه های نقره ای ایشان بدست آمده است .

دیره :

ضراخانه دیره شهر سرحدی دیره غازی خان و در غرب انوس واقع بود . اعلیحضرت احمد شاه بابا در ۱۱۷۰ سکه های طلا نقره در اینجا ضرب زد . شهر اده تیمور پیش از یاد شاهی در زمان نایب الحکومگی خودهم در اینجا بنام پدر سکه زده است . اعلیحضرت تیمورشاه در زمان پادشاهی خود در دیره به تاریخ های مختلف سکه بضرب رسانیده است و چندین صد آن از بهار لیور بدست آمده است . اعلیحضرت زمان شاه در سال های اول و دوم و سوم سلطنت خود سکه های طلا ای در اینجا ضرب زده است . شاه محمود در دوره اول سلطنت خود در سال های اول و دوم سکه نقره ای در اینجا بضرب رسانیده است . هکذا شاه شجاع هم در دوره دوم سلطنت خود در دیره سکه زده است .

دیر جات :

دیر جات عبارت از قطعه اراضی رسوبی است که بین سلسله کوه سلیمان ورود انوس افتاده و چون سه دیره غازی خان (گجرات سفلی) و دیره اسماعیل خان و دیره فتح خان (گجرات عالیا) را در بر میگیرد جمیع اراضی به دیر جات موسوم شده است. در اینجا اعلیحضرت احمد شاه بابا، تیمورشا، زمان شاه، شاه محمود (دفعه اول) شاه شجاع (دفعه دوم) شاه محمود (دفعه دوم) سکه زده اند مسکو کات دیر جات اعلیحضرت احمد شاه کمیاب و صورت ضرب آن چندان خوب نیست بهر حال اعلیحضرت موصوف در اینجا طلا و نقره سکه زده و محل ضرب (دیر جات) و (دیره جات) نوشته شده است، سکه طلائی اعلیحضرت تیمورشا هم کمیاب است ولی سکه نقره ای ایشان زیاد است زیرا از ۱۱۹۲ به بعد تا آخر دوره سلطنت خویش سکه زده است در ۱۲۱۱ شاه زمان سکه طلائی مقبول در اینجا سکه زده است، وزن سکه نقره ای تیمورشا ۱۷۱ نخود از شاه محمود ۱۷۰ و از شاه شجاع ۱۷۱ و ۱۷۰ نخود وزن دارد.

سنده :

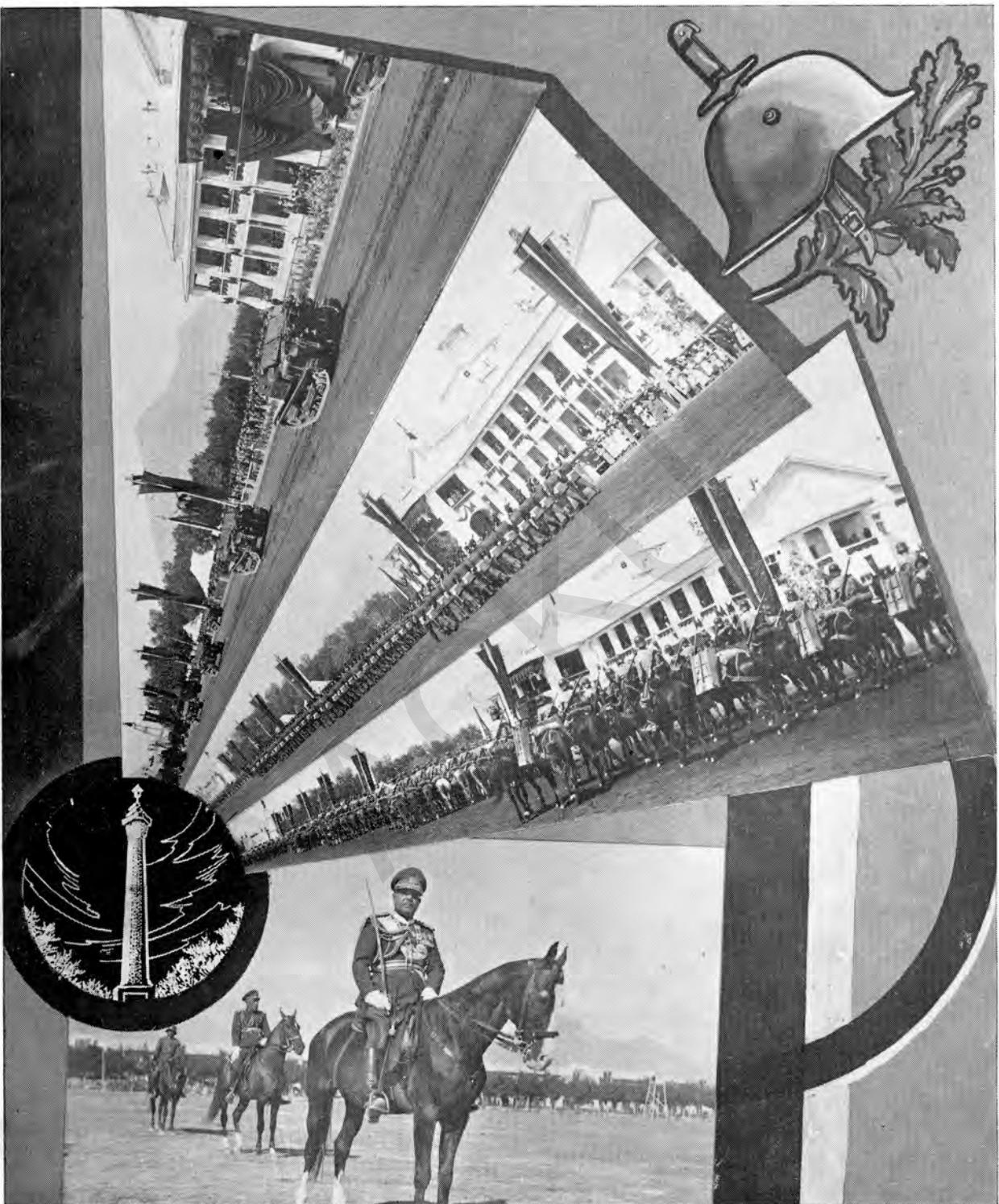
اگرچه اعلیحضرت احمد شاه اقتدار و نفوذ کاملی در سنده است ولی سکه در انها ضرب نزد است و این علاوه بر اذریجه پرسش تیمور به عنوان نایب الحکومه اداره میکرد اعلیحضرت تیمورشا یک دفعه ذریعه مدد خان و دفعه دیگر شخص آبه سنده ململه نمود. و تاشکار پور پیشرفت و آنجار اتیول خود ساخت شاه زمان هم بر این قسمت حاکمیت داشت ولی از ملتان پیش نرفت. شاه شجاع در ۱۲۱۸ هجری باقشون زیادی به سنده حمله نموده وتلاار کان پیشرفت نمود، بواسطه دوری این ولایت سائر درانی ها در اینجا نفوذ نیافتند و جز اعلیحضرت تیمورشا کسی دیگر ازین خانواده در اینجا سکه نزد مسکو کات اعلیحضرت موصوف در سنده نوع مختلف دارد.

سر هند :

شهر قدیم سر هند از نقطه نظر عسکری روی شاهراه لا هورو دهلي در حصه که پنجاب از سائر حصص هند جداميشود موقيت مهمی را اشغال کرده بود: ده ماه بعد از قتل نادر افشار اعلیحضرت احمد شاه این محل را متصرف شد، مسکو کات اعلیحضرت موصوف که در اینجا بضرب رسیده ۶ حمله درانی را پیش و بعد از جنگ معروف « پانی بت » یادواری میکند که تاریخ آخرین آن به ۱۱۷۶ مصادف است.

دھلی :

اعلیحضرت احمد شاه بابا دودفعه بر دھلی لشکر کشی نموده یک دفعه در ۱۷۵۶ (۱۱۷۰ هجری)



سپه سالار و وزیر حرب افغانستان در روز رسم گذشت عسکری جشن استقلال

ودفعه دیگر چندسال بعد، قشون مهارتنه درماه فروری ۱۷۶۰ دهلي را تخلیه نمود ولى اعليحضرت احمدشاه درسي ميلى شهردر «انوپ شهر» مى بود. در ۱۷۶۱ قشون مهارتنه ضربه سخت تری دیده و اين دفعه شهر در دست شاهنشاه درانی افتاد. مسکو کات طلائی و نقره ئى كه ياد گار اشغال دودفعه دهلي بدست افغان هامياشد از اعليحضرت احمدشاه با بله بدست است.

فرخ آباد : فرخ آباد که مرکز صوبه ئى در ولایت اگره مياشد شهرى است كه بنای ازرا نواب محمدخان غضنفر جنگ يكفار از روسای افغان قبيله بنگش گذاشته است. اعليحضرت احمدشاه در اينجا بنام احمدشاه درانی سکه زده است.

کشمیر : مسکو کات کشمیری شاهان درانی عموما در سيرناگار مرکز اين ولایت بضر ب رسيده. مسکو کات طلائی ضرب اينجا کم و كماب است بر عکس سکه هاي مسي خيلي زياد مياشد يك سکه طلائی اعليحضرت احمدشاه كه بسال ۱۱۶۷ سنه خورده بدست است وبر تها جم افغان در سال ۱۷۵۳ مسيحی يراين دره زبيا شهادت ميدهد، سائر دودمان درانی مثل سليمان - تيمورشاه، زمان شاه، محمودشاه (دفعه اول) قيصرشاه، شاه شجاع (دفعه دوم) شاه نورالدين، شاه محمود (دفعه دوم) ايوب شاه همه در انجا سکه زده اند.

lahor : قشون اعليحضرت احمدشاه درانی در ۲۲ جنوری ۱۷۴۸ مسيحی يکبار ودر اپريل ۱۷۵۲ بار دوم داخل لاھور شده و آنرا جو ولايت پنجاب مر بوظه امپراتوري خود ساخت و شهزاده تيمور را نايب الحکومه پنجاب و ديره جات و سند مقرر كرد. اعليحضرت احمدشاه مسکو کات طلائی و نقره ئى در ۱۱۶۱ هجری در اينجا ضرب زده است. اعليحضرت تيمورشاه وزمان شاه نيز در انجا سکه به ضرب رسانيده اند

مرادآباد : در مرادآباد که شهرى در «رھيل كند» است اعليحضرت احمدشاه با با سکه زده است.

ملتان : در سال ۱۱۶۵ هجری بدست اعليحضرت احمدشاه با با فتح شده واولين دسته مسکو کات اعليحضرت موصوف به همين سال سنه خورده است، تيمورشاه بحیث نايب الحکومه پدر خود در سال هاي بين ۱۱۷۰-۱۱۸۵ در آنجا سکه زده سائر شاهان درانی اعليحضرت زمان شاه، محمودشاه (دفعه اول) شاه شجاع (دفعه دوم) محمودشاه (دفعه دوم) ايوب شاه در آنجا سکه زده اند

نجيب آباد : در نجيب آباد که شهرى در صوبه يجنور ولايت اگره است نجيب الدوله خان رئيس روھيلاي افغان در ۱۱۸۰ هجری بنام اعليحضرت احمدشاه سکه زده است.

## نمونه مسکو کات شاهان درانی

اعلیحضرت احمد شاه

### سکه طلا محل ضرب اتلک

روی سکه : حکم شد از قادر ییچون به احمد پادشاه

سکه زن بر سیم وزراز اوج ماهی تابه ماه

پشت سکه : جلوس میمنت مانوس ضرب اتلک سنه ۱۵

⊗      ⊗      ⊗

### سکه نقره :

⊗      ⊗      ⊗

روی سکه : احمدشاه پادشاه درانی فلوس ۱۱۷۰

پشت سکه : ضرب ملتان جلوس مبارک ۱۰

⊗      ⊗      ⊗

تیمور شاه نظام (بحيث نایب الحکومه بینجاحب و سند و دیره جات

سکه طلا : ضرب دیره بعلیم یافت سکه تیمور شاه نظام ؟

روی سکه : بحکم خدا و رسول اقام

پشت سکه : ضرب دیره سنه احد

مسکو کات نقره هم به نمونه فوق به ضرب رسانیده اند :

### سکه مسی :

روی سکه : فلوس تیمور شاهی

پشت سکه : ضرب دیره سنه ۳

⊗      ⊗      ⊗

## اعلیحضرت تیمور شاه

### سکه طلا : ضرب اتلک

روی سکه : چرخ می آرد طلا و نقره از خورشید و ماه

تا کنند بر چهره نقش سکه تیمور شاه

پشت سکه : جلوس میمنت مانوس ضرب اتک سنه ۲  
مسکوکات نقره ئی هم به نمونه فوق به ضرب رسایدہ الله .

### مسکوکات مسی :

روی سکه	تیمور شاهی فلوس
پشت سکه	ضرب بکهر ۱۱۹۴

⊗ ⊗ ⊗

### اعلیحضرت شاه زمان

#### سکه طلا ضرب اشرف البلاط احمدشاهی

روی سکه : فرار یافت بحکم خدای هردوچهان

رواج سکه دولت بنام شاه زمان

پشت سکه : سنه ۱۲۰۹

به نمونه فوق مسکوکات نقره ئی هم بضرب رسیدہ

### سکه مسی :

روی سکه	زمان شاهی فلوس
پشت سکه	ضرب بکهر

⊗ ⊗ ⊗

### اعلیحضرت محمود شاه (درهرات)

#### سکه نقره ضرب هرات

روی سکه : سکه بزر زد به توفیق الله

خسروگیتی سلطان محمود شاه

پشت سکه : ضرب دارالسلطنه هرات ۱۲۱۶

### اعلیحضرت محمود شاه (سلطنت دفعه اول)

#### سکه طلا ضرب اشرف البلاط احمد شاهی

روی سکه : ترتیب فوق

پشت سکه : ضرب اشرف البلاط احمدشاهی ۱۲۱۸  
به همین نمونه در نقره هم سکه کرده اند

سلکه مسی :

روی سکه : محمودشاه غازی ۱۲۱۶  
پشت سکه : ضرب کشمیر سنّه احد

۴۷۶

### اعلیحضرت شجاع الملک شاه

#### سلکه طلائی ضرب اشرف البلاط احمدشاه

روی سکه : سکه زد بر سیم وزر چون مهر و ما  
شاه دین پرور شجاع الملک شاه

پشت سکه : در دردایره و چهار محراب : ضرب اشرف البلاط احمدشاهی  
به همین نمونه نقره هم ضرب زده است و در یک سکه نقره ائی ضرب بها والبور این  
بیت در روی سکه ضرب زده شده است :

سلکه زد بر سیم از فضل خاص کرد گار  
خسر و گیتی ستان شاه شجاع نامدار  
در یک سکه نقره ائی ضرب کشمیر فرد ذیل استعمال شده است .  
سلکه زد از فضل حق بر سیم و زر  
شه شجاع الملک شاه بحر و بر

مسکوکات مسی :

روی سکه فلوس شجاع الملک شاهی . یا شجاع الملک شاه در درانی پادشاه نوشته شده  
در پشت سکه اسم، محل ضرب و سنه و شکل یک شمشیر یادوشمشیر رویهم دیده میشود.

۴۷۷

### قیصر شاه

#### سلکه طلائی ضرب اشرف البلاط احمدشاهی

روی سکه : سیم وزر درجهان بحکم الله  
گشت رائق بنام فیصر شاه

پشت سکه : ضرب اشرف الباد احمد شاهی ۱۲۱۸  
به نونه فوق نقره هم در کشمیر سکه زده است.

❀ ❀ ❀

### اعلیحضرت محمود شاه (دفعه دوم)

اعلیحضرت محمود شاه بار دوم نیز طلا و نقره و مس ضرب زده است بیت روی مسکو کات  
چنین است

سکه دولت به زر و سیم فزود  
حسن دیگر سلطان محمود

❀ ❀ ❀

سکه بزر زد به توفیق اله  
خسر وی گیتیستان محمود شاه

❀ ❀ ❀

### شاه نور الدین

#### سکه طلائی ضرب کشمیر

روی سکه : ضرب خطه کشمیر سنه ۲ پادشاه نور الدین یاخروم جهان.

پشت سکه : الدین جیفه و طالبها کلاب ۱۲۲۵

این فردا هم در بعضی سکه استعمال کرده است

سکه شد روشن ز شاه نور الدین  
رایح از خدموم قطب العازمین

❀ ❀ ❀

### ایوب شاه

#### سکه طلائی ضرب پشاور

روی سکه : شد جهان روشن تراز خر شید و ما  
از شعاع سکه ایوب شاه

پشت سکه : ضرب پشاور جلوس سنه ۶

در بعضی مسکو کات نقری این فردا استعمال نموده است  
سکه شاه ایوب بر زر و سیم  
زدیه ناید کردگار عظیم



### کامران شاه

در هرات سکه های نقری به ضرب رسانید



### شجاع الملک (دفعه سوم)

در کابل واحد شاهی طلا و نقره ضرب زده



### فتح جنگ

#### سکه نقره ضرب کابل:

روی سکه: سلطان فتح جنگ پادشاه غازی ۱۲۷۸

پشت سکه: ضرب دارالسلطنه کابل ۱۲۵۸

از شاه پور شاه هم مسکو کاتی در کابل به ضرب رسیده است.



### محمد زائی ها

عصر محمد زائی ها که در تاریخ، دوره معاصر افغانستان را تشکیل میدهد دارای مسکو کات مهم  
طلائی و نقره ائی و مسی است و به ذکر نونه های آن ذیلاً می پردازیم:

اعلیحضرت امیر دوست محمد خان

(۱) سکه نقره روی سکه: کمر به بست و بزر سکه بزم جهاد

امیر دوست محمد ناصر ش حق باد

پشت سکه: ضرب دارالسلطنه کابل ۱۲۵۰

(۲) روی سکه: عروج دوست محمد به ملک وجاه کشید

دور رو اج سکه پا ینده خان رسید

پشت سکه: بن معلوم نیست

## مسکو کات افغانستان

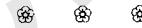
در سکه های اعلیحضرت امیر دوست محمدخان این فرد ذیل هم دیده شده  
شمس و قمر به سیم طلا میدهد نویند  
وقت رواج سکه پاینده خان رسید  
چون دفعه دوم اعلیحضرت مو صوف به سلطنت میرسد این فردا در سکه های خود نقش میکند  
بزد زین عنایات خالق اکبر  
امیر دوست محمد دوباره سکه بزر



## امیر شیرعلی خان

روپیه های مد ور و قران نقره ائی سکه زده نمونه سکه هائی که در سنه ۱۲۹۲ و ۱۲۹۵  
در کابل ضرب زده چنین است.

روی سکه : امیر شیرعلی ، دورادور آن کلمه شریفه  
پشت سکه : یک روپیه ضرب دارالسلطنه کابل ۱۲۹۵ . اعلیحضرت امیر شیرعلی خان  
در سکه های خود بعضی افراد ذیل را نیز نقش نموده :  
زین مرحمت کرد گارل بزیل  
بیافت سکه رواج از امیر شیرعلی



زالقات کشیر امیر نیک ضمیر  
امیر شیرعلی سکه زد چوبدر منیر



شد از عنايات و الطاف لم یزلى  
رواچ سکه بنام امیر شیرعلی

چون دفعه دوم به سلطنت میرسد این فرد را استعمال میکند .  
سکه زد در جهان چو بدر جلی  
با ردوم امیر شیرعلی



## امیر محمد اعظم خان

روی سکه : امیر محمد اعظم  
پشت سکه : ضرب دارالسلطنه کابل ۱۲۸۴  
این فرد هم در بعضی سکه های او دیده شده

چواز عنایت الطاف حق ملزم شد  
رواج سکه بنام محمد اعظم شد  
✿ ✿ ✿

امیر محمد افضل خان:

این فرد را به سکه های اونسبت میدهند  
دو فوج مشرق و مغرب زهم مفصل شد  
امیر ملک خرا سان محمد افضل شد  
✿ ✿ ✿

اعلیحضرت امیر شیر علیخان (بار دوم)

این فرد به ضرب مسکوکات او در دفعه دوم سلطنت اشاره میکند  
سکه زد در جهان چوب در جلی  
بار دوم امیر شیر علی  
✿ ✿ ✿

امیر محمد یعقوب خان :

روی سکه : امیر محمد یعقوب ۱۲۹۶  
پشت سکه : ضرب دار السلطنه کابل ۱۲۹۶

بهین ترتیب در هرات هم سکه زده است .  
در فر صنیکه امیر محمد یعقوب خان بدست انگلیس ها بندی شد و قوای خارجی بکابل  
رسیده بود یکی از زعمای ملی محمد جان خان وردک که نام با شهامتش در مسئله اخراج دشمنان  
ورد زبان خورد و بزرگ است در انتظار پیدا شدن پادشاه افغانستان چنین سکه زد :

می کنم دیوانگی تا بر سرم غوغای شود  
سکه بر زر میز نم تا صاحب شن پیدا شود  
✿ ✿ ✿

اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان :

سکه نقره : روی سکه : امیر عبدالرحمن ۱۲۹۸ ( به طغیری )  
پشت سکه : ضرب دار السلطنه کابل ۱۲۹۸

سکه نقره ضرب هرات :

روی سکه : امیر عبدالرحمن ۱۳۰۵  
پشت سکه : ضرب دار السلطنه هرات  
چون سکه های ما بعد به مکثت در بازار پیدا میشود از شرح انها صرف نظر شد

# د پشتو ننۍ لیکوال

« ۳ »

ښاغلی صدیق الله خان رشتین

دادوه کاله کېږي چه د کابل په سالنامو کښ ، دینا غلی فاصل مولوی فیام الدي يخان خادم دېښتو توپني دتا لیف دشعېي دمدېر په قلم دېښتو دموجوده لیکوالو شرح حال نشریېږي ، په دې دوه کاله کښ شلنې لیکل شوي دي ، او په دې دله کښ داسی نور هم ټهينې خلق پاتي دي ؛ چه دهفوی لیکل ، او هر فی کول هم لازمي معلومېږي . داما قاله کځه هم باید مولوی صاحب سرته رسواي واي ، مګر هر کاله چه ده ستر کال دېښتو یووه بله مړه مو ضوع دلاس لاندي نیو لوپي ده ، نوددي ؛ مو ضوع یوره کول ، او سرته رسول ماته راوی پارل شو ، که خه هم زما ادبی اقتدار دوسره نه دي ؛ چه داما قاله په هېډ رنګ او شان چه ده لیکلې ده ؛ سرته ورسوم . مګر یاهم زمازیات کوشېښ دادی : چه خه نه خه دده دور روسته اودده په قدم لامشم ، او په عین زمان کښ دېناغلو لیکوا لو خنځه هيله کوم چه دقام کمی زیاتي ته دي دېغښې په ستر ګه و ګوري ؛ داسلسله ستر کال هم اميد نه دي چه سرته ورسیزې ، مسکن چه نورو کلنو نو ته ئې هم خه برخه پاتي شي .

## ښاغلی محمد رفیق خان « حمیدی »

زموز په او سینو نو یسندګانو کښ چه په پېښتو او پارسی پنه لیک کوي ، بوښاغلی محمد رفیق خان حیلې دي ، چه د فندهار د مشهوری علمي کورنۍ خڅه راوتلي ، او یو عالم او منور او زبردست لیکونکي دي ، په عمر ( ۴۰ ) کلنی معلومېږي .

ښاغلی محمد رفیق خان ابتدائی لوست د کابل په دارالعلمین کښ کېږي دي ، وروسته په عمر د فندهار په ابتدائی اور شدی مکتبو کښ معلم و ، او په عربی علومو کښ ئې خصوصی تحصیلات کول ؛ ده ادبیات صرف ، نحو ، منطق ، حکمت ، تفسیر ، فقه او نور عربی علوم درسا لوستي ، او دېر تحصیل ئې له خپل اکاژوی مشهور مولوی عبدالواسع خان خڅه کېږي ده ؟ په دې دورو کښ ده مستقل آثار هم لیکلې دي ، مثلاً د عربی په حکمت کښ ئې یو ابتدائی کتاب ترجمه کېږي دي ، وروسته ئې نوی علوم هم مطالعه کړي په ریاضي ، جغرافیا ، تاریخ

اونور کېښ ئې بىه معلومات مىندلى دى ، دى تر انقلاب دىمەنە دمىزار شريف درشىدىي سر معلم و ، مگر وروسته ئې خپله پىشە بىلە كېرە ، او پە اقتصادى د نىا كېښ دا خل شو ، پە تجارت ئې شروع كېرە ، لمپى پە شر كەت پېنتون كېښ عضو و ، يىا دەفعە شر كەت لە خوا د كراچى او بىبىئى نمايندە شو ، او پە اقتصادى خواو كېښ ئې خەدمتونە و كېرە ، او پە دى علم كېښ ئې مطاعات شروع كېرە !

بىاغلى محمد رفique خان پە هەندىكېش دېر و خوتونە پە مامورىت تېر كېرە ، اوھلتە ئې انگریزى زېرە زىدە او تكىمەل كېرە ، پە اردوهم پورە پوهىزى ، دى پە پېنتو او پارسى كېش لە انگریزى اردو عربى خەخە بىھ تر جە كولاي شى ، او خصوصاً اوس د اقتصاد پە علم كېش د بىو معلوماتو خاوند دى !

بىاغلى محمد رفique خان د پېنتو او پارسى پە ئىر دېرى علمى او اقتصادى او اجتماعى مقالى . پە طلوع افغان او اقتصاد او اصلاح كېش ليىكلە دى ! او اوس پە كراچى كېش د ملى بانك د نمايندگى كېفیل دى ، او كەلە كەلە پە پېنتو او پارسى بىنى بىنى مقالى ليىكى .

بىاغلى محمد رفique خان پە پېنتوهم د شعر طبع لرى ، او خوازە خوازە اشعار وائى ، مگر د شعر مضمامىن ئې قول حياتى او اجتماعية او علمى دى ، عشقى شعر كورت نە وايى . د پېنتو زېرە پە خصوص كېي دا منظومە د ييلو وىدە :

وا قىعى شان و شو كەت د ملت خە دى  
چە يو كام پە پېژاندە كېپىزى هەفعە خە دى ؟  
تو گى دېرى ھەر يو د بېلەپىدو د  
ها چە غور دە هەفعە را اخىستە شى  
نورى وروستە دى ھەر گز بە وداندى نشى  
نە بە شەمبىر يىپە سۈر و او پە سەر و كى  
كە نە ھەرسىيال وناسىيال تە بە سەرخۇمۇسى  
فرق د ژېرى موندە كېپىزى لە مىلو خەخە  
پېنتو ژې بە مو ملى د ور تە گورە  
دا فرقو نە د نامە دى قول پېنتون  
ھەم تارىخ مو پە دغە نامە يىا دېپىزى  
تۆ لە يو يو چە هيچ نە لىر و پېلتون  
پە پېنتو ژې مو و رو رتلى پە وينا دى

تە بۇ ھېپىزى چە وحدت د ملت خە دى  
چە ملت يىر را تو ژېپىزى هەفعە خە دى  
نە بۇھ تو گە د كام د بېژاندە د  
ز ما غەرض د لەن لە نور و سرە نشى  
لمپى زېرە دە چە كام پە بېژاندە شى  
كە دى زېرە ژوندى . نە وي تە پە سەر و كى  
كەدى زېرە كېرە ژوندى . سەر بە دى لومۇسى  
ملک ھەپش دى مر كېب لە فييلو خەخە  
دەغە حال زەمۇز د وطن دى خەما و رورە  
كە پېتەن دى ياخان دى ياختنون  
ملک مو وايرە پە دغە نامە يىا دېپىزى  
پە د باندى كى مو قول بولى پېنتون  
بۇ مو پلا رىسومو كەھول يۇمو بابا دى

كەھرات دى كەكابىل كە تۈركىستان دى  
د پېشتو پېشتو نار ي پە شوق وھينه  
پە اخبار يە كىتا بول پە مجلو كى  
كۈشىن كاندى چەپېشتوشى وادە باب  
دېپېشتو ناۋىي پە دى گېنى سنا يىتە شى  
دېپېشتو ئەنمى لە خاورو خىخە بىرمنىڭ كېرە  
اشر ونى پە غفلات تىرلاس و تلىنى  
دەھۇ اروا پە قېرى كى راضى كى  
حڪومت دى اوس ولايە پىراوزە كىك

كە زە يىاهەم كۈشىن نىكىم ملامت يم  
لاس بە مۇزىم مەتھا بە خجا لەت يم  
( طلوع )

وطن وادە دېپېشتو ئىلىكوا  
ئىلمى وادە خېلە ز بە زىدە كەو يىنه  
خوتاھە ئىرىكى گەردىلەك بەپە پېشتو كى  
كە كاغذ دى كەدفتەر دى كە كەتكەب  
علۇم وادە پە پېشتو كى ترجىھە شى  
اي پېشتو نە ! دېپېشتو آثار راغونىڭ كېرە  
شعر امو دنا مە سەرە تو ل تلىلى  
او سەلمى غواھى چەپېشتو ئىرىكى  
و سىلە مو پەخوانە و دەك

### بىناغالى محمد عمر خان بىلەل افغان

دى يو صحىح پېشتون ، خوش خلق او خوش فوارە سپى ، يە قام مەھمند مور چە خىل ،  
دلاپورى او سەپەدونىكى دى . لە رنگە سىين ، يە قىبراپىر ، د ( ۳۸ ) كەلەپەن ئە عمر مەلۇم مېزى دى .  
دى پە پېشتو كېن يوپىدار ، يوھ ، دېپېشتو ئىلىكى ئەنمى خاونىد ، يە قوم درەمن ، دېپېشتو مىن ، او خوخۇزى  
سپى دى . تىلەم ئى خصوصى او پە خېل وطن كېن حاصل كېرى دى . دەھىپى او فارسى  
متداول كەتابونە ئى لوستن دى . پە فارسى كېن دەقلىم خاونىد دى ، او داردونە هەم استغا دە  
كولىشى . پە پېشتو كېن ئەر اونظم دواھە لىكى ؛ مەگر تىرئە ئى دەنظام بىلەل زيات ادا غالبا  
مەلۇم مېزى . دى پە اشعارو كېن خېل تخلص « بىلەل افغان » راودى . لەكە چە مۇاپىدىلى دى :  
دالقىب دە تە اعلييەحضرت شەھيد رحمة الله علیه پە هەنە وخت چە يە جلال آباد كېن رئيس تنتييە و ؛  
وركىرى دى .

دى وائى : چە ماداستقلال دېنگى كە دەغازيانو دزد ورتىا ، او داستقلال دېنگى پە  
نېبت يوھ لويە قصىدە جۈرۈھ كېرى وە ، يە هەنە وخت كېن والا حضرت او سنى صدر اعظم صاحب  
ە كېرى تە تشرىف راودى و ، نۆزە ئىپە را وغۇشتىام ، او وھە قصىدە مى ور تە ووپىلە . بىا ئى زە  
دەخان سەرە جلال آبادتە راوسىم ، او داعلىيەحضرت مەحمدانادرشاھ شەھيد حضور تە ئى ودا ئەنە كەم .  
داعلىيەحضرت شەھيد پە حضور كېن چە مى هەنە قصىدە ووپىلە . نۇدى دەھىپى قصىدې پە اروپىدو  
زېشت دېر خوشحالە شو او زە ئىپە « بىلەل افغان » مەلقب كەم . واقعى دە چە دەداسى لو يو

خلقو انتخاب په ځای وي . بلبل افغان په رشتیا دېشتو او پېښتو بلبل ، د خوږي ژبې خاوند ، یو فصیح زبان پېښتون دی . برخپرہ په دی بلبل یو قومی شاعر ، او دیو دردناک زړه خاوندی . ملي جوش او قومی جذبات پکښ په زیاته اندازه لیدل کېښی . دده د درمن زړه ناری ، او دآه او د سوزه دک آوازونه ، دهرجا غوږونه ته رسپدلي دی . دی یواځی د «پېښتو زدا» (۱) نه کوي ، بلکه دېشتو په سیاسی او اخلاقی ضعف او ګمزوری . باندي هم سخت در د من دی ، خرنگ چه دی یو در من او په قوم خوږمن زړه لري ، نواشعار ، او کلام ئې هم درد او قومی رنګه خالی نه دی . دقومى نظمونو سره دېره مینه لري ، او نور قسم اشعار عشقی یا صوفیانه ، بالکل نه خوبی . دی په شعر کښ د خوږي اور وانې ضعف خاوندی . ځینې سې منظو می ، او قومی اشعار ئې په اتحاد مشرقی ، طلوع افغان ، او نورو جراید و کښ ، نشر شوی دی . بلبل د علمی معلوماتو دایره هم وسیعه ده .

دی په پارسى ادب کښ هم د مطالعاتو خاوند دی ، په هر خبره دېشتو یافارسى ادبی شاهد راوړلې شي دی همیشه دېشتو په حالت ، ضعف او ګمزوری ، او ده فی په عللو او اسا بايو بحث کوي دېشتو داعتلما او ارتقا ، پیدارېدو ، او پېښدو ، تعلیم او تربیت ، دېر آرزومن او خواهش من دی بلبل دېشتو په ابتدائی نهضت کښ هم دېرخی خاوندی . دده دهنه وخت د ژبې ژدا هم پدې لار کښ له تأثیره خالی نه معلومېزی :

هر خوک کړزادې نوهغه به دېمنان ژموی  
یوزه بد بخت یم جه همیش می خیل دوستان ژموی  
دېشتون ژبه شوله ورکه پېښتو نه وائي خوک  
دایه شتې والي کښ نشت والي می ارمان ژموی  
زمانه و پنه شو دېشتون هم ویده نه پرېدې خوک  
لکه په سرو ستر ګو فرید بلبل افغان ژموی

بلبل د خیل قوم او وطن یو صیح عاشق دی ، دقوم او وطن نه په غیر بله محبو به نه لري دده  
دغه بي اندازې عشق ، ملی جذبات ، دېشتو په روح ، دقومیت جذبه ، دده ده نظم او شعر خخه  
خر ګنډېزی . په یوه قصیده کښ دېشتو په موضوع وايی :

ستا له سازه ستاله نازه ستا له نیا زه ای پېښتو نه ستا له هر خه شم قر بان  
اتفاق علم دي یو محل خدای نصیب کما نور نېمکړی په هیڅ نه یې په جهان

کوم وخت چه دی ددکې په سرحد داري کښ سر کتابو . نودهنه ځای دېشتو کورس  
په افتتاح کښ چه ده یوه منظو مه ویله وه : دهه په یو خو یېتو نه ، چه د د دېشتو سره هغه  
حقیقی مینه تری بشکاره کېښی دله را ول کېښی :

(۱) دادده یو خو زنظم دی په یواخبار کښ هم نشر شوی دی .

دا سى منه كاندى پېشتو افغا نستانه سره  
مناسب نه دى دغه كار بھادر افغانه سره  
دا شاهكارى ده پەنصىب دكوم يو خوانه سره  
پېشتو نه زورشوي دننكىرى او سورپيز وانه سره  
نورخە غم نشته دعاشق «بليل» افغانه سره

لەكە جە لەر مزە كۆي دلۋىدآسمانە سرە  
دبلى پەپىو يە لارى تگك كله منزل تەرسى  
مكتوب، كاتب، مكتىب چە توپ پەپىتو ژبه كېنىشى  
عالىم شعرو نه كېرى د علم او هنر اقا  
يو ئىل پېشتو شولى فدا رېتىا دخلىپى مېنى

⊗ ⊗ ⊗ ⊗

بليل هېيشە خپل قوم تە دغسى دجوش او دردە دكى ئاري كېرى دى، مگر او سگمان  
كۆم چە سترى شوي دى، آوازئى نه راخىزى دده نورنظمونه كىخە هم دوطن يە مطبوعاتو  
كېنىش نشر شوي دى. مگر فعللاً خەمونى لاستە دايولاندى نظم راغلى دى، چە دكالام يە  
نمۇنە كېنى ئىلى لوستۇنگۇ تە ويراندى كۈو:

ساتنه ئى گراندە ترخو چەپر دقت و نىڭپى  
زۇندى پېشتو نه چە بدې كېنى خيانەت و نىڭپى  
سو داگر ورورە چە كىمى دەتچارت و نىڭپى  
دەقا نه ورورە چە كىمى دىزراتت و نىڭپى  
مەكتىپ ورورە كۆتاھى دەعلمىت و نىڭپى  
كار دار صاحبە چە كىمى دەدادلت و نىڭپى  
ميرزا صاحبە جانە طعمە درېشوت و نىڭپى  
چە مىلڪى ورورە دى نظر دەحقارت و نىڭپى  
خرخ مەھىلى يەنوم لە چا سره شدت و نىڭپى  
خو چە رېتىا داولو الام اطاعت و نىڭپى  
بليل افغانه دېر رەببە كىلڭ نصيحت و نىڭپى  
داستقلال خاوندە پام كۆه غفلت و نىڭپى  
شەيدان وائى استقلال لوى اماقىت دى خەمونى  
داستقلال ساتە كېىزى اقتضا دە سرە  
خاورى او بە درلە دركېرى خېتنى دېپرى دېپرى  
علم و عرفان نىن وسیلە دە دەتحىصل دەر فن  
د نيا آباد دە لە عدل او انسا فە ئىجىنى  
داشى يك كور دېشتنى دى يو وجود يو سره  
عسکرى ورورە دغە عرضمى دى ستاپە حضور  
كۆتوالى ورورە تانە دا اميد كۆمه هېيش  
ر عىتى ورورە دېيىت ثواب بە كله مو مى  
صادق خوشالە، خو كاذب مشوش كېىزى پەدى

### بناغلى محمد يوسف «ايازى»

بناغلى ايازى د محمد علم خان «ايازى» خوي، پەختە خەدران، يو شېنكللى خوان او تکرە ادیب  
دى، ددوى كورنى بە قىندهار كېنى يوه مشھورە كورنى ده، دەمپوند پە جىنگىك كېنى ئې دېر خەدمەتونه  
كېرى دى. دى دخپل نوم سره «ايازى» لىكى.  
دەدەورنىكە محمد اياز خان نومبە، چە دس دار محمد ايوب خان پە وخت كېنى دقتەدار نايب الحکومە.  
نو ددوى ۋولە كورنى خان ھەفەتە منسوبى.  
دەدەترە بناغلى محمد اعظم خان دېشتو قۇلنلى عومۇمى معاون، هم يەدى نسبىت دخبار نوم سرە ايازى لىكى.

ده رسمي تعليما ت یه هند کښ کپي دی ، په کړاچې ، کښ ئې ترا عدد ادئې پوري تحصيل کړي دی بشاغلی ايازی . د پښتو یو خواخوزی مین دی . په انګریزې او ارادو شه پوهیزې په فارسي او پښتو کښ هم پوره لیکونکې دی . دی داستقلال تر جنگ د طلوع افغان د معاونې هیئت هفه وخت کښ د مکتبونو په معلمای مقرر شوی دی ، او په ۱۳۱۳ کښ ئې د طلوع افغان پخوانی مدیر د مطبوعاتو دریاست و مومنه، ترا او سه پوري معاون، سز کال چه بشاغلی « حیبی » د طلوع افغان پخوانی مدیر د مطبوعاتو دریاست معاون او د پښتو تو اني عمومي مدیر مقرر شو ، نودي ئې په لخای د طلوع افغان مدیر و تا کل شو . ايازی دعصری معلوماتو خاونددي ، علمي هيئت ئې هم بلند ، او پو پوره د انسنه سري معلو میزې . په جديده علومو کښ ، تاریخ جغرافیه ریاضی او نورو کښ هم معلومات لري ، دده فارسي مقاليه دی لیدلي شوي . مګر د پښتو په تر کښ پوره برخه لري . ايازی شعر نه وائي ، او مشور آثارئي له پخوا په « طلوع » کښ نشریزې . دی یو ییدار مغزه ، روشن خیال ، عصری علمي دی ، په پښتو کښ بشه شيرین ، او خوزن تر لیکي ، د تر لهجه ئې خوندورو او خوبزه ده ، په کلام کښ ئې ادبی رنگ زيات معلو میزې . ده د (دو کتو ر تیکور) یو هوخوبه اخلاقی اجتماعي قصه په پښتو ترجمه کړي ده ، او د طلوع افغان په خور لسم کال کښ نشر شوي ده .

ددغې قصي خخه ددوي دش سبک او د ترجمې قوه معلو میزې ، ايازی صاحب ترا او سه لا په پښتو کښ د یو مستقل اثر مالک شوی نه دی ، زيات اميد کښې چه دارمان بهم ژرسره ورسېزې . نور ددوي دزياتو معرفې کولو د پاره به الته چه د موجو ده طلوع افغان یو ه پارچه هم کافې وي !!

### بشاغلی میرا جان « سیال »

بشاغلی سیال دمه مندو دسر حدیو روشن خیال علمي دی ، دی په هفه خیل ماحول او محیط کښ د بیدارو ما غزو خاوند دی ، نوی زوندون ، او نوی حیات ته په شه ستړ ګوری ، دی په قام مهمند ، او په مهمندو کښ بیا کو دا خیل دی ، دده والد بزر ګوار حاجی میجان نومبهد ، حاجی صاحب یو غازی ، ننگیالي پښتون و ، دسر حدیو له لویه هستي وه ، په ډپرو غزا گانو کښ شریک شوی و ، ددوي کورنې ټوله ، په همت ، غیرت ، پښتو لی ، او مه انه ، کښ مشهوره ده ، دده یو تره ملک عمر خان هم یو تکړه غازی ، او میره پښتون و چه « دنافی په غزا کښ » شهیدشوی دی .

سیال په عمر انه ویشت کلن معلو میزې ، په کو دا خیلو کښ زې پېدلی ، او لوی شوی دی . تحصيل ئې خصوصي ، او په خیل کور کښ سرته رسولي دی خه فارسي ، او خه عربی کتابونه ئې لوستي دی ، په فارسي او پښتو کښ پوره لیکونکې دی ، داردو ، او عربی نههم استفاده کولي شي . دی په ونه تیسته ، متناسب الا عضا ، یو شکلی بخوان ، او د صاف ، اورون تندی خاونددي ، د دوستانو د مجلس او خبر و اترو ، خصوص دهم مسلکانو د خبر و زيات شوقمن دی ، سیال د پښتو دواعی میانو خخه دی

طبعی مینې او فطری شوق د پښتو په خوبزو، او محسنو پوي کپري دی، په پښتو کښ دیو مستقل فکر، او دیو خاص بصیرت خاوند دی، د پښتو په مهمو موضوعاتو او مسایلې شې تبصرې کولی شي. دی هم پدې شوق د بلې زې سره ز یاته علاقه نه لسری، او خیلو دو ستانو ته خطونه لیکوانه هم په پښتو لیکی. دی دسوچه او خالصې پښتو دې طرفداردي، پر دولغاتو ته په بنه ستر گه نه گوری، سیال شعر او تر دواړه لیکی، په شعر کښ دېنې قریبې او موزون طبیعت خاونددي دی عشقی او صو فیانه اشعار نه خوبنوی، دقومي نظمو نو سره ډېره مینه لری، دده خپل اشعارهم اکثره ددغه رنګه خالی نهوي - په اشعارو کښ، ملي او زان، چست او چابک وزن بنه ګمنې، او زیات کوشش کوي، چه اشعارئی قومی رنګ ولري.

دده ځینې قومی خوبزې منظومې په « اتحاد مشرقي » او مجله کابل کښ نشر شوي دي. دی چه دادیانو او خپلو ملګرو سره یوځای شي، نو دېنې په خواشا کښ دبحث کولو زیات شوق لري. دی د پښتون د تاریخ، حریت، آزا دی، سره زیاته دلچسپی او علاقه بنکازه کوي، سیال چه تراوسه پورې دخوانی په ابدانۍ مراحلو کښ روان دی؛ هم یو خو قابل فخر آثار لري چه یوئې د « غا زې پښتون » په نوم یوه وړه ډرامه شکلې فصه ده؛ دافصه ده دخپل تره ملک عمر مرحوم په یادو لیکلې ده. او په هنې کښ ئې د یو پښتون ځلمني احساسات اودوطن په خاوره د قربانې مینه بنکاره کپري ده.

اوبل یدې نوم « په پښتو پردوخه کپري دی؟ » یو بل اثرهم لري، دا اثر فلمي دی تراوسه لانه دی چاپ شوي. یو بل اثرئې په « خوبزه مر که » موسم دی، بر خيره پدې سیال نور متفر ق آثارهم لري، چه ځینې به په جرایدو کښ چاپ شوي وي، او خنې به نه وي؟ دی دکستانو د جمعه کو لو ډېر شو قمن دی، او د فراغت په وخت کښ پله مطاليې بله خوبزه مشغله نه لري، مګر او س دیلاړ د مرګک ورسته په قومي معاملو کښ رانو تي دی، او د خیلځای و رانې و دانې ماتې ګودې ورته د زمانې ګردش وریغاره کپري دی. او یه ډېر پر مشقت او با تکلیف ژوند کښ دا خل دی. دده د قومي نظمو نو په نمو نو کښ تاسو ته دالاندي نظم بشودل شو:

« پښتنه مور له ځویه خه غواړی؟ »

چه مېړني شي د کام غمځور	هله نو وا یه ته ما ته مور
چه مېړني شي سې تور یالی	په هر میدان کښ ته بر یالی
غلیم کپري لا ندي دمت په زور	هله نو وا یه ته ما ته مور

ما به چه غېښې کښ ته ګر خواړې	وطن خدمت له می لو یه ولې
و ګړه خدمت د مسلم ورور	هله نو وا یه ته ما ته مور

ما یه خانگو ڪبن تا ٿه همت درېنو دللو ڪبن ننگ او غیرت گو ره ! پښتون له نشي پغور	خيل او خيلي ، مکره پلسون له مينځ نهورك ڪره سڀن گند او تور هله نو وا یه ته ما ٿه مور
⊗ ⊗ ⊗	⊗ ⊗ ⊗
ورك ڪره له منځه گند ی نفاق د پښتون ور ورسه شه اتفاق هله نو وا یه ته ما ٿه مور	يا مير ويض خان يا احمد شاه شه محمد جان خان شه ياداسي نور
⊗ ⊗ ⊗	⊗ ⊗ ⊗
يالوي فاتح شه شهاب الدین وشهه غليم ته توره دغور	يا شيخ حميد شه ياجا لو دين هله نو وا یه ته ما ٿه مور
⊗ ⊗ ⊗	⊗ ⊗ ⊗
يا شه خوشحال دکام په کارشه هله نووا یه ته ما ٿه مور	لکه سيدا ل ميره سا لار شه يا فريد خان شه شير شاه دسور
⊗ ⊗ ⊗	⊗ ⊗ ⊗
دکام خدمت ڪبن داسي قربان شه هله نو وا یه ته ما ٿه مور	مکوه د يل مرد ميدان شه لکه پتنگ ڪبن داور
⊗ ⊗ ⊗	⊗ ⊗ ⊗
لکه زمرى صلاح الدین هله نو وا یه ته ما ٿه مور (جله کابل)	سياليه غيرت ڪره ننگ په خيل دين يا شه طارق اسلام ڪره خور

### بناغلي عبدالخالق خان « واسعى »

بناغلي عبدالخالق خان در حرم مولوي عبدالواسع صاحب مشرزوی ، او په قام کا ڪردي .  
دقندهار په بnar ڪبن زبر ٻدل ، او لوی شوي دي . په عمر خلو پشت ڪلن معلو ميزی ،  
له رنگه سڀن ، په ونه برابر سري دي . دده والد مولوي عبدالواسع خان يو لوی مشهور  
علاوه و چه ڀخوا « دپښتو مركى » مشرو ، او ڀيکه ئى حبيب الله آخنداهه هم يو مشهور بزرگوار



፩፻፲፭ ዓ.ም. በ፩፻፲፭ ዓ.ም. ተስፋ የ፩፻፲፭ ዓ.ም. ተስፋ  
፩፻፲፭ ዓ.ም. ተስፋ የ፩፻፲፭ ዓ.ም. ተስፋ

୧୦୮

۱۶۷۹) نیز این مکانات که در سال ۱۶۶۸م میان خانه هایی که در آن قرار داشتند، بودند و این مکانات را میتوان با توجه به اینکه در آنها مکاناتی مخصوص امور اسلامی و اسلامیتی وجود داشتند، مساجد میگویند.

غوری خوبی در کوم	سینی، شبدی در کوم
هم ائی دشپی در کوم	دادوی چیبی در کوم
لوشه نی در بختم	لوشه نی در بختم
سر کندشنمن ته کړی خم	سر کندشنمن ته کړی خم
نن خو زما زوی ئی	نن خو زما زوی ئی
یاد با بازاوی ئی	یاد با بازاوی ئی
د خیل پا چازو ئی	آ خر د چازو ئی
الو خدمت بی کوی	الو خدمت بی کوی
بنه اطاعت بی کوی	بنه اطاعت بی کوی
(انیس)	

### ښاغلی فاضی عبد الصمد خان

دی دقتدهار له مشهورو علماءو خخنه دی ، چه عربی علوم ئې لوستلی ، او د ټردیقیکې بشن لري په صرف ، نحو ، فقه ، تفسیر ، حدیث ، حکمت کښ پوره لاس لاري ، او یو فصیح او بلیغ سپری دی . فاضی صاحب يه عمر (۵۰) کلني معلومیزی ، او شخصی اخلاق ئې د ټبر شریفانه اوښه دی ، د حلم ، او تواضع خاونددي ، مګر سره د دغه هم معتدلدي ، او په اخلاقو کښ داعتدال خواری . فاضی صاحب شل کیاله پخوا دقتدهار په زمبن داور کښ فاضی و ، مګر روزسته ئې یا فاضی توب ندی کړي اونه ئې کوی ، لکه چه دی یو محترم او معز ز سپری دی ، او پېچل بشار کښ ئې خلق یه بنه خلق پېژنی او په فضیلت ئې منی ، نوهر کیله دی خیل و کیل مقرر کوی ، لکه چه داخودوري د قندھار په مرکزی مشوره کښ و کیل دی .

فاضی صاحب یو عالم او د فضیلت خاوند دی ، مګر دی د زاده علم سره نوی معلومات هم لري ، او مخصوصاً په وطن کښ د اصلاحاتو او ترقیاتو طرفدار دی ، او هر کیله په دی لار کښ تبلیغ کوي ، او صحیح افکار خلقوته بیانوی .

دده یو بل خصوصی مزیت دغه دی ، چه ادبی شجاعت لري ، او هر کیله حق د حق په دول وايی ، اوښه ز به او فصیح نطق هم لري چه پاک احساسات ئې ځنی معلومیزی ، او هر کیله د ځنواجتماعی و راينو دور کولو دیاره دینی تبلیغ کوي ، او له نو خلقو سره په نوی ز به ګډه بېږي ! فاضی صاحب يه صداقت او رشتیاهم مشهور دی ، يه اکثر ورسی تفتیشو کښ تر حق نه ټبر بری او غواړی ، چه د مظلوم حقوق له ظالمه و اخستنل شی ،

فاضی صاحب په پارسی او پښتو کښ قلم لري ، مګر تئر لزایسکی ، پښتو شعر ئې اصلاحی رنگ لري ، او د خاص خوندې دک دی . دی کوشېن کوي چه ځنی اجتماعی معایب او مفاسد لکه

رشوت ، ظلم ، تعدی و غندی ، او خلقوته ئی بدی بىكاره كىرى ، نوخىكە دده اكشىر اشعار ھم پە دغۇ موضۇغا ئاتو كېشى دى .

فاضى صاحب يە قىدھار كېشى دى يوي علمى كورنى خىخە دى چە تېر خلق ئى پە تقاوا او صلاح مشھوروھ ، يە قوم كىا كىر ، او د بىھ كىرودە خاوند سپى دى . د شعر نمونە ئى وگورى :

### وطن

راخى چە تېر و ملا كىلکە تول يە ز يار دوطن  
 تر هە پۈرەي چە بىا و يېنۇ خېل گلزار دوطن  
 د خيانىت پې لار چە ئى خوک لە دىنانە ورك شى  
 نو يە سفر پە صداقت كېر و پېر لو لا ر دوطن  
 دخولى سر بە كىپوراتىپە لاس بە له كېرە واخلۇ  
 لاس بە تر غامدە سرە گىزۇ تول پېر پار دوطن  
 نە بە بېھترەتە ئىخان تر ما بولى نە ئىخان زە تر تا  
 يە اتفاق بە كېر و جارو گىز او غبار دوطن  
 كە تىبلى او بېكارى يېشە د ئىخان كېر و بىكاره  
 يىابە نارى سورى وهو تول يە كۆ كىار دوطن  
 كە دوطن خدمت و نىكۈرواوس چە بىھ دى فرست  
 يىابە جومۇنى زموزى لە زىمە خىخە پېر هار دوطن  
 چە سىتە فرست پە صداقت بە كېر و خدمت د ملت  
 لە خارە پاك بە كىرۇدگىل يە شان رخسار دوطن  
 يە شېھ اوورخ دىنانە گورو تول يە مخ شوھ روان  
 موزى بە تر خۇ بورى يېدە يو نىكۇر كىار دوطن  
 هە قو مو نە چە ئىسى نە ساتە وطن پە رىشىبا  
 ورك لە دىنە سوھ ئىخنى ولا د عنو وقار دوطن  
 چە مشر و كىش بىھ يە مىنە سرە كېپېنۇ يو ئىخاي  
 يە اتفاق بە سرە جومۇ كۆ كارو بار دوطن  
 د عىندىلېپ يە شان نارى تىل د فراق بە وهو  
 ۋەدا بە كېر و خور اېنكارىزى تېر بەر دوطن

## د تللى دوران ياد

پېنتونه پروت يې لا تر خو تللى دوران دى خەشۇ ؟  
 فرض واجب هم داسلام عەدو يیمان دى خەشۇ ؟  
 دتوري برق دى وېڭكارە ستا پرمشرق اومنغىز  
 گېلى نوم دشجاعت بىكلى جەھان دى خەشۇ ؟  
 دعاقيت پە كىنجىكىن ناست پېلىنىڭ خوب كۈرۈۋەت  
 نەدرىيا دېزى چەخىل تېر دور روپان دى خەشۇ ؟  
 دتوري مېزى ورى كە تورنەوى تورەتكى خۇوى ؟  
 دېپلار اثر نىشە پە تا ھەۋە وجدان دى خەشۇ ؟  
 چە پە شېپتو سېرۋېسى فتسح كۈل ملکو نە پېرىدى  
 خان دېر بخۇشە نامدارە فتحخان دى خەشۇ ؟  
 چە وقا ئە دېپېتو او ھەم عايد دېپېتون -  
 ھەۋە غازى نىكە حاجى ميرۆيس خان دى خەشۇ ؟  
 چە بىي پە تورە فتو حات كول وھەر ئى خوا تە  
 ھەۋە بىناغلىي احمد شاه پىلار دافغان دى خەشۇ ؟  
 دخلقو توان دىزىو ارمان پەھر غەر يې مەھر بان  
 حاجى جمال دېپېتو دېپەرخان دى خەشۇ ؟  
 چە پە لىد و بىي رېزىز دېپەل مخالقىن داسلام  
 چە ھە سرداروھم غازى محمدا كېرخان دى خەشۇ ؟  
 چە و و منجي دېپېتو او ھەم غازى دوطن  
 ھەۋە بىناغلىي ئادرخان شاه افغان دى خەشۇ ؟  
 زېب و زىنت كە پەخان و كۈپى چە خوشحالە نسى  
 كەدرىپە ياد كېي چەھاتېر غشى كەمان دى خەشۇ ؟  
 ( طلوع )

## سنانىلى مەممەد گل للە

دملا احمد گل خان ، خەويى ، يە قام حسن خىل مەھمەندى . دى دەمشرقى پە « للە » نومى  
 كلى كىن زېزېلى اولوی شوی دى . يە عمر ( ٥٠ ) كىلن ، ميانە قەسىرى دى .  
 دى يە پېنتو كىن يو خوب زىشارە ، اودر وانى طبىخ خاوند دى . شعر ئى سادە ، اوعام فەهم دى

ددم دشعر زباتی بر خی ته مو نېر اخلاقی شعر ویلی شو . ددوی کورنیه تقریباً دشعر کورنیه ده ، دده پلار ملا احمد گل ، یونیه زبردست ، ملی شاعر تپرشوی دی ، پر غزلیات ، رباءعیات ، چاریتی ئې تراوسه پوری دخلقو په خولو جاری دی . اویه خپلو آثارو کښ دېښتو یو پرجسته دیوان هم لري چه تراوسه چاپ ته نهدي رسیدلی . محمد گل خان تحصیل خصوصی ، اوذعری او دفارسی دمتداولو کتابو نوشخه عبارت دی ، دی دخیل ځای دمشهورو نا ظما نو څخه حسابیزی . درسمی مشغولیتنه پخوا دده مشغله دنظم دکتابونو تدریس و ، په نظام او خط او کتابت کښ پوره تخصص لري . دی په پښتو او فارسی دواړو کښ لیکونکی دی ، له عربی څخه هم استفاده کولی شي . ده ۱۸ کالاه په نوکری کښ پر کړی دی ، داقلاب نه مخکښ اته نه کاله معلم . اوسر معلم و ، او د انقلاب نه وروسته د « اتحاد مشرقي » په معاونی مقرر شوي دی . پېړه مده په دغه وظیفه مشغولو ، مګر دا کال نیم کېټری چه ددماغ د کمزوریه ، او نوري ناجوړی . په واسطه ئې کار پر بینودی دی . او اوس په خپل کالاه کښ داستر احت شپې پېروی . دده مثور آثار نسبت نظم ته کم لیدل شوی دی .

نسبت نېر ته دشعر سره پېړه علاقه لري ، اشعارني په اتحاد مشرقي او نوروا خبار و نو کښ په زیاته اندازه پیدا کېټری په پښتو کښ دده په شخصي ذوق باندي علم نه لرم چه دی دېښتو دکمې برخی یا کم پهلو سره دلچسپی لري سره ددی هم دېښتو یو قابل ته دار شاعر دی خصوص دده دالاندي آثار په پښتو کښ دیادشت اوقدر وردی :

۱: لمی ګلونه پښتو نظم

۲: دلمی ګل « »

۳: تفسیر والضحی « »

۴: دېښتو قاعده پښتو نېر

۵: تهدیب السوان پښتو نظم او زن

پدې آثارو کښ یوهم نه دی چاپ شوی . دی خینی فارسی مستقل آثارهم لري . دالاندي نو نېي ئې د کتلودی :

⊗ ⊗ ⊗

پیائني دمغرب په اوری باری دیگر کوم کوم ځای  
ؤدادراهم خلیل الله نظر په کوم کوم ځای  
پیابه د ګلزاره وهی بالو پر په کوم کوم ځای  
نامعلوم را تګک دی او د تګک دبشر کوم کوم ځای  
غرق شو په دریاب دفلزم یېخېر په کوم کوم ځای

خیزی دمشرق نه په شغلو شغلو نهر کوم کوم ځای  
خاص بنده درب شه وايه لا احب الـ فلین  
هیر که نشیمن بلبلو ولی په دیدن د ګل  
تله دی او را تله دی په دنیا کښ دازله نه  
را نقلو په بیر ته هیشخ خبر د هنې تللو نه

نن « دمحمد ګل » دباغه یوسه دعبرت ثمر  
بیا به په ار مان لتوی دا شمېر یه کوم کوم خای  
(اتحادمشعرقی)

(۲)

مالا پخوا خدمت نیولی دی دستا په غاړه  
نه غواړم هار دملغلوو در در یا په غاړه  
دتورو خپو امیل پروت دی دلیلی په غاړه  
نې دمه بار داوزې خپلی دبل چا په غاړه  
وږدی شمه بار دیو مسکین اوږدی نوا په غاړه  
شی بد عمل ورته سبا ورځی بلا په غاړه  
سبا به وګوری هغه زنځیر دغلا په غاړه  
(الهي ګلونه)

(۳)

کر کوه ده قانه وخت دکېت او د کر لو دی  
تور پیکی به لنه کرم درویو قطارو لو دی  
دابد دسته سبی دچانواری مردا رو لو دی  
داتو سن دنفس دکېزې او بارو لو دی  
ګوته خوز وه ورته غماز دهارو لو دی  
هر بدخواه دنګ او دناموس دخوارو لو دی  
دانګیس ګو نه می دبازار دېکارو لو دی  
(الهي ګلونه)

که خدمتگار یمه دستا خدمت ځمما په غاړه  
په سمندر دمشقت کښ در ګو هر غواړمه  
مخ دوطن ته دمجنون په ستړ ګه ګورمه که  
یمه صابره با ره نه غږ و مغاړه خپله  
دې ھمتو په خېر نه یم په سر پیتی دچا  
چه مونده نکه سمه لاره په تادیب دادیب  
چه خیانت په امانت او وظیفه کښ کو ی

### ښاغلی عبدالرؤوف خان « بینوا »

ښاغلی عبدالرؤوف خان د حاجی عبدالله خان ځوی ، په خټه علیزی دی ، او د فندهار په سپار  
کښ زېبیدلی دی ، دی په عمر ۲۷ کلن ، په قد چګک لو ده ، تندرست ځلمی دی . دی دخیل نوم  
سره « بینوا » لیکی ، او د ائمي تخلص غوره کړی دی ، دده تحصیل خصوصی دی ، دعربۍ مروجه  
کتابو نه ئې لوستی په صرف ، نحو ، فقه معانی داسی نورو کښ د معلو ما تو خاونددي ،  
دی خه دیساه یو کال کېزې چه ، پېښتو ولني ته راغلی دی ، لدې نه مځکښ ئې رسمي ملازمت  
نه دی کړی ، بینوا یو ځوان شاعر دی ، له زنګه شاعر طبیعته معلومېزې ، پنه خوبز ، او روان شعر  
ویلي شي ، په طلوع افغان کښ دده ځینې په نظمونه حموز تر نظر تېرشوي دی ، دینوا پخوانی

نر موژ نه دی لیدلی ، مگر اوس بنه نتر ، مشور شعر ، ادبی توپی هم لیکی . دی په پښتو کېن اوس دېنه فکر اوښو معلوماتو خاوند شوی دی ، دېښتود « بدیع » او « بیان » برخی سره زیاته مینه لری او دده زیاته پله اه او تتبع هم پدی طرف کېن ده ، دېښتوزبی به منایا ټبیث کول غواصی ، ده پدی شوق د « ادبی ودانگی » په نوم یو ودو کې غوندي کتاب هم لیکلی دی ،  
بینوا په پښتو افاريسي کېن د قلم خاوند دی ، د عربی نه هم استفاده کولی شي ، اوس په انګريزی  
کېن هم گوتی وهی ، دی برخیره په « ادبی ودانگه » دوه آثار نور هم لری . یو « پښتنووا » نوميزې  
دا کتاب ۱۳۲ زره لغاتو مجموعه ده ، اوبل « کچکول » نوميزې . دا کتاب دادبی پارچو ، اوښو بنو  
اشعارو ، او مثالو نو مجموعه ده ، فکاهي برخه هم لری . دینو ادادري و اړه آثار لانه دی چاپ شوي .  
دالاندي نتر او نظم ئې دليو وددی :

### (پښتنو واله او داستقلال شهيد)

یه - چيری ! ته ما په دی خایو کېن نه شي لیدلای ..... ! زه هیڅکله دیور په ښو بنګلو کېن  
نه او سیزېم ..... ! ما - د حکمکي په ما نیو کېن مه لتهو ..... ! نه زه د آسمان ستوري یم .....  
ما ته - د لمرو ودانگي او د سیو زمې شغلې هیڅ لارنشي موند لای - ! زما په عشق کېن د ہر خلميان  
په چپلوبنيو لمېدلی دی - ځمداد سینې خولي په هواده دير و سرونه پري شوي او قربان شوي دی -  
زمانيه - ! کته رشتیا زماځای غواصی ..... نوزه ( داستقلال د شهید په زمې گوتی کېن د ناز په  
خوب یده یم ) .  
(کابل مجله )

(۲)

### (وفا او صدق)

الله - خونهوراني ودانۍ می وغونېتی ، لوډي ژوري سمه اوغرمي و تولو له ، په شارونه بشني  
مانې . بشنې با غونه بشپې بنګلې می ولیدي ، هر خه او هر دول اشیامي په ستر ګو شول ، په دنیا کېن هیڅ شی  
پاتې نشو چه امکان ئې نه دراود . هو کېي دغرو سرونه شنکي دښتونه د کلی کورو نه می تو له و کتاب  
پښې می تنا کېي ، زاره می و چاودله ، ستری ستومانه راغل  
د هر بنګلې مشوق او د هر زیبا ګل زدہ می سر و شانه ... اما ویش ... ! واخ - افسوز ...!  
هغه خه چه ماغونې په هیڅ خای او هیچا کېن می پیدانکړ ، خه شی - ؟ وفا او صدق - !

(۳)

سو ځم ولی کډې اور دی کتاب نه یم  
کډې خپل اختيار می زدہ در کې لا لیه  
کډې ستا د مینې توب ته ځګړ و روود  
په سو ختن د مینې هیڅ په عذاب نه یم

چه دبل پر خود و شوری ذباب نه یم  
ببله عشقه هیچ خبر یه ببل با ب نه یم  
نه معنی خوشی تش نسی ریاب نه یم  
( کابل مجله )

بی ریباره ستا دمچ یه شغلو کر خم  
که ما پنستی خوک له عشهه می دی یو بشتی  
پیونا د بخت کو ی زغوده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د ڪسٽر دسپنند په پوري غامه يو ڪلائي دي .

فاضی په خیله فضانه ده کړي ، مګر مشران ئې فا ضیان تېر شوی دي ، دده تو له کورنۍ په فاضی خيلو مشهوره ده ،

ده ته هم پدرخواه و جه قاضی و ائمی . تحصیل ئی خصوصی معلو مهندسی ، مردم اومتداول شتا بونه ئی لوستی دی ، ده ۳۵ کالاویه عمر پوخ سپری دی . دی دینېتو یوشکلی ، او فصیح شاعر دی شعر ئی ساده اوغام فهم ، او دی یو مخصوص خوند اړونکی دی .

دی دېپېتو تېلېغى اواخلاقى شاعردى ؛ خېل علمى تېلېخ دىشۇر يەرنىك كېن ودانىي كۆي . دى خەنە خە مى دردەم لرى ، كىلە كىلە ملى نضمۇنە ھم وائى . ددە مشغۇلە تجارت او سوداگىرى دە ، مگر د فراغت اوقات ئىنى داشعارو دېپارە وقف دى . قاضى يە معاصىر يېنۇ كېن زۇمى شاعر دى ، دەپېرى مەدى نە د دە آثار دوچىن يە جرايدو كېن لىدىلى كېبىزى . اتحاد مشرقى ، طلوع افغان ، پېشتو مجلە دائەول ددە اشعار يە زىياتە اندازە سەرەپىو دلى شى . دە نۇرى تخلص نەدى غورە كېرى ، اكىشە اوقاتو كېن خېل نوم ، او كىلە قاضى راۋىدى . قاضى نىز بالىكلە كەم لىكى نىز ئىي نە دى لىدى شوى ددى كېلە چەددە زىياتە توجە نظم تە دە : نونظم ئىي روان او دلچىسپ دى . دى داسى متفرق متفرق اشعارچە يو ئىخاي بىل ئىخاي چاپ شوى دى ؛ ھېلارى ، او يە كۆم مستقل ائر باندى ئىي علم نە لرم . دى كلام يە نموئە كېن ئىي دا كىتلە شى :

دخلیل مخان یه باب دی بند شو قلم و ای  
دقوم غم درته غم نه بسکاری غم ولی  
بر دغه پر هار لانه بر دی مر هم ولی  
رو سنه گوری مذکوب نه بر دی قد نه ولی  
(طبو ع افغان)

د خپل قوم نه بی پروانی هر دم ولی  
همیشه دختر و خال بیستو نه وا ئی  
دیغور غشی دی سخ شو به مگیر کنیں  
به نار و سور و مر خوا له شو ده سستی

( ۴ )

مری د جهالت په خنجر هیچ په مخان خبر نه شوی خو ز په دا خنجر نه شوی

خو ز په دا خنجر نشوی  
ولی نه مرې د یغوره  
خو ز په دا خنجر نشوی  
تسو ل خلق رو انسپزی  
خو ز په دا خنجر نشوی  
( پشتونجله )

(۳)

دابې موجه دیوبل سره لیکېزی ولی  
دا په لمسون دنفس بدخواه تبا کېزی ولی  
دسر کېنې به لارروان سرکېنې کېزی ولی  
رور مسلمان دمسلمان بد خواه کېزی ولی  
( اتحاد مشرقي )

حمدادين رونه په خپل مینځ کښ جنګيېزی ولی  
ولی ناپوهه شوی په لخان پورې عالم خندوي  
حمو نېنجات دی په فرقان منابت داسلام  
وائی قاضی شکر الله جان قوم ته په روی د حیب

### بناغلی محمد رسول خان « مسلم »

د محمد اعظم خان شوی، په خچه کما کړ. په قندهار کښ زېښ بدلي او لوی شوی دی . « مسلم »  
خوان ځلمی، او یو تکره، فکور. دېښتو یو پخوانی . او خوز شاعردي شعرئي متین، او معنۍ  
دار دی، اشعارئي عشقی او خلاقی جنبه زیاته لري دېخوانی پېښتو انجمن په مجلو کښ ئې به  
ښه نظمونه پیدا کېزی، او یو « طلوع افغان » کښ هم په زیاته اندازه موجود دی . دی دڅبل  
نوم سره « مسلم » لیکې . دای پخوانی او ز و د تخلص دی ، په اشعارو کښ هم له دې  
تخلص نه کار اخلي .

دی په پېښتو او فارسي دو ادو کښ لیکو نکي دی . په تر کښ ئې هم مقا لمي لید لې  
شوی دی . مګر نسبت تر ته شعر زيات وائي . تحصيل ئې خصوصي او یه شخصي صورت  
معلومېزې، په عربې کښ هم مطالعه لري .

نور دده په کړه وړه، شکل شمایل، خصوصياتو کښ هیڅ معلومات نه لرم په هر صورت  
حمو نېښ یو پېښتون درور، او دېښتو یو بنه قابل قدر شاعر دی چه دهبرې مدې نه ئې د پېښتو  
په مید انکښ دیو شاعر، ذويسته، لیکوال، په حیث لخان بشکاره کړي دی، او دهبرو منفر قو  
آثار و خاوند هم دی مسلم او س دقندهار د اطاق تجارت منشي دی !!

دادوه نظمونه ئې له خوندې خالي نه دی :

خدا یه مه را اډ وي یغور د مینې په مرګ خوبن تردې، چه شمه تور د مینې

چە قۇى بولم ايمان پە زور دەيىنى  
كە توپىك نە وي تىرە كە ، لور دەيىنى  
كە ادا كىر چالە خانە پۇر دەيىنى  
خوڭ چە وسوچى خېل خان پە اور دەيىنى  
كە ودان كىر چا پە مېنە كور دەيىنى  
«مسلم» مەخ كىرىپە خلاص پە لور دەيىنى  
(۲)

بى خايىه وائى غروپىل كىرى لە جەنانە گلە  
چە شي بندى يانو كويى، قوماندا نە گلە  
چە زەمىراغى ورانە شوھ، كىرى لە بارانە گلە  
لە بىطالۇغ خەشەشاكى، كۆم لە آسمانە گلە  
چە مەفت مى نەساتىن، كۆم لە پلانى خانە گلە  
بى حسە نە كوى دخېل كېتىتە وجدانە گلە  
لە خېلە خانە دى كوه «مسلمە» خوانە گلە  
(طلوع اقمان)

درسول صحىح حديث مى لوى دليل دى  
دغلۇم پە مقابىل كىن ولام او سە  
ددنبا او آخىرت لە پورە خلاص شو  
ابدى باغ و بوستان بە ئى نصىب شى  
هم لە گۈرمە هم لە يىخە پە امان شو  
كە بل چا كىرە نورو شا و خواتە نخە

پېشتو نە رورە ولى نە كويى لە خانە گلە  
كۆر كىرى خراب دەسلامان پە شە ئى لوش كىرى غرېب  
دەخونى يام دى نىكرايو ناوه دى نىكراھ جو ودە  
پېكارە گر ئۇم ولى نە را ئىچى ھودى تىارە  
مەدام مى پېشى دى غزو لې ملامى ما تە پە كار  
دېل دەۋدى تە بې غېر تە خۇدەي سترگى وى ئاست  
نىشتە پەچابا نەدى منت نە ملامت دى بىل خوڭ

### بىناغلى عزىز الرحمن خان

بىناغلى عزىز الرحمن خان د سلطان محمد خان خوئى ، پە قام المکوزى ، اود صو بە سرحد (پېشىور) پە دو آبه كېن زېزې بىلى دى . دى دېشىز دېرسو كالو پە عمر مەلۇم بىزى دى قوى ، تىدرىست سىكە ئاڭ ، ھەلور سېرى دى ، ابتدائى تەھسىلات ئى دخېل نامور تىرە مولانا سيف الرحمن صاحب خەجە حاصل كىرى دى . دە خە مەددە «گەر» پە دارالعلوم كېن ھم دەمۇ لا ئا تاج محمد صاحب د اهتمام او سرپەستى لاندى تىرە كىرى دە . بىا پە شل كىنى كېن «دېۋىبىند» تە تلى دى او د فەضىلت او د علم پەگپەرى ئى هلە تۈلى دە . دى پە عربى او اردو كېن پورە مهارت لرى او سپە پېشتو او فارسى كېن ھم دقلم خاونددى . دى اول وار پە ۱۳۱۲ د «انيس» پە ادارە كېن دعرىبى د ترجمان پە حىث مقرر شو . تقرىيأ او ھا اته كالە ئى دانىس پە دائرە كېن مەمم و ظانەف پە غايدە اخستى و سز كال دانىس لە دايىرى خە دېپېشتو تو لىنى د تالىف شعبي تە راغلى دى ، دى شەعر نە وائى شەعر ئى باكلە دى لىدل شوى ، اما نشر ئى پە زىياتە اندازە موجوددى . د دە ئى دروانى پېشتو نۇونە دە ، دى پە تۈرچە كېن بالكلى يو سېرى دى ، دى زىيات كوشش كوى جە د بلى زېبى مطالب او معانى دخېلى ژىنى پە اصلى او طبى قاپى كېن واچو ئى . هەداوجە تۈرجمە ئى خاوندۇرە او خۇزە را ئى .

دی یو خوش وضعه ، ظریف ، مجلس آرا ، سپری دی ، علاوه حليم ، بردار ، دلوئی سینی خاوند هم معلومیزی . دی تر او سه پوری دا خباری و ضایانیو په اثر په پېښتو کښ دیو مستقل اثر په لیکلونه و موافق شوی . او سئی دعربی یو حیاتی او معاشرتی کتاب پېښتو کړی دی . دا کتاب (مناهج الحیات) نومیزی ، امیددی چه نور بهم یه دی لار کښ تیز تیز ګامونه واخلي ! دده په فارسی کښ هم ځینی کتابونه ترجمه کړی دی ، ده محمدالر رسول الله یه نوم یو کتاب چه ده ترجمه کړی ؤ ، په پخوانی هفتہ وار انيس کښ نشر شوی دی په فارسی کښ یوبل کتاب هم اری د کابل مجلې او بخوانی انيس ده نمونې شودلی شی !

### ساغلی عبدالرزاق خان « فراهی »

عبدالقادر آخندزاده ځوی ، په خټه نورزی ، دفراد او سبدونکی دی ، په « ګلستان » کښ زېږدلی اولوی شوی دی ، دی لخان خپل مسقط الرأس ته منسوبوی ، اودڅلپن نوم سره فراهی لیکنی . فراهی یلار په نیکه ملاو آخندداددی ، پدر و نه ځینی فاضیان تېر شوی دی ، دی د (۲۸) کا لو په عمر ، یوبیدار مغزه ، او با فکر د ، ځوان دی ، په نه بر ابر ، په وجود نری ، بشکلی ځلمني معلومیزی تحصیل ئې خصوصی ، خه په کوراو خه په سفر کښ حاصل کړی دی ، دی وائی چه ما په تحصیل کښ دېر زحمتونه او تکلیفو نه لیدلی دی . فراهی په عربی دارالعلوم کښ هم شامل شوی دی : اور سعی تعلمی ئې ددارالعلوم تراتم صنف پوری معلومیزی .

دی اول خل دهرات درشیده مکتب په معلمی مقرر شوی دی ، او یاهم هله دهرات دادبی انجمن په مدیریت و تاکل شو . دېرمه مده په هرات کښ و ، سبز کال کابان ته راغلی دی او اوس دافتصاد په مجله کښ دسر محمری . حیث اړی . فراهی په پېښتو او فارسی کښ پوره قلم اری . نس او نظم دواړه لیکنی ، که خه هم او سئی زیاته توجه فارسی ته او پېښتی ده . دده ځینی منظوم او مشور آثار دېښتو انجمن په جملو ، او صلوغ افغان کښ نشر شویدی . خصوصی دهرات په جراید و کښ دېښتو شهرت اورواج دده قلم ته منسوبيزی . دی عزالت یستند ، فلار ، نرم سری دی . دفراغخت اوقات بې مصالعي په بل خه تیروی . په پېښتو کښ دده په کوم مستقل اثر علم نهارم ، او منفرق آثار ئې ایمه هفه دی ، چه په جراید و کښ مولیدلی دی . دکلام په نمونه کښ ئې دالنظم و ګورئی :

### « غزل »

او س ئاخاره به ګالم ستم دعشق  
مه کنټپاسه خدا یه شوک یه دم دعشق  
که چا ولیدی ځاما صنم دعشق  
چه داولی دو مره خوزد الم دعشق

دار له می نصیب و غم دعشق  
پله در دو پله غمه بل خه نشه  
دین دنیاونکان به والمه ځینی هېرشی  
عدا بو نه دجهان تو له تر خه دی

خوجه رانه کې جاناں مړهم د عشق  
زه به غواړمه دغه کر م د عشق  
وپره مګړه چه د سوئې شم د عشق  
خه علاج من د طبیب په دوانه شي  
چه د صور شپیلې سې پورته په محشر کې  
«فراهې» که سعادت د ژوندون غواړۍ

### ښاغلي شير ګل خان

دې په قام یوسف زې ، له رنگه پوخ ، په عمر (۵۰) کلن معلو میزې . نور برابر میانه قد ، د خبر و تکره او جالاک سړی دی . دې په یوسف زو کښ «یارو سین ډا ګې» ته منسوبيزې ګمان کوم چه هم هلتنه بېیدا شوي وي . د عربی مروج کتابونه ئې لوستي دی او په عرب یې علومو کښ اصطلاحی ملادی . دې د «هجرت په ګال» دې وطن ته راغلی دی ، او د مشرق په کامه کښ متوطن شوي دي . لدې وجه نه دی او سخان کامی ته منسوبوي . ده په اشعار و کښ خپل تخلصی «عبدالرشید» غوره کړي دي . دادده د مشرزوي نوم دي ، البتہ دهنه د پېږي مینې او زیات محبت نه ئې دهنه نوم په خپل تخلص قبول کړي دي ، دده د عمر زیاته برخه په نو کړي . کښ تپه شوي دي ، د انقلاب دخه ئې د معلمی او سر معلمی دوری تپه کړي وي . او د انقلاب نه ورو سته خه مده په «اینس» کښ و ، او پیاوایه دارالعلمین کښ معلم مقرر شو . دادوه ګاله کېږي چه د نېوی د مکتب په سر معلمی تللى دي ، او س اورو چه په جلال آباد کښ درشدې معلم دي .

شير ګل خان د پېښتو په ځوانی شاعر او لیکونکې دي . د فندهار د پېښتو الجمن داول ګال په مجلو کښ دده بنه بنه نظمونه شته دي ، دارنګ دوطن په نورو جرايدو کښ هم دده پېښکلی آثار پېیدا کېږي دي خوازه او خوندور اشعار وائي ، شعرئي متوسطه درجه لري . مګر د پېښتو ته ئې کم لیدل شوي دي ، د نظم برخه ئې نسبت نه ته زیاته معلو میزې ، لهاردو او عربی نه هم استفاده کولی شي . او سئې «پېښتوه دیداری غښې» په نوم یو کتاب جو مکړي دي . پرته لدې دی د پېښتو آثار و جمع کولو شوق هم لري ، او س هم ورسه د پېښتو فلمي آثار ، کتابونه نور زیات قابل قدر اشیاسته دي . او پېږي شیونو کښ دیو خاص ذوق ، او فکر خاوند دي ! د کلام په نومه کښ ئې دانظم و ګوري :

### تو حید

خان می ورک کړ ګنجیدم په په صحراء  
ما د وصف په ساحل ڪړه ابتدا  
مو ندی نشي د دې بحسر انتها  
رامې نه غني خان ورک شوي په لاس یا

چه می واو رېده د حسن صفت ست  
د شا دریاب دې خنګه بې پایان دي  
که مرغه غوندي مې عقل پسې پر کړي  
ستا د حسن یلو شي په هر اور گورم

نه شته دی بله شنا ستا په شنا  
زه قربان شوم ستا د حسن په رهنا  
که زه می شوم می به نه یم په رشنيا  
چه ختلي ستا دخو لی ده دا وينا  
هد او غونبی سره دی آخر فنا  
ستا حضور ته رسوی خوان و برنا  
غمما زان ور ځيني دی په وا و يلا  
ستا رضا باندي زه بزدم خپله رضا  
(پښتو مجله)

يهورك شوي خان به خه ثنا صفت گرم  
ابراهيم چه قرباني کړ پري مامورو  
قرباني کښ هيشه ژوندون مېياموند  
دفنا د شربت جام بهر خوک نوش کړي  
يو محل مرګک دی په دنيا کښ بيايانشه  
مرګک یو محل استاخى دی په اصلیت کښ  
ستا د حسن عاشقان غوبز یه آواز دی  
که وفا کړي که جفا کړي زه رضا یم

### ښاغلني محمد رسول خان « پښتون »

دي په خټه بار ګزري . او د ملا حاجي خدايار خان خوی دی . دی دقتنه هار د یوې معتبر ی  
کورنۍ یو خانواده او پدر کرده سپړی دی . پلارئي دقتنه هار دبار ګزرو مشهور خان و . په عمر  
خوان څلمني ، او یوروشن د ماغ ، او صاحب فکر سپړی دی ، تعلیم ئې یه خصوصي دول معلوم میزې  
یه فارسي او پښتو دواړو کښ لیکونکي ، او صاحب قلم دی .  
دنو ګری . په خوا کښ ئې ، د علافه داري ، سرحد داري ، قومانهانۍ ، او داسي نوري  
دورې طي ګری دی . او س اروو چه په کوم یو شرکت کښ مامور دی . دی د خپل ټوم سره  
« پښتون » لیکي . او نظم او تئر دواړه لري ، مګر د آثارو زیاته برخه ئې تئر ته راجع ګیزې .  
« پښتون » د منطقی استدلال او فلسفې خیال خاونددي ، پر ګر انو فلسفې مستلو په بشه دول  
بحث ګولاي شی او دقایق ئې پلټلای شي .

او ګله کله فلسفې او اجتماعي ، او اخلاقېي ، او صحېي مقالې هم لیکي . او س ده پري توجه په  
واسطه د پښتو یو بشه تئر لیکونکي ګرځبدلى دی : تئر ئې بشه روان ، او خوبز معلوم میزې یو نیم  
غزل چه ئې ځمونز د نظر نه تېر شوي دی ، همه هم د پښتو یو خوبز نظم ګهني شي .  
مٿور آثارئي په « طلوع افغان » کښ د پر ليدل ګیزې . دده ځینې بشې مقالې د « طلوع افغان »  
په سالنامه کښ هم شته دی . نور دده په خواص او ذاتياتو بحث نشم کولی ، ولی ! چه  
دده ليدل مانه نه دی ميسر شوي . په هر صورت د پښتو یو بشه لیکو نسڪي ، او د پښتو  
یو مین معلوم میزې د کلام په نونه کښ ئې دانظم و ګور ئې :

« پريشانه افکار »

ساز د عشق و معشوق ته پر تيانه ده دی صهبا خمار د ميو ګنسټيما نه ده

سور واله دمځ دلیل دجومد تیانه ده  
مرګت دشوق په لار په عشق کېښ سرتیانه ده  
او به هم په دغه اور کېښ مهی تیانه ده  
مالیداپی دغه لار ده رشتیانه ده  
هیچ کاپزه دکترو خلقو سمتیانه ده  
خه چه ما دخان بلله خا نتیانه ده  
تعلق داحتبا جا تو اړ تیانه ده  
والله دا چه لودتیا بولپی لودتیانه ده  
دطلب په لار تر مرګه ستر یانه ده  
( طلوع افغان )

ماچه ولپدي خپي دغم په زده کېښ  
دھجر ان خخه شکوه کول بهنه ده  
دعاشق دزدیه دسو نگه خبر مشی  
دهوس په لار مطلب غوبنتل خطدادی  
په کېښو کتلوسم راته کاپزه شوه  
په هنداره کېښ می وکتل و مخان ته  
که انسان دماخولیا دسودا بهر شی  
یا په غور که و گور ی حقیقت ته  
ای «پښتونه» ولی پاتی شوی دلاري

### بناګلی شمس الدین خان - قلعه-کې

د محمد اکرم خان څوی . په قام ملک زی ، په عمر (۵۱) کلن دی ، د کوز کېښ په «قلعه-کې» کېښ زینې بدلي اولوی شوی دی . دده نیکه محمدشفیع خان په خپل وخت کېښ د کېښ یومشهور نامتو سری تېر شوی دی . دی یو خوش خېره ، متن سب الا عضا ، مېلمه دوست ، سری دی . ابتدائی تعليم ئی په خپل کور کېښ کړی دی ، تحصیل ئی دفارسی اوعدعربي دخینو کتابونو خخه عبارت دی . دی خپل خان خپل مولد ته منسو بوی ، بناګلی قلغتکي په فارسی کېښ هم بشه لیکونکي دی اوداردواخبارو نوشخه هم استفاده کولی شي . ذی دامیر حبیب الله خان شهید په وخت کېښ دکټر دلوی حکومت سر کاتب ، اویا په هم هغه عصر کېښ دکابل دموټروانی دشرکت د محاسبې مدیر شو . د انقلاب نه وروسته ورته په سنه ۱۳۰۸ کېښ «اتحاد مشرقي» مدیریت وسیارل شو . چه تراوسه پورې هم په دغه عهده پاتې دی . په «اتحاد مشرقي» کېښ پښتو اول وار دده په وخت کېښ داخله شوی ده . دده نه خخکېښ «اتحاد» تول فارسی و ، که خه هم په ابتدأ کېښ دده په وخت کېښ هم تول فارسی و ، مګر یا خه فارسی اوخه پښتو شو ، اویه آخر کېښ تول پښتوه را وا ووبنت قلعه-کې شعر نه وائي . پښتو شعر ئې زړی دی لیدل شوی ، او د پښتو په نشر کېښ البتہ چه د دې برې برخی خاوند دی . د نثر نمونه ئې د «اتحاد مشرقي» یانې بنودل شی . په پښتو کېښ دی کوم مستقل اثرنه لري ، اویه فارسی کېښ ئې خوکاله پخوا د «ملکه صبا» په نوم یو کتاب لیکلی دی . دا کتاب قلمی دی ، اوچاپ شوی نه دی . نور د ده دزیاتو معروف کو لو دیاره موجوده «اتحاد مشرقي» شماري ځما وظیفه ادا کولی شي !

## بناغلی محمد اویس خان کا کم

شیاغلی محمداویس خان دملا محدثون خان بخوی، اویه خمه کا کپر دی . دفند هار یہ بنار کبین زینپولی او لوی شوی دی ، رسمي تحصیلئی ترینچم صنف پوری معلومیزی ، او نور تحصیل یُ خصوصی دی ، دده کسب او کار، تجارت دی ، دبره مده ئی یہ اقتضا دی شعبو کبین تپرہ کپری دی . خہ مده یہ بعی، اوخہ مده یہ کراچی ، اوخہ مده یہ چمن کبین ، دفند هار پینتون شرکت نماینده و یہ انگلیسی او اردو باندی ہم سینہ بوہیزی ، دی یہ اشعار و کبین خپل تخلص : اویس « راودی . اویس یو عالم او یو روشن فکرہ ، سلیم الطبع علمی دی . دعصری معلوماتو خخہ ہم لویہ برخے لری . یہ پشتوا فارسی کبین لیکونکی اودفلم خاوند دی دی نظم اوئر دواہ لیکی ، مگر شری زیات معلومیزی ۔

په پښتو کښن دافتراضي مو ضوعاتو لیکل زيات ده ته راجع کيږي . په دي مو ضوع کښن دده سپي سپي مقالې يه طلوع افغان کښن نشر شوي دي ، او نور منظوم آثار ئي هم ده بر پخوانه يه « طلوع » او پښتو مجله « کښن پيدا کيږي اويس دنظام پخوا کښن او بزدي قصيدي هم لیکي لکه چه دده یوه او بزده قصيديه چه « داسلام مدو جدار » نوميزري يه طلوع افغان کښن نشر شوي ده دی په ترجمه کښن هم پوره لاس لري . او يس صا حب په واقعي طور ، دېښتو یو مين ، او خوا خوبزی دی که خه هم دی تاجر سری دی ، او په اقتصاد کښن معلومات لري ؛ مگر سره ددي ئي هم ادب ، او خيله ژبه نه ده هېړه کړي . او هېيشه ئي دېښتو دمحبت امتحان ور کړي دی . دسمتر دغایرونه دده دميني دك آوازونه راخیزې ، کله دکراچي . او ګله دېښتو او ګله د ګلکتې خنه دميني غږ و کا بازې ، او دوطن په اخبارونو کښن دده دميني ناري نشيږي دده دېښتو سره دامنه تر هرڅه زياته اوقدرويده دده دامناتجات دمو خاص جو شه خاله نه ددي :

چه عمل و کی توفیق یه قرآن ور کی همت ور کی غیرت ور کی وجودان ور کی و مسلم ته بی‌اعمر (رض) او عثمان ور کی خالد ور کی بوذرود کی سلامان ور کی بری ور کی بدروز ور کی غازیان ور کی جلال ور کی بلال ور کی اذان ور کی دبنداد دور طبی شه دوران ور کی بی‌ادهم غوندی میره یه جهان ور کی مستی ور کی نشہ ور کی فنا ور کی

ربہ بیا دمسلمان تھے خیل شان ور کبی  
 درسول یہ لارئی گام پہ گام روان کبی  
 چہ پہ عزم ستادین خپور کبی وہر خواہ  
 پہ نارو کبس حیدری اثر ییدا کربی  
 چہ میدان کبس قربانی کبری ستا دیارہ  
 چہ لہ بزوڈئی دتکبیر عرش پہ لرزہ شی  
 مسلمان تھے بیاشو کت ور کبی جاہ ور کبی  
 د بلخ بزم بو علی غوادری لستانہ  
 هسی ذوق ور کبی چہ ذوق لہ نمانجھ واخلي

قلم ور کې ژبه ور کې بیان ور کې  
دیدارور کې جنتور کې غمان ور کې

عالماونه یا علم و عمل ور کې  
له مسلمه خخه یا سرو مال وا خلی

بې بې بې

(۲)

د اسی بې ننگه او ناسیال غوندي تعلمی پر خه شوی  
په خورو پو خورو یو جاه ته اپونی پر خه شوی  
نه ددینمن پشان پسمن او کوزمزغى پر خه شوی  
ستانه اخلاق شته نه الفت داسی سپی پر خه شوی  
آزاره جو مغضشی په شالکه .... پر خه شوی  
و خپل مالک ته شوی طاغی، نفس مریپی پر خه شوی  
(اویسه) بل ته چه خطاب کړي لخان دی ولی هیر دی  
(طلوغ افغان)

### ښاغلي «سعدا الله خان»

په قام وردګ او یو پېتون عسکر دی. دی دقوای مرکزده مجا کـمـاتـوـیـه دائزه کـبـنـ مـقـرـرـ،  
او دېښتو دادب یو خاص مین دی. له ننگه، سین، شکلک برابر سری دی، دی په عسکری کـبـنـ  
کـنـٹـوـکـ مشـرـدـیـ اوـپـهـ خـلـیـهـ ژـبـهـ کـبـنـ یـوـهـ خـوـزـهـ اوـشـیـرـینـهـ طـبـعـهـ لـرـیـ اـشـعـارـئـیـ، دـجـوـشـ، اوـدـخـونـدـهـ  
دـکـ مـعـلـوـمـیـزـیـ. دـدـهـ وـظـنـیـ اوـمـلـیـ اـحـسـاسـاتـ دـدـیرـ قـدـرـوـدـ دـیـ.

دی یو صحیح وطن دوست پېتون عسکر دی. دالنې مده کـبـنـیـ چـهـ دـهـ دـادـنـیـ عـالـمـ سـرـهـ عـلـاقـهـ  
پـیدـاـ کـړـیـ دـهـ، مـگـرـ سـرـهـ دـدـیـ هـمـ دـدـهـ دـوـمـیـ اـشـعـارـ چـهـ لـیـلـدـ شـوـیـ دـیـ : دـیـرـ خـواـزـهـ اوـلـهـ شـوـقـ،  
اوـجـوـشـهـ خـالـیـ نـهـ دـیـ. دـپـرـسـکـالـ پـهـ مـجـلـوـ کـبـنـ دـدـهـ دـوـمـیـ اـشـعـارـ چـاـپـ شـوـیـ دـیـ . اوـدـخـلـیـ ژـبـیـ  
پـېـښـتوـ سـرـهـئـیـ عـلـاقـهـ اوـمـیـهـ بـنـکـارـهـ کـړـیـ دـهـ. دـکـنـٹـوـکـ مشـرـ صـاحـبـ نـسـترـ اوـسـهـ خـمـونـېـ تـرـ نـظرـ  
نه دـیـ تـېـرـشـوـیـ. پـهـ پـېـښـتوـ کـبـنـ دـعـسـکـرـیـتـ سـرـهـ لـازـمـ یـوـشـیـ دـیـ. نـوـبـاـیـدـ چـهـ خـمـوـزـدـ اـعـسـکـرـوـرـوـرـ، یـوـنـنـگـیـاـلـیـ  
عـسـکـرـ، اوـیـوـخـوـزـ مـلـیـ شـاعـرـوـیـ. دـدـیـ لـانـدـیـ نـظـمـ خـخـهـ دـدـهـ وـطـنـ خـواـهـانـهـ، اوـمـلـیـ اـحـسـاسـاتـ  
پـورـهـ خـرـ ګـنـدـیـزـیـ :

### د وطن مینه

سرمی صدقه شه زه پېتون یه دوطن ځینی  
حب می ستا محبوب وطنه کله ځی بدن ځینی  
پېتون: زه یم ننگیال پېتون عاشق یمه پرتا باندی  
هـسـیـ یـمـ شـیدـاـ لـکـهـ مـجـنـونـ وـپـ لـیـلـیـ بـانـدـیـ  
لاـسـ درـنـهـ نـهـ کـاـبـزـمـ خـومـیـ سـاخـیـزـیـ لهـنـ ځـینـیـ

وطن؛ زه وطن او قوم ته بشه محبوب بر جسته يمه  
زه نمودته ستامينه کرم دسر و گلو دسته يمه  
عطر می ولاد شی له دینتو نو له چمن خيني  
پښتون؛ و کړه ته یقين چه زه پښتون ستاقداران يمه  
ستا له مبارک مهوشه مخ خخه فر باه يمه  
هجر دي پر ما آثار زيات کا خنکدن خيني  
وطن؛ زه يم ستاناموس ستاناهه باهندې باديزم  
نشي تن پور و چه ستاله لاسه برا با ديزم  
روح چه دقیمات شی تا به نیسم پیره هن خيني  
پښتون؛ ماتاله در کړي په خوشی خپل سرومالدي  
ستانشو و نما زما مطلوب عین آ مال دي  
ماهه بشه بشکاريزې ستا دا مان باغ عدن خيني  
(کابل مجله)

(۲)  
آهمي درده په فلك اوږد لګونه  
آسمان خمامه په ژدا ويني تو یا وينه  
په لپوليو در داو بنو ور کو مه  
په ڪريج دزلفو دلربا وهلي يمه  
په داما من سري بیا اې دميوجر خوينه  
چه ليلی زلفي په سين مع و غودوينه  
جا نان په غشو دبنو و يشنلي يمه  
کا کلې ويسلکه سکور و گرځيدنه  
(کابل مجله)

د اچه سور بشکاره شقق نه دي  
شقق ئى مه بولي عسا لمه  
ديار د سرو شوندو بها ڪښ  
له زمه می ويني ڦواري کا  
غافول په يادستادر خسار ڪښ  
مشک په نافه ڪښ پنا غواړي  
خپلو جامو سره می سخ کړي  
د معج لبه ئي پري لګيږي

### بناعلي محمد نسيم خان « نوري »

د عبد الواحد صاحبزاده خوي ، په خته نوري دی دقندهار په کوچني کاريک ڪښ زېړېډلي او لوی شوي دي . دی پخوا د قندهار په پښتو نجمن ڪښ کتاب و اوبيا سر کاتب شو يا « طلوع افغان » ته په کتابت راغي او اوس طلوع افغان محرر بلل کېږي . دی خو ان څلعي سري دی په پښتو ڪښ نظم او نثر دواړه لیکلې شي . په تئر ڪښ خيني ادبی پار چې هم لیکي ، تحصیل ئي خصوصي او د عزېني دخینو کتابونو خخه عبارت دي . دی دخپل نوم سره « نوري » لیکي . دائې خاندانی نوم دي او خان خيل نیکه میان نور محمد صاحب ته منسو بوی ، دده مشر ورور محمد ګل خان چه دکابل په انجمن ڪښ عضو دي ؛ هم د غه تخلص غوره کړي دی دنوري صاحب آثار له پخوا په طلوع ڪښ نشيږي . د « پښتو په مجلة »

کښ هم دده يو نيم اثر پيدا کړي .  
دده استعداد ورځ په ورځ په زياتي کښ دی ، او دېخوانه اوس يو په لس به شوي دي  
دکلام په نمونه کښ ئې دالاندي تئر او نظم کلتائي شی .

« د شهید نصیحت »

نه پوهیزېم چه دېسرلى موسم ئې وبولم ، که د جنت نمونه ، د سهار نسيم ئې وبولم که  
ده حورو نفس ، د ګلانو ګیوی- ئې وبولم ، که د معشو قانو قولی ، دبلبل چونکي ئې وبولم که  
د عاشق زگپروي ، دغاتوي ګل ئې وبولم که د شهیدويه ؟ هر خه چه ئې وبولم ورسه بشائې !  
عجب موسم عجب فرست عجب نوي روح دی . هيچا به دېسرلى پسرلى نهوي ليدلي ، مګر ماته يو چا راوښو د  
دېسرلى وروستني ورئي تکنده غرمده ، دجوزا شېزېم تاریخ دی ، په يوه هديره کښ را تېرېزېم  
که ګورم پريو قبر دېر ګلان شنډي ، ددي ګلانو په مينځ کښ يودوه دغاتوي ګلان هم ولا ددې  
چه په عين زمه کښ داغ لري ، پوشتنه می ځینې وکړه چه داولی ؟ دحال په ژبه ئې راهه وویل :  
چه دادشهیدانو هديره ده او موږ په تېرددې شهیدانو ولا دريو . دادهنه ئاير دی . موږ چه تر قبره  
راو تلو دي شهید ترسلام ورسه داسې ويل :

لا له ! وښووه زموږ خونبنا نه دشید ويني لاوس وهى لندي .

موږ په خپلو وينو وکړلې بازي . استقلال مودر ګټلي بشي سائی  
مفت ګټلي نه دی داسې استقلال چا

سرېندلي پر میدان مودي يو کال بيا

خپله مېنه په هوسا ساتلي نسي خوئي ويني دوجو دباندي توی نسي

دي کلامشی داولا ددپاري بشي سى بايد مفت ئې داولا دخخه ولا دنسى

نودې ګران لري هم فدردي کويته

چه په يادشي دشید د صورت وينه

ډګرونه لا تر اوس په وينورنگک دی تېرونه مو په وينو لا کرنګک دی

دغیرت رګونه اوسلایه غور ننګک دی چه سرونه مو بايبلو پر خپل ننګک دی

ته خو هم خموږ له نسله یې څلمیه !

استقلال ساتنه په توره اي زمره يه !

( طلوع )

### بناغلې عبدالغفور خان خروتنې

دې دوره قام خاوند دی . یه اصل خروتنې دی . یو فکور ، تکره ، خوان ، او یه پښتو کښي  
دې دوره قام خاوند دی . یه اردو او عربی پوهیزې ، له دوازه وزړو خڅه شئي ترجمې کولی شي

دی پخوا يه فندهار کښ د پېښتو انجمن عضو و . بیامدینی شریفی ته لار ، او اوس هم هله اوسي دده کسار او مشغله تجارت او سودا گری ده . سره ددي ئي هم خپله ژ به ، او د پېښتومينه نه ده پري ايپشي - شي بشي مقالېي ، ترجعي ، او غيره د وطن درجایدو په عنوان رالبزی . جغرافيوي تاريخي معلومات ئي هم زيات دی . آثارئي يه زياته اندازه په طلوع افغان او « پېښتو مجلو » کښ نشرشوي دی - په طلوع افغان کښ د ده يه قلم يوه سلسه د فندهار د علم او سوانح هم ليکل شوي دی . او د پېښتو په مجله کښ چه د مشاهير و کومه سلسه نشرشوي ده ؛ هقه هم دده په قلم ده . دی په ترس کښ زياته برخه لري ، خيني خوزي قصي ئي هم ترجمه کړي دی غرض - دی د پېښتو يومين ، او یوره علاقه من او یو کامل لیکونکي معلومېزی . شعر ئي زما تر نظر نه دی تېرشوي - میکن شعر هم وویلى شی دالاندې شعر چه ده ترجمه کړي دی ؛ دكتلوا وددی .

دتر کېي ديو شاعر « محمد عاکف » اثر

### « خسران »

زه نسم کولاي ، چه پته خوله ولاړ شا و خوا و ګورم .  
 زه تل ددي دياره نه راډم چه اسلام و بین کرم - زه غواړم چه د اسلام دخو به دك ،  
 بیده زدونه و پیوروم ، ماده پر وخت خخه او بزده فکروونه پري ايپشي دی . زه راډم لا کن  
 جاته ؟ دکور خاوندان خه شو ؟ هري خواته چه ستر ګي اړو مېله پېډه قومه نورخه نه وينم -  
 ما خپلي خلباني مهې ګړي . جنا زه مي ئي واخسته ، بیا می تېکري تېکري ګړي ، په خپل  
 شعر کښ مي پټي ګړي ، پري مي پیولې .  
 زما ناروغو بنه چه لکه تند سيل په هر ه شيله کښ و بهيزې ، لکن زه لکه مهې  
 او بشکي بي له زځه بهوم .

يه دی کلکه ګښده کښ زه دخلو نارواګيزه نه وينم .  
 نودي زما د صفحاتو « خسران » په پته خوله زیگروی وکۍ .

( طلوع )

### بناغلي عطا الله خان « غزن نوي »

دی یو پرديس ، مسافر ، له وضنه مهجور ، دعربو په سرزهين کښ پرورت ، یو پېښتون څلمني دی چه عطا الله نومېزې ، او د غزنې د سیمې دی . ده پری مدی خخه د عراق په « وصل » کښ او سیمې ده دخپل وطن سره زياته مينه لري . هیڅکلهائی وطن او د اخاوره له یاده نه دی وتلي ، همیشه د سوزه

وک اشعار ، دردانک آثار ، دوطن اخبارو نوته را یزی .

دی دپېشتو یو خوا خوزی ، او واقعی مین دی . دغه بې اندازی مینه او محبتئی له اشعار او  
نظمونو خخه معلومیزی . دده دغه پاک احساسات چه دخپلی زبی او دخپل وطن سره ئی اری ؛  
دقدرود دی . دده زیات اشعار يه « طلوع افغان » او پېشتو مجله کېش نشر شوي دی . په شعر  
کېش ئې تخلص « عطا » خوئیں کې دی نوی تخلص له لري هروخت چه ئې وطن په زدہ ورگر زبدی  
دي ؛ نو قلم ئې اخستی دی ؛ او یوادی سوغات ئې دوطن رو ټوته را استولی دی - دی ده پری  
مدي مسافر دی ، البه خپل وطن خوزدی دسری یادیزی یادی بیت کېش دخپل وطن یادیه خه بشه  
رنگ او نآشنا او غرب طرز کېش کوی :

دتا و صار دونه لیری لاما ايسى لکه لیری چه ارگون دی له رنگون

دکلام يه نمونه کېش ئې دالاندی نظمونه و گوری :

کشکی تل دیار دیداروی خه به بشه و  
چه رقیب سوی په نار وی خه به بشه و  
مه غمازمه تریخ گفتار وی خه به بشه و  
تل دمینی تو د بازار وی خه به بشه و  
وهر چاته په وارواروی خه به بشه و  
یو دبله سره جار وی خه به بشه و  
دبلا چایه زدہ انگاروی خه به بشه و  
دبلا چا تر نظر خار وی خه به بشه و  
دا منت دی په ما باروی خه به بشه و

.....

(طلوع)

(۲)

په زدامی دواړه سترګي شوی ګل ګون  
غم دنن ورځی می ده دی له پر ون  
او س په خپله شوم رسوا لکه مجنون  
ز ما په سر باندی تل غم دی دی ټون  
ستاله غمه پرمخ پروت یم سر نیگون  
لکه لیری چه ارگون دی له رنگون  
له عنقا سره چا ڪپری بیو ستون  
(طلوع)

عاشقی ڪومه بیزا ره له ڙو ندون  
په هر غم پسی رائحي بندی دور وسته  
ما به نورو له لو سنتی دصبر پا نې  
پر مینو ڪله غم ڪله بنا دی وی  
دزدہ سره یووار سترګي کهرا یورته  
دتا وصل دونه لیری لاما ايسى  
دلیلی وصال « عطا » لره عنقا شی

## شاغلی محمد رفیق خان « قانع »

دملاء عبدالحمید آخندزاده بخواي ، په قام ابراهيم خيل ، په عمر ( ۵۵ ) گلن دی دشيو کو به « خان علوم » کښ زېړېدلی ، او د ډیغانمان په « خالداری » کښ لوی شوي دی له رنګه زېړېخن په ونه بر ابر ، غلۍ ، فلار ، عزالت پسند سپړی دی . ابتدائي تعليم ټې رسمي او په دارالعلومين کښ کړي دی نور تحصیل ئې خصوصي او د عربی دمتداو لوکتابو نو خنځه عبارت دی . په فارسي او پښتو کښ دقلم خاونددي . تترزيات لیکي ، او شعرهم کله کله وائي . دی دخیل نوم سره « قانع » لیکي . تخلص ئې هم دغه تا کلې دی . قانع لکه خپل نوم ، صابر ، او حليم معلومېزې ، په پښتو کښ ئې په زمانه تپره کړي ده ، او د ډېبری مدې نه ډېدی لارکښ مشفول دی دانقلاب مځکښ ئې هم دېښتو په شعبو کښ کار کړي دی ، او تراقلاب وروسته په « اصلاح » کښ دېښتو محرورو تا کل شو ، چه تراوسه پوری هم په دغه وظيفه مشغول دی . دده زياتي مقالې په « اصلاح » کښ ليدلي شوي دی په پښتو کښ یومستقل اثر هم لري . دا اثر « دوه سره مین روهه » نومېزې ؛ چه د « اصلاح » په پاورقي کښ نشر شوي دی ، او یومستقل هم طبع شوي دی ، قانع صاحب د عمر د تقاضا په وجہ دېښتو د نورو تحقیقاتو سره نا آشنا معلومېزې . دده جیني نظمونه په « انيس » کښ هم نشر شوي دی . د اصلاح دجشن په شمارو کښ ئې دنظم نمونې کتلې شي !!

### صدقیق الله « رشتین »

ددی مقالې یکونکی شاغلی صدقیق الله خان رشتین هم له پښتو یکو نکو خنځه دی ، لکه چه دده معروفی کول هم په یکوالو کښ مناسبوه ، نوزه دی معروفی کو م ( جيبي )



رشتن دمولوي تاج محمد خان زوي په قوم مهمدا و د مهمدا دی ، دده پلار دخیل عصر عالم او په آزادو سرحدو کښ یو معروف سپړی و چه په « مهتمم صاحب » مشهورو ده په آزادو سرحداتو کښ علمي خدمتونه کړي ، او د استقلال په جهاد کښ ئې برخه آخیستي و هر حوم مهتمم صاحب به انگلکیسي هم یوهیدي ، او عصری تعليمات ئی حاصل کړي ووه .

زموز رشتین ملګری هم عالمزاده ، او د علم په محیط کښ لوی شوي دی ، پېچل کور کښ ئې خصوصي تحصیلات کړي ، او په ۱۳۱۱ ه د مشرقی خوا په نجم المدارس کښ دا خل او یا په ۱۳۱۵ د کابل عربی دارالعلوم ته را تبدیل شوي ، او په ۱۳۱۸ ئې د اعلی د رجي شهادتname اخیستي ده ، نو لکه او س رشتین به معلومات لري ، او مخصوصاً په عربی معلومو کښ د قوى لاس خاوند دی . رشتین د تحصیل په دوره کښ هم یو یکوال و د ده پښتو او پارسي او عربی مقالې به ليدلي

کيدي ، نو څکه د تحصيل تر فراغ دروسته په پښتو ټولنه کېښ عضو شو ، اوله هغه و خته تر اوس د پښتو ټولني یو بهه رکن دي ، او دزېي یه خدمتو نوبهه برخه اخیستلای شي : دي نرم اخلاق لري لزخبری کوي ، د (۲۳) کالويو فکور مخلع دي ، رشتين په پښتو کېښ بهه شعروائي ، تر تئي نېي نظم پوخندي ، له عربی او ارادو خخه تر جمه هم کولاي سی ، کلهه عربی مقالی هم لیکي ، دده مقالي په پښتو د کابل یه جملو اوسالنامو اونورؤ وطنی جرايدو کېښ نشرشوي دي او سبز کال نېي د پښتو لیکوالو برخه غوره کړي ده .

دي په پښتو مستقل آثار هم لري ، یوه درامه ئې « پښتني بیسانی » کېښي ، او یوه بهه مجموعه د « حکایات او لطایف » په نامه لري ، د پښتو په ادبی او اجتماعی خواو کېښ بهه تتبع کولاي سی ! رشتين مخلع دي ، په مطالعاتو ئې ورخ پهورخ معلومات یځښري او د ہر ہنزی . هيله کېداي سی ، چه دی د پښتو یو خوراګوره لیکوال سی ؟  
اوسم دده دشعر یوه نمونه و گورئي ، دامنظومه ده دخنه کلو کېښ ویلنې وو :

### د پښتموالي غږز

پښتو نه پا خه تو ره تر ملا کړه	د پلارغیرت نن ، ځانګړن یدا کړه
حیر انه ځانا نه تو له دنیا کړه	خوره دنیا کېښ خپله رهنا کړه
دا زنګک و هلې توره صفا کړه	د پښتو الي پېرغ بالا کړه
له پارو پا تې ميراث و تاهه	غیرت همت دي اوسم ئې نوساته
پلر ونه ټول دي ، خنګه نامدار وو	ستختو ڪاروته و اړهه تیمار وو
غافله نه وو ، هر وخت ییدار وو	اختیار وال اوو ، دکور واکندار وو
روان هم و اړهه ، په یوه لار وو	یوه پښتو وه ، یو رنګک افکار وو
پشنډانه ځکه ، یاد په جهان وو	نوړمکومان وو ، دوی حاکمان وو
قلسم او تو ره ستاسو منصب و	ښکاره عالم ته ، ستاسو ادب و
شعر دریاب و ، خوشحال ئې کې و	هم ئې نیو لی ، د قوم جلب و
خومړه مونوم و ، خومړه مودرب و	هلته ادب و ، چه ستاسو دب و
مسکن و ستاسو دغه و سرونه	ځکه بلند وو ستاسو عن مو نه
د « تیرا » غرو کېښ بروت دی خوشحال	خو هېڅو ک نشه چه وا يځلی حال

نشو نن پا تي ، هیچر ته سیال  
 پیدا شو دوی ڪبن ، دغه خیال  
 په غورو ڙیرو ، دوی هم عادت شو  
 لاس په سرواره ، له خپل خصلت شو  
 نیکونه ستا وو ، تڪر ھ خوانان  
 کول ئی حمانونه ، نڪھے قربان  
 نوم ئی مشهور دی ، اوس په جهان  
 و ڪر ھ هبت خه ، خولی که حمان  
 برابر لا ڏشه ، د دوی په لا ره  
 چه بله لا ره ، نڪري مختاره  
 د پېشتون توره ، تو لې دنيا ته  
 دا نور شتیا ده ، نه وايم زیا ته  
 د دبمن ملا ئی ، خو تخل کره ماته  
 په هم تڪر ھ شه . په دغه رنگ  
 پا خه بیدار شه ، مکو ه درنگ  
 په زیده محڪم شه ، لکھه پیره  
 د ده سیلا ب کپری ، له سخته غره  
 دوپری خیال نن ، ورک کپر له سره  
 زوندی خپل فام ڪالکه دنوره  
 قدم دی تیز کما مه مخه په رو رو  
 هنسی بیانی ذرشه ، خر گند کا  
 ماتی تو قی ئی : سره بیوند ڪا  
 پېشتون ٻهم ، پیرته بلند ڪا  
 دا او ظیفه ده تا ته اوس یاتی  
 گوره و نڪري میدانکښ ماتی  
 تشن په نهو سو ، خه کنار نه کینږي  
 اله اتفاقه فوت ، زیا تیزی  
 دغه فانون دی ، چه نن چلپنگی  
 د هفه چا دی ، حق د حیات  
 چه لری زورنن ، له هر چازیات

د ټولو د غر ونو، چا پېر له تا دی  
جګرافی حال دی خه د ېر اعلی دی  
معنوی زوردي، زیات له هر چادی  
د غه صفت دې، خو مره بالا دی  
چه ځان قربان کړي، له خپل و ضنه  
له خبلی خا و رې، له خپل مسکنه

رشته، پورته اوس له بستر شه  
د پښتو الې، په را ز خبر شه  
یو با همه، پښتون عمسکر شه  
په هر میدان ڪښ، لکه سپر شه  
دد شمن ځکښن تېر ه خنجر شه  
استقامت ڪښ، لکه د غر شه  
نوم د پښتون کړه، ژوندي د نیا ڪښ  
ښکاره کړه ځان بیا، په « پښتوخوا » ڪښ  
« طلوع »



# تریه اطفال در فامیل

سیاغلی محمد قادر خان « ترجمه کی »

## مقدمه:

در سالنامه سال گذشته در تحت همین عنوان عوامل روحی انسان را به سه حصه تقسیم نموده حصه تریه ذهنی آن را مطالعه نمودیم و عده داده بودیم که یک قسمت دیگر آن را در آینده مورد مطالعه قرار خواهیم داد :

اینک برای اكمال آن مبحث امسال یک قسمت دیگر موضوع را که عبارت از : « تریه حسیات اطفال » است مطالعه مینماییم ،

این قسمت که اهمیت مهم تریه وی دارد و بحث در اطراف آن برای یک جامعه مثل ملت عزیز افغان از واجبات جوانان و افراد مطلع است به سه قسمت عمده منقسم می شود مثل : ۱: تمايلات شخصیه ۲: تمايلات اجتماعیه ۳: تمايلات عالیه .

هر قسمتی از اقسام ثلاثة مذکوره باز هم به چندین عناوین فرعی دیگر منقسم می گردد که اینک در ذیل به ترتیبی که در مقاله سال گذشته رعایت شده بود ( اولاً ) ماهیت عمومیه میشه ( د ) ماهیت آن در اطفال ( ۳ ) تریه مذکور ) عناوین مذکوره را مردمطالعه و تحقیق فرامیده هیم : چون موضوع این مقاله تریه اطفال جامعه است اگر مورد دقت چند نفر محدودی از اولیای اطفال هم قرار گیرد مقصده یکه نگارنده عاجز از تحریر این مقاله دارد برآورده می شود انداشت تعالی .

## تعریف:

حس و یاثاثه عبارت از مجموع حواسی است که بانسان مطبوع یا غیر مطبوع بر میخورد . چون حس دائمی یک حادثه فردی است ازین جهت در همه افراد یکسان نبوده نظر به شخصیت ، تریه و راثت وسائل عوا ملیکه به شخصیت افراد مؤثر است بهر فرد شکل علیحده را اختیار مینماید بنابر همین اختلاف حسیات است که طرز تکلم تحریر وسائل عوا مل رویه یک انسان از انسان دیگر فرق دارد مثلاً اگر دونفر نویسنده را که در یک فامیل و تحت یک نوع ایجابت تریه شده باشد در نظر آرید می بینید که در سبک و اسلوب تحریر از هم دیگر فرق دارد از همین جاست که علماء و منقادین ادبیات میگویند : « اسلوب بیان عیناً خود انسان است و بعد از افراد اسلوب سبک تحریر وجود دارد ... »

هر یکی از حوادث حسی یا مترادف باحظ است و یامتر افق بالم و اگر یک حالت حسیه مولود یک علت مادی باشد مثل سردردی و دندان دردی وغیره آن را (حظ و بالم مادی) میگویند و اگر این حس بحدی شده باشد که تمام موجودیت فرد را تأثر نماید آن راهیجان (Emotion) میگویند.

اگر حس متوجه به چیزی شده خواهان آن شی گردد آن را تایل (Les tandances) میگویند و اگر این اشتها که ما آن را تایل گفته‌یم شدید تر شد احتراص Passions نامیده می‌شود و اینک ماهم درین مبحث در اطراف حظ والم، حسیات و هیجانات و احتراصات بحث نموده باستان آثار علمای روحیات و تربیه تدابیر تربیه‌ی آنها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد:

### حس و هیجان

هیجان عبارت از اختلال عضوی و معنوی است در اثر حوادث مطبوع یا غیر مطبوع فجاعتی با انسان دست میدهد مثلاً وقتی کسی به تنهایه معرض می‌شود و یا یک خبری می‌شنود که با علاوه مندی زیادی دارد فوراً جسم او را متغیر می‌گردد و این حال را هیجان مینامند. اگر این هیجان آنی و دفعی نبوده چندین روز یا چندین هفته ادامه یابد آنرا حس یا حسیات میگویند.

### انواع حسیات و هیجانات :

هیجانات انواع زیادی دارد و چون هیجان در زمرة حالات روحیه انسان دارای اهمیت بسیار است ازین جهت علماء فلاسفه زیادی در اطراف آن مشغول و هر کدامی از خود درین باره تصنیفی دارند که مانعی تو اینم دریک مقاله مختصری به بحث مناظر دوی ایشان مشغول گردیم پس برای فهمیدن ماهیت هیجان و انواع درجات آن به شرائط عضویه و روحیه که در حین وجود آمدن هیجان به شخص مهیج رومیده میپردازیم:

### شرائط عضویه :

هنوز علماء نتوانسته اند بفهمند که آیا حسیات و هیجانات دردماغ دارای مراکز مخصوصی هستند یا نه؟ فقط تا کنون علم بشر این قدر میداند که حسیات و هیجانات هم مثل دوران خون در وجود انسان مصدر تحولاتی می‌گردد و همان طوریکه دوران خون در قلب تاثیر دارد شدت هیجان و حسیات هم عکس العملی در قلب بوجود می‌آرد و اینکه شعر اوادبا میگویند در اثر فلاں حادثه مهیج قلب به ضربان میاید نه یک تعبیر شاعرانه بلکه یک جمله فلسفی و مطابق حقیقت میباشد درین جا است که فیلسوف کلوبر نارد میگویند: «دماغ مجبور است برای افاده حسیات از قلب استعانت نماید»

تحولاتیکه حسیات و هیجانات در عضلات ، حرکات و سیما وجود می‌آرد بحدی بارز است که اکثری از علما برای تشریح آن تحولات و تغیرات کتابهای نوشته اند که اینک ما به چندی ازان علام اشاره خنسری مینماییم :

وقتی انسانی مهیج می شود ابروان و مژگان و پیشانی عبوس میگردد و سیما وضعیتی کسب میکند که انسان فوراً درک مینماید که فلان شخص به هیجان آمده است و درین وقت تنها تغیراتی در سیما روندade دست هم بی اختیار حرکت میکند .

### شرط روحیه :

حسیات مقدم بر افکار میباشد ولی ترقی حسیات تابع ترقی افکار است زیرا در اثر تسلسل افکار حسیات وسعت میباید و هیجانات بوجود میاید .

حسیات و هیجانات از شخص به شخص و از یک حال بحال دیگر فرق مینماید مثلاً یک شخص تأثیر و هیجانی را که از یک عامل اخذ مینماید به شخص دیگر ازان تأثیر همان هیجان دست نمی دهد و یا یک وضعیت احتمال دارد بنا هیجانی بددهد که از اوضاع دیگر آن هیجان وارد نگردد .

### ماهیت هیجان :

راجح به ماهیت هیجان دونظریه وجود دارد که یکی آن نظریه مركز La theorie centrale و دیگری نظریه محیط La theorie prephérique است .

نظریه مركز قدیم ترین نظریه است که درین زمینه فلسفه ایراد کرده اند مطابق این نظریه عقیده دارند که هیجان هم مثل فکر و اراده از باطن انسان نشئت میکند و علماء فلسفه که تابع مسلم مذکور می باشد بدو دسته تقسیم می شوند مثل دسته مادیون و دسته روحیون . مادیون معتقدند که منبع هیجانات دماغ میباشد و روحیون میگویند منشأ آن ها روح میباشد در نظر این علما ضربان قلب و سائر عوارض هیجان و تأثیر از من کنیز یعنی باطن انسان میباشد و میگویند یک هیجان مجبور است از صفحات ذیل بگذرد :

در مسئلۀ خوف نخستین بار کدام خطر یا تهائۀ احباس میگردد بعد از این انسان میترسد و سپس میلرزد یا میگرید .

### نظریه محیط :

وجود آورنده این نظریه فیلسوف معاصر امریکائی ویلیام جیمز است و این نظریه مدتی مورد بحث و مناظره علمای روحیات بوده اخیراً مظہر قولیت آن ها گردید . در نظر این علما هیجان یک حادثه عضوی یا به تعبیر دیگر یک حادثه محیطی است یعنی مثل قلب شریان و سائر اعضای دارای مکان مخصوصی می باشد یا به عباره دیگر هیجان یک حالت مخصوصه

روح و یا دماغ نبوده یک حالت حیاتیه حیات حیوانیه می باشد در نظریه این مردم یک هیجان از  
سر اهل ذیل میگذرد :

اولاً تهلهکه یاخطر احساس میگردد نایا لرزشی در وجود آدم پیدامیشود ثالثاً این لرزش  
به ترس و خوف منقلب می شود .

### هیجان و حس در اطفال :

تا اینجا حسیات و هیجانات را من حيث عموم مطالعه نمودیم حالا بحث مختصری در اطراف  
حسیات و هیجانات اطفال نموده به تدبیر تربیه وی آن ها می پردازیم :

اطفال مثل انسان های ابتدائی تابع هیجانات خود می باشند و چون اطفال نمی توانند جلو  
عکس العمل هائی را که از تاثیرات خارجی بدانها وارد میشود بگیرند لذا هیجانات ایشان بسیار  
قوی و شدید می باشد ازین جهت باید از همین اول مرحله اوضاع طفل را کاملاً زیر مطالعه و دقت  
قرارداد و بر حسب دستاير یکه علمای روحیات و تربیه درین زمینه اظهار نموده اند طفادر اتریه نمود .

### تریه آن :

اطفال را بهر صورتیکه ممکن باشد نگذارید مروعوب شوند و چون خوف در ابتدای و لادت  
و تا چندماه از عمر آنها غالباً در اثر اختلال معده با آنها دست میدهد پس تا حدیکه میتوانند به معده  
های اطفال اهتمام نموده نگذارید با معده ثقلی بخواب روند والایوسه میترسند از یک طرف  
خواب ایشان خراب میشود و از طرف دیگر با خوف و ترس مانوس شده جبن بار می آیند .

افسانه های دیووپری و مخصوصاً این وسیله تهدید منحوسی را که (بیو) میگویند ترک کنید  
و نگذارید اطفال از خوردی منابع مذهب خوف را با خود تا کلانی هرراه داشته باشند .

اطفال را عادت بدھید تا از مناظر بدیعی و حکایه های قهر مان های تاریخ وطن و داستان  
های مفاخر اجداد و موقفیت های مردان بزرگ تاریخ و سائر اعمال نیک مهیج شوند و باین وسیله  
از ایراد حکایه هائی که این ذهنیت ها را در اطفال بیدار کند خود داری نمائید .

### محیجو بیت :

محیجیت *Iat timide* یک هیجان اجتماعی است که به انسان تضییق و فشار میدهد محیجیت  
عبارت از عدم اعتمادیست که انسان بخود دارای باشد شخص محیوب وقتی به مجلسی وارد میشود  
تصویر میکند تمام چشم ها متوجه اوست و این محیجیت تا حدیکه حیا شکن نباشد باید رفع و ازاله گردد .  
وقتی شخص محیوب را تصادف مینماید بطور عموم در وجود او این اوضاع خوانده میشود :  
اولاً طوری دیده میشود که گوئی قدرت مکالمه ندارد دوم در اوضاع او حتی در بشره اش

تغیر وارد می شود سوم در وقت مکالمه به زمین نگاه میکند چهارم صدایش از حالت طبیعی خارج میگردد.

### محجویت در اطفال :

طفل همینکه با شخص بی گانه مواجه میشود فوراً روی خود را میگرداند و یادست های خود را بر روی خویش میگذارد تاز نظر او پنهان شود و حتی اگر شخص بیگانه دستی به محبت بسوی او دراز کند معهداً محظوظ تر می شود و حتی این حجاب به ترس مبدل شده میگرید.

### تربيه آن :

به طفل هیچگاه انتقادات واستهزائی که جرئت آنها را درهم شکنند ننماید و همیشه اوضاع و حرکات شان را صفت کنید تا جرئت پیدا کرده از محجویت بر هند زیرا اگر بطفل همیشه انتقاد واستهزاء نمودید بفکر او چنین میاید که هر کس اورا با همان نظر بدمنی بیند پس در محض هر کس محظوظ است و این محجویت تا کلانی ادامه یافته مصدر بسانو اقصی و ناکامی های او میشود. سعی کنید اطفال تان با اطفال دیگر و حتی مردان مشهور گردند زیرا وهم یکی از عوامل محجویت است و از همین جهه است که در مالک متمدن برای اطفال اجتماعاتی ترتیب و بالای آنها سپورت مشترک نموده آنها را وادر مینمایند با هم دیگر صحبت ها نموده افسانه های ایراد نمایند.

اگر تو انسیستید محجویت را از نهاد اطفال خود زدوده آنها را جسور و دلاور بار آرید در کلانی آنها میتوانند در هر کار موفق و مصدر اعمال بزرگی گردند (اشتباه نشود محجویت نقطه مقابل می حیائی نیست و این خود بحث دیگری است).

### حظ والم :

وقتی که تمام حالات حسیه انسان تحلیل کرده شود تمام آنها را میتوان از یک نقطه نظر در تحت دو عنوان : حظ والم مطالعه کرد و ازین جهت است که حظ والم بسیط ترین و عمومی ترین حادثه حیات حسیه مارا تشکیل میدهد

حظ عبارت از تطمین تایلات والم عدم تطمین آن میباشد و ازین سبب حظ والم مقیاس خوبی برای تفریق حوادث مطبوع ازغیر مطبوع میباشد.

حظ والم قوی ترین ساقی های حیات انسانی میباشد و هر کدامی از افراد سعی میکنند نائل به حظ و بعید ازالم باشند و ازین جهه میتوان این دو حالت روحیه را کلان ترین وسیله رفاه مردم روزگار و ترقی مدنیت های بشری پنداشت زیرا مصدر بسا اختراعات و اکشافات شده است.

### حظ والم در اطفال :

اکثری از علمای روحیات را عقیده برین است که اولین حس طفلم است و انسان توأم بالم بدنی می‌اید.

در روزهای اولیه ولادت تمامه اولین آنالم اطفال بر حظ ایشان غالب است زیرا گرسنه‌گی، ناراحتی، گرمی، سردی، بوی بد، ضیاء زیاد، پیچیدن در فندان و امثال این‌ها همه مستوجب الم اطفال است ولی بهر اندازه کاحساسات اطفال تکامل مینماید بهمان اندازه حظ آن‌ها هم زیاد می‌شود.

### تریه آن :

عالم تریه انگلیس (لوک) و فیلسوف معروف فرانسه (روسو) توصیه می‌کنند که از خوردن ترین دوره حیات باید اطفال را بالم عادت داد تا در تمام ادوار زندگانی به زحمت و مشقت هائیکه روزگار اورا مواجهه مینماید مقابله نماید. اما فیلسوف دیگر انگلیس برخلاف این دو نظر فیلسوف عقیده دارد که عادت دادن طفل به زحمت‌والم جرئت اورا می‌شکنند و اورا جبون بار می‌آرد.

بهر حال افکار متضاد فلاسفه و حکما درین زمینه هر چه باشد تجارت زندگانی و حیات اجتماعی معاصر ایجاب می‌کند که باید اطفال را از ابتدای ایک اندازه به زحمت و مشقت تریه نمود که در کل‌آن بنواند با مصاعب روزگار مقاومت کنند در پیشتو این اصل تریه وی را باین بیت معروف افاده مینمایند:

«ناز ولی خوی نه اخلى ادب  
دسيو رى نخل نه نيسى رطب»  
(حميد)

ما باید اطفال خود را نه آقدر به زحمت مواجهه کنیم که جرئت آن‌ها را در هم شکند و نه به آن‌اندازه به حظوظات و اذوات معتاد بنماییم که در آینده تحمل جزئی ترین زحمتی را نداشته باشد بلکه صحیح ترین و بهترین تریه درین زمینه در وسط هردو است.

### میلان‌های روحیه انسان :

یکی از تمایلات روحیه انسان که میتوان آن را تاحدی مربوط به بحث حظ والم دانسته بطور عموم تحت عنوان حیات حسیه انسان جداد میلان‌ها را روحی انسان است و ما این میلان را اولاً در تحت دو عنوان از قبیل: تمایلات شخصیه و تمایلات غیر شخصی تقسیم و بعد آن‌ها را به عنوانین فرعیه کوچکی تفرق و در ذیل هر عنوان بحث مختصری مینماییم:

#### ۱:- تمایلات شخصیه :

منبع حسیات و هیجانات ما تمایلات مختلفه‌ما می‌باشد و تمایلات مختلفه شخصیه عبارت است از:

میل تحفظ، میل تملک، میل استقلال، عزت نفس، غرور و رفاقت.

## ۲- میل تحفظ:

دروجو دانسان غریزه موجود است که اورا وادر میکند حیات را دوست داشته ازالم و مرگ که گیران باشد و از همین جهه است که انسان بهر اندازه مغلوب و بد بخت باشد معنده از ندگی میخواهد و میل دارد چند روز دیگر هم زیست نماید پس پیوسته سعی مینماید تا مدتیکه امکان دارد چارها و تدابیر حفظ حیات را بکار برده خود را از مرگ نگه دارد.

چون این میلان از همه بیشتر مستلزم پر کردن شکم و بیوشیدن تن میباشد لذا بزرگترین مشنه انسانها در راه حیات تامین اغذیه والبته است و حتی در نظر مادیون تمام تاریخ بشر و ترقی مدنیت های بشری مولود دواصل است: پر کردن معده و بیوشاندن تن.

همین اصلی را که ماجادله حیات میگوئیم مستند به میل تحفظ است و همیشه دیده می شود که جسورترین مردم روز گار در مقابل خطری به حال وحشت و ترس میافتند و این وضعیت آن ها باز هم دال بر همین میلان است.

## میل تحفظ در اطفال:

اطفال از ابتدای تولد این میل را با خود دارند و مربیون مکلف اند تا این میل را در اطفال ازدواج نهیه نمایند:

باید به طفل در اثر تلقینات متواالی و بیهم این فکر را ترزیق و تنمیه نمود که: انسان باید در حیات تنها مکنی بخود باشد و تمام وسائل راحت و زندگانی خود را از رحمت و کار خود حاصل نماید و بهر اندازه که رحمت و کار زیاد و شدید باشد است راحت آن بیشتر و پایه دار تراست.

در اثر تریه اطفال راقانع بگردانید که در بعضی موارد باید خدمت در راه حیات و رفاه عامه خدمت در راه حفظ موجودیت شخصی شان ترجیح داشته باشد مثلاً<sup>۱</sup> اگر بهینه دنیا کسی در خطر است و یاخدا ای ناخواسته موجودیت وطن شان متوجه به تسلک شد از حیات خود بگذرند و آن خطر و تسلک را رفع و ازاله نمایند.

## ۲- میل تملک:

میل تملک یکی از نتایج غریزه میل تحفظ است هر کس میل دارد در حیات خود مالک چیزی باشد و اشیا و مایلک افراد بهر اندازه که به سختی حاصل شود بهمان اندازه در نزد مالک آن محظوظ و گران می باشد و این ملکیت هادر تاریخ بشر مصدر بسا اعمال گردیده است.

## میل تملک در اطفال:

میل تملک در اطفال اولاً<sup>۲</sup> به پستان مادر ظهور مینماید و متعاقب آن اطفال بازیچه ها و سائر

وسائل ساعت تیری و سپس کتاب درسی خود را ملوك خود میدانند و اطفال تامدت زیادی درین (مال من) و (مال تو) فرق نمی گذارد هر چیز را از خود تصور می کنند و این حرص او ازین جهه است که او تا هنوز حدود مملکت را نمی داند :

### تریبیه آن :

سعی کنید اطفال تان مفهوم مملکت را درک کنند و نسبت به دارائی اشخاص حس حرمت را در نهاد آن هایدار کنید و آن هارا به مملکت و دارائی خود دشان هم علاقه مند نمایید زیرا درین صورت نه صغل در کلائی به مال دیگران تجاوز خواهد کرد و نه خواهد گذاشت دیگران به سهو لات مال اور اغصب کنند زیرا در نظر اکثری از اخلاقیون فرق یین متجاوز و رضادهنده به تجاوز نیست و هردو در محضر محکمه و جدان جزای ماثلی دارند.

از همه مهمتر اطفال خود را بفهمانید که : تملک انسان بر مال جائز ولی بر انسان غیر مشروع است و انسان همان حیث جوهر انسانیت باهم فرقی ندارند و نباید کسی از روی مال و نسب خود را متفوق تراز دیگری بداند .

با اطفال خود بیاموزید که پول و دارائی یک واسطه حیات است نه غاییه و نصب العین آن باید تمام دارائی و مملکت خود را در راه سعادت و رفاه خود و جامعه و وطن خود عندازی بجای فدا کرد .

### ۳: میل استقلال :

انسان همیشه میخواهد آزاد و بدون مداخله دیگری زنده گانی کند و این احتیاج آزادی و میل استقلال در همه اشخاص یکسان نبوده دارای درجات مختلفی میباشد مثلاً کسی در مقابل جزوی ترین مداخله به هیجان میاید ولی دیگری در برابر آن مداخله لایقی است ؛ عین همین او ضاع در ملل هم دیده می شود .

### میل استقلال در اطفال :

بر حسب عقیده یک دسته از علمای روحیات طفل اساساً در مقابل هر نوع سلطه دشمن و بی اطاعت است و باید از ابتدای طفولیت متوجه بود این عصیان و عدم اطاعت او بالمره زدوده شود .

### تریبیه آن :

یکی از نازک ترین وظیفه که مردمی در تربیه طفل خود دارد وضعیتی است که در مقابل استقلال طلبی اطفال بخود میگیرد مردمیون قدیم معتقد بودند که استقلال خواهی اطفال گستاخی است لذا آن هارا تاحدی که میتوانستند تادیب میکردند و این حس را در نهاد آنها می کشتند اما در اصول های معاصر تربیه این رویه شدیداً انتقادی شود و اطفال را از تجاوز مسئون میدانند و کلمه بی اطاعتی

وعصیان کاری را در مورد اطفال مصدق نمی‌دهند و میگویند سرپی باید در تربیه طفول تابع تمایلات او باشد پس درین زمینه چنین سفارش کرده اند:

« باید طفل را بنزیریه اطاعت آماده حریت نمود و اطاعت اورا در ضمن حریتش تامین کرد خطای بزرگی که اصول تربیه آمرانه و زجری دارد این است که قدرت طوعی طفل را در هم می‌شکند برای مملکت مستقل افرادیکه حریت وجود و جدان و عقیده و میل استقلال را نداشته باشند بدرد نمی‌خورد پس نباید میل استقلال را درنهاد اطفال خود خفه نماید احتمالیکه امروز در فنDAC و آغوش خود دارید فردا حافظ استقلال مملکت و مدافعان حقوق وطن و جامعه می‌شوند پس از همین امروز کوشش کنید ذهنیت استقلال و حریت درنهاد آنها فواید بگیرد .

تو استوی فیلسوف معروف روسی در تربیه اولاد استقلال کامل راسفارش میکرد و میگفت اگر اطفال را آزاد بگذارید و در بر ابرام ایال و خواهشات شان سد نشکنید خداوند تعالی آن هارا به استقامت و راستی سوق میدهد چنانچه او مطابق این عقیده خود مکتبی تاسیس و چندی از اطفال را دران مکتب وارد و آنها اجازه داده بود هر چه بخواهند بستند و بهر چه میل داشته باشند بیاموزند .

رویه مرفت علمای تربیه در تربیه استقلالی اطفال این دو ماده ذیل را بطور عموم سفارش میکنند :

- ۱ :- در اطفال قدرتی بوجود آرید که حاکم ایال و هواسات خود شوند .
- ۲ :- اطفال را نگذارید به حریت دیگران خصوصاً حریت اطفال خود را از خود تجاوز کنند و باین وسیله این اصول را : « حریت یک شخص نباید حریت دیگری را سلب کند » آنها تلقین نماید تا حدود و مفهوم حریت را بدانند .

#### ۴ :- عزت نفس :

عزت نفس یک حسی است که مو لود ادراک شخصیت است و این شخصیت دارای اشکال و درجات مختلفی میباشد که درجه افراط آن را تکبر و تقریط مذکور را ضعف نفس میگویند و حد متوسط آن که یک صفت جمیله وقابل تربیه و تقویمه میباشد همین عزت نفس است .

عزت نفس در همه افراد متناسب با درجه و نوعیت تربیه آنها است مثلاً در مالکی که معارف پیش رفته و اصول تربیه آنها اصول علمی و عقلی است عزت نفس افراد آن هم نموی کاملاً نموده بالعکس در ملل پس مانده (اگر عزت نفس از خصائص فطریه افراد آن نباشد) یا هیچ وجود ندارد و یا اگر باشد ناقص و نامکمل است .

#### عزت نفس در اطفال :

طوریکه عالم روحیات فرانسوی ریبو میگوید : عزت نفس در اطفال توأم با قدرت و قویتکه

این ها در بازی ها و مجادلات خود شان صرف مینمایند تظاهر مینماید و مخصوصاً در دختران مترافق با حس دوست داشتن زینت واشیای تجملی ظهور مینماید .  
اطفال در خورد ترین دوره حیات خود از مدح منون و از ذم مفوم میگردند .

### تریه آن :

با طفال تلقین کنید تا از چیزهای که سبب برهم زدن اعتبار آن ها میشود مثل دروغ وغیره اجتناب کنند چون اطفال خوش میشوند که با آن ها گفته شود «تو خوب بچه استی » پس باید همیشه از راه تعریف شخصیت شان خود شان را اصلاح کرد و گفت : « دروغ گفتن و بسرک بر آمدن و چتل بودن کار بچه های نالائق است تو که خوب پسری میباشی نباید چنین کنی » با این قبیل گفتارها در عین اینکه نواقص طفل اصلاح می شود اعتمادی راجع به شخصیت خودش دروپیدا میگردد و باین صورت او شخصیت خود را بلند تصور میکند و نمی گذارد جزئی ترین ایراد و انتقادی را در آینده در شخص خود مورد بدهد .

در نظر من کلان ترین و دقیق ترین وظیفه تربیه وی والدین و معلمین در راه تربیه طفل در همین نکته است زیرا یک ملت مانند ملت نجیب افغان که میخواهد مملکت و وطن خود را به وسیله اولاد صالح خود اداره کرده نواقص امور را بقوه شخصیت های بزرگ آن ها رفع نمایند از همه اول محتاج مردان دارای عنزت نفس است شخصیت که عنزت نفس داشت و اهمیت بزرگ انسانی را در شخص خود دید او میتواند وطن و ملت خود را باوقار و صاحب عنزت و شرف تصور کند یکی از فلاسفه میگوید : « من یقین دارم کسی که عنزت نفس دارد هیچگاه من تکب جرمی نمیشود زیرا او میداند که اگر جرمی کند گذشته ازینکه تحمل چشم های را که بسوی او به نظر برم مینگذرد ندارد از وجود خود شرم میکند و همیشه این سوال را از خود مینماید یا شخصیت انسان لازم می بیند به عمل بدی که وجود آن را جرم مینامد تنزل کند ؟ »

متاسفانه اکثر آ عنزت نفس را با تکبر مخلوط مینمایند در حالیکه تکبر درجه افزایش عنزت نفس بوده اخلاقاً مذموم است ولی عنزت نفس که مطابق تصنیف ارسطو درین دو ردیله تکبر وضعف نفس جادارد فضیلت است و باید همیشه مورد توجه قرار گیرد .

### ۵ - رقابت :

رقابت عبارت از میلی است که در انسان راجع باینکه نباید از اقران پس ماند وجود دارد و اینک این میل سبب بوجود آمدن حالت روحیه دیگری که آن را تقلید میگویند شده .  
رقابت هم فضیلتی است که مثل عنزت نفس در وسط دو رذیلت جادارد و آن دو رذیلت یکی حسد و دیگری بی حسی است .

بعضی از فلاسفه حسد و رقابت هر دو را در تحت یک عنوان مطالعه کرده میگویند رقابت تا حدی مفید است که معطوف برای بلند بردن شخصی رقابت کننده باشد ولی همینکه رقابت ازین مجرما منحرف شده به ضرر دیگری منجر میشود پس مضر میباشد.

### رقابت در اطفال :

اگر به روحیات طفل مطالعه به عمل آید دیده میشود که اطفال در خوردترین مرحله حیات میل میکنند به هیچصورت از افراد و امائل خود پس نمانده در هر چیز فائق تر ازان ها باشدو مامیتوانیم این حالت روحیه طفل را در بازیها نیکه اطفال درین خود مینمایند مشاهده نمایم.

### تریه آن :

بهترین مربی در تریه طفل کسی است که تو اندر قابت اطفال را در راه مسروعی تربیه و نگذارد حس رقابت اطفال بعدی بلندرو دکه به حسد بر سد و یا باندازه تخفیف داده شود که به بی حسی منجر شود در تریه رقابت اگر تو انتیم متدرجاً این روح را در اطفال ترزیق نمایم که : «محاسن دنیا تمام شدنی نیست و اگر یکی به مرتبه رسید معنی آن این نیست که دیگری نمیتواند بدان مرتبه و اصل شود پس هر کس میتواند مطابق لیافت واستعداد خود مالک مقام و اموالی گردد لذا ناید هر ترته و ممال دیگری حسد برد» میتوانید اورا از حسد باز دارید و یا اگر موافق شدید اطفال را قانون نمایید که : «دنیا عرصه عمل و کار است و کسی میتواند معنا و ماده به مقصد خود و اصل شود که پیوسته کار کند» اطفال تان بی حس و بی غیرت و تنبیل و متنکی به غیر بار نمی آید.

برای تامین این مقصد و دمیدن یک روح رقابت مشروع در اطفال حکایه ها و افسانه هایی مطابق قوه فهم و درک ایشان با اطفال ایراد نماید و مخصوصاً برای هر مطلب از تواریخ و سیر قصص مردان بزرگ تاریخ بالا خص رجال بزرگ، را با ایشان بگوئید تا از همین اوائل حیات این روح درانها راسخ شود.

این است بعضی از مسائل مهم میلان های شخصی که بطور بسیار مختصر عرض شد و اینک در ذیل در اطراف میلان های اجتماعی صحبت میکیم :

### تمایلات اجتماعیه

## Lestenbancessociales

میلان های اجتماعیه میلان هاییست که متوجه به جامعه و افراد دیگر میباشد و این میلان ها دارای ماهیتی شبیه به ماهیت سوق طبیعی است. همان طوریکه افراد من حیث فردیت خودداری سوق

طبیعی فردی اند مملو جماعت بشری هم سوق های اجتماعی دارند و این سوق های اجتماعی مجموع سوق های فردی است که ماهیت اجتماعی کسب نموده است.

این سوق های طبیعی مشترک در جمیعتی پیدا می شود که درین آن جمیعت تساند و اشتراک مساعی و مماثلت (وحدت زبان، عرف، دین...) و اشتراک آمال و... موجود باشد یعنی به تمام مفهوم آن ملت نامیده شود.

این است که در ذیل انواع این میلان هارا با طريق تریه آن ها مینویسیم.

### ۱: - محبت:

عبارت از میلان دوستی دو طرف با هم دیگر بدون در نظر داشتن کدام منفعت مادی میباشد و این میلان اگر از طرفین به عنین سویه و اندازه رعایت شود رفتار فته به فدا کاری منجر میگردد و وصف بارز یکه این قبیل مناسبات دارد این است که یک دوست به مقابله دوست دیگر همیشه از مفاد شخصی خود میگذرد.

دوستی اکثر آ درین دو نفر یکه در تبعیت شرایط مماثلی زیست دارند بوجود میاید و هیچ کس نمی خواهد با کسی دوستی کند که با حیات و اوضاع او شاهتی نداشته باشد.

### محبت در اطفال:

میتوان گفت که در اطفال محبت به مفهوم حقیقی آن وجود ندارد و هیجانات اطفال در غیرین اینکه شدید میباشد دوام ندارد و از همین جهه است که محبت و دوستی بین اطفال به سهولت رونما و بسرعت ازین میروند اطلاع یکه امروز در اثر احتیاج بازی دوست جانی میباشند فردا در اثر جزئی ترین عاملی آن دوستی معصومانه شان به دشمنی و عداوت شدیدی مبدل میگردد و اکثر آ دوستی های صمیمی و قوی اطفال باین جمله «بعد ازین با تو گپ ندارم» مبدل به عداوت میگردد و هم دیگر را فراموش میکنند.

### تریه آن:

اطفال را تشییق نمایند تا بازی های جمیعی تشکیل و یک دسته یک طرف و دسته دیگر طرف مقابله واقع شده هر کدام آن ها برای بردن بازی به مفاد جمیعت خود سعی و مجاہدت بلینگی بنایند درین صورت روح صمیمیت و دوستی محکم بین افراد یک دسته بصورت مقابله بیدا شده حس دوستی و صمیمیت یا اتحاد و اشتراک مساعی در ایشان بیدار میگردد.

هیشه در حضور اطفال از مضرات تفاوت و بعض حرف زده محبت و صمیمیت را بستایند تا آن ها از ابتدای طفولیت در تحت اثر محسن صمیمیت و محبت فر ارگر فته از بعض وعده اوت و کینه محترز باشند.

## ۲ - عشق:

عشق یک شکل محبت است که دارای جنبه خواهش جنسی هم میباشد و چون عشق از قدیم ترین ادوار تاریخی توام با افراد و جمیعت های بشری بوده در اثر سوء تربیه بالا خره به اشتہای بهیمی منقلب ومصدر فاجعه های بزرگی شده است لذا از طرف مردمیون اهمال و درعین حال بدل تقی گردیده است درحالیکه عشق یکی از بهترین و مشمر ترین مظاهر روحی بشر است و باید بکمال اعتنا تحت نظارت و کنترول تربیه وی قرار داده شود.

اگر این غریبۀ انسانی که ما آن را عشق گفته بخوبی تربیه شده و از جنبه حیوانی تجرد کرده شود مصدر خوارق بزرگی میگردد مولانا روم با آن دهای فلسفی خود این حقیقت را از هم اولتر درک فرموده گفته است: « عاشقی ها کنیزی رنگی بود، عشق بذوق عاقبت ننگی بود ». اگر در تاریخ اسلام میخواهیم طارق با عزم آهنینی اسپانیه را فتح کرده و یا ناپلیون از نظاره حریق مسکو حظ میرد و یا امیرالبحر بیرد امریکائی پس از طی شدائند و زخمات زیاد بیرق امریکا را در دور ترین نقطه قطب شمال نصب کرده و معاجز عشق است و تمام آن ها عشق انسانی را به درجه انتها در خود تکامل داده بودند پس عشق بهترین و بزرگترین محرك انسان است و ازین جاست که باید عشق را در نهاد اولاد خود تربیه و تقویت نماید.

## عشق در اطفال:

عالی که از همه زیاده تر در اطراف عشق اطفال تحقیقات نموده دکتور فروید و یا نهائی است فروید منشأ عشق اطفال را در خواهش جنسیت طفل می یابد و مینگوید این خواهش در اطفال در تحت الشعور قرار گرفته و اگر درست تربیه شود به مجرای انسانی سوق داده شده از حالت بهیمی برآورده شود مصدر خوارقی می شود که انسان مجبور است در مقابل آن برانو درآید. بهترین طریق تربیه آن علاقه مند گردانیدن اطفال به بداع و فضائل عالیه مثل محبت به خداوند، حب جمال، حب حقیقت، حب علم و محبت با خلاق میباشد تا بین صورت طفل به خدا، بداعیح، حقیقت، علم و اخلاق علاقه و رابطه بینا گردد در گلستانی بد ستیاری آن مصدر اعمال بزرگی گردد.

## تمایلات عالیه

### Les tendances supérieures

این میلان ها انسان را به مقاهم عالیه و فوق البشري ربط داده علاقه و رابطه انسان را با مقاهم مذکوره تأمین مینماید از همین جهت است که آن ها را تمایلات مذکوره وی وغیر شخصی هم

میگویند و این میلان ها عبارت از محبت به خدا، حب جمال، حب حقیقت وغیره است که اینک درینجا در اطراف آنها بحث مینماییم:

چون این بحث یعنی قسمت تمایلات عالیه بهترین بحث علم النفس بوده تریه آن برای افراد مملکت مهم تراز سایر میلان های دیگر است لذا در اطراف هر کدامی از عنوانین فرعیه‌مد کوره بحث نسبتاً مفصلتری مینماییم:

### محبت به خداوند و حرمت به دین:

وفی انسان بسوی کائنات نگاه میکند و تمام اجزای مخلوقات را از کوچکترین حیوانات ذره بینی تا بزرگترین اجسام حیه از نظر میگذراند و به مطالعه کیفیت تکوین و نموی حیوانات وبالآخره محو و فنا آنها مشغول می‌شود مجبور است برای تمام این معلومات یک علت اصلی و بزرگتری که قادر به هرچیز باشد قائل شود زیرا: عقل و منطق در هرچیز علتی می‌پالد و تمام معلومات و مؤثرات را مولود علی و آثاری مینماید که همیشه راسخ و پایه دار است مثلاً اگر می‌بینیم که شعبی جنبته بنام ذی روح بدینیا عرض وجود میکند و متدرج رفته بزرگ‌نمایی شود و پس از بزرگ شدن میمیرد و محو میگردد مجبوریم علت‌این امر را پایلیم و چون در پی علت آن میبرائیم او لازم خود سوال میکنیم آیا میتوان چنین اشباح خلق کرده آن را بزرگ و بعد از آن افتاب نمود؟ مبرهن است که جواب این سوال را نمی‌داند به عذر و قصور خود اعتراف میکنیم پس وقتی به عذر و قصور خود معرف شدیم درک می‌نماییم که بلند تراز هرچیز موجودی است که تمام این قوانین ثابت و لا یقین به نیروی قدرت اوانجام داده می‌شود و این وجود باری است که منشأ کل و صانع و خالق تمام مخلوقات میباشد. چه بطوری که انسان نمیتواند این مجموعه مشاعر را بوجود و عدم اشنا کند دیگر قوای عیا و بی شعور طبیعت نیز نمیتواند مصدر اینقدر مشاعر شوند پس به بدایت خاطر می‌شود که منشاء مشاعل این مشاعر یک خورشید تابان وزنده است که خودش هم حیات وهم شعور وهم مصدر لایزال این مشاعرات تابان و خیزان و این ستاره گانزنده طالع و آفل است وقتی در اثر مطالعه مخلوقات باین نتیجه میرسیم طبعاً به واسطه انتظام و آهنگی که در کائنات ییداست و هر جزء آن برای جزء دیگری مفید بوده تمام آنها مورد استفاده انسان کاشر ف مخلوقات است میباشد متین می‌شویم که خداوند تعالی در خلق فرمودن و امتیاز انسان از مخلوقات دیگر بزرگترین احسانی به بشریت فرموده است در همین جاست که انسان رایک قوه باطنی وغیر محسوسی بسوی پرستش و محبت خداوند سوق میدهد.

این بحث بسیار شریف و در عین حال خیلی عمیق است و مقصد ماتریه اطفال است ازین جهت ماهم برویه اختصار درین مورد ممکنی و یقیناً میگوئیم:

اگر انسان بسوی ساختمان جسمی خود نظری افگینده و آنمه مزیت‌های را که هر عضوی از اعضای انسان دارا می‌باشد یک یک مورد مطالعه قرارداده بعد ازان یک نگاه عمومی بقواین فیزیو لوزی و اجهزه مختلف بدن خود بنماید حتی تمام آن‌هارا نمای خدا وندی پنداشته دیگر موردندارد که با آن مبدء کل وعلت‌العلل موجودات عشق و رابطه پیدا ننماید.

وقتی خداوند به انسان چنین مراحم و الطافی فرموده است انسان هم مجبور است بر علاوه محبت و رابطه که باو باید داشته باشد باوامر و نواهی او هم مطیع و منقاد گردد چون خداوند تعالی اوامر و نواهی خود را ذریعه انبیا علیهم السلام به بشریت تبلیغ نموده است پس تمام انبیا فرستاده‌گان او و کتب آن‌ها کتب منزله اوست لذا احکام، اوامر، نواهی کتب منزله واراده هریکی از یغمبران در حکم اوامر خداوندی است در همین جاست که یک تعبیر دیگری بیدان بر می‌اید و این تعبیر (دین) است.

دین بر علاوه اینکه رابطه ایست که آفریده را به آفریده‌گار و مخلوق را به خالق قریب مینماید برای زندگانی اجتماعی هم کمال لزوم و اهمیت را دارد زیرا نفوذ دین در اذهان بشر بدراجه‌قوی و باندازه دارای رسوخ است که هیچ قوه وجودی وجدانی و هیچ سلطه سیاسی بیایه آن رسیده نمیتواند زیرا بسامشود که انسان در یک گوشتهنهائی رفته و میخواهد (عیاذ بالله) بکدام عملی ناشایسته اقدام کند و به مرتبه اول که او این اقدام را مینماید و جدان او حتماً زیر تأثیر اراده غیر مشروع او رفته است و قوه سیاسی و عدلی و قضائی هم در آنجا موجود نیست که او را از عملش باز دارد پس چنیکه در اینجا کار میکند و تا حدی او را از عملش باز میدارد رسوخ دین و ترس از خداست مثلاً اگر قوه حاکمه دین مانع نشو د چون اتوریته های سیاسی نمی توانند در هر گوشه و کنار نفوذ کند پس اشخاص قسی القلب نوی عفت از هیچگونه تجاوز عملی و معنوی درین نمیکنند اگر میگویند که رحم و عطف و صدها فضائل دیگر در انسان‌های دارای تمدن اخلاقی به نسبت انسان‌های صاحب مدبیت مادی زیاد است دلیل آن این است که در دسته اول دین حاکم مشاعر و احساسات بوده عقل، اراده و برهان آن‌ها همیشه در زیر امر و اراده دین واقع است چه اگر کدام حادثه در بین انسان‌های اول الذکر رو میدهد علت آنرا بدین ارجاع کرده میگویند فلاں حادثه سوء در بین فلاں قوم بعلتی رو داد که آن‌ها در امور دینی مسامحه کار بودند و چون نذر گرفتند آن فلاکت و ادب‌بار رفع گردیده ولی اگر شیوه همین واقعه در حیات انسان‌ها دسته دوم رودهد آن را به سلاسل منطقی (علت و نتیجه یا به تعبیر اروپائیها : دده تر مینیزم) (ایجا یه) ارجاع کرده - هیچگونه تاثیر مافوق الطیعی (مه تافریک) را بران فائل نمی گردند مسلم است که این قبیل مردم به نسبت انسان‌هایکه تمام عوامل را بر طبق مقررات دینی تعبیر میکنند قسی القلب،

در نده تر و سباع اندجه تاریخ گواهی میدهد که توافقی انسان‌های امروزه زیادتر پابند بدهین بودند کمتر سبیت میکردند مثلاً وقتی صلاح الدین ایوبی برگره صلیبوون غائب شد امر کرد به افسکار و عقیده و اعمال آن‌ها تجاوز نشده اسرای محروم آنها در بیمارستان‌های اسلامی تداوی گردند ولی امروز وقتی انسان‌های مدنی برملکت دیگری استیلا میکنند حرص و آزمادی بدروجۀ عواطف انسانیت را از ایشان میزداید که از هیچ‌گونه سبیت درینع نیکنند اوضاع کارگر های معا دن ذغال سنگ وغیره در اکثر مالک که خود را متمدن می‌نمد دلیلی بر رگی است برای این ادعا.

رویهم رفته محبت به خداوند و حرمت بدین بهترین چاره و برگترین دوائی است برای ازاله مفاسد و شروریکه مقررات سخیف موضوعی بشریت به منصه ظهور میگذارد پس یک انسان بهر اندازه که پیشتر محبت خداوند را در دل داشته و در محضر دین حرمت کار باشد بهمان اندازه بوظائف اخلاقی خود عمل نموده به فضیلت عالیه منصف میگردد.

### تریه آن :

در تریه دینی از حس تجسس اطفال باید استفاده کرد زیرا اطفال فطرة متتجسس‌اند و میل دارند ماهیت هر چیز را بدانند و به حقیقت اشنا و اصل گردند ازین جهه همینکه ایشان نوبه گپ میایند یوسته میپرسند این چیست و آن چیست؟ در همینجا هر چیز را بآنها صوری نشان بد هید که ایشان بفهمند بدون اراده خداوند برگ از درخت جدا شدنی نیست و نیز تمام پیش آمد های خوب و بدرا نتیجه اعمال خود شان نشان داده آنها را باین عقیده راسخ نمایید که باید کارهای خوب کرد تااز عدالت خداوندی جزای نیک دید. اینک باین صورت متمایل به خداوند و پابند دین و مطیع اوامر دینی میگردد.

### حب جمال :

انسان فطرة آفرینش جمال است و دائمآ خواهان است تااز مناظر عظیمه که طبیعت آن را در مقابل چشم انسان عرضه میدارد متنه دشود چه انسان وقتی در برابر چیزی قرار میگیرد که آن چیزی یا از جنبه تناسب و آهنگ و یا از نقطه عظمت و بزرگی دارای حسن و زیبایی میباشد طبعاً هیجانی در وجود او تولید و ازان متنفذ میگردد اینک علمای نفس و فلاسفه این احساس را تهییج بدیعی که مولود حیرت و مفتونیت میباشد نام میگذارند و این هیجانات اطبیه بد رجه چاذب و جالب است که حتی انسانها همکه تاهنوز از پرتو معارف سهم ندارند هم مفتون آن میگرددند چه داروین اثبات نموده که حس بدیع از تمام حسیات و امیال دیگر در نزد انسانها مقدم تر میباشد و همین است که همین حس بدیع و محبت بجمال مولود صنایع نقیسه گردیده است،

چون منشأ این احساس کائنات است ازینجهة مفتوحیت انسانرا در برابر کائنات و فضیلتی را که ازین راه وارد انسان میشود ذیلا مورد بحث قرار میدهیم :

انسان در آغوش طبیعت زندگانی دارد و بذریعه فکر دقیق و بالغوز خود دائمآ طبیعت را استجواب می نماید و به کشف اسرار نهفته آن بالمره موقیت حاصل میکند؛ عظمت و نفاست طبیعت بدروج انسان را فریفته جمال خود مینماید که از هیچگونه مصنوعات بشری نمی توان این حظ ولذت را حاصل کرد :

از جمله تمام مخلوقاتیکه هیئت عمومیه کائنات را تشکیل میدهند تنها انسان است که دارای قوه عقلیه بوده بذریعه آن میتواند تا اندازه که در اقتدار بشری داخل است حکمت طبیعت را کشف نماید .

فائده دیگری که مطالعه و ملاحظه در اوضاع کائنات دارد این است که انسان میتواند بذریعه آن موقع و مقام بشریت را در قطار سائر اجزای کائنات تعیین ننماید چه وقوتاً انسان تمام آنها را با انسان مقایسه میکند بعضًا مقام انسانیت را به نسبت مقام آنها بسیار عالی و بعضًا بسیار حقیر می بیند زیرا انسان یک فصیله ایست از حیوانات سائر و در قطار حیوانات هم از اکثری ازانها جسمًا ضعیف میباشد و علاوه‌تا عمر انسان در برابر عمر بعضی از حیوانات مخصوصاً اکثری از اشجار بدروج قلیل و ناقیز است که میتوان از روی عمر یک درخت را با چندین نسل انسان معاصر یافت پس نتیجه این مطالعات این است که چون انسان خود را در برابر اشیای فوق الذکر بسیار حقیر می بیند لهذا حس غرور و تکبر او مبدل به تواضع و فروتنی میشود و انسان خود بخود میگوید : غرور درین عمر چند روزه که به متنهای ضعف و ناتوانی توأم است جز حماقت شمری ندارد .

از طرف دیگر در صورتیکه مقتدر به فهم کائنات و ملاحظه جمال آن و دریافت قوانین مذکور بوده میتوانیم در اطراف منشاء و معاد کافه محسوسات خود فکر و تعمق نمائیم دران صورت مقام ما درین کائنات بسیار عالی و بلند است اینک ازین جهت انسانها بین عمر چند روزه خود اهیت بزرگی قائل میشوند .

اگر حسیات کاملاً تابع اراده بشریه می بود و افکار بدیع و شاعرانه نتیجه تحصیل و تربیه نمی بود بدون تردد گفته می شد که تماس نمودن طبیعت و متنهای حرمت و اعتنا و متحسن شدن از آن فواره بدیع برای هر کس یک وظیفه است .

این تجلیات عظامی اجسام جامده و قوای طبیعیه یعنی نظاره دشت های زم زدین ، مزرعه سر سبز فلک و سخره های عظیمه کوهی و تراکم فوق العاده طبقات ضخیم برف در شواهد و دره ها و دور نهایی وسیع و نورانی ابحار تمامًا عواملی است که رفت طبع ، عطوفت قلب ، صفوت روح ، حسیات اخلاقیه ، عظمت خداوندی و صدھا فضائل دیگر را در بیننده بیدار میکند

پس شخصیکه از تقدیر و فهم این جمال بی مثال واين بداعی قدرتی در اثر ابراز عدم اهلیت خود باز مینماید و عاجز میشود اخلاقاً خودرا در ورطه پست تنزل میدهد زیرا این نظام محتمله به تمام این حواضط طبیعی علویتی اعطاء وطیعت از هرجه به یك آنگهی جلوه میکند که اثر علم و قدرت خداوند است؛ پس افسوس بحال کسانی که ازین صحرای با آب و تاب ولی عاری از سراب و ازین باده حقیقت جرمه نیاشامیده و به نهان او محظوظ نمیگردند زیرا این کائناتیکه از هرسو مارا احاطه کرده و در حقیقت هرجز، آن مضرعی است از صنعت غرای خداوندی اگر خوب مطالعه کرده شود چنان حیرت شگفت انگیزی را در روح انسان تولید میکند که مجبور است در برابر عظمت و کبریائی خداوند رکوع کند.

آیا کدام قلب باعطفه وجود حساسی دارد که در دامنه های کوه یا سواحل رودخانهها و آبشاهراهایکه به قدرت خدا رنگ آمیزی شده و دریشهای ملو از اشجار وحشی و خود رو در جوار سر اتم و در زیر آسمان نیلگون نشسته از طراوت هوای صحبتگاهی و نزاهت شب های لطیف و نظاره اشعار طبیعی محظوظ و ملتزد نگردد؟ آیا برای انسان ازینکه خود را دائماً باین طور نفایس طبیعی هم آغوش احساس میکند و از بداعی محسوسات اظهار تلذذ مینماید کدام رفت و هیجان صمیمی تری وجود دارد؟ این است که طبیعت در اثر همین گونه عوامل جذاب و دل ربای خود دائماً انسان را بسوی حقائق اخلاقیه رهمنوی میکند.

خلاصه فطرت بهترین وسیله ایست برای تربیه احساسات و عواطف وی بردن به عظمت شان خداوندی و دانایی به قوانین متین و معقولیکه در کائنات وجود داردولی مع الاسف طوریکه گفته شد همه کس نمی تواند ازین کتاب عظیم که «هرورقش دفتری است معرفت کردگار» چنانچه شاید استفاده نماید ازین جهه میتوان تنها همان اشخاصی را لائق مقام دارائی فضیلت این امر پنداشت که کما حقه، کائنات را مطالعه و ازان دفتر تکوین که «هر نقش از کتاب الدنیا نشانه ایست» مطالب مفیده را بیرون آرد زیرا این ها مبادی درک خیر مطلق و منشأ علم و حقیقت و جمال اند.

یکی از علمای معاصر میگوید طبیعت بهترین کتابی است که باید هر کس آنرا مطالعه نماید وی افسوس که اکثری از مردم به مطالعه کتب مؤلفه بشری پرداخته ساعتی به مطالعه این کتاب عظیم خداوندی مشغول نمی شوند، و نیز شخصی از دکارت فیلسوف بزرگ قرن (۱۶-۱۷) فرانسه مؤسس فلسفه (شبہ) پرسید که درین روزها چه مشغولیت دارید؟ کتابخانه شماردر کجا است؟ آیا میتوان به معاینه آن موفق شد؟ دکارت دست آن شخص را گرفته در کلیه ویرانه بر دو جسد یکی از حیوانات را کناتزه پوست کنده مشغول تشریع آن بود با وشنان داده گفت این کلبه که غیر از گل و خشت ریخته بر هم دیگر چیزی ندارد کتابخانه من و این جسد مزبور کتاب من و مطالعه که

بالای آن می نمایم مشغولیت من است من این کتاب را بسیار قدر میکنم و تا وقتی به مطالعه آن دست دارم از مطالعه کنیکه امثال مانو شته اندی نیازم» هر کس فطرهً متمایل به حق و حقیقت است چه اگر احیاناً در مقابل چیزی واقع شویم که آن چیز ماهیتاً در نزد ما مشکوک باشد برای درک حقیقت آن آرزو و هوسری در خود احساس میکنیم واژین سبب دربی درک حقیقت آن میباشیم و اگر در اثر مساعی مجھو لیت آن را فرع تو انتیم یک نوع مسرت و خوش حالی در خود احساس مینمایم.

به بینید اطفال را کدر کوچک ترین سن دائم از اولیای خود سوال میکنند و میخواهند ( حقیقت هر چیز را ) فهمند، انسان حقیقت را برای حقیقت جستجو میکند نه برای استفاده زیرا همینکه انسان در اثر مساعی خود درک حقیقت چیزی و اصل شد وجود او آرام و مطمئن میگردد همین است فائدۀ حقیقت جوئی برای انسان .

### تمایل بدیعی در اطفال :

اطفال فطره میلان بدیعی دارند و جون انسان هم جزئی از طبیعت است اذاما نظر بدیع وبصورت زیبا و با آهنگ و اشایی اذین و ... سامعه و با صرمه و ... آن هارا نوازش میکند و این میلان مطابق تحقیقات علمای علم النفس در مراحل مختلف عمر در اطفال بیدار می شود مثلاً میگویند آواز های خوش و دلکش یا به تعبیر معتقد هو سیقی قبل از سن اطفال را محظوظ مینماید والوان و مناظر زیاد متأخر تر یعنی در سنین ده و مابعد آن با اطفال حظمنی نخشد .

### تریله آن :

باید غاییه تربیه بدیعی بیشتر از بینکه خواسته شود اطفال را صنعت کار تربیه نمود اطفال را مطابق با غاییه و نصب العین جامعه تربیه کرد واژین جهه باید اولاً احساسات ضل را تنشیه نموده سعی کرد احساسات شان را قیق و دقیق گردد .

اطفال را از کشافت و چتلی بازداشته ایشان را به ستره گی عادت بدھید و معنی و مفہوم انتظام و آهنگ را دائم ایشان تلقین و آنها را متمایل به نظام نمائید .

همیشه اطفال را به تماشای مناظر طبیعی و اداشته حب جمال را در انها بیدار کنید و اطفال را همیشه و ادار بخواندن ایات و اشعار متفقی و مسجع و ادارید تا باین صورت نظام و آهنگ را در کلام درک نموده با آن متعاد و متمایل گردد .

اینها و امثال اینها هم وسائلی است که میتوانند حسیات بدیعی اطفال را تحریک و ایشان را متمایل به جمال بناید .

### محبت به علم :

در فوق گفتیم که یکی از فضائل عالیه محبت به علم است اینکه درینجا که از بحث در اطراف

موضوعات متعلقه فارغ شویم عنوان فوق را مورد مطالعه قرار میدهیم :

انسان ها در ماحل اولیه حیات دارای هیچگونه صنایع عالی نبوده مسکن ایشان معازه ها و لباس شان پوست حیوانات بوده است و همان طوریکه میگویند « توانا بود هر که دانابو د چون از علم و عرفان بکلی بی بهره بودند لهذا بكمال ضعف و عجز زندگانی نبوده از صدای های مهیب رد و ظلمت های تیره شب و حتى از آب های گل آلود و غرنده وبالاخره از هر گونه تظاهرات طبیعت همیشه خوف و هراسان بودند تاینکه رفتہ تکر در تظاهرات مذکور یک نوع تجربه و وزنگی در انسان ها تولیدورفتہ رفتہ آن تجربه وور زندگی نوعی از علم و دانایی را درین توده عوام رواج داد و چون این علم دارای قوانین منظمه و مسلمی نبوده محتاج به تحصیل نیست و در حقیقی زندگانی و تماس با تجارب دیگر ان حاصل می شود لهذا آن را (علم عامیانه) یا (فرهنگ عوام) نام میگذارند.

بعد ازانکه انسان ها قدری متعدن تر شدند و تجارب عامیانه خود هارا کم کم داخل قو اینین و دستاير علمی کردند موفق شدند تاینکه علوم و معارف را برروی کار آورده در رفع حوانی خودها ازان استفاده علمی نمایند اینک بعد ازین بشریت بر علاوه همان علوم الهی و دینی که در اثر تعلیمات انبیا علیهم السلام واستنباط از کتب منزله سماوی روزی کار آمده بود دارای علوم دیگری که علوم مدونه یا تجربی میباشد و بواسطه وضع قوانین علمی و تجربه واستقرار بوجود آمد گردیدند هردو دسته از علوم فوق الذکر تاثیرات مهمی در اخلاق دارد چه موثرات دسته اول همان بود که در بیث محبت و حرمت بدین شرح داده شد اما علوم دسته دوم که عبارت از علوم مدونه و تجربی باشد هم اگر مورد سوء استفاده قرارداده نشود اخلاقاً اهمیت بزرگی دارد چه نقص در علوم عصری نیست و آنچه نواقصی سرمیزند از طرز استفاده ازان است .

برگترین اهمیتیکه علوم مدونه دارد ، این است که دارای حقیقتی است آفاقی و عالم شمول وغیر شخصی و دائمی طرف ولا غرض میباشد زیرا هیچکس نمیتواند حقائق علمی را برای منفعت و هوس خود تغیر بدهد و یک انسان عالم وقتی به کشف یکی از قوانین علمی موفق میشو د نمیتواند آن قانون و حقیقت را مانند فکر خصوصی خود نشر بدهد بلکه مجبور است تا بگو ید (حقیقت علمی چنین است) مثلاً وقتی عالمی قانون جاذبه را کشف کرده و با معلوم شد که در تحت تاثیر جاذبه ارض تمام اجسام حتماً بسوی زمین میلان دارد اعلام کرد که حقیقت علمی در قانون جاذبه این است که همیشه اجسام همیشه بسوی زمین سقوط میکند ولی نگفت که فکر من یا رای من این است که در تحت تاثیر جاذبه اجسام همیشه بسوی زمین سقوط میکند و اگر چنین میگفت چون فکر رای او قانون عمومی و نظام عالم شمول و آفاقی نبوده و نمیتواند نمایندگی از افکار عالمه بشر بنماید لهذا اهمیتی داشت ونه حقیقت رو به مرفتہ یک علم وقتی تا سیس میشود و در

زمرة علوم مثبته و مدونه داخل میگردد که حقائق علمی آن مربوط به ذهن و فکر و عقيدة اشخاص نبوده مستند به حوادث و واقعات خارجی باشد یعنی يك علم و قتنی تدوین گردیده دارای قانون می شود که در تحت اصول تعاقب و سلسل تثیت گردیده باشد مثلاً اگر بخواهیم معلوم کنیم که آیا اقتصاد میتواند علم مستقی باشد رجوع میکنیم به حوادث اقتصادی و می بینیم که آیا میتوان حوادث مذکور را در تحت اصول علم و تتجه یا اثر و مؤثر دارای تناسبی باهم دیگر یافت .

اگر در نتیجه این تحقیق بما معلوم میشد که درین حوادث اقتصادی نسبتی موجود است و میتوان بذریعه آن قانونی درین زمینه اقا مه کرد حکم میکنیم که اقتصاد میتواند علم مستقی شمرده شود خوب است درین زمینه برای وضاحت مطلب مثلی بزنیم .

علمای اقتصاد در زمرة فوانین دیگر یکه در علم اقتصاد و جود دارد قانون عرضه و تقاضا را هم دلیل استقلال علم اقتصاد پنداشته آن اهمیت بزرگی می‌دهند مثلاً میگویند :

«فرض کنید سالی حاصلات گندم فراوان بوده و عده نفوس محلیکه هرساله از همان حاصلات تغذیه میکنند زیادت نذکرده معادل نفوس سال های گذشته بود درین وقت چون تقاضای گندم زیادت نکرده و بالعكس عرضه آن زیاد شده است قیمت گندم تنزل میکند و اگر بالعكس عده نفوس همان محل دفعه از زیادت کرد و در حاصلات گندم آن زیادتی وارد نشدن قیمت گندم فجایت ابلند میرود و این خودیک قانون عمومی است که در برابر آن کابل، فندهار و یا قرن (۲۰) و قرن (۲۱) و یا غنی و فقیر هم یکسان است »

وقتی انسان باین فوانین منظمی که در علوم وجود دارد نگاه میکند و می بیند که علل معلومه همیشه منشأ نتایج معلومی میباشد حتماً يك حس اعتماد آمیخته با حرمت نسبت به علوم در انسان تولید می شود و متأسفاً این حس در همه یکسان نبوده مربوط به سویه عرفانی و درجه معلومات اشخاص میباشد مثلاً شخصیتکه از مبادی علوم اطلاع داشته و معلومات لا زمه را فرا گرفته باشد خوبتر میتواند حرمت علم را بجا آورد ولی شخصیتکه از مبادی علوم اطلاع ندارد و آنچه لازم درک کردن اهمیت علم و فوانین مذکور باشد نمی داند گذشته از یکه هیچ وقت نمی تواند اظهار اعتماد به علم کند ، علم را يك نوع سحر و احیاناً وسیله فربی مردم میشما رند در حالیکه چنین نیست و علم همیشه و در هر مقام برای بشریت مفید است و چون مفید است لهذا اشخاصیتکه زاویه های دماغ ایشان بنور علم منور شده و بدستیاری آن مشعل فر و زان پرده های اوهام و خرافات را دریده ظلمت جهل را مبدل به علم کرده اند همیشه در مقابل علم حرمت کار میباشد و چون علم مولود افکار عالی رجال بزرگ و قابل قدر بوده جهته رفاه بشریت بکار برده میشود لهذا حرمت به علم ایقای وظیفه بزرگ بشری و ازین جهت در زمرة فضائل عالیه شمرده می شود .

تحصیل علم را تمام ادیان مخصوصاً دین مقدس اسلام از جمله فرائض میداند چنانچه یکی از کلانترین تعلیمات اسلامی درباره علم هدایتی است باین نهنج «طلب العلم فریضته علی کل مسلم و مسلمته»

وقتی انسان می بیند که یکی از بشر دوستان در راه علم خود را فدا کردویا می شنود که فلاں آدم بچنان عمل بزرگی اقدام نموده است که در صدد خطر مرگ دارد جای تعجب نیست زیرا رسوخ محبت و عشق به علم در اذهان آن هابدرجه شدید است که اینگونه خطرات دربرابر آن خورد و کوچک میباشد پس بدون شبهه فضیلتی که در حرمت و محبت به علم وجود دارد بیشتر در وجود این اشخاص تجلی نموده است.

با تمام این احوال باید گفت که متأسفانه علم با آن همه اهمیتیکه دارد معهدا در عصر حاضر بدناام است و میگویند (علم به بشریت صاغه مرگ میارگ میارگ پس ازین علم مخرب جهل بهتر است) اگر چه دراول وله این ادعا تاحدی محق به نظر میخورد اما اگر خوب غور کرده شود میتوان فهمید که همان طوریکه دخول فلسفه مادی در فلسفه فلسفه را از عصمت اوایله اش عاری نمود همچنان دخول تکنیک در علم و یا به عباره دیگر تطبیقاتیکه در علم نمودند علم را مخرب : مستأصل کننده بنیان انسانیت نشان داد پس باید حرمت کار بوده و آنچه لازم خورده گیری و نفرین است به مقاصد سوء فن انجام داد زیرا علم انسان مقتدر و فن مخرب و مضر جلوه داد.

### میل علم در اطفال :

میل تجسس و علم را در اطفال میتوان به سه صفحه تعریق نمود مثلاً حیرت و تعجب ، استفهام مستند به حرکات واستفهام واضح .

دراوقات اویله عمر اطفال وقتی دربرابر چیزیکه آن را در عمر خود ندیده باشند بر میخورند برای فهمیدن ماهیت و حقیقت اشیا به حیرت و تعجب میافتد یعنی در وقت مواجه با چیز جدید اگر به سیمای ایشان دقت کرده شود آثار حیرت و استعجاب در چهره آن هادیده میشود میکنند بفهمند ماهیت آن شی چیست و این میل را اولاً بذریعه اعضا و حرکات افاده میکنند و سپس در اثر قدرت تکلم آن را زبانی می پرسند گویا اطفال از ابتدای طفویلت مائل به فهمیدن و دانستن است و این احتیاج فهم و دانش یگانه مبداء علم و تجسس او در آینده می شود و باقین میدهد که علم یک از حواej او لیه بشر است .

### تربیه آن :

حسن تجسس اطفال را اولاً تحریک و بعد از آن تطمین نمائید و سعی کنید این حسن آن ها به غاییه

های مفید و معنی توجیه گردد و کوشش کنید اطفال معتقد شوند تا حقیقت را من حيث حقیقت درک کنند و با آن میل بیندا نمایند.

تامیتوانید محبت ارباب علم و فن رادر طفل تولید نمایید و آن ها بفهمانید که آن مردان صرف برای درک حقیقت بین کارهای بزرگ دست زده و ازان ها انتظار منفعت مادی نداشته اند.

### تمایل اخلاقی :

یکی از میلان های عالیه انسان تمایل اخلاقی است به عقیده ریبو حس اخلاقی عبارت از شعور واضح و یا مبهمی مبنی بر اصرار یا نهی بر عملی است و این حس با انسان را به ارتکاب عملی و میدارد و یا اورا از ارتکاب آن مانع می شود و این حس مثل سائر سوق الطبیعی های انسانی یک غریزه سوق الطبیعی است.

بعضی از علماء منشاء این میلان اخلاقی را در وجود انسان میدانند و میگویند وجود انسان محکمه غیرقابل سهوی است که انسان را به خیر یا شر اعمالش دان و بینا ساخته اورا از ارتکاب اعمال بد بازمیدارد و باجرای اعمال خوب و ادار میسازد امثال تقلیقات امر و وزرة علم النفس از وجود چنین یک مبدأ، ماورای طبیعی انکار نمینماید و میگویند. حس اخلاقی محصول تمام قابلیت ها و استعداد های ذهنی و حسی میباشد و اینک جموع همین استعداد ها است که استقامت میلان های اخلاقی انسان را تعین مینماید.

علمای اجتماعی برخلاف علمای روحیات که منشأ اخلاق رادر استعداد های ذهنی و اخلاقی انسان می بینند اخلاق رادر تحت تاثیر عوامل اجتماعية که فرد در آن اجتماع زیست دارد می یابند.

### میلان اخلاقی در اطفال :

علماییکه در زمینه روحیات معتقد و راثت اند میگویند: اطفال حس اخلاقی ، عدالت و صداقت را از ابا و اجداد خود بوراثت با خود دارند و همینکه در دنیا میباشد این استعداد ها توأم با آن ها است.

### قریبیه آن :

اوپاع و حرکات و طرز زندگانی و مناسبات افراد یک عائمه درین هم دیگر تاثیرات بارزی بر حس اخلاقی اطفال دارد و باید پدران و ما دران ملتفت باشند که در حضور اطفال خود مصدر اعمال مخالف اخلاق نگردد و الا در اثر تقلید اطفال شان هم عیناً همان اعمال را تقلید مینمایند و رفتہ رفتہ جزء اخلاق آن ها می شود.

در اطفال حس وظیفه و مسئولیت را بیدار کنید و بایشان در اثر تلقین این افکار را تر زیق نمایند و سعی کنید اطفال به اخلاق حسن معتقد شوند مثلا در باره عزت نفس ، معاونت به دیگران ، فدا کناری در راه رضای اهل خانه و دوستان اصرار نمایند که ملکه آن ها گردد.

ورزش کاران افغانی در

نمایش سپورت جشن استقلال



مفهوم وطن ، جامعه ، دولت و ملت و حقوق آن ها را به اطفال بداناند، تامینه جا این افکار دران ها رسوخ نموده در کلانی مردان فدا کار ، خدمت گزار ، دارای حسن نیت گردند . این بود مختصر ترین مطالعاتیکه میتوان در بخش دوچ عوامل روحی انسان ( حیات حسی ) نمود و امیدواریم این سطور ناقیز بتواند مأمولی را که ما ازان انتظار میبریم برآرد .

مأخذ :

- ۱ : - دروس روحیات مؤله ا ، رابو
- ۲ : - روحیات حسیات « ریبو
- ۳ : - روحیات اطفال « بای ابراهیم علاء الدین
- ۴ : - فضیلت نگارنده
- ۵ : - روحیات مصطفی شکیب  
و بعضی یادداشت ها و محفوظات دیگر نگارنده



# منزایی بدیعی پشتو

( مدخل )

عبدالرؤف «پینوا» دصحافت دخانگی معاون :

طبیعتست که هر طبقه از افراد انسان بازاد و بوم خویش حب فطری و عشق روحی دارند و همین عشق انسان را طبعاً مجبور نموده تادر بهبودی زاد و بوم خود بکوشد .

و هر آنچه اسباب سرسازی و باعث آبادی وطن باشد فراهم کرده و بالمقابل از برآبادی و تنزل محفوظ سازد . بدیهی است که بهترین وسیله ترقی و تعالی و بیداری یک ملت و تقویه شئون ملی منوط بلسان آن محیط است . بهراندازه کذبان یک قوم پرورش و توسعه یافته همانقدر روحیات شان به پایه قوت رسیده و پر غرور ملی آنها افروده شده است .

خیلی خوش بختیم - خورشید زبان ملی ما که چندی قبل در سحاب عدم توجه پنهان بود امروز در اثر توجه پادشاه پیشتون و جوان بخت ما برافق (پیشتونخوا) طلوع کرده وطن عزیز را منور و روشن ساخته است . واژه طرف دلاختگان (پیشتو) مشغول خدمت اند و فضای وطن عزیز به انوار این خورشید، تابان و هر روزه روشن تر میشود .

خو شختانه زبان ملی ما با آنکه از هر طرف سالها و فرنها فشار روح فر سای را دیده و ستمهای دست خویش ویگانه را کشیده باز هم معنویت و وسعت علمی را از دست نداده . بلکه در گروه وسیع ترین زبانها بشمار میرود .

بلی :- ذخایر و خزان علمی زبان ملی ما تاهنوز مکشوف نگردیده، و در شهو ارش درسینه های افراد کوهنشین که آنرا به پیشتو (سپهشلی بختانه) می نامند مدفون است ، ولی ذخایر و نفایس موجوده بما اطمینان میدهد که این زبان تماماً مستعد و از حیث ادب خیلی بلند و دلچسپ است . در اینجا میخواهیم شمه ازان ذخایر که عبارت است از (منزایی بدیعی پینتو) بطور اختصار با امثال آن بحضور قارئین عرض و تقدیم نمائیم . البته بادیگر زبانها مقایسه خواهند فرمود . یاداشتهای که درین مقاله در بدیع ویان زبان ملی فراهم نموده ام ، یک قسمت آن که صنایع لفظیست در این سالنامه نشر میشود ، و قسمت معنوی آنرا در سال آینده تقدیم خواهم نمود .

## اعتذار

قارئین محترم از محدود بودن مقالات سالنامه واقف آند . لذا از تعریف منصل و شرح طویل صرف نظر نموده فقط تعریف صنعت بطور کوتاه با امثال آن ذکر خواهم کرد .

## شروع به مقصد

### صنایع لفظی :

لف و نشر - ترصیع - المشجر - المربع - اسجاع - تعجیسات - اشتقاد - مقلوب - تضمن -  
تضمن المزدوج - اعنتات یا زروم ملا یلرم - حذف - رقطا - خیفا - قافیه - ذوالقافیین - ذوالقافیتین  
مع الحاجب - ذولسانین - رد العجز علی الصدر - رد المطلع - الملمع - تکرار قافیه - غیر منقوط - منقوط -  
موصل - مقطوع - عکس - المسمط - یک صنعت جدید الابداع .

## لف و نشر مرتب

این صنعتیست که گوینده چند افظعه ترتیب آورده و بعد تغییر آنها را به همان ترتیب ذکر کند ،  
متلاً حنان گفته :

داخله یارداخه حنان داخله اغیاردی	شمس الدین راست :
ورخی دی کمان زلپی رسی سپاهی کاکل	یو کاندی ویشتل بل بندول دریم نتل کا

## ترصیع

چنانست که شاعر کلام خود را حصه حصه کرده ، هر لفظی را برابر لفظی ذکر نماید که در وزن و حروف روی متفق باشد چنانچه رحمان بابا میفرماید :

به حالت ، دعا شقا نو ، نظر ، بویه	په زیارت ، دشهیدانو ، گذر بویه
خوشحال خان فرموده :	

خودی ، دولت شته ، هو نبره ، عزت شته	گل محمد گوید :-
ستا ، جفا ، تروفا ، نه ده بی حاصله	

زما زرا ، تر خندا ، نه ده بی حاصله	
------------------------------------	--

المشجر

این صنعت جزو توسعه است که شاعر غزلی را بسر آید که در نوشتن به شکل درخت ماند، مثلاً شمس الدین راست :

المرجع

این هم از اقسام تو شیح شمرده‌هی شود که یک ربانی را بر چهار حصه تقسیم نموده بدین طور که هم

افقی وهم عمودی خوانده شود ، مثلاً عبدالقادر خان گفته :

دیار	له غمه	په زدہ	افگاریم
له غمه	خهوايم	دردمن يم	خواريم
به زدہ	دردمن يم	هر گور	بیماریم
خواريم	بیماریم	زاريم	افگاري

## اسجاع

اسجاع سه قسم است :- متوازی - مطراف - متوازن

متوازی :- چنانست که در آخر دومصرع کلماتی آورده شود که بوزن عدد حروف و روی متفق باشدند مثلاً عبدالقادر خان میگوید :

بدیم دانه وا يم چه زه بناغلی يم

مر گمی قبول دی شول دی نهوى

شمس الدین راست :-

پر خا طرمی دیار مینه شوه غالبه عقل و هوښ زماله سره شوه غا یبه

مطراف :- چنانست که در آخر دومصرع کلماتی آورده شود که به حروف روی متفق ، اما به وزن عدد حروف مختلف مثلاً رحمان با پا فرماید :

خبر نه يم چه ئې راوستم له کو مه بیا می کومی خواته استوی چه درومه

عبدالقادر خان گفته :-

ادب په تله کښ دی ادب په نامسته کښ دی هم په ولاړه کښ دی ادب په نامسته کښ دی

متوازن :- آنست کدر دومصرع چنین کلماتی ذکر شود که هر یک نظیر خویش را به وزن موافق باشد ، مگر بحروف روی مختلف ، مثلاش عبدالقادر خان گفته :

بنديبي ، يه تاري ، ددووز لفنيو مست يې ، يه جام يم ، ددوو عينېنو

خوشحال خان راست :-

نه ننګک نه شرم نه حمیت شته انه مهر مینه نه محبت شته

## التجنيسات

تجنيس هفت قسم است :- تمام - ناقص - زايد - مرکب - مکبر - مطراف - خططي

تام :

تجنیس نام صنعتیست که در شعر یا اثر دو کلمه ذکر شود که در صورت هیچ تفاوت باهم نداشته باشد، مگر هر یکی ازان دارای معنی جدا گانه باشد، این تجنیس در ( پنتو ) بالکل کثیر الاستعمال است، حتی در ضرب الامثال نیز موجود است، چنانچه گفته می شود: « خواری کری هفه مینجی چه دمینجی کالی مینجی » در ادبیات مثلاً عبدالقدیر خان گوید!

نایوه به واپی مینه آسانه ده      چه مینه کاندی مینه بی ورانه ده

احمدشاه بابا فرموده :-

ستا پر محظ گوره اور بل دی      کو گل دی

پیر محمد راست :-

فرات پماخوری دزدگی وینی      اشتای می نسته الله می وینی

حنان یک غزل را در این صنعت سروده که چند بیت آن اینست:

چه ما ولیده دیار چین د جین  
په هرجین کبین دجین ئی هزار چین  
دجین په چین ئی زیرونہ والد چین کره  
واپی خیست په دغه چین له چینه چین  
په داچین کوی دچین دمشکو چین

گل محمد هامندي نیز یک غزل درین تجنیس گفته که چند بیت آن ذیلاً نگاشته می شود:-  
تورد تو رو ستر گو خدای را باندی پور کر  
چه ئی تور دتو رو ز لنو پر ما خوز کر  
سپوره خوله به په میدان کبین سپوره پروتوم  
شکر خدای لره چه سپور می سپور کر  
نور به نور نکره خاطر ز ما بسی تانه  
لور له لوره اند پشنی را باندی را غلی  
چه دی لور دور عیو کوب زما پر لور کر  
تور له توره چه دی نه کر گل محمده!

اوسله دپره ملاقاته دی زیده تور کر

هچنان عبدالقدیر خان یک نصیحت نامه مفصلی را در حدود هزار بیت در صنعت تجنیس سروده، که درینجا بسبب صیق صفحات از آوردن آن صرف نظر شد.

نافس :- این چنانست که در حروف مثل تجنیس تام متعدد باشد، مگر حر کا تش مختلف

چنانچه عبدالحمید راست :

چه ربینی سیده صاف نهادی حمیده      بولی، بولی عا قلان دا هسی بول

زاید :- که در آخر یادراوی کلمه های متباش حرفی افزوده باشد مثل عبدالحمید میگوید :-

بزدم په هسى شونو، شونه زه نن ساعت  
عبدالقادر خان راست :-

ولی داهونبره طولانی بلپزدی  
چه عا قبت به له دنیا لپزدی  
فلندر گفته :-

که باده باده ! دسہار با ده !  
خه بنه هوا لري ، دلوړهوا ده  
مر کب متشا به : آن چنانست که با لفظ بسيط لفظ مر کب بشکل بسيط آورند مثلا  
عبدالقادر خان راست :-

تا به غواړم تا به بو لم تا به ستايم  
په تجنيس په نصيحت یندونه وايم  
په نسيم د محبت لکه ګل وايم

شمس الدین گفته :-  
هیڅ محل دخوشېره نه دی دادیار  
مر کب مفروق :- این چنانست که لفظ بسيط و مر کب به اشكال بسيط و مر کب آورده  
شود مثلا عبدالقادر خان گوید :

یا می شی زاده غمونه په زیده نوی  
دیگر جا میگوید :-

چه په ستر ګو خراغ وو ینې پتنګ  
خونه مری له ژوندو نه وی په تنګ  
مکر ر : که ګوینده در آخر اسجاع یا ایات دولفظ متجانس پهلوی یکدیگر یاورد اگر در  
صدر لفظ اول زیادتی باشد جائز است مثلا پیر محمد راست :-

بوی دزلفو چه می تېر شو ترمشم شام

وبلبل ته می دزدې بزدی ګل اندام دام

خراب زیده زما تلاش ورپنسی کاندی

مونده نشي په تلاشو په ناکام کام

په خندا به سور کفن له قبره پا خم

دامسیع که می لبز واخلى به دشنام نام

هه ساقی چه یو فدح دمیو را ګیری

دېر می وصل ته زحمت ده ګرو ګیښ

له دیداره ئې محروم «پیر محمد» مشه

هغه ورڅ چه دلربا کادا انعام عام

عبدالقادر خان گفته :-

بیا ئی مات کا دد و ران غضنفر فر  
چه دباد غوندی هردم کا گذر زر  
په ژدامی ڪر په او پیو بسته تر  
چه دده دلا سه مو می بشر شر  
نشی خوب د پیغمی پر بسته تر

هزین ئې کا یو خو په افسر سر  
حکم نوم ئې ذهب ورباندی کېپېبو  
برائی می اشنا ولیده بخوب ب ڪبن  
په معنی کبس بشرندی پرانگلابو دی  
حنان گوید :-  
پیائسه ڪر په دنیاکی یه افسر سر  
عظیم راست :-

چه مسکن زما دزده شو ددلدار دار  
بیلتا نه را باندی را ووی په یو وار وار  
یک قسم دیگر از تعجیس مکرر « حنان آورده است :  
نه می درو می له خاطره په یغام غم  
یو خ مین آه و فهان نه کړی په عشق  
مدام وی له اضطرابه خخه خام خم  
که هر خو می جستجوی ور پسی و کړی و می نه لیده په سترا گود ګل فاما فم  
خوشحال خان نیز این قسم را ذکر کرده :-  
دم به نه و هی له خلله زور وزر که دی وویشی یا وا روی کورو کر  
د سبا په باد نشاط وی د ګلو نو که جښ کا د بلل له شور و شر  
مطرف :- این چنانست که دو کلمه متجلانه آورده شود که تمام حروف آنها یکی باشد،  
مگر حرف آخر مختلف ، مثلا عبد القادر خان فرموده :

د یار یا د لکه صیقل زده پری صفاکه آئینی دی د خاطر و نیوہ ز نگ  
خطی :- دو کلمه آرند کقطع نظر از نقطه به یک شکل تحریر شود مثلا عبد القادر خان راست :

چه نوم ئې و شی د مجر می  
په یوه هککی مجرم مجرم شی  
خوشحال فرماید :-  
هغه مفاس ئې که خه غناري  
رحمان بابا گفته :-

کددروستی دنیا غم را باندی باروی  
حامد راست :-  
چه په تورو ستر گو تور رانجه شی پوری  
واده سهل دی کیار راسه یاروی

له یوی توری بلا پا خی سل نوری

### اشتقاق

این صنعتیست که گوندۀ دریک محل الفاظی استعمال نماید که از یک اصل مشتق شده و یا بنظر خوانده چنین آید که از یک ماده است مثلاً خوشحال خان فرموده .  
هیچ‌ری دشوا لو دسپری بر کت نه‌وی      «شل‌شی شول‌شی شوم‌شی» چه همیش شولی کرینه  
خنان گوید ؟ -

که به تور دورو زلفو تورشم خه‌شو      دبور بخت له توروز لفو اشنائی ده  
حمید گفته -

چه سود من په اشنائی داشنا نه شی      و کوه مشهدابی سودا پو ج

### شبہ اشتقاق

این نظری اشتقاق است مگر در یکی از دو گله حرفی زیاده باشد مثلاً حمید گوید .  
دحمید دپندارو که خوک په شخوند خوری      داتر خه په خوکه کبین خوند کاخوزه لودی

### مقلوب

صنعت مقلوب چند نوع است -

مقلوب بعض - مقلوب کل وغیره . . . . .

مقلوب بعض : - چنانست که در تریانظم کلماتی ذکر شود که میان بعضی حروفش تأخیر و تقدیم موجود باشد ، مگر در تمامی حروف آن قلب دیده نشود مثلاً شمس الدین راست -  
که خه وايم ددلبر له تورو زلفو      له سواده می په سر کبین ده سودا  
عبدالقادر خان فرموده : -

که سپین او سره ئی په کور کبین تلوی      چه نه ئی علم نه ئی عمل وی

بنیاد ئی نشته آخر به خوارشی      بخت به ترکومه و رسه مل وی

مقلوب کل : - چنانست که گوینده چنان کلماتی در کلام خویش ذکر کنند که در تمام حروف آن تأخیر و تقدیم باشد مثلاً عبد القادر خان گوید :

زلفی په معن کوه خم په خم ، کښېنه و ماشه معن په معن      کښېنه و ماشه معن په معن

در موضع دیگر فرمائید : -

ددوران له انقلابه لا بقاشی      اعتماد به داناخه په دا اقبال کا

### تضمين

اين چنانست که شاعر مصراع یا يسي يادو يسي از شاعر دیگر درشعر خود بطور عاري شامل نماید . مگر اين بایست بر سبيل تمثيل ياستند باشد نه بروجه سره مثلاً حميد گفته :  
 داشرف دعاشقی نه دی نورخه دی چه سينه شوه د حميد د کان د مشکو  
 حنان يك مصراع آخري بيت متذکره رادر شعر خود تضمين نموده ميگويد :  
 دحنان سينه نو خطو تو رسکاره کره که « سينه و د حميد د کان د مشکو »  
 همچنان خوشحال خان ميفرماید :  
 زهد بینتاهه په حال خبر نوم خبر شوم خدای له خپله یاره نه هیچ یارمه بلوه  
 عبدالقدار خان که پسر او است مصرع دوم رادر بین غزل خويش چنين تضمين می نماید :-  
 داغل خواب دخان دهنه غزل کپنی « خدای له خپله یاره نه هیچ یارمه بلوه »

### تضمين المزدوح

اين صنعت آوردن دلفظ یا ييشتر ازدواست در يك بيت که دروزن و فافيه کمال شاباهت باهم داشته باشند مثلاً خوشحال خان راست :-  
 طربنا که ، گريوان چا که ، تل بپيا که ، تش پتا که  
 خود آرایه ، خود نمایه ، خود ستایه ، خوش هنر  
 عنبر خاله ، پر خiale ، تل خوشحاله ، دزده غوره  
 غزل لخوانه ، خوش الحانه ، در دندانه ، لب خندانه  
 همین طور حنان گويد :  
 الف قده ، لا له خده ، گل خساره  
 سنبل مویه ، عنبر بویه کچ رفتاره  
 در دندانه ، له جتناهه ، سوه و پزاره  
 موی میانه ، کیج مرگانه ، میم دهانه

### اعنات ( یالزروم مالا یلرم )

چنانست که شاعر در کلام خود چيزی غير لازم را لازم شمرده باور دچا نچه اگر ازین الترايم  
 صرف نظر شود اصلاً عبي بظهور نرسد مثلاً عبدالعظيم ذيلاً در آخر بيت ها « زلره ، غلغلهه ،  
 ولوه ، تلنله ، سلسنه » آورده که دولام غير لازم را لازم بدانشته زيرا اگر بجای مناسب در عرض يكى از يها  
 کلمات « فيصله ، مرحله ، فاصله ، ناله » آورد جائز می بود ، اين است غزل :-  
 نن می گده په صورت بياز لره ده رايسي د مفسدانو غلغلهه ده  
 ماوي نن خوبه می بپزدي برقاره پرون تو لهوره می کري ولوه ده  
 په نظر دعا شقا نو تلنله ده که شيرين دی نيشكر په نزد دخلقو

دادرنه دی چه په مخ زما خلپزی      دا زما دسيينو اوښو سلسله ده  
 همچنین عبدالقادر خان راست :-  
 په ګلو نوا آواز ورو، کوه بلبله      پرېشاپزی ستاله شوره له غلغله  
 ومطرب ته مينا وائي وايه وايه      دا معنا ئي پیدا کړي له قلقه

### حذف

صنعتیست که شاعر از کلام خود یک یادو حرف رایتندازد چنانچه عبدالقادر خان گفته به  
 هومری اور در کتب بلپزی اپری نشوی      بلاستن یې دعاشق نه له لمونه  
 دریت مذکور (نه) در اصل (دننه) است ، حرف دال مخدوست .

### رقطا

صنعت رقطا در نظام آن است که یک حرف در کلمه منقوط و یکی غیر منقوط باشد مثلاً :-  
 خوشحال خان فرموده :-

زه زايريم خان ستا تر تل تل      تر تا خرشم خان دېر شېري تر بل  
 يو په شل ته بنائيسته دجو نو خانه      تا بستا یم تا بستا یم يو په شل  
 ته جاناتل تازه تر تر نستره      زه زهير خسته جليا یم تر بلبل  
 (درین بيتها حرف (خ) در املاء قدیم به دونقطه نیز تحریر می شد)

### خیفا

این صنعت چنان نست که یک کلمه یا چند حرف منقوط و کلمه دیگر یا به شمار حرفهای منقوط  
 عاطل (یعنی غیر منقوط) باشد ، خوشحال خان راست :-

نن ما خپل گنۍ لطتره      ماخود نز ده هونږد فن  
 بختور می ئې نوم کېښ      لا که نشی درو غجن  
 خونی تاو کا چین یې گورم      شی بنده در ته ختن  
 دریت اول فوق دو حرف منقوط و دو غیر منقوط ، دریت دوم سه حرف منقوط و سه حرف غیر  
 منقوط ، دریت سوم چهار حرف منقوط و چهار غیر منقوط است

### قا فيه

فيه آنست که در آخر دوم صریع شعر یک حرف مکرر ذکر شود ، مگر تکرار کلمه لازم نیست

مثلًا عبدالقادر خان در غزل ذیل حرف (ها) را تکرار نموده است:

شیه او روئی به په نارو شی لکه زه  
خو تاونه باندی تبر شی چه پغزی  
دیغو په حال خبر نه دی او مه  
عام عالم له حقیقته خبر نه شول  
دستیل خندا کوی لکه کانه  
که دی سوی چهاری زده دعشق یه اور وای  
ستابه هاله زده په سویو با ندی سه  
لکه هیشوک ماده نشول په لیده  
گوره بیاد کوم بد بخت سری په خوله شو  
سل بتنکنجل رانه کوی چه غواصم خوله  
تل تری غو شبت « عبدالقادر » کادی یاری  
یار هر گز و رته و نه و ائی چه بنه!

### زد المطبع

این چنانست که مضرعی ازیست اول در آخر غزل تکرار نماید مثلاً عبدالقادر خان راست:

دا وینامی د ناروغ زدگی شافی ده « یوه زده اره یوه مینه کافی ده  
جه له نورو د انصاف طمع لرینه  
یه مذ هب ز ما هم دابی انصافی ده  
تیرگناه می ددوست زیا ته معافی ده  
هیچ یپفور دعصیان مه کوه و ماته  
مردی مه گنه چه لا فی بی کردی کما  
دخلیل مخان دیاره نیم دره اسراف دی  
چه په بل خونه بنندی بی اسراف ده  
خوهم د عبدالقادر ته بیا بیاوایه  
یوه زده لره یوه مینه کافی ده

همین صور پیر محمد گفته:

حسن دی باقی وی ددلدار چه دله اری کا  
عقل می له سر هربوده په تش نگاه کری  
بورته چه له خوابه مستی ستر گی خماری کما  
بان په لبو مزی یادزدرونو خو نخواری کما  
جورد خبل بارخو داغیا تر مهر بنده دی  
حیف دیدلا نوجه رو بیا روته زاری کما  
یارئی و فادری مکرر « پیر محمد » وائی  
مح دغماز تورشه چه لاما ئی ویزاری کما

### رد المجز على الصدر

صدر اول شعر وعجز آخر آن است، این صنعت چنانست که کلمه اول شعر را در آخر تکرار کنند مثلاً عبدالقادر خان گوید:

اشنائی دی را بـکاره شووه چه زما سره اشنا دبل اشنائی  
عبدالحمد كفته

شوخ سترگی نرگس کوزگوری له شرم چه دباغ پلوری واڈوی چشمان شوخ

گاهی می شود که لفظ مکرر به یک معنی نباشد چنانچه حمید آورده :

**پیکلوونی می** دزمهه تسلی نشی خو پخوا گو خوهی یار راسره نشی خو پخوا گو

گاهی قبل از صدر یک کلمه دیگر آورده می‌شود مثلاً عبدالقدار خان راست:

داهمه سبب زما دبدختي دی چه دا هسي آزرده شي بي سبيه

گاهی صدر در حشو بیت می آید مثلاً عبدالقدیر خان گفته: «

عمل کروه عبدالقداره ! خه حاصل له گفتگویه، عمل کروه عبدالقداره !  
رحمان بایا می فرمائید :-

سر زما سامان زما، جار سه تر جانان زما، سر زما سامان زما

گاهی صدر در آخر مصروع اول وابتداً مصروع ثانی می باشد . « ملا » رحمان بابا راست :

تخت و تاج بهئی سرگی تاخت و تار اج کا اور نگ زیب چه ارایش دخت و تاج کا

گاهی صدر و عجز هر دو در یک مصرع باشد ، مثلاً خوشحال خان فرمایند :

کے ملیع بی دز مہ مینہ په ملیع کوہ      کے قبیح بی درومہ چاری دفیعہ کوہ

گاهی عجز بیت اول در صدر بیت ثانی آورده شود و عجز هر مصروع در صدر مصروع نباید باشد.

تکرار باشد و غزل تا آخر بین سبک منظم و مرتب باشد و این قسم کم دیده میشود.

روشحال خان کفتہ :-

یعنی دلایلی برای این اتفاق نداشتم

هه ناري وهم عالمه ، عشق يويم دي يه موجوده ، الجذرله هسى يمه

**حضر له هسى يمه ، چە عا لم پکش فنا دى** چە عالم پکش فنا دى ، دادریاب روغدى لە دەمە

در یاب روغ دی له دمه، چه ساحل ئی لیده نشی

ر غرفه ابدي تر فلزمه ، نه زيات هنري نه كمپزى ، تر ابده تر قدمه

ابده تر قدمه ، چه شنا کا پدايم کين ، چه دعوي لري محکمه

دعوی لری محکمه، هفه درور پسی غواصی هفه درور پسی غواصی

بهاری اعظمه، هفه درئی بنه جمال دی هفه درئی بنه جمال دی، چه خوبی ده باندی تمه

چه خوبی ده باندی تمه ، په جمال ئی زلفی ماردي  
په جمال ئی زلفی ماردي      خبردارئی یم له سمه  
خبردارئی یم له سمه ، په خو قسم تو ماران دی      خوک ددم دی خوک بی دمه  
خوک ددم دی خوک بی دمه ، هغه مار « خوشحال » خودلی  
هغه مار « خوشحال » خودلی ، چه ژوندی دی تر دی دمه

### الممع

این شعر یست که یک مصرع آن پیشتو و دیگر آن عربی باشد مثلاً عبدالقادر خان راست :-  
 مخ په هر لو ری جلوه کوی دیار  
 ابصروا ابصروا اولوا بصار  
 کله ر قیب وو ینې له یا ره سره  
 قل اعوذ بر ب لیل و نهار  
 دخواب خوک دی چه آواز کاندی  
 لمن املک و احدا لتهار  
 همچنین شمس الدین گفته :-  
 که داخل می په رو په کبس در رضوان ک  
 لعمری لا یطيب العیش لو لا ک  
 خوبر و یان که دجهان شی راهه جمع  
 فوالله لست انظر عنک سو اک

### ذوا القافیتین

این صنعت است که در یک شعر دوقافیه پهلوی هم دیگر آورده شود مثلاً عبدالقا در خان  
راست :-  
 که نورخنه دی چه مر یبی ستانو م  
 بس دی وما ته چبری لانا در و مم  
 کله به تاغوندی خپتن زه یا مو م  
 ته به زما غوندی مر یونه چبر مومی  
 پیر محمد گوید :-  
 هر گز ئی نه زده ، دو فا طور  
 ستمگر نه کېی ، دمظلوم غور  
 معشو قه کاندی ، تل جفا جور  
 که داد فر یاد پر در بارو کرم

### ذوا القافیتین مع الحاجب

این صنعتیست که ردیف درین دوقافیه آورده شود ، مثلاً عبدالقادر خان گفته :-  
 مین را یا د شو د تا له ر زگه  
 که یو درنگ کمپنی ز ما له خنگه  
 خار شم قربان شم تر تا ملنگه  
 که اشنا نه یبی ، داشنا مثال اری  
 ذوا اسا نین

این چنانست که در یک بیت دولسان یا یشتر درج شود ، مثلاً خوشحال خان فرموده :-

لطفی نکنی رحمی، داهم کله خون کاندی  
فر بان سرت گردم، چه نو رو و ته خا ندی

افغان بجه شوخی! هر گز په عاشق باندی  
یک لحظه بیانشین، ماخونین په بنه خنداکره  
شمس الدین راست :-

صل داغ را زد ست، دارم پر بد ن زه  
هستم چنان که بو دم، محتاج دد یعن زه

لا له زداغ حسرت، کرسور کفن په غاره  
هر گز نکر دجا نان، پر ما دیدن در حرم

### غیر منقوط

صنعتیست که در شعر الفاظی بی نقط بیا ورند که یکی آن دارای نقط بناشد، مثلاً  
خوشحال خان فرمایند :-

سکه او ل دهم دمه ر داروا کا  
دمادم دآه سرد سره وا وا کا  
کله کله دور هم مراد ادا کا

دل آ رامه که دما دد رد دوا کا  
ددلداروهوا دار له درد او دو که  
درومه درومه گله مه کوه له درده  
شمس الدین نیزمی گوید :-

مکرم کرم مه اکرام دسا ده رو  
مرم له در ده لا آرام دساده رو  
له دورا کوه سلام دساده رو

که لرم مهر مدام دسا ده رو  
دمادردله دوارا کره همد مه  
له دلداره او س دوصل طمع مه کره

### منقوط

چنانست کتمام حروف شعر دارای نقطه باشد مثلاً خوشحال خان راست :-  
شی شبی شبی شی شبی بینی  
شبی شبی خبی خبی شبی شبی  
(درین ایات هم بیشتر (خ) به دونقط نوشه میشد)

### مقطوع

این صنعت چنین است که حروف شعر باهم نه پیوند دهند، خوشحال خان یک غزل را برین صنعت گفته:  
دل آزاری ک دی خل ربداردی  
زیون م آزارو ه روی د دادر دی  
تچ ڈادی په زار زارڈادی اروم  
دادی واگه دردو دوک زیوه دی آزاردی  
ج اول دی دزیه داغ و ت آرزوه  
دزیه دردک پزاری پ زور او زروای  
ای دزیه ل درد ه روغ پ دا چار دی

در املاء قدیم (ك، ج، ت، ل) وغیره بدون (ه) نوشته می شد.

### موصل

این صنعت است که حروف شعر باهم پیوند می شود، و این صنعت دارای سه قسم است اول موصل مجموع که تمام حروف بیت در یک پیوند بایند، مثلاً خوشحال خان درین دو بیت علاوه بر صنعت موصل، صنعت موصل منقوط را آورد (۱)

پشین شین خی شین جنی	بن نقشی نشی ششی پشتی
تشی پشنتی فتنی شی خنی	دوه موصل دو حرفی که دو دو حرف باهم اتصال یافته باشد، مثلاً خوشحال خان راست :-
لو بی خن بی خم خم ترفا مت خم	بن بی لو نی خن بی کچ کچ خوش خم
هو سی شی په خوبنی شی هم بپ غم	مح بله مح شه ما نه خان نده چه خاطر می
په شبه مح لکه لا له بی لا پر نم	خوش بی لر گل بر قه عرعر
طوطا کله گویا بی کابی موسم	گل مل چدم مح به مح شی پر خوبنی شی
سوه موصل سه حروفی که سه حروف باهم متعلق آیند. مثلاً خوشحال خان میفرمایند :-	سوه موصل سه حروفی که سه حروف باهم متعلق آیند. مثلاً خوشحال خان میفرمایند :-
خنی، خیل، جیش، لبکر، حشم، کسی	خنی، خیل، عالم، هنر، قلم، کسی
خنی، خیل، عالم، هنر، قلم، کسی	خنی، خیل، عالم، هنر، قلم، کسی

### عکس

این صنعت چنانست که جزوی را در کلام مقدم بر جزوی نمایند و باز مؤخررا مقدم سازند مثلاً پیر محمد راست :-

یکباره بی له اشنا یو نا اشنا کرم	نا اشنا یو ستر گوستا لتا اشنا کرم
نایانا و م تا په زده سره بینا کرم	بینائی د نایانا و ستر گو نشوه
نادانی ستا په مینه کبن دا نا کرم	دا نائی د د نیا دیره نا دانی ده
رب فنا لره په هجر کبین بیدا کرم	شو پیدا پر دنیا نه وی فنا نشی
وفا نکری بی وفا و ماته و ائی	وفا نکری بی وفا و ماته و ائی
بیوفازه « پیر محمد » ستا وفا کرم	بیوفازه « پیر محمد » ستا وفا کرم

(۱) چون در مطبعه ترتیب این صنعت سخت است. لذا باهم مفارق تحریر شد، و گرنه تمام حروف دویت متد کرده باهم متعلق می شود. فانظر « پینوا »

نیز گل محمد گفته :-

خوبان به کله داسی رسماو  
زه داشناوم ، اشنا زما و  
خوشحال خان فرموده :-  
عالم هم وی لپوئی ته مسخره  
لپوئی که مسخره دی و عالم ته

### ردیف

ردیف کلمه ایست که بعینه در آخر اشعار مکرر شود مثلاً رحمان بابا فرموده :-  
پهنه خوی له بدخوا هانو بی پروايم      په ذرمی      لکه اویه داو ر سایم  
وهر چا ته په خپل شکل خر گندې ټزم  
قناعت می تر خرقې لاندی اطلس دی  
دغنجي په خپر په سل رې خاموشه  
په ژدا می دخپل یار دیدن حاصل کړ  
که چالار دعاشقی وی ور که کړی  
زه «رحمان» د ګډر هانو ره نهایم

### صنعت نادر

این صنعتی است که در شعر چند حرف آ و ده شود، که به ما قبل و ما بعد مر بوظ باشد،  
یعنی معنی ما قبل و ما بعد شعر بدون ربط درست نیاید مثلاً حنان گفته :-  
نېټ بداد ازل و قتو پش و  
دادغان الله ردم دبلبل اف  
ودچابد چابنه و دچا پېش و  
روانه هیڅ سخن کاندل پش و  
بلبل تاب بر ګک د ګلور پش و  
اب یی ستاد دیدن و داور پېش و

### حل آن :-

ودچا بد دچا پنه هودچا پېش شو  
پروانه هیڅ سخن نه کاندل دل پش شو  
دبلبل تاب بر ګک د ګلور پش شو  
تاب ئې ستاد دیدن نو داور پېش شو  
نېټ که بدداد ازل لو قتو پش شو  
دادغان ناله هر دم د بلبل لاف  
عشق قایم مدام مین اره هستی د  
ګل له شرمه مځ په پانهو کښ پنه و نهبت

این صنعت را دریک بیت فارسی نیز دیده ام که گفته : -  
افتاب زم عنی و سفرخ صالح  
مالک الملک رامت اجداروز گار

حل آن : -

آفتاب بزم معنی یوسف فرخ خصال  
مالک الملک کرامت تاجدار روز گار

مأخذ های این مقاله :

- ۱ : - حدائق السحر فی دقایق الشعر ، تأليف شیدا الدين محمد عمری معروف بو طواط طهران
- ۲ : - علم بدیع طبع ایران ، مطبعة میرزا علی اصغر
- ۳ : - حدائق البلاعث طبع لاہور
- ۴ : - هفت قلم
- ۵ : - رساله دستور حسن تأليف محمد حسن هروی
- ۶ : - علم بدیع
- ۷ : - دیوان خوشحال خان ، طبع فندهار
- ۸ : - « عبدالقادر خان »
- ۹ : - « عبدالرحمان مطبوع
- ۱۰ : - « عبدالجمید
- ۱۱ : - « عبدالعظيم »
- ۱۲ : - « پیر محمد کا کر غیر مطبوع
- ۱۳ : - « شمس الدین کا کر »
- ۱۴ : - « حنان »
- ۱۵ : - « گل محمد هلمندی »



## دېښتو ژبى ځښی خصوصي سېپکړۍ

ساغلې محدا عظم «ایازی»

خرنګه چه انسا یه ټولو مخلوقاتو کښ اوږد او لوی دی ، نو خښتن تعالی وده ته نه یوازی یوه او عقل ور کړی دی . بلکه دوینا یوه داسی ګرانه مر غله ئې ور بختلې ده ، چه دهه یه واسطه خپلی تجربې مشاهدي او خپل علمي معلومات یو پر بل باندی شکاره کوي ، او دنورو دافکارو او معلوماتو خخه گتني اخلي ، هر کله چه بنی آدمان پر پیلو پلنو قومو پشل سوی دی او هر قوم پېل لخای استو ګه لري ، او په پېل پله ژبه وینا کوي ، نو له دی وجه په دنیا کښ پېل پلی ژبی پیداسوی ، لېکن دا تر او سه شنه معلو مه سوې نه ده چه هغه کمه ژبه ده ، چه دا تولی ژبی ځښی پیدا سوی دی ، په دنیا کښ تقویاً نه سو ژبی دی چه خلق په هفو سره وینا کوي ، او ددی ټولو ماذد هم هفه زبا ده چه تر او سه ئې حال و چاته معلوم سوی نه دی ، هر یو ډڅيل دا تکل آس په دی میدان کښ زغلولي دی . منګر واصل مز له ته هېڅوک رسیدلی نه دی ، ژبه چه دانسان دمطلوب دادا ڪکولو او دخیالا تو دظاھر والو دپاره یوه مخصوصه آله ده . او دانسان تولی سېپکړۍ یه دی سره امده لري ، نو اکترو قومونو دخیلو ژبو دتر قې و خواته توجه او ټکه او ډبر زیار ئې و کېښ ، چه هغه وسایل ، چه ژبی په ترقی امده لري ، راغونه کي ، چه دیوی خوا درې یه الفاظو کښ روانی ، فصاحت او بلاغت پیداسی ، او دېلی خوا ئې عبارت کښ یو داسی اثر پیدا سی چه داوري دنکوز ډونه او توجه و خپل خواسته را کښ کي ، نو د دې مطلب وحاصلو لو دباره ئې هغه علوم ايجاد کړه ، چه دهفو په واسته ژبه به بلاغت او فصاحت خاونده کېږي او د تقریر او تحریر قابله ګزی ، داسی علومو ته د ژبی ادبیات وائی ، چه پله دی علومو هیڅ ژبه ادبی او علمی ژبه ګرزې دلای نه سی ؛ د ژبی ادبی قواعد او اصول ، د اصلی ژبی خخه جو ډېږي پوهان او علمای پلتني یه کښ کوي ، چه ژبی د محاررو او دادا قواعد او اصول سره ټول کي ، دغوا اصولو ته ادبی علوم وائی ، چه اساس ئې هم ژبی په اصلی قاعده او اساسی او عنصری اصول او پېښو کېږي ، هیڅ ژبه ترهفو، نه تکمیل کېږي ، تر خوچه دفصاحت او بلاغت اصول او نور ادبی علوم ئې مرتب اوسم نه سی ، او تو له لېکونه او کتابو نه ئې پر خپل خصوصی اصول لو لیک او تحریر نه سی ، او دایو تاریخي حقیقت دی چه وزئې باید د پغوری او غفلت په نظر سره ونه ګورو ، او داسی ونه سی چه ډېږي دتر قې اصلی وسایل په پېښ دو او یه فروعاتو ئې بخت سو ، پېښو چه زموږ خوبزه اومورنې ژبه ده ؛ او دېښتو علمي ترقی په دی سره ماده لري . اوس دادبیت

په لحاظ تر نور و ادبی زبوروسته پاته ده ، لیکن یوه قدیمه ژبه ده ، او دېر پراخ والی لري ، او د هر ډول ادبیت استعداد په کښ ډبردی ، بلکه زه و یلای سم ، چه په ډبرو مزاياو کښ ترا کشور زبورو پراخه ژبه ده ، په شرط ددي چه پشنتمه د دې و خواته د زنده د میني متوجه سی او د ادبیت و سایل ئې ژراراغونه کېي ؛ که موږ د مختلفو خلقو پر طرز کلام باندی فکر او غور و کو بهه به راهه بشکاره سی ، پهه د ځنو خلقو کلام ، علاوه تر دی چه ساده او سلیس دی ، ژبه دهن کښ راځی ، او د هفه خخه ژرنیجه اخستله کېښي ، سبب ئې دا دی ، چه و دوي ته د مطلب د دادا ګولو سمه او صحیح لارمعلومه ده ، او د ژبني د ادبیت خخه واقف دی ، هیڅ یوه فاحشه غلطی نه ځنی کېښي .

د یوې ژبي د پاره ډهر کوبېښو نه په کاردي ، چه د بهه تحریر او تقریر قابله و گرزوی ، خبری او لیک خوهر خوک کولاي سی ، لیکن مؤړی خبری هفه دی ، چه اروپه و نکی خوند ځنی واخلي ، او د سحر په شان ېږډو باندی خیل اثر و اچوی ، پرداسي کلام باندی قدرت حاصلوں خه اسانه کارنه دی ، بلکه یو دیر مشکن کاردي ، نولازمه ده چه انسان د کلام محسن او عیونه و بیژنی ، او د ېېزندل د ژبني په قواعدو اړه لري ؛ قواعد د ژبني د ترقی د پاره هفه اساس او بنیاد دی ، چه په ژبه کښ د فصاحت او بلاغت روح یوکي ، او په عبارت کښ ئې د تائیر ، روانی او صحت قوت پیدا کوي ، او ژبه په علمي او ادبی قابل کښ اچوی ، او د تحریر قابله ئې گرزوی خرنګه چه مورو پلار د اولاد روزنه او تریه کوي ، هم دغه رنګه صرف او نحو د ژبني د کلماتو روزنه او تریت کوي ، او د فصاحت او بلاغت قابله ئې گرزوی ، هم دغه سبب دی چه هره علمي او ادبی ژبه خپل کنامل صرف او نحو لري .

خرنګه چه هره ژبه خپل خاصي محاوري ، اصطلاحات او مزاياوی لري ، چه د هنۍ ژبني په قواعد سره اړه لري ، پېښو هم خپل خاص محاورات او مزاياوی لري ، چه د پېښتو په قواعد ، او د ژبني په محاورو اړه لري ، او سره غواړم چه د خپلو محترمورو نه د استفاده د پاره د پېښو هفه خاص اصطلاحات او مزاياوی و لیکم ، هيله لرم چه د فائدې خخه به خالي نه وي ، که په ذې کښ خه غلطی یاسپهوه پېښه سوي وي ، نو د خپلو محترم او د باو خخه اميد د عفوی او اصلاح لرم .

### تا نیث او تند کير

دا خوشکاره خبره ده ، چه ژبي د هر محیط او هر عصر سره ځنی خصوصی نځنی او تطورات مومنی او محیط اوزمانی ، لکه پرانسان اونور و مخلوقاتو ، چه دندای تعالی په قدرت سره اغږه او اثر کوي پر ژبني هم دغه رنګه اترونه اچوی ، نوځکه پوهان وائی چه د هر قوم ژبه د دوي

## د پښتو ڙبي لخني خصوصي بشپگيري

اخلاق او عادات او ذاتي خواص او قومي مزاياوی او روحیات بشکاره کوي ، دا خبره صحيح هم ده ؛ نجکه چه که موژ و گورو ، ده رقوم ڏبه هنسی ده لکه چه د دوى اجتماعي او ضاع تقاضاچاری ، هنچه مزاياوی او بشپگيري په کښ ليدلى کېږي ، چه دهنه قوم خواص گهـل کېږي لخني قومونه د ڙوندون په تو لو خواوو کښ د ہر عميق دی ، او هر شى يه هنچه ستز گه گوري لکه چه بڼائي ، داخوي ديو قوم دهـلـي مزاـجـ حـقـيقـتـ اوـدـشـيـانـوـ دـبـېـزـنـدـلـوـ حـقـيقـيـ روـحـ بشـکـارـهـ کـويـ ، نـوـددـويـ پـهـ ڙـبـهـ کـښـ هـمـ دـغـهـ مـزـيـتـ خـرـگـدوـيـ ، اوـداـيوـهـ روـحـيـ بشـپـگـيرـهـ دـهـ ، چـهـ دـيـوـ قـومـ لوـدـاـسـتـعـدـادـ اوـحـقـيقـتـ لـخـنـيـ مـعـلـوـمـېـزـيـ ، دـبـېـشـتوـزـيـ یـوـگـرـاـصـريـ مـزـيـتـ دـادـيـ چـهـ دـتـائـيـشـ اوـتـدـ کـيرـ لـحـاظـ پـهـ کـښـ کـېـزـيـ اوـدـشـيـانـوـ دـتـدـ کـيرـ اوـتـائـيـشـ دـيـارـهـ خـورـاـ اـهـ قـوـاءـدـ لـرـيـ :

پـښـتـانـهـ خـورـوـ حـاـ يـوـمـيـهـ ، نـزـ اـشـجـاعـ قـوـمـ دـيـ ، دـدـوىـ دـمـهـاـنـيـ روـحـ دـاـنـهـ قـبـلوـيـ چـهـوـ پـښـجـيـ اوـنـرـتـهـ دـيـ يـورـنـيـگـ خـطـابـ وـكـيـ ، نـوـنجـکـهـ دـدـوىـ پـهـ ڙـبـهـ کـښـ هـمـ دـنـرـ اوـشـنـجـيـ دـبـېـشـکـارـهـ کـپـدـ لوـ دـيـارـهـ عنـصـرـيـ اوـاسـاسـيـ قـوـاءـدـ سـتـهـ ،

پـښـتـانـهـ هـرـ کـلـهـ چـهـ وـښـجـيـ تـهـ پـهـ درـنـهـ ستـرـ گـهـ گـورـنـيـ ، اوـدـښـجـيـ والـيـ اـحـترـامـ ئـيـ سـاـتـيـ ، دـبـېـشـجـيـ يـلوـ ، عـصـمـتـ اوـنـاـمـوسـ مـحـترـمـ گـيـيـ ، مـگـرـ نـرـتـهـ دـبـېـشـجـيـ پـهـ ڇـولـ خـطـابـ نـهـ کـويـ . دـبـېـشـتـوـالـيـ پـهـ روـحـ کـښـ دـاـپـرـتـهـ دـهـ ، چـهـ فـارـيـهـ دـبـېـشـجـيـ چـهـوـنـهـ نـهـ کـويـ ، اوـنـرـ دـبـېـشـجـوـ دـچـموـ خـنـهـ عـاـرـ کـويـ اوـ غـواـيـ دـهـ چـهـ دـهـرـهـ حـيـنهـ خـيـلهـ مـهـاـنـهـ اوـمـرـوـتـ وـسـاتـيـ ، نـوـ کـهـ خـوـكـ دـبـېـشـجـيـ پـهـ رـنـگـ خـطـابـ وـرـتـهـ کـويـ چـېـنـ بدـوـرـيـ .

دـبـېـشـتـوـ دـغـهـ دـمـهـاـنـيـ حـسـ دـيـ ، چـهـ ڀـڙـبـهـ ئـيـ هـمـ اـغـزـهـ کـړـيـ دـهـ ، اوـيـهـ شـدـتـ دـتـدـ کـيرـ اوـ دـتـائـيـشـ لـحـاظـ پـهـ کـښـ سـوـيـ دـيـ ، پـهـ اـسـماـواـوـ اـعـلاـمـوـ کـښـ خـوـلـاـ خـهـ کـړـيـ ، دـدـيـ ڙـبـيـ پـهـ اـشـارـاتـوـ اوـضـامـئـرـوـ کـښـ ، اوـ هـمـ دـغـسـيـ پـهـ توـلـ اـفـعـالـوـ کـښـ ئـيـ دـتـدـ کـيرـ اوـتـائـيـشـ لـحـاظـ سـتـهـ ، کـڅـوـكـ رـاسـيـ ، نـوـموـزـ پـهـ پـاـدـسـيـ وـرـتـهـ واـيـوـ (آـمـدـ) لـيـكـنـ دـدـيـ خـنـهـ نـهـ بشـکـارـېـزـيـ ، چـهـ نـرـ رـاغـيـ کـهـ بشـنـجـهـ ، مـگـرـ پـښـتـوـ کـښـ موـزـ دـنـرـ دـيـارـهـ (رـاغـلهـ) واـيـوـ ، اوـ دـدـغـسـيـ مـسـلـيـ خـنـهـ موـزـ دـبـېـشـتـوـ دـحـقـيقـتـ پـسـنـدـيـ . روـحـ بـهـ مـعـلـوـمـوـلـاـيـ سـوـ ، اوـدـڙـبـيـ دـمـزـيـتـ دـدـوىـ پـرـمـلـيـ اوـ اـخـلـاقـيـ مـزـيـتـ دـلـالـتـ کـويـ ، دـبـېـشـتـوـ تـذـکـيرـ اوـتـائـيـشـ پـلـيـ اوـمـفـصـلـيـ قـاعـديـ لـرـيـ ، اوـنـځـنـيـ اوـعـلامـاتـ ئـيـ پـهـ ڙـبـهـ کـښـ مـعـلـوـمـيـ دـيـ ، دـمـفـرـدـ اوـ جـمـعـيـ دـجـوـدـلـوـ لـارـيـ اوـاـصـولـ ئـيـ پـلـ بـلـ دـيـ ، چـهـ تـقـصـيلـ ئـيـ دـبـېـشـتـوـ پـهـ ګـرامـرـ کـښـ مـفـصـلـ رـاغـلـيـ دـيـ ، دـلـهـ فـقـطـدـدـيـ بـحـثـ دـتـكـمـيلـ دـيـارـهـ دـتـائـيـشـ عـلـاـ مـيـ اوـمـؤـشـاتـوـ ډـولـونـهـ اـبـ رـاوـدـوـ :

## دـتـائـيـشـ عـلـاـ مـاتـ پـهـ پـښـتـوـ کـښـ-

پـهـ پـښـتـوـ کـښـ دـتـائـيـشـ عـلـامـاتـ اوـوـهـ دـيـ (اـ، هـ، یـ، یـ، یـ، نـ، وـ) دـهـ رـاـسمـ پـهـ آـخـرـ کـښـ کـهـ

خان دار وی که بیخانه ، یوددپی پورتو علا ماتو راسی ، هفه اسم په پېشتو کېن عموماً مؤنث  
کەنل کېزى :

(۱) الف : مثلاً ، ملا ، غلا ، زدا ، خندا ، روپا ، پرېشنا ، رېبتبا ، خوا ، شا ، كلا ، سپوروا ، خامتا ،  
پلا ، جورتىا ، غوا ، انا ، پردى اسمونو ددى قاعدى خىھە وتلى دى لىكە كاكا ، ماما ، بابا ، لا ، ملا ،

(۲) هـ (های ملغوظى) مثلاً بىچە ، كىنۋە ، لىگە ، اسپە ، اوپە ، خۇندرە ،  
كىلدە ، بەناهە ، چاڭە ، لېبىتە ، ونە ، دۈرە ، تورە ، مىڭكە ، شې ، پېشە ، خولە ، موچەنە ، خېتە ،  
دېرىھە ، سترگە ، پىزە ، اوپە ، تىنگسە ، بغارە ، بىلگە ، بېنگە ، بېرە ، يېنىھە ، يېغەلە ، يېنە ، ورخە ،  
يېتىھە ، يېچە ، والە ، وشكە ، اندە ، انىڭە ، يىالە ، اوچە ، اسپە ، زركە ، شگە ، استو گە ، مېنە ،  
ايىھە ، اندېبىتە ، ورپە ، ترلە ،

(۳) (يائى ثقىلە) مثلاً سپۈزمى ، كۆخىر ، لېبىتىر ، سېرى ، خىلىر ، خولى ، هەگىر ، ورىر ، كېلىر ،  
كىنگىرى ، سېرىلى ، مىرغىر ، بېگىر ، خەمەشىر ، چۈدىر ، انىڭىر ، مشوانىر ، تېرىر ، كەرتىر ، تېنىر ،  
بنى ، لەنەئى ، پېنەئى ، اپەرى ، مۇرى ، قېكىر ،

نوت : (ثقىلەنى) وەنەي بى تە وائى چەدەخە تورى ئىزور كى . وى او آوازئى دروند ادا كېنېزى ،

(۴) ئى : (معروفە يى) مثلاً بىنادى ، خىلى ، ورور گلۇرى ، اشنانى ، بازى ، خوارى ، بدى ،  
نىڭى ، يىاتى ، پىشى ، دوسى ، ودانى ، پلاڭ گلۇرى ، مىلگىرى ، سەندىلى ، نىستى ، مىستى ،  
نوت : معروفە يى وەنەي ياتە وائى چەدەخە حرف ئىزىر لرى :

(۵) دەر اسم په آخر كېن چەنون (ن) وى او دەخە تورى ئىزور كى لرى هفه اسم عموماً  
مؤنث وى مثلاً يېتن ، لەن ، ستىن ، خىرىمن ، مېچىن ، مېرمن ، پېستىن ، بن ، درغۇن ، مگر خىنى اسماء  
مىستىنى دى .

(۶) و : - (مجھول واو) مثلاً پېشتو ، پىشو ، مى گو ، با گو . بىرزو ، زانگو ، بىنارو ، بىرزو  
قاڭىدە : - په پېشتو كېن خىنى بى خان اسمونە مەد كىر او خىنى مؤنث راڭى . لىكە يە عربى كېن  
(لر گى) بى خان اسمدى مىڭر په پېشتو كېن مەد كىر ور تە ويل كېزى ، او (لېبىتە) بى خان اسمدى يېن  
په پېشتو كېن مؤنث ور تە ويل كېزى :

### د تانىيىت دو لونە

• په پېشتو كېن مؤنثات پىر خلورو دولودى ، (۱) مونىت حقيقى (۲) مونىت معنوى (۳) مؤنث لفظى  
(۴) مونىت سماعى :-

مونىت حقيقى وەغە مونىت تە وائى چە په مقابل خېپل كېن نىلارى او دتانىيىت لفظى علامت په كېن  
وی ، اىكە غوا ، بىچە ، نىجلە ، پېشتنە ، مېرمن وغىرە :

## د پیشتو ژبی لخنی خصوصی شنیگری

مونث معنوی و هفه مونث ته وائی چه په مقابل خیل کښ نر لری او دتائیث لفظی علامت پکش نه وی لکه مور ، خور ، نزور ، ترور ، یور ، ندرور ،  
مونث لفظی و هفه مونث ته وائی چه په مقابل خیل کښ نرنه لری او دتائیث لفظی علامت پکش وی ، لکه چاره ، ملا ، خیلیه ، ستن ، زانگو ، اشناهی ، داسی مؤنثات دېخانو اسمو خخه راخي :

مونثات سماعی و هفو مو تناوتله وائی چه په مقابل خیل کښ نه نرلری اونه دتائیث لفظی علامت په کښ وی ، داسی مونثات هم عموماً دېخانو اسمو خخه راخي اویه اروید و سرهاده لری مثلاً اوريغ ، لار ، روش ، زمنځ ، لوپښت ، خنګل ، منګل ، وغيره :

## د پیشتو ژبی تحلیلی قوت

زموزد ڈربی یوبل خوراهمه مزیت دادی ، چه دجذب او تحلیل قوه خورا په کښ ډېره ده ، لخنی ژبی چه دغه مزايانه لری ، ادبی استعداد ئې هم لزوي ، منگر پیشتو دنورو ژبوځخه ډېر فایده من مواد خیل ځانګه را ڭټوی ، او هفه په خیل ځان کښ داسی تحلیلوی ، چه بیانه پېښ ندل کېږي ، چهدا کلمه دبلی ژبی ده کېڅيله دېښتو اصلی کلمه ده ؛

اووس زموزد ېژبه کښ ډېر داسی موادسته ، چه ژبی په خیل ځان کښ ګډ کړي او تحلیل کړي دی ، اوس ھیڅکله داسی کلمات او لغات پردي نه ګډل کېږي ، اوهر خوک یې خیل ګښی پیشتو ، چه کومه ماده او کلمه دبلی ژبی خخه راجلبوی ، نوئی داسی په خیل ځان کښ راجلبه کې چه پغوانی شکلئی هیڅ نه پاتېږي ، داسی کلمو زموزد ېژبه کښ ډېر دی ، چه موزڻئی مفනات ګنو ، دا کلمات زموزد ڈربی بهترین مواددي ، او دامزيت ، زموزد ېژبه کښ پرورت دی ، بڼائي ، چه موز ڈربی په روزنه کښ کار لخنی واخلو ، دا خوبنکاره خبره ده ، چه ڈربی په علمي ترجمو او دفنو نویه انتقال کښ کار لخنی واخلو ؛

کډ ڈربی دغه تحلیلی قوه ژوندي وی ، نودغسى علمي اسماء ، چه موز ڈربی نوی نوی وضع کوو اویه ژبه کښ ئې روا جوو ، زموزد سره ډېر هښه مرسته وکی . او هیڅ دول مشکلات به لخنی تهرا نسی ولی چه دغسى نوی موضوعات ، او نوی اسماء اواعلام په ژبه کښ ژرتر ژرده جذب او تحلیل سی او دخلقو دا ذها نوسره به ژراشناسي . او دېښتو قوى او غال برنگک به ومو می ؛ پخوا چه زموزد ژبی پېڅلي تحلیلی قوى ، لخنی کلمات په ځان کښ حل کړي دی ، اقسام ئې دادی :

## مفනات

مفනات و هفو پرديو لغاتو او کلماتو ته وائی چه په پیشتو کښ ئې داسی لخا نیولی وی چه هفو ته

او س موز دېښتو کلمات ویلاي سو، او دا مغناټ دېښتو ژبي دپاره یوه لویه سرمایه ده، او موز باید دایر یېز دو، ولی چه ددنيا هیچ ژبه داداول کلماتو خخه خلاصه نده، او په هر ژبه کښئي لخای یېولي دي، او او س دهفي ژبي کلمات شمېرل کېښي، نوموز ھم باید داداول کلمات، چه زموږ ژبه کښ مغون سوی دي، پري یېز دو، دادېښتو دمزایا و خڅه ده چه پر دی کلمات په خپل لخان کښ جلبوی او هفوته دېښتو شکل ور کوي، مغناټو زموږ په ژبه (پښتو) کې یوره دملیت او تابعیت حق حاصل ڪړي دي، او او س دېښتو دلغاتو خخه منل ڪېښي

دېښتو مغناټ دري دوله دی (۱) معنوی مغناټ (۲) تبديل سوی مغناټ (۳) اوښتل سوی مغناټ معنوی مغناټ وهفو مغناټو وائي، چه دپر دیوژبو خخه په پښتو کښ داخل سوی وي، او پر خپل اصلی شکل يا په لېز خه تغیر یاته سوی دي، لیکن په معنۍ کښ ئي لېز خه تغیر راغلي دي، مثلا (بشر) چه په پښتو کښ دانسان وټول بدنه یاتن ته وائي، او په عربی و (انسان) یاد انسان وظاهری شکل ته وائي، یا (خبره) چه دعربي کلمی (خبر) خخه اخستلي سوی ده، او دارنګه نور، بدل شوی مغناټ وهفو مغناټو ته وائي چه دپر دوزبوب خخه په پښتو کښ داخل سوی دي، لیکن په شکل یا حروفو کښ ئي تغیر یا تبديل راغلي وي، داسی مغناټ پر دوه ډوله دی

(۱) یو هفه کلمات دی، چه فقط ظاهري شکل ئي اوښتل سوی وي، او اصلی معنۍ ئي پر خپل لخای یاته سوی وي، یاتوري ئي پر خپلوا ځایو په هم مخربو حروفو بدل شوی وي، او د کلمي په شکل ئي یو انقلاب ییدا سوی وي، په دی دول کلماتو کښ عموماً ش په بس، ب په پ، ج په ش، ج په ب، ز په ژ، ف په پ بدلېښي، مثلاً د (اشك) خخه اښکي، د (سبک) خخه سپک، د (جوان) خخه ځوان، د (مثل) خخه مثل، د (فراخ) خخه پر اخ د (آبدست) خخه اودس، د (روزه) خخه روزه، د (هیچ) خخه هیچ او د (پیمان) خخه پیمان جوړ سوی دي؛

دویم هفه کلمات دی، چه ئي هم خپل ظاهري شکل بدل ڪړي وي او هم ئي په معنۍ کښ تبديلى راغلي وي، مثلاً د (آسي) کلمه، چه دعربي د (عاصي) کلمي خخه مغناټ سوی ده، عرب (عاصي) گډهکار یا باغوي ته وائي، لیکن په پښتو کښ (اسى) بچيل ته وائي، او د (تاو) کلمه چه د (تاب) خخه مغناټ سو په ده په یادرسی (تاب) وقهر او (تايدن) ته وائي، لیکن په پښتو کښ (تاو) شدت، تيزى او سوزش ته وائي، مثلاً په پښتو کښ وائي (احمد په تاوزغا ست) یعنی احمد به شدت وتيزى می دوید، (خوله هي تاو کوي) دهنم سوزش میکند، او (ناره) چه دعربي د (نره) د کلمي خخه مغناټ سو پي ده، دغه رنګه دېری کلمي دعربي او فارسي خخه مغناټ سو پي ده، او په

ڀنتو ڪبن ئي داسى ڄاي نيولى دى ، چه اوس موز هفه ٿول د ڀنتو ڪلمات گنو ، او بنت سوي مفہمات و هفو پرديو ڪلماتو ته وائي ، چه ڀه ڀنتو ڪبن ئي ڄاي نيولى دى او د حروفه ڀه ترتیب ڪبن ئي داسى تغير او تبدل پيدا ڪري دى ، چه شکل ئي د لمپي حالت ڄنڍه بالڪل بدل سوي وي ، مثلا د (آزمایش) ڄنڍه ازمويشت ، د (فاتحه) ڄنڍه پاتا وغيره .

### دخيل ڪلمات

دخيل و هفو ڪلما تو ته وائي ، چه ديردو ڙبو ڄنڍه ڀه ا صلي شکل او معنی ڀه ڀنتو ڪبن داخل سوي دى ، او آخر د ڀنتو ڙي جزو گرزيدلى دى ، داسى ڪلماتو ته اوس موز پردي ڪلمي وي لاي نه سو ، بلڪه د ڀنتو جزوئي گنو ، چنانچه دغسي ڪلامي ڀه هره ڙبه ڪبن سته ، او اوس دھفي ڙبي جزو گرزيدلى دى ، مثلا ڀه عربى ڪبن ديرى (لاتيني) او دنو رو ڙبو ڪلمي داخلی سوي ، او د عربى ڙبي جز و گرزيدلى دى ، اروپائى ، ڙبو هم دغسي ڪلامي ڀو دبل ڄنڍه اخستي دى ، ڀه ڀنتو ڪبن هم دغسون ڪلمي سته ، چه دنو رو ڙبو ڄنڍه اخستي شوي دى او اوس د ڀنتو ڙي جزو گرزيدلى دى ، موږ بايد داسى ڪلمو ته پردي او ڀگانه ڪلمي و نه وايو ، مثلا د عربى ڄنڍه ديرى داسى ڪلمي ڀه ڀنتو ڪبن داخلی سوي دى ، لکه (ابا) او (خلاص) چه ڀه عربى ڪبن هم ڀه دغه معنی او شکل سره راحي .

لنده داچه مفہم او د خپلي ڪلمي ڀه ڀنتو ڪبن ديرى راغلي او د ڀنتو ڙبي جز و گرزيدلى دى نو داول ڪلمات د ڀنتو ڄنڍه اري ڪول ، ڳويا د ڀنتو ڙبي سرمائي ، لٻول دى ، او دارنگه ڪلمات نه ڀوازى ڀه ڀنتو ڙبه ڪبن داخل سوي دى ، بلڪه د دننيا ڀه ٿولو ڙونديو ڙبو ڪبن ئي ڄاي نيولى دى ، او اوس دھفو ڙبو جز و گرزيدلى دى ، مثلا ڀه انگليسي او فرانسي ڙبو ڪبن دير د (لاتيني) او (يوناني) ڙبي ڪلمات دخيل سوي دى ، او اوس ددي ڙبو جزو گرزيدلى دى ، و گوري و پادسي ڙبي ته ، چه نيم ڪلمات ئي د عربى ، ترکي او نورو ڙبو ڄنڍه اخستي دى !

### د فعل خواص ڀه ڀنتو ڪبن

ڀه ڀنتو ڪبن ڪله فعل ڀه لحاظ د تند ڪير او تانيث ، مفرد او جمعي د خپل فاعله سره امه لري او ڪله دخيل مفعول سره ، مثلا زه ولادم (من رفت) ما احمد وواهه (من احمد رازدم) ڀه لمرى جمله ڪبن فعل (ولادم) د صيغي ڀه لحاظ د خپل فاعل (زه) سره امه لري ، او ڀه دو همه جمله ڪبن فعل (وواهه) د خپل مفعول (احمد) سره امه لري ، او هم دغه رنگه حليمه راغله (حليمه آمد) ، ما حليمه ولidleh (من حليمه راديديم) ، ڀه لمرى جمله ڪبن فعل (راغله) د صيغي ڀه لحاظ د خپل فاعل (حليمه) سره امه لري ، او ڀه دو همه جمله ڪبن فعل (وليد) دخيل مفعول (حليمه) سره امه لري ،

د فعل تعلق د صيغي په لاحاظ د خيل فاعل او مفعول سره ، خاص د پيشه د مزايا و خفه دی ، چه په نورو ژبو کبس ه راخي ، دغه رنگه په پيشه کبس صفت دند کير او تانث ، مفرد او جمعي د خيل موصوف سره اده لري ، هر رنگه چه موصوف وي هغرنگه ئي صفت راخي ، مثلاً کوز لر گي ( چوب کچ ) کاپ لر گي ( چوبه اي کچ ) کبزه لبته ( خمچه کچ ) کبزې لبته ( خمچه اي کچ ) او به پا د سو کبس د تو لو د پاره فقط ( کچ ) راخي ددي خفه بنه بندکاره کبزې ، چه پيشه يوه قديمه او پراخه زبه ده ، ده دول علمي او اداري استعداد په کبس سنه ، او ده مطلب دادا کولو د پاره مستعده ده ، کئي موږ په سنه او صحیح دول روزنه و کو ،

د فعل او د صفت د خواص او د پيشه د نورو مزايا و مفصل بیان د پيشه يه گرامر کبس را غلي دي کئي خوک غواړي چئي سنه و خپل مخانه معلوم کي د پيشه و گرامر ( قواعد پيشه ) ته دی رجوع و کي ،

### دلیلک او دویابو یو والی

يه اکشرو مشرقي ژبو کبس د لیکللو او ویابو محاوري ډېرى پېلى پېلى دی ، او هر خوک چه زبه ویلائي سی نورو ته بايددي چ دلیلک د پاره نور د تحریر او لیک اصطلاحات زده کي ، او ډېر مخله چه یوسپی ديوه کاغذله رویه عواموته یوم مطلب وائی ، هر کله چه دلیلک او ویابو اصول ئې سره جلادي . نودوي نه یوه هېزې ، او عوام مجبور دی ، چه دویونکو او لیکونکو کېد لو د پاره د تحریر او لیک اصول او قواعد زده کي ، نویه دی دول په اکشرو ژبو کبس مبتدی دو ه کاره لري ، یوه خوبه محاوره او دېزې ویل زده کوي ، بل په دلیلک او تحریر پېله محاوره او اصطلاحات زده کوي ،

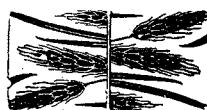
ډېر مخله هغه سپري ، چه زبه ئې دلیلک او کتابت له رویه زده کېري وي ، دعوامويه زبه نه یوه هېزې مثلاً په پا د سی کبس ( ميشه ) د ( میشود ) پر مخای او ( فرای ) د ( فرود آی ) پر مخای او په دلیلک هغه خوک چه د کتابت له رویه ئې زده کېري وي ، کورت دعوامو په محاوره نه یوه هېزې ، او دېزې په زده کېه او لیک کبس ډېر اشکالات ور پېښېزې ، له شه مرغه زموږ پيشه داسي نده ، موږ چه هر خه په خوله وايو ، هغه په قلم هم لیکو ، لکه خنۍ او پاڼي ژوندي ژې ، د مسطور او مفهوم تر منځ ئې چندان فرق نسته ؛ دا زموږ دېزې یو د ټه شه دېي مزيت دی ، موږ بايد د اښېگه د لاسه ونه باسو ، او زموږ لیکونکو بايد د مسطور او مفهوم فرق ونه کي ، او زبه د اشکالات او و خواته کبس نه کي ، د لته زه یو مثال هم لیکم ، یو سپري وي بل دوست ته په زبه وائی ( پرون زه ستاسي ڪره در غلي وي ، ته نه وي . سبا به بیا پر پېنجو بجو درسم او تابه ووینم ) :

دامطلب کدغه سپري په قلم سره ولیکي ، نو به هم کته مت دغه عبارت لیکي ، په دی دول زموږ دېزې انشا ولیک خورا آسانه دی . او هر خوک ، چه زبه او لیک ئي زده وي ، هغه خپل مطلب د مكتوب په دول بنه لکلائي سی ، او هېڅ اشکال ور ته نه پېښېزې ؛

## د پښتو ژبې ځنۍ خصوصي شیگردي

اوس چه دژبي دیالى لمرى مرحله ده ، او اوستني ادباګویا ژبه جوړ وي ، نو بنائي چه دوي ودي خواته ډيره توجه ولري ، چه د ژبې لیک اولوست ، لکه چه اوس په طبعي دول سره یو اوژندي دي ، سره لیرى نسى ، په دې ڪښ زما مطلب دانه دي ، چه موږ آڙ به دادبي پالنى خخه راوګرزوو ، بلکه مطلب مى دادى ، چه موږ به بايد پرهنې لاري بوزو ، چه د ژبې عنصر او فطرت ئى منى ؟

منلا هر ګله چه پښتنه يو مساوات پسند قوم دي ، او هر سڀي يو ملي غرور لري ، نوددوی په محاوره کښ تکلیف گډسوی نهدي ، یوه سڀي ته ، ڏيوه سڀي خطاب کوي ، او ډيروته دهیرو ، دوي دتکلیف او تصنع په ډول یوه سڀي ته (ناسى) نه وائى ، نوز موږ لیکو نکى بايد د ژبې دا خاصیت و ساتي ، او دېر دو په تقليد ، د ژبې دا خاصیت د لاسه ونه باسي .



## دېښتو د نشر تاریخی تطورات

او

### د نشر لیکوننکو تذکره

لېکو نکى بناغانلى؛ قیام الدین «خادم» دېښتو تو لې د تالیف د شعبىي مدیر

نمىكىنى خېرىي؛ - پە دې كىال كېنى مۇ دىخداي تىعالي پە مىرسىتە دېښتو د شعر پە باب يوھ منصلە « د شعر او تذكىرە » ولىكىله . پىدى تذكىرە كېنى فۇ دې د ( ۱۵۵ ) دېښتو شا عرا نۇ ذكر شوي دى . ددوى دژوندانە حال ؛ ددوى ادبىي كار نامىي ؛ سره دمىسىل دېپودلو اود كلام دەمۇنى ؛ او سره ددوى و كلام تە دېتىقىد او تحليل پە نظر كىتلۇ ؛ او دېښتو د شعر د مدرسو او دەھنو دەۋئىسىتە دېپولو او دەھر مىكتې دخواصو يانالۇ او دەپەر ور كو شاعر انۇ درايىدا كولو او زۇندى كو لو كىار ، پىدى تذكىرە كېنى ، خۇمەرچە پە دې وخت كېنى مەككەنە وە ؛ اخىر تە ور سېد . اميد كىاوه شى چەپە دې كوبېش سره بە مۇنېز دېښتو داھىأ دامىد وارانو وۇقۇمندانو ترضىيە تۈرىيە حەددە حاصلە كېرى شو !

چەپە چاتېر وى يايپە دې زىمەنە كېنى خىير شوي وى ؛ هەنە پۇھېزى چە دا كار خۇمەر گران دى ؛ خۇمەر خولو توپولو او مغۇر خۇلۇتە پىكىن ام تىيا دە ؛ نە پە دې حال كېنى چېر تە كومە مەكمەلە تذكىرە شىنە ؛ نە پىدى بايتكىن چېر تە چا كوم مەممۇن لېكلى دى ؛ اونە ور تە داوسە پورى دچا پام شو يىدى چە گۇ ندى داھم دېښتون ملىت تە كوم اسا سى خەمت كۈل دى . سره ددى ۋەلو مشكلا تۇ مۇنېز زىيار بشكلى دى يەقىتە مو كېپەدە : چېر تە مۇيۇ غەزلى پە لاس راغلى دى ؛ چېر تە مۇيۇ بىلدە مۇندىلى دە ؛ چېر تە مۇيۇ يانە ؛ يوھ رسالە ؛ اخبار يابۇزۇد دىوان پە لاس كېپوتى دى ؛ داتۇل مۇراغۇنە كېرىدى . يامو پە دې باب دخللىكە رواياتو ھەم اخىذ كېرىدى . خىيل ذوق موھم ورسەر گە كېرىدى . داتۇل مۇيۇ تىبلە سەنچولى دى - حاصل داچە دىۋەتكى دىيدا كولو او يار وېبانالۇ دىبارە سوونۇ او زر گۇنۇ يانۇ ادۇلۇتە اد شو ئى يو . تىر دې چە يو دىوان مۇنېز خۇ خۇ زە دەختىلفۇ مقا صە دىبارە يانە يانە ادۇلى دى . اوپە بېل بېل بېل مۇدېپل بېل ذوق پە اثر كېنى غور كېرى دى . چە خۇ دا « تذكىرە » پە دەغە شەكل او صورت مەرتىبە كېرى شوھ !

پە دې قصە كېنى زماڭرۇض داندى چەتېر كار وستايىم . بلەكە مقصد مى دحال اظهار او دىۋىي بلى نكتى ذكر دى . هەنە دادە چە لە دەغە درونە كار خىخە ھە يوبىل درونە پېتى يوازى زماپە

اوزواينو دل شويدي . چه دادروند پېتى عبارت دى « دېښتوندئر » « دئتارانو دندکري او تاریخ » خنځه ! - دشراو او په تندکره کېن ملګرو پنه کومک سره کړي (۱) مګر داکار یوازی ماته سپارل شويدي . مشکلات هماغه بلکه ترهفي زيات ؛ اوژه ورته بې ملاتپه يم . نوځکه په دي وارهم که زه دذوقمندانو توجه جلب کړي شم . نودا به زما پوره نیکختي وي !!!

دايوه په هم درته وايم چه کوم وخت سپری و غواړي چه په داسې يوه لاره لامشي یا په داسې يوه زمينه کېن لاره وباسې چه دېغوانه پکېن چېرته يوبل هم په ستړگو نه راځي ؛ نو ډېر زله داهم کېږي چه په شادو وادو سرشی .

اودا هم کېږي چه لاره ورکه کړي . اودا هم کېږي چه اخوادي خواسرګومه ګرځي اوډېر پس ته مقصده ورسېږي . داوروستنۍ خبره خوماته دdasې يو تلو نکي دياره چه مخکښن مو ورته اشارت وکړ ، ضروري برېښي !

ولې په دي تګن کېن چه کومه فائنه ده هغه داده چه دټومي حیات په اساس کېن يو ه نوې تېزه اينو دل کېږي . یافلا دیوې نوي نظرې په یامفکوري زمينه تهیه کېږي ! نوځکه په آخره کېن عرض . کوم چه که زه په خپلو افکارو کېن مصیب و م خوبنې ، اوکنه ، نود استاسو په ذمه ده چه داصلاحی تنقید په ستړگه ورته وګوري ، نه دافتخاري !!! - دا « دئتارا ونټارانو تندکره او تاریخ » په هماغه اساس لیکل کېږي چه پورته مو دشراو او دندکري په موضوع کېن دهفي بيان وکاوه .

### مقصد

زه غواړم چه خپل مقصد دابتدانه دعاصرینو پوري په لس برخو وویشم چه اوستونکو ته مقاصدېه صرت په لاس ورشي اوژه هم له اختلاطه خلاص شم ؛ او هغه مکرراتونه اړنه شم چه دلو ستو نکو دخوابدي . او کړ کې سبب و ګرځي !

### لمړۍ برخه ؟ پښتو په پخوانېو اعصارو کېن .

پښتون قام د آرین دنزا د یوه پېنه ده ، دتاریخ د محققینو داري یه ده چه پښتانه ده ملي خاورې اصلی او سپدونکي دی ، چه دفاتح پريه قومود لاسه ، یاد هفوی د مقابلي ، او مدافعي د پاره ؛ د پښتو نخوا غر نيو برخو ته لکه غورات ؛ د سليمان غره شو کې ؛ د هندو کش لمنی ؛ یالکه دسوات ، با جورد ، بشير ، او ننگر هار غرونه ؛ دغو څایو ته تللى اوختلی دی . هواری او ابادي ځمکې له دوی خنځه اخستن شو يدي .

(۱) خصوصا دندکري دليکلو زيات فضل بناغلي « جيبي » د پښتو تو لې مدیر عمومي ته راجع دی چه شخصاً بې ډېر زيار ګټلي دی .

کلونه کلونه اوپیری-پیری- دوی دیر دو فوموسه جنگونه ، او جگپری کپریدی . هفه وختونه زمونبر ندی یاد ، او مژرخین هم مونته پوره پته نشی را کولای چه کوم وخت دوی یه هوارو او با بادو کبن او سپدل ؛ او دیو مدینت خاوندان وو ؛ هفه وخت دوی ژبه به ، خه لیک او خه قسم تهذیب در لود . مگر خلورزره کاله پخوا دی قام نوم اخستی شویدی . دی پیشتو ژبه یعنی پیشتو هم داریائی ژبو خخه یوه مستقله او خانه ژبه ده . (۱) هفه وخت دی ژتبی ادبیات لرل . خطو کتابت یه در لود . مگر دفعه صورت او دفعه جامه یه نه و چه نن ده . داخبره بهله پوره و سیپله شی چه دهه وخت کشی اوانار چه شته دی ؛ ولو ستل شی اوت طیق شی .

پس له هفه وخته مسلمانان دعر بو دسر زمین خخه دی حکمکه را اور سپدل ؛ په دی وخت کبن یوز بر دست انقلاب او تحول جاری شو . معبدونه خراب شوه . بتان مات شول . مذهب به بل مخ وا ووبت . مدینت او تهذیب به گانه واغو سنه ، هر کله چه دانقلاب یو عقیدوی او احساساتی انقلاب ؤ ؛ نو دهه وخت هر خوشه اثار او آبدات چه وو ؛ قول له یوه منه محوه کری شو . خکه چه داد هفوی وظیفه وه ؛ چه داسی یه کری واي ؟

تردی و روسته و رو و رو قوم دنوی تهذیب سره اشنا شو او اسلام راویه هر خه یه و متن په دی عصر کبن چه کومه نسبتاً زنه دوره ده ؛ هفه دغز نویانو عصر دی . په دی عصر کبن پیشناهه ییغی پیر یاد شوی دی .

کله پیشتو دخله محمود پسی توری را اخستی دی ؛ او دی یه خپل دیشمن گنلی دی . او کله یه دی محمد ننوا تی ملنی دی او دده دلپنکر سره گه شوی دی ؛ او و سطی ایشایی ورته دبخر هند دسو احلاو پوری په لاس ور کپریده . پیر پیشناهه دی محمد په وخت کبن یه لو یو لو یو عهد و مامورو - هیشکله سپری نه شی ویلای چه گوندی دغه وخت پیشتو نو وه یایی خط و کتابت نه و . مگر دایقینی ده چه درباری ژبه نه وه ، خاص دی پیشتو ژبه وه .

محمود غوښتل چه دعربی دامحا په سبب دعر بو تسلط له خپله سر ه خخه کم کری ؛ او د استقلال نقاره و دنگوی . نو یه له دفتر و خخه عربی و اپستله ؛ او دهه نهای یه پادسیه ته ور کر ؛ دهندوستان قول سره او سپین یه دی پیشتو دتور یه زور را ودل او وه غرفی کبن یه دی پادسی په شاعرانو پشنل .

معلوم پزی چه پیشناهه یه دی خبر و اجمالا پوهبدل او له دغه سیاسته خخه یه بدر ازاله . خکه به کله دسلیمان دغرو او کله دننگر هار او کله دتور او سپین ترین له غرو خخه بغاو تونه پوره کپدل . لاري به یه شوکولی . شاهی خزانی یه تلا کولی . اور قم رقم چارپی به یه کولی

(۱) ودی کشلی شی ۱۳۱۲۵-۱۳۱۴؛ ۱۳۱۳؛ ۱۳۱۴-۱۳۱۶ یه سالنامه کبن دیناغلی « زمریالی »

او شناغلی یعقوب حسن خان مقابلي .

دهه وخت لا دېپېتتو په زهونو کېښ خه وو، خومړ کنزيې نه درلود چه ددوی دمافي الضمير شرح ورته وکړي؛ او نصب العین ورو تاکي.

ټېږي مودي بیاد غسې تېري شوي. او بیا د (۶۲۰) حمدو د کېښ ډچنګیز چپا هم راغي دي سیلاپ د اسلام د عصر مدنۍ او تهذیبی اثاري ډول. بشارونه لوټي لوټي شول کورونه وران شول مدرسي په طیبلو بدلي شوي. کتابخانې وسیع شوي. لکونه او کروډونه انسانان د تورو رو خولو وايسل شول - چه خو نوبت مفو لوته په لاس ورغی. دغه وجهه ده چه موښ په لاس کېښ خه نه لرو. دارو بیا دعلم او ادب شو قیان یا به بل عبارت پایتو نکی دماغونه چه دفا ئدي دپاره د مشرق خاوره چې نوی؛ دېپېتتو د ترددوره د مغولو د عصره خنځه شروع کوي؛ څکه چه یوازې د همده عصر آثار لاسوته رامحي.

مګر موښ په دېپېتتو دی آخره کېښ دیوازې موښ دلو موفق شوي یو (۱) چه زما په فکر دا زېست ټېږي قيمتي اثر بل کېښي. دا اثر (۶۱۲) هجری کاله یوري اډه لری؛ چه د (غور یانو آخرني) عصر دی. نو پیغوا کزموښ دزېبي د تاریخ د هجری کمال زرمېي پېړي. یعنی (۳۵۹) کاله نځکښ نېټې ته رسپدی؛ او سددی اثرې لحاظ شېښمي هجری پېړي. یعنی (۷۴۷) کاله نځکښ عصر ته رسپد. گوړایو په دوه شو.

دا اثر چه موښ په یادوو، ديو کتاب خو متفرقې یا نېټې دی چه هم تشریف او هم نظم او دهه وخت دېپېتتو بزرگانو او او لیاواز کر پکښ دی، یعنی دهه وخت «تذكرة الاولى» حسابېښي. هر کله چه زما په نزد دا اثر ټېږي اهمیت لری نو یو واره ټول کړت مې دله نقل کړو. او بیا به ورباندی خېړنه وکړو.



#### او له پاڼه

«وایم حمداو سپاس دلوی خاوند، او درو د پر محمد مصطفی صلی الله عليه وسلم، چه دی بادار د کونینو او رحمت د تقلینو؛ لوی لوی رحمتونه دوی دهه وخت» تذكرة الاولى حسابېښي. جهانه پر دوی دی رو بشان.

اما بعد، زه غريب خاورې سلیمان خوی دبارک خان ما کو صابری چه په وياله د ارغسان او سېښم او په دې مز کو پاښېزم. په سن دو ولس شېښ صوه د هجری تللى وم، او دېپېتغا (پېښو نخوا) په راغو او کلېيو ګرځیدم، او مرافق د اوليا او واصلينو مې پېښل؛ او پر هر لوری مې کاملان موښل؛ او د دوی په خدمت خا کپای وم؛ او هر کله په سلام ورته ولاړ:

(۱) دا اثر بشاغلی عبدالحکی خان «جیښی» موښل دی.

چه له دی سفره په کورکښ کېپنسم ، او تهنا کې می وچاودی دېتیو . بیا پاخپدولم ، اوله  
خېتنه می مرستون شوم چه احوال دهفو کاملاً نوو کا زم ؛ او دوی چه همه ویناوي پانه کړی دی  
او پېشنه يه لوی او س .

### ذکر قدوة الواصلين شيخ مشائخ بهمنی

چه دخداي یه پېژند ګلوی . تر تو لو اوی و او بزرگ . نقل کاندی چه شیخ بهمنی  
هو سپد په غره دکسی باندی ، او هله دېره (و) او ده به هر کله خېتن باله ؛ اوروزه به و .  
په شيو به دخداي په عبادت بخت به و .

#### دو همه پانه :

« نقل هسى کاندی یارانو چه په روزگار دشیخ بېتني کښ دده ورور چه سړین نو مهد ،  
او پر شیخ هم خورا گران و . سړین نه درلو زامن . او هر کله به (ئي) ويل خپل ورورته .  
بېتني خپل خوي اسماعيل ور کاوه ، اولوي شو دسربن په کاله . خداي مهربان د اسماعيل  
په برکت سړین ته نصیب کړه دوني زامن چه او س تروس تېر شو ګيونون دهفو . د اسماعيل  
مرقد مبارک واقع دی دکسی په غره ؛ چه زه هله تللى و م  
نقل کاندی چه پېتني سپین بېری شو ، نوده به هر کله خېتن ستایه ؛ او رب ته به (ئي)  
در خواست کاوه ، چه زما په کاله او د سړین اوغر غښتی په کول کښ برکت کېپن ده .  
بادار قبول کړي دده در خواست ؛ اردا که شوه منزه دېښتغا (پېښتو نغوا) ددوی په کول .  
نقل کاوه شی چه شیخ بېتني به دېر ترڅېره داستندي لواولي ، او دکسی غره کښ به ګرځښ په شېي :

ستا په مينه په هر خا یه !  
لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه !

غرو لاډ دی در ناوي کښ  
ټوله ژوی په محاري کښ

د لته دی د غر و لعنی  
زموز کې بدی . دی پکښ پلنی

دا ګړي په دېر کړي خدا یه

لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه !

د لته لې زموږ اور بل دی  
وو دکور ګکي دی وو دبور جل دی

بل د چا یه مله تله نه یو  
مینه ستا کښ مو زمیشته یو

هسک او مز که نغښته ستا ده  
د مړو و ده ، له تا ده

دا پا له ستا ده خدا یه !

لو یه خدا یه ، لو یه خدا یه !

دریمه یا یاه :

( اسماعیل )

( ملکیار )

نقل کاوه شی چه په روز گار غازی شهاب الدین ، چه په کهر یر غل وو ،  
شیخ ملکیار چه غر شین ستانه وو ، هم ملگری و دشهاب الدین ، چه په ھیلی کنن هفه ستر  
واکمن تا توین ورو بنا نده ؛ او هم هوری مړ شو . نقل کاوه شی چه په جوبله کنن مسلمانان  
تر بنا ولا نده ؛ او کفارو بری و کټو لری نه وو چه مسلمانان شی د کفارو به کتارو پنا ،  
او دینه بری و کړ ؛ چه ناخا په شیخ ملکیار راغی ، او پر دینه (ئې) یر غل و کاوه ؛  
او ھېر زشت (ئې) ووژل . نورو مسلمانا نو هم د ملکیار ترا مدح توری و کښي ؛ او سر ه  
ومرودل (ئې) دینه . ستر خبتن دوي ته په مړانه دشیخ ورکړه لو سو به او بری چه یخوا هم  
نه وو به برخه شوی دچاهیشکله په هیش نخای کنن یه جوبله کنن ملکیار دایار کی وویل ، چه غازیان  
وبار پدل ، او په خبر دزمريو ورتوي شو :

خپتن مو مل دی اوس مو یرغل دی هـواد دبل دی

غاز یا نو گوری خپتن مو مل دی

توری تیری کړی دین مو پر ېکړی منګولی سری کړی

خله به تېټو - خپتن مو مل دی

که قینګ کړو زدونه - پر بری یونه - چه زمری یونه .

اسلام را خخه دی خپتن مو مل دی

غازیانو راشی - تول شاوخوا شئی - دشهاب پر ملا شی

دشهاب پر ملا شی - خپتن مو مل دی

❀ ❀ ❀

نقل کاوه شی چه شیخ ملکیار ستانه به تل تله دشیخ اسماعیل ستر ستانه پاډ کې و یل ،  
او زغ به (ئې) کاوه . داشیخ ( اسماعیل ) دسرن څوی و :

تېټه و کړه له ابلیسه

چه ابلیس لعین شکاره شی

تول نړی توره تیاره شی

سپری وران شی له ابلیسه

غوش دیس په کتاره شی

که هر چا ابلیس خرڅ کړ

نو بې هله ننداره شی

که سپری ابلیس ته پېشو  
نو پر کور دویر ناره شی  
( نور نشته )

خلورمه پانه :

( قطب بختیار )

نقل کاوه شی چه بختیاری ستر ستانه و ، له ده نه سر گند شوی دی هفه کرامات چه  
مو و کبیل اوو ( مو ) اویل موسی چه ستر پلازو دقطبع ، تللى وله بختیار او خخه او میشت و پراپواد  
وچه سند باله شی ، لرغونی برخه خوی دموسى شیخ احمد ته لوی ستانه ور کړ شوی ( و )  
دسترن لاس ( ئې ) ونیو و ګروهېد ، او پر نړۍ دستن زغوغه ، او د خدای وګړیه به ( ئې ) را بل  
په سعی ، خوچه بعیاشو دو ګړي .

بختیار په پېښتو سندري کړینه ، او بشې تو یو ینه ، خدای ته ناري کړي ، غلبای کړي ،  
پاډ کې لرينه ، چه یو ( ئې ) دادی :

راته و ګوره ملو کې !	و ہرمی زمده سوری سوری کړي
له خوبزمنه زدگی کو کې	په پېلتون کښن دوباسم
راته و ګوره ملو کې !	راته و ګوره ملو کې !
هر ګړی می زدگی سو خی	دېلتون او رونه بل دی
سو خم زه لکه پېلو خی	اپسو نی یمه د مینې
راته و ګوره ملو کې !	راته و ګوره ملو کې !
اور زما په زدگی بل دی	غورد ولی دا وربل دی
په اور سوی می کو ګل دی	زه بختیار خاورې ایرې شوم
راته و ګوره ملو کې !	راته و ګوره ملو کې !
( نور نشته )	

دا وي هفه پانې چه دېخوا او آثارو خخه زمونې په لاس کښې توی دی . او له ، دويیه ، دریمه  
او خلورمه مو ځکه ویلی دی ؛ چه اصلی پانې خلور دی . مګر په دې لحاظ چه دغه اصلی  
خلور پانې مسلسلې نه دی . نومونې دهري یوې پانې مضمون علیحده کړي دی . او د دې دیاره  
چه مضماین سره ګلود نه شی داول ، دویم ، دریم او خلورم په لمبر موسره مشخص کړي دی  
په اصل مضمون کښ چه کوم لفظونه په فوس کښ لیکلی شوی دی دا زمونې زیادت دی ؛  
اصل عبارت نه دی .

له بنه مرغه دغه پانی چه زمونز لاس ته راغلی دی له خو خواوشخه داهمیت و مددی . یو خود داچه ددبنه دیوقدمیم پیشتو کتاب چه داشر په جبت قیمتی شی دی ؛ خرک ولگبید . بله داچه په دی کبس دخورا مهمو کسانو ذکر شوی دی . اوده هنو ادبی نمونی یې را نقل کړپی دی . چه زمونز ادبی حیات زربایوالس سوکالوته رسوی .

په دی تپرو خو پانو کبس خلور نظمهونه راغلی دی . یو دشیخ پیشتو دخولی . دی دویم دشیخ ملکیکار له طرفه دی . او دریم شیخ اسماعیل ته منسوب شوی دی . او خلورم دشیخ بختیار له جانبه دی نو که دا نظمهونه دهمده کسانو وی لکه چه دا صریعه ده ؛ نو دیشتو دنظم ابتدادوی عصرته ورسپدہ ، او که خینی دبلجاوی ؛ لکه چه داهم احتمال لري ؛ نو دانظمهونه بهدوی عصرته دیخوا انو شاعرانو خنخه خوله په خوله رارسپدلي وی . نویه دی صورت کبس دیشتو نظم ددوی دعصر خنخه هم و ماندی و وکھی .

اوی گورو چه دا کسان خوک دی ؟ -

(۱) شیخ ملکیکار : دغازی شهاب الدین غوری معاصر بنو دلشویدی . شهاب الدین دهجرت دیشخی پېړی په حدودو کبس تپرو شویدی .

(۲) شیخ پیشتو اوسر بن دواړه ورونه دی . او د عبدالرشید قیس بابا خامن دی . اودخینی روایاتو په لاحاظ عبدالرشید دخیر القرون (عصر نبوت) معاصر دی .

(۳) په دی پانو کبس دغرغونښت نومه راغلی دی . غرغونښت دیشخی او سربن ورور او دقیس عبدالرشید بابا خوی دی . واپس چه قیس بابا دومبی په غور کبس استو ګنه اره ، او وروسته د کسی غره ته چه (کوه سلیمان) یې هم بولی ؛ راغی ، دله یې دغه دری خامن پیدا شوه اوددوی له پیشته دغه موجوده انساب او قبائل پاتی او خپاره شول .

(۴) شیخ بختیار دی چه له بختیارانو خنخه دی .

په هر صورت ، داروایات هر خنگه چهوی مګر دیشتو نظم تخيينا یو ولش او دلوس سوکالوته رسپنځی . علاوه ددبنه ، کمنزدی شعرتہ په ادبی نظر و ګورو ؛ نو یومتر قی او پیو شعر معاونه هیزی ؛ چه دن ورځی دشعر نه یه کمه ندی . نو داهم دیشتو دشعر او ادب په قدامت دلات کوي او خر ګندېزی چه تر دی دغه هم په دیزبه کبس ادبیات وو . چه موذن ته ده هو په نشتہ (۱)

خینی ادبیانو دخوشحال خان ددی بیت نه چه :

(۱) د تفصیل دیاره دنبلاغلی « جبیی » هغه مقابلي ته مراجعت و کړی چه د مقدمی په قول ټی د شعراو په تند کړه لیکلې ده ، او چه په دی سالنامه کبس هم دیشتو ژبی دشعر دسبکو نو د تاریخچی په عنوان نشر شوبده « خادم »

« بندو بست دیپنتو شعر ما پیدا کړو ګنه شعر دیپنتو وغیر سال »  
 دا معلومه کړېده چه ده پدې بیت کښ دیپنتو دشعر تاریخ بنو دل دي . داسې چه پېشتو د ابجed  
 په حساب (۷۱۴) کېږي . سال چه حساب ئې (۹۱) دی ؛ چه تر (۷۱۴) ئې ټفر یق کړو  
 بافو (۶۲۳) پاتې کېږي .  
 نو ګویا دادیپنتو دابتدائی شعر تاریخ دی . چه له هفه وخته تراوسه یوری (۷۳۱) کا له  
 هجری قمری کېږي (۱)

دا تاریخ سلیمان ما کود تذکرې نه یوولس کاله وروسته نېټه بشې . مګر په دې ، مو نېز  
 ځکه اتابار نشو کولاي چه دخو شحال خان دایت په دې حساب او یه تاریخ بنو دلو کښ صریح  
 ندي . بله داده چه د « سال » کلمه چه په دې بیت کښ راغلې ده ؛ کېډای شی چه په اصل  
 کښ « سیال » وی نو معنی به ئې داسې شی چه دیپنتو دشعر بند وبس او نقش و نگار  
 ما پیدا کړو ؛ که نه ، نو دیپنتو شعر دچا سیال نه و ؛ لکه چه عبدالقادر خان د خو شحال خان  
 څوی وايی :

« خان خوبزه کړه تر پارسی عبدالقادر ! ڪه ڀخوا و ه تر خه ژبه د پېشتو »

● ● ●

دیپنتو داد پیاتو دنظم اوښر ، قدا مت شو دل زما ضمنی مقصد دی . ز ما صریح مقصد  
 « دنتر تاریخ ؛ اودنثارانو تذکرې » ده . نو په دې لاحاظه ډومې سرې چه مو نېټي تېر په لاس  
 کښ لرو سلیمان دبارک خان ما کو څوی دی . اولکه خر نګک چه ده خان شو دل دی ،  
 دی دار غسان دی .

ارغان د فندهار شمال مشرق ته یوه علاوه ده چه لم رخانه پلوله ئې کما کړ او جنوبي  
 خواته ئې غلېجي اقوام اوغربي خواته ئې د فندهار حصص وافع دی . داخلai دیپنتو یخوانی  
 درېمی مېنه ده . سلیمان په قام صاربی دی . چه دمکو قبېلې یوه پنه حسا پېږي ، او دفعه  
 قومونه تراوسه هم په ارغسان کښ اوسي .

او لکه افضل خان خمک چه په تاریخ مر، صم کښ لیکی ، دار غسان دویالي غادي  
 هم دیپنتو یخوانی مسکن دی .

### د سلیمان دنتر خواص :

الف ، - دا تند کردا الاولیاء چه سلیمان ما کولیکلی ده ؛ دنورو ډېرو پېشتو تالیفاتو غوندي  
 د مذهبی احساس په اثر کښ لیکل شو پدہ .

(۱) و ګوری د باغلی امین الله خان « زمربالی » مضمون (۱۳۱۵) کال په سالنامه کښ

- (ب) غته خبره چه یدی نتر کښ نظر ته را خی، داده چه یدی کښ دعربي رنگ معلو مهیزی
- جمله بندی اوادائی دعربي دتایر لاندی دی. زه داشم ویلای؛ چه هنه وخت گوندی دپیشتو طبیعی اهنگ دغسی و؛ بلکه کېدی شی چه خیله سلیمان دعربي تعليم یافته اوسي، نوده چه پیشتو نتر لیکلی دی، ضبطاً دعربي دائز لاندی راغلی دی. دسلیمان په عربی تعليم باندی داخبره هم دلالت کوي چه دده په نتر کښ عربی الفاظ لکه قطب؛ فدوه الواصلین؛ مرافق؛ اواداسی نورشته او صحیح خبره داده چه په دغه وخت کښ پرته له عربی خخه بله دتعلیم ذریعه و هم نه!
- داچه مونږ وویل چه دده په نتر کښ دعربي اثر معلو مهیزی دلاندی جملو خخه په خر گندیزی:
- ۱:- وأیم حمد او سپاس دلوی خاوند.
  - ۲:- نقل کاندی چه شیخ پیشنه هو سپدیه غره دکسی باندی.
  - ۳:- سر بن نه در لوزامن.
  - ۴:- خدای مهر بان داسما عیل په بر کت سر بن ته نصیب کړه دونې زامن چه اوس تروس تېر شو ګنون دهنو.
  - ۵:- دکه شوه مز که دپیشتنا ددوی په کول.
  - ۶:- ستر خبتن دوی ته په مرانه دشیخ ور کړه لو سوبه اوبری چه پخواهم نه په برخه شوی دچاهیش کله په هیچ خای کښ.
  - ۷:- موسی چه ستر پلا رو دقطب، تلی وله بختیارانو خخه او میشت و پرا؛ واد (هواد) چه سند باله شی.

په پورته جملو کښ دعربي رنگ خر گند دی، شوک چه دعربي سره اشنائی لري هفوی پخیله پوهیزی. زه نه غواړم چه دنحو او جمله بندئی د اصولو په بیان چه یو رقم تحصیل د حاصل یې ګفم؛ خیل مضمون او بزد کرم؛ او دلوستونکو دفترت اسباب راغونه کرم.

هو، دوسره قدری به ووایم چه دغه جملی نن ورځ مونږ په پیشتو کښ خه رنگ ادا کوو؛ وګوري:

    - ۱:- دلوی خاوند حمد او سپاس وايم.
    - ۲:- داسی نقل کاندی چه شیخ پیشنه دکسی په غره او سپده.
    - ۳:- سر بن خامن نه در لودل.
    - ۴:- خدای مهر بان د اسماعیل په بر کت سر بن ته دونې خامن ور کړه چه اوس د هنو ګنون تروس تېر شو.
    - ۵:- ددوی په کول دپیشتو نخواستکه دک شوه.
    - ۶:- ستر خبتن دوی ته دشیخ په مهانه داسی لویه سوبه اوبری ور کړه پخواهم هېڅکه په هیچ خای کښ، دچانه و په برخه شوی.

۷- موسی چه دقطب ستر پلارو ، له بختیارانو خخه تللی و ، او په داسې یوهوا دمیشت و چه سند باله شي .

(ج) - دېښتو مخصوص تو روی کتہ مت په هغه اصول او شکل لیکي چه نن ورځ په پېښتونخوا کېښ مروج دي :

مثلاً (پ) ته دلاندي خواخنه یوه کړي وراجوي . (ر) او (د) ته هم له بشکې یوه حلقة زیاتوی .

(ز) او (بن) هم عیناً ددي عصر درسم خط په دول په لاندي باندي تکو سره لیکي .

(ګ) ته دپاڅه علامه نه ور کوي ؛ لکه یه پاډسي کېښ چه مروج دي ؛ بلکه د لا ندي خخه کړي ور کوي .

(خ) ته دپاشه درې تکي ور کوي . (ن) تههم دلاندي خخه حلقة ور کوي لکه دنها کي او (گټون) . (خ) تههم دنن ورځي درسم خط غوندي دپاشه همزه ور کوي ؛ لیکن کله ده همزې سره دلاندي یوه نقطه هم ورته بذدي . (کېښ) یعنی دظرف کلمه په کاف او (بن) سره بي له (ې) نوشته کوي . یعنی (کېښي) او (کې) نه لیکي . یه کوم خای کېښ ئې (کې) هم لیکلې دی ؛ مګر دېر کم .

(د) - دېښتو خالص لفونه او سو چه محاوري استعمالوی لفونه ئې دادی :

- (۱) لوی خاوند : خدای برگك (۲) ستازی ، رسول (۳) پېښتونخوا : افغانستان
- (۴) کول : نزاد (۵) سندري : اشعار (۶) وس : قوت ، طاقت (۷) ژوی : معنی فعلی زنده ګي ميکند و معنی اسمی زنده را افاده ميکند (۸) وګری : خلق (۹) وود : ريزه ګك (۱۰) کورگي : خانه ګك (۱۱) پاله : پرورش (۱۲) یرغل : چیا و (۱۳) غر شين : نام قبیله ایست (۱۴) ستانه : ولی . برگك (۱۵) ستر واکمن : سلطان ، امپراطور (۱۶) ټونی منزل ، خانه ، جای رهایش (۱۷) جوبله : جنگ (۱۸) دېښته : دشمنان (۱۹) ستر خپتن الله تعالى (۲۰) مړانه : مردانګي (۲۱) سوبه : فتح و کامیابي (۲۲) پاډکي : بکسره کاف ، ابيات (۲۳) هواد : ملک ، وطن (۲۴) لرغونی : پیشینه ، قدیم (۲۵) ستر ستانه : قطب ، غوث (۲۶) لوی ستانه : غوث ، غونیت (۲۷) نړۍ : دنيا (۲۸) خرڅ : خجل ، شر منده (۲۹) پیلوئی : اذخر (۳۰) کوکې : فریادها (۳۱) میشت : ساکن و جا ګير (۳۲) هسك : را معنی اسمان استعمال کرده است .

دالفونه زیاتره دېښتو د استعمال خخه لو ېدلی دي ؛ کوم یوئي چه نن مستعمل دي ؛ په هغې هم دول پېښته نه یوه هېږي . فقط دادیا توله رویه پر موښې یوه هېږي و ځینې یکېښ داسې لفونه هم شته چه یه پخوانو ادبیاتو کېښ ئې هم پته نشه لکه لمبر ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۹ ، ۲۲ ، ۳۲ ، ۲۶ ، ۲۵ ، ۳۲ ؛ لفونه .

په دی خلوروپاونو ڪښ داسې لغتونه هم شته ، چه نهئي دنن ورځي په محاوره ڪښ عموما سراغ کېږي ؛ نهئي دېخوانو ادبیاتو خڅه خرک لګي ؛ اونه موښ په عموما یوهیز و هغه لکه مرستون ؛ تخاری ؛ بومبا .

پښتو متروکې یانادرې محاوري چه سليمان راودي دی ؛ دادی .

ا: خپتن بلل ؛ دعاوی عبادت (۲) خپتن ستایل : حمد و شنا (۳) ورښدل : اعطاء وبخشش (۴) پارېدل : بغضب شدن (۵) رابنه : دعوت (۶) گروهېدل : مزید و معتقد شدن .  
هغه محاوره چه هیچېږي ئې په نشه او موښ هم ورباندي نه یو هېزو هغه د (مله تله)  
محاوره ده ؛ ممکنه ده چه په معنی دېير و وي .

(۶) روانی او عدم اغلاق : سره د دی چه د سليمان په تېر ڪښ د عربی رنگ شته :  
مگردارنگ دومنه کمزوری دی چه دده کلام ئې د فصاحت خڅه نهی ایستلي ؛ که موښ  
ورته خلک ملنټن نکو و ممکنه ده چه خوک ورباندي یوه هم نشي . سليمان اوژدی او یېچیده  
جملی نه مستعملوی . نوځکه دده ترديوی طبیعی مکالمې او مصالحي صورت غوره کړیدی .  
(و) بل یو بارز خصو صیت ئې دادی چه د میان روښان د سبک په شان مفني او مردې  
جملی نه جودوی .

(ز) رسم الخط ئې د عربی په خېردي ؛ د پاډسی د نستعلیق غوندي نهی . په رسم خط  
ڪښ د (و) ، (ه) ، (ی) دیکلو پوره مراعات نه کوي . په ، ځینې لخايو ڪښ ئې لکۍ ،  
او په ځینې نورو ڪښ یې نه لکۍ . (د) ، (م) ، (ی) چه ضمائري ، بې له (ی) خڅه  
ئې لکۍ . په (زمې) ڪښ واونه لکۍ . د (چه) کلمه په (ی) لکۍ یعنی (چې) . د زدہ  
جمع (زدونه) ، (زدون) لکۍ (ه) نه ورکوي .

(ح) دالاندی کلمي چه د گرځېدم ، موښل ، شوم ، هوسپد ، نو پېد ، کړ ، گرځېد ،  
کړۍ ، شې ، شو ، بری و کړ ، زښت ، شول ، خوی ، پېشو ، وینو ، اوښی تویولې ، دی ؛  
په خپل دغه رسم خط سره د زیات اهمیت ویدی لکه چه نه ورځ موښ د ځینو کلمو املا غلطنه  
کړپده ، لکه گرځېدل ، خوی شو چه موښ ئې په (ز) لیکو . هوسپدل ، دی په (ه) لیکو  
او موښ ئې په (الف) لیکو .

دانوري کلمي په دغه املا سره د مصنف د خپل خای لهجه نده .

نوداپه یوسابق اویغوانی ادبی توحید دلات کوي ؛ چه دی په هغه کار بندو .

پرته دپورته یان خڅه چه موښ و کړ ، جارج مار ګین ستون (زموز معاصر مستشر ق چه  
په ناروی ڪښ او سېزې ، او دېښتو دادیاتو په متعلق به مطالعه او تحقیق لري ) په خپله یوه  
انگریزی مقاله ڪښ دېښتو دادیاتو دقدامت په باب داسې لکۍ :

« دراورتی دوینا خخه داسی معلومپزی چه دشیخ ملی ) یوسف زی دخیلو طوانفو اوده هوی دفتورخاتو تاریخ چه دینپور په اوادی او نور و خایو کښ یې کړیدی ، په ۱۴۱۷ ميلادي کمال کښ یعنی ۵۲۳ کاله مخکښ و لیکلوا . دا ، یود پغوانو کتابونو خخه دی چه زه نې یه موندلو موفق شوی یم . مګر دده په باید خوک دا استباط ونه کاندي چه تردی دخه گوندي د پښتو ادبیات نه وو . بلکه په عکس ددی اخون درویزه وائی چه زما دعصره ( ۱۶۰۰ ) ميلادي کاله پوري ، چه دهفي راهیسي ( ۳۴۰ ) کاله کېږي ، ديو سفرز و یه لاس کښ یو مشهور کتاب چه ( پاک ، یا پا کان ) ئې باله ، موجودو . دا کتاب دخو پېړ یو خخه ددوی یه لاس کښ

متداول و (۱)

راورتی دینپور دیوبل تاریخي کتاب نوم هم اخستی دی . دا کتاب خان ګبور اپېږي یه ۱۴۹۴ ميلادي کښ ( یعنی ۴۶ کاله دخه تردی ) او ۲۹ کاله دشیخ ملی دکتاب تر لیکلوا وروسته ) لیکلی دی . راوړی ویلی دی چه ز ما یه لاس کښ دا کبر دعصر خو تصنیفو نه شته دی . مګر متأسفانه دا کبر دعصر اوده هوی نه مخکښ تا لیفانو ذکر نه ، ده په خیل ګرامر او نه دخیلو انتخاباتو په کتاب ( کریشتانتی ) کښ کړیدی . او نه دده په تراجمو کښ د دغونکتابو ذکر شته . او نه زه ددغو دلچسپیو پښتو فلمی کتابونو په موندلو چه دده سره و موفق شوی یم ( ۲ ) - ددغه تپرو کتابونو او مؤلفینو خخه چه مونږ دکوم یو به باب خه نه خه معلومات لرو ، هغه شیخ ملی دی ؟ نوځکه مونږ دخیل مضمون دویمه برخه دده بیان دپاره تا کو :

**دویمه برابر خه . شیخ ملی .**

اخون درویزه یه تند کره کښ شیخ ملی دشیخ آدم بن ملی یه نامه یاد کړیدی . دده معلومپزی چه نوم ئې ( ادم ) دی ؛ او ( ملی ) ئې د یلار یانیکه نوم دی ؛ نوشیخ ملی تقریباً دده فامیلی نوم شو ، چه پدې سره ئې شهرت موندلی دی . ملی دیو سفحوی دی . یوسف دمندی ، او مندی دشیخی ، او شیخی دکند ، او کند دشیر بون خوی کېږي . ( ۳ ) شیخ ملی

( ۱ ) ددی کتاب په پاپ مونږ ته هیڅ خرک ونه لګېډ چه خه و، چا لیکلی و ، یه خه باب کښ و ، او خه شو . داخون درویزه یه تند کره او مخزن کښ هم مونږ ددغه کتاب په باب خه ونه موندل « خادم »

( ۲ ) وګوری دجاجج مار ګین سطرون مضمون دخیرالبيان په باب ( دهند دزوو آثارو ) په مجله کښ نشر شویدی « خادم »

( ۳ ) تند کردا الابر والاشرار .

په مندو رو ڪښ داتماڻو دقیلی او دا کازوله بناخه دی . وائی چه او لاد ئی او س هم یه (مینی) ڪښ شتے . (۱)

بعیده نهده چه دصوات مليزی همدغه ( ملي ) ته منسوبوی چه شیخ ور ته منسوب دی . شیخ ملي ۲۳۵ کاله ٺخکښ تردي یعنی یه ( ۱۴۱۷ ) ميلادي کمال ڪښ ڙوند ڪاوه . دده مدفن په اشغفار ڪښ دی .

داسی وايي چه شیخ ملي یه دلازا کو ڪښ یه صلاحیت او دیانت سره مشهور ڦ . دده یه باب ڪښ دانقل کوی چه یوه ورڅ ده ته یوسپی یوه حلاه کړي مرغی راوده ، شیخ یو پښته و کړه چه دادی چېر ته ڏیولې ده ، سپی وویل یه فلاڼي خای ڪښ . شیخ وویل زه دا ، نه خورم . ٺخکه چه ددغه خای و گپري یه غلا ، لارشو ڪواو او هرامو خوردلو مشهور دی ؛ ټکبدی شی چه دې چر چېني ددغو خلقو دانه خردابي وي ( ۲ ) .

هدارنگه نقل ڪاندي چه هر ڪله یوسفريو دصوات هملکت ونيو ، ملنک شیخ ملي دا مصلحت ولپد چه ټول او لس واډه ، غته ، پنجي او ز حساب ڪاندي ، او په ددغه صورت سره صوات یه دوي وویشي نوا ڪوزئي دعيسى ز یو سره شپږ زره شول .

مندرهم دا لس زره و خانه . مګر ٺنگرهاری ، لغمانی او کابلی خلق چه ددوی سره و دوي ئي هم ورسره حساب ڪپل؛ ولپي ددغه خای خالک ئې یه حساب ڪښ داخل نکړه ، او په ددغه شان سره یې ويش وکړه .

وايي چه شیخ ملي دلخسکدن په وخت ڪښ د مجلس حاضران په خپل احوال شاهدان ڪپل . داسې چه ده وویل دا لس هر ڪاروبار او غمځور گي چه ما کړېده ؛ خاص دخداي دياره او دصله رحم او د خپلوي دشفقت په لحاظ می کړېده ؛ نه داچه دزمانی درئسا نو غوندي می دچانه پيسې خوردلي وي ؛ او د هنې دياره می ڪار کړي وي . هو ، یورهه می یاد دی چه په خپل عمر ڪښ می لاس ته راغلي دي ؛ مګر هنې هم خدائی حاضردي چه په تمه او توقع سره زما لاس ته ندی راغلي . نو ڪزه په دې وينا ڪښ رېښتني اوسم ، له خپتنه اميدلزم چه زما رسم دستور اوو یش بهداوو پښتو یوري زما دا لس خخه لاړنشي . او که دروغېجن اوسم خدائی تعال به ئې زر ترزره ور ان ڪاندي .

اخون درويزه وايي ددغه وجهه ده چه تراوسه یوري هېڅ سردار او مشر په ددغه و یش ڪښ تغير نشي گولاي ( ۳ ) .

(۱) حیات افغانی .

(۲) و گوری داخون درويزه تندکره الابرار والا شرار .

(۳) تذکرہ الابرار والا شرار .

ملک شیخ ملی او شیخ احمد په دغه وخت کښ دقوم سرداران وو ددوی په فیا دت کښ  
یو سفرئی دنگرهار خخه پېښورته راغلی دی .  
او دله ئی دورو فایلسو ره جنگونه کړیدی . ددوی دفتو حاتو سرد صوات دملکت پوري  
رسپدلي دی . چه دغه وطن ئی نیولی دی .  
نو داتفاق دراوستو اوامنیت دقیام دیا ره ئی په یو معقول ویش سره په قبائلي ، کور نیو  
او سرو نو باندي حمکي ويشهي دی .

دشیخ ملی دویش په باب چه کوم لرزانی مفصل معلومات اروهه دادی چه شیخ ملی په ویش  
کښ اشنغر هه محمد زوته ورکړ چه دیوسف زو دکومک دیاره په علیه ددلا زا کو پېښورته له  
ننگرهاره راغلی وو . دواوه اولنډه برخه دباجوړئی ګـګـیـانـوـتـه ورپه لاس کړه . او نور ملک  
یو سفرو او مند دوتنه پاتني شو . او په خپل منځکښ ئې دفتر شماری په حساب وو یشلو .  
وائی چه ویش په دا سې شان وو چه اول په قام قام ; وروسته په فامونو کښ په تبو .  
بیا په تیو کښ په دفترو ؛ او په دفترو کښ بیا په برخو ؛ او په برخو کښ هم په پنځمه ، شیزمه  
او خلورمه تقسيمات وشول . مندر او یو سفرئی او س هم ابائي ملکیت ته د شیخ دفتر وائی  
دا ټول واقعات شیخ ملی په یو کتاب کښ . یـکـنـیـ دـی . چه تر دبره پوري دا ڪتاب  
په پېښتو کښ متداول وو . خوشحال خټک هم په خپل دیوان کښ یو نخای دی کتاب ته اشارت کوي  
او وائی .

په صوات کښ دی دوه خیزه کجلی دی کځفي مخزن د درویزه دی یا دفتر دشیخ ملی «  
دا کتاب چه ۵۴۳ کـالـهـ مـخـکـنـهـ تـرـدـیـ لـیـکـلـیـ شـوـیـدـیـ اوـسـ بـیـغـیـ وـرـکـدـیـ ، اوـهـیـچـرـیـ ئـېـ  
پـهـ نـشـتـهـ وـائـیـ چـهـ پـهـ بـرـتـشـ مـوـزـیـمـ کـښـ دـیـ کـتابـ قـلـمـیـ نـسـخـهـ شـتـهـ . اوـ هـرـ خـهـ چـهـ دـخـانـ کـجـوـ  
راـ نـبـزـیـ کـتابـ دـیـ چـهـ هـهـ هـمـ دـشـیـخـ مـلـیـ پـهـ موـضـوـ عـاـتـوـ پـهـ تـرـ لـیـکـلـیـ شـوـیـدـیـ ؛ دـدـیـ کـتابـ  
موـنـبـرـ تـهـ هـبـیـخـ پـهـ نـشـتـهـ . خـانـ کـجـوـ دـشـیـخـ مـلـیـ اوـ شـیـخـ اـحـمـدـ دـعـصـرـهـ وـرـوـسـتـهـ دـقـامـ پـهـ مـلـکـیـ  
اوـ سـرـدارـئـیـ تـاـکـلـ شـوـیـ وـوـ ؛ اوـ دـهـ هـمـ دـخـیـلـ قـامـ تـارـیـخـ لـیـکـلـیـ دـیـ .

\* \* \*

تبصره : « دېښتو د تر او تر لیکونکو تاریخ » یو اوېزد کتاب کېښی . چه موښزئی دوی  
برخې د سالنامې دلوستونکو د دلچسپی دیاره دله نشر کړي . زیات تر دی په سالنامه کښ  
ګنجایش نه وو ؛ نو د محترم و لوپېتو نکو خخه خواهش کو وچه دوی دی د « پېښتو د تر  
او تر لیکونکو د تاریخ » پوره اشاعت ته ، چه اميددي ژربه وشي ؛ وګوري .

## د پښتو په شاو خوا کښ

ښاغلی ګل پاچا خان «افت»

خومره چه پښتنه پېغيله کړه وده ، رنګ او بهه کښ له نورو قومو ځنۍ توپېر لري او پېغيلو ملي  
مېزاتو او خصوصياتوله تو لو ملتو خڅه پېلېږي ، همدارنګه مېژبه هم له نورو ڙبو ځنۍ پېلوالی او  
مستقل موجودیت لري ، چه د کومې بلې ڙېږي له زېږندې خڅه نه شمېرل کېږي - مو زندانه وايو چه پښتو له  
نورو ڙبو سره هېڅ دول نړ دېوالی ټلري او قبول لغتونه يې پېغيلو تورو اوخر کاتو کښ د نورو  
ڙبو له لغاتو سره هېڅ قسم مشابهت ټلري ، ځکه چه دایو اجتماعي مثل شوی فانون دی چه ملتو نه  
د اجتماع او اختلاط له کېله د تاثير او تاثير به سبب پېغيلو عادات او اخلاقو ، تهذیب او معاشرت ، ظاهری  
او معنوی صفاتو کښ تر یوی اندازی يو له بله مناسبت بیدا کوي ، نو د دو و ڙبو په کلماتو او الفاظو  
کښ هم سره لدې چه په اصل او ریشه کښ پېلوالی لري ، هر و مر و یوراز مشابهت او قرابت ليدل  
کېږي مګر د ګمان باید خوب و نکری چه د دیدو ارادو ڙبو الفاظو سره ګډه شوی دی لکه بعضی  
خلق چه د پښتو بعضی لغتونه په یو هادنی مناسبت فارسي تهرا کاکزی او بعضی نورجه په عربی کښ  
خه معلومات اري هفوی ورته پېغيل خیال په عربی کښ اصل بیدا کوي او پښتوبی نه ګښی .

مثلاً کميس په اصل کښ قميص بولی او لو بې له لعب ځنۍ ماخوذ ګښي او وايي چه اړېره له  
هېلې ځنۍ اخستل شوی دی - داراز اشخاص باید دي خبرې ته ملتفت کړه شې چه د غسی مشابهتوه  
هر ڙې به له بلې سره لري چه کسرۍ ورېسى ګرځي دسامي او آرېائی ڙبو په مېنځ کښ بې هم پیدا  
کولی شي مګر داسي مشابهتوه دبوي ڙېږي اصلیت او استقلال ته هېڅ نقصان نه رسوي او نه دبوي  
ڙېږي اهیت او اعتبار لبزوی ، کددغښی فکرو خاوندان داغو اړۍ چه یو داسي ڙې به په دنیا کښ پیدا  
کړي چه له بلې ڙېږي سره هېڅ راز مشابهت ونلري نوهنوي دی اول یو داسي قوم او ملت پیدا  
کړي چه ههنه له نورو ملتو ځنۍ په ګرو او اعضاء ، شکل او صورت کښ پېغې پېل او جلاوی - هر کېله  
چه د دو و مختلفو انواع او اجناسو تر مېنځ لکه انسان او پېزد بعضی مشابهتوه ليدل کېږي او اکړه  
حیوانات يو له بله شاهت اري نودوي ڙېږي بهولی په بعضی لغاتو کښ سره نزدې او مشابه نه وي  
بالفرض که چېږي لو بې له لعب ځنۍ جو مد شوی هموي او د دوی خبره ربنتیاوي هر کېله چه یو  
عرب هېڅ ورباندي نه پوهېزې او په معنۍ کښ بې پښتو فاموسه اډېزې نوولی به دالفت پښتو نه  
ګډو او د صحیح پښتو لغاتو به دله کښ به یې نه شمېر و کډونې په دغښي لري مناسباتو پسی ګرزو  
نو باید د پښتو هېر لغتونه لکه :-

دواں ، مور ، نوم چه په انگلیسی (Name) (Mother) (Wall) (وال) (Madre)

بلل کېزى لېپتۇ و باسو او انگلیسى تەبى ور كېو - نومۇنې باید دغە راز افکارورك كېو او هيچكىله خىل ھەلغات چە دغىسى شاباھت دنورۇ ئىبۇلە لغاتو سره لرى و نەرتۇ ، بلسکە دىيۇ لغت دېر لېر تېير دەغە لغت دېپتۇوالى دىبارە كافى و گەپو - مونۇ باید يۈمىقىاس او معيارو لرچە پەھفو سره تېير باندى يولغۇت يېپتۇ و بولۇ اوپردى ورته و نەوايىو -

زماپە خىال دىيۇ لغت داستقلال اوپتۇتۇ والى دىبارە دىيۇ حرف تېير او تېدىل ياتزىئىد او تېقىص كافىدى ، ئىكەجە مونۇنې وينچە يەھىدغۇ مرە تېير يولغۇت لە بىل لغتىخنى خىلە معنى بېلۇي لىكە :-  
وتلى اۆختىل - لور اوپور - خوراونور - اوپەھىدغۇ مرە تېير باندى كال او سال - سېپىن او سېپىد -  
نۇى او نۇ - شىپە او شېب - سره دەمنى لە يۈۋالى دوصرە بېلپېزى چە يۈھە تە فارسى او بىل تە يېپتۇ  
وپيل كېزى - نۇ دىيۇ حرف تېير ددو و لغتۇ پە بېلەلى كېش دوصرە تائىر لرى چە كە دو امە دىيۇ ئىبى وى او مەنى بى هەم يۈھە وى مادف ورته وپيل كېزى لىكە :-

لەر اونەر - او كە دېلۇز بۇوي نۇد ترا دە لە عنوان لا ندى هەم نە راخى او هەر يو  
مسنقل لغت گەپل كېزى - داخىرە هەم باید پەتەپانىنىشى چە زەمونى مقصىد دىيۇ حرف پە تېدىل  
كېش يوازى صحىح حرفونە نە دى ، حروف علت هەم دىيۇ لغت دەمعنى پە تېدىل يۈلۈ كېش يادىوي  
ئىبى اوپلى داماتو پە بېلەلى شوى دى پە معنى كېش بى خومىرە توپىر يېپىش كېپىدى - هەدارنگە پە  
اوالف پېكىش ردوپىل شوى دى پە معنى كېش بى خومىرە توپىر يېپىش كېپىدى - هەدارنگە پە  
نۇم او نام كېش هەم الـف او ناودوصرە اغېزە كېپى دە چە يۈفارسى اوپىل بېپتو كېنل كېزى كە  
مۇنۇ دىخلى ئىبى خاصىتۇنە پە نظر كېش و نىسۇ او دەتە و گورۇ چە پە يېپتۇ كېش دىيۇ حر كەت  
پە تېير او تېدىل هەم يولغۇت لە بىل لغنى پە معنى كېش بېلپېزى لىكە :- تىلل او تىلل - چە يۈ پە معنى  
د(رافق) اوپىل پە معنى د(وزن كىردىن) دى ياتنە پە معنى د(تىزاو) او تىل پە معنى د(كەپ پا)  
ھەدارنگە سور پە معنى د(سرخ) او سور پە معنى د(سوار) چە يوازى دزور او زور كى  
پە اعتبار او دەمعروف او مجھول او اۋىيە لاحاظى بى معنى ئىخى يولە بىلە شوى دەنۇ باید دا موچە پە  
ھەنگۇ مرە تېير يولغۇت لە فارسى لغنى هەم بېلپېزى اوپتۇ كېپىدى شى لىكە :- نىزچە پە يېپتۇ كېش  
پە زور كى وپيل كېزى او دەفارسى لە نىزخىنى پە آھنگ كېش بېر تو بېر بېدا كۆرى

### مەرادف لغات:

پە هەرە ئىبى داسى لغات بېدا كېزى چە پە معنى كېش بېچ توپىر ئىلرى او دەفظ پە  
اعتقابار دېر فرق لرى ، دى راز لغاتو تە مەرادف او هەم معنى لغات وپيل كېزى چە دېرى دادىياتو  
دىبارە لوى خدمەت كۆرى - كە داراز لغات پە يۈزبە كېش نەوى او دەرى معنى دىبارە يولغۇت  
وى نۇھە خومىرە چە ھەغە معنى پە يۈھە مەضمون كېش مکىرى كېزى ھەغە معنى دەنۇ مەكرر  
كېزى او داخىو خىرى كە خېر دە چە دىيۇ لەن ئەنۋەر تېرىڭە خەلق نە خوشۇي او سامعە ورخىنى

نفرت کوي نو همده گه مرادف لغات دی چه د کلام شناعت او لفظي تکرار ورکوي اوله پېغوندي.  
لخني بى ساتى ، نو یه هره زبه کښ چه مرا دف لغات لبزوي هلته ليکو نكى مجبوره كېنېرى  
چه د گومى بلى ئودى زبى لغات ددغه تکرار دارى كولو دياره استعمال كىرى لىكه په فارسى  
کښ چه ليکوال په يوه ليكه كښ له اغماض او یه بله كښ اه جشم يوشى لخنى كار اخلى ، كله  
دشمني او كله عداوت استعمالو چه مرادف لغات دومره نلري چه ددوی احتياجات  
بوره كرى .شى - په پېشتو كښ دادول لغتونه خورا دېردى چه پېشتو ته بى برسپر د په نزىر  
ليکلوشور هم آسانه كرى دى چه په وزن او فافيه كښ دېر همرسنه ورسره كوى ، كه بوه  
كلمه يه يوه ئاخى كښ دېيت وزن خرا بوى ياخو قافيه كېنېرى نه هرو مرو په هەغە معنى يوه  
بله كلمه پيدا كېنېرى چه له وزن او قافيه سره موافقت و كرى - نو مونېر دخلو مراد فو لغاتو  
دېر والى دعوه سره له استادو كوى او ورباندى خوشحاله يو مگر خپل بعضى ليکو نكى دى  
خواته هم ملتفت كوى چه په پېشتو كښ بعضى داسى لغات هم شته چه په معنى كښ سره ئودى  
دى مگر يىخي يونه دى ، مونېر بايد خپل لغا توته بنه خير شواو دمعنى يه تا كملو كښ بى  
دېر دقت و كرى چه زمو نېر دېر بى په اصل كښ هم دېر دقت شوي دى او دېر نازك شيان  
ديوي معنى په تعين كښ سنجول شوي دى .

زمونې يه زبه كښ شکول او شلول په ظاھري او اول نظر باندى سپى ته مرا دف  
معلو مېزى مگر كه لې دفت و كپو راته خى گند بېزى چه په هر ئاخى  
كښ دشکولو په عوض شلول نشو استعمالو ميلا دا فارشکورلو يه عوض اثار شلول نشو ويلى او نه  
خوک ددى په ئاخى چه غلۇ وشكولم - غاو شلولم - وايى - هەدارنگە لوبىل او يىنكېدىل سره لدى  
چه په بعضى موافق كښ يودبىل په عوض استعمالېزى مگر داسى مرادف ورته نه ويل كېنېرى چه هېچ  
فرق ولرى - مونېر دا ويچه زەلولېدم مگر دانه وايچه زەزىنگ شوم همده گه شان په پېشتو كښ  
غتى او پېر دېر فرق لرى : - مونېر غتى خيره ، غتى كىتاب ، غتى مەنە ويلى شو مگر پېرە خيره ياي پېر مەنە نشو  
ويلى داشكە چە داد دوازده لغتونه په معنى كښ يونېر فرق لرى چه په لمپى نظر نه ليدل كېنېرى .

كمونې دخيلي زبى دقايقوته نظر و كپو دېر داسى لغات شته چه مونېر يې مرا دف گەنۋو  
او به معنى كښ توپىر لرى - له كومە وخته چه زە خپلى زبى ته بنه خير شوي يەماته دداسى دېر و  
لغاتو ترمىنخ فرق بشكاره شوي دى چە ما به پخوا دمراد فو په دله كښ را وستل او پەھىچ دو ل  
فرق ورته نه قايلىدلم - ماتريو وخته يورى يۈرۈگرم يىخى يوشى كەنەنلىك فرق مى يېكىن نشو  
ليدلى مگراوس گمان كوم چە يې بە اصلا دازام او دەمدى يېشكاره ملاحتىر تەويل كېنېرى چە دەليل  
او برھان يە اثر كښ وى او گرم هەچاتە وائى چە دچا يە حق كښ مقصروى كە خەمم دەفعه قصور په  
دلا يلو چانه وى ثابت كرى دەمدى لامە مونېر وايچه ما احمد يې كرى دى او داخۋىڭ نه وائى

جهه‌ما احمد گرم کپری دی - داسی‌هبر لفوی او اصطلاحی فرقونه زمونبز په لغاتو کبن شته چه باید مونبز یې پچېل قاموس کبن مراعات و کرو مگر مونبز لاترا و سه پوری ورته پوره نه یو ملنقت شوی او دیقین یه‌دول ورباندي حکم نشو کولی، ددبی‌لوی سبب دادی چه مونبز خیله ژبه‌دفارسي په هنداره کبن وینو اوله فارسي لخني دېښتو ترجماني غواړو، نوهر کله چه د خپلو بعضو لغاتو په مقابله کبن فارسي لفظ پیدا نکروهه و مروي له یووه بل لفظ سره چه به معنی کبن ورته نثردي وي مصادف ګذواو به فرق یې یې نه گرزو .

مونبز باید خپلو الفاظو ته بنه خیر شو او توکل کيفيتونه یې په نظر کبن و نيسو چه مونبز ته د خپلي ژبه هول د فاقيع او اسرار کشف شی - زمونبز په ژبه کبن هبر داسی معانی په نظر کبن نیول شوی او بسيط کلمات ورته وضع شوی دی چه په بعضی نورو ژبو کبن ورخني یا په سه کبو الفاظو تعير کېږي او یا يخني یې تعيره پاتي کېږي .

متلاً که مونبز وغواړو چه له خپلو بعضو لغاتو لکه : - کپريل، زغملي، گالال - په فارسي تعير و کروبي لدبته چه دوه یادري لفظونه یو خاي کپر و کپريل په خاي به آتش غم سوختن ووايو او د زغملي په عوض هضم نمودن غم و قهر و وايو او همدهمه شان له گالال لخني هم په یوې جملې نيم او نيمکله تعير و کرو بهله چاره نلرو، مونبز مجبور یو چله وراره لخني په فارسي په پسر برادر تعير و کرو او ورپه په دختر برادر ترجمه کرو، مونبز نه کامه دېښتو او دوه لغونه لکه خوان او خلمي په فارسي کبن په جوان تعير کوو سره لدې چه جوان یوازي دخوان ترجمه ده او مونبز په پښتو کبن دانشو ويلی چه دا آس خلمي دی سره لدې چه خوان ورته ويل کېږي، نومعلومه خبره ده چه دضرورت له کبله له خلمي لخني په جوان سره تعير کوواوله نا کامه دمشتر ترجمه په کلان بالاندي کوو چه دلوي به معنی دی کڅه هم دلوی په خاي مشرنو ويلی او هيچکله لوی غرهه مشر غرهه وايو .

په پښتو کبن داسی هبر مثاولونه شته چه ددي ژبه لفوی او اصطلاحی و سعت او هفه وقت چه د معنی په باريکو فرقو کبن شوی دی پوره خر گندوی . دی خبری ته ماپر و سبز کمال هم د کابل په سالنامه کبن اشاره کړيده او سه بیا د خپلي ژبه لیکوال بالانکی ورته ملنقت کوم چه دوی خپل لغات په هماغه کيف و پېژنې چه لري یې او سر سری ورتونه گوری او پېدي هم یقين و کپری چه مونبز خپل تول افکار او هفه معانی چه زمونبز په زدہ کبن گرزي په بله ژبه پوره نشو خر گندولي .

### دېښتو ادبی خصوصيات :

زمونبز داعنوان د دومره او ز دوبخونو نورد دی چه سپری پکبن هبری مقالي او کتاب ليکلی شی او له مختلفو لارو په دغه موضوع کبن دا خپلې شي، پدې موضوع کبن پښتو پوهانو پېر بشه او قيمتي بحشونه کپری دی او ماهم کله کله پکبن برخه اختښده، مگر هر کله چه

دموضوع اهمیت راته دهربزیات معلو مهربی اویقین لرم چه ددی موضوع حق پداسی دهرو مقالو  
باندی نه ادا کهپزی نودا راته بنه بشکاری چه باید هر خوک چه کله کو می خبری ته ملتفت  
کهپزی که خه هم جزوی وی دیدادشت په دول دی دمطبو عاتو په پراخه لمن کبن و ساتی  
نودهندی لامله غوادم چه پدی لخای کبن هم بعضی خبری خپلو بناغلو لوستونکوته وداندی کرم؛  
دامعلومه خبره ده چه هر قوم او هر ملت لخانه شعور او یو مخصوص تفکر لری ، دهندی  
لامله بنه اوبد ، جمال او بشایست ، خونه اولذت دقو لو قومو په نظر کبن یوشان نه وی اونه  
یوشی په یوه اندازه هر ملت ته محبوب او منلی وی ، همدهنه سبب دی چه دهر قوم معشو فه او  
دھروطن میوه پیل پیل صفتونه او رنگونه اری .

که موژنی دھرملک دمحبوبی ستاینه له نظره تپره کپر والبته متفضا دخیالات او کلمات به واروو  
او دابه رانه خر گنده شی چه هر خوک دنیا مخلوقات او شیان دخپلو عینکو په رنگ و ینی ،  
یوقوم توری سترگی او تورو پستان خوبنوی او بل قوم په شنوسترگو او زپزو و پستان نوزده بایلی  
ادیبات یامنظوم او منثور اشعار هم که دیوه ملت اوقوم له شعور او تفکر سره موافقت لری  
ھغه دھغه ملت مخصوص او خپل ادب بل کهپزی چه دملت تول معنوی صفات او فکری پنگه  
ورخنی معلو مهربی ، داراز ادب دملت په روح کبن اثر او اغازره کوی ، حکمه چه دغه ادب  
ددوی خپل شعور او احساس وی چه په یوه داسی پیرایه کبن ورخنی تعبیر شوی وی چه  
ددوی له حیات سره پوره تطبق کهپزی .

و گورئی ! یو پیشتون چه دسحرل له خنی باخه ورخنی او دباخ ددردازی له پیر ته کپدو سره سم  
دگلانو بوي او بنه وزمه پری لگهپزی او وینی چه باخوانان دگلو گپهی . دباندی باسی نو دغه  
حال پداسی دول تصویر کوی چه دده له حیات سره پوره موافقت لری ، ده ته سمدلاسه  
ھغه وخت وریه پادپزی چه در بساط دروازه به خلاصه شوه اوددوی فافله به ورخنی وتله دخپل  
مقصد په لوریه رو انبدل نو محکمه وایی :-

دغچی در بساط دریه وا کپده دی  
فافله در زنگ و بو درومی سبا شه  
(شیدا)

همدهنه شان یوننگیالی پیشتون چه ھول عمر بی په نبه ویشتو کبن تپرشوی دی او تل بی  
له غشی او لیندی سره کارو ، کله چه خپلی معشوقي ته خپل عاشقا نه ثبات یانوی او ھغه له  
خپلو هفوچفا گانو خبروی چه له ده سره بی کپری دی او هر وخت بی دده زیدگی زخمی کریدی ،  
نو پدی الفاظو ورته وایی :

دھدف په شان می آه ترخوابی ونه خوت  
که زده کپری دی په ما تیر اندازی ده  
(شیدا)

په بل خای ڪښ ز مو نېر د ملي ڙبی یو بل شاعر چه خیل قوم ته د حلم  
يو بهه اخلاقی درس ورکوی نویه داسی دول دغه مضمون اداکوی چه پیشتو یه ذوق یوره بر ابر  
دی اوده‌فوي په نظر ڪښ بهه بشکاره ڪپزی نویدي دول الاظهو ڪښ دامدعا خرگاندوی :-  
د دوران دحداد ٿا تو غشی نه خوري هر حليم چه اغونندی دحلم زغره  
( عبدالقدار خان )

هر ڪله چه پیشتوه حلم لکه زغره داسی معرفی شي چه دوی تل ورته په جنگو او جگرو ڪښ  
احتیاج لري بایدیه هر قیمت چه وی هر و مر دغه بهه لباس ترلاسه ڪپزی او د دنیا دحاد ٿا تو له غشو  
ورباندی خان و ساتی .

داراز مضا مین به البه دھری ڙبی په شعر او ادب ڪښ راغلی وي مگر په کوم نظر چه  
ورته پیشتوشا عراانو ڪتلی دی نور وادیا نو بهورته نه وي ڪتلی ڄکه دھر قوم شعور او تھکر  
پيل او جلادي ، داسی ده پیشپزی چه یوشی دخوملو یه نزد محظوظ وي مگر دانه ڪپزی چه  
ټول بی یوراز وستاني او یوه دل تعیير ورخنی و ڪپزی ، داخکه چه هرشی دهري جنبی لري چه  
خواک یي په یوه لحظه او خوک یي په بل اما ظخوبنيو - نومونه سره لدی چه یو مضمون په پیشتو  
او کومه بله ڙبه ڪښ هم اداشوی وي دخبل ادب خصوصيت او خپله ملي فريحيه پکښ پيڻ ندلي شو  
او خبيل یا پردي تخيل راته له ورا خرگند پزی .

مو نېر باید یوازی په همدغومره خبره چه یو مضمون زمو نېر په ادب او دنورو په اديياتو  
ڪښ هم راغلی خپل ادب ونه ڪڳواودا ونه وايو چه زمونز ادب دکوم بل ادب له تائير لاندی  
راغلی دی ، ڄکه چه داسی هېشكنه نه ڪپزی چه ديوه ملت په اديياتو ڪښ ټول داسی مضامين  
وی چه دبل ملت په ادب ڪښ يخني نه وي - لکه خنگه چه مو نېر بعضی اخلاق او صفات خوبنو  
او صدق وفاراهه بهه بشکاره ڪپزی همدغه شان ڪپزی چه یوه بل قوم ته هم دغه شيان گران  
او محظوظ وي ، نو همدغه یومضمون به زمونز او ديوه بل قوم په ادب دوازو ڪښ راغلی وي مگر  
که مو نېر ورته بهه لخیر شو دخبل تھکر طرز او دل پکښ په بشه شان پيڻ ندلي شو او په هېزو چه بدی  
مضمون ڪښ زمو نېر مخصوصي فريحيه په تصرف ڪپزی چه زمو نېر ادب یي له نورو خنی ممتاز  
ڪپزی او بيل ڪپزی دی .

زمونز ادب یو طبیعی رنگ او له حقیقت سره په قرابت لري ، زمو نېر ادب له لنه یو  
او متنلو خنی نولي ترغیل یا تو یوری یو منطقی شکل لري :

و گوري ! ڪله چه کوم پیشتو شاعر خپل قوم ته دمشرا نو او لو یو خلقو داطاعت او په روی .

درس ورکوی ره به اوی دليله ورته نه وايي چه :-

« خطای بزرگان گرفتن خطا است » او نه دتحکم په دول ورته وايي چه تاسی

## د پېشتو په شاوخوا کښ

د محض اطاعت لامله ورځي ته شپه او لمړته سیوژمۍ ووائی ، څکه چه پېشناهه داراز خبری  
نشی ملی او غایده ورته نزدی ، نودوی ته باید هره خبره دمشوری او مصلحت په دول او په معقول  
طور وویلن شی لکه چه کاظام خان شیدا وايی :-

سرگردان کاندی ګرداد خلاف د بحر پیر وي دلو یو ده بې مضر ته

داهم زمونږ دادب خصوصیت دی چه اکثره مضمو اونه په طبیعی هنداره کښ بشئی :-  
کله ګنډ ځنګلوا نه اوډک سندونه پغیلو ادبیاتو کښ دهال په دول را ودی ، کله دغروز رکی  
اوهوسي ، دهوا مرغان او تور ماران یادوی ، او کله داسمان ستوري او سیوژمۍ او دلو دو  
غزوسرونه ستائی ۰

دغراز شیان کڅه هم دنورو په ادبیاتو کښ هم شته او لېلې یادشوی دی مګر په هفه اندازه چه په  
پېشتو ادب کښ لیدل کېږي په بل ادب کښ نه لیدل کېږي ، کډونږ د پېشتو په عام او عامايانه ادب  
کښ غور و کړو همدغه شیان ددوی دادب اساس بال کېږي چه دوی پغیل شعور انتخاب کړیدی .  
د پېشتو په لدیو او نارو کښ داشیان ده یادشوی اوډ په بشه مضا مین په دغه طبیعی پیرا یه کښ  
د کنایې په دول ادا شویدی ۰

و ګورئی ۱ یو پېشتون هېڅکله له محتسب سره خبری نه کوي او نه یې فوم په خوله اخلي ، سیوژمۍ  
ته خطاب کوي او محتسب په غزووه :-

سیوژمۍ دخداي روی مې درودی په دوو مینو پسی مه ورده مشلو نه

همدغه شان کله چه پېشناهه دیو هه جاغاط شهرت په لفته وهی او غواړۍ چه حقیقت بشکاره کړي  
نو وايی :-

د طوطی هسی خولکۍ سره ده دباغ ګلونه تول بورا خودلی دينه

همدغه راز کله چه د چاه بدنتی شکایت کوي په برترانکت او یو هادبی پیرا یه کښ دامضون  
پهدي دول ادا کوي :-

بو را به خداي په ګلو مود کا با غوانه ستانيکری نیتمی ژدوينه

دغه راز بلغه ادا او یو مطلب په بشه شان را ودل چه دادب جو هر بال کېږي د پېشتو په عام ادب  
کښ زښت ده مثالونه لري چه مونږ به یې که خداي کول یو وخت دادبی تبصرې له عنوان لا ندي  
سره له تقصیله را ودو ۰

## لندیه

یا

باز موز در وحیا تو او بسیگرپو نماینده

بناغای محمد گل خان «نوری»

مقدمه، د لندیو تعریف، د لندیو تاریخ او د دوی دشروع منبع،  
لندی-خنگه زموزده و اد نماینده کوی؟- د لندیو پیش پر مضمون باندی،  
دلندیو او زان.

## مقدمه

خر گنده ده چه دهر ملک او مملکت ادبیات دهه مملکت آب هو اخنه نماینده کوی او دهه  
ملکت دو گرو احساسات او غریزه او خوی او خاصیت بشئی؛ همدغه رنگه دهه مملکت مخصوص  
شیان دهه مملکت په ادبیاتو کی زیاته اغبزه کوی، لکه چه یوشاعر دیوه شعر دجوزو لو او ویلو په  
وخت کی دغه دخیل محیط او ملک مخصوص شیان وینی، کدخدام دی دخیل محیط دشیانو دتشیه او  
استعاری فصد هم نه لری، مگر دغه شیان او دغه محیط چه دده په ستر گو کښوزی طبیعی دی چه دی  
ودی ته ادم کوی او گماری ئی چه دغه شیان دی په خیل شعر کی دتشیه یاد استعاری په دول مستعمل او وایی  
و گوری! په هفه خای کی چه توری غالبوزی، او ماران او بیلان ده دی، له همدغه جهه  
دوی توری خونی په غالبوزو سره تشیه اوستایی، او د معشوق پزه کله د طوطی په مشو که او کله  
د بیل په شونه ک سره تشیه کوی، چه د اتشیه زموز په محیط کی د مدمت او در خشنده پر دول مستعمل بیزی  
وایی چه دیلانی پزه لکه د بیل شو نهک.

همدغه رنگه دعر بو ملک چه گرده غرونہ، ریگونه، دینتو نه دی، او اکشنه شنی و نی نسته  
پکن، او باران کم کم پراوری، او مک ئی دېر تو ددی، او په هفه ملک کی گاوازن او هوسی،  
او بیان، او شتر مرغ او د خر ماو نی ده ری دی، نو شنکه دوی دخیل معشوق ستر گی د گاوز  
او هوسیو په ستر گو سره ستائی او خونی ئی په سکرو سره تشیه کوی، او تور شو نهان دوی  
ده ر حسن او بنا یست بولی، تردی حده چه خمنی کسان اوری. لا په رنجو توروی چه وا بی بیخی پنه  
وایسی، او غابنونه کله کله چه سین وی په ژلیو او زیر غابنونه په گل باونه سره چه یوزر یو گل  
دی زموز په وطن کی هم سته تشیه کوی، او توره او ریخ او باران او بر پهنا دسخی په لاس

سره چه ترپورا وتلى وي تشييه کوي وايي چه دارجم پرموز پاشي ، اوغر ونه اودا گونه او اوبشان اودخرما وني په خپلو اشعارو کي دېرسەستەمۇسى : دەسافر پە استعارە کي وايي « اقىعدت سئامالغۇرەتە » زە سپورسولم دەغرتە اومسافرى - پېرىپوك .

ھەيدىغە دول دەرملەت شاعر انە تھىلات ، اوستايىنى پېلى پېلى دى ، ئىخنی تور رىنگىخۇ بىۋى ، ئىخنی سېپىن او ئىخنی ئىزىر ، لەكە يە كىالۇ كېش چە دەر ملت ذوق پېل دى ، دەغسى ھەم دەد وى شاعرا نە تلازمات او داداء طرز او دستايىنى وە اوضاع گۇ بىنى گۇ بىنى دى ، او هەر خوک خپل خو بىن ستىلى !

وگۈرى ؟ كە داروپا يوفصىبىح شاعر كە پە يوه جىزىرە کى ياد درىباب پېرغادە او سېيىزى او شعر وايى ، دى ضرور دەمدەغە داوبۇچىپى او بادا سكى ؛ كېپىزىو نىكۆ تۈرۈنە ، اودلەر لوبىدە او لمىر خانە پە او بۇ كىي ؛ او درىباب دەغلىرى شەخىنگلۇنە پە خپل شەر كىي پە استعارە را اوپى ، او دەكتەپتو چەپىدە او دبادوان سەرىپى او دەدۇرى دايرى راتىڭ منظرە پە خپل شەر كىي سەتايى دالاخە كۆپ ؟ پە اكشىرە ملتو كىي تورى سترگى او تور وېشتان دەحسن اودبىشىست او دېشىكلى توب غورە اركانان بىللە كىيىزى ، سره لەدى ، ھەلتە شەنى او زەرغۇنى سترگى ، او سره وزېپو وېشتان دوى خوشىوی او تەعرىف ئى كۆپ ؛

وگۈرى ؟ يوغىر بى شاعر (لارماتىن) دشاعر مەئاپ پە خە دول سره اوپە خەشى ئى تشييه كىرى دى : شاعر لەكە مسافرەرە چە هيچكەلە نەدرىباب پېرغادە ئەحالە جۈددۈ ، او نە دەخىنگەلە پې بىخالو خاى ئىسى ، ازاد ددرىباب پېرخۇ لۇد تېرى يېرى ، او درىباب دەغىدى خەنە لېرى رېز كۆپ ، وگۈرى يوازى دەدە زەدە مەدونكى او زەپەنلىكى وېز ئېنى وېس .

كە دامىڭلە او دشاعر مەرەن مۇز مەللا دەھندى دىيە شاعر لە فىكىرە سره مقابله كۆ ، تاسى بە ئى ووينى چە خومەرە فرق لرى ، او دەغە توول دەجىيەتلىقىزى دى چە دەشەر ئەپر فىكىر ئى كۆپ ، بېيدل خپل خان دىيە شاعر پە حىث داسى شېرى .

فطرت بېدل ھمان آئىنە معجزى ناما سەت ھەرسەن گۈزخەمات مىجوشىد الھام است وېس معنى بلند من فەھم تىسىد مى خواهد سېر فىكىرم آسان ئىست كۆ ھەم وكتل دارم افغانستان يايە بىل بىنە عبارت سره دېپتنىو سېيىغلى ھوادە كە خەھم يوغۇنى مەلنىكەت گەنلىكى سوپى دى ، منگىر سره لە دى دول دول برخى ھە لرى - يەنى ھە سەمى لرى ، ھە غرونى ، ھە ھوارى لرى ، ھە شېلى لرى ، ھە زەنگلۇنە او ھە شەنە باغونە ، شەنى ولې او زەرغۇنى مەچكى ، او بىشىتە شەكلى گەلان او بىشى شې خوبى مىيۇي او سەرىپ و سېيىنە مەنى ، او خوازە خوازە اندىگور او سره اناارو شەفتالو او نور ... لرى ، اوپە ھەدى باغۇ كىي جىڭ جىڭ چەنارونە ، سېر ونه ، جىڭى جىڭى او بىشىتى او لۇد لۇد سېيداران ولايدى - او دەھدى ھەدارە غەرە او دېشىتى كى ھو سى . او كېلىان ،

اوزمريان اوينه بنه مرغان لکه زرکي ، تمعرى ، بازان ، سيسى ، اوپه باغوکى يېي كوترى ، بلبان ، مينا گانى گرزي اوينه بنه رېزونه باندى كوي پرچونىزى .

دېپنتو دېپنتو اشعار يايە بل عبارت دېپنتو ملى لندى . چە داطافت اوپېنتوالى او بىنۇ مزو او جوش او حرارت خىخە دى كى دى خود ھەمدە داۋانستان دىپېخلى محيط اثر دى چە زمۇز هېپېنتون ئې شاعر گۈزۈلى اوپېرژە ئې جارى كېزى او دوى ئې بە ھېزە مزە او خوند او ذجوشە دىك آواز سرە وابى . لە ھەدى لامە ددى اديياتو بلکە دېپنتو دەمە مو اديياتو او دۇرى دنيا دادىياتو تر منج خە توپىرىستە .

دا به پېنىزدو ، اوس بە نۇخىل مىلەب او مرادتە و گۈزۈ چە دلنەي . تعرىف خە شى دى ؟ اوزمۇز دلنەي تارىخ كم دى اودكمە وختە خىخە ويلى سوی او اصل منبع او اساس ئې دكمە ئايىخە دى ؟ اولنەي . زمۇز دهوا دىخنگە ئاغىنەڭكى كوي ؟ دلنەي اوزان كم دى او پەكمە مضمۇنۇ و پېشلى سوی او خە مضمۇنونە لرى :

### دلنەي . تعرىف او معنى ئې :

لنەي . يە افت كى يوه دول لوېشتىكى مارتە وابىي جەپەن ضابطە ماردى ؛ اكىرە دپاپ و گر تراودە نە لاندى كېزى اوئە ئې نىولاى سى ، چەزما يېخال بە فارسو (كورمار) ورتە وابى - اوبل لەن بە معنى دكوتاھ دى چەمۇنىت ئې لەنە ويلە كېزى . ھەركەن جەدنسىت ئې بەھەن كەھ صىغە بورى و مېشلى نولنەي چەمۇنىت ئې لەنە دە وايە كېزى . يەعنى ھەنەشى چە لەنەي ، مەلا لەنەي قلم لەنەي سېرى ، لەنەي رسى ، لەنەي سېنچە ؛ خەنگە چە ددى رقم شەرەم لەنەي . مىرى . يە بەحر او سېلاپ كى تەردوھى مىرى . لەنەدە نوئىكە ئې ھەدا شەر بەلنەي . سرە بىللە دى ؛ ياداچە پەدى شەر كى يو دول تاشىر پروت دى چە پەھسى اروپەرسە پەر اروپەرسە يوراز اغېزە كوي چە پەخواھە ئى تعرىف نە كېزى او اكىرە دېپنتان ئې بە محض اروپەرسە يە زەدا كېزى ، اوپەزەدە كى ئې يو سوی پىداسى ، نوئىكە ئې دەھىنە لەنەي . نوم چە پە معنى دماردە پەردى . شەر اىپنى دى .

قلم پەلاس گۇنى مى رېزىدى دعاشقى . لەنەي پە زەھ وھلى بە

مستر راورتى چە يو لوى پېشى پېشىنۇنكى انگلەسى عالم دى ، اوپېپېنتۈزە او دېپنتۈزە اشعار ونى زەھ بىللە دى ھە دپورتە قول تائىد كوي او ددى لەنەي بە باب كى داسى ليكى : « دېپنتۈزە دېپنتۈزە تر كېيى اشعاردى چە دولارى موزىكى بە ذرىيە ويل كېزى ، خورا دجوش او حرارتە دىك دى اوماتە ددى بە ذرىيە خېل و طنى اوملى سرۆزونە را بىياد يېزى ، ھەنە وخت چە زە پەپېشور كى او سېلەم خورا دېر مى دغە اشعار ولىكىل » :

## داندیو تاریخ اوددوی منبع :

زموز ملی پیشتو زبه نوي دتکامل به میدان کي پنهه ایزدي ، اوترن روئي پوری ددي يه ادبیات اوشعارو کي دکومی خخه تحقیق نه دی سوی ، نوئکه لنهی . هم د تحقیق او تاریخ له رویه نه دی معلومی چه دکمه تاریخه خخه شروع سوی اوویلی سوی دی ، فعلاً خود انهی . زموزدهو لو پیشتو مشترک مال دی ، کزوودی کزوودی که بشخه کخوان دی کسین بزیری دغه لنهی . واين ، اودقدیمه خخه ئی پخواو کي جاري سوی دی ، اودپیشتو هر سپری چه ئی چیزی واروی پیشني ئی چه دغه لنهی . والی او په دېره مزه غوز پرنسی او خوند لخنی اخلى دخیلو لنهیو مضمون پر دی دلات کوی چه همدغه لنهی . دېرى قدمی دی :- دیپیشتو دعروج او خروج زمانه خوه مدغه دشیخ حمید لودی نهضت دی يه ( ۴ قرن هجری کي ) چه دروسته ئی دغز نی دشاھنشانو عصر دی ، دخانجهان لودی قامی تاریخ او همدغه رنگه حافظ محبت خان يه ( ۱۸۰۵ ) کال په ریاض المحتب کي لیکی چه دهند لمی اسلامی فاتح محمد بن قاسم چه په ( ۵۹۳ ) کي ئی پرهند حمله و کره ، دیپیشتو ملی تولیه له ده سره وي ( په دی سالنامه کېن دیپیشتو شعر دسبکونو برخه و گوري ) .

نو يه همدي روایت سره دیپیشتو دعروج او خروج زمانه دېنى او ميه وزمانی ته رسیزی . اوس و گوري دالانه لنهی :  
چه دخا نو لېکری راسی

زه به گومل ته دخیل یار دیدن له کمه گومل دروه دغرو يه سلسه کي يوه مشهوره درده چه دهند دفاتحینو لارده ، او ملك خانو دسلطان محمود غزنوی يه زمانه کي دیپیشتو مشهورو سردارانو خخه دی ، چه خور شیدجهان او دسعادتخان تورتین خصایل السعادت طبع د ( ۱۲۹۷ ه ) هم دده نوم دهنه عصر دلویوسر دارانو يه تولی کي لیکلی دی ( تفصیل ئی دسبکونو په بحث کېن و گوري ) .

داپورته ناره دیوی مینی پیشتي دخوله خخه ده چه توریالي مین ئی دملک خانو اپکر سره دهند دفتح دپاره تللی دی ، او داغو امی چه دگومل دری ته چه دهند دفاتحینو لارده د خیل مین خنی ته ورسی ، او په همدغه انتظار کي ده چه نن او سبا به راخی .

مست راورتی دیپیشتو مین دریا خ المحتب يه حواله سره لیکلی دی : خرنگه چه سبکتگین غزنوی ( ۳۶۷ ) دیپیشتو زوم و ، نوئکه دده عسکر هم پیشناه وه - خشگه چه پس له ده خخه دده زوی اسماعیل باچاسو - پیشناه دخیل خوریی محمود يه حمایت و درېدله ، چه د محمود قوله لویی لوبی فتح ددی غیر تمن ملت دمه په زور سره وي ، او همدغه رنگه سلطان محمود هم خیله خور دیپیشتو ويوه اوری مشهوره سردار ملک شهو ته ورکړي وه .

له دی پورته بیان خخه خر گندیزی چه دالدی . په هم هفه ۸۰۰ یا ۹ سوہ کاله دخنه کي

نزاوسه پوری مخان را رسولی دی .

خنی پشتانه وايي چه دالهایي . دمومن جان اوشير ينو دنقل خنه یاد طالب جان دقهي خنه ويلی سوي دی او اصل منبع ئي همدغه دوي فصي دی ، وروسته ئي عمومت ميندل دني او يه تو لو پشتنيو کي تيپي سوي دی ، تردي يورى چه دپشتنيو هرسپری كەنردى كەپشە كەپي سواده دى كە باسواده دى ددى لنھيو شاعر بلل كېيزى او وايى ئى ؛ هسو كې ! دمومن جان دقهي او دطالب جان دنقل ناري خو عيناً همدغه لەھاي . دى چە نن روخ او اوس ويلى كېيزى ، منگر دبد مرغه دمومن جان اود طالب جان دقهو تارىخ هم نەدى معلوم چە يە كەم عصر كې داعاشقان او دا يەلۋاذان تير سوي دى او يە خە خۇك وە ؛ دونە قدر معلوم دى چە مومن جان اوشير ينو دفندەھار وە چە دمومن جان اوشير ينو قېرىخا ئى اوس فەلا دفندەھار و بشارتە ئىزدى دسپار دقبلى و خواهە تەرىيأ يۇنىم كەروه دەملا صاحب داد پە غونلەي . كەلى كى يې يوھ لومە غونلەي دى چە دير خلق ئى زىيارت لە ورخى . اود دەغى غونلەي دلا ندى ئى كەلى دى .

هر کله چه مومن جان دا کازامنو شپید لی بنتخاوه بی، نو دموریه امر سره ئی دی ددغی غونه‌ی پر سر بینج کی . لکه چه موریبی دانماره پر کپی ده :

مو من پر لومه غونه‌ی کشیز دی

چه خواره مورئی هر سهار زیارت کو ینه

ددي قصي تاریخ ذه دی معلوم چه یه سکم وخت کی او دچاپه عصر کی و هه منگر یه هندوستان کی دھنے باجادلور چه مومن جان دمار خنخه خلاصه کری وه ، اودا دده پر اخلاق او مردانه مینه وه ، ددی ناري خنخه دونه قدر معلومیتی چه داقصه دمنلی با چهانو دنهست یه عصر کی تپر و سوی ده لکه داچه واين

خوانا نو ننگ را باندی و کی

پلارمی مغل دی مابنا هار لره و رومه ینه

دمو من جان او شیر ینو نوره فصه دی یه ملي هنداره کی و کنه سی ، دطالب جان فصه هم  
یه قند هار کی یو همشهوره عشقی فصه ده چه ناری ئی عینه آ دغه دن روحی لندي دی چه ویلی کیزی  
که خدای کول زردی چه زهد اقصه ولیکم او پس له طبع ئی محترم لوستو نگی ولو لولی .

د مومن جان او د طالب جان د فصي خخه داخل گنديزې چه لندي-اول د قندهار د محیط اوو گروخه شروع سوي دي اصلی منعې زابل دي ، اووروسته يي دېښتونرو څایو لکه سو ات بشير ، تیرا ، پېښور ، جلال آباد ته نقل کړي دي ، او به هفو ځایو کې هم تېټي سوي او شهرت ئې-میندل دي .

## لندي رخنگه ز هوز دهوا دنماينده گي کوي؟

دنه موهم وویل چه دهر مملکت او دهر ملت ادبیات دهنه ملت داحساساتو یوه مجموعه ده  
جهه دیوه شاعر دخولی خخه راوتلی ده؛ هر شاعر دخیل محیط ترتاییر لاندی وی، که جغرا فیلی له  
حیله وی، یادآب و هواله کبله وی خرنگه چه شاعر په خپل محیط کی دهدغه محیط شیان وینی  
نوددغه شیانو فکر او تخلیل دده په شعر کی لخای نیسی؛ او دده دشعر خخه دهنه محیط آب و هوای  
او جغرا فیلی کیفیت او دهنه محیط دوگر و احساسات او غریزه او دهفو ادب او اخلاق او عشق  
او علاقه دورا لخایه معلومیزی.

وگوري! ددی لا ندی لنده یو خخه دپشنتو کم احساسات او کمه غریزه کم خاصیت او نور  
خهشی معلومیزی؟

زل لمی ولاد توری تر ملادی      غزاله لخی پر خپل وطن سرور کو ینه  
دانو هنگه ساعت دی چه یوه ز لمی توریالی نوی واده کپری دی او دایی دواهه لمی روئه ده  
دغه از غدی خلمیان دل دل ملاترلی ولاردی چه او س نوره کیزی دی زامن هم ملاترلی غولمی  
چه دخیلو توریالی وورنو سره غزانه ولاردی او پر خپل گران وطن سرور کی؛ او س دکوره  
راوزی او پر خپلی مینی چه او س ئی ستر گی سره رونی سوی دی داپورته ناره کوی؛ او دده نوی  
مینه دده دلندي اوناره په جواب کی لاندی لندي وای.

که تور او بدل می میر ایزبری      ددین غزاده جانان نه منی کو مه  
پر سین میدان به درسره یم      زه پیشنه له تورونه تریام مینه  
په همدغه گکی مین او مینه دوله دجنگ میدان ته لخی، او مینه یهی همه گهه دناوی توب په کالو کی  
ده، هر کله چه ذجنگ میدان ته رسیزی مین یهی توره له تیکی خخه کازی او جنگک ته ور گلوبزی  
مینی ته ئی داحتات او مه آنه خوند ور کوی اوناره پر کوی :

تر دی تیره توره دی جار سم      دغلیم وینی یوه گر انه مینه  
خوان توریالی دیوه دینمن سروهی سینه توره ددینمن په وینو سره کیزی مینه ئی بیاناره پر کوی؛  
په وینو رنگ توره دی را وده      راسه په سروشنوئی زه دریا که کمه  
ز لمی دخیلی مینی په ناره دهو بشه وزی لکه وزی زمری پر دینمن په هیر شوق حملی کوی،  
نایره مردک راخی او دده دارمان دک پرزدگی میتلی او دی دوطن په مینه کی د شهادت شربت  
چنی ناو کی ئی ناره پر کوی :-

جانان می سر پر وطن کنپیشو      په تار دلخوبه کفن و رله گندهم  
وروسته ئی مینه ناو کی هم ورسه لویزی پر هنگه لخای خپل روح پر خپل خوازه وطن نثار  
کوی . دمیو نقصه خوهر چاهه معاوه ده چه ددوشنبی ورخ او (۱۲۹۷ه) دبرات دمباشتی او لسم

دی ، دمیوند په دېښت کې دېښمن پروت دی اوپېښتنه غواړۍ چه مات اوورک ئې کې ، او پېښتنه زلیمان اوپېښتني زلیمانی دجنګ میدان هراوتنی دی ، مګر دوبی دی سورټاک دی او به هم دېښمن نیولی دی ، از دی دی چه غازیان او غازیانی تو له مشپهډانی سی ، یوه پېغه دملی غروره خنځه د کده راځۍ لکه زبودر قومندان ودي پېښتو جنګیالیوته خنځه بولی ور کوي :  
که په میوند کې شهیدنه سوی خداي زولا لایه بې ننګکي له دی ساتینه

وروسته له دی ئاري خخه پز دېښمن خامخ ورځغلی او ناره پر کوي :

خال به دیار دوبیو کېښېزدم چه شنکۍ باځ کې ګل ګلاپ وشرموینه

دایر غازیانو دونه اخېره کوي چه دصر ګک دحاله ژوندی کېښېزی او دېښمن ماتوی ، ددې قسم لنډیو همدغه قدر پورته نمونه بس ده ؛ او خه خه به پې دغور او حماسه ترعنوان لاندی وويني . دبورته لنډیو خخه دېښتو غیرت ، دېښتو میانه دوضن سره ، دېښتو توره لکه لم داسی خر ګندېښېزی خرنګه چه دېښتو طبیعی محیط یعنی پېښتون خوا (افغانستان) په عمومي طور سره هنلي سوی دی چه یوغرنی ملک دی ، او دجفرافېبي عالمان هم داوايی چه افغانستان غرني هملکت دی ، اوپېښتنه هم په دغه غروادددغو غرو یه لمنو او شبلو کې اوسيښېزی ، نو لکه همدا غیرت او دا مها انه او توريالي توب ، او پروطن خان جارونه ده همدا غوسپير واو تورو غرو اثر دی چه په دوی کې سوی دی ؛ لکه چه دغرو او سيدونکو کې تل غیرت ، زده ور توب پروت وي ، بل خه ذکر او فکر نه لري بیله مها انه او توري او سرې بندنی ؛ داخودغه زموږ دغرو تاپرو ووچه و مووايیه ، او س هفه برخواي چه دخیل محیط شیان ئې په لنډیو کې ویلی دی دخه موهم ووبل چه هر شاعر دخیل محیط شیان ویني او هفه شیان په خپلو اشعارو کې داستعاری او تشبیه او پر دوبل په خپل شعر کې طبیعی ستاني - و ګوری زموږ ملی شاعر انو دخیل ملک شیان خنګه او به خه نزاکت سره په خپلو لنډیو کې طبیعی ویلی او را وړی دی :

دمین کېزدی په غره کې او د مین کېزدی لاندی ده دخپلی کېزدی خخه ئاره پر خپل مین کوي :

دغره پر سر دی خساه او کړه لکه سره زړکه یونګه به در نخمه

هدارنګه بی مین دغره پر کمره ولاړ او تېری دی مینه او به ور پروتی او ناره پر کوي :

پاس پر کمره ولاډ ګله نصیب دچایي او به زه در خپر ومه

په دی نخای کې مینه پر کمره پاس ولاړه ده مین لاندی دغره په لمن کې وینی ناره پر کوي :

دغره دسره می سهی کړي پری به دی نزوم دکېزدی تر پېخولو نه

دلنه یاماينه کېښته دغره په لمن کې گرزی ، او مین ئې دلوډی خا کې خخه ددی شین خال ویني

ناره پر کوي :

شین خال دی ستوری دسههبل دی  
خوله دی تو پاک خندادی تاک دی  
زما دی تول عمر په دار کی  
په دی ناره د مین هیچ ادرم پر مینی نه کیزی ؛ دغره دخا کی خنجه بله ناره پر کوی چه ته ماته نه  
گوری نوزه هم باک نه در کوم او وروسته له خا کی خنجه کشته کیزی تریوه پر براه نهایزی ؛  
خان به دلویو غر و غر خه کرم داستانه مینی خنجه به زمه و صبر ومه  
چه مین ئی تر گو نگ کوزیزی مینه ئی ستر گی ورادوی ورته گوری او داناره پر کوی ؛  
دستر گو باز می درایله کی ستادیدن کوتزی واوستی ترغونه  
و گوری اپه لمی لنه‌ی کی اشنای په مرغه سره او خان ئی په زر که سره تشیه کپی دی 'او په  
دو همه لنه‌ی' کی ئی اشنای په گل سره او خان ئی په باعون سره ستایلی دی او په دریمه لنه‌ی  
کی ئی دمینی خال په سهبل او خان ئی دغره په گلا نو او په پنخمه لنه‌ی کی دمین هفه خپل پنستنی  
جوش او د توریالی توب غریره راسر پر سوی ده د مینی کرمه وده او خدا او خال ئی په  
خنگه نزا کت سره ویلی او لکه د جنگک په میدان کی خپل خان ئی مغلوب او مات چه د زوه  
پر سر په مردک و ویشت سی او بیائی خپله بی قراری د هو سی په بی قراری سره تشیه  
کپی ده او و روسته خان دغره دغره خه په خپل لختنی نیهاما وی او مینه ئی خپل دید په باز او دده  
دیدیه کوتزه سره وایی خرنگه چه په دخسی خای کی لکه چه پورته موویل طبع آبایشی نسته پیله باز  
اوزر کی او هوسی او دغره لویزی خا کی او دغره گلان نو، نو شکه هدادی چه مین او مینی دالنه‌ی  
په طبیعی دول سره ویلی او دغه دخبل محیط شیان بی په استعارا و انشیه سره پکش ستایلی دی  
لکه چه دمغه موهم وویل افغانستان زیات پر دغه چگوغر و بنه شنه شنه باعونه گلان او د دل  
دول جگنی ونی اور نگارنگ خوبزی مبوی، او زرغونه بنونه، او هر راز طبیعی مزایا و مناظر هم لری  
نوددی دنودلو دباره هم یوه یوه لنه‌ی دنونی پر دول لیکو که نه وی خوبه زرها و دی  
دلته کله نخائیزی :

ما شام سهار او بشکی شبم پر تو یوه  
خران بیمه کی الی تازه گلو نه  
کم اصل گل که بویوم داک دی باعونه  
داشبو گل می شاهزاده دخمه بحیه  
چه راسیمیزی روح به نیمه تپروینه  
چه د جانان ما یه غیبز کی پانی پانی سمه  
بوی دستنعلی خوب دیغلى پر لا سونه

مح دی د سره گلا نو باع دی  
زما جا نان گل د گلا ب دی  
په اصل گل کی گل گلا ب دی  
گلا ب با چا نرگس وزیر دی  
د کافر گل پشان کنجه سوی  
خدا یه ما گل د گل گلا ب کی  
گل د گلا ب سیو ری دولی

پر بستر او مدی لکه یو خرو وار گلو نه  
 داتورو زلفو دی سنبل و شر ما و نه  
 لکه نر گس دندر ئی شین سین ئی گولونه  
 ماد سمسوره باعه واخیسته لاسونه  
 پغیله گل ئی گل دی ست اسلام له لخینه  
 که دی پر لنه زنه و وهل خالونه  
 یائی دمچ پر کنارو خواهی راحینه  
 خکه می خان در پسی غوشه کی مینه  
 لکه شمشاد باندی چه تاک ختلی و ینه  
 لکه نبتر دسلو کا لاوایره سومه  
 چناره ولی نهراویدی دخیال گلو نه  
 چه له هز ولو سره کم تابو یو مه  
 پر سپیره دنبت دی ویا شله زیر گلونه  
 به زرغون جستودی مات کرده زیر گلونه  
 چه سره گلو سی په مین اور لکو ینه  
 لنه داچه داسن لنھی خویه زرودی دله کله خائیزی چه زمزوز دههاد او زمزوز دو گرو  
 داخلوق او عادات او نوره مزیاتو نمایندگی کوی چهدا و روسته به ئی دلنمیو تقسیم په اوستره  
 بر خه کی خه نه خه لبز لبز راسی .

دايوه خبره دی هم پته پاته نه وی چه پستانه که خه هم اکشنه دغرو او سپدونکی دی منگر  
 سره له دی ددوی دملی لنه یو خخه دابنکاری چه دوی و روسته ترمزانی او سرینندنی او غیرت  
 او شجاعت او زده ورتوب دعلم او عرقان شوق او مینه زیاته لری او په علم او په عالم فخر کوی  
 تربی علمه سری ئی عالم خوبن دی او په علم پسی دبره هیچه کوی که خه هم علم په دبر لیری نخایو کی  
 لاس ته ورئی او علم پکن حاصلیزی دوی هلتہ پسی نهی او علم خاتمه حاصلوی؛ د پستانو په بشخو  
 کی هم عالمانی وی او خیلو مینا نوشه بی دعلم تشويق ور کاوه، معانی او بديع و بيان او منطق ته ئی  
 زياته مينه در لوده .

دعلم دتشويق او دعلم دکولو او دحاصلو او دعلم دبنه گملو لنھی خو ديری دی منگر که  
 دنمنی دپاره هم دلته یو خواندنی و لیکو بدھ به نوی :

نجنو پغور را کی چه ياردی امی سونه	جانا نه ولو له ملا سه
هلتہ به خاوری کمه غوبنی و هلوونه	چیر ته چه علم حاصلیزی

يابه مخان غرق کي يابه وباسى لعلونه  
 فکر کلبي ده پهور وورو ئي خلا صومه  
 زه سرگر دان دكافيبي دلاري سومه  
 چه يه سروشندودي خندامي دى كزمه  
 خوک چه مين سى خنی ياتنه سى علمونه  
 ستاد کيتاب تراشوديردی زماخالونه  
 يه مفتر گودوند سى پير کيتاب دروختمه  
 دغم ساعت دى يه سفر يي تپرومه  
 تقرير دى بنه سه پيشتور لو يه عالمه  
 خود تصدق مقام را خجي خاورى به يمه  
 چه دى شبي کي زه دليل پر تپرومه  
 تر مصو لو به دى زه ور سومه  
 زه مطول وخيانی دو ام اومه  
 دنادانى په کيار کي مه گرزه مينه  
 پير کيتاب پروت بي يادوي شنکي خابونه  
 يامى دعمر پانې ژيره کي چه مر مه  
 زما عاصي پير کيتاب پر بوتل گرزونه  
 زد به هغه خاي ته پير سر باندى ور نمه  
 عبئي مه کي دتول عمر ز حمتونه

دبورته لند يو خخه خوبنه ترا خار گنديزى  
 منگر بدبه مرغه زما په خيال چه معلم يي نه دراود، سره له دغه په سو و پير ته له ديني او مذ هي  
 عالمانو خخه فلسفى او نور عالمان هم پيکنسته او هم پيکن تپر سوي دى ،

لندي پر کمو مضمونو و پيشلى سوي دى ؟ يا

### دلنديو ادبى او معنوی و پيش :

خر گنده ده چه زموز ملى لندي خو طبیعی جودی سوي او ويلی سوي دى ، او هیچ  
 دتصنعت قلم يه دوى کي ندى گرزيدلى ، توله پر ملى ذوق زموز عموم پيشتنو جودی کپري  
 او ويلی دى نو خکه يه دوى کي هر دول مضمون او هر فسم ادب پروت دى ، او يه دوى کي  
 زموز ملي مزايا وي ، او زموز دزبي ادبى مزيات او استعداد يه خرو و سته ، و گوري !  
 پيله پيشو او تقليد خخه او پيله دى چه دچا پر پله تللى وي طبعا دارستور ادبى و پش یعنی پير (۹)

برخو منطقی اشعارو سمی دی لکه فخر او حماسه، عشق او غرام، مدح او صفت، ذم او هجو، مرثیه یا ساندی، جدیات هزلى یا توه کی او مسخری، هزلیات جدی یا په تو کو سره پر بد و عادا تو حمله او تغییل، مصیبت او نوحه، مضجعکه تو کی، اودعر بو ادبی و بش لکه تهدید یا پر ونه تصوفی اشعار، عتاب یا ادبی ترقه، اعتذار، ادب او حکمت اونور لاهم زیات اقسام لری، داتطیق یا زیادات زمزوز دملی لنه یوازمزوز دملی ادبیاتو یواعجاذی چه زمزوز سپیخلو پیشتو طبعاً کپری دی نو او س به موز دبورته اقسامو یوه یوه نمه خولنده و لیکو.

### فخر او حماسه

جه مو شیدی دینېتني رو دلی دینه  
د بدنا می احوال دی مه را لخه مینه  
جه پر هارونه دی گنهم خوله در کومه  
دبی ننگی احوال دی مه را لخه مینه  
مانه پر کور نجونی مجهو سمو ینه  
وطنه تابه له دینه سخنه ساته

توری به نه کپرو نو به خه کپرو  
په رنجک تور په وینو سور سی  
تکر تکر په تورو را سی  
په تور تو پک دیشلی را سی  
یارمی په چنگک کی فتح و کپه  
خان به سلخای کشیری کشیری کم

### عشقی او غرامی

د خو به نه یم دیار غم غلطو مه  
دو ای غاده اجاره وا خله مینه  
دخوبه نه یم دیار غم می زنگو یه  
پیغله گلئی گل دی ستاسلام له خدینه  
لکه دینگلی نجلی غادره یه خالونه

پر بام ولا ده یم ز نگهربزی  
که دی ز ما دین په ڪار دی  
پر لاری لحم سر می ز نگهربزی  
باغ له دی تله مناسب نه دی  
اسماں په ستور و شنا یسته دی

### مدح او سقاينه

د جنت و زه ته هر مو من طمع لرينه  
که دی پر لبه زنه و و هل خا لونه  
خران ئی مه کی الهی تازه گلو نه  
پر دینه تاوه به بیا جود کی نا تارونه  
وطن ره سو د سمنان په ما تبی محینه  
یو خوبنہ خوان دی بلئی کپری جهادونه  
ما چه د استا حسن د لم ره سره تاله

د پیغله خو له د جنت و ره دی  
لکه ریدی گل به تری جو دسی  
ز ما جانا ن گل د گلا ب دی  
پیشتو یا بگپری ڪبزی ڪپری  
د اسپر خان غازی په تو ره  
که جهان مری اکبر دی نه مری  
تله د امر اسماں له را غله

## ذم او هجو

مناسب نه دی چه کارگان ئى بويونه  
پر برني ور کپری خو له پېشمانه يمه  
موزىگى هر ساعت پر لخاي پېلخا يه مرينه  
گونگته مه گر زه د گلو پر سرونه  
حق د هفوتدى چه وطن په تورو خورينه

گل د بورا سر ه بنا ئىپزى  
موزى له جنگه تر پله و ڪره  
بنا غلى يو خلله پر خاى مرى  
بورا د گل سر ه جو مدېزى  
موزى دى خوب پر بلنگك نه کا

## مرئىه يا ساندى

زملالى تر گل نازك خاوروله خينه  
روح ئى معطل دى بى وفایار يا دوزينه  
مومن خانمەدى په هوزادى مر غىنه  
مرگك په نېتە دى دروغىجه سوم مىنه  
دباره تارىخ دزده په وينو ولېكمه  
مولادى درکى په جنت کى بىه ئاخابونه

گلان د خاورد ييد ا ڪېپزى  
ستره گى يې مه پتوى خسلقو  
پر ئىلى سيو ربىه را غلى خوانه  
ماول له غىمه به دى مە سەم  
ماله قلم مشوانى راودى  
کە به ز مادعا قېلىپزى

## جديات هزلى ياتاوکى او مسخرې

په ايرومى خرى يې په توره وواهنه  
لكه چفال چه کوقى چرگى له ورخىنه  
دارد كاته يې دغوايى زده کپرى دينه  
د شهار باپى شبور وي لكه لکر ه

موزىگى يسا مىانه و ڪرە  
تر نيمو شپورا تىگ دى جارسم  
موزىگى ستە گى دلپوه دى  
زىدە مى نرى سو لىكە لو نه

## هزلىات جدى ياپه تو كوسره پر بدۇ عاد تو حمله

چرس به و هوچرگان به جنگك لره ساتونه  
خولىه يې خىرى كىكرى يې لمروھىنه

را لىه چه دوازد ملنگان سو  
د موزىگى نغېنه بىكاره ده

## مىصىيت او زدا

ارمان ار مان لا خانه مۇمنه  
مومن پر دېس دى پېكتىن تېر بە كى كلو نه  
دمومن خان په وينورنگك سوھ بالېتۇنە

ار مان ار مان لا خانه مۇمنه  
قېرىئى شە پر يى كە استاده  
ادىپ را كېتىنە اور را بىل كە

جانان کو ز یېزی د نا کام يه تناونه  
د مومن خان جنازه بیغلی نجوني و مینه  
چه مومن خان دز کندن سگلی و هینه

گورستان سل گزره کوهی دی  
د پاسه دو ې جنا زې راغلې  
یا سین شروع کی ملا یا نو

### مضحکی یاخمدار او ستو نکی تو کی:

بو دی و لاده شر مبان خسیا نوینه  
ناخا په بزغ سوچه نیکه دی بیدا سونه  
سیبینی یا یېشی درو پو خلی و را نوینه  
لن می گیده لره و هله سنگره و نه

د غره د سره می راتوب کړه  
د پلار ز انګو می ز نگوله  
خوانا نو زور پربزگری کی  
توری و هم بې نسگه نه یم

### تهديه یابپرونه:

یا به ناري وهی چه ورک سووله و طنه  
چه داسمان ستوري په ورڅ درو وینه  
که پیگانه تو پیر راودی سرئی وهو نه

دېښتنو دېښمنی مه کړي  
یوارخو ماله په غېښ راسه  
موږ توله یو پېښتون یادیزه

### تصوف او موعظه:

دنیا فانی دمه بیا به و کی اړ ما نو نه  
اوی دگناه پېقی پر سر خاورو له ځمه  
امت دی ډوب سو دگناه یه دریا یونه  
زه نه پو هېټزه چه اخسر و رسیده  
چه زه نا دان و م یه ګناه نه یو هېډه  
روڅ دمحشر سته شفاعت به دی کوینه  
بې عباده مو نده نسی چتلو نه

عالمه یو تربل جا رېښی  
دنیاله پاک دگناه را ځلم  
پر پېغمبر می سلام وا یه  
عمر تیز ېښی په شپو روڅو  
په اخترت کی به ناري کم  
پر شرع ټینګ دپاک حضرت شه  
که جنت غواصی عبادت کړه

### عتاب یاد بې ترتهنه:

خاوری ایری سوی او سدی با درا پسی و مینه  
دلأس بشګری می خر خوی ما ژډوینه  
ما په دنیا کی طمع وه چه خوک لرمه

چه ماویل هفه دی نه کړه  
مسلمانی په چا کی نسته  
ولی دی به راسه و کړه

### اعتذار:

پیگاه می مهی به خوب لیدی و پیر پدمه

جانانه راسه چه خوکه در کم

زم گرمایم ناگاره نهیم  
مح یه میوند کله پنیزی

### ادب یا حکمت:

تردی عنوان لاندی خورا ډبراشعا راحی چه دنولو لیکل مشکل دی او اکثره فلسفی  
افکار اوپندا او نصیحت پکنی بیانیزی اکه دا:

پله ز حمته راحت چا مو ند لی و ینه  
چه چا ز حمته لیدلی وی راحت به و ینه  
چه تری یوتکی لیری سی رحمت به سینه  
چه له پخلا د بنمه نخان ساته مینه  
دمسا فرو آزاره و مه  
لنهه داچه په لنديو کي برته له دي پورته مضمونو خنخه نور ډبر اقسامسته: لکه تبر يك،  
خوش يني بدیني، تحدییر، تحریص، تشویق، محرومی، مایوسی، فراق، وصال او نور او نور  
چه دلته دنولو لیکل پوها لخنی جو نیزی؛ کخدای کول ژیر به دلنديو یوه مجموعه چه ما تولی  
کړی دی چاپ به سی او ولو ستونکو ته به وداندی سی:

### دلندیو اوزان:

دنخ موهم وویل چه لندی. یولنه شعر دی چه دوی خوا وی لری، او له برخه ئې لنهه  
ده چه ۹ سیلا به لری، او دوهمه برخه ئې لزخه او زده ده چه ۱۳ سیلا به لری، په هر دول  
وزن او په هره لهجه کي تر دغنو سیلا بونه زیاتیزی او نه کمیزی؛ داطبیعی شعر یالندی. دآهنگ  
او دبغ او دهر دول وزن تابع دی، په هر دول چه ئې ادوی او می، او هندالندی. په پښتو کي  
پردول دول مخصوص آهنگ او وزنو ویلی کیزی او غالباً دېښتو په هر ګوټ او هر خاکی کي  
په پبل پبل آهنگ او وزن لری، مثلاً تیراهی، شلگری، گرسپری، پېښوری، قندھاری،  
وردګی، او نور نور . . .

بلکه دالاخه چه په قندهار کي برلس دولس دوله ویلی کیزی، لړی، مسری. ئې پبل  
وزن او دوهمه مسری. ئې پبل وزن لری په هره لهجه او په هروزن چه وی؛ لندی. یوبل منیت  
هم لری چه هفه خه شی دی؟ دادی چه خوک یومراجع یا په بل عبارت سره کسر یا سر و ر  
ورجود کي - وروسته لندی. پسی واپی بیا کسر و مر جمع واپی بیالندی. پسی واپی چه تقریبآدمول  
دغقول وزن ته نزدی کیزی چه خوک خوک و دی ته نیمکی واپی چه دادول دېښتونکو دشیرې اقسامو کي  
خورا لوړ مقام لری. لندی. دېښتو دموسیقی او تغنى هفه میزی او داهیت غری دی او په

هر رنگ سروز کے ویلے گیزی خصوصاً دنیمکیو پر صورت خواہ سروز کی بنجھی ہے۔ سری اور لگکوی۔

دلنده‌یو به وزن یا په بل عبارت سره دلنده‌ی. په سیلا بو کی دوزن بدبلیدو په وخت کی لخنی زوائد حروف لکه: هی هی، ها، هو، وی، اوه اونور . . . . و روایزبی؛ یعنی که خوک و غواصی چه دلنده‌ی. پر خیله مخصوصه لهجه یا پر خیل مخصوص وزن و وايي، يائی دینستتو دبلی قیلي پروزن وايي، پر دوه دوله‌ئی واين: - یوداچه دغه بورته حروف دلنده‌ی. دسیلا بو به مینځ کی وراچوی؛ دوهم داچه دلنده‌ی. دلپری-مسري. یاد دوهم مسری. بعضی سپلا بو نه مکرر یا به مد او اوزد والی سره واين؛ يائی لخنی لموري. یاد منځ یا اوستری. کلمی مکرری مکرری واين؛ افسوس دی چهداوزن او آهنگ دفلم په خوکه نه بشنوول کېزی، داده‌هني جذب الصوت دآلی کاردي چه بزغ خبیثني او یهایي بیر ته دبرق دموچ په ذريعه هو انه ورکوي او په اروپدونکو ئي اروي، منلار سره لهدي به موژ د مجوری. په سبب خودله دلنده‌ی. وزونه دبورته تقسیل سره سم لاندی و لیکو:

- (۱) هـ آسمان ته لار «وـی» آسمان ته لار «وـی» لار دختو نسته آـ و هـ دمچکـی سر «وـی» دمچکـی سر «وـی» سردـی راتـه بلـی آـ هـ آـ هـ بلـی لمـبـی کـیـنه .

(۲) کـشـیـه دـز لـفـو پـسـی نـه وـای کـشـیـه دـز لـفـو پـسـی نـه وـای هـرـه مـسـرـی دـوـه کـرـتـه اـ مرـی يـی ، دـمـحـ آـ ، بـه جـهـاـن تـوـل ، سـیـز آـ لـی وـونـه .

(۳) اـ سـمـان پـه سـتـورـو آـ سـتـورـو سـبـاـیـتـه دـی وـی «لـکـه دـیـغـلـی آـ پـیـغـلـی نـجـلـی غـامـدـه سـغـامـدـه يـه خـالـو آـ نـه

(۴) موـمنـه خـه آـ ، خـه الله دـی مـل سـه خـولـگـی مـی سـتـادـه کـذـه خـاوـرـی خـاوـرـی سـم مـینـه

(۵) بـنـه دـی چـه يـوـپـیـتـرـون يـادـیـزـ وـ اوـه وـرـک دـی بـرـدـی سـی آـ جـانـه چـهـوـطـن «وـی» وـطن مـوـشـر مـوـیـنه

(۶) غـاتـول بـیـاد «وـی» يـادـسـتا دـز خـسـآـرـکـی بـرـدـامـان سـرـی «وـی» سـرـی بـیـالـی دـمـیـو «اهـه آـ» مـیـونـو شـوـیـنه

(۷) دـنـجـلـی مـخـ بـرـدـی وـطن دـی بـرـدـی وـطن دـی خـوـکـ چـه بـرـدـی «وـی» مـلـکـوـنـه خـورـی «وـی» سـرـبـه آـ بـرـزـدـ بـیـناـو

(۸) هـ آـ جـانـان پـه تـحـینـ کـی رـاتـه کـوـبـسـو دـجـسـتو ، خـوـکـی ، لـگـکـ ، وـمـ ، خـوـلـه ، وـرـکـ ، وـمـه

(٩) تر دهوال دوي گوتى سر لومدكه (ـ و (١)

دز نى خال بە ، دى دهوال ، آو سولوبە

بسته داوز نونه خودپر دى خە فائىدە چە ليكىم ئى لىكە چە ددغۇتۇرۇخخە اوواز نەراوزى چە  
شوك يې واروى اونىڭ ورته ولايتسى ! پىردى اوسترى . اىكە بە گىرد سره مضمون بىس كو .  
دا وو زموڭ دلنجىي سر سر كى ييان چە پەدپەر لنهدول سره مۇو ليكى - منگر پە اوسترى كى  
دەختەرە لۇستۇنکو خىخە عفو غوايدم كەچىرى دگوتى نیولۇخاي پېكتەنى كى وي ؛ لىكە چە اولىنى  
وابىي : « تىشە لاسە دىئىمن مى تە ئى ؟ تۈزۈن رۇخى بورى پىر تە لەپانلىقى حىبىي او جىلالى او زىرلاى خىخە  
چا خە نە وە پىزلىكلى اونە خە نور ماخذ وو . ددى درو شىاغلۇ خىخە تىشكىر كوم چە ماد دوى  
دمضمۇنۇ خىخە يە طلوع افغان اود كابىل يە سامانىمە كى خاي ئاخاي خە نە خە استفادە و كېرە بىس .



(١) د دغۇ لنه يو دو زنو پە سبو ولۇ كى چە دغە مد ونە (ـ ) دى د اواز د اوىز دولو  
او كىشولۇ او دوزن شىولۇ دىبارە دى .

## د دارو بوقى او لە هەفو خەخە

### د معاجمى او نور كارونە آخىستىل

ئىاغلى - ميا اورادالدين خان - منتظم دېشتو كورس

دېشتو دابىه احساسات و گورى ، چە دخىل ژۇنداňا دەۋائى دپارە ئى خور از يار ، او زەمت اىستلى دى ، چە لە خىلىم و چىنى ، او كورنىو بوقى خەخە ئى دىلاج معاجمى دپارە پېپى تىيجى آخىستى دى .

دەولو پېشتو داعقىيە او دىستور دى چە دەۋى كېنى خۈك نازوغەشى ھەنار جومى چە وى ، دەۋى دخىل علاج معاجمى كارلە بوقى خەخە آخلىم ، او تۈل علاجونە ئى تېرىبى تە رسولي دى ! هەفە بوقى چە پېشنا دەختەلەوەر ضۇنۇ علاجونۇ دىيارە لە هەفو خەخە كار آخلىم دەپى لا نىدىنى دەول سەددى :

### د دارو بونى :

شىرى - بوقى - شەمكى - جىنجىز - كماچو خىرخۇز اصىل گىنلەپىرى ، كەم اصل گىنلەپىرى - خەماز ورە سېلىمى - شېنىشوبى - دخوەغۇر ، لوى غۇر - دخوە خروھ - گىز كېپانە - بىرھەر پانە - كور كۆنېنىي پەتكە بېرك - بېركات - بوقىكە - سېپانە - سېپەر كى ، كاپازىي نىايى - دەنیا - پىاز - وزە - گىلخۇر ( او گىرە قىينىگى ) كورى بوقى - زوال ، كوتى لال ، لۇم بوقى ، غوائىي زې بە ، شەلغى ، بېنىشە مستىارە ، اغىرىكى ، ترخە ، وله ، بىكىانە ، مەمانە ، سەكور بوقى ، سېپەر كى بوقى ، كەركەنە

### شېرى بوقى :

شىرى - بوقى بە پىرسلى كېنى دېقىو بېپولو ، او كەلە خواو شا كېنى راشىن كېپزى ، كەم وخت چە او ربىشى زېرىشى نۇدشىرى - بوقى دانىي پەخىشى ، دەھەن ئىلى بېتىشى ، او خىنى سەرى هەم هەفە شىرى - بوقى لە بېندە راباسىن ، نەرتە ئى آچىوى ، چە دەۋە درىي ورخى تېرىشى بىانىي بە لەرگى باندى وەھى ، او تەكۈرى ئى چەھەنە دانىي ورخەخە توىشى !

ھەدانىي بەچىچ ، يايە شەكارە بادوى ، او يايە كۆي ئى ، دەغۇ دانۇتە ئى كىشىر يە پېشنا خا كشىر وائى ، او دىشىنۇ ارو دىلاعەلى خىلە ورته دشىرى - تەخەم وائى .

خا كىشىر ، يايە بىل عبارت دشىرى - تەخەم درېزش ، او گىرە كېدلە ، دەمەي تېبى ، ھەدا رىنگە دېقىيت دپارە دنورو مەضۇنۇ دپارە دخوەز وچا يو سەرە ئى خورى خوچە دەۋە درىي وختە ئى دخوەز وچا يو سەرە خىو رى رېزش - او گىرە كېدلە - كەمە تە - كەنە خى ( يەنى قېسىت ) ئى دەپەزى - اورۇغ رەمت شى .

### شىمكى:

دشمىكى بوقى دمنى يە وخت كېشىدېرىۋى شىھە گلۇنە نىسى يە پولو يە ولە ، اولىتىيە باندى ولايدۇ - دشپۇوارو دعلاقى خلق شىمكى ورته وائى ، اونور خلق كاسنى ورته وائى . دەرچا چە شەھىرى ، ياددرىمى دەرخى ئىگەزى - ياخۇزىزى ورباندى اوشتى وى نو خلق ھەفە تە وائى جە لىس ، اتەورخى پلە پىسى دشمىكى بوقى دېبىخە راباسە ، يە چا كۆئى دېبىخ بوقىكى پە دوه لپو او بوكېش پە كۆتۈرى ، ياكىنلۇل كېش خىشىتە وە : هەرسبائى اومازىگىرى ئىپى چېنە - دغە ناروغە سرى چە خۇ ورخى پلە پىسى داعمل و كېرى تە ، اوزىزى پە ستر گو ھەم نە وينى روغ رەمتە شى !

### جىنچىر :

دجىنچىر بوقى ھەم دېسرلى يە وخت پە بولو او پېتىو كېش راشىن كېزى وادە ، وادە سرە گلۇنە نىسى - دشپۇوارو دعلاقى خلق جىنچىر ورته وائى - اونور خلق ورته شاطىرە وائى . پرچاجە لېمى راخېزى ، ياخۇئى وجود خاربىت كۆى ، ياسىرە نەخە پىرى راوخېزى - دغە دجىنچىر بوقى خۇ ورخى پلە پىسى هەرسبائى اومازىگىرى راشكۆى ، تەكۈرى يې نىسەم گلاس قدر او بە ترى ياسى اوھەنە چېنى فى الحال ئىپى ھەفە لېمى ، خاربىت ، سرە نەخە جو ھەبزى - جىنچىر ددى مەرضۇنۇ دېبارە اكسىر اعظم دى .

### د كەما چو بوقى :

دا بوقى ھەم پە پىرسلى كى راشىن كېزى وە دەكىنەنلى شىن بوقى دى دەكلىو يە خوا اوشا اوپىتىو كېش وى ، خۇ چەمنى شى نۇيىاسىرپى دانى وينىسى - پرچا چە سرە نەخە را بشكارەشى او دا كەماجو وەتكۆى ، او بەئى وباشى اوھەنە سرە نەخە پىرى غۇبدۇرى دوه درى وختە چە داعمل و كېرى ھەفە سرە نەخە ئىپى جو ھەبزى - يۇنانى طېيان دەكەماجو دانى يە جوشاندو كېش استعمالوی .

### خرغۇز :

خرغۇز خو يو سىپەرە بوقى دى چە دخىپەندر يانى لرى دا بوقى ھەم يە خۇمدۇنۇ ، او دېتىو يە پولو دېسرلى يە وخت كېش راشىن كېزى ؛ چە خە قەندر رالوى شى نۇيىا يۈغىتە قۇى غەندى (دەنەر) نىسى تەرىپىا دسەرى دەنەمائى قەندر لۇدەبزى ھەفە غەندىل يىازىمە زېر گلۇنە نىسى . چە دخىرغۇز يانى راودە ، سورى تەئى وچى كېرە يىائى مېدە كېرە او بېرە هفو دانۇئى دومەدە

دانی به دی وچی کلکی شی اوجو مدی به شی - هنده سپری خو هنگه سی کوی - هنده دانی هنی  
وچیزی اوجو مدی بزی .

- کے اصل گنہوں پری :-

کم اصل گنبدبری اکثریه خلق‌ئی په باغونو کېن ئې کې دگلاب پر دول سره گلۇنە نىسى . دچا چە دنزا-ای مرض وى نوهقە سپى دەھە گنبدبری گلۇنە راشکوی او سورى تە ئې وجوى يائە ميد وى ، او دنسوا رو پر دول ئې په يۈزۈ سو نو وى - خو ورئىخى چە د غسى عمل و كېرى ھە، نزلە ئې ور كېزى .

اصیل گنہوں بری :-

اصل گنده بزی په د سنتو ڪبن را شين ڪپېزی - سپین و اماده گلو نه نيسی  
په چاچه مرداری دانې راختلوي وی نو هغه سپری خلور پنځه ورځي پله پسی د گنډبری دبوټي  
درې خلور پاتنه یه هر سبائی او ما زیگری را ودی ټکوی یې او به تری باسي خهدور نوری او به هم  
ور سره ګډوی چه یو نیمه پیاله او به تری جو مدي شی او هغه او به چېښی خلور پنځه ورځي چه  
دغښی عمل و کپوی هغه مرداری دانې یئي وچېزی ، او جو د بزی .

که خوک ددانو به نسبت یانور خه پر ه ذل وی او له بدغنز خخه ویر ہنگی او دھفه کم اصل گستاخ بری  
یا ہنگی را ودی و چجی ہنی کپری او هفو دانو یا پر هر ته ئی دودوی هفه دانی، او پر هر ہنی جو ہنگی  
او بدمغز پر ی اثر نه کوئی .

که پر چا باندی خنجه (شنه) را خبزی چه لاسرئی نهاد کری نو همه سری د گند پری  
یافی را ودی تکوی نی، او خام لبی تری پخوا او پر هنی خنجه ئی تری همه دا نه ئی سعدستی  
سر کوی، او مداد نی وزی.

خیماز ورہ:

خما زوره داصلیل گنابدی قدر بوقی لری، او داهم په دشتو کښ شنه کېزی دچا же نوم بې  
ئایه شی اوله هغه نامه و تلو خڅه یه تکلیف کښ وی نو دخمازوری پانی ټکوی او خام لېتی تری  
جومدوی اوپر نامه باندی ئې تپری دنامه گز کې ئې ماتبزی اونوم ئې جومبزی .  
او که یه چاققى بادى دانی ياخنځي وی چه لاسرئی نهوي کړي او دی ورڅه یه تکلیف کښ  
وی، نو خوات ورته وائی چه دخمازوری خام لېتھي پخه کړه او په دغو دانوئې و تپه چه سرو کوی .  
خنګه چه خام لېتھي پخه کړي اوپر دانوئې و تپری سعدستی هغه دانی سر کوی او مواد ئې  
راوزي .

### شىنىشوبى :

دشىنىشوبى بوقى دخمازورى قىدردى - شىنىشوبى ھم يەدىپتىوارغۇنۇ كېبىزى - دشىنىشوبى يانى او گلۇنە خورا بېرى گۈرى - پىرچاچە دانى ، ياخىنچى راخبىزى خوجە دشىنىشوبى يانى وەتكۈرى يە ار كارە كېن ئى وأيشوئى خام لېتىن ورخخە يېخە كېرى او پىرەنە دانە ئى وترى فى الحال يې هەندەدانە ماتېبىزى او خۇنى خلق دشىنىشوبى يانى پىرداڭى باندى تېرى ھەنە زوى ، او نۇونە يې وچېبىزى دانە ئى جو مېبىزى .

### دخولە غز .

دخولە غز يەخودونۇ كېن كېبىزى دشىنىشوبى قىربوتى لرى ، يەچا چە دانى راختلۇرى ، اولا سرئى كېرى نەوى ھەنە دخودو دغز يانى تەكۈرى خام لېتىر تېرى جو مە كېرى او پىرداڭى باندى ئى تېرى .

### خروف :

خروف يۈرۈدۈ كى بوقى دى چە يەخودونۇ كېن شە كېبىزى ، بوي ھم ارى دغە بوقى ھم ددانو دىبارە يە بورتىنی دول سرە پېشىنانه استعمالوی .

### گىز لە يانە :

گىز لە يانە يۈرۈدۈ كى دىنېشى دبوقى قدر بوقى دى ، مگر دىنېشى يانى ودو كې دى او دگىز لە يانى دبوقى يانى خە قدر پلنى او او azi دى - دگىز لە يانى بوقى دولو ، او دلىپتىيە غادو باندى كېبىزى يە خەممە خبور پىروت وي يە يىرسلى كېن راشىن كېبىزى ، تەمنى بورى ھەنسى شىن وي ، يەچاچە مردارى دانى ، ياخىنچى راختلۇرى ، او دگىز لە يانى دبوقى يانى ور باندى وترى ھەنە دانى ، ياخىنچە ئى سر كۈرى .

او كەچىرى ماتى شوي وي ، او سرئى كېرى وي اوھە دگىز لە يانى دبوقى يانى ور باندى وترى ھەنە دانى ئى وچېبىزى ، او ورخ يەورخ ئى كېبىزى .

### پىرھە يانە :

پىرھە يانە ھم دگىز لە يانى يە دول ودو كى بوقى دى چە بىخ نە لرى ، او ددواو ، او لېپتىيە يە غادو باندى كېبىزى ، مگر دگىز لە يانى خە يې يانى خە قدر پلنى دى ، او دمنى يە وخت كېن تەن نىسى ھەنە دانو ئەنلىخلىق بارتىگە وائى . دپىرھە يانى بوقى ددانو دعلاح معالىجى دىبارە فقىط دگىز لە يانى يە دول أستعماللىزى ، دپىرھە يانى دانى چە ھەفي تە بارتىگە وائى : دچا چە كەن ودو كى ايوان وي اوھە دنسە كېپىنى ، نۇد ھەنە دىبارە بارتىگە مىدە كۈرى

او شکر تری و رسه گیوی ، او همه ایوان ته ئی دتی دشود و رسه ورگوی ، همه دنس فاسته ئی  
بشه کېزی .

### کور کونیئی :

کور کونیئی عیناً دکماچو بو قی په دول معلوم بیزی او همسی شنی پانی لری ، په پسرلی کښ  
راشین کېزی ترا وودی پوری شین اوتازه وی ، ددارو دیاره ئی خاصیت دادی  
دکوم واذه ایوان چه په نس کښ چینجی پیداشی او همه تری په تکلیفوی نو دهه ایوان  
مور دکور کونیئی پانی خه قدر تکوی او همه او به ئی په مقدم کښ ورخوی بل داچه دکور کونیئی  
بو قی دیسرلی دسهو خنه دېر بنه ذرم ، او ملايم سابه دی .

### سارمی :

سارمی هم یوشین غوندی بو قی دی ، دکور کونیئی سره خورا شبیه دی ، دابو قی هم  
په پسرلی کښ راشین کېزی ، او دېر یو ملايم سابه دی ، او بله خوبائی پی داده خوک چه دسارمی  
بو قی و تکوی ، او او به پی وباسی او په هفو او بکش دخا مبا سینه توته ومندی چه شنه شی او بیا پی  
سوری ته و چه کړی هغې شنی تو قی ته پشنناه شو وائی ، دېنوتاشر دادی چه دچا اور په کا رشی  
نو پند ، او بکرسه ووهی له هغې خخه سری سری سیر غی آلو زی چه دښو په توته باندی کومه  
سپر غی پر ہوزی فی الحال هغه بنواور آخلي ، پشنناه له هغې تو قی خنه داور کار آخلي :

### پنځبر لک :

پنځبر لک هم دکور کونیئی ، او کماچو پر دول یوشین بو قی دی ، دابو قی هم په پسرلی کښ  
شین کېزی ، مګر پنځبر لک په زمکه خور پروت وی ، که پر جا باندی دانه و خپری ، او لا سری  
کړی نه وی نو دپنځبر لک پانی تکوی او خام اپتی تری جو ره کړی او پر دانه پی کېزی دی .  
بله داچه اکثر پشنناه چه خوک پر ہېزوی ، او دېر ہېز ورځی پی پوره شی ، او غواړی چه  
خیل پر ہېزمات کړی ، نو هغه سری چاته وايی چه خاما دیاره خه قدر دپنځبر لک پانی را وده  
چه زه پری پر ہېز مانوم - هغه سری یو پخلی قدر دپنځبر لک پانی ورته را ودی او همه په خالی  
او بکښ پخې کړی او بیا خه قدر دغودیو تی وروکدی ، بیانی دددی . سره خوری پنځبر لک  
په پسرلی کښ خوراښه ملايم سابه دی ، حتی چه ځنې طیبان ئی په جوشاندو کښ هم استعمالوی .

### بر بک :

بر بک خو یوشین و دو کې بو قی دی چه اکش په کمرونو کښ کېزی ؟ دپانیو ساخت او دول ئی  
لکه دانګور مګر دانګور بو قی لوی او پانیه ئی شویه پسته ده او دېر بک بو قی دخما زوري قدر

ودو كى دى او يانە ئى زىزې او بىرە غوندى دە .  
دچاچە دغۇز لاندى دورمېز پە حصە كېنى خەپرسوب رابىتكارەشى اوھە درد كۆي نوھە  
سۈرى دېرى باڭى راودى پە تېرى باندى ئى تودوى ، او پەھە پەرسەپدىلى ئاخى باندى ئى تۈرى دوه  
درى وختە جە دغە عمل و كۆرى ھەپ بېرسوب اوردى ئى ورکېزى . پېشىنە دغە پەرسەپدىلى ئاخى تە  
باگۇتە وائى .

### بوقىكە :

بوقىكە پەرسەلى كېنى يەرغۇنۇ كېنى راشنە كېزى سەرە بخونە يەلەنە يانە لرى ، او بۇ ئى ئى  
پەھەمكە خۇپۇرپۇرتۇرى - خىنى بېئىھە بوقى لەپەخەراباسى سورى تە ئى وجوى يىائى مىدەۋى  
دسبېز و دۇزلۇ دپارە ئىستەمەلۇ .

### سپاندە :

سپاندە يوشىن بوقى دى چە پەرسەلى كېنى يەرغۇنۇ كېنى شە كېزى . دا بوقى ھە دخماز ورى  
قىدر لو دە بېزى مگەر دد ي بوقى يانى ئىنلى ، ئىرى . وى چا چە دشۇلۇ بىرغلۇ كىلى وى  
نوھە خود سپاندە بوقى يو دوه گېھىي راودى دېر غلى دېتى يە ورخ كېنى ئى خېپو ي ھە  
بىرغلۇ بېھە عمل ورباندى كۆى اوزز ، زىزلى بېزى .

او خىنى خلق يى دىلا لېزۇ دپارە را ودى دەر بوقى لا ندى ئى بىزدى او بىنخوي ئى ھە  
پالېز چىيىجى ھە نە كۆى او دېرى بېھە عمل ، ودە پېرى كۆى .

او خىنى پېشىنە ئى دىلاج دپارە استعمالوی مىتلا : دچاچە غوا ، يامېزە يامېنە علت منه كسر منه  
وى نۇ دەھې خاوند سپاندە راودى يە شەر ومو كېنى ئى خىشە وى تىشلۇ ورخۇ پو رى  
ھەرە ورخ نوي ، نوي شۇرمى ورآچوی چە شەل ورخى پورەشى نوھە خساشەر و مېي ھەپ كىسر  
منى غوا ، يامېزى ، يامېنە تە وراجوپى - خوچە خۇورخى تېرى شى ھە غوا ، يامېنە بىشكىل  
ھەپ علت ، او كىسر يىپە سىرگۈ ھە نە گۈرە . دسپاندە داونە سېپلىنى وائى .

دچاچە زىدە خۇزېزى نوھە سپرى خۇورخى يەلە پىسى يو ، يوتلى سېپلىنى خولى تە آچوی  
او دادا بۇ غرپ ورپسى كۆى ھە درد ئى ورکېزى .

او كە داچاز خم ، يادانە وي او بىدو غزو وھلى وي ، خۇ چە دوه درى وختە سېپلىنى ور تە  
دود كۆرى ھە زخم ، يادانە ئى بېھە كېزى .

او خىنى خلق دسپلىنى دانى پەتىرى باندى سەزى يىائى مىدۇ ي خە او بە ھە ور سەرە گۈرى  
او دىچىل لاس لارگى ياماسا پېرى رىنگۈ ، ھەپ رىنگ خولىكە پوخ روغن يىا تېرى نە ئىخى

### سپیر کی

دسپیر کبو تغم خلق دیبازو په پو لو باندی کری ، دسپیر کی بو قی دسیا ندی دبو قی  
قدر وی او دیبا زو سره سمی پخپزی دچا چه گپه خوز پزی هفه خو یو تلی سپیر کی  
خولی ته آچوی او داوبو غرب پسی کوی گپه ئی جود پزی .  
یاخو پرچا لرمی را خپزی ، هفه سری خو خو در لخی پله پسی سپیر کی مخانه دودوی  
هفه لرمی ئی ور کپزی .

دچا چه زپهی وی - نو خوک ورته وائی چه یومو قی سپیر کی یوموتی دنیا ، یوموتی اوریشی  
او خه قدر و خکی په یوه جام کبین سره خشتی کرہ خو ور لخی پله پسی هفه او به چنه او هفه  
و خکی خوره زپهی به دی بنه شی . دزپهی والا همسی کوی زپهی ئی بنه کپزی .

### دنیا :

دنیا هم دسپیر کی دبو قی قدر بو قی اری - دنیا دچر گک او دفتر می له مسالی خخه یوجز دی  
دنیا ، او سپیر کی په یوه وخت کرلی شی .  
که دچا گپه خوز پزی نو هفه خو یو تلی دنیا دگو مدی سره زوی گپه ئی بنه کپزی  
او که خوک دپر احتلام پزی نو هفه خو یو خود و لخی پله سپی یو یو تلی دنیا دگو مدی ، یامصری  
سره خوری هفه احتلام ، (شیطان غولول) ئی ور کپزی .

### پیاز :

دچا چه پنه ، یالاس زخمی شی نو پستانه فی الحال خو دانی پیاز تکوی یه غود یو کبن  
ئی سره کوی لبز غوندی سورخی هم ور آچوی چه هفه پیاز یه غود یو کبن بنه حل او ملهم  
شی نو بیانی پر هفه زخم باندی بزدی دوه دری وخته چه پیاز او ملهم پری کپزی دی هفه زخم  
ئی جود پزی .

او که پرچا باندی دانه را پیکاره شی او لا ماته شوی نه وی ، او غواری چه ماته شی نو  
دیباز غوته په انگار کبن بزدی چه پغه شی نو بیانی پر هفه دانه باندی توی چه دوه و خته  
دغسی عمل و کپری هفه دا نه دائی سر کوی .  
خمنی خلق پیاز به آچارونو ، او ترشیو کبن هم استعمالوی او خوری ئی .

### وژه :

دو بزی ، او دیباز دکرلو وخت یو دی که دچا غوز خوز پزی نو هفه خود و بزی پلی یه  
غود یو کبن سور کوی او ل هفه غودی یه غوز کبن ور خشوی او بیاهفه د و بزی پلی یک بن بزدی

دوه وخته چه دغسی عمل و کری غوبزئی روغ رمه شیع خنی خلق دهوخی دپاره اوژه ، اوکوده خوری هفه توخی ئی بنه کېبزى .

### گلبخور :

گلبخور ( اوگره قىنىگى ) دەوکى شىين بونى قى دى چەپەرغونو ، دېنتو كېش كېبزى ، كە دچا قوءە باھ ضعيفەسى ، نو گلبخور راودى ، او سورى تە ئى وجوى ، او يانى پە چلم كېش خىكوى ئى قوءە باھ ئى بنه کېبزى .

ياخودچا ساه لىتى مرضوى ، اود گلبخور بوقى پە دغە يور تى دول سر ھ پە چلم كېش خىكوى ساه لىتى ئى بنه کېبزى .

### كورى :

كورى ( كمرى ) داھم يو بونى تى دى چەپە دېنتو او كمرو نو كېش كېبزى - بوقى ئى پە ئەمكە خوربروت وي د گلاب دبوتى پە خېر آغزى لرى ، پە وودى كېش گلۇنە نىسى ييا دانى نىسى ، دادانى ئى سورى تە وچوى .

دچاچە بواسير مرضوى نوهە خود كورو ساھ پەخوي او خورى ئى بواسير و تەھېر ھ فائده كۈرى - دېغلى صورت ئى دادى :

چە اول ئى خەقدەر پەتىزە باندى ميدوى ياخوئى پە اونگ كېش خەقدەر درجل كۈرى او يە او بوكېش ئى خېپتوى چە دېغلى وخت ئى نۇرى شى اول هە او بە ترى خەخوئى ييانو پە دېگ كېش غۇرمى سرە كۈرى ييازور آچوئى او هە كورى هفو غۇرمۇ يۆتە ور آچوئى چە پە غۇرمۇ كېش سرە او پەخى شى .

ياخوئى مىلا دغۇرمى سرە پەخوي چە سالن ترى جودشى ، او خورى ئى هە بواسير پېرى خورا بىنە كېبزى .

### زوال :

دزاوەل بوقى پە پىرسلى كېش دغىمۇ پە بولو راشىن كېبزى ، او بوقى ئى تىرىيأ دەنەنەيە دول دى غەنم چە سەمسورشى دزاوەل بوقى ھەزىز گلۇنە نىسى ، دا گلۇنە خلق سورى تە وچوى ، پە ۋەزمى كېش چە دچا بىرىپىن يىداشى نوهە دزاوەل گلۇنە پە او بوكېش دگۈمىسى سرە ايشۋى او تاودە . تاودە غېپۈنە ورخەخە كۈرى ، او خەقدەر دزاوەل گلۇنە ميدوى ، او يۈپىلەنە خېر دەمالوچو ، يادۇرغۇنۇ خەجە جو دوی هە خېر پە اور تودۇي خەقدەر دېندانى دېلىو ، يادگەر مۇ او بوكېش دگۈمىسى دزاوەل گلۇنە ميدوى او بېرەنە خېر باندى ئى دويمۇي ، يىائى ھە پەنگار نىسى چە بىنە تو دشى نوهە خېر دېرىپىن دېساھ ئى ورتە ترى ، سېباتە ئى هە بىرىپىن روغ وي .

غوائی ژبه :

غوائی ژبه یو و دوکی شین بوقی دی چه دلو، او لبیتو په غاده په پسر لی کښ راشین کېزی دکم اصل گنہپری په خپر او زدی نری، پانی لری په حکمه خپور پروت وی .  
دچاچه ستونی خود بزی، او هغه خود غوانی ژبی پانی راشکوی، او په خوله کښ ئی زوی او هغه تر خی او بی تبروی، دری خلور وخته چه دغه عمل و کړی ستونی ټی جو د ٻزی .

کوتی لال :

کوتی لال د خمازوری فدر بونی لری تقریباً همسی پانی لری .  
پر چاچه دانه راخنی وی او سرئی نهوي کړی نوهغه د کوتی لال پانی راشکوی اویه اور  
باندی ټی خهدقدر تودوی او پرهنې دانه باندې تری هغه دانه ټی سر کوی .

شلغخی :

شلغخی هم یوشین ودوکی بو-قی دی دلبیتو، او لو پر غاده و باندی راشین کېزی او ز دی پلېنی پانی لری په چاچه دانی راخنی سری دشلغخی پانی و ز باندی تری دو ه دری  
وخته چه دغسی عمل و کړی هغه دانه ئی سر کوی .  
بل داچه دشخلی بانی پانی خورا یو ملائم سا به دی، او کدنورو سبوسره ګډشی هغه نور سا به هم دېر پری شه کېزی .

بنفسه :

بنفسه (توره پانی) بنفسه ود وکی شین بوقی چه دغرو په لمنو کښ کېزی همد ارنګه دلو او لبیتو پر غاده او زی معجنو خایو کښ کېزی .  
که خوک گرمیه لاندی کړی وی هغه پانی ئی راویدی، او تکوی ئی او بیهی باسی هر سبائی او مازیگری ټی چبني د وجود گرمی ئی دفع کېزی .

سپلمی :

سپلمیه یو لوی بوقی دی چه یلنی پانی لری، او د کم اصل گنہپری قدر لوی بوقی دی :  
په پسر لی کښ راشنه کېزی او په او دی کښ سره بخون ګلونه نیسی . په پاکی کښ واده  
غندی ختکی هم نیسی خنی خلق هفو ختکیوته د سپلمی، ګود مدی وائی .  
نو د چاچه نوم بی خایه شوی وی، یا خود چاپه ملا، یا ز نگانه کښ بادوی نود سپلمیو  
پانی راویدی، او ل خوهغه پانی وینځی یا ئی په مسیته تبیه (دو سینی تبیه) باندی تو دوی یا  
هغه پانی دیندانی په تبلو، یا په غوره خه قدر غوره دی، پر ذامه، یا پر ملا، یا ز نگانه دی پاسه ئی

## ددار و بوتى اوله هفو خخه

ههنه زخی یی ور کپزی .

او که دچار نیم سیری، یا نزله وی نو هفه خونیم یا وقدر دسلیمی، پیر یه یوه لو بینی کبن جمع کوی او په هفو یو کبن یو خورد سینینی غتی وریجی آچوی اوستوروته ئی بزدی چه هفه پیر و چی کاندی نویاهه وریجی میدوی، او چادوی یی، بیائی نو یه پوزو سو نوی خورخی چه بله پیسی دغسی عمل و کپری هفه سر درد، یانیم سپری، یانیه ئی ور کپزی .

د سپلیو یه ختکیو کین بوراز سیین پشم دی چه ځنې خلق یې په بالښتو کښ آچوی او  
بالښتونه تری هکوی هغه بالښتوهه خود دمaloچو، او د ډېنګولهه بالښتو خنځه هم پاسته او ملائم وي  
اکثر یه پېتاوهه د سپلیو دلار گیو خنځه درنګ کار آخلى :

د سپلیمې بوئى رارىيې ، وچوی يې بىاھفو وچولرى گۈۋە اور ورته كۆي چەسکاره شى نو خىل سىين خادر ئاپتىكى يە او بۇ كېن لمۇي اوھە د سپلیمۇ سکاره بىنە مىدوى خە قدرابوھ ئا يوھ لىيە شۇدە هەم يېكىش گۈوى اوھە لوند كاتالى يېكىش منبۇي شە ئې يە كېش ادوى را آدوى چە بىنە رىنگ واخلى نو يىائى سىورى تە وچوی اووينجى ئىنى - هەفە كاتالى داسى پوخ رىنگ آخلى چە لە ياخۇ سر كارى رىنگو خەنچە هېيغ كەم نە وى .

دکھانہ

بکیانه د انار گوسپی قدر و نه لری، پر چاچه دانه را خستلی وی او نه و چیزی نو هفه خو  
دبکیانه د بومی یا تپی را می دیری، سیوری ته ئی و چوی چه و چی شی بیا ئی میدوی، او پر هفه  
دانه بالندی ئی دور وی هفه دانه ئی و چیزی.

که پر چا باندی لرمی راختلی وی نو هفه سری د بکیانی یافی راشکوی تکوی ئی او به تری باسی ، او هفه لرمی په غودوی ، ماش کوی هفه لرمی ئی وز کېنژی .

مکانیزم

مماهه د افاري گوسى خنجه لبز خه قدر دودو کي بوقى دى . اـ كىش په غر و نو كىبن كېزى دچا په وجود كىبن چە گرمى وى هەفه سەرى دەمانى يانمى راودى خو ور ئى بله پسى خىشتۇرى سپائى ، او ما زىيگرى ئى چېتى ھە گرمى يې ور كېتى .

اوکه یه کوم غوائی، یاغوا، یاچزه، یابل یوه خاروی کنیخه عات، مرض وی نوده همه خاوند دماني دبوقی بیخونه (نیلی) راودی سنه ئی ایشوي اوھنه او به ئی همه خار وی ته ور کوی همه خاروی خورخى روسته روغ شى .

### کرکښه :

کرکښه د مانۍ خخه لوی بوټي دی مګر مانې به غروکښ کېښی ، او کرکښه په دېنتو کښ کېښی ته د چاپه غوا ، یاغوائي کښ چه کسر ، علت وي نوهنه خاوند ئې مخی اودکر کښي دبوټي بیخ راودی په او بوكښ ئې سنه ایشوي او هفه ایشولې او به ئې هفه غوايا غوائي ته ور کوي . خورمخي روسته هفه خاروی روغ رمتې شي او هفه علت يې ور کېښی .

### انگور :

انگور (کور) د چاچه سترګي خوبېښی نوهنه دباره د انگور پانۍ مګردورا نگور پانۍ راودی او په سترګونې ورته تړی ، که تور انگور پیدا شني نو هر انگور چه وي دههه پانۍ تو دوي او پر سترګونې ورته تړی دوه درې وخته چه دغسي عمل و کړي هفه سترګي ئې جو دېښی .

### سپیرکي :

سپیرکي یوسپيره بوټي دی په دېنتو ، اوږ غونوکښ کېښی . بوټي ئې د خما زوری خخه لوډدي . پر چاچه مرداري داني را ختلي وي ، او هفه داني ئې نه و چېړي نوهنه سردي د سپيرکي پانۍ ، او ګلونه ئې وچوی ، او بیائې ميدوی ، او په هفو دانوئي دوډوی - هفه دانې ئې و چېښی .

### اوی غزه:-

په چاباندي چه خنځه راوخېښی هفه سری دلوی غزپانۍ راودی تکوی ئې او خام لېټي ترې جو دوي ، او یه هفه دانه باندي تړی ، دانه ئې سرکوی .

### کابزي نيلي :-

د چاچه ګېډه خوزېښی هفه کابزي نيلي او ګوډه ور کوي چه وئي ژوي . سمدستي ئې ګېډه جو دېښی . او که چاد ګېډه په یېچ آخیستي وي هفه دباره ګوډه او کابزي نيلي په او بوكښ ایشوي ، بیائې غپیوی سمدستي ئې هفه یېچ سنه کېښی ،

### کوری بوټي :-

کوری بوټي په غروکښ کېښی ، د مانۍ دبوټي قدر ونه لري . خوک چه له کمره ، یاله توټ خخه ، یاله دېوال خخه راولوېښی ، او دههه توول وجود ، او هدو کې ژوبل شی نو دهه دباره د کوری دبوټي نيلي راودی سنه ئې ميدوی ، غودی یهار کاره کښ سره کوي ، او هفه

## دادارو بوئی اوله هفو خخه

میده کوری ورسه گوی او دغدو سره ئى غرپوی دوه وخته چه دغسى عمل و کری هفه پتە در دونه ئى بنه کېبزى .

### لرم بوئى :

خوك چه لرم و چېچى نودھە دياره دلرم بوئى پانى راودى خەقدىنى تىكوى پە كستوھ كېن ئى بنه تودوي اوھمىسى تودىنى يەھە دردمن ئخاي باندى ترى هەزەريپى غلى كېبزى .

### مستيار :

مستياره هم يوشين بوئى دى چەپە منى كېن دېتىۋە بولو باند كېبزى مستياره پە تر ياخ والى كېن دشىكى لە بوئى خخە كەمە نە دە دىچاچە زېرى وي او دغە دەستياري دبوئى پانى يىگائى پە او بوكېن خىشته وي او سبائى چامۇي او چېنى ئى خو ورخى چە دغسى عمل و کری هفه زېرى ئى بنه کېبزى .

### اغن كى :

اغن كى يۈددۈكى شىن بوئى دى چەپە دېتىۋ ، او لىمى ئەمكى كېبزى ترمنى يورى شىن ولاەدى تقرىيأ دەرخى بوئى قدر بوئى لرى مگر وادە، وادە اغنى هم لرى ، پرچا چە گرمى غلبە كېرى وي نوھە خوھە سبائى او ما زىگە داغنى كى بوئى راودى تىكوى ئى پە يو گلاس او بوكېن ئى خىشتوى او بە ترى باسى يىائى چامۇي اوھە صافى او بە ئى چېنى خو ورخى چە بله پىي دغسى عمل و کری دوجود گرمى ئى ور كېبزى .

### ترخە :

ترخە هم دوجود دگرمى دياره خلق راودى تىكوى ئى او بە ترى باسى خۇو خە ئى بله پىي سا او يىگاه چېنى هفه گرمى ئى لە دوجود خخە ور كېبزى .

### ولە :

دجا بە وجود كېن چە گرمى وي دولى پانى راودى او بە دغە بورىنى دول سره ئى تىكوى او چېنى بى لە وجودە ئى گرمى ور كېبزى .

# مختصری از ترقیات اقتصادی

## افغانستان

بن‌غلی محمد قدیر خان (تره کی)

خوشبخت است نسل معاصر افغان که در عصری زیست دارد که مملکت بیو سته روبه ترقی و رفاه سیر میکند.

اگر بر دارید تاریخ ده سال اخیر افغانستان را مطالعه نمایید می‌بینید درین مدت کم خوش بختانه مملکت عزیز ما از هر جنبه مصدر چه ییش رفت‌های بزرگی گردیده است. یکی از شعییکه درین سنت‌ها اخیر بیک مقیاس بزرگی پیش‌رفته و منظرة آن مارا با آنیه مشعشع و درخشانی نوید میدهد اقتصادیاد مملکت است و خوش بختیم که هرسال بوسیله سالانه کابل قدم‌های درشتی را که مملکت درین راه بر میدارد به معرض مطالعه عامه تقدیم مینماییم زیادت احتیاجات و گرانی وسائل زندگانی اعمال اقتصادی را امروز در راست تمام اعمال و مشاغل دول دنیا جاداده و هر دولت برای اینکه قوی و توانابوده از احتیاج خارج نجات یابد بیوسته میکوشند اقتصادیات خود را ترقی بدند و تمام منابع ثروت داخلی خود را بکار بینند از نهاد امروز منشاء تمام فجائع حربی و سیاسی و تمام مشقات و مصاعب اجتماعی بول و ثروت است و ملتی میتواند درین دنیای مادی و اقتصادی به رفاهیت زیست کند که تجهیزات اقتصادی او کامل بوده موازنۀ تجارت خارجی بر لاه او باشد.

متاسفانه در همین دنیای معاصر مالکی هم‌هستند که تمام این چریفات را دیده و ناظر کیل قضایای بین‌المللی بوده معهدا حرکتی بخود نمی‌دهند و کمتر متوجه عوایق خود میباشند ماهم ازین قبیل خواب‌های طولانی را بسیار کشیدیم ولی بالاخره موفق شدیم در تحت هدایات ورهنگانی‌های اعلیحضرت معظم همایونی و والا حضرت اعظم صدر اعظم صاحب آستان را بزرده به عمران و آبادی مملکت خود آغاز و با اصل مهم حیاتی (اقتصادیات) خود متوجه گردیم همین است که خوش بختانه درین مدت کم موفقیت‌های بزرگی نصیب ماشد.

این موفقیت‌ها و این اصلاحاتی که اخیراً در اقتصادیات مملکت رونماشده به هیچ صورت نمی‌تواند قناعت مارا فراهم کند و امیدواریم همان‌طوریکه تا کشون پیش رفته این در آینده هم لا ینقطع بسوی تعالی سیر کنیم زیرا علماء میگویند در هر امر اندام اولین به مراتب سخت تر از اعمال مابعد است همینکه فردی‌املتی جدیداً آغاز بکار مینماید در مرحله اول شقت امور و صعوبت

کار زیاده تر حس می شود ولی همینکه کارها رونق گرفت و پر زدهای ماشین هر کار بحر کت افتاد تو لید سرعت دران سهل میباشد «

اینکه بنابر همین اصل مسلم علمی که از نوامیں طبیعیه هر گونه عمل و حرکت است ملیقین داریم در آینده به صرف زحمت کم تر زیاده تری خواهیم گرفت .

با دو اوضاع گفت تا امروز هر قدر کاریکه درین زمینه انجام داده شده و بهر اندازه پیش رفته که نصیب ما گردیده است همه و همه در شقوفی است که یامستقیمه بوسیله دولت بکار آنداخته شده و یا رول دولت دران غالب تر است از سهم افراد و افراد هر کاررا از دولت انتظار میبرند درحالیکه این ذهنیت غلط مغض است زیرا در تمام دنیا سابقه ندارد که تمام کارهارا دول انجام داده و لقمه های ساخته و پرداخته بدنه افراد داده واشد .

سهم افراد در هر کار مخصوصاً در اعمال اقتصادی بسیار بزرگ است و تمام ترقیات محیر العقول صنائع و تجارت که امروز دیده و یا شنیده میشد همه بدبست افراد صورت گرفته است این است که ماهم اولاً افراد را بوظیله شان درین امر متوجه نموده سپس در اطراف بعضی خطوط مهم و اساسی ترقیات و پیش رفت های اقتصادی مملکت درذیل بحث میکنیم :

### پلان احیای اقتصادیات افغانستان

وصفاتیکه سیستم کار در عصر حاضر دارد و آن را از سیستم های اعمال اقتصادی ادوار ماقبل امتیاز میدهد این است که اعمال اقتصادی امروز در هر جا در تحت یک پلان و پر وژه معینی صورت گرفته هر مؤسسه صنعتی و هر دولت برای پیشرفت امور اقتصادی خود ها پلان های واضح و معینی ترتیب و روی آن پلان یوسته برای اجرای مقصد و نیل به نصب العین خود ها کار میکنند .

طیعن است از یک کاریکه در تحت یک نقشه معینی صورت میگیرد زیاده تر میتوان استفاده کرد تا از کاریکه بدون یک نقطه نظر معین اجرا کرده شود .

در افغانستان هم خوب شناخته در اثر بهیخواهی حکومت مطبوعه و تو جهاتیکه به عمران و آبادی مملکت در اثر هدایات و رهنماei های ذات مبارک همایونی و والا حضرت صدر اعظم صاحب از طرف رجال امور مملکت به عمل میاید اخیراً کارها سرو صورتی بخود گرفته به مجاری علمی و اصولی که در دنیا متمدن به صرف زحمت و پول کم فوائد زیادی ازانها گرفته میشود سوق داده شده است چنانچه یکی از بزرگترین دلائل این پیشرفت همانا طرح یک پلان اقتصادی است که از طرف دولت سر از ابتدای ۱۳۱۹ مورد عمل گذاشته شد .

این پلان میتواند در ذات خود دیباچه یک آینده مشعشع و درخشان حیات اقتصادی افغانستان باشد زیرا در اثر یک سلسله سنجش و تدقیق وضع و پرای اجرای آن وزارت ها و دوائر یکه

میتوانند در سر نوشت حیات اقتصادی مملکت مصدر اعمال بزرگی شوند مامور گردیده‌اند.  
اینک در ذیل متن پلان مذکور را عیناً درج نموده از خدای متعال آرزو داریم مملکت  
عزم‌آهن در زیر سایه همایونی و خدمت وجدیت سائر خدام مملکت آباد و معمور گردیده دولت را  
با جرای این پلان تمام آمال اصلاح خواهانه او موفق گرداند.

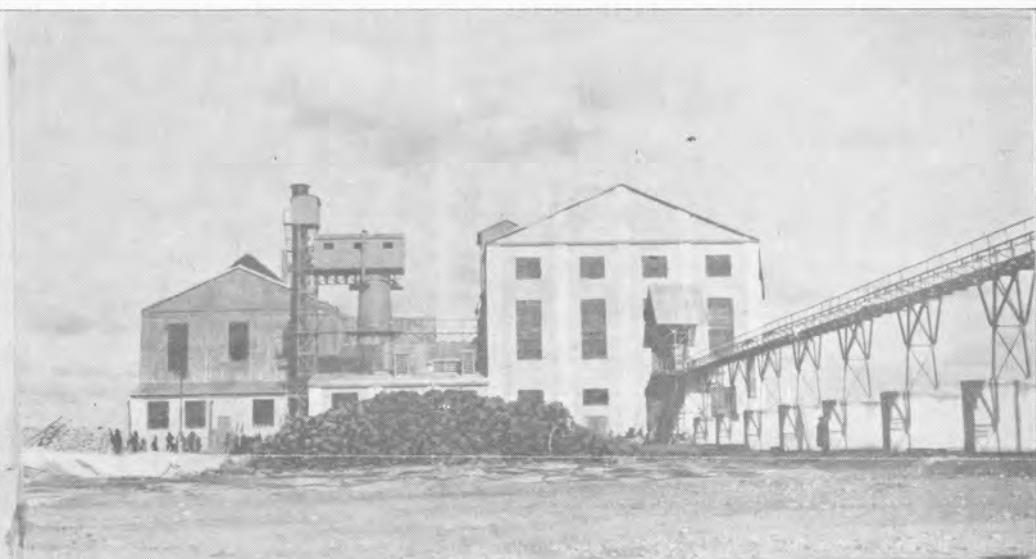
وضعيت مالی مملکت مقاضی پیشرفت ونشو وارتقاء است از همین جهت لازم است که از هر طرف و هر جهت بدون فوت وقت شروع بکارهای نمائیم که ذریعه آن عملیات تولیدی را در مملکت بلند برده بتوانیم و اگر فراموش نشده باشد یاد آوری می‌شود که در سال گذشته که پروژه « داغستان بازنک » پیشنهاد گردید نکته اساسی پروژه مذکور بروی همین تهداب گذاشته شده بود تاکه در حدود امکان بصورت فوری قوه تولیدات مملکت بلند برده شود، الحال چون سال جاری در شرف گذشتن است بایست خاطر نشان نمود که ماناید پول را بیکار گذاشته و یا اینکه پول را بدون نیروی فکری و اداری بگذاریم که به در و بدون نتیجه مصر ف گردد و یک سال مابعد سال دیگر بدون نتیجه فوت شود، و این نکته نیز قابل تذکر است که در خاتمه سال بایست ما بر عملیات پروژه گذشته خود تجدید نظر بداریم که در عملیات چه نواقصی بوده و در پروژه چه اشتباهاتی دست داده و چون ماجداً طالب پیشرفت می‌باشیم بایست نواقص و اشتباهات را ازین پروژه عملیات خود خارج نموده و در عرض معلومات و تجاری را که حاصل نموده ایم داخل میدان عمل پروژه جدید بداریم اگر این نقطه نظر اشتباهی نداشته باشد، درینصورت وزارت اقتصاد پیشنهاد ذیل را تقدیم داشته و برای روشن کردن مطلب به ذکرات ذیل اشاره می‌نماید.

۱: از بدهم بدتر خواهد شد اگر پول های پروژه داغستان بازنک بدون اینکه خود ماهم بفهمیم و یا اثری از آن در مملکت ظاهر شود آهسته بصرف معاش اداری و یا کسرات بودجه بر سد.

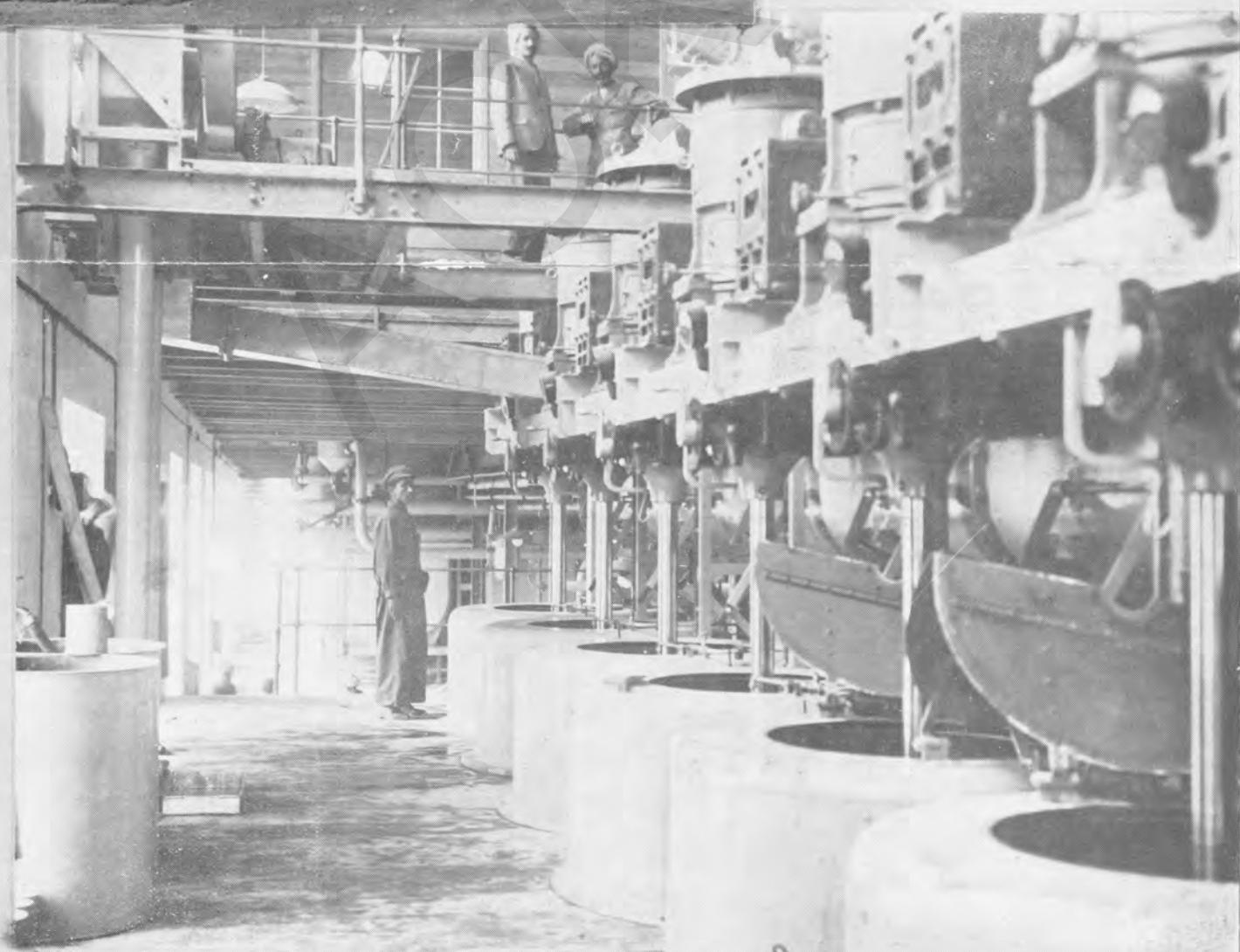
۲: نوافیکه مادر اصول عمرانات داریم اگر آنرا رفع نداریم از قبیل طرز اداره و یا مطالعه و یا اینکه بواسطه اقتصاد و صرفه جویی شدیدیک کاربر اکه در دو سال بایست اجرا گردد به چندین سال دوام میدهیم و یک کار بزرگی را که می‌یونها افغانی مصرف دارد قبول می‌کنیم ولی بر مصرف پروژه تخفیکی آن قلم کشیده و بوجود آن قائل نمی‌گردیم و به امثال آن در کار پیشرفت نخواهیم نمود.

۳: این نکته نیز قابل ذکر است که در اروپا ازه ۲۰۳ فیصد مصرف

عکس طرف راست: دورنمایی فابریکه قند بغلان

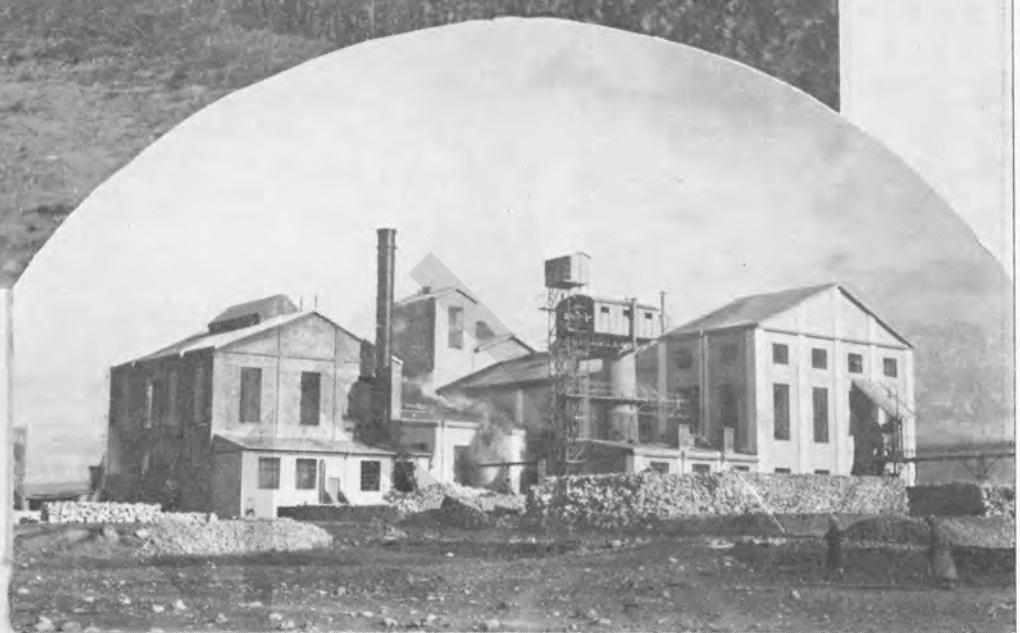


عکس طرف چپ: یک منظره دیگر از دورنمایی فابریکه  
قند در بغلان با منظره سمتی از یک سلوی  
بلبیر



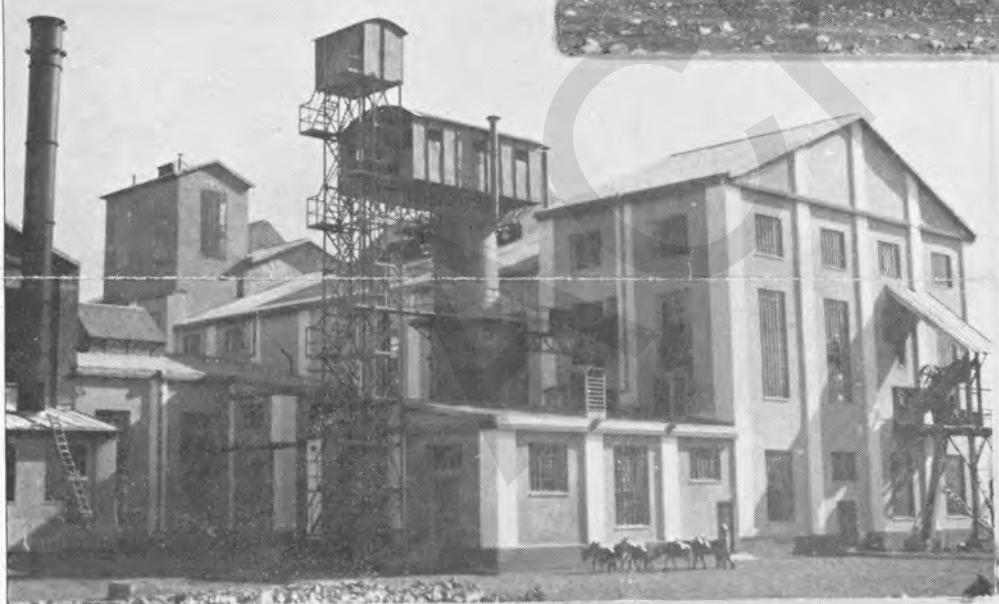
عکس بالا: از مناظر داخلی فابریکه قند در بغلان

دورنمای فابریکه قند بغلان



عکس بالا: منظره فابریکه قند در بغلان

عکس طرف پپ: منظره دیگر از دورنمای فابریکه قند بغلان



عکس طرف راست: یک منظره دیگر از دورنمای فابریکه قند  
در بغلان



ساختمان پروژه و نگرانی ، تغییرکی و انجینئری را برای یک کار فائل میشوند و هر حصه یک کاررا به متخصصی جدا گانه همان فن میسازند که پروژه واجر آلت بدارند و درین مورد نیز مانو اقصی داریم که قابل رفع و ازاله است .

اینک در حالیکه ما میخواهیم امورات عمرانی و اقتصادی ما رونق بگیرد بایست این نو اقصی را از جلو خود بر داریم و در نظر بگیریم که از یکطرف اشد ضرورت به پیشرفت مملکت داریم و از طرف دیگر هیچکار ماییزه رفت نخواهد کرد تا نو اقصی هم جوده را اصلاح ننماییم وزارت اقتصاد باشرط در نظر گرفتن رفع مشکلات نو اقصی فوق پروژه ذیل را تقدیم میدارد .

**الف :-** از نقطه نظر اینکه بایست تولیدات مملکت ترقی نماید و این اصلاحات ازان ولایت باید شروع شود که زمینه کیار در آن فراهم گردیده و به نتیجه هم نزدیکتر باشد و این موضع در مرحله اول ولایت خان آباد تعیین گردد :

۱:- چون امور زراعتی و صنعتی ولایت خان آباد بس مهم گردیده و برای پیشرفت و ترقی امور مالی مملکت درجه اول را امروز حایز گردیده و مجبوریم که سرعت فوق العاده را در اجرای عملیات عمرانی آن ولایت قایل گردیده و نگذاریم که حرکات نهضت و پیشرفتیکه در آن ولایت میخواهد تازه شروع شود بعی گردیده و به نتیجه نرسد ، وزارت اقتصاد بواسطه اهیت ترقی زراعت صادراتی و پیشرفت پلان صنعتی که واردات مملکت را محدود بدارد و هم برای اسکان کوچی ها سرعت عمل را در کارهای آن ولایت بس مهم شمرده و میخواهد خاطر نشان نماید که بدون تربیق یک خون جدید از واکسن تزراعت و صنعت در کالبد این مملکت پیشرفت صحیح مملکت را مشکل میتوان شمرد و برای همین ملاحظات پیشنهاد ذیل را تقدیم میدارد .

### پلان زراعتی :

این پلان به سه حصه تقسیم میگردد که در سه جزو (الف - ب - ج) در ذیل شرح داده خواهد شد :

- حصه الف :** این حصه کذریمه وزارت فوانیه عامه تحت اجرا گرفته میشود فرار ذیل است :
- ۱:- در حین پنجسال که از اول سنه ۱۳۱۹ شروع میشود پنجصد هزار هکتار زمین جدید چه از چنکلات و خشک نمودن با طلاقها و یازمین جدید تحت زراعت آورده شود و بصورت آماده گردد که زراعت پنبه دران ممکن باشد .
  - ۲:- نقشه تیپو گرافی زمینهای جدید که تحت زراعت میآید و نقشه تیپو گرافی غوری -

بلان - خان آباد - قندوز - تالقان - خواجه غار - حضرت امام - در حین هفت سال تکمیل گردد.

۳: - باطلان قهایکه موجب خرابی زمینهای زراعتی و توسعه امراض ملیر یا میشود خشک شده و در وهله اول حصة غوری و بین خان آباد و قندوز تحت عملیات قرار گیرد. توضیح - این عملیات با است بصورتی شروع شود که در آخر سنه ۱۳۲۰ یکصد هزار جریب زمین و بعد همه ساله ای آخر ۱۳۲۳ یکصد و سی هزار جریب زمین را فوائد عامه تحويل ریاست زراعت و شعبه ناقلين بگشند.

حصه ب: - ذریعه ریاست تنظیمه تحت اجر اگرفته شود و از ریاست زراعت پلان و نقشه تهیه و بر ریاست تنظیمه جهت سرعت عمل سپرده شود تاریاست معزی اليها امور دزیل را تحت اجر بگیرد: ۱: آن ذرایعیکه باطلان قهایکه را تشکیل داده آسیاب وزراعت شالی، در اطراف همان باطلان قهای من نوع قرار داده شود.

۲: نواقص جموع نهرهای موجوده اصلاح و بخته نمودن دهنه های آبیاری محال بلان- غوری - خان آباد - قندوز - قلعه ذال - حضرت امام - خواجه غار - دشت فله - تالقان در مدت پنج سال تکمیل شود. بدین قرار که دونفر مهندس آبیاری در تصرف ریاست تنظیمه گذاشته شود، تا آنها نواقص نهرها و نقشه کرده آنوقت هر چه سمنت، آهن و مصالح خارجی لازم افتد از بودجه زراعتی تهیه و مصالح داخلی و مزدور کار را خود زمینه ارها تهیه نموده کارها را تکمیل و انجام نمایند.

۳: زراعت شالی در مناطقیکه اهیت زراعت پنهان و لببورا دار امیباشد و برای پیشرفت این دو قبیل زراعت مانع باشد من نوع قرارداده شود.

۴: تهیه نقشه زراعتی هشت علاقه پنهان کاری و لببورا کاری ولایت خان آباد و وادار نمودن دهافین که زراعت خود را به اساس نقشه فنی اجزاء بدارند. و این نقشه از ریاست زراعت با مشوره وزارت اقتصاد ملی ترتیب داده شود، درین نقشه اصولی گنجانیده شود که هر زمین داریکه زمین او قابل زراعت پنهان است در ولایت خان آباد فی هر جریب افلاآ سالیانه پنج سیر پنهان باداره مربوطه تحويل بدهد. و همچنان برای زراعت لببورا معیاری وضع شود و از طرف دیگر برای این دو قبیل زراعت تشویقات، مانند تخفیف مالیات و انعامات برای دهافین وضع گردد و به غرض اینکه این نقشه نتیجه زود تری داده بتواند اقدامات ذیل اجراء گردد.

الف: وضع اصولنامه کشتنی که حقوق زمیندار و زراعت کشتنی را درین یکدگر حفظ بدارد.

ب: وضع قوانین جزائیه حفظ حاصلات دهافین از چراگاه مردمان مالدار.

ج: امداد نمودن و تقاوی به آن صاحبان املاک که زمین زیاد دارند و هفان کم، تازمین خود را ذریعه تراکتور و آلات تغذیه کی زراعت نمایند، یا اینکه دهافین را ازد یکگه علاوه جات آورده بر زمین خود اسکان و بکاروا دارند.

- د : تقاوی برای ساختمان خانه د ها قین که باصول جدید شروع بزرگ است میدارند .  
 ه : اصولاتی وضع گردد که صاحبان زمین به آبادی زمین خودها و غیر س نمودن نهال و مراتعات اصول زراعت مکلف شوند .  
 ۵ : مؤسسه فارم قندوز با تمام لوازم آن برای توسعه زراعت پنهان و سند و اشجار در تحت اداره ریاست تنظیمه تکمیل گردیده بلان هذا را فرار ذیل عملی نماید .  
 اول : در مدت پنجسال در حدود سه میلیون درخت توت برای تولید ابریشم غرس شود .  
 دوم : اشجار میوه به اندازه ممکنه .  
 سوم : اشجار سوخت باندازه ممکنه .  
 چهارم : مؤسسه فارم که فرار بیلان جداگانه وضع میشود به نظریه متخصص ، عملیات ذیل را انجام ندهد .  
 الف : تهیه تخم پنهان برای زراعت .  
 ب : توسعه زراعت پنهان که حاصلات آن در پنجسال به هفتاد ک سیر بر سد و همه ساله مازده چهارسال گذشته ترقی تدریجی را تا اخیر پنجسال حفظ و ادامه بد هند .  
 ج : مطالعه ورفع امراض پنهان .  
 د : کشتی قول زراعت پنهان و احصای آن .  
 ه : کشتی قول آبادی زمین که از گیاه مضره پاک شود .  
 و : تاسیس کورساهای تعلیمی علمی که اصول جدید زراعت را بد همان قین یاد بدهد .  
 ز : تاسیس شعب کشتی قول زراعتی در علاوه جات پنهان کاری .  
 ح : امتحان و تجربه اقسام زراعت و سند و اشجار وغیره گیاه های مفیده و علو فه کار آمد مملکت .  
 ط : تریه نسل گاو و اسب .  
 حصه ج : این حصه ذریعه وزارت اقتصاد ملی جهت سرعت عمل تحت اجزا گرفته شود و بلان آن بعد موافقت ریاست زراعت عملی گردیده . بعد از چهار سال که فارم بیلان تکمیل گردید این شعبه نیز برای است زراعت تحويل داده شود .  
 توضیح : (وزارت اقتصاد ملی تاسیس و توسعه فارم بیلان را جهت توسعه زراعت لبلو قرار بیلان جداگانه و بر اساس نکات ذیل انجام خواهد داد ) :  
 الف : تعمیز عمارت لازمه فارم مذکور فرار نقشه های جداگانه که فهرست آن تقدیم است .  
 ب : توسعه زراعت لبلو و اصلاح جنس آن .  
 ج : تهیه تخم لبلو .

- د - آبادی زمین های بغلان وغوری و کشت‌رول زراعت آن ،  
 ه - توسعه اشجار برای غوری و بغلان .  
 و - تربیه حیوانات برای نسل‌گیری اسب و گاو و گوسفند و تشویق اهالی درین مورد .  
 ز - تاسیس یک مکتب لیلیه ابتدایی زراعتی و کورس های عملی .  
 ح - تهیه لوازم و آلات زراعتی جدید و تقسیم آن بین دهاقنین بقصدهای معینه سالانه و مراجعت دهاقنین ، تا طرز کار گرفتن آلات جدید و آبادی زمین را یاموزنده .  
 ط - تهیه کارخانهای کوچک دستی از قبیل آهنگری ، سراجی ، نجاری ، گادی سازی ، که یک حصة سامان زراعتی را در خود مملکت تهیه نماید .  
 ی - تاسیس شعبه کشت‌رول زراعتی در فرقه های غوری و بغلان و هیئت های سیار واد ارde با غمای ذخیره در بغلان وغوری .  
 ک - وضع پلانها یکه باعث تشویق دهاقنین برای توسعه زراعت ور فع نوافض آن شود .  
 ل - تشکیل دایرۀ رفع امراض زراعتی .  
 م - تشکیل دایرۀ بیطاری وغیره .  
 ن - انتقال مکتب ابتدایی زراعتی کابل - به بغلان که درین حال در کابل مکتب متوجه زراعتی علیحده فی قرار یکه وزارت معارف در نظر دارد تاسیس گردد ،  
 ص - ع ، س نور محمدخان معین زراعت به بغلان تبدیل گردیده و در تحت اثر وزارت اقتصاد اداره فارم بغلان را بنماید و آقای غلام صدیق خان عوض او در قندوز مقرر شود و فارم فندوز را تحت اثر ریاست تنظیمه اداره نماید .

### پلان راه سازی :

- از حصة کولايت خان آباد شروع می شود الی بدخشان پلان تعمیر راهها وضع و شوشه های مذکوره بدو حصه تقسیم گردد :  
 شوسه درجه اول و شوسه درجه دوم به تقسیم ذیل :  
 اول - از دو آب الی فندوز - خان آباد - تالقان - بیل خمری - غوری - بغلان - دشت خواجه الوان الی سرحد ولایت مزار شریف شوسه درجه اول .  
 دوم - بقیه راههای معینه ولایت مذکور که از نقطه نظر اقتصادی ویا غیره احداث می شود شوسه درجه دوم .

سوم در مدت پنج سال کلیه راههای درجه اول و دو صد کیلومتر راههای درجه دوم تکمیل گردد .  
 چهارم - رس از شروع بکار ، اول پلانهای تغذیکی راههای مذکور تهیه و در عین زمان لوازم کنار آمد آمده گردیده از یک یا چند موضع شروع به ساختمان شوشه ها وبلها شود و از طرف

دیگر بصورت فوری برای رفع احتیاجات موجوده به اصلاح راه‌آها اقدام گردد، تا وقیکه راه‌های اساسی به تدریج بهم وصل می‌گردد احتیاجات حمل‌نقل موجوده بصورت موقتی رفع شود . پنجم - ساختمان سرکهای شهر جدید بغلان و پل خمری و سرکهای حمل و نقل لبلو در غوری و بغلان به این پلان ضمیمه شود .

ششم - دوپل در قندوز روی دریای قندوز که راه مزار شریف را با راه قطعن وصل مینماید و یک پل هم روی دریای خان آباد که بحضورت امام وصل می‌شود و پل شیمه بایست در حین دو سال یانهایت سه سال ساخته شود و پل دریای قندوز که بغلان و غوری را بهم وصل می‌کند بایست در حین دو سال تکمیل گردد .

### پلان تهیهٔ یول برای مصارف پلان زراعتی و راه سازی :

اول - از یول منظوری پلان مالی « دافقانستا بانک » که برای فوائد عامه تعین گردیده سی و پنج فیصد وضع گردیده برای پلان شق الف زراعتی و پلان راه سازی خان آباد تخصیص داده شود .

دوم - از یول منظوری پلان « دافقانستان بانک » برای ریاست زراعت شصت و پنج فیصد وضع گردیده، سی و پنج فیصد آن به مصرف نقشه عمومی زراعتی خان آباد و فارم قندوز با ساق شق « ب » و سی فیصد آن به مصرف پلان شق « ج » زراعتی رسانیده شود .

### پلان سرک و بندواههار باقی حصه‌های مملکت :

اگر چه از نقطه نظر احتیاج مملکت ممکن است که خاطر نشان شود که بایست فوری و بدون معطلي در راه جا شروع به کار نمود، ولی از نقطه نظر قوت اداری و توان یول موقیت این راهنموز بیدا کرده نتوانسته ایم که با ندازه احتیاج عمومی شروع بکار بداریم و درین صورت بایست ماتجسس نموده همان کارهای واکه اشد ضرورت با آن داریم از همان موضع - اقدامات خود را جریان بدھیم و بعقیده وزارت اقتصاد بعد از انجام پلان خان آباد ما بایست اقدام بکارهای ذیل نیز بداریم .

اول - تاسیس یک شعبه سرویس عمومی مملکت در وزارت فوائد عامه ، و باین شعبه بایست غیر از امور سروی دیگر هیچ امور عملی سپرده نشود ، و این شعبه در جمیع ولایات مرکزی تاسیس نماید که امور امتحانات و احصاء‌های سیلاپ و رطوبت و معلو مات جوی ، بارندگی ، خشکی ، و جمیع امور ریا که برای نقشه نمودن بندو انهار و پلهای و زراعت و آب شارها وغیره لازم است همه ساله تهیه بدارد .

وارداتی ( باستثنای فندوشکر و پترول موتور ) دما افغانی محصول گمرک تادیه مینماید یک افغانی سهم نساجی میگرد باانک حکومت یک کریدت باتکت یولی پانزده ساله در جنین پنجسال اول به اساس قرار متذخه باانک : سالانه چهارمیلیون افغانی برای شرکت نساجی مفتوح میکند و در وقت ضرورت شرکت در تصرف آن میگذارد که مجموع آن بیست میلیون شود .

دوم - سرمایه شرکت فندرسازی به پنجکرو ر افغانی ( ۵۰ میلیون ) ترقی داده میشود به تعقیل ذیل :

سرمایه موجوده تخمیناً	۳۰	میلیون افغانی
شرکت پنه در پنجسال		
آینده فی سال دوم میلیون	۱۰	
در پنجسال سهم فروخته میشود	۱۰	
جمله	۵۰	میلیون افغانی

دروقت احتیاج باساس ماده متذکر از باانک ( دافغانستان ) سالانه الی ( پنجسال ) دوم میلیون افغانی هر ساله - قرضه پانزده ساله اخذ کرده میتواند که مجموع آن ده میلیون میشود . سوم - شرکت پروژه فروشی بردوش شرکت موتور گذاشته شود زیرا سرمایه شرکت موتور بهده میلیون افغانی ترقی میباید .

چهارم - شرکت چرمگری بردوش حاجی غلام حیدرخان وغیره .

شرکت گوگردسازی بردوش عبدالعزیز خان تاجر وغیره .

شرکت قابویکه سودا کاستنک، شرکت پنه، شرکت سمت سازی بعداز بدست آمدن ذغال سنگ در آینده تاسیس میشود .

پنجم - برای پشمینه بافی دو شرکت تاسیس میگردد یکی در کابل و دیگر در فنده هار شرکت کابل بردوش حاجی محمد رفیق خان و ملا ییر محمد خان و حاجی عبدالرحمان خان وغیره گذاشته میشود که یک کارخانه مکمل شامل چهل دستگاه میخانیکی پشمینه بافی دایر نماینده شرکت فندهار بندریعه شرکت وطن و حاجی عبدالخالق خان اداره میشود .

ششم - برای امور صناعت چرمگری - گوگرد سازی پشمینه بافی وغیره صناعه ، باانک « دافغانستان » یک کریدت پنج الی هفت ساله که سالانه الی ۲/۵ میلیون افغانی باشد مفتوح میکند و در پنجسال اول باساس تصویب وزارت اقتصاد کارخانه داران فوق باساس ماده ( ۴ ) تکت یولی و ( ج ) اصول قرضه پروژه از آن استفاده کرده میتواند مجموع ۱۲/۵ میلیون افغانی هفتم وزارت معارف درسته ۱۳۱۹ - ۶ نفر و درسته ۱۳۲۰ - ۱۰ نفر و درسته ۱۳۲۱ - ۱۵ نفر بعداً همه ساله ۲۵ نفر به شعب متفرقه شق صنائع معلمین اعدادیه را به مشوره وزارت اقتصاد جهت تعلیمات عالی به اروپا اعزام میدارد .

## مختصری از ترقیات اقتصادی

به اجاره دار سپرده وحصه سروی و نقشه را فوائد عامله بدلست بگیرد و هر گاه اجاره دار اجرایه پیدا نشد و اجاره دار سروی پیدا شد ازان نیز استفاده گرفته شود .  
هفتم - امور کنترول و نقشه و کنترول اینکه امور اجرایی تعییر یه باسas نقشه اجرا میگردد بدوش وزارت فوائد عامه گذاشته شود .

پلان صنعتی برای پنجسال آیند و  
که از خاتمه محاربه اروپا شروع میشود :

اول - توسعه کارخانه جات نساجی تابه سه هزار دستگاه و تکمیل آن .  
دوم - توسعه کارخانه جات پشمینه بافی الى صد دستگاه .  
سوم - توسعه گوگرد سازی برای رفع احتیاجات تمام افغانستان .  
چهارم - توسعه چرمگری برای پخته و تهیه نمودن چهار لک یوست سالیانه .  
پنجم - توسعه پرزه سازی که حصه زیاد و مهم پرزه جات کار آمد ما شین خانه های افغانستان وحصه زیاد پرزه موثر را تهیه نموده بتواند .

ششم - توسعه تیل کشی برای هشت هزار خوارو تیل که کلیه صابون کالا شوئی و یک حصه تیل خورا که راتهیه نماید .  
هفتم - سمت سازی .

هشتم - کارخانه سودا کاستک .

نهم - دو کارخانه جدید قندهزاری .

دهم - کارخانه های برق در کابل و خان آباد و فندهار ، تهیه یول برای صنایع فوق ،  
اول شرکت نساجی ن - سرمایه آن از پنجاه و پنج میلیون بدلو صد میلیون توسعه داده شود  
به تفصیل ذیل : شروع از سنه ۱۳۱۹ اسهام شرکت نساجی را خریداری نمایند .

بانک حکومتی ۴ میلیون افغانی

بانک ملی ۳ »

شرکت پنبه ۲ »

از قره کلی جلدانه ۳/۵ »

شروع از سنه ۱۳۱۹ هر تاجر یکه مال صادر میکند و مال مذکور تحت تادیه محصول می آید  
از هر ده افغانی محصول ، یک افغانی سهم نساجی را خریداری کند .

تواضیع : شرکت قره قل و شرکت پنبه و شرکت قندو شکر و موثر که تادیات جدا گانه دارند  
ازین اشتراك مستثنی قرارداده میشوند .

شروع از ختم محاربه اروپا که قیمت اموال وار داتی تزل خواهد نمود هر تاجر یکه بابت مال

وارداتی ( باستثنای قندو شکر و بطرول موتور ) ده افغانی محصول گمرک تادیه مینماید یک افغانی سهم نساجی می خورد بانک حکومت یک کریدت باتکت بولی پانزده ساله در چین پنجسال اول به اساس قرار منعقده بانک : سالانه چهار میلیون افغانی برای شرکت نساجی مفتوح میکند و در وقت ضرورت شرکت در تصرف آن میگذارد که مجموع آن بیست میلیون شود .

دوم - سرمایه شرکت فن دسازی به بینکرو ر افغانی ( ۵۰ میلیون ) ترقی داده میشود به تفصیل ذیل :

سرمایه موجوده تخمیناً	۳۰	میلیون افغانی
شرکت پنجه در پنجسال		
آینده فی سال دوم میلیون	۱۰	»
در پنجسال سهم فروخته میشود	۱۰	»
جمله	۵۰	میلیون افغانی

دروقت احتیاج باسas ماده مذکوره از بانک ( دافغانستان ) سالانه الی ( پنجسال ) دوم میلیون افغانی هر ساله - قرضه پانزده ساله اخذ کرده میتواند که مجموع آن ده میلیون میشود . سوم - شرکت پرزو فروشی بردوش شرکت موتور گذاشته شود زیرا سرمایه شرکت موتور به ده میلیون افغانی ترقی میباشد .

چهارم - شرکت چرمگری بردوش حاجی غلام حیدرخان وغیره .

شرکت گوگردسازی بردوش عبدالعزیز خان تاجر وغیره .

شرکت فابریکه سودا کاستنک ، شرکت پنجه ، شرکت سمت سازی بعداز بدست آمدن ذغال سنگ در آینده تاسیس میشود .

پنجم - برای پشمینه بافی دوشرکت تاسیس میگردد یکی در کابل و دیگر در قندهار شرکت کابل بردوش حاجی محمد رفیق خان و ملا پیر محمد خان و حاجی عبدالرحمن خان وغیره گذاشته میشود که یک کارخانه مکمل شامل چهل دستگاه میخانیکی پشمینه بافی دایر نماینده شرکت قندهار بدزیره شرکت وطن و حاجی عبدالخالق خان اداره میشود .

ششم - برای امور صناعت چرمگری - گوگرد سازی پشمینه بافی وغیره صنائع ، بانک « دافغانستان » یک کریدت پنج الی هفت ساله که سالانه ۲/۵ میلیون افغانی باشد مفتوح میکند و در پنجسال اول باسas تصویب وزارت اقتصاد کارخانه داران فوق باسas ماده ( ۴ ) تکت بولی و ( ج ) اصول قرضه پرزو از آن استفاده کرده میتواند مجموع ۱۲/۵ میلیون افغانی هفتم - وزارت معارف درسته ۱۳۱۹ - ۶ نفر و درسته ۱۳۲۰ - ۱۰ نفر و درسته ۱۳۲۱ - ۱۵ نفر بعداً همه ساله ۲۵ نفر به شعب متفرقه شق صنائع هتلمن اعدادیه را به مشوره وزارت اقتصاد جهت تعیینات عالی به اروپا اعزام میدارد .

پلان تولید قوه حرات و برق :

### اول ذغال سنگ

ذغال سنگ به وقت و زحمتیکه باشد بایست معدن ذغال شه شوانگ و یاقرب و جوار آن را بکار بیندازیم و این نکته قابل ذکر است که ما به یک نقطه رسیده ایم که هیچ یک قدمی بطرف پیشرفت و سیع عمرانات و صنایع برداشته نمی توانیم تدارای ذغال سنگ نگردیم و ذغال سنگ نهایتکه تنها برای عمرانات و صنایع ضرورت دارد بلکه امروز از نقطه نظر زراعتی و سر سبزی مملکت نیزدارای اهمیت گردیده و بدینجهت بایست وزارت محترم معدن را مکلف ساخت که الى اواسط سنه ۱۳۲۱ کار معدن ذغال و سرک دوآب را الى معدن، خاتمه داده و در سنه ۱۳۲۱ ده هزار تن حاصل وسال های مابعد هرساله ده هزار تن بر تو لیدات ذغال بیغرايد، وزارت معدن به اختیارات کامله ولاحدودی هر اقداماتی را که لا زم دارد اجرا بدارد که امور کار گرفتن معدن ذغال و سرک الى دوآب الى ماه اسد ۱۳۲۱ خاتمه یافته مسئول نهیه ده هزار تن ذغال در سنه مذکور بگردد . مصارفیکه برای این کار لازم میشود از مدارک ذیل تادیه شود . وزارت مالية تهیه نماید

در سنه ۱۳۱۹	۱	۱ میلیون	۱ میلیون	۱ میلیون
در سنه ۱۳۲۰	۵ / ۰	۱	۵ / ۰	۱
در سنه ۱۳۲۱	۷ / ۵	۱	۷ / ۵	۱

جمله ۷ / ۵ میلیون

و بر علاوه مبلغ فوق آنچه ماشین برای استخراج ذغال لازم شود وزارت اقتصاد در تهیه یک کریدت خارجی یاداخلي برای وزارت معدن داخل اقدامات خواهد گردید . که بموعد پنج سال آن ماشین ها بقرضه خریدای شود و وزارت معدن از مردک فروش ذغال در مدت پنج سال قروض خود را واپس تادیه خواهد نمود .

### دوم - برق

برق امروز نه اینکه از نقطه نظر تنویرات جزو زندگانی مدنی یک ملت محسوب میشود بلکه برق آله محركه تولیدات صناعت مملکت است که بدون دارائی قوه برق یا بخار نمیتوان هیچ یک چرخ کدام ماشین را دور داده و اگر ماملا حظه نمائیم که همچنان که در قرون وسطی اقتصاد یون زراعت راتنها وسیله زندگانی بشر میدانستند چه اینکه زندگانی بشر بدون خوراک مد اومت نمیتوانست و خوراک هم بدون زراعت بست نمی آمد امروز اقتصاد یون زندگانی مرده یک ملت را وابسته صناعت میدانند ، چه اینکه ملبی صناعت دارای استقلال اقتصادی نبوده

محاج بمالک صنعنی اند اگر ما این نقطه نظر را اهمیت بدھیم البته اهمیت صناعع درجیات ملت بما واضح خواهد گردید و صناعت را ( بعد ازینکه پول و افراد کار گرو متخصص و مواد خام بیدا نمودیم ) باز هم نمیتوان بدون قوه برق یا بخار عملی نمود . ازین نقطه نظر لازم است که مابه برق خاص از نقطه نظر اهمیت صناععی بان نگاه کشیم و تشکیلات آنرا از روی همین احتیاج توسعه بدھیم اینک وزارت اقتصاد بوجب دلائل فوق برای تشکیلات و توسعه این شعبه اهمیت درجه اول را فائیل گردیده بیشنهاد ذیل را تقدیم میدارد .

۱ - دائرة برق یک شرکت سهامی تبدیل و بریاست آن آفای غلام محمد خان الجنیر انتخاب شود

۲ - سرمایه این شرکت چهل میلیون افغانی تعین گردد .

۳ - حکومت کار خانه های موجوده برق خود را بادیل هاو جمع سامان دیگر قیمت

نموده عوض سهم سالهای آینده خود به ( دافغانستان بانک ) بدهند « دافغانستان بانک » هفتاد و پنج فيصد اسهام شرکت برق را خریداری نماید و بقیه اسهام را در معرض فروش بگذارد .

۴ - شرکت تنویرات نیز بشرکت برق مربوط گردیده و به اندازه سرمایه مذکور اسهام

شرکت برق به صاحبان اسهام تنویرات داده شود و هر گاه بعضی از شرکت کاراضی به معاوضه اسهام جدید نباشد اسهام شان باساس امتیاز نامه شرکت تنویرات نقد مسترد گردد .

۵ - انحصار برق در کل افغانستان بشرکت برق واگذاشته شود باستثنای موا رد ذیل

هر شخص جهت محصول برق یا قوه بخار در افغانستان جهت مصرف کار خانه خود آزا دا نه اقدامات نموده و آنرا حاصل نموده میتواند باساس شرائطیکه در ذیل ذکر میشود :

الف - پلان و پروژه خود را بشرکت برق جهت اطلاع میرستد .

ب - هر گاه یک حصه قوت برق مذکور غیر از مصرف کار خانه بکار خانه داران دیگر و یا تنویرات غیر کارخانه و ملحقات آن بفروش میرسید درینصورت پنج فيصد از چهل پولیکه ازین درک عاید میشود بشرط که برق تادیه خواهد نمود .

ج - قیمت فروش برق برای تنویر و یا کار خانه داران باساس قیمت های تصویب و اعلان شده شرکت برق برای همان موضع افغانستان خواهد بود .

۶ - شرکت برق میتواند برای هر شخص و شرکت که خواسته باشند از نقطه نظر تجاری کارخانه برق را دایر بدارد اما اینکار تحت شرائط مخصوصی صورت خواهد گرفت که مربوط بتصور جواز نامه خواهد بود .

۷ - شرکت برق مکلف خواهد بود که در کلیه شهرها و ولایات و حکومتی های اعلی و یا موضعیکه موقعیت صناعتی دارد انتظام تولید برق را بدارد و حتی الا مکان ذریعه آب و درجا هایکه ممکن شود ذریعه دیزل و بخار خواهد بود .

- ۸ - قیمت برق در موضعیکه الی هشت فیصد تولید برق ذریعه آب باشد قر ار ذیل تعین میگردد و این فسماها تغییر نه مینمايد مگر به تصویب مجلس عالی وزراء :
- الف - برای تقویرات و یا صناعت هر خانه و یاداره و یا کارخانه که مصرف ماهانه آن الی سه صد کیلووات باشد فی کلووات (۶۰) پول خواهد بود .
- ب - برای هر خانه و دایره و یا کارخانه که مصرف ماهانه آن از (۳۰۵) کیلووات تجاوز نماید قیمت ۳۰۰ کیلووات اول فی کیلووات ۶۰ پول و اضافه بران فی کیلووات ۲۵ پول تعین میگردد .
- ج - کارخانه های ئیکه جدیداً دایر میگردد از روز چالان شدن الی ختم سال اول ۲۵ فیصد تخفیف قیمت را از فیمهای معینه الف - ب این ماده مستحق میباشد .
- ۹ - باقی مواد لائجه و اساس نامه و پروگرام شرکت برق رایا کمیسیون نیکه از اشخاص ذیل معین گردد ترتیب ندهند .

- ۱ - ع ، ج وزیر صاحب مالیه
- ۲ - ع ، ج وزیر صاحب فوائد عامه
- ۳ - ع ، ج وزیر صاحب اقتصاد
- ۴ - ع غلام محمد خان مدیر برق
- ۵ - ع محمد نعیم خان مدیر فابریکات

### پیلان قانون کار :

اول - چون از یکطرف امور صناعت روز بروز اهمیت بیدا میکند و از طرف دیگر صناعت وابسته کار و کاریگر میباشد لازم است در عین حال امتیازات و مراعاتی را برای صناع قائل شویم ، در قطار آنها اکثر حصة استفاده صناعت را از کار و کاریگر فراهم نموده و در عین زمان امتیاز چند برای حفظ حقوق کاریگر وضع نمائیم تا کاریگر بتواند بخوشی و رفاهیت شعب صناعتی را اشغال نماید ، اما این تجاویر بدون وجود قانون صورت نمیگیرد ، و برای این امر بایست مرکب از چند نفر متخصص مجازی منعقد و بشوره همگر قانون عمومی کار را وضع نمایند در قانون مذکور باید مراتب ذیل در نظر گرفته شود :

الف - در افغانستان وقت کارهشت و نیم ساعت مسلسل تعین شود و اوقات استراحت در وقت کار محسوب نگردد .

توضیح - برای کارهای شaque مانند عمله چاهای معدن و اطفالیکه بین آنها از ۱۵ سال کمتر باشد وقت کار هفت و نیم ساعت تعین گردد .

ج - اصول بیمه صحت و قانون تقاعد برای کاریگران وضع گردد .

د - اداره تجسس و استخدام و تهیه کار برای کاریگر ان در نظر گرفته شود .

- ه - یک اداره دریکی از وزارت خانه‌ها تشکیل گردد که دارای دو شعبهٔ ذیل باشد ،  
۱ - شعبهٔ مطالعهٔ کار و رفع موافع و تهیهٔ کاریگر .  
۲ - شعبهٔ حقوق کدر موارد لازمهٔ بین کاریگران و صاحب کار حکم قرار داده شود .  
هیئت متخصص برخواستهٔ فانون مواد فوق و باقی مواد مهم را که باین موضوع تعلق دارد  
تهیهٔ و تقدیم نمایند . ( انتها )

بدون مبالغه میتوان گفت که این پلان بادر نظر گرفتن تمام احتیاجات مالی و اقتصادی مملکت و قدرت مالی دولت میتواند در ترقی و پیشرفت اقتصادیات افغانستان عامل بس مؤثری گردد و از همینجا است که باید به والا حضرت معظم صدر اعظم صاحب وسائل رجال کار دولت طلب موفقیت نموده و از خدای متعال تمنا کرد که ایشان را در اجرای تمام مرام و مقاصد ایشان که محض برای خیر و بہبود این ملت نجیب است موفق و کامیاب گردد .

### صنایع در افغانستان

مملکت عزیز ما بنابر دارائی مواد ابتدایی صنعت استعداد خوب صنعتی دارد و از همین جهت است که این مملکت در تمام تاریخ خود مردان ماهر صنعت و مصنوعات نفیسی داشته است که هنوز هم میتوان آثار آن عظمت باستانی صنعتی را در بعضی جاهای زاویه‌های مختلف مملکت مشاهده کرد .

این صنایع گذشته از اینکه وسیلهٔ رفع احتیاج مردم است نمایندهٔ بزرگ‌ذوق ملی واستعداد بدهی افراد این دیار میباشد پس درین است که این صنایع اهمال شود و بگذر از این مانند سائر مفاخر تاریخی دیگر ما از بین بروند .

اینک بنابر همین ملاحظات وزرات اقتصاد مملی که پیوسته در راه ترقی و اصلاح اقتصادیات مملکت کار میکند اخیراً توجهی به صناعات داخلی نموده پژوهش درین زمینه طرح و مورد عمل گذاشته است که اینک برای ارائه اهمیت موضوع و اینک فهمیده میشود که وزارت معزی ایها تاچه درجه موضوع را اهمیت داده و بدکام اندازه اقدامات جدی را روی دست گرفته است اصل پلان مذکور را از نظر مطالعین عزیز گذارش میدهیم :

### تحقیقات در امور صنایع یدی افغانستان

طبقات صنعت پیش افغانستان، گرچه فعل و سایل عمد و عصری صنایع از قبیل ماشین‌های آلات، افزارهای عصری در دسترس ندارند ولی با اینهم صنایع جزوی باوسایل قدیمه در مملکت کم ویش وجود دارد .

در افغانستان دونوع صنایع مروج است :

صنایع یدی ، صنایع ماشینی .

صنعت یدی از قرنها باینطراف بین طبقات مملکت معمول بوده و آن عبارت است از صنایع حکا کی ، نجاری ، معماری ، حجاری ، زرگری ، ریخت گری ، آهنگری ، رذگمالی ، تقاضی  
قالین بافی ، سطرنجی بافی ، گلیم بافی ، کلالي و امثال آن .

صنعت ماشینی که بو سیله ماشین و آلات مختلفه مصنوعات بدست آمده و استفاده های سائمه هم ازان نموده می شود قبل ازیست سال بجز فابریکه بر ق جبل السراج ، کارخانه اسلحه سازی مرکزی و بوت دوزی دیگر فابریکه ها تقریباً وجود نداشت و از اثاراتیخ به بعد یعنی درظرف ۲۰ سال اخیر در بسیاری از مملکت فابریکات خورد و بزرگ متعددی از قبیل فابریکات نجاری ، حجاری ، طباعتی ، نساجی ، نختابی ، پشمینه بافی ، چرم سازی ، بوت دوزی ، صابون سازی ، گوگرد سازی ، تیل کشی ، کان سروه لبنتیات ماشین خانه میوه ، فابریکه ترمیم موثر وغیره وغیره تاسیس و دائر گردیده است .

نمکوصاً تعداد فابریکات ازده سال بین طرف مترقبی بمنظور میرسد چنانچه دوفا بریکه بزرگ قندسازی ونساجی بر علاوه از فابریکات فوق در پل خمری تعمیر گردیده که ممکن است تا آخر سال ۱۳۱۹ تعمیر آن تکمیل و ماشین ها نصب و بکار آغاز نماید .

یک فابریکه نساجی دیگری در کابل یک فابریکه موبایل سازی وغیره در نوی کابل و یک فابریکه بزرگ بر ق در چک وردک تحت تعمیر است که عنقریب تعمیر فابریکه بر ق وردک تکمیل خواهد گردید .

حکومت متبوعه برای ترقی و پیشرفت صنعت و جریان فابریکات متعدد در مملکت تشهیلات لازمه فراهم نموده از آن جمله بفرض تشویق مؤسسات جدیده برای مؤسسه اراضی راگان داده می شود وعلاوه از سال ۱۳۱۸ باز پیشنهاد وزارت اقتصاد دولت محصول وارداتی ماشین های صنعتی ( خورد و کللان ) آلات و پر زده جات ماشین های مذکور و مواد اولیه آنرا که در داخل تهیه شود با سامان کارآمد تعمیر یه فابریکات که در دا خل تهیه شده تواند برای مؤسسه ای وارباب فابریکات ملی معاف نموده است .

علاوه از وزارت اقتصاد ملی با مردمداری حکومت متبوعه یک اقدام نافع دیگری نموده و آن عبارت از تحقیقات در امور صنایع یدی است . بطوریکه یک هیئت عبارت از اشخاص فنی و متخصص در امور مربوطه وغیره تشکیل و درنظر راست که هیئت مذکور در تمام نقاط افغانستان گشته و گذار نموده و حتی فریه ها ، دهات ، محلات و شهرها را یگان مطالعه نموده و از صورت چگونگی صنایع و اسباب وآلات و طرز صنعت و همچنین از تمام کوائف و مشکلاتی که در طریق پیشبرد صنعت ، اهالی در جلو دارند معلومات حاصل نموده و راپورت مفصل باداره امور صنایع و وزارت

اقتصاد ملی بفرستند ، چنانچه صورت پروژه مرتبہ وزارت اقتصاد ملی حسب صورت ذیل است

الف : هیئت سیار

هیئت سیار که مرکب از رئیس هیئت و متخصصین صنایع و چند نفر اعضا باشد در ابتدای امسال تشکیل واز کابل بکار آغاز نموده اند .

ب : لایحه وظایف هیئت سیار وظایفیکه از طرف وزارت اقتصاد ملی برای هیئت مذکوره وضع گردیده بر طبق ذیل است :

- ۱ : - معلوم نمودن اقسام مختلفه صنایع دستی افغانستان .
- ۲ : - معلوم نمودن همچو صنایع دستی که در مدت پنج سال آینده متدرجأ به صنایع ماشینی دستی و یاماشین خالص مبدل شده باشند .
- ۳ : - معلوم کردن تعداد صنعت گران با قومیت تعداد ، سن و اولاد هر کدام ازانها .
- ۴ : - معلوم کردن مشکلات فعلی آنها .
- ۵ : - معلوم کردن محصولات یکسالل آنها .
- ۶ : - معلوم کردن اجرت اوسط یکروزه با احصائیه قیمت اموال .
- ۷ : - مطالعات در اطراف پیدا کردن بازار فروش آن در آینده .
- ۸ : - مطالعات در موضوع اصولات پر و گرام صنائم ( مطابق روحیات هر منطقه )
- ۹ : - مطالعات و ابراز نظریه راجع به خوبتر استفاده کردن از صنعت مربوطه هر منطقه .
- ۱۰ : - خریداری تمام نمونه های صنایع دستی و سپردن آن به نماشگاه صنعتی وزارت اقتصاد ملی .
- ۱۱ : - معلومات از انواع مواد ابتدائی پیدا و ارائه نظر صنعتی .

ج : صورت معاونت وزارت اقتصاد ملی با صنعتگران فریه جات مختلفه در مسائل آتی :

- ۱ - تهییه مواد خام .
  - ۲ - تهییه نمونه ها .
  - ۳ - بدست آوری مشتری .
  - ۴ - امداد فکری به صنعتگران جهت تشکیل شرکتها .
  - ۵ - ساختن گرخانه ها و خانه های بهاری
- د : تقسیم اوقات مطالعات هیئت سیار در مناطق مختلفه .
- ۱ - آغاز کار از مرکز کابل .
  - ۲ - جبل السراج ، گلبهار ، چهارکار ، استالف ، شکردره .
  - ۳ - شهر غزنی و مربوطات آن

- ۴ - هزاره جات از طریق سرچشمه، دایر نگی، بامیان و مراجعت از راه غور بند کا بل.
- ۵ - از تاریخ ۱۵ برج سنبله الی ۱۵ برج عقرب: قندهار، هرات، مینه، دولت آباد اندوخوی، شیر غان، فرقین، خمیاب، آفجه، مزارش یاف و مر بو طات آن، خان آباد و فراه.
- ۶ - ازاول برج جدی الی اخیر ماه دلو سمت مشرقی.

### افتتاح فابریکه قند و شکر بغلان

از چند سال پایین طرف می‌شنیدیم که در بغلان و بیل خمری وغیره وزارت اقتصادی دملی بکارهای عمده دست زده است و عنقریب نتائجی ازان اعمال بزرگ شان ظاهر خواهد شد همان بود که خوشبختانه روز ۳۰ عقرب این امید واری و انتظار به نتیجه شیرینی متنه شد.

در دنیا پلان‌های متعدد و مختلف اقتصادی راروی دست می‌گیرند اما کشی ازان هاچون در تحت یک پروژه عقلی نبوده نتیجه نداده است مثلاً بسادیده شده که در ممالک جوان و تازه رسیده ماشین‌های متعددی وارد کردند اما بعد از مدتی بواسطه فقد ان مواد ابتدائیه و آذوقه لازمه او ماشین از کار افتاده است اما نقشه‌های اقتصادی و صنعتی که در بین سالات اخیر در تحت هدایات حکومت متبعه از طرف وزارت اقتصادی اتخاذ شده تمام این مسائل و مراحل را که لازمه حیات وبقاء صنائع است در نظر گرفته اند مثلاً برای فابریکه قند بغلان او لاً متخصص اعزام شد تا به یینند کفوه ابتدیه خاک واراضی که بعده اداران جاز راعت لبلو می‌شود برای این کار مساعد است یانه؟ بعد ازان سنجدیدند که مزارع اطراف و نواحی فابریکه اگر بصورت متا وب لبلو زراعت شود آیامی تو اندحوایچ فابریکه را پوره کنند؟ و.... اینک بعد ازان که وزارت اقتصادی جواب این سوالات را مثبت دید اقدام به تورید ماشین و تعمیر عمارت فابریکه و نصب ماشین‌های نموده روز ۳۰ عقرب شروع بکار کرد. بهترین خدمت در زمینه اقتصادیات و بالنتیجه تأمین عظمت و قوّه یک ملت نجات دادن او از احتیاجات خارج می‌باشد ما از سالیان دراز با داشتن آن همه عظمت تاریخی و نام باستانی خود در اثر کم پرداختی های زمام داران سابق از هر جنبه مخصوصاً اقتصادیات بیوسته رو به انحطاط میرفتیم و متساقنه همان صنائع و حرفيکه سابقاً در مملکت مارواج داشته و ازان تمام خواج خود را رفع می‌کردیم درین عصور اخیره در اثر هجوم امته خارجی بالمره ازین رفت و کار بجائی کشید که حتی جزئی ترین مایحتاج خود را هم از خارج وارد کردیم.

هر قدر روابط ما بامدنت اروپا زیاده تر شد بهمان اندازه خواج مازیادت کرد و با نتیجه بر مقدار واردات امته خارجی در مملکت افزوده شده از درک موازن تجارت حال ما بدتر شد. چون در عقب هر شب روز و متعاقب هر نشیب فرازیست بالآخره پس از یک سلسه مایوسیت‌ها

ومضیه‌های مالی و اقتصادی و خرایی اوضاع معيشتی صبح‌امیدی طالع و درساً به تو جهات بزرگ که  
گران قیمت ذات مبارک شاهانه واداره حکیمانه والا حضرت معظم صدراعظم صاحب یک سلسله  
اصلاحاتی در مملکت آغاز شده در هر رشته کارهای امید افزائی راروی دست گرفته که یکی کی  
از ان کارهای عمدۀ تاریخی که باید نسل آینده همه این‌هارا مبداء سعادت و عظمت خود بد اند  
اصلاحات اوضاع اقتصادی افغانستان است.

درین سلسله که خوشبختانه در راس کاروزیر فعال و دانشمند ع، ج لمر عالی نشان عبدالمجید خان  
جاداشته و میتواند نمایندگی مکمل از افکار عالی و بزرگ اعلیحضرت همایونی و والا حضرت افخم  
صدراعظم را نموده آمال و نیات عالی ایشان را پیش ببرند در ظرف چند سال محدودی به موقیت  
های بزرگی واصل شدیم که اینک یکی از ان موقیت ها افتتاح فابریکه قند در بغلان است.  
میدانید این مو قیت برای یک ملت نجیب ماقدور بزرگ است و بکدام اندازه قابل  
قدر وستایش می باشد؟

کسانیکه خبر دارند سالانه چقدر شکر از خارج وارد و در مقابل آن بکدام اندازه پول میدهیم  
و این پول در مو از نه تجارت خارجی ما و با نتیجه قیمت پول مملکت که منشاء تمام اعمال و اوضاع  
اقتصادی است چه تأثیر دارد؟ میتواند عظمت این کار را ت محیں کنند ما سالانه یک مقدار زیادی  
شکر وارد مملکت نموده و در مقابل آن یک مبلغ هنگفتی پول ملی خود را بخارج میدهیم این  
فابریکه تا حدی مارا ازین احتیاج نجات و یک مقدار کافی از واردات خارجی کاسته و با ندازه  
اطمینان بخشی حامی قیمت پول ملی می شود.

طوریکه از مطالعه جرائد و جرایات افتتاحیه این فابریکه استنبط میشود فابریکه قند را تاریخ  
اصلاحات اقتصادی مملکت یکی از قدم های برجسته ایست که نمی تو ان تمام اهمیت های  
آن را دریک یا چند مقاله بیان کرد ازین سبب مختصرآ ماین کار را بزرگترین موقیت های  
معاصر شمرده از یکظرف توده را باهیت این امر بزرگ متوجه واژجانب دیگر حکومت متبعه  
را ازین موقیت تبریک گفته امیدواریم توفیق یابند تا متصدر اعمال بزرگتری گردیده نام این دوره  
اصلاحات را باخط ذرین در صحائف روزگار ثبت نمایند.

برای اینکه خوبتر اهمیت این فابریکه را ارائه نموده باشیم خطابه را که ع، ج لمر عالی  
نشان عبدالمجید خان وزیر اقتصاد ملی در روز افتتاح این فابریکه ایراد نموده اند درینجا  
عیناً درج مینماییم:

### نوت :

مکالمه خطابه جلا لتماب معزی الیه نه تنها برای این مقصد بلکه برای یک نگاه عمومی  
به ترقیات اقتصادی چند سال اخیر افغانستان دارای اهمیت مخصوصی است)

والا حضرت افخم، جلالتمابان محترم، حضار کرام، ! چون عمدۀ ترین مقصود از سفر حضور مبارک والا حضرت وجلالتمابان محترم وبافی حضرات مکرم مطالمه اوضاع اقتصادی این ولایت وهم معاینه تأثیرات صناعت وزرایت درین منطقه میباشد بنا برین بن افتخار خواهند بخشید تاراپورت مر بوط باین امر را بحضور شان تقدیم نمایم :

(۱) تاریخ دوره شاهزاده کامران و شاه شجاع بر همراه واضح است در عین همان تاریخی که تغیرات بزرگ یواسطه اختراع قوه بخار و صناعت و صر ز جدید حمل و نقل و تجارت و امورات بانک داری و ترقی زراعت در دنیارخ میداد مملکت ما یواسطه بی اتحادی و خود پرستی و زد و خورد های داخلی نه اینکه توجهی به حیات جدید اقتصادی دنیای دیگر مبنی نه نمود . بلکه بعل و کشمکش های داخلی آنچه اصولات قدیم امور اقتصادی و تعریف شریعت در مملکت موجود بود آنهم ازین رفت وازان تاریخ الى ختم دوره انقلاب هر چیز ملحوظ نظر حکومات وقت قرار میگرفت غیر از امور اقتصاد . همین علل بزرگ و بعدی اتفاقی موجبات فقر و بیریشانی مملکت را فرا هم و درنتیجه فقر اهالی بی امنی و بی انتظامی اداری و عدم وسائل ترقی و علم و حرف و غیره وغیره چیزها را در اعماق قلب مملکت چنان مستحکم ساخت که کشیدن ریشه های این گیاهای مضره از مزرعه مملکت منضم رنج و خدمات بیشماری و مستلزم وقت زیاد بوده است . واگرما خوب ملاحظه نماییم همین خود پرستی ها و شخصیات طبقات مملکت بود در گذشته که دوره احمد شاه بابای غازی و شاه محمود ، تبدیل به تجزیه شدن افغانستان اسلامی(؟) و از دست دادن استقلال در قرن گذشته عقب ماندن از - امروز نتیجه همین خود پرستی و بی اتحادی و زد و خورد های داخلی بود همان بود که بعد از تغیریا بکصدوسی سال ستاره یک شخص بزرگ و مدبیر و مقتدری در افق مملکت طلوع یعنی اعیان حضرت نادر شاه شهید مغفور زینت آ رای اریکه سلطنت گردید . در روز دوم انتخاب شاهزاده شان به پادشاهی افغانستان از همه بیشتر بطرف امور اقتصادی مملکت توجه فرمو دند چنانچه در قدم اول برای پیدائیوں کار در مملکت به عمران نات مرکز کابل شروع وسپس به توسعه زراعت ذریعه بندوانهار جدید اقدام و بعد پر وژه و پلان سر کهای ، پسلها و امور مخابر ات و نخوسا در احداث راه دره شکاری که حیات جدیدی به اقتصاد ولایت شمالی بخشید توجه ملو کانه شانرا معطوف فرمودند و متعاقبا توسعه صناعت تمرکز سرمایه ملی و تاسیس شرکتها را مورد توجه عالیه شان قرار دادند . مصادف این ایام که بنده در سن ۱۳۱۱ وارد کابل شدم بعد چند روزی شرف باریابی حضور ملو کانه شانرا حاصل نمودم و بخوبی یاد دارم که حضور می رک شان چه فرمایشات مفصل و جامعی در موضوع زراعت . صناعت و تجارت افغانستان و بکار آنها ختن توده ملت و اینکه چگونه از فعالیت، تروت، فکر و عمل آنها کارگرفت ایراد

فرمودند از جمله فرایشات قیمت دارشان یکی این بود.

« هر حکومتی که عقیده داشته باشد که بدون فعالیت اشتراک مات در ترقی مملکت اقدام بداردنا کام خواهد ماند » و مخصوصاً آن مسرت و خوشوفی اعلیحضرت را فراموش نمیکنم که درخصوص تاسیس شرکت امیدوار کرت رفاه و شرکت اسهامی که در آن وقت تشکیل شده بود ابرازوراجع به تقاضای ویژه امتیازات دیگری که با این شرکت‌ها اعطای‌نموده بودند ذکری فرمودند و حضور شاهانه شان متذکر گردیدند که واضح است که این دو سه شرکت کدام تهداب و اساسی ندارد. و ممکن است که پیش فتنی هم نگذند ولی مقصد من ازین اندام توجه دوابر حکومت و تشویق سرمایه داران است بطریق تشکیلات جدید اقتصادی . و در عین زمان پلان و پروژه جدید تشکیل سرمایه و لزوم تاسیس مؤسسات اقتصادی ملی و بانک داری را توضیح فرمودند و به بنده امر کردنده که درین راه با حکومت همکاری نمایم همان بود که با اساس سیاست موضوعه و معینه شاه شهید رفته زمینه مهیا و مؤسسات اقتصادی بطریق جدیدی متدرج ادریستی عرض وجود نمود . این بود اختصار از تاریخ گذشته و آغاز توجه با اقتصاد مملکت.

## چگونگی شروع کار

در وهله اول اقدامات حکومت نه سرمایه نه دوایر اجرائیه و نه زمینه و پلان یکی ازین چهار رکن اعظم که سرمایه حقیقی و تهداب اقدام بهر کاری مخصوصاً امور اقتصادی شمرده می‌شود موجود بود . بر علاوه موانع زیادی نیز در خط سیر اقتصادی مملکت با صول جدید موجود بود در آن وقت تنها یک سرمایه . معنوی راحکومت دارابود که بوسیله آن توانست اکثر موانع را رفع و راه . رابرای سیر سریع اقتصاد یات مملکت باز بدارد آن سرمایه تنها هرم تزلزل ناپذیر و توجه و مرافت مخصوص حضور والا حضرت صدراعظم صاحب بود که اولاً سیاست جدید اقتصادی مملکت را بروی مفکو ره قیمت دارشاه شهید طرح و فیصله نموده و بعد در پیشتر دآن هچیک مانعی . راهی نداده و با تصمیم تزلزل ناپذیری در تطبیق آن بجا هده فرمودند پوره بخاطر دارم وقتیکه کناینه محترم وزراء افغانستان بمقصد حمایه تجارت مملکت اجتماع طبقه تجار سرمایه دار و کارگر فتن از سرمایه اوشن و تمرکز سرمایه ملی جهت عملی شدن آن اقدام بسیاست انحصاری بعضی موادواردات و صادرات نمودند که یکی از آن جمله انحصار رواردات قند و شکر بود بالمقابل چه مخالفت های نبود که بظهور نه بیوست چنانچه دریکی از روزهای سنه ۱۳۱۱ عدد از طبقات بالقوه مملکت در حضور والا حضرت افخم استاد عالی لغو انحصارات را نمودند و حضور مبارک شان از قبول آن استنکاف ورزید و به آنها اهیت نقشه و سیاست جدید اقتصادی مملکت را توضیح فرموده و ضمناً او شانرا به تامل واستقامت تو صیه فرمودند

وغیر ابن موافع دیگری وجود داشت که به آنها ترتیب اثری داده نشده منکری وجود نخواهد داشت که مذکوره سیاست حکومت دریک فضای تاریک ظهور نموده و قتی شروع بکار گردید که هیچ یک ذرائع پیشرفت در دسترس نبود وزراعت مواد صادراتی غیر از میوه کابل سقوط نموده و صنعتی در مملکت هم وجود نداشت که جبران صادرات را بدارد تجارت هفتاد فیصد بدست تجار خارجی اداره شده واردات در تراپید و صادرات روز بروز محدود مگر دید و پول مملکت دچار رتلزل و بحران گردیده بود ذخیره بول مملکت در اثر انقلاب کاملاً زابود شده بود اعتماد ازین رفته بود و مخصوصاً انقلاب ۱۳۰۷ تمام شیرازه های مالی و اداری و حرفة وی غیره مملکت را بر هم زده بایست به هرجیز از تو اساس گذاشته میشد.

## شروع بکار و نتیجه

در سنه ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ حکومت مشغول انجام پروژه تمرکز و بکارانداختن سرمایه ملی و کار گرفتن از طبقه سرمایه دار بود در سنه ۱۳۱۳ اوین موسسه که عرض وجود نمود و عملاً داخل کارشده هماناً باشک ملی بود این موسسه اوین موسسه اقتصادی مملکت دارای ۷۴ لک افغانی سرمایه بود و در مدت کمتر از شش سال یعنی امروز مملکت دارای تقریباً بالغ ۷۶ موسسه که باسas سیاست جدید اقتصادی حکومت در مملکت ایجاد شده و با سرمایه ۷۱ کرور افغانی مشغول انجام وظایف اقتصادی میباشد بعبارت دیگر درینچ و نیم سال تمرکز سرمایه ازیک تقریباً به ۹۹ ترقی یافته یعنی در مملکت که یکجصه افکار بواسطه ضعف بنیه اقتصادی مملکت و یاد عدم امنیت و یاد عدم طبقه سرمایه دار مسموم گردیده بود و طبقه دیگر با انتقامی بالاصل سرمایه ملی نگاه مینمودند و طبقه عقیده داشتند که بدون سرمایه خارجی کار گرفتن از آن از خود دارای کدام تشکیلاتی گردیده نمیتوانیم وهم یک طبقه دیگر باین و آن حتی به همه چیز مخالف بوده با نظر بدینی به اوضاع مینگریستند دارای این همه پیشرفت اقتصادی گردیدن کار سهلی نیست.

برغم وجود همچو عقايد بایست عرض نمود که به بیروی سیاست صحیح حکومت و هدایات تافع حضور والاحضرت و حمایه بزرگت حضور مبارک پادشاه جوان اینک سرمایه ملی میخواهد که متدرج و آهسته بی همه سر و صدادر مملکت عرض وجود نموده اثرات بزرگ خود را در مملکت بجا بگذارد و تا پنج سال دیگر هرگاه از طرف عموم توده ملت باین مذکوره نیک حکومت معارضت بعمل آید و مأمورین حکومت حسن همکاری خود را تقویه بدهند اساس ثروت ملی مستحکم ریخته شده و متضمن سعادت قوم و آبادی ملت خواهد گردید شاید بکلمه سعادت قوم بعضی ها اعتراض نماید که بچه اساس و از روی چه حساب؟ اینک ما برای اقتاع اوشان دلایل حسایی

که در دست است به عرض میرسانیم :

۱ - از بیانات گذشته روش گردیده باشد که تا وقتیکه سیاست جدید اقتصاد را اتخاذ نموده بود تجارت و زراعت ماروز بروز محدود و تروت ما همه ساله در شرف سقوط بوده چه اینکه از یکطرف تجاوت خارجی ما در دست تجار اجنبي بیهود بود که حاصل داد وسته تجارتی ما همواره بخارج مستقل میشد وهم تجار اجنبي بمنافع حقیقی مملکت توجهی نداشته از طرف دیگر افغانستان یک مملکت زراعتی بود و آن هم چون از بنادر بحری و راه های تجارتی بدور افتاده بود و تشکیلات اقتصادی هم از خود نداشتم که وسائل جدید تجارتی را کشف و دست بدامن تولیدات ثروت طبیعی مملکت بیند ازین بین جهت زراعت مانیز بحالت فلکت گرفتار و آنجه حاصل مواد خام ما که بخارج فرستاده میشد بقیمت جزوی بفروش و مواد ساخته خارج بقیمت گران خریده میشد مثلا یک سیر پنه را به ۱۵ افغانی در خارج بفروش میرسانیدیم و یک سیر چیز که از همان پنه ساخته میشد در عوض یکصد افغانی خریداری می نماییم و بنیة ملت افغانستان اسلام راضعیف و در عوض بنیة اقتصادی اجنبي را توییه می نمودیم این بود که نهضت در مملکت ترقی مینمود و هم عمر افغان و صناعت وجود پیدا میکرد بهمین علل کار که یگانه ذریعه تولید و تروت ملی است از مملکت رخت بر بسته بتدریج ملت غریب شهرها حفظ الصحه، پوشاک، تغذیه، منزل و همه چیز ملت گرفتار ضعف و قبور بود . خزانه حکومت هم تهی گردید .

حضرات محترم فراموش نشکرده باشند که تاسمه ۱۳۱۱ پیگاری با وضع رقت آوری در مملکت وجود داشته متنظرین که بصد ها دایره وزارت موجود و اجرت و مردم غیر کافی و کارهم حکومت بود امر از باوجود اینکه تشکیلات اقتصادی هنوز بصو رت ابتدائی است دیده میشود که چه اثراتی را در مملکت بظهور رسانده مثلا امروز دواير رسمی و دواير شرکتها برای جلب یک اکتاب و یا یک تحویله ادار و امثال آن بین خودها مناقشه برپا میکنند . امروز در حالیکه اکثر ممالک رابلای ییکاری تهدید میکنند در مملکت ماقلت کاریگر باعث تقویق بسی کنارها گردیده امروز اجرت فعله معمولی از یک افغانی چند سال قبل به دونیم افغانی و در بعضی موضع الى سه افغانی ترقی نموده و معاش مامورینکه در شبعت اقتصادی بوظیفه مشغول اند از دهالی یکصد افغانی در روز ترقی داده شده همه ساله دواير شرکتها گرورها افغانی را در مملکت بمصرف معاش و اجرت فعله و تعمیر و تاسیس کارخانه ها میرسانند و ازین رهگذر هزارها عایله معیشت شانرا تامین میدارند که در سابق دولک افغانی دواير تجارتی در مملکت صرف نمیکردند در پنج سال قبل احصائیه موتو های باربر دار در کل مملکت به ین جصد بالغ نمیشد اما امروز بواسطه ترقی تجارت واژدیاد حمل و نقل دواير صناعتی و زراعتی بالغ بر چهار هزار موتو لاری شخصی در مملکت

مشغول امور حمل و نقل است درنتیجه اول سال جاری تنها شرکت پنجه از منبع حاصلات زراعت (۶۴) میلیون افغانی پنجه بخارج فروخته ۲۶۰۰ خروار تبل ۳۰۰۰۰ صابون و ۱۱۰۰ خروار کنچاره محصول برداشت شده که در گذشته این عواید سابقه نداشت گویا دیروز شرکت پنجه و امروز شرکت قند شروع به افاده و اتمار نموده و فردا شرکت نساجی محصول و نتیجه را بیرون خواهد داد و روز بعد شرکتها دیگر که از فیل پشمینه بافی و ابریشم بافی و بوری بافی و سمنت سازی وغیره ثمرة خود شان را ظاهر خواهد داشت البته این کارهای سابقه است اگر ماتریقات زراعتی و صنعتی و عمرانی را درولايت قطعن مطعم نظر قرار بدهیم حسن تأثیرات سپاست جدید اقتصادی مملکت بخوبتر واضح خواهد شد درجه هار سال قبل که درین ولایت عملیات اقتصادی شروع نشده بود درولايت خان آبادلک هاجریب زمین حکومت ذریعه رعیت برخلاف خواهش آنهای فسی جریب از ۲ - الی ۹ - افغانی بموعد پنج سال بفر و ش رسیده بود زیرا درین مملکت چیز یکه قیمت نداشت زمین بود وزمین بغير از زحمت حاصل نداشت گندم فی سیر نیم افغانی برنج فی سیر دواهیانی بود و چون غیر از زراعت جو و گندم و شالی و جوار دیگر زراعتی درین خطه وجود نداشت و آنهم نفعی نمی نمود لذا بتدریج زمین خاره و فسمتاً جنگل و چمن زار گردیده بود اینکه دوایر زراعتی و صنعتی شروع بکار نمود همان زمین ها امروز در عرصه کمتر از چهار سال از ۹ - افغانی به ۲۰۰۰ - افغانی الی ۱۲۰۰ افغانی بالغ گردیده و بواسطه از دیادنوفوس در مرآ کثر صنعتی و بیداشدن مجرماً و کشیدن یک حصه زمین از تحت زراعت گندم و جو بزراعت پنجه و لبلبو که در هذاسه درولايت خان آباد و مزار شریف ۱۵۵۰۰ - جریب زمین تحت این دوز راعت آمده غله از فی سیر نیم افغانی به سه افغانی ترقی نمود برنج ازدو به پنج الی هشت افغانی رسید و حاصل همان یک جریب زمین که به ۹ - افغانی خریده شده از یکصد و پنجاه افغانی الی ۵۰۰ حاصل یک ساله پنجه و لبلبو دها قین بر میدارند چهار سال قبل که درین مملکت مزدوری کردن و اجرت گرفتن معمول نبود و کسی برای کار اجرتی فائل نمیشد و کار بعنوان عشر اجراء میگردید امروز دها قین در فصل زراعت شالی و لبلبو پنجه به سه افغانی مز دور میگیرند حتی باین معیار هم مز دور کار بیدا نمی شود .

امروز نه اینکه مردمان زراعت کار و عیال و اطفال اوشان در مناطق زراعت پنجه و لبلبو مصروف بکار شده اند که درسابق یکار بودند بلکه در وقت فصل مردمان یکار کوه نشین جهت اجرت گرفتن بزارع دهایین مشغول گار گردیده اند تا دو سال قبل در این مملکت باوجود دارا بودن حاصل خیز ترین زمین کسی بدرخت شانی اقدام نمی کرد چون چوب هیچ قیمت نداشت در اندراب و رستاق یک درخت که دوچوب خوب برای پوشش میداد یکنیم الی دواهیانی درسه سال قبل قیمت داشت امروز که تعمیرات صنعتی و دها قین شروع گردیده از

رستاق، تالقان، خان آباد، غوری، نهرین، اندراب بالغ بر نیم میلیون درخت را شر کشیده خریده و قیمت از دواخانه در بعضی نقاط به ۱۲ - افغانی ترقی و قلمه درخت فی هزار به بنجاه افغانی خریده شده و همین قیمت پیندا نمودن چوب در دو سال اخیر واسطه شد که میلیون ها درخت برای سرسزی این خطه غرس گردد صرف نظر از اینکه یک صد هزار خانه وار دها قین و شتر کار از مرد رک زراعت پنه و لبلو و حمل و نقل مشغول کار و بهتر ساختن زندگانی و بلند بردن عایدات خود می باشد .

امروز ۲ هزار هزار مامورین، کاریگر کار خانه ها، بسته کار، موتمران، باغبان، گل کار نجار، عمله فنی و عمله تعمیر در کلیه افغانستان در قسمت نسا جی و پنه و قند سازی مشغول کار می باشند در سال آینده دوهزار هزار کاریگر کار خانه را شر کت نساجی جدیداً مشغول کار خواهد ساخت در پنج سال آینده شر کت نساجی احتیاج به ۱۲ هزار کاریگر فنی خواهد داشت بر علاوه تعمیرات در پنج سال آینده متواتر در ولایت خان آباد جهت امور صناعت معادن زراعت، راه سازی احتیاج به بیست هزار کاریگر محسوس می شود که تهیه آن امر محال بمنظور میرسد . در شهر های بزرگ مملکت تاهنوز طبقات اهالی نتو انتهی اند عمارت را با مصالح پیخته تعمیر کنند ولی این قوت برای مؤسسات صناعتی با وجود آنکه عایدی تا کنون ازان گرفته نشده برای تامین حیات مامور و کاریگر حاصل گردیده چنانچه خانه های نشین پخته و عصری با تمام لوازم امروز برای اوشنان تدارک و شروع با ساختمان آن گردیده چنانچه در قندوز و پهلوان و پل خمری شروع گردیده و در نقشه شهر پل خمری یکهزار و هفتصد عمارت و یکهزار د کان و مساجد و هوتلها و شفاخانه وغیره عمارت پارکها و میدانهای سیورت و باغهای کودکان و کشتار خانه وغیره نقشه گردیده و کار آن بشدت جریان دارد و در عین زمان در حالیکه بهر کاریگر در مملکت شروع می شد و یامی شود مشکلات بزرگی پیشرفت کار بواسطه نمودن تجزیه و اداره عمله خورد فنی از قبیل بسته کار و کاریگر وغیره بوده و است با آنهم پیشرفت کار دوائر اقتصادی از سرعت خود نکاسته و همواره اشخاص برای اجرای امور مملکت تهیه می کند .

در سابق و هنوز امروز کاریگر افغانستان همیشه برای غریب کار ری بهند رفته و برای گرفتن اجرت کار میدارد و از نتیجه کار مملکت اجنبی را آباد میدارد و قبل از محاربه سنه ۱۹۱۴ سمت شمال افغانستان چهل هزار هزار مرد کار بهتر کستانات روسیه فرستاده بود و مملکت غیر را آباد می نمودند و چون در مملکت خودشان ذریعه کار موجود نبود امروز بو اسطله سیاست جدید حکومت اعلیحضرت ظاهر شاه نه اینکه و سمعت شمال مملکت عزیز ما بخارج احتیاج ندارد که جهت نوکری و غلامی برود چون وسائل کار در خود این خطه تهیه شده بر عکس لکھا خانه مهاجر را همین کار از خارج جلب و هم را در آغاز خود جاونان میدهد تا ( ۴ ) بسم شمال

وارد واز آنها برای آبادی مملکت کار می‌گیریم.

این بود مختصر از تاریخ سیاست جدید اقتصادی حکومت واستفاده از منابع ثروت ملی ذریعهٔ تعریف کنسرسیون ملی و طبقهٔ سرمایه دار اگرما بخواهیم بدانیم که مملکت از سیاست جدید اقتصادی استفاده دیگری نموده یانه؟ از شرح مختصر ذیل حقیقت بدست می‌آید.

### نماد حکومت:

اول تهیه جهت آینده قرار یکه سابقاً عرض شد فعلاً (۷۱) کرو رافانی توسط مؤسسات اقتصادی بکار آنداخته شده که البته بینقدار بالتدريج افزود خواهد شد وازین قرار امر وزیری پیشبرد امور موانعی از لحاظ نبودن سرمایه موجود نیست فلت و نبودن نفر و عمله همکن است موافع پیشرفت کار شمرده شود.

۲ - اثرات ترقی تولیدات وداد و ستد موقعیت پول کا غذ افغانستان را مستحکم و ترویج آنرا کاملاً تأمین نموده.

۳ - بواسطهٔ تطبیق سیاست اقتصادی حکومت تو انت ذریعهٔ شرکتها ۱۸ کرور افغانی طلا و نقره را در مقابله پول کاغذ ذخیره نماید.

۴ - اداره و ترقی سریع اقتصادیات افغانستان اعتبارات خارجی مملکت را ترقی داده چنانچه اعتبارات فرضهٔ مابلغ ۳۲ کرور افغانی درسته گذشته در اروپا رسیده بود و ذریعهٔ فعالیت دوازیر تجاری خود را تو انت که از بازارهای جدید مانند امریکا، آلمان، انگلستان چکسلواکی، ایتالیا، هند چین و سیام استفاده نموده و روابط تجاری خود را توسعه بدھیم و برای اولین بار پنجه - پشم شتر، موی بر، تریاک و پوست باب خود را به این بازارهارسانده و طوریکه باید تجارت خود را وسعت بخشیم و ازین مرکز به ازدیاد ثروت اهالی خدمت بنمایم. دیروز پنجه در صادرات مملکت رولی بازی نمیکرد امروز مقام دوم را در صادرات احرار از نموده دیروز تریاک ما بازار فروش نداشت امروز بوساطه روابط مستقیم بازار سیام و هند و چین ماتوانستیم که در هذا سنه ۳۳ فیصد قیمت تریاک را ترقی داده و عایدات دهائین را بلند بیریم تاسه سال قبل پشم شتر و موی بزو و موی اسب وغیره سالانه یک پا آن بخارج فرستاده نمی شد پشم شتر فی سیبر ۳۲ - افغانی قیمت بیدانموده و موی اسب سیبر ۷۰ - افغانی و در سال اول شروع صادرات پشم شتر مجموع صادرات ه لک افغانی بوده و در سنه ۱۳۱۹ به ۴۲ لک افغانی بالغ خواهد گردید.

۵ - ما امروز بر علاوه ۲۰ - کرور افغانی ذخیره طلا و نقره دارای یک ذخیره بی سابقه اسعار خارجی و یاجنسی که ازان اسعار خارجی عاید میگردد میباشیم که این ذخیره ذریعه توسعه

صادرات واداره صحیح آن در بازار خارج بدست آمده که بدان ذریعه هر پلان و پروژه صناعتی را میتوانیم عملی بداریم و آن عبارت است از مبلغ ۳۶ کرور افغانی .

۶- با داشتن دارائی تولیدات شرکت پنجه و شرکت قند که ۱۰ گز راعت لبلوی آن تامین گردد و شرکت نساجی سال ۱۳۲۱ مملکت همه ساله دارای ۱۰ کرور افغانی حاصلات جدید میگردد و اگر پلان های جدید نساجی و قند سازی در پنج سال آینده تکمیل میشود و برای تکمیل آن هم موافقی غیر ازی بمناسبت این دنیادیگر چیزی وجود ندارد قوه تو لیدات مملکت به ۲۳ کرور افغانی نسبت به امروز در سال زیاد میگردد و اگر ما باین مبلغ از دنیاد روزافرون باقی تبادله های تجارت خارج و مقادیر شرکت های خود را حساب بداریم این مبلغ سالانه به ۳۰ کرور افغانی بالغ میگردد و با از دنیاد تولیدات ۳۰ کرور سرمایه در سال مامیتوانیم در کلیه افغانستان به تمام پروژه های صنعتی پروژه استفاده از معادن در راه آهن سازی نیز شروع بداریم چه اینکه برای بکارانداختن معدن تیل جهت مصرف داخلی و ذوب آهن و مس و صناعت فلزی جهت مصرف داخلی صناعت حریق و دوهزار کیلو متر راه آهن و صناعت سمنت سازی وغیره مابلغ ۲۱ کرور افغانی محتاج میباشیم با ۳۰ کرور افغانی تولیدات عایدات جدید در (۷) سال بعد از پنج سال اول یعنی از تاریخ امروز در مدت ۱۲ سال ۱۰ گز کار بداریم تمام اینها تکمیل نموده میتوانیم یا عبارت دیگر اگر متوجه حکومت افغانی و مامورین حکومت تو حید عمل رایشه و دوازیر اقتصادی راتحت حمایه خود بگیرند و با آنها امداد بدارندیس از آن مامیتوانیم اعتماد بنفس نموده و ذریعه سرمایه موجوده قوت کار را در مملکت زیاد و ذریعه از دنیاد کار وسعي و عمل جمیع سرمایه کارآمد را جهت عمرانات و ترقی مملکت تهیه بداریم و بدون امداد خارجی تکیه بر قوت ملی نموده و با آینده خود مطمئن باشیم و آینده را با چشم روشن ملاحظه بداریم ولی ناگفته نماند که شرط اول کامیابی و سعادت آینده مملکت متعلق است به اتحاد و همکاری تمام طبقات جامعه یعنی علماء، روحانیون، جوانها و پیرها وزارعین و کوچی ها و کسبه ها و تجار و باشی ها با حکومت و بین خود، با عرض این توضیحات میخواهم متذکر شوم که آنچه حضرات محترم درین ولايت ملاحظه فرموده اند اينها اساس حقیقی صناعت و زراعت نیست .

این مؤسسات فقط عبارت از یك مدل های خورد و تجریبی میباشد که جهت امتحان مانند مدل هایی که در لابرатор و بصورت میتابنم میتواند و چیزی که میتوان باطنیان کامل عرض نمود اینست که به تجربه ساختمان این مدل هادوچیز ثابت گردیده .

۱- افغانستان موقعیت ترویج هر قسم صنائع را که خودش با آن احتیاج دارد داشته و توسعه هرگونه زراعت در آن ممکن است .

۲- باندازه کافی دارای سرمایه و ثروت طبیعی بوده که اگر از آن بصورت صحیح کار

گرفته شود میتوان تقریباً استقلال اقتصادی خود را اگر خداوند بخواهد تأمین نماید و بدین ذریعه استقلال سیاسی خود را برای همیشه حفظ بدارد.

### استفاده مستقیم حکومت ازدواج اقتصادی

۱- مطابق حساییکه درست است حکومت در ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ (۲۱) لک افغانی به بانک ملی اشتراک نموده و این اسهام تا سنه ۱۳۱۷ - ۲۶ لک افغانی مفاد آخذ نمود.

و در سنه ۱۳۱۷ (۲۶) اسهام خود را که از بانک ملی مسترد نمود بانک ملی از بابت دارائی حکومت بر علاوه (۲۶) لک افغانی یکصد و هشتاد لک افغانی دیگر را نیز تادیه و بر علاوه تخمین ۴۵ لک افغانی دیگر نیز تادیه نماید که آنهم منتظر نتیجه هیئت تحقیق میباشد گویا با ۲۱ لک افغانی اشتراک ۲۳۱ لک افغانی اخذ نماید بعارت دیگر ۲۱۱ لک افغانی تنها از بانک ملی فایده مستقیم دریافت نمود.

۲- فایده شرکت پترول ۱۲ لک افغانی که جمله مفاد مستقیم این دوشرکت بدون تجارت قره گل ۲۲۳ لک افغانی میشود و بر علاوه مفاد ذیل را حاصل نمود.

۱- پائزده کرور طلا نیکه بانک ملی در عرصه ۶ سال بحکومت خریداری نموده اگر بفروش بر ساند مبلغ ۴ کرور و ده لک افغانی امروز مفاد این طلامیگردد.

۲- در سنه نهم سال گذشته که دایر به اسعار خارجی میان فرخ رسمی و بازار تفاوتی پیدا شده بود بانک ملی ذریعه شرکتهای قره گلی ۲۸ لک پوند بحکومت به قیمت رسمی تحويل داده که تفاوت قیمت بازار تجاری و حکومت فی پوند ۳-۱- افغانی بوده گویا حکومت بواسطه فدا کاری و حسن اداره شرکت هاسه کرور و شصت و چهار لک افغانی از مردک اسعار مفاد حاصل نموده یعنی کمتر خرج نموده و بعارت دیگر اگر آن پوند هانمی بود حکومت مجبور بود برای خرید اسلحه و دیگر لوازمات پوندرای از بازار مانند گذشته خریداری مینموده باین حساب باید سه کرور و ۶۴ لک افغانی زیادتر خرج میکرد مسلم است که این پول در خزانه حکومت موجود نبود و مجبور به افزودی مالیات میگردد با در نظر گرفتن سه قلم عایدات فوق ثابت میگردد که حکومت در مدت شش سال ۹ کرورو ۷۹ لک افغانی مفاد مستقیم از شکیلات اقتصادی حاصل نموده و بر علاوه استفاده و تسهیلات غیرمستقیم ذیل را نیز بددت آورده است.

۱- پیش از شکیلات جدید اقتصادی یعنی ۱۳۱۱ عایدات گمرکات مملکت از ۴ کرور افغانی کمتر بود در سنه گذشته بواسطه تو سعه تجارت و تنظیم جدید اقتصادیات مملکت عایدات گمرکات فردیکه ۸۴ کرور افغانی ترتیبد حاصل کرد یعنی صد فیصد در عایدات گمرک افزودی بعمل آمد در سال جاری ممکن است عایدات گمرکی نسبت به سنه گذشته بازیین ۲۲ الی ۲۵ فیصد ترقی را نشان بدهد که اگر ما ۲۲ فیصدرا از ۸۴ کرور حساب بداریم ۷۲ لک افغانی میشود.

۳ : - سابق از تشکیلات جدید اقتصادی حکومت با وجود گرفتاری زیاد در دگر رشته های جباتی مملکت بعلت عدم تکلفوی سرمایه تجارت به خرید تمام پیدا و از صادراتی مملکت باشد باست به تجارت نیز اقدام می نمود .

مثلث همه مطلع اند که حکومت چند سال شعبه خرید و فروش قره گلی را نیز دایر و همچنان حکومت تنها ذریعه بوده کو سیله تاسیس . چند کارخانه در مملکت شده بود و هکذا چهت تهیه اسعار خارجی خرائی خارجی را تاسیس و باجرای امثال آن اقدام ورزید اگر خوب غور شود در حالیکه دیگر صنایع مملکت از قبیل راه سازی و بنداونهار و شعبه زراعت و حفاظات اصلاح و معادن و معارف و حربی و امنیت و صدها شعبه دیگر مملکت - احتیاج به فعالیت و مرابت و صرف سرمایه داشت حکومت مجبور بود که یک حصه فوت اداری و حصة مهم پول خود را از آن راهها کشیده و بدین طرف صرف بدارد . مثلا خرید و فروش قره گل به مقصد تجارت خارجی خرید چوب جهت ساخت درود روازه و میزوچو کی به مقصد فروش .

خلاصه حجاری و چرم سازی ، گوگرد سازی ، تکه بافی و چه وچه را همه باشد حکومت اجرا و برای هر کاری اداره تشکیل و مأمورین جمع آنرا جریان و کشتر ول مینمود و از اجرای آن هم ناگزیر بود زیرا در مملکت دیگر قوتی موجود نبود که این امور را اداره میکرد .

امروز نه اینست که تمام این بارها ازدواش حکومت برداشته شده بلکه به مبلغ چهار کرون افغانی که حکومت در صنایع بانجاه لک افغانی بکار قره گل و دو نیم کرون به بانک ملی و شرکت بطرول بکار انداخته بود تمام این مبلغ واپس ازین کارها برآورده شده و بمحاری دیگر بمصرف خواهد رسید - که به عمر انان و ترقی مملکت امداد خواهد نمود و بعایرت دیگر سیاست جدید اقتصادی حکومت همان مفکوره اعلیحضرت شهید سعیدرا عملی ساخت یعنی از ثروت و فکر و عمل ملت کار گرفت اینست که دوایر اقتصادی امروز در دست حکومت آله بس مهم و معاف و بسیار فعال در پیشبرد نیات و مفکوره حکومت ثابت گردیده و بسی بارها را ازدواش حکومت برداشته خواهد بردشت .

من با عرض این توضیحات نمیخواهم خاطر نشان کنم که کارهای بس بزرگی صورت گرفته ولی توجه میداریم که اشخاص پیسیم است نیز نبایست منکر این باشند که ماراه را پیدا و کشف نمکر ده ایم اگر در عوض آنها فکر پیسیم است را از خود دور انداخته به مقصد ور اهمانی مملکت از دست فقر و فاقه با حکومت اشتراک مساعی ورزیده امداد بدارند به یاری خداوند مملکت بزودی بطرف منزل مقصود نزدیک خواهد شد .

به آفایانیکه تاریک بین می باشند باشد که گفته شود که اگر ماملات حظه نمائیم در سن ۱۳۰۷ وقتیکه چند کارخانه ازارویا خریده شد و حکومت آنوقت هر قدر جدیت و مجالس وتشو یق و تهدید

نمود توانست از سرماهه مملکت اضافه از ۲۶۸ هزار افغانی قبولی اشتراک در امور صناعت بگیرد و یا اینکه در سنّه ۱۳۱۰ وقتیکه اوین بار شرکت اسهامی تشکیل میشد در دو سال اول ما توانستیم زیاده بر ۱۴۸ هزار افغانی سرمایه تجار را بشرکت اسهامی جلب بدھیم در سنّه ۱۳۱۹ وقتیکه اعلام شد که شرکت برق به سرمایه ۴ کرور افغانی تشکیل می شد بدون اینکه کسی را تشویق و یا تهدید بداریم ده روز بعد خواهشات اشتراک از چهار کرورتجاوز و سرمایه به ۶ کرور ترقی نموده پنج روز بعد خواهشات اشتراک از ۶ کرورتجاوز سرمایه به ۷ کرور افغانی ترقی نمود آنهم اسهامش فروش شد گویا ما امروز دارای ۷۱ کرور افغانی سرمایه هستیم که از آن جمله ۳۸ کرور افغانی آن در صناعت کارمناید ما بایست قائل بگردیم و اطمینان حاصل بداریم که رفع این همه مشکلات در شش سال بما آنقدر اطمینان قلبی می تواند به بخشد که از یاس جلو گیری بداریم و جهت رفع مشکلات آینده مارامیدوار بداردم شرط بایکه اگر با اتحاد و اتفاق دست بهم داده کار بداریم و در آن وقت همه ما بایک نصب العین واحد که حفظ مملکت اسلامی ما افغانستان است امیدوار بوده و ترقی مملکت را تامین و مشترک کا سعادت مند بگردیم این بود مختصر و یامفصلی از تاریخ و جریان سرمایه در چند سال اخیر ولی اوین دفعه که در مدت شش و یاهفت سال از موضوع پیش رفت اقتصادی مملکت توضیحاتی میدهیم و خدا وند شاهد است که آنهم نه برای مقصد نما یاش و نه نبلیفات دیگری است غیر از یک نقطه که آنهم تنها بقصد از ابراز نکات ذیلا است :

- ۱ - بایست مایوس نباشیم .
- ۲ - سرمایه و تجربه دوازد اقتصادی مایه یا رسمیه که احتیاج زیادی به توجه جامعه و دوازد حکومتی محلی دارد که اگر به آنها اعتماد شود در حمایه و تقویه ویشرفت آنها فدا کاری گردد بعدها برای مملکت نتیجه مفیدی خواهد داد والا این سرمایه ملی بدون اینکه بعجانی بر سر از بین خواهد رفت اما چون این دوازد سرمایه سرتاپا از خود ماست و بدون امداد خارجی به اثر سیاست و زحمت کشی حکومت بدست آمده مستلزم آنست که خود ما آنرا بر ورش داده ویش بیر یم و منتظر این نباشیم که دیگری بیداشده کار هارا انجام بدهد . درینجا یک موضوع دیگری که قابل تذکر بوده و ما را به آینده امیدوار می‌سازد سرعت انجام امور در دوازد صناعتی سمت خان آباد است .

دوازد یکه در مرکز کابل به امور تعمیر مشغول است دارند ملاحظه نموده باشند که برای پیشبر د تعمیر چه مشکلاتی در مملکت ماموجود است خلاصه درین ولايت که هیچیک اموری جهت پیش رفت امور عمران مهیا نبوده مخصوصاً که عمرانات صناعتی هم در موضعی وارد گردیده که دشتهای خشک و بدون نقوس و مخصوصاً صاگر می شد بدب تابستان و شدید ترین امراض ملاریادر تیر ماه و نبودن عمله فنی وغیره و اگر به این موافعه و مشکلات حمل و نقل که دوازد همه که یک زمان شروع بکار

مینمودند و هر دایره بایست از همان منبع رفع احتیاج مینمود و مخصوصاً اگر مد نظر گرفته شود که حصة زیادی مواد سوت و تهیه مصالح اضافه شود خوبتر با مشکلات آن بی خواهند بر ددر بغلان از حضرت امام که بحکم و بیست کیلو متر بعید است احتیاج جات مجر و فات شان ذر یعنی پنبه رفع میگردد و هزار ها تن سمنت آهن و ماشین و چوب ولوازم سوت و دیگر که بصورت مجموعی در سه سال شرکت پنه و قندسازی بغلان و نساجی بایست ۹۸ خروار اموال کار آمد خودرا از پشاور، کابل و سرحدات رو سیه نقل میدادند باین راه های غیر منظم و مشکل بایست قائل گردید که این مؤسسات وظایف خود را بخوبی انجام داده اند و این انجام وظیفه امروز نیز میتواند مارا بتامین کارهای بزرگتر آینده امیدوار بازدار در موافقیه لازم است بمطلب خاتمه داده شود اینکه حقایق ذیل نیز اشاره میشود اگر حقیقتاً میتوان در محیط برای مؤسسات اقتصادی پیشرفت را قابل گردید و اگر میتوان به تغییر بودن آنها برای همکلت عقیده بینداز نمود و اگر آنها را میتوان عامل آن ترقی شمرد پس بایست درین صورت ایماناً تصدیق نمود که بانی اول و موسس حقیقی این مؤسسات مابعد از پادشاه محبوب و ترقی خواه اسلام پرور ما حضور والاحضرت صدراعظم صاحب اند چه اینکه اشخاصیکه درموضع سات اقتصادی کار مینمایند آنان دیروز هم در محیط زندگانی مینمودند و لی دیروز آنها متفرق و گرفتار انجام زندگانی شخصی خود بودند و آنها هیچ یک رولی را در زندگانی اقتضا دی همکلت بازی نمی نمودند والا حضرت محمد هاشم خان صدراعظم بود که جمیعت متفرق آنها را جمع و به آواز آنها گوش و به آنها موقعیت داد و اعتماد بی سابقه به آنها نمود و دست قوی حمایه خود را بسر آنها گذاشت و روز بروز متوجه حاشان بوده و آنها را بطرف خدمات اقتصادی همکلت مانده یک عسکر فدا کار سوق داد لهذا همکلت و تاریخ آن انصافاً بایست ممنون و منت گذاراین خدمتگذار صادق خود باشند چه دیروز که با وجود مخالفت محیط و با وجود معلوم نبودن اینکه این اشخاص را که والا حضرت جمع نموده و موقعیت کار را دادند لیاقت عملی نمودن مفکر ره سیاست اقتصادی همکلت را دارد به آنها اعتماد بیان فرموده و سنتگین ترین پروژه هایی که درین محیط به بسی مشکلات مواجهه بود از قبیل انحصارات و امتیازات که از آن جمله انحصار قندو شکر بود باشان توپیش شد امروز اینکه همان اعتماد و جرئت امراجرای آن انحصارات چنین نتیجه داد که عوض اینکه طلای همکلت را بخارج صادر و بوره وارد کنیم اکنون شروع به این شد کذر یعنی زراعت در خود همکلت تهیه همان پولیکه بایست بخارج بجیب اجنبی میریخت همان بول امروز در همکلت مانده و در راه تقویه ثروت ملی و بهبود حال زراعت پیشه گران و کارگران افغانی صرف میگردد البته خوانندگان محترم اطلاع دارند که زیاده بر ۷۵ سال تجارت قندو شکر آزاد بود آناری بقیمت یک افغانی در همکلت نگذاشت و درین سالهای اخیر همه ساله بیست هزار تن قند و شکر از خارج

واردوکرورها افقانی در عوض از مملکت خارج و بنیه ثروت ملی را ضعیف مینمود اینک پنج و نیم سال کامل هنوز از پیروزه انحصار قند و شکر نگذشته که کارخانه بوره سازی چالان واین اولین کارخانه پنجاه فیصد بوره کار آمد مملکت را تهیه نموده میتواند والبته این موقوفیت در اثر اعتماد و راهنمائی و امداد والاحضرت صدر اعظم صاحب است که توده تجار مملکت را امروز روح جدیدی بخشیده .

قارئین محترم میتوانند کاملاً اطمینان را داشته باشد که این توده حس مسئولیت خود را در مقابل وطن عزیز و حکومت و اعتمادیکه از طرف والاحضرت افخم شده کامل داشته و بدون یک تابعه فوت وقت سروظیقه و ادای آن استاده میباشد همچنان که آنها در اجتماع سرمایه و کار گرفتن از بول و سرعت کار اجرای عملیات و مطالعه پلان و پیروزه های اقتصادی باشوق سرشار کار مینمایند و در عین زمان با تمام جدیت سر گرم کار گرفتن از منابع ثروت مملکت میباشدند چه آنها تجارتی یا زراعتی و یا صنعتی باشند همچنان در پیروزی و انجام مفکوره عالی پادشاه جوان محبوب خود و حضور والاحضرت صدر اعظم صاحب و دیگر بزرگان مملکت جدیت دارند که همه قسم وسائل بهبود حال اهالی را فراهم بدارند چه دو سال کامل می شود که تجارت سمت شمالی با سرحدات نزدیک مقطع شده ولی همین دوایر توافقه اند با اشکال که داشت چنان امور تجارت آن را اداره بدارند که شیرازه آن از هم جدا نباشد .

۲- در سال اول و در شروع زراعت پنبه قیمت خردی پنهانی فی سیر سه افقانی تعیین شده بود ولی همینکه حس شد که زندگانی و قیمت کار بلند رفته اگر در قیمت پنبه تجدید نظر نشود به زارع قوه زراعت نمیماند در همان وقتیکه دو ساله پنبه شرکت در سرحدات در اثر برف و باران میخواست از بین برود و بازار فروش مسدود بود شرکت شمالی فدائیت نموده قیمت پنبه را ترقی داد و اینک از سنه ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۸ فیصد قیمت پنبه بلند برده شده یعنی در سنه ۱۳۲۸ به سه افقانی امسال بصورت متوسط به  $\frac{۱}{۳} / ۸۴$  فیصد قیمت یکسیز پنبه تعیین شده .

۳- اجرت مزدور کار از یکنیم به دونیم افقانی ترقی داده شده .

۴- برای اولین دفعه برای متخصصین خورد تعمیرات یمه صحت منظور شده که اگر کسی در سر وظیفه عیی شد اول معالجه مجانی دوم یا برایش وظیفه دایمی و یا یک مبلغ نقد تادیه میشود و اگر بالای وظیفه فوت نمود یکهزار و پنجصد افقانی به عالیه آن پرداخته میشود .

۵- حیات طبقه مامورین به صورت بسیار خوبی تنظیم و همه روزه در بهبود آن کوشیده می شود .  
۶- پیروزه صناعت سندا بریشم و سوده کاستک و گوگرد سازی و ترقی زراعت مواد آن سرد است معدن سنگ مرمر و ذغال کشف و با همکاری وزارت معدن بکار آنداخته شده البته خواندنگان محترم میتوانند تجویین فرمایند که هرگاه روح تعاون ویک وجود گی یعنی دوایر

اقتصادی این ولایت و حکومت محلی وزارت فواید عامه و ریاست زراعت پیدا شود در عرصه پنج سال هیچ کس ولایت خان آبادرا نخواهد شناخت که این همان ولایت نی زار و صرف بارویی درخت و مخربه بوده که ترقی عصری نایل گر دیده و به قوت تروت که از همین ولایت حاصل گردید تمام افغانستان و تمام پر ورثه های خود را عملی نموده میتوانیم وزارت اقتصاد و تمام تجارت واعضا، شرکت ها ازو والا حضرت صدراعظم صاحب از صمیم قلب سیاس گذاری و حق شناسی مینمایند زیرا معظم اعتماد نمودند و بما موقعت دادند که ما بتوانیم خود را بیک عضو مفید جا معمه قرار داده و بخدمت وطن محبوب ب خود با حکومت معظم خود دوش بدوش جان فشانی نمائیم و وظایف ملی و اقتصادی و اسلامیت خود را اجرابداریم . به خداوند شکر گذاریم که مطابقه تجار شرکت هارا از گرفتاری هوای نفس نجات داده و به اعتمادیکه بر ما شده بود آنرا بصداقت انجام دادیم و امیدواریم که در آینده هم هر باری که بر دوش ما گذاشته شود تحت قیادت پادشاه محبوب وجوان و کافه مملکت خود آنرا برداریم .



در خاتمه وظیفه خود میدانم از کسانیکه در راه عملی کردن پلان های اقتصادی حکومت بامؤسسات اقتصادی وطن همکاری و معاونت نموده اند بنام طبقه تجار و مؤسسات اقتصادی مملکت اظهار تشکر نمائیم اولاً از جناب جلالتمآب وزیر صاحب داخله رئیس تنظیمیه ولايت قطعن که خصوصاً در قسمت تهییه عملاه و دیگر تسهیلا تیکه قبول فرموده بودند بما معاونت نموده اند و بعد از آن از تجار محترمیکه درین مؤسسه شرکت ورزیده خواه بدادن سرمایه اقتصادی و خواه علاوه بدادن پول عملا هم در کارهای آن شرکت ورزیده اند خصوصاً مرحوم حاجی عبد العزیز خان رئیس فقید شرکت پخته که صحبت خویش را در راه کار شرکت فدا کر دند . خدا آن ها را بیامزد « و برادر شان جناب عبدالرشید خان رئیس فعلی شرکت پخته که آن ها هم خیلی زحمت کشیده اند و همچنین از جناب محمد عتیق خان که در بیش برد امور این مؤسسه از روی عشق و وظیفه شناسی خیلی زحمت کشیده و میتوان گفت تمام موجودیت خود را وقف این کار کرده اند و نیز از نماینده گان شرکت سکودا و عمله فنی آن که از روی صمیمیت و حس همکاری اجرای وظیفه کرده اند اظهار امتنان نمائیم .



یس از ختم بیانات خود جلالتمآب وزیر اقتصاد ملی به تقسیم انعامات و هدایاتی که از طرف ریاست شرکت قند سازی برای یک عدد اشخاصی که در بیش بر ده کار فابریکه سهم بیشتری گرفته بودند تهیه شده بود ، برداخته یکایک آنها را با شرح خدمات شان به حضار معروفی و انعامات و هدایای معینه را با ایشان تسلیم نمودند درین جمله برای جناب محمد عتیق خان ۲۲ هزار

افغانی اسهام شرکت قند با ۲۴ جریب زمین و برای جناب محمد شریف خان مدیر فابریکه ۱۰ هزار افغانی اسهام شرکت نساجی با ۱۲ جریب زمین و برای جناب عبدالکریم خان احراری مدیر زراعتی سابق شرکت ۵ هزار افغانی اسهام شرکت نساجی و برای انجیرهای مهم شرکت سکودا نظر به شخصیت و خدمت ایشان جواز نقدی از ۲۵۰ گرفته تا یکماه معاش و بعضی تخفیف از قبیل قالیچه و پوست قره گلی بیداوار وطن بصورت تقدیر و یادگار اعطاء گردید وهم برای برخی نگرانها و عمله فنی داخلی اعمال نقدی داده شد.

در پایان این مراسم برای هر فرد از مدعوین یک یک بسته کوچک شکر ساخت فابریکه قند سازی که بصورت زیبائی با نوار سه رنگ بیرون افغانستان پیچیده شده بود بقسم تحفه از طرف شرکت تقديم و توزیع شده مجلس افتتاحیه اختتام یافت.

### راپور مختصر راجع به شرکت پخته قندوز

یکی از اعمال مهم اقتصادی که درین دوره اصلاحات و پیش رفت امور اقتصادی مملکت روزی دست گرفته شده زراعت پنه در افغانستان و پیش برداشتن شعبه مهم در مملکت میباشد. از مدتهاست وزارت اقتصاد ملی و ریاست زراعت توجه خاصی باین امر معطوف نموده و به مقیاس بزرگی آغاز به تولید پنه نموده است و برای این مقصد یک اثر بزرگی بنام شرکت پخته تاسیس شده تابو سیله یک سرمایه مکافی به تولیدات پنه در مملکت یغرا اید.

بجهود در ظرف چند سال شرکت مذکور درین زمینه محترم مرتفقیت های خوبی شده است و در موقع تشریف فرمائی والا حضور افعتم صدراعظم صاحب در قندوز را پور منصلی از اجرای آت و پیش رفت های شرکت مذکور را جناب عبدالرشید خان رئیس شرکت مذکور به حضور والا حضور شان تقدیم کردند لذا مادرین جاعین آن را پور را که حاوی مطالب مهمی بمنی پیش رفت این شعبه است برای ارائه پیش رفت اعمال دولت درین موضوع ذیلاً درج مینماییم:

۱ - در ماه ثور ۱۳۱۵ فران هدایت والا حضرت اشرف بالائلی ملی با همدمستی تاجران آکابی و وزاری اقام به تاسیس یک موسسه بنام شرکت اتحادیه شمالی با سرمایه ۹۶ لک افغانی نمود. ۲ - در همان سنه برای اولین دفعه شرکت شمالی بعد از یکه عرصه چندین سال که زراعت پخته ازین رفه بود با حیای آن قدام نموده و مقدار ۶۰۰ خروار تخم پخته را که بمصرف کرایه مبلغ ۴ لک افغانی تورید گردیده بود بصورت مجانی بین دهاقین تقسیم نموده و در همان سال اولین حاصلات پخته را مقدار ۱۳ لک سیر جمع نماید.

۳ - در سنه ۱۳۱۶ بواسطه هیئت توسعه زراعت فرار امر حضور والا حضرت شرکت شمالی با شتر اک حکومت شرکتی بنام شرکت پخته تاسیس گردید و در آخر سنه مذکور از نقطه

نظر سرعت و ایجابات اداری شرکت پخته و شرکت شمالی ضم گردیده و سرمایه حکومت و ایس تادیه گردید.

۴ : - در اول امر از یک طرف بواسطه نداشتن تجربه و وسائل تغذیکی و کارخانه و گدام و اشخاص فنی واژمه مشکلت نبودن بازار فروش پخته افغانی در خارج امور شرکت به مشکلات برخورده و تا اندازه سدراء واقع شد چنانچه یک حصه پخته بواسطه نبودن گدام و کارخانه های پنهان پاک کن و تیل کشی و صابون سازی تلف و خراب و تغذیه ۶ هزار آنده پخته شرکت در همان سال به سرحدات معطل و از فروش ماند و از این رهگذر خساره های بزرگی را شرکت متوجه گردید . وهم دهافین در شروع به عملی شدن این نظریه وزرع پنهان شایق نبوده و به آن بلدیت نداشتند تا اینکه رفتار فته با امداد های قیمت داریکه از طرف والاحضرت اشرف و جلال الدین آبان رئیس صاحب تنظیمی و شیر محمد خان نائب الحکومه مرحوم و نائب الحکومه صاحب من ازو توحید مساعی قیمت دار رئیس صاحب مستقل زراعت و همکاران محترم آن شرکت اتحادیه شمالی به معاونت بالک ملی تو انت موافع را از بین برداشته شروع به توسعه زراعت پخته و صنایع متعلقة آن بقرار تفصیلات ذیل نماید .

الف : - تا چهار سال اول ۱۴ میلادی به دانه از خارج و داخل ببلغ ۱۸ هزار افغانی تهیه و مجاناً بدھافین تسلیم گردید .

ب : ۱۴ مرکز درولايات خان آباد و مزار شریف تأسیس و تعمیر شد و گد امها نیکه امر و ز شرکت پخته تعمیر نموده موجود است و برای حفاظت ۷۰ لک سیر پخته کفايت میکند .

ج : این گدامها عبارتست از ۱۰ گدام در قندوز و سه گدام در خانه آباد و چهار گدام در بغلان و ۹ گدام در تالقان و ۶ گدام در خواجه غار و ۱۲ گدام در حضرت امام و ۴ گدام در قلعه ذال و ۶ گدام در مزار شریف .

د : ۵ کارخانه پنهان پاک کردن درولايت خان آباد و ۴ درولايت مزارداری ۲۵ پایه ماشین و ۴ لیترو ۳ پرس پدرو لیک و ۵ پرس میخانیکی و ۹ دیزل و ۶ تراکتور و یک کارخانه برق آبی و کارخانه دیزل میباشد تاسیس نمود و منجمله ۲ پرس تیل کشی چالان و ۷ پرس دیگر و ماشین های آن وارد و تعمیرات آن شروع شده است که تا اوائل سال آینده جاری و بکار خواهد افتاد . کارخانه برای پنهان پاک کردن هم جدید فرمایش داده شده کارخانه فلت تیل که جهت خوارکه (قرار حفظ الصحه تهیه میدارد) در نظر است خریداری نماید .

ه : کارخانه صابون سازی فعلاً بصورت دستی کار کرده و وزانه ۹۰۰ قالب صابون که عبارت از ۱۸ هزار کلچه شود تولید میگردد ماشین های کارخانه جدید صابون سازی که بصورت میخانیکی از و کار گرفته شود وارد شده عمارت آن تحت تعمیر است .

و : حاضر آ مشکلات مهم شرکت پخته باستثنای راه (حمل و نقل) همه رفع گردیده و سرمایه

شروع شرکت بالغ بر ۷ کرور افغانی می‌شود و در ۱۲ ماهه کندشه توائمه اند که ۶۲ مایون افغانی را پخته به خارج فروخته و سناک (ذخیره) اسعار مملکت را تقویت داده و هم‌تمدادر ۱۲۵ و ۸۰ هزار کلچه صابون و مقدار دو هزار و سه صد و پنجا و سه تن کنگاره حاصل نماید.

ز : شرکت پخته از یک صرف به تعمیر عمارات و توسعه کارخانه‌ها او شیده و از حرف دیگر سعی دارد که در مراکز مریبوطات خود وسائل آبادی و عمرانات و بازارها و مساجد و حمام‌های عصری و توریات شهر و تکثیر اشجار و جنگلات را فراهم نماید تا راحت اهالی و آبادی مملکت که منظور عالی حکومت است حاصل گردد.

و نیز برای استراحت و رفاه مامورین و عمله کاریکرها نقشه‌های وسیعی طرح گردیده و به میان آن از قبیل ساختمان خانه‌های عصری و تجهیز زمین زراعی و باغ برای رفع احتیاج زندگانی و تقویه معیشت و اسباب استراحت آنها شروع و همیشه صرف مساعی می‌گردد.

در همین موقعیکه والا حضرت افخم صدر اعظم صاحب و ساکر مد عوین مراسم افتتاحیه فابریکه قندبلان تشریف فرمای بغلان شده بودند از حرف ریاست شرکت نساجی را پور مصلی از کار روانی های شرکت مذکور بحضور شان قرائت گردید که مبنای بر اهمیتکه را پور مذکور نداشت عیناً درین جادرج مینایم :

### راپورت مختصری شرکت نساجی پل خمری

۱- در سال ۱۳۱۵ حسب‌هدایت حضور والا حضرت، با اساس پیشنهاد بالات ملی و تصویب مجلس عالی وزرا به تأسیس شرکت نساجی اقدام و در اوخر سال مذکور بنیاد تشکیلات و تعمیرات مبادی آن به شالوده عملى ریخته شد. از آغاز ۱۳۱۸ کار بند برق و سسی امور تعمیراتی و بنیاد کارخانه نساجی وغیره تعمیرات شروع گردید.

۲- کارهای ساختمان کارخانه نساجی و بند برق در سال ۱۳۱۸ تکمیل شده و امور بسته کاری آن همانیز در ظرف همان سال آغاز گردید که اگر محاربه اروپامانع ورود بعضی حصص ماشین‌ها و بسته کاران نمی‌گردید یقین بود در ماه میزان امسال کارخانه نساجی بجزیان می‌افتاد ولی بنابر عوا مل فوق جزیان آن به تأخیر افتاده ولی معذالت امید داریم که تا ماه شور سال ۱۳۲۰ جزیان کارخانه صورت خواهد گرفت.

۳- مجموع مبالغی که تا امروز باین مؤسسه در بیان خمری صرف گردیده بالغ است بر ۲ کرور و ۶۷ لک و ۱۲ هزار و ۹۰۵ افغانی از جمله مبلغ فوق یک کرور و ۹۱ لک و ۴۹۱۸ افغانی مصرف نخربند نه کرایه ویمه و بسته کاری تمام ماشین‌ها ۷۶ لک و ۸۴۵۷ افغانی مصرف ساختمان بندو کارخانه برق و کارخانه نساجی و کارخانه ترمیم و عمارت سب سنتین

و تانک آب کارخانه نساجی و دیگر ملحقات آن و خاکشی های لازمه تحویل خانه ها و بخارخانه های عاریتی و معاشرات مأمورین و مستخدمین، همچنین علاوه بر امور فوق ساختما نهای ذیل هم از همان پول انجام گردیده است :

الف: ساختمان ۷۶ کوتی و عمرتهاي کلان بصورت تمام .

ب: ساختمان ۳۱ کوتی خورد که به پوشش رسیده

ج: ساختمان ۲۵ کوتی که فعلاً به کر سی رسیده .

د: ساختمان سیل برها و دوپایه پل کانکرت روی سیل برها و دو پل پخته کاری روی دونه ر

۴: ساختمان ۲۲ داش خشت پزی وطنی و بک داش عصری تمام این تعمیرات و کوتی ها هم بصورت پخته کاری انجام یافته ( تمام این تعمیرات کوتی باستنای عمارت عاریتی در خود بند برق ۵۰۰ طن سمنت و ۱۰۰ طن آهن صرف گردیده که مجموعاً ۱۵۰۰۰ متر مکعب کانکرت با آهن مخلوط به بند برق ۷۰۰۰ متر مکعب به تحت کارخانه و سطح بند صرف گردیده و ۱۲۰۰۰ متر مکعب در سطح فابریکه نساجی بصورت کا نکرت هم صرف گرده شده و با استعراض نمود که شرکت نساجی نه تنها به ساختمان کارخانه و قوه تویله برق اقدام نموده بلکه در موضوعی که خالی از اهالی و مسکونیں بود به ساختمان یک شهر عصری که کامل پخته و دارای ۱۷۰۰ عمارت و تقریباً ۱۰۰۰ دکان و سرکها و پارتها وغیره باشد صرف مساعی نموده البته ملاحظه خواهند فرمود که از ساختمان کارخانه هاتعمیر شهر مذکور در همچه موضوع پر زحمت ترا واقع گردیده .

۵: ساختمان کارخانه نساجی وهمه عمارت ملعقة آن با صول عصری ترین کارخانه های دنیا میباشد که هم امور حفظ الصحة عمله و حرارت درز مستان و برودت داخل کارخانه در تابستان صراغات شده و هم ماشین ها و لوازم تغذیکی آن از بهترین سیستم های عصری انتخاب گردیده است ۶: سطح کارخانه عبارت است از ۱۱۰ در ۱۶۵ متر مربع میشود دستگاه های موجوده مشتمل است بر ۵۰۰ دستگاه بافت و ۵۰۰ دوك نخ تابی با جمیع ماشین و لوازم مربوطه آن علاوه بر آن جهت وسعت دادن فابریکه برای ۲۲۰۰ دستگاه پیش بینی های لازمه قبل اتخاذ گردیده .

۷: حاصل این کارخانه دریک شباروز ( با ۱۶ ساعت کار سالانه ۳۲۰۰۰ توب سان بقیمت ۱۷ میلیون افغانی بوده و مصرف کلیه نقاط افغانستان را از حیث سان کوره تکافو مینماید ) در نظر است که در ظرف ه سال آینده دستگاه های باقت ۳۷۵۰ دستگاه در پل خمری و کابل توسعه داده شود که با انجام این پلان حاصل سالانه آن معادل ۱۱۰ میلیون افغانی تکه باقته خواهد شد مزیداً این کارخانه بعد از اینکه بکار می افتد و در شب روز ۱۶ ساعت کار میکند ۲۰۰۰ نفر عمله را مشغول میدارد و وقتهایکه ما موفق به عملی ساختن پلان ه ساله خود گردیدیم برای ۱۲ هزار عمله کبار تهیه میگردد .

## اتحادیه اطاق‌های تجارت در افغانستان

در سلسله پروگرام‌های ترقی و پیشرفت امور اقتصادی که وزارت جلیله اقتصاد روى دست دارد یکی هم تشکیل « اتحادیه اطاق‌های تجارت در افغانستان » است . بدینهی است تشکیل اتحادیه اطاق‌های تجارت در عقب و یا بعد تشکیل اطاق‌های تجارت ممکن است صورت بگیرد ، تا قبل از حمل امسال معلوم است اطاق‌های تجارت که مقدمه و مبدأ تشکیل اتحادیه اطاق‌های تجارت است در ولایات بوجود نیامده بود ، ضرورت وجود این مؤسسه و تأثیرات مستقیم و بازیکه اطاق تجارت در پیشتر اقتصادیات مملکت داردا بجانب نمود که اطاق‌های تجارت فعلا در مرکز مهمه مملکت تاسیس گردد ، و روی این اصل اطاق‌های تجارت در ولایات هرات ، قندھار ، مزار شریف و اندخوی یکی بعد دیگری تاسیس گردیده و اینکه فعلا موقع آن رسیده است که « اتحادیه اطاق‌های تجارت » که مرکب از نمایندگان اطاق‌های تجارت ولایات و سایر مؤسسات مهم اقتصادی است بوجود آورده شود .

« اتحادیه اطاق‌های تجارت » که بر طبق اوامر صادره وزارت اقتصاد ملی در ۱۵ میزان سال ۱۳۲۱ نخستین اجتماع خود را در کابل انعقاد خواهد نمود روی اصلاح نوافص موجوده اقتصادی بحث خواهند کرد و طرق جدیدی برای پیشرفت اقتصادیات مملکت باز خواهند نمود در کنفرانس‌های بین‌المللی اقتصادی و تجارتی که بعضا در یکی از شهرهای دنیا مهمه دنیا انعقاد یافته و از افغانستان نیز دعوت به عمل می‌آید این مؤسسه توسط اعزام یک و یا چند نفر از اعضای خود نمایندگی خواهد کرد ، وهم چنین در سایر امور اقتصادی همواره بالاطاق‌های تجارت مملکت همکاری و تشریک مساعی خواهند ورزید .

موسسه « اتحادیه اطاق‌های تجارت » پس از انعقاد نخستین جلسه خود در کابل ، بعد هر یک و یادو سال با انعقاد جلسات دیگر در یکی از شهرهای مهمه تجارتی افغانستان ادامه داده در کایه اوضاع اقتصادیات مملکت از روی رایورت هاییکه توسط اطاق‌های تجارت محلی تنظیم خواهد گردیدند فیق و مطالعه خواهند نمود . و بعد نظریات اصلاح خواهانه خود شان را باتفاق آرای بوزارت اقتصاد ملی تقدیم خواهند داشت که به اجرای اهدایی اتحادیه مذکور همواره در کابل ماه یک مرتبه و لزوماً چندبار اجتماع خواهند کرد ، اعضای این اتحادیه نعلاً از بین مؤسسات ذیل انتخاب می‌شود .

- ۱- اطاق تجارت کابل ۸ نفر
- ۲- « مزار شریف ۴
- ۳- « قندھار ۴
- ۴- « هرات ۴

- |                         |   |
|-------------------------|---|
| ۵- اضافهای تجارت اندخوی | ۴ |
| ۶- با فک ملی افغان      | ۲ |
| ۷- داففا نستان بانک     | ۲ |
| ۸- شرکت نساجی           | ۲ |
| ۹- شعبه عمومی حمل و نقل | ۱ |
| ۱۰- شرکت فنیدسازی       | ۲ |
| ۱۱- معادن               | ۱ |
| ۱۲- فابریکات و صنایع    | ۱ |
| ۱۳- فواید عامه          | ۱ |

۱۴- از سایر شرکت های تجارت یک یک نفر

نمایندگان موسسات فوق که مجموعاً اتحادیه اطاق های تجارت افغانستان را تشکیل می نمایند طبیعی است که از جمله اشخاص برگزیده موسسات مذکور که از هر حیث دارای صلاحیت درآمود مذکوره باشند انتخاب و معروفی خواهند شد.

## شرکت پیشتوان

از نقطه نظر اقتصاد ملی و احراز تمامیت واستقلال اقتصادی بهترین و برجسته ترین خدمت رادر اقتصادیات یک مملکت تجار و شرکت های انجام میدهند که مرادو پیداوار مملکت را در داخل وطن به اشیا و امتعه مصنوع مبدل و مورد استفاده افراد داخل و خارج قرار دهند در دنیای امروز هر مملکت سعی دارند تا حدیکه امکان دارد مواد ایندیشه رادر داخل مملکت خود مصنوع گردانند زیرا ازین عمل میتوان چندین فائدہ حاصل کرد که اینک به نسبی ازان فواید در ذیل اشاره می شود :

- ۱- در صورتیکه مراد ابتدائیه در داخل مملکت مصنوع کردد ضبطاً در فابریکه هنر کور یک عدد افراد داخلی مشغول کار باشد و باین صورت از یک طرف قوای عضلی و طبیعی افراد بکار افتاده ازان ها استفاده می شود و از طرف دیگر مردم بی کار کار پیدا میکند.
- ۲- در مملکتی که دستگاهی صنعتی بکار یافتد کار گر ان آن بالمره بتریه تکمیکی و مدنی مهارت پیدا کرده به حیات معاصر و زندگانی عصری آشنایی شوند و باین وسیله مدنیت روز بروز پیش میرود.
- ۳- همان مواد ایندیشه که با رزانی بخارج قدر و خود می شود و دوباره خارجی ها امتعه مصنوع آن را به قیمت گرانی به مملکت میر و شنند در داخل بکارسته برد و شده از خروج بول مملکت بخارج جلو کبری می شود و در اوقات جنگ و بحران :

۴ : در صورتیکه در داخل مملکت دستگاهای صنعتی موجود باشد مایحتاج داخلی در خود مملکت اعمال گردیده از قلم واردات کاسته شده بر صادرات افزود می شود . این ها رؤس مالکی است که از صنایع وطنی انتظار برده می شود و تجارت و شرکت هاییکه در مملکت صنعت را وارد کنند در حقیقت در راهای فوق الذ کر به مملکت خدمت مینمایند . شرکت پیشون که به همت شاغلی محمد موسی خان در قندهار تا سیس و بکار شروع کرده از مدتی است که نصب العین خود اعمال مواد ابتدائیه مملکت را قرار داده از میوه باب داخلی اقسام شرینی ها ، انواع شربت ها ، مرباها و کاسرودها ساخته و چند سال است که در بهترین و مجلل ترین دعوت ها از رات شرکت پیشون رامی بینیم و میتوان گفت که شرکت مشارک ایها با اینکه تا هنوز در کار خود ابتدائی وجود نداشت درین راه یعنی تأمین حوانج داخلی بوسیله اعمال لوازم فوق الذ کر خدمت بزرگی نموده و ماشین های مفید و کار آمد را از خارج وارد ، و درست غربی شهر قندهار فابریکه بزرگی را تعمیر و بکار انداخته ، که این اقدام تاجر فعال و وطن خواه ، در زمینه خود بی نظیر است .

قراریکه اطلاع گرفته ایم شرکت پیشون عنقریب موفقی خواهد شد مصنوعات خود را بخارج اصدار و در بازار های بین المللی مصنوعات میوه باب افغانستان را هم مثل بعضی امتعه بی نظیر دیگر افغانستان عرضه دارد .

شرکت پیشون تا اکنون موفقی شده است اشیای ذیل را از میوه های مملکت اعمال و در بازار های داخلی به قیمت ارزان عرضه دارد :

#### اقسام شرینی

۱ : - مکس خردی ساده و ابریشمی

۲ : - گل دسته ساده و ابریشمی

۳ : - خربزه

۴ : - ستنه « »

۵ : - نمونه طوطا « »

۶ : - آونه کودان « »

۷ : - پیره مت تلخ سفید سه کنجه و چه و مدور

۸ : - خوش بودار « » ساده و ابریشمی

۹ : - امرت ساده و ابریشمی

۱۰ : - انجر « »

۱۱ : - نقل بادامی

۱۲ : - نقل گول

۱۳ : - جب جیت

۱۴ : - مرباء خشک

### اقسام شربت

۱ : - شربت انار

۲ : - « لیمو

۳ : - « نارنج

۴ : - « صندل

۵ : - « کیله

۶ : - « کیوره

۷ : - « راز بری

۸ : - « گلاب

### اقسام مرباء در بوطل شیشهٰ یکپونده

۱ - مربای زردالو

۲ - مربای شفتا لو

۳ - مربای نارنج

۴ - مربای بھی

۵ - مربای آلو بخارا

۶ - مربای الوی گردی گاو

۷ - مربای سیب

اقسام مرباء فوق در قطعی یکپونده و دو پونده نیز ساخته شده .

### اقسام جیلی در بوطل شیشهٰ یکپونده

۱. زردآلو .

۲. شفتا لو .

۳. نارنج .

۴. بھی .

۵. آلو بخارا .

۶. آلو گردی گاو .

## مختصری از ترقیات اقتصادی

۸ سبب .

اقسام جیانی فوق در قطعی یکپونده و دو پونده نیز ساخته شده .

۱ حفظ میوه تازه

۲ « سبب

۳ « ناک

۴ « شفتالو

۵ « زردالو

اقسام فرق در قطعی های نم چهار که حفظ شده است

### اقسام میوه خشک

۱ شندو خانی

۲ کشمش سبز

۳ « سرخ

۴ « سیاه

۵ آب جوش

۶ شکر پاره

۷ انجیر

۸ بادام

۹ منته

اقسام میوه خشک فرق بصورت فنی تصفیه و در قطعی های کاغذی یکپونده و نیم پونده تهیه شده مادرعین اینکه پیش رفت های موجوده شرکت پشتون را تقدیر نموده به بنا غلی محمد موسی خان ازین موقوفیت های شان تبریک میگوئیم و میدوازیم بتوازن زمینه صادرات مصنوعات خود را هم فراهم نموده دامنه خدمات خود را در اصلاح و ترقی اقتصادیات مملکت از دست ندهند. این بود مختصر ترین عرضی که راجع به پیش رفت های اقتصادی مملکت در بعضی از رشته ها به حضور مطالعین محترم ندو دیم والبه مطالعه سطور فوق نشان میدهد که دولت در زمینه اقتصادیات افغانستان درین مدت کم چه خدمات قابل قدری نموده است .

دعا افغانستان ۲۰ حوت ۱۳۱۹

# و قائم مهمه داخلی

۱۳۱۹

بنابراین یار محمد خان «نظامی

سال ۱۳۱۹ ش. که مصادف است با سال (۱۹۴۰) ع برای چامعه بشر یکی از پر شور ترین سالهای بعداز جنگ عمومی (۱۹۱۴) بشمار می رود . البته فارمین محترم بنرائی خبرهای رادیو و نشرات روز نامهای داخلی و خارجی از شرح و قائم اسناد یومیه جهان ملت و مساق خواهند بود . و این جای بسی شکر گذار است که از فضل و صاحم حضرت خدا وند جل جلا و ویات پاک امنیت خواهانه اعلیحضرت همایونی پادشاه محبوب الثواب افغانستان و حسن اجر آلت دولت در مملکت عزیز ما امنیت کاملی حکم فرماید بوده که هیچ قسم حوادث سوء خارجی و یادآمدی که باعث پریشانی و اضطراب اهالی این کشور بوده باشد ، پیش نشده ، اینک در ذیل این سطور خنثی گذار شات و قائم محمد و قابل ذکر این سال را که در جمله اجرآت دوائز رسمی آمده نمیتواند بترتیب تاریخ جهت معلومات خواندنگان محترم این سالنامه اشاعه میدهیم :

## نهال شانی و غرس اشجار

بنابر اهیتیکه اشجار دارد واستفاده هاییکه امر وز از اشجار در اکثری از رشته های زندگانی مینمایند تمام دول دنیا بیوسته سعی میکنند تادر مملکت خود احداث جنگلات و باغات نموده ، از چوب ، میوه ، هوا و سائر مزا یای آن استفاده کنند ، همین است که درین دوره مسعود که امور مملکت از هر جنبه تحت اصلاح و وارسی دقیقی فرار گرفته است باین امر هم عطف توجه مخصوصی نموده شده ، هر سال در اول بهار اعلیحضرت معظم همایونی فرمایی به عنوان ملت عزیز خود اصدر و آنها را متوجه به غرس اشجار میرساند ، همین است که : درماه حمل ۱۳۱۹ نیز مثل سالهای گذشته زمامداری خویش این کشور را بعمل نهال شانی بذریعه اغلات پادشاهی دعوت و توصیه فرمودند .

این فرامین شاهانه که کاملاً جنبه توصیه و شی داشت در ظرف این چند سال تأثیرات خوبی نموده و مردم را متوجه باین امر مهم گردانیده است .

## تئييد معاشات مامورين ملکي و صاحبمنصبان

### نظمي و افراد عسكري

اعلیحضرت پادشاه محظوظ افغانستان که شب و روز در فکر آسوده حالی و رفاهیت ملت عزیز خود میباشد در ابتدای امسال بنابر گرانی و سائل معیشت اراده فرمودند ، تا بر معاش مامورین ملکی و نظامی بقدر قدرت مالی و عوائد مملکت بیغز ایند همان بود که بذریعه فرمانی این اراده شاهانه را عملی و بر معاشات مامورین ملکی و صاحبمنصبان بزرگ و افراد عسکری فیصد ۲۵ و در معاش ضابطان عموماً فیصد پنجاه افرده ، وعلاوه ازین ضابطانیکه شهادتنامه مکتب حریمه را دارا بودند فیماه یکصد افغانی و از کورس عالی فیماه هفتاد افغانی و اشخاصیکه دارای شهادتنامه مسلکی بودند فیماه یکصد و چهل افغانی و کسانیکه دارای شهادتنامه ارکان حرب بودند فیماه چهارصد افغانی بطور امتیاز از حضور اشرف مولکانه برایشان اعطای و مقرر گردید.

پیغمبر

### مجلس ميلاد نبی صلی الله علیه وسلم

بتاريخ روز یکشنبه ۱۲ ماه ربیع الاول که مصادف با روز ميلاد حضرت سرور کائنات یغمبر عظيم الشان ما حضرت محمد مصطفى صلی الله علیه وسلم بود ، ساعت هفتتم صبح در سلامخانه شاهی حسب دستور همه ساله بمناسبت حلول اين روز بزرگ ترتیبات عالي گرفته شده و مجلس بزرگی در آن منعقد و والا حضرتین اشرف صدر اعظم صاحب وزیر صاحب حریمه و باقی وزراء و رؤسا واعضای مجلس عالي اعيان و دارالشورای ملي ، علماء و فضلاي محترم جمعيت العلماء و مامورین عالي رتبه لشکری و کشوری تشریف آورده بعد از مراسم معمول واحوال پرسی مشفقاته که از طرف والا حضرت صدر اعظم صاحب وزیر صاحب حریمه با حاضرین بعمل آمد ، جناب فاضل مولوی یار محمد خان به فرائت احاديث مبارک نبوی از آخر صحیح بخاری شریف که قبلاً ختم شده بود مجلس را آغاز نمودند ، بعد ازان جناب فاضل سیدمشرخان طرازی آیتی چند از فرقان مجید فرائت فرمودند ، در پایان همه داشتمند جلالتمآب صلاح الدینخان رئيس مستقل مطبوعات انصافی مؤثری ایجاد نمودند .

در خاتمه نطق مجلس بدعاي سلامتی وجود مسعود ذات ملوکانه و ترقی و اعتلاء مملکت و سعادت هلت افغانستان و عموم عالم اسلام خاتمه پذيرفت .

## بیست و دومین سال جشن استقلال وطن

امسال بتاریخ ۶ جوزاً بمناسبت بیست و دومین سال جشن استقلال سفرای دول متحا به از ساعت ۱۰ الی ۱۲ و مامورین عالی رتبه الی درجه مدیر از ساعت یک تا ساعت ۶ عصر به قصر شاهی دلکشا رفته و به نسبت حلول این روز بیرون بحضور ذات اشرف هما یونی عرض تبریک خودهارا تقدیم نمودند، و تمام دوائر رسمی و ملی یک روز تعطیل گردید . و در هذالسنه در ماه جوزا بنابر مساعد نبودن هوای کابل حسب تصویب مقامات محترم صلاحیت دار میله های عمومی بهاء سنبله معطل گذاشته شد ، زیرا بهترین موسم کابل از قبیل فوریوا که واعتدال هوای برج سنبله میباشد . در اول برج مذکور حسب مقررات همه ساله بیست و دومین سال استقلال که بهترین یادگار خدمات تاریخی فرزند صالح وزعیم نامدار وطن پرور افغانستان اعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید است ، ما ذند سائیر سالهای ماضی از طرف عموم طبقات ملت و حکومت با کمال احترام و گر مجوشی و تزئینات فوق العاده در مرکز و ولایات و حکومات اعلی و کلان و جوامع ملی پذیرانی واستقبال گرده شد .

جشن استقلال امسال وطن که هفتمنی باراست بدورة زمامداری اعلیحضرت المتكیل علی الله محمد ظاهر شاه تصادف نمود در مرکز (کابل) حسب اداره سنبله ذات اشرف همانی و توجهات والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب باتجیلات خوبی که شایسته همچو روز بزرگ ملی است روز جمعه اول سنبله تابروز چهارشنبه ۶ برج مذکور بالأنواع وسائل تقریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری نمایشات صنایع ، ورزشکاران ، سرودهای ملی ، موزیک عسکری ، جریان رادیو وغیره چیزهای ابسط آور که تفصیل آنها در روزنامهای مرکز نشر واشعه یافته در تمام هناطق جشن آمده و مهیا گردیده بود ، وبروز اول سنبله جهتنطق افتتاحیه ذات اشرف ملوکانه عموم هیئت کماینده و هیئت محترم شورای ملی و اعضا مجلس اعیان و علماء و قضاة و هیئت مامورین کشوری و لشکری و کوردیلوماتیک در سلامخانه شاهی حضور بهر سانیده جشن ۲۲ استقلال وطن به نطق غرایی ذات همایونی افتتاح و با مسرت تمام از جانب عموم طبقات و عرايس تبریکه هیئت شورای ملی و نطق جوابیه ج ، ع ، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب و هیئت کورد یيلو ماتیک مقیم کابل استقبال گردید .



## عنیمت والا حضرت افخم وزیر صاحب حریبه

به سمت جنوبي

ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت وزیر صاحب حریبه بتأثیر روز پنجشنبه ۶ سرطان برای

بازدید بعضی امور بطرف گردیز بمعیت ع، ش سردار اسدالله خان رئیس تفیش اردوی افغانی و ع، ش پیر محمدخان فرقہ مشر حر کت فرمودند، و در عرض راه از طرف عموم آهالی در هر جا پذیرائی میشدند و هکذا در حین ورود در گردیز از طرف صاحبمنصبان عسکری گردیز و جم غیری از اعزمه و معارف و علماء و ملکان احمد زائی و بالا ده گردیز وغیره خوا نین معنی زین اقوام جنو بی و وزیرائی استقبال و پذیرائی شایانی گردیدند، و والا حضرت موصوف با تمام نفری مستقبلین اظهار اطف و مهر بانی و در ضمن قدردانی از احساسات صداقت و فدویت شان بحکومت متبع و صایای قیمتداری راجع به توسعه امور زراعت و معارف که از عوامل اولیه زفاف و آسوده حالی شان میباشد اعطای فرمودند. و بعد از چند روز توقف در گردیز و رسیدگی در امورات آن بتاریخ ۱۴ برج مذکور بسواری موثر جهت ملاحظه سر کها و کوتل سروتی چدران تشریف فرما گردیده و تمام اقوام در یخبل جدران قبله پذیرائی و استقبال والاحضرت مددوح حاضر حاضر گردیده بودند، و از طرف اهالی قریه (دم) منگل که قریب کوتل مذکور واقع است دعویی بمناسبت تشریف آوری والاحضرت شان ترتیب داده شده بود و حضور مددوحی دعوت شان را پذیرفتند بعد از صرف طعام اطفال اهالی مذکور را که بحضور والاحضرت مشرف شده بودند نوازش فرموده، و پس ازان از قریه مذکور حر کت و به ساعت ۶ عصر در عتمان غیل طوطا خپل برای ملاقات اهالی قریه مذکور که باستقبال والاحضرت جمع آمده بودند توقف و با ایشان اظهار تلطیف و شفقت نموده و دعویتی که از طرف اهالی مذکور قسم عصریه ترتیب یافته بود صرف نموده و پس ازان طرف گردیز حر کت و ساعت هفت نیم شام وارد گردیز گردیدند.

و بتاریخ ۱۶ سرطان جهت وارسی امور صابوطة ارگون و ملاحظه تعمیرات آن از گردیز حر کت و ساعت (۱۱) قبل الظهر بعلاوه داری سلطان نیم صابوطة حکومتی مذکور واصل و از طرف مامورین و اهالی واعزه و معارف و علماء و اهالی ارگون که در میدان تعلیمگاه عسکری انتظار ورود والاحضرت از جسیات صمیمانه اهالی مذکور اظهار رضائیت و خورستنی فرموده و تاساعت ۴ بعد از ظهر روز مذکور با اهالی مزبور باشقت و ملاحظت تمام بسر برده و پس جانب ارگون حر کت و ساعت چهار و نیم بمرکز ارگون تشریف فرما گردیده و از طرف جمیع صاحبمنصبان عسکری و مامورین ملکی واعزه و معارف و علماء و اهالی ارگون که در میدان تعلیمگاه عسکری انتظار ورود والاحضرت مددوح رامیکشیدند با تجلیل و احترام تمام وسلامی عسکری و فیرهای توب استقبال گردیدند.

حضور والاحضرت بانهایت شفقت و مهر بانی با مستقبلین ملاقات فرموده و در حین ابراز احساسات صمیمانه حاضرین (کنسبت بحکومت متبع والاحضرت شان تقدیم و اظهار گردید) با قائمگاه شان که در کلوب عسکری ارگون ترتیب و تعیین شد. بود و رو دفتر مودند، و فردای آن عموم ملکان و معززین ارگون که جهت استیحصال شرف ملاقات وزیر صاحب حر بیه آمدند، ایشان را بحضور خویش پذیرفتند

پس از استفسار و تقدیم با آنها ضمانت اوامر وهدایات لازمه راجع برفع حوايج و فراهمي بهبود حالات ايشان بدوابير مربوطه اعطای فرمودند.

والا حضرت مددوح فردای آن از ارگون عازم ( گومل ) گردیده ساعت ۸ به فریه ( مستی خروت ) واصل وباملکان و معاشر زین واهالی قریه مذکور که منتظر استقبال و پذیرائی والا حضرت شان بودند بکمال شفقت احوال پرسی فرموده وضمناً یك حصه از جنگلات جلغوزه کوه قریب قریه مذکور را که یکی از محصولات عمده مملکت عزیز ما بشمار میروند ملا حظه و نسبت بحسن اداره و ترتیبه جنگلات مذکور بهاهالی آنجا توصیه وهدایات لازمه اعطای فرموده و از آنجا تشریف فرمای گومل شدند، در آنجا از طرف منصبداران و افراد عسکری کجهت استقبال و پذیرائی والا حضرت صفت بسته بودند محترمانه استقبال و احترام گردیدند بعد از قبول رسم تنظیم و اظهار مرحمت بالحظه قشله عسکری پرداخته و اظهار رضایت فرمودند و پس از صرف چای عازم ارگون شدند.

در عرض راه ضعام چاشت را در قریه ( سوروبی ) که فعلاً از طرف اهالی ترتیبات گرفته و تهیه شده بود صرف نموده و پس از اوامر وهدایات بامورین مربوطه تشریف فرمای سمت ارگون گردیده ساعت ۷ بعد از ظهر وارد ارگون گردیدند، شب را در ارگون گذشتانده فردای آن باعموم منصبداران عسکری و بامورین ملکی واعزه وخوانین آنجاوداع و خداحافظی نموده بطرف گردیز حرکت و در عرض راه اهالی سر روضه ترتیبات لان چاشت را گرفته بودند، معظم له از برای صرف چاشت وقهه نموده، پس از صرف طعام ساعت ۵ از سر ورده حرکت نموده ساعت ۶ عصر تشریف فرمای گردید گردیدند.

والا حضرت مددوح بتاریخ ۲۰ سرطان ساعت ۹ صبح از گردیر بطرف خوست حرکت نموده و ساعت ۲ روز مذکور به دری خیل جدران موصلت نمودند، اهالی آنجا باستقبال حاضر وضمناً ترتیب یك دعوت مخصوص نیز از طرف اهالی آنجا برایشان گرفته شده بود، والا حضرت دعوت اهالی مذکور را پذیرفته و بعد از صرف طعام بطرف خوست عازم شدند. در امتداد راه حدبحدا از طرف خوانین واعزه واهالی استقبال پرحرارتی میگردیدند، و والا حضرت مددوحی علیحده علیحده بامستقبلین مذکور ابراز لطف و مرحمت میفرمودند و ساعت ۳ بعد از ظهر وارد علافة داری المرة جدران گردیده و در آنجا بیز مراسم استقبال از طرف اهالی و خوانین المرة ایفا شده و طعام یکه از طرف ( زمرک خان ) نایب سالار تهیه شده بود صرف فرموده و پس از ساعتی ملاقات با حاضرین از المرة حرکت و ساعت ۷ و نیم وارد خوست گردیدند، در اینجا استقبال و پذیرائی مددوحی از طرف ع، ش، عبدالقیوم خان فرقه مشروعه منصب اران و افراد عسکری وع، ع محمد سرورخان حاکم کلان خوست و بامورین ملکی و طلب معارف

واهالى و خوانين واعره وعلمای خوست محترمانه بعمل آمده و پس از اظهار احوال پرسی و شفقت بهر يك مستقبلين به عمارت فومندانی خوست که جهت رها يش والا حضرت شان تهيه شده بود تشریف برداشت.

فردای آن تمامی ملکان و معززین خوست و چدران برای ملاقات والا حضرت حاضر و پس از باز يابي و تشرف در ضمن مصاحبه های مشفقاته در اطراف حفظ اتحاد واتفاق واخوت اسلامی که سبب يگانه پيشرفت و ترقی و متضمن هرگونه فلاح و بهبودی است باوشان صحبت و در زمينه مذکور و صایا و تذکرات سودمند و قيمتداری اظهار فرمودند و راجع باينکه منطقه خوست يك سر زمين حاصل خيز و مستعد هرگونه زراعت و محصول مি�باشد هدایات لازمه بايشان اعطای فرمودند و بتاريخ ۲۳ سرطان جهت معاينه قشنه و افراد عسکري و ملا حظه امورات حکومتی جاجي ميدان مربوط حکومت کلان خوست پرداخته و از طرف صاحب منصبان عسکري و مامورين ملکي و اعره و معا ريف و اهالى موضع مذکور محترمانه استقبال و پذيرائى شدند، و شب مذکور در جا جي ميدان تشریف داشتند.

بتاريخ ۲۴ سرطان از جاجي ميدان بفرض ملاحظه امور چمکنى حرکت فرموده و در حوالى ساعت هاي عصر روز مذکور محترمانه وارد چمکنى گرد يده از طرف اعره و معاريف و صاحب منصبان و مامورين ملکي موضع مذکور مراسم استقبال و پذيرائى والا حضرت ممدوح بعمل آمده وجهت رسيدگي بامور مربوطه آنجا دو شب در چمکنى توقف فرمودند و بتاريخ ۲۵ از چمکنى بطرف جاجي حرکت نموده و از طرف اعره و معاريف و مامورين ملکي و صاحب منصبان عسکري پذيرائى شاياني گردیده و روز ۲۶ سرطان در محل گل غندى جاجي تشریف بردا و تمام روز با ما مورين ملکي و نظامي و ابراز شفقت باخوانين ملکان جاجي بسر برده امور متعلقه آنجارا بازرسى و معاينه و مامورين مربوطه اوامر و هدایات لازمه اعطای فرمودند. و شب نيز در محل گل غندى تشریف داشتند، و فرداي آن به على خيل جا جي که حيث مرکزیت جا جي راد اراد تشریف فرما و ساعت ۴ روز وارد على خيل گردیده و از طرف عموم اعره و معاريف و ما مورين ملکي و صاحب منصبان نظامي و افراد عسکري با تعجیل و احترام تمام مراسم پذيرائى والا حضرت بعمل آمده و دوشب رادر موضع مذکور گذشتانده وبه امور مربوطه و اعطای هدایات لازمه بمامورين آنجا پرداختند.

ساعت ۱۰ روز يك‌نبه ۳۰ سرطان در حينيکه جم غيري از طبقات مامورين واهالى برای وداع و مشاريع والا حضرت حاضر شده بودند، با حاضرین وداع نموده وبه سمت گردیده حرکت نمودند در عرض راه از طرف اعره واهالى اقوام منگل و ميرز که وظوظا خيل و احمد زائي حد بعد پذيرائى واستقبال ميگرديند و ساعت ۸ شام وارد گرديشدند، فرداي آن طرف کابل

حرکت فرموده بعدها پذیرائی مجلنی که از طرف رجال برگشت در کابل از ایشان بعمل آمد  
جهت استحصال مشرف حضور اعلیحضرت همایونی به یغمان تشریف برداشت.



## تشریف فارغ التحصیلان دارالعلوم عربیه

بحضور ذات اشرف ملوکانه

روز ۱۶ سرطان عده از طلاب فارغ التحصیلان دارالعلوم عربی بهمعیت رئیس دارالعلوم  
وسایر مدرسین مدرسه مذکور به قصر صیفیه در بالاباغ یغمان شرف باریابی حضور اشرف ملوکانه  
را حاصل و مورد الطاف و نوازش ذات همایونی واقع گردیدند، واز حضور قرین الشرف ذات  
همایونی برای فارغ التحصیلان مذکور علاوه بر خلعت مبلغی بطور انعام تقدی هم اعطای شد.



## انتخاب رئیس شورای مای افغانستان

ع، ج عبدالحدخان و کیل شهر کابل پس از افتتاح دوره چهارم تقاضیه شورای ملی نظر  
پیاس لیاقت و فعالیتی که در دوره ریاست شورا از ایشان بعمل آمده مجدداً در جلسه تاریخی ۱۶ اسد  
سال ۱۳۱۹ با کثریت آرای و کلا بجیث رئیس شورای ملی انتخاب گردیدند.



## اعلیحضرت همایونی در نمايشگاه

درایام جشن استقلال که ما خبر آنرا در صفحات گذشته بعرض قارئین محترم رسانیدیم،  
امثال نیز درایام جشن حسب معمول همه ساله نمونه های صنعتی و تکه های پیادهوار وطن وغیره  
که (نسبت بهمه سال امثال چیز های بهتر و خوبتر) جهت نمایش در منطقه جشن تهیه و در غرفها  
 جداگانه گذاشته شده بود که مشاهده کنندگان یاک ترقی فوق العاده در آن محسوس میشودند.  
ذات اشرف همایونی که توجهه کمالی دریشورفت امور اقتصادی وطن مبذول میفرمایند،  
در روز دوم جشن استقلال در عمارت نمایشگاه تشریف فرما گردیده و عموم غرفه های نشانه ایون  
(نمایشگاه) را از نظر مبارک گذشاندند، درختم معائنه نمایشگاه اعلیحضرت همایونی از مساعی  
عموم اشخاصیکه در ترتیب نمایشگاه شرکت نموده بودند، اظهار مسرت نموده و به ع، ج وزیر اقتصاد  
امر فرمودند که مراتب مسرت ملوکانه را به آنها ابراز دارند و ضمناً ذات اشرف ملوکانه

فرمودند که :

«راه جدید يكه امسال برای نمايشگاه اختيار شده اساسی و صحیح بوده و باید آنرا توسعه داده تکمیل نمود . ذریعه نمايشگاه باید دیده و فهمیده شود که مملکت چه ثروتهاي دارد و چگونه میتوان به اصول باصره ترى ازان استفاده کرد . افراد مملکت باید بنام و طبیعت ازین اشیا قدر دانی کرده و عنوان تقویه بنیه صنایع و اقتصاد ملی آنرا استعمال نمایند ، دولت و ملت دوش بدوش همگر برای عمران مملکت کار کرده درنتیجه ثمر و نتائج آنرا هرسال در اینجا مشاهده کنند » .



## زيارت و نثار گل بر مقبره اعليحضرت

شهيد سعيد

هیئت ورزشکاران هندی که بروز های جشن استقلال وارد کابل شده بودند ، پس از ختم ایام جشن بروز پنجشنبه ۷ سپتامبر ساعت ۲ بمعیت ماوراء عالی رتبه او لمیک افغانی بر یاری مقبره اعليحضرت غازی محمد نادر شاه شهید نور الله مرقده فایز گردیده ، بعد از فرائت یک سوره از سوره های قرآن عظیم الشان و تقديم فاتحه وادعیه به روح آن فقید بزرگوار بر تربت پاک شان اکلیل های گل نثار کردن .



بتاريخ روز چهارشنبه ۲۶ میزان بمناسبة هشتمین سالگرہ تاسیس فاکولته طبی از طرف طلبای فاکولته و تمام پروفیسوران فاکولته و دکتوران مرکز پیاس حق شناصی از بانی فقید این مؤسسه عالی اعني اعليحضرت شهید سعيد (رح) بر مزار آن فقید بر رگه اکلیل های گل نهاده شد .



بروز ۱۴ عقرب عالیقدر جلال‌آب ادیب السلطنه سمعی سفیر کبیر دولت علیه ایران بزار اعليحضرت شهید سعيد (رح) رفت و پس از ادائی فاتحه اکلیل گل گذاشتند .



بتاريخ ۱۹ عقرب ساعت دونیم بعد از ظهر یکسته هوا بازان افغانی بزار اعليحضرت شهید رفت و پس از ادائی فاتحه وادعیه اکلیل گل نهادند .

## روز تا سیس دهیمن سال شورای

محترم ملی

روز ۱۸ سپتامبر یکی از روزهای بر جسته و بر افتخار وطن عنیر ما گفته میشود، زیرا درین روز سعد و میمون ملت باعظمت افغانستان در سایه نیات خیر خواهانه و ملت پرورانه پادشاه بزرگ و فقید خویش اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید (رح) به بزرگترین حق مشروع خود که اساس تامین جمله حقوق ملی و دولتی بر آن استوار است نائل و بهر ه مند گردیده، باین مناسبت بر و ز مد کور تمام دوازه ملکتی و مؤسسه ای در سرتاسر کشور تعطیل گرفته و با احترام این روز و ابراز قدر شناسی نسبت به مؤسسه بزرگ این مؤسسه برداختند.



## والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب

در شورای ملی

بتاریخ روز یکشنبه ۷ میزان بمناسبت حلول ایام تعطیل شورای ملی و عزیمت اعضای محترم آن با وطن شان ساعت ده و نیم روز مذکور ج، ع، ج، ۱، ۱، ۱ نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم در ریاست شورای ملی تشریف بردنده، و در جنبیکه ع، ج رئیس شورای ملی واعضاً ریاست محترم آن بفرض وداع بحضور والا حضرت مددوح قیام داشتند نقط مؤثری از طرف والا حضرت در اطراف نظریات بلند حکومت نسبت به ترقی و پیشرفت وامنیت مملکت و بلند بردن سویه عرفانی، اقتصادی، مدنی و همکاری و معاضده که تا کنون از طرف شورا در پیشبرد نظریات اصلاحی حکومت بکار برده شده وبعد از یینهم باید شود ایراد گردید که در حضار تأثیر خوبی بخشیده و مقا بلند عبارات شکریه و حسن عقیدت که ملت نسبت به حکومت غمغوار و هیئت فعال فدا کار دارند بحضور والا حضرت معظم له عرض شده و ساعت (۱۲) مغلل وداعیه بدعاًی حکومت انجام یافت، والا حضرت معاودت فرمودند.



## تشرف و کلامی شورای ملی بحضور اعلیحضرت

شرف همایونی

روز سه شنبه ۹ میزان بمناسبت تعطیل سنوی شورای ملی و عزیمت اعضای آن بمساکن شان ساعت (۱۲) روز مذکور اعضای محترم شورای ملی بفرض حصول مرخصی واستمامع فرمایشات ملو کنانه بمعیت ع، ج عبا لاحظ خان رئیس شورا در قصر دلکشا بحضور اشرف

ملوکانه پذير فته شدند، والا حضرت صدر اعظم صاحب وبعضاً اراکين دولت نيز اجتماع نموده، انتظار شرف ورود ملوکانه را می‌گشيدند، درين حين ذات شوكتسماء همايونى تشریف آورده، احترامات حاضرين را قبول و پس از اظهار لطف و شفقت باعضاً محترم شورا و فرار گرفتن بکر سی سلطنتی بحضورين اجازه جلوس اعطای و پیک سلسه فرما يشات و نصائح و ارشاداتی که میخواستند ذريعة نمایند گمان ملت بملت شاهانه ابلاغ گرد آغاز فرمودند، واز کمال همراهی و معاضدتیکه از ضرف عموم ملت وبالخاصة نمایند گمان شان به نظر ييات نیك و بهيجوهانه حکومت بعمل آمد مراتب رضائیت و خوشی شاهانه را اظهار و در خاتمه آن راجع به تبلیغ مراحم خسروانه بکافه افراد ملت توصیه فرمودند.

بجواب فرمایشات ملوکانه بدوان از ضرف یکي از اعضای محترم شورا معروضه که تمام امہني بدعائگونی ذات همايونى و خلوص و عقیده ملت بنظر ييات بلند و بهيجوهانه شاهانه و امتنان از فعالیت هيئت محترم دولت بود عرض و متعاقباً از طرف جع، ج، ا، اشان والا حضرت صدر اعظم صاحب وع، ج عبدالاحد خان رئيس شوراي مای هم معروضانی کتماماً نمایند فرمایشات همايونى بود ايراد واين محفل عاليه ناساعت ۱۲ و نيم ادامه داشت، سپس ذات اشرف همايونى با هيئت محترم شورا وداع و پس از تشریف بری همايونى حاضرين طعام چاشت را در ميز سلطنتی صرف و متعاقباً مرخص گردیدند.

بهم بهم بهم

## بیست و هفتمین سال ميلاد المتكَل على الله

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

روز ۲۲ میزان کروز ميلاد اعاليحضرت پادشاه محبوب افغانستان بوده حسب معمول از ساعت ۱۰ الی ۱۲ قبل از ظهر هيئت کوردييلوماتيك و از ساعت دو و نيم تا سه و نيم بعداز ظهر مامور رين عالي رتبه لشکري و کشوری بعرض امضای کتاب و عرض تبریك روز تولد اعاليحضرت همايونى بهصر دلکشا حضور بهمرسانده بودند.

بهم بهم بهم

## جشن نجات وطن

روز ۲۳ میزان يك روز سعد و ميمون تاريخي و درجه اعيا مللي برای ما ملت محسوب است، زيرا قدر واهیت اين روز فروز به عموم ملت افغانستان مبرهن و ثابت است که: پردهای تاريک افق وطن با نوار خوشختی و سعادت مبدل میگردد، تفاوت و خانه جنگی ازین محیط به نیروی قوي

و تدایر صحیح اخلاف رشید وطن اعنی اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید (رح) واخوان فدا کار شان یکسره ازین محیط رخت بر می بندند .

بنابران ملت قدر شناس افغانستان بیادگار آن روز و خدمات فراموش ناشدنی فرزندان صالح مملکت که روز بزرگ و مسرت باریست یک روز را جشن گرفته و عموم دوازیر رسمی و ملی تعطیل میگیرند، و به سیاستگذاری خدای واحد (ج) و ابراز قدردانی و امتنان منجی وطن اعلیحضرت شهید سعید (رح) می پردازند .

امثال نیز حسب سوابق گذشته تاریخ ۲۳ میزان تمام دو ایر رسمی و ملی چه در مر کن و چه درو لا یات تعطیل گرفته و بانها یت صمیمت و احترام ادعیه خالصانه خود ها بر روح بر فتوح حوصل استقلال و نجات بخشای افغانستان تقدیم داشته و سعادت دائمی مملکت خود ها را بر سایه پادشاه جوان خویش و ترقی افغانستان از درگاه حضرت احادیث مسئلت نمودند .

پنجه پنجه پنجه

### استقبال از عید ین

اعیاد مذهبی دین مقدس اسلام کعبارت از عید رمضان و عید سعید اضحی باشد از طرف ملت و حکومت بکمال مسرت و نهایت گرمجوسی پذیرائی گردید :

در هر دو عید ذات اشرف همایونی در سلامخانه شاهی برای شنیدن عرض تبریک طبقات ملت شاهانه و اجرای مراسم عید مبارکی بالذات حضور آورده ، در ضمن نطقهای موثری از عیدین استقبال میفرمودند .

و نیز حسب معمول همه ساله فرامین تبریکیه عید از حضور ذات اشرف ملوکانه بنام عموم نایب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان و صاحب منصبان عسکری وغیره اعظم ملت شرف اصدار یافته که سواد آنها را فارین محترم در موقعیت در جراید وطن عزیز خوانده خواهد بود .

پنجه پنجه پنجه

### تشریف فرمائی والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب

برای ملاحظه جای موسسه جدا

برای تاسیس و تعمیر شفاخانه و جای رهایش جذامی ها با مر مقام منیع صدارت عظمی از طرف مدیریت عمومی املاک قطعه زمینی در حدود سرخ آب لوگر تخصیص و خریداری آن زیر نظر گرفته شده بود .

بتاریخ روز یکشنبه ۲۴ سپتامبر ساعت ۸ صبح جمعه ، ج ، ۱۰۱ نشان والا حضرت سردار

محمد هاشم خان صدر اعظم بمعیت ع، ج مرزا محمد خان وزیر مالیه و عزتمند بای رفقی کامل مشاور وزارت صحیه بفرض معاینه موضوعیکه درای تاسیس موسمه مذکور پیش یینی شده بود تشریف برده موضع مذکور را معاینه و پسند و پس ازان ساعت ۱۲ بمرکز معاودت فرمودند.

\* \* \*

## عزیمت و معاودت والا حضرت اشرف سردار محمد هاشم خان

### صدر اعظم

بتاریخ روز دوشنبه ۲۰ عقرب ج، ع، ج، ۱، ۱، نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم با یک هیئت بزرگی که مرکب از یک عدد وزرا و مامورین عالی رتبه که از طرف وزارت اقتصاد ملی برای شمول در مراسم افتتاح فابریکه قند و شکر دعوت شده بودند ساعت ۷ روز مذکور از کابل حرکت و با ساعت ۹ قبل از ظهر به چهارینکار وارد، واژ طرف مامورین ملکی و اعزمه معارف چهارینکار که انتظار تشریف آوری والا حضرت مددوح را داشتند بکمال احترام استقبال گردیدند.

والا حضرت بعد از تقدیمهای بازی با مستقبلین وداع نموده بسم مطلوب حرکت و در دوآب میخ زرین تشریف فرموده و شب در هوتل دوآب با هیئتکه شرف معیت والا حضرت را داشتند توقف فرمودند.

فردا ساعت ۸ صبح پس از صرف ناشتاوار هونل دوآب حرکت فرموده و در عرض راه جهت معائنه ذغال آش پشته که بمسافه یک کیلومتر میل طرف چپ سرک کابل و خان آباد واقع است تشریف برده و معدن ذغال را مفصلًا معائنه فرمودند.

معائنه معدن ذغال و قسمت‌های مختلفه آن یک ساعت کامل وقت گرفته و درختم آن والا حضرت اشرف برای عمله موظف بکار معدن مبلغی بصورت بخشش عطا فرمودند، سپس والا حضرت افخم از طرف یک قطعه عسکری استقبال گردیده و در حدود بازار دوشی اعزمه و معارف دوشی و طلبہ مکتب باحاکم محلی که در هر دو صرفه سرک صف بسته بودند پذیرائی والا حضرت با نهایت گرجو شی و حرارت بعمل آمد، والا حضرت اشرف بعداز تو قف مختصر و تقدیم مستقبلین مجدد آخر کت فرموده و در زرد یک پال خمری ع، ج، ۱، انشان محمد گل خان وع، ج امر عالی نشان عبدالجید خان وزیر اقتصاد ملی با استقبال والا حضرت افخم برداشتند، والا حضرت معظم له و ذوات معیتی شان پس از بذیرائی اهالی و اعزمه پال خمری بعمارت معینه شان تشریف فرمادند، والا حضرت شب چهارشنبه روز چهارشنبه و شب پنجشنبه رادر پال خمری تشریف داشته عمرانات و سایر موسمات صنعتی آنجارا قرار از دیل معائنه فرمودند.

۱ : - ساعت (۱۱) روز ۲۲ عقرب والاحضرت مددوح باهیئت معیتی شان برای معاینه فابریکه نساجی تشریف برداشت، قبل از معاونه در تالار اول فابریکه کفیل ریاست نساجی نسبت به تشریف آوری والاحضرت اظهار تشکر نموده سپس راجع به بنا، و مصارف و عملیات فابریکه دیانتانی بعرض رسانیدند والاحضرت معظم له از عمله فابریکه وع، و ج وزیر اقتصاد ملی اظهار خوشنودی و رضائیت فرموده وع، و ج لمر عالی نشان و زیرا قاصد مملی از طرف هیئت فابریکه از نوازش والطاف والاحضرت افخم تشکر و توفيق مزید خدمت استد عازمودند.

بعد ازان والاحضرت اشرف بر هنمايی کفیل نساجی تمام عمارت را منصلاً معاینه و بازدید فرمودند و در هر موقع راجع بعاشین ها اصول کار و غیره امور مربوطه تفصیلاتی میخواستند که بحضور شان عرض می شد، معاونه فابریکه مذکور تقریباً یکسینم ساعت دوام کرد و بعد ازان حضور والاحضرت از حسن اجرآت و عملیات فنی، عمرانی و اداری اظهار خوشنودی فرموده به اقامتگاه خویش تشریف برداشت.

۲ : - ساعت (۳) بعد از ظهر والاحضرت و هیئت معیتی شان برای معاینه بند و فابریکه بر ق که بذات خود یک کارگاه مهم و یک عمل صنعتی قابل توجهی شمرده میشود تشریف برداشت در اینجا نیز والاحضرت همه قسمت امور را بدقت و توجه کامل معاینه فرموده و پس از گرفتن جوابهای رضائیت بخش در برای سوالات خود با اقامتگاه خویش تشریف فرماده گردیدند.

بناریخت ۲۳ عقرب والاحضرت مددوح ساعت (۱۰ و نیم) از پل خمری حرکت نموده و ساعت (۴ و نیم) وارد فندز و از طرف مأمورین و اهالی و عسکری و طلاب معارف با کمال احترام پذیرائی و استقبال گردیدند و علاوه از طرف طلاب معارف خصاً به خبر متدهای ارشد والاحضرت به نوازش و شفقت جواب گفتند، بعد ازان والاحضرت بمعارتی کباری توافق شان تعین شده بود تشریف فرماده گردیدند شب رادر قندز گذشتندند، فردا به ملاحظه فابریکه هاو سایر موسسه های اقتصادی و فورم زراعتی و عمرانیات فندوز پرداختند.

جلانمآب میر محمد یوسف خان رئیس مستقل زراعت وس، غلام صدیق خان مدیر فارم و متخصصین فارم جهت عرض تو ضیحات لازمه، بمعیت والاحضرت حاضر بودند، والاحضرت معظم تمام مزروعات را از قسم درخت های جنگلی و حاصلدار و بته های تریزی و سبزیجات که برای نمونه زرع شده بود هر یک را ملاحظه فرموده در خاتمه از حسن اجرآت ریاست زراعت و عملیات متخصصین اظهار رضامندی نمودند و به متخصصین مذکور مبلغی بطور انعام اعطای فرمودند و ساعت ۳ بمعیت هیئت همراه کاب خود فابریکه های شرکت پخته رامعاینه و جانب عبدالرشید خان رئیس شرکت پخته تفصیلات لازمه را بحضور والاحضرت عرض نمودند، سپس والاحضرت گدامهای پخته، ماشین های فشارو یا ک کردن پخته و دعل بندی و روغن پنهان دانه را معاینه و بعد ازان فابریکه های صابون پزی و تعمیرات جدید شرکت پخته و تعمیر فابریکه اساسی صابون

سازی رانیز معاینه و از حسن اجرا آت و کار روائی مامورین مربوطه و نتائج رضایت بخش فابریکهای مذکور که محاصل اقتصادی خوبی تولید نموده بودند اظهار رضامندی فرمودند.

بروز ۲۵ برج مذکور ساعت (۸ و نیم) صبح بمعیت هیئت معیتی خوش والا حضرت از قندهز بطرف تالقان حرکت نموده و ساعت (۹ و ۵۰ دقیقه در حیات آباد (قرارگاه فرقه عسکری خان آباد) واصل گردیده در مردم تقریباً سه نیم ساعتیکه در آنجا توقف فرمودند، قرارگاه فرقه و عمارت اطراف آنرا معاینه و از مامورین عسکری و ملکی واعزه و معاریف خان آباد که قبل از پرونده استقبال حاضر شده بودند، احوال پرسی و تقدیر فرموده و ساعت (۱۰) از خان آباد حرکت و ساعت (۱۲) روز مذکور بتالقان تشریف فرما گردیدند، در تالقان اعزه و معاریف موضعه مذکور و سایر نقاط وهم چنین مامورین حکومتی و طلاط مکتب و مامورین شرکت پخته جهت شرکت فریابی حضور والا حضرت در مقابل عمارت فابریکه پخته حاضر و صف بسته بودند در موقع ورود والا حضرت بموضع مذکور اولاً از طرف کلیه مستقبلین باجوش و صمیمت فوق العاده بحضور والا حضرت بكمال احترام خیر مقدم عرض و سپس از طرف یک نفر شاگرد مکتب پستانه خیر مقدم معظم له فرایت گردید . در خاتمه آن والا حضرت با مستقبلین باهنایت مهر پانی و تقدیر احوال پرسی فرموده ، پس ازان بعمارت مدیریت فابریکه پنهان شریف برده در طی یک سلسه بیانات نافع و مفید به توزیع انعاماً تیکه از طرف ریاست زراعت برای دها قینیکه در زرع پنهان مطابق یلان زراعتی موافقیت حاصل گرده بودند ، پرداختند و راجع به اهیت زراعت ایراد فرمودند و ساعت ۳ روز مذکور با حاضرین وداع نموده بطرف قندهز حرکت فرمودند و ساعت ۵ شام وارد قندهز گردیدند .

فرداي آن ساعت ۸ صبح جهت معاینه امور صنعتی و زراعتی حضرت امام بمعیت ذوات هم رکابی خود از قندهز حرکت نموده و ساعت ۱۲ به حضرت امام واصل شدند، اعزه و مامورین و طلاط مکتب ازو الا حضرت پذیرایی واستقبال نموده، والا حضرت پس از صرف طعام انعامات زارعین را که از طرف ریاست زراعت تهیه شده بود به مستحقین آن اعطای و درین موقع نسبت باهیت زراعت و تأثیجیکه برای خود دهاقین و همچنین برای اقتصادیات مملکت دارد ای شادانی فرمودند .

سپس والا حضرت مددوح فابریکه پخته را با عمر افات جدید آن ملاحظه و ساعت ۲ بطرف قندهز حرکت و ساعت ۵ وارد قندهز گردیدند، و بروز ۲۷ عقرب اعزه و معاریف خان آباد و دیگر حصص ولايت قطعن بفرض شرکت فریابی حضور والا حضرت مددوح در عمارت رهایش گاه شان حاضر و چاشت روز مذکور همان والا حضرت بوده بعد از صرف طعام با والا حضرت و شنیدن و صایای سودمند از حضور ایشان منحصر گردیدند .

ساعت ۲ بعداز ظهر همین روز والا حضرت معظم له باذوات همکار کا بی شان بر ای توزیع انعامات به زار عینیکه در کار زمینداری خود زحمت کشیده و حاصلات زیاد تری بر داشته بودند، واژ طرف ریاست زراعت انعامات برای زارعین مذکور تعین شده بود، بumarat شرکت پخته تشریف برده، واژ طرف رئیس زراعت لیست اسمای زارعین مستحق انعام فرائت گردیده وحضور والا حضرت بهریک آن شخصاً انعامات را اعطای فرمودند، وبروز ۲۸ ساعت ۸ صبح باهیئت معیتی خویش از فندز حرکت و چاشت را در بغلان بریاست تنظیمه صرف فرموده و باعث ۳ بعداز ظهر به پل خمری وارد شدند. وبتاریخ ۲۹ ساعت ( ۱۰ ) از پل خمری باهیئت معیتی خویش والا حضرت جانب بغلان حرکت فرموده، بااعزه و معاریف بغلان و دیگر حصص که جهت شر فیابی حاضر شده بودند ملاقات و چاشت را همراهی فریمد کور بجای ع، ج، ا، انشان رئیس تنظیمه صرف و بعداز ظهر به پل خمری مراجعت فرمودند، وبروز ۳۰ مجدداً والا حضرت اشرف وهیئت معیتی شان به بغلان تشریف فرما گردیده و قابریکه فند بغلان را افتتاح فرمودند که تفصیل آنرا بانطق هاییکه از طرف والا حضرت ع، ج لرعالی نشان وزیر اقتصاد در حین افتتاح فابریکه فرائت گردیده قارئین محترم در موقعش در روز نامهای وطن ملا حظه فرموده خواهند بود و نیز اطلاعات منفصل این موضوع را از ناحیه مسائل اقتصادی به مقاله معنون ( به پیش رفت های اقتصادی افغانستان ) مندرجۀ همین سالنامه کابل مطالعه فرمائید.

## حرکت والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب

### از پل خمری بطرف مزار شریف

ساعت ۸ صبح روز اول قوس والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب باذوا تیکه در سفر قطعن شر فمعیت معظم له را داشتند از پل خمری حرکت و ساعت ( ۱۱ ) به ایک و ساعت ( ۱۲ ) به تاشقرغان و اصل گردیدند. در ایک از طرف مامورین واعزه و معاریف با نهایت گر مجوشی واحترام استقبال گردیدند وحضور والا حضرت با آنها با ملاحظت و شفقت احوال پرسی فرمودند. در تاشقرغان و، ج گل احمدخان نایب الحکومه وع، ش، الله دادخان فرقه مشرقو ماندان عسکری مزار شریف باستقبال والا حضرت حضور بهر سانده و در مقابل با غجهان نما با جم غیری از اهالی تاشقرغان و طبقات روحا نیون و مشایخ و معاریف شهر از حضور والا حضرت پذیرائی گردند. والا حضرت نان چاشت را در با غجهان نما صرف فرموده بعد از ادادی نماز ظهر ساعت ۲ از تاشقرغان عزیمت و ساعت ۴ و نیم وارد مزار شریف گردیدند.

اها لی مزار، ما مورین و فرقه عسکری و طلاب معارف در با غجهان حضور انتظار ورود والا حضرت رامیکشیدند والا حضرت او لاً باذوات معیتی شان مستقیماً بر وضه شریف وارد و بعداز

ادای فاتحه نماز عصر رانیز در داخل روضه ادا و سپس بسواری موتر به باع حضور تشریف فرما گردیدند در اینجا استقبال والا حضرت از طرف عموم هیئت که حاضر بودند با گروجوشی زیادی اجرا شده مراسم احترام ذریعه موزیک عسکری بعمل آمد ، والا حضرت اشرف بعد از قبول سلام حاضرین با آنها به تقدیر و مهر بانی پرداخته در مقابل صاف عسکری تشریف برده و پس ازان در صفة که مشرف به صوف مستقبلین بود قیام و درینجا دونطق بربان پیشو و فارسی بحضور والا حضرت عرض بعد ازان والا حضرت نقط جوایه مبنی بر تشکر از احساسات نیک وصورت استقبال ما موربی لشکری و کشوری و سایر اهالی مزار شریف ایراد و بعد از پرسش احوال و اظهار تلطیف زیاد پذیرائی کنندگان را مرخص فرمودند .

بروز ۲ قوس ساعت ۲ بعد از ظهر والا حضرت بسواری موتر به فرقه عسکری مزار حركت و باعث دوونیم وارد دهدادی گردیدند ، در میدان مقابل قشله عسکری دهدادی که فرقه عسکری انتظار قدم و الا حضرت رامیکشیدند داخل بسواری اسب در مقابل صوف عساکر تشریف بردنده رسم سلام بقمانده ع ، ش الله داد خان فرقه مشر ایفا و سپس والا حضرت تمام صوف عساکر رامعاینه فرمودند ، پس از ختم رسم گذشت ، والا حضرت ممدوح بمعاینه قشله عسکری و شفاخانه و سایر جاهای دهدادی پرداخته در اخیر در حالیکه تمام ضابطان فرقه عسکری و دیگر عساکر در حضور والا حضرت قیام داشتند ، حضور والا حضرت اشرف در باب عسکریت و وظیفه مهمیکه عسکر در دفاع از شون ملکت و همچنین توجهاتیکه حضور مبارک شاهانه باین صفت جلیل دارند ایراد و در اخیر آن از حسن مجاہدت ع ، ش الله داد خان فرقه مشر و کلیه ضابطان اظهار رضایت فرموده و پس ازان به گلوب عسکری تشریف بردنده ، در گلوب عصریه که از طرف قوماندان عسکری ترتیب یافته بود صرف و باعث ۵ بطرف مزار شریف عودت فرمودند . و فردای آن والا حضرت معظم له باهیئت معیتی شان و الا شان جلاله آب گل احمد خان نایب الحکومه جهت معاینه همراهانات جدید مزار شریف تشریف برده و بعد از آن شفاخانه ملکی را که یکی از مؤسسات تازه مقابل توجه میباشد معاینه و در هر قسمی از طرف مدیر صحیه و دکتوران مربوطه بحضور شان توضیحات عرض می شد ، در اینجا والا حضرت بر علاوه معاینه مفصل قسمت های مختلف شفای خانه و اطاقهای مریضان بستری را نیز ملاحظه و شخصا از هر یک مریض پرسان و به آنها اظهار تقدیر و مهر بانی فرمودند . پس از معاینه شفای خانه ملکی عمارت مکتب رشیده و مجس عمومی را ( که در آنوقت زیر تعمیر بود ) مفصل ملاحظه فرموده و باعث ( ۱۲ ) بیان حضور معاودت فرمودند چون مامورین مزار درین روز از طرف والا حضرت مدعو بودند ، بسلامخانه تشریف برده طعام چاشت بعیت آنها صرف شد ، بعد از صرف طعام والا حضرت نقط خیلی جامع دایر بر مشاهدات

درولایت من از شریف و ترقیاتیکه بهم کاری حکومت و ملت در سنتاوه اخیره درین ولايت حاصل شده ایراد و درختم آن ، اهالی را به توجه و کوشش منید در ترقی دادن امور تجارت ، زراعت معارف ، حفظ الصحة توصیه و هدایت فرمودند .

در پایان نقط والاحضرت معروضه شکریه از صرف و ، ج نایب الحکومه بو کیالت تمام اهالی مزار شریف نسبت باقتحاریکه در اثر سفر والاحضرت به اها لی تفویض شده و توجهاتیکه حکومت متبعه در ترقی و تعالی مملکت دارد ایراد و متعاقباع ، ج المرعالي نشان وزیر اقتصاد ملی نیز بیانات جامعی بتائید فرماشات والاحضرت دادند که خیلی جالب توجه واقع گردید .  
بعدازان والا حضرت برای تماشای تیم های ورزشکاران مکاتب مزار تشریف برده و تا ساعت چهارونیم نمایش مذکور دوام کرد ، پس از اختتام والاحضرت با قائمگاه خویش معاودت فرمودند .

بروز ۴ قوس ساعت<sup>۹</sup> قبل از ظهر بسواری موترو والاحضرت باهیئت معتبری شان بطرف شهرغان عزیمت و ساعت ( ۹ و ۴۵ ) دقیقه وارد بلخ شدند ، از طرف مامورین واعزه و معاریف و اها لی : نهایت گر مجوشی استقبال گردیدند و در همین موقع رسم سلام با موزیک از طرف توای تشریفات نیز بعمل آمده والا حضرت بعداز قبول سلام حاضرین واحوال پرسی و اظهار اطاف با مستقبلین نیم ساعت در بلخ توقف و جاهای تاریخی را ملاحظه فرموده راجع بحفظت جا های تاریخی بعای کم بلخ و نایب الحکومه هدایات لازمه اعطاء و بد بطرف شهرغان حرکت فرمودند .  
بساعت ۱۲ وارد آفچه شدند ، در آفچه کاریه مامورین واعزه و معاریف و جم غیری از اها لی آفچه که قبل برای استقبال حاضر شده بودند ، ازو والاحضرت بكمال صمیمیت استقبال و والاحضرت معظم نیز با ایشان نوازش فرمودند ، بعداز صرف طعام بساعت یکنینم بسفر خویش ادامه داده و ساعت ۲ و نیم وارد شهرغان گردیدند ، در اینجا از طرف مامورین وطبقات اهالی پذیرائی و استقبال گردیدند ، والا حضرت بعداز قبول احترامات با قائمگاه شان تشریف برده و تمام موسفیدان و کلانشوند گان را بحضور خویش پذیرفت راجع بتر قیاتیکه با شر بجا هدت حکومت و همکاری ملت درین خطه رو داده نقط جامع ایراد فرموده ، پس از ختم نقط والاحضرت از طرف مامور بالدیه شهرغان معروضه خیر مقدم و پس ازان از طرف یکی موسفیدان معروضه مبني بر شکران و مسرت که نسبت به تشریف آوري والاحضرت به اهالی دستدا ده بود بحضور ذات اشرف مددوح ایراد ، و سپس ع ، ج علی محمدخان و زیر امور خارجه ڪے شرف معیت والاحضرت را داشتند ، حسب اجازه بتائید نقط والاحضرت نقطی ایراد و پس از ختم نقطها و ملاقات با حاضرین وداع فرمودند .

فردای آن بعاینه عمارت جدید شهر شهرغان پرداخته بعداز معاينه با قائمگاه خویش عودت

فرمودند پس از مصاحبه و ملاقات بازؤسا و موسفیدان شهر شیر غان بطرف مزار شریف حرکت و بساعت ۱۲ به بلخ مواصلت کردند طعام چاشت را بحکومتی کلان بلخ صرف و بعد از آن برای دیدن اما کن تاریخی بلخ حرکت و بداؤ مزار و مسجد تاریخی خواجه محمد یار پارسرا را که از بزرگان معروف بلخ میباشند زیارت و صفت کاشی کاری های معروف آن خلیلی جالب توجه والا حضرت واعظ گردید، پس ازان بزیارت حضرت شفیق بلخی که از عرفای معروف فرن چهارم هجری میباشند مشرف و بعد از ادای فاتحه بزار حضرت عکاشه که از صحابه کرام حضرت ختم المرسلین هستند مشرف وفاتحه خوانند، بعد از زیارت و معاینه اما کن معتبر که وعمارات تاریخی بلخ میباشند مشرف وفاتحه خوانند، بعد از زیارت و معاینه اما کن معتبر که وعمارات والا حضرت تعین گردیده بود واصل شدند، بعد از کمی توقف موذیم مزار را مفصلان معاینه نموده و پس ازان با قامگاه خوش عودت فرمودند.

روز آینده آن موسفیدان و معززین اندخوی را بحضور خود پذیرفته و بقدر نیم ساعت با ایشان صحبت و بساعت (۲) بعد از ظهر بسواری موتربوضع چشمۀ شفاف شریف برده و در چریان مدت توقف بعضی هدایات به نایب الحکومۀ مزار راجع به تعزیریک بند آب در دریائیکه از نزدیک موضع مذکور میگذرد اعطا و بساعت ۴ با قامگاه شان در مزار شریف عودت فرمودند.

بناریخ ۷ فروردین با عزمه و معارف و مامورین الشکری و کشوری مزار که جهت وداع بیرون باع حضور انتظار ورود والا حضرت رامیکشیدند، خدا حافظی کرده بطرف کابل حرکت فرمودند. ساعت (۱۰) وارد تاشر غان و ساعت (۱۲ و ۵۰) دقیقه وارد ایک گردیده و بساعت ۲ بجذ دا سفر خود ادامه داده بساعت ۵ وارد پل خمری شدند.

از پل خمری بعنوان اهالی و عسا کر مزار و قطعنملگرامات داده، نسبت بقدرتانی و پذیرائی هایکه از طرف او شان در حین ورود و توقف چند روزه والا حضرت بعمل آمد و بود اظهار رضائیت فرمودند.

فرداي آن با مامورین وداع و از حسن اجرا آت شان اظهار خورستنی فرموده عازم کابل گردیدند، و بناریخ (۱۰) فروردین کوت جهت استقبال شان ساعت ۴ و نیم عصر وارد کابل گردیدند، و در حدود حسین کوت جهت استقبال شان ع، ج، ۱، ۱، نشان والا حضرت وزیر صاحب حریه و ع، ش، محمد انور خان نایب سالار و ع، ش، سردار اسد الله خان رئیس تفتیش اردوی افغانستان که با جمعی از صاحب منصبان بزرگ و عالیتر به تشریف برده بودند شرف ملاقات والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب رادر یافته و به معیت شان واپس بکابل معاودت نمودند.

بروز (۱۲) فروردین والا حضرت اشرف بحضور ذات همایونی مشرف شده و عرض احساسات

پر حرارت عمومی اهالی سمت شمال وطن عزیر را با شبکه مامورین لشکری و کشوری آنولایت بحضور ذات اشرف ملوکانه عرض و از ترقیات زراعتی و فلاحتی و تکنیکی و صنعتی و بنای شهرها و عمارت‌ها و کارخانه‌ها وغیره مرا کن اقتصادی آن سر زمین و قدمهای متینیکه برای تامین امنیت و رفاه عموم و ترقی شئون مدنی و اجتماعی وهم از حسن تلقی و همکاری و خوش بینی ملت که بترقیات شئون اقتصادی و عرفانی نشان داده می‌شود ، وهم ازوفا داری و اعتمادیکه نسبت به حکومت از اهالی آن سامان مشاهده شده بود بحضور مبارک ذات اشرف ملوکانه عرض نمودند ..

اعلیحضرت پادشاه محبوب افغانستان که بزرگترین آمال شان ترقی مملکت و آسوده حالی ملت شاهانه شان است ، ازین بیانه والا حضرت اشرف نهایت مسرور شده واز فعالیت هیئت دولت که در رأس آن والا حضرت مددوح فرار دارند ، واز ذوایکه درین حصة خدمات مملکت حسب هدایت و رهنمایی والا حضرت ابراز لیاقت نموده بودند اظهار امتنان فرمودند .



### الطف ذات شاهانه به فقراء

#### ومساکین

اعلیحضرت معظم همایونی پادشاه محبوب و مهربان افغانستان همچنان نیکه در راه تحصیل عوامل ترقی و تعالی مملکت همیشه توجهات شاهانه شانرا مبذول میفرمایند ، درباره فقراء و مساکین ملت هم که اعضای عاجز و ناتوان جمعیت اند از ابدال تعاون و دستگیری درین نیفرمایند ، چنانچه اطلاع‌داریم که حسب سوابق ماضی امسال هم در اوایل ماه جدی یک‌مقدار بول مکفی بمنابع سبت حاول زمستان بریاست بلدیه اعطای وامر فرمودند که درین فقراء و مساکین تو زیع کرده شود .



### عنیمت و معاودت والا حضرت

#### وزیر صاحب حریمه

ع ، ج ، ا ، انشان والا حضرت سردار شاه محمد خان وزیر حریمه بروز دوشنبه ۲۵ فوس از کابل بسم قطعن حركت فرمودند ، فراریکه معلومات داریم در عرض راه وسایر مناطقیکه والا حضرت مددوح تشریف فرمایگردیده اند ، از طرف مامورین لشکری و کشوری و اعزمه و معاریف وطبقات مختلفه ملت بانهایت احترام و تجلیل پذیرائی واستقبال گردیده ، والا حضرت مددوح با عموم مستقبلین تلطیف و مهربانی فرموده اند ، از تقصیل عزیمت والا حضرت موصوف

بسم فقطن و بذیرائیهای مامورین واهالی و مهر با نیهای والا حضرت باوشان فارئین محترم از نشرات روز نامه های مرکز واقفیت داشته خواهند بود .  
والا حضرت غازی پس از توقف و گردش یکماه و چند روز در خان آباد ومناطق مربوطه آن بروز ۳۰ برج جدی ساعت (۶۵۴) دقیقه بعد از ظهر باهیئت معیتی شان مع الخیر وارد کابل گردیدند .

### وفیات

بروز یکشنبه ۲ سرطان آفای محمد امین خان پیلوت پسر جناب غلام محی الدینخان ساعت ده و نیم قبل از ظهر در اثر سقوط طیاره در راه عشق بوظیله جان بجان آفرین سیر (اَنَّ اللَّهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) جنازه آن سر باز افقانی با احترام زیاد و به بهترین صورتی بعمل آمد و بازماندگان آن مرحوم مورد دلجوئی و نوازش حکومت متبع خویش قرار گرفتند .

هکذا در اوائل ماه اسد جناب خلیفه صاحب ملا امیر محمد خان ساکن افغان باشندۀ کار نده کوهه‌مان که شخص منقی و پرهیزگاری بودند و تمام عمر شزیف خویش را بعادت خالق و خدمت خلوق بسر برده بودند اخیراً به عمر ۱۳۵ سالگی وفات نمودند . (اَنَّ اللَّهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

ع، ع، ش، سردار اعلیٰ محمدغوث خان نایب سالار مشاور حربی حضور مولکانه بتاریخ ۲۵ میزان ساعت ۳ بعداز ظهر روز مذکور بر حمت حق بیوستند . (اَنَّ اللَّهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) جنازه آن مر حوم در حالیکه ج، ع، ج، ا، ا نشان والا حضرت اشرف سردار محمدهاشم خان صدراعظم صاحب رتبه لشکری و کشو ری ، اعزه و معاريف شهر حضور داشتند ، بامشایعت یک کشندک پیا ده ، یک بطری توب ، یک تولی سوار و یک تولی ماشیندار ساعت ۱ روز جمعه ۲۶ میزان بسوی مدفن نقلداده شد ، و با احترام و تشریفات زیادی دفن گردیدند .

پس از مراسم تدفین حضور والا حضرت وزیر صاحب حربی سوانح مختصر آن مرحوم را که فسمت عمده آن در راه خدمت بوطن و برای تامین شرف ملی و عسکری گذشته بود تذکار و بروح آن مرحوم فاتحه خوانده و بیازماندگان شان توصیه و شکیبانی فرمودند .

جناب هرزا عبد النبی خان طبیب که از اطباء معروف و مبرز کابل بودند و مدت مديدة عمر گرانایه خویش را در راه خدمات اینای وطن صرف نموده بودند ، اخیراً به عمر ۸۷ سالگی

بتاریخ (۱۱) برج داو بمرض استسقا وفات نمودند . (اَللّٰهُوَانَاَلٰهُرَاجِعُونَ) تشییع جنازه آن مرحوم با احترام زیاد از طرف رجال محترم دولت و معززین شهر کابل تامد فن آبائی شان رسانده و بخاک سپرده شد .



بتاریخ روز یکشنبه ۱۹ حوت ع ، ش ، محمد نعیم خان نایب سالار که قسمت بزرگ عمر عزیز خویش را در خدمت عسکری گذرانیده بودند ، در اثر مریضی طولانی بروز مذکور ساعت (۴۵۵) دقیقه وفات نمودند . (اَللّٰهُوَانَاَلٰهُرَاجِعُونَ) جنازه آن مرحوم بروز دوشنبه ساعت ۱۱ بامشایعت یک کنده عسکری و توپخانه بمناسبت شان برده شد و در آنجا دفن گردید .



ماهم بنوبه خود برای شان از درگاه حضرت احادیث طلب مفترت و برای بازماندگان شان صبر و تسلیت نیاز میکنیم .





بند خروار



بند خر وار : از سدت که آب داخل می شود



بند فرغه : از حصة جنوبی



بند فرغه : از حصة شرقی



بند سراج رخ داخل شدن آب



بند سراج رخ بدرفت آب

# گذشت دنیا

در سال ۱۳۱۹

بناغلی سید قاسم خان «رشتیا»

جنگ بین المللی کدر سال ۱۳۱۸ منحصر به چند نقطه محدود و برخی عملیات نسبتاً مختصری بود، درین سال (۱۳۱۹) ساحة آن وسیعتر گردیده، مملکتی را نیز بمیدان خاک و خون کشانید و در خریطة سیاسی اروپا تغیرات بزرگی را وارد ساخت.

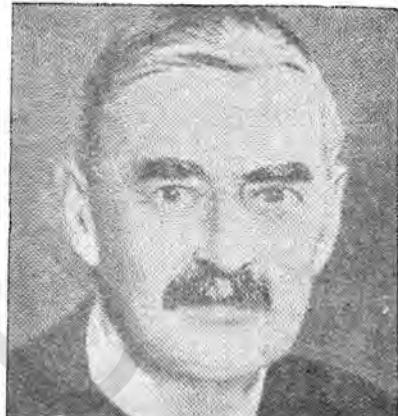
ولی با وجود این از حریفان پر زور این معز که عظیم هیچیک موفق با نجاح دادن نقشه های اصلی و اساسی خود نشده دامنه برادر کشی و خون ریزی کوتاه نگشت. بلکه اینک در طبیعت سال نو (۱۳۲۰) هنوز افق مقدرات عالم بیش از پیش تیره و تار به نظر میرسد و هیچیک عاملی که از روی آن پایان این جنگ فجیع را بتوان بیشینی کرد به نظر نمی رسد. با چنین حال غیر از آنکه برای خاتمه بخشیدن بین سانحه الم انگلیز و منافی تهدیب وار تقای بش، از در گاه خداوند بزرگ (ج) تمنا رحمت کبر بیانی اورا بنمایم وضمناً سوانح مهمه این سال پر آشوب را محض عبرت و باخبری مختصرآ بقلم آوریم عجالتا دیگر کاری نداریم.

شروع سال با تغیر کلی در فیا فه جنگ تصادف نکرده زیرا بعد از اینکه در اخیر حوت نظر به مساعی المان بین شوروی و فنلند مصالحة شده از درآ ویختن دول دیمو کراسی غربی بادولت شوروی که امداد موعد آنها متضمن آن بود، جلوگیری بعمل آمد، طرفین به سوی شبه جزیره سکاندینایا و یا (سویدن، ناروی و دنمارک) عطف توجه نموده، اشغال این اراضی را برای پیشبرد مقاصد تحمله و دفاع خویش خیلی مفید تسلیم کردند همان است که

پس از اعلام حکومت بر طانیه نسبت به نقب گذاری به سواحل ناروی و دنمارک که با احتجاج هردو دولت مذکور مواجه شد حکومت المان این وضعیت را مقدمه اعزام عساکر بر طانیه و فرانسه بطرف مالک مزبور دانسته تاریخ ۲۰ حمل به هردو حکومت (narوی و دنمارک) اولتیماتوم داد تا عساکر اورا اجازه دخول بدهنند و متعاقب آن عساکر المان در ظرف نیم روز دنمارک را اشغال وهم یک عدد بنادر ناروی قابض گردید بالقابل درحالیکه دنمارک وقت دم زدن نیافت اما حکومت ناروی ازانگلستان امداد خواست و قوای بر طانیه و فرانسه به آن طرف سوق

داده شدند . پس از ۲۴ ساعت درحالیکه بنادر بزرگ ناروی از طرف قوای المانی اشغال شده بود ، قوای متعددین در حصن شمال ناروی بنادر نارویک وستاو انجر را استیلا کردند و جنگک درین ناحیه شروع شد . انگلیزها میخواستند مملکت را که عرض آن خیلی تنگ است بدوصه تقسیم کنند اما در ظرف یک هفته قوای متعددین در دره های تنگ کوهستان ناروی از هر طرف با قوای المان مواجه شده مجبوراً بتاريخ ۳ آوری دیگر حصن را تخلیه کرده صرف باشغال نارویک اکتفا نمودند . چنانچه برخی این پس کشیدن عسکر بر طانیه را شکست حریق ندانسته بلکه یک تعییه مخصوص باش ریش یعنی حمام المان بر هالیند و بلژیک قیاس کردند طوریکه واعفات ما بعد این نظریه را تائندازه تصدقی هم کرد . از طرف دیگر در پارامان بر طانیه نسبت به این ناکامی قوای بر طانوی مباحثه شدیدی بعمل آمده روی هم رفته تا امروز از گلیسها عدم جدیت قوماندانی اعلای اینگلیس را مسئول ناکامی این جنگک که شایدر صورت فتح آن فرانسه اصلاً از سقوط نجات می یافت میداند . اما وضعیت بهمین حال نمانده در (۲۰) شور المان به بلژیک و هالیند هم او لیتماً توم داد که وضعیت بطریقی خود را حفظ کرده نمیتواند و بنابر آن المان مجبور است برای تأمین بطریقی آنها مالک مذکور را اشغال کند حکومتین مذکور او لیتماتوم را رد واز فرانسه و انگلیس امداد خواستند . وقوای المان مثل سیل به مالک مذکور هجوم آورد . درینجا بعران سیاسی شدیدی در ممالک دیموکراتی غربی (انگلیس و فرانسه) رخ داد . چمیر لین از صدراعظمی انگلستان مستعفی شد و جرج چل جانشین او گردید و کابینه جدیدی بشمولیت عناصر جوان ضد المان امثال ایدن (حریمه) دف کوپر (مطبوعات) تشکیل داد بلکه روسای احزاب مختلف (کارگران و آزادی خواهان) را هم در کابینه شامل ساخت . متعددین قوای بطرف بلژیک و هالیند اعزام کردند ، اما باز هم قوای آنها به تعداد کافی و بوقت مناسب بسر وقت این دول رسیده نتوانست ، بالمقابل المانها قوای عظیمی را به آن طرف سوق داده ، در اثر چال ترتیبیاً تی که قبل از شده بود ، خطوط استحکامات آلبر در بلژیک را تشکیل میداد کار داده نتوانست وقوای المان ازین موانع سدآب هالیند که مانع بزرگی را تشکیل میداد کار داده نتوانست وقوای المان ازین موانع بدون هیچ اشکالی عبور کرده یک حصه آن در اراضی پست ها لیند وحصه دیگر بست سرحد فرانسه شروع به پیشرفت نمودند . علاوه برین المانها از همان روز اول حمله ، عساکر خود را بذریعه پاراشوت در شهر های بزرگ هالیند مثل امستردام و روتردام پائین کرده جو اسیسیکه قبل از طرف المان دران نواحی گماشته شده بود . بوسائل مختلفه آنها را حمایت میکرد ، طوریکه در ظرف ۳ روز قوای المان نه تنها عساکر هالیندی را کا ملا درهم شکست بلکه پیش از رسیدن عسکر پیاده ، بسا شهر های بزرگ هالیند قبل از تصرف المانها درآمده ،

بروز سوم ملکه هاینده مجبور به تراک خاک هاینده شد (۲۳ تور) و پس فردای آن حکومت نیز از عقب او به لندن رفته چون مقابله امکان نداشت بسیاه هاینده امر تسلیم داده شد. اما ملکیکی ها پیشتر مقاومت نشان مدادند. در حصة مرکزی بازیکت یک خط دفاعی در حال عقب



چمپر لین صدر اعظم سابق انگلستان  
که فوت شد

نشنبنی از استیلای سریع عسکر المان جلوگیری میکرد و چند فراغه عسکر فرانسوی و برطانوی نیز درین محاذ بالجیکی ها امداد می نمودند. لیکن ارکان حرب المان نظر بیک چال ما هر آنده سمت چنگ را بعد از قلعه (لیز) بطرف سرحد فرانسه متوجه ساخته. در امتداد رود (موز) سرراست بر فراز سیدان که آخرین قلعه خط مازینو بشمار می رود، فرود آمدند. اسلحه المان خصوصاً تانکهای نیقین آن که تاینوقت در چشگ های پولیند، وقاروی ابدآ مورد استعمال نیامده دو اثر حریق متعددین ازان یخبار و حتی هیچ پیش بینی برای آن شفوده بودند، وضعیت مدافعين را مشکل ساخته، قواه المان از خلال آخرین استحکامات مازینو منفذی برای خود جستجو کرده، داخل خاک فرانسه شدند. این واقعه بقدرتی غیر متوجه بود که زمام دار ان حریق و سیاسی دول متحارب هرگز احتمال آنرا در نظر نگرفته بودند. نفوذ عسکر المان در خاک فرانسه و عبور آن از بین قلعه های پراگنده که درین قسمت بعجله در خل رف ۸ ها چنگ بفاضله های دور از هم تعمیر شده بود با استعمال تانکهای بزرگی که توپهای فرانسوی آنرا از کار انداخته نمی توانست و کمی تعداد عسکر متعددین به نسبت یکصد و پنجاه فراغه عسکر مجهز

المان و مشکلات تقویه مفرزه های مذکور از سبب قلت و دوری راه ها و فعالیت ستون پنجم (جواسیس) المانی که در تمام دوازه فرانسه ریشه گرفته بودند، وبالآخر سرعت بر ق آسای افواج المانی بقدرتی منویات فرانسویها را خراب ساخت که در هیچیک میدان مقاومت لازمه از طرف قوای متعددین اجر اشده نتوانست و در ظرف یک هفته قوای المان از باک خط باریکی در کنار رود (سوم) پیش رفتند با حال غربی فرانسه رسیدند و بنادر ابی ویل و بوآونی و کالی را بدون کدام اشکال بزرگی فتح کردند و در عین زمان این عسکر

المان نظر یک نقشه ترددستانه فوای متعددین را که در وسط بازیک متفوق مدافعه بودند، بحال محاصره دو چار ساختند زیرا پس از تسلیم ها لیند عسکر المان از شمال بلژیک راه را بر آنها بریده و از جنوب بلژیک در ساحل شما فرانسه هم قوای المان رسیده گویا خط محار به باصطلاح صاحب منصبان المانی شکل نعل را بخود گرفت که خرج آزاد آن صرف بندر دو نکر ک بود درین موقع شاه بلژیک که شخصا



فیادت سیاه خود را بعده داشت

و لهامینه ملکه هالیند

در برابر فشار المان تاب مقاومت تیا و رده، باو جو د اصر ار صاحب منصبان فرانسوی و انگلیسی بلا شرط تسایم شد و بقول جنرال گورت انگلیس خبر را بر پهلوی چپ قوای متعددین فروبرد. این او ضایع اسباب سراسیمه گی شدیدی در مران کن حربی و سیاسی فرانسه و انگلیس شده، جنرال گاملن از قوماندانی عمومی قوای متعددین معزول و جنرال ویگان از قوماندانی قوای متعددین در شرق خواسته و بعوض او منسوب شد. کیا بینه فرانسه هم متر از شده، رینو برای تحکیم موقعيت خویش هارشال پیشان یکی از فاتحین جنگ عمومی گذشتند که بسفارت در مادرید خدمت میکرد، بمعاونی خویش گرفت و ماندل منشی مخصوص زمان حرب عمومی سابق (کلیمانسو) را بوزارت داخله برقرار کرد و دست دلادیه را که مسئولیت اداره کی های

این دوره شناخته میشد کم کم از کار کشید و وزارت دفاع ملی را ازاو گرفته وزارت خارجه را بوی واگذار گرد و بساحکام را امعزول نمود. اما درین وقت سوال بزرگی که مقابل ارکان حرب متحده‌ین عرض اندام پیکر دسته انجات فرانسه بود بلکه متجاوز از هشت فرقه از بهترین عسکر متحده‌ین در دوزخ فلاندر قریب خاصه شدن بوده باستی بیش قیمت بود لا اقل جهت آبروی دولتی دیمو کراسی انجات داده میشدند. همان است که انگلیسها بین کار هفت گماشتند و کشته های جنگی خویش را به محاطه افگانده، از شکنی کوچکی که بد و ضرف دونکرک برای شان باقیمانده بود، و بر حمله فوق التصوری در برای فشار المان محافظه میشدند، قوای خویش را بحال پریشانی در زیر آش توپ، طازره، تارییده، از دونکرک خارج ساختند. این کار نامه را که المانها فرار مسلح نمایند گذارده اند انگلیسها آن را در جمله در خشان ترین عملیات جنی خود میدانند.

بهر کیف قسمت بر رک قوای محصور شده پایینصورت نجات داده شد و پس ازان تمام انتظار متوجه این نکته گردید که آیا المان سرراست از ساحل شمالی فرانسه که کاملاً در صرف او در آمده است، بانگستان هجو خواهد گرد یا اینکه از زود (سوم) گذشته جانب پاریس هارش خواهد نمود. هر دو احتمال برای متحده‌ین خطرناک بود زیرا نه تنها انگلیسها هیچیک آمادگی برای مدافعت از هجوه بزرگ را در جزیره خود نگرفته و بهترین عسکر شان هم در محاذاه کور بحال فلاکت تباشده بود، و حتی بمقابل یائین شمن عسا کر پرا شوت دار المان در اراضی انگلستان هیچیک ترتیباتی را دارا نبود بلکه فرانسه هم فاقد همه کونه وسائل تدافعی مکمل و موثر بوده، صاحب منصبان و حکماء که خیانت و یاغیلت کرده بودند، از کار بر صرف، اسلحه و مهمات خوبی ناییدا، راههاییکه برای سوقیات عسکری قابل استفاده است از شاه گرینان ملود و بالآخره هرج و مرج فجیعی در مملکت مکهفر مایوده، درین حال جنرال ویگان سعی کرد، در آنظر فر رودهای (سوم) و (این) که عسکر المان بسمت دیگر آنها رسیده بود، خط تدافعی ولوهر قدر نامکمل باشد، علی العجاله شکل نماید، روی این منظور در ضرف یک هفتنه که کارزار فلاندر طول کشید اقدامات جدیانه از ضرف، فرانسویها بعمل آمد ولی همین که بتاریخ ۱۴ جوزا عسکر المان با مر قائم خود را بین ضرف هارش کردند و نقشه المان واضح شد که من اراد از فتح پاریس و سقوط دادن



پاریس هارش خواهد نمود. هر دو احتمال برای متحده‌ین خطرناک بود زیرا نه تنها انگلیسها هیچیک آمادگی برای مدافعت از هجوه بزرگ را در جزیره خود نگرفته و بهترین عسکر شان هم در محاذاه کور بحال فلاکت تباشده بود، و حتی بمقابل یائین شمن عسا کر پرا شوت دار المان در اراضی انگلستان هیچیک ترتیباتی را دارا نبود بلکه فرانسه هم فاقد همه کونه وسائل تدافعی مکمل و موثر بوده، صاحب منصبان و حکماء که خیانت و یاغیلت کرده بودند، از کار بر صرف، اسلحه و مهمات خوبی ناییدا، راههاییکه برای سوقیات عسکری قابل استفاده است از شاه گرینان ملود و بالآخره هرج و مرج فجیعی در مملکت مکهفر مایوده، درین حال جنرال ویگان سعی کرد، در آننظر فر رودهای (سوم) و (این) که عسکر المان بسمت دیگر آنها رسیده بود، خط تدافعی ولوهر قدر نامکمل باشد، علی العجاله شکل نماید، روی این منظور در ضرف یک هفتنه که کارزار فلاندر طول کشید اقدامات جدیانه از ضرف، فرانسویها بعمل آمد ولی همین که بتاریخ ۱۴ جوزا عسکر المان با مر قائم خود را بین ضرف هارش کردند و نقشه المان واضح شد که من اراد از فتح پاریس و سقوط دادن

فرانسه است) اگرچه بسا اشخاص حربی و سیاسی امروز غلط بودن این نقشه آلمان را تصدیق و علت حمله کشیدن جنگ همین خبطه از کان حرب آلمان را میدادند) این استحکام خیالی گناری داده توانته آلمانها با آسانی روی رودهای مذکور در پناه طیارات و دودمنهای ذریعه کشته جسر مستند و مقاومت عسکر فرانسه و تشجیعات ویگان دربرابر تفوق اسلحه و عدد ناک و طیاره و بلندی معنویات و انتباط عسکر آلمان تاب آورده توانته در تمام محاذاه عقب تشنی بمحور شدند. بصوریکه

پاریس رسمیه حکومت فرانسه پایی تخت را ترک و در مجلس خوبی کبشو لیتو وزرا ای انگلستان انقاد مارشال پیتن رئیس حکومت فرانسه

یافت فیصله شد که پاریس بدون مدافعت

تسليم شود و پایی تخت ابتداء شهر

(تور) وازانجا در اثر بمباری طیارات

المانی مثل جنگ گذشته به پند ر

(بوردو) نقل نمود. امادر همین مجلس

ریزوریس وزیر ای فرانسه به چرچل

اطلاع داد که اگر انگلیسها تمام

قوای خویش را فوری به فرانسه

نفرستند عسکر فرانسه دیگر قادر

به مقاومت نیست و چرچل عدم وجود

عسا کر کافی را برای مدافعته بر طایه

خاطر نشان کرده ضمناً مشوره داد

که از امریکا امداد بخواهند و اگر

امریکا امداد نمکرد، فرانسه میتواند

جنگ را خاتمه بدهد مگر بشرطیکه

قوای بحری و قوای هوایی و مستعمراتی

خویش را با انگلستان و اگذار

نماید همان است که عسا کر آلمان

در روزهای بحر این بیش از سقوط فرانسه

بتاریخ ۲۵ جو زا داخل پاریس شدند و از طرف هم



مارشال پیتن، پول رینو، پول بودوان و چنرال ویگان

در روزهای بحر این بیش از سقوط فرانسه

بتاریخ ۲۵ جو زا داخل پاریس شدند و از طرف هم



از سمت خاک المان وهم از شمال شرق فرانسه به جو مو پرداختند . از این وقت وضعیت جنگ



کارول شاه مخاون رومانی در فرانسه شکل یک عقب نشینی غیر منظمی را بخود گرفته بود و در روز ۵۰ تا ۶ کیلومتر عسکر المان در هرسهت پیشافت میکرد .  
جنانچه در خط ساحلی بازیکی دو مرتبه قوای انگلیسی و فرانسوی در حال محاصره افتاد ولی باقی نبات جهازات بعمری انگلیس نجات یافتد ، در خلال این موقع جایان در شرق افغانستان از وضعیت پیشانی انگلیس و فرانسه استفاده کرده بر آنها فشار آورد تا از امداد به چین صرف نظر کنند و حکومت جدید را که تحت ریاست وزیر چنگ چنگوی وزیر خارجه سابق چین برای درهم شکستن آنها ذیانگک کائی شیک در نظر گرفته بود اعتراف نمایند همان است که انگلیس و فرانسه چاره را منحصر به تسلیم دیده اول اذکر یعنی از یک سلسله زدوخوردهای بین قوای جایان و هند چین چندمیدان هوایی را از خاک مذکور بجايان واگذار کرد و انگلیس حاضر شد که برای

میخاپیل شاه جوان رومانی



مدت ۳ ماه راهبر مارا بروی چیانگ کنای شیک مسدود ساز داشت و لاین تعهد خود را هم به صاحب منصبان جایانی که به بر مایا نمایندوا گذار نماید بعد از سقوط خط ویگان حالت عسکر فرانسه پیکانی بریشان شده انفصال از دست صاحب منصبان رفتند بود. عسکر بزرگی که در خط مازینو موقعیت داشت برای آنکه بمحابا صره گرفتا رنشود بطرف سرحد سوی عقب نشینی مینموده باقی قوای سمت جنوب ناگذار ورد (رون) عقب نشستند درینین تاریخ ۲۱ جوزا ایطالیا هم با متحدهن اعلان حرب دادند اگر فرانسه در سرحد آلپ نزد مشغول جنگ شدند و ایطالیاها علی المصالحه پیشرفتی حاصل کردند تو اند امداد و ضمانت

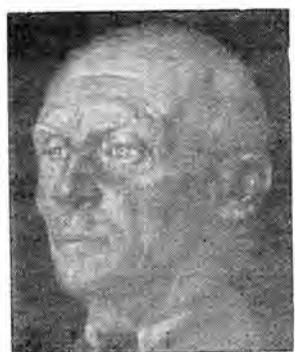


جنرال اول قوماندان عسا کور بر طایه در شرق فرانس میکاس صدراعظم فرانسه بیان فرموده در نکرد. زیرا تاریخ ۲۶ جوزا پس از یک میان وزرا و آشوب که در آن جوابات امریکارا نسبت به بیان استعدادی رینو قرائت کردند روی هم رفته جوابهای مذکور فناعات بخش نبود و امداد فوری و موثر را وعده نمیداد، رینو که طرف دار دوام دادن جنگ و نقل دادن حکومت به افریقای شمالی بود، بمقابل عذاصر طرفدار صلح مقاومت تو انتهه از عهده خویش مستعفو شد و مارشال پیتن جای او را گرفته، همان شب در رادیو عز فرانسه را برای مصالحه اعلان نمود. و متعاقب آن که اuman برای پذیرائی هیئت نمایندگان فرانسه اظهار آمادگی کرد و هتلر و موسولینی درین خصوص تاریخ ۲۸ جوزا در میونیخ باهم ملاقات کردند، نمایندگان فرانسه ابتدا در چنگل کومپلن در همان قطار یکه در خانه جنگ گذشته مارشال فوش نمایندگان اuman را پذیرفته بود، با هتلر و گویرنک و فون کیتل و فون بر و خج ملاقات و شرایط مبارکه کرا تسلیم گرفتند و بعد از مفاهمه با یستن که ذرعه تیلفون صورت گرفت آنرا قبول و امضاء نمودند. بعد

نمايند گان مذکور بدر وم رفته با (بادو گلیو) و دیگر نمايند گان ايطالی باسas مذاکرات آغاز شد  
با هیئت المانی نموده بودند، مذاکره و درینجاهم فرارداد مبارکه امضاء کردند . بموجب این  
معاهده عسکر فرانسه خلم سلاح وحصه بزرگ خاک فرانسه یعنی تمام حصص شمال و غرب آن



مارشال گرازیانی قوماندان (سابق) ساکر ایطالیا در لیبی  
و ساحل بحر شمال و بحر اندش تاسیس مهندسی نیه با حصص صنعتی منجمله خود پاریس تاختم مباریه زیر  
اثر المانها مانده مصارف عساکر المان مقیم فرانسه نیز بر ذمه حکومت فرانسه فرار گرفت  
و کارخانه جات ولو اوزم حریب عموماً به المان سپرده شد  
باستانی فوای بحری و اراضی مستعمراتی که مارشال پیتن  
نظر یوعده که انگلستان کرده بود ازدادن آن به المان  
خودداری نمود. درین بین انگلیسها پیشنهادی بدست دو نفر  
از وزرای خود به مارشال پیتن فرستادند تا اگر از مبارکه  
صرف نظر نماید فرانسه و انگلستان یک دولت واحد را برای  
هیشه تشکیل داده، جنگ را بعد از سقوط فرانسه در  
انگلستان و مستعمرات هر دو مملکت دوام بدهند. امامارشال  
پیتن این پیشنهاد را قبول نکرد و صرف وعده داد که بر ضد  
جنرال هوتسنگر وزیر حرب و رئیس انگلستان داخل جنگ نشود و هم فوای بحری خود را  
نمايند گان فرانسه در مذاکرات مبارکه به المان نسپرد بالاخره مبارکه بتاریخ ۱۲ جوزا اعلام شده  
عسکر فرانسه دست از مباریه کشیدند و پیتن حکومت را به ویشی نقل داد. انگلیسها که آرزو



داشتند قوای بحری فرانسه را اشغال نمایند. چون ۴۰ فیصد قوای بحری مذکور در تحت اقتدار خودشان در بنادر انگلیس بود آنرا جبرآ تصرف و هم بر بندر اوران (افریقای شمالی) که مرکز بحری فرانسه است، حواه کرد و چندین جهاز را در آنجا بزرگ فتند و چند دیگر را محروم ساختند.

مقارن همین زمان یکی

از جنرال‌های فرانسوی

هشتم به دو گول که اخیراً

در کابینه رینو کفیل وزارت

حرب بود، بعد از روی کار

آوردن پیتن به انگلستان رفت،

بتاریخ ۴ سرطان اعلان کرد

که فرانسویهای مقیم خارج

تسليم شدن پیتن را قبول نداشته

جنگ را به معاونت انگلستان

ادامه خواهند داد و خود را

رئیس کمیته ملی فرانسویان

آزاد اعلان کرده مستعمرات

فرانسه را به عدم قبول

حکومت پیتن دعوت نمود

چنانچه بازاین دو افعه اخیر

پیتن بانگلستان قطع مراد و ده

نمود و هم جنرال ویگان را

بطریف سوریه و دیگر مستملکات

فرانسه فرستاد تا ازالحاق آنها

به دو گول جلو گیری بعمل

سیاورد و عسکر فرانسه



وندل ولکی رقیب روزولت در انتخابات ریاست جمهوری رئیس

حزب سیمپاتی خواهان که در آخر سال پارویا مسافت کرد

را که در سوریه به مکاری انگلیس تشکیل یافته بود مطابق شرایط

متار که منحل سازد. چندی بعد بتاریخ ۲۹ سرطان قائد المان نطق ایراد و در ان باز

عرضه صلح خود را پیش کرد و گفت که با انگلستان دشمنی نداشته و آرزو ندارد امپراتوری

بر طایه را باود سازد بلکه اقتدار غیر مشروع آن را در جهان میخواهد خاتمه بدهد. انگلستان

این عرضه راهم مثل عرضه های سابق قائدالامان بنام اینکه غیرقابل قبول است و به قول المانها اعتقاد نمیتوان کرد ، رد نمود از آن وقت احتمال حمله المان بر انگلستان روز بروز قوی تر شده المان نهاده دربنادر فرانسه و بلژیک وها لیند و تاروی قوای بحری و هوائی خود را تمر کمز دادند و حملات هوائی از هردو طرف بر نقاط نظامی و صنعتی بشدت هرچه تمام تر آغاز یافت انگلیسها در داخل به تشکیل عسا کر اهدادی و تکمیل قوای مسلح ، استحکام سوا حل . تقویة

کار خانه جات اسلحه سازی  
وطباره سازی خود پرداخته وهم  
فرمایشات خود را با مریکا افزوده  
رفتند . با وجود این تاماه سنبه و میزان  
کفر ارونظر یه تخصصین حریبی برای  
حمله المان موقع مناسبی بشمار میرفت  
کدام واقعه بزرگ باستثنای جنگ  
های هوائی رخ نداد . از طرف  
شب طیارات طرفین بنادرورما کثر  
هوائی و بحری و کار خانه جات  
همدیگر را بمبارد میکردند . در خلال  
این موقع مار شال بیتن به کمک  
لاوال رئیس وزیر ای سابق فرانسه  
فانون اساسی جدیدی باصول  
دیکتا توری ترتیب داده ریاست



لاوال معاون سابق مار شال بیتن که در زمستان دستش از کار کشیده شد و تا امروز بین او و بیتن مذاکرات چاریست  
جمهور را لغو و اقتدار عمومی را بدست خود گرفت و لاوال را چاشین خود قرار داد  
و پارلمان را منجل ساخت و همکاری با المان و تشکیل مجدد فرانسه را اساس پر و گرام خود  
اعلان کرد بالمقابل جنرال دوگول هم آرام نه نشسته فرانسوی هارا از هر طرف جمع و مطابق  
نظر یه انگلیسها با مداد جهازات بحری بر طافوی بطراف افریقای غربی فرانسه رفت . بریندر  
معروف (دا کار) حمله کرد اما بسب مقاومت حاکم آنجا نا کام شده ، دیگر حصص افریقای  
غربی فرانسه را اشغال نمود . در محاذا افریقایی که بعد از شامل شدن ایطالیا در مباربه بین انگلیس  
و ایطالیا جنگ شروع شده بود بسب سقوط فرانسه ، دازین رفتند قوای بزرگ که بسیار کرد گی  
جنرال ویگان در سوریه بمقدب عملیات تدافعی و تحرضی در تمام حوزه شرق تشکیل شده بود  
وضعیت انگلیسها بسیار متزلزل گردیده ، ایطالیا بیا از موقع استفاده کردند و در تمام سرحدات  
خود به حمله آغاز گذاشتند چنانچه درهای - سلطان عسا کر ایطالیا در سرحد کپیا علاقه مویال

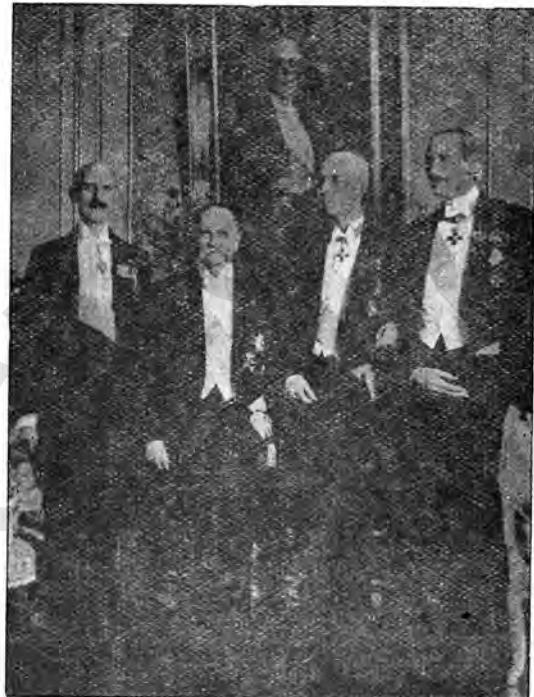
را از انگلیسها گرفته و چندی بعد در همین ماه برسومالی بر طانوی هجوم برداشت و انگلیسها پس از مقداری مقاومت تمام سومالی را بایطابه ایها و گذار کر دند و همچنان درماه سرطان قوای ایطالیا از صحرای ایپیا بطرف مصر حمله نموده بنادر و موضع حریق سواو و سیدی بارانی را از انگلیسها گرفتند و تا صدمیل در خاک مصر پیش آمدند. وضعیت جنگ در تابستان سال ۱۳۱۹ بهمن فرار بوده و مطلعی حمله المان بر انگلستان کم کم دلچسپی اذهان عامه را باین موضوع کمتر می‌ساخت تا اینکه در ماه ستمبر (ستبله) المانها حملات هوایی برگزی را بر ضد لندن و سائر شهرهای برگز انگلستان آغاز کردند اشتبه هر شب و روز چندین هزار تن بمب بر موقع حریق و صنعتی و شهرهای مهم بر طانه میریخت و تصویر می‌شد حمله بحری بیزان عقب آن شروع خواهد شد لیکن تمام این عملیات مقاومت و پایداری انگلیسها و وسائل دفاعی را که بر ضد حملات هوایی گرفته بودند پس از یکماه حملات شکسته تو انت حمله بحری و هجوم برگز از طرف المانها روی کار نیامد و هم انگلیسها علاوه از مقابله که با طی رات المانی ذریعه طی رات خود مینمودند، بر بنادر ساحلی فرانسه و بلژیک بشدت حمله میکردند و تباری های المان را عظیم می ساختند. حملات هوایی المان تاریخ ۱۲ ستمبله ۱۳۲۵ میزان به متهای شدت خود رسید. ازان پس به تدریج کم شده رفت و سپس درماه ستمبله از حملات عمومی صرف نظر و بیک شب صرف یک شهر صنعتی را ناخت بمباری میگذر فتند چنانچه درین ضمن بنادر ایور یول سوت ایپتن، برستل، مانچستر بالیموث و پورتسموث وغیره حملات محیر العقول را متوجه شدند. با امقابل انگلیسها روز بروز در قوای فضائی تقویه یافته، حملات سنگین را بر ضد بنادر و مرآکثر صنعتی شمالی المان از قبیل هبورگ، ویلهمهافن، بریون، کیل، ایسن، هانوفر و علاقه جات صنعتی (رور) شروع



انتونی این د وزیر حرب سابق وزیر خارجه فعلی انگلستان  
که در اخیر سال به شرق فریب مسافت نمود

شکسته تو انت حمله بحری و هجوم برگز از طرف المانها روی کار نیامد و هم انگلیسها علاوه از مقابله که با طی رات المانی ذریعه طی رات خود مینمودند، بر بنادر ساحلی فرانسه و بلژیک بشدت حمله میکردند و تباری های المان را عظیم می ساختند. حملات هوایی المان تاریخ ۱۲ ستمبله ۱۳۲۵ میزان به متهای شدت خود رسید. ازان پس به تدریج کم شده رفت و سپس درماه ستمبله از حملات عمومی صرف نظر و بیک شب صرف یک شهر صنعتی را ناخت بمباری میگذر فتند چنانچه درین ضمن بنادر ایور یول سوت ایپتن، برستل، مانچستر بالیموث و پورتسموث وغیره حملات محیر العقول را متوجه شدند. با امقابل انگلیسها روز بروز در قوای فضائی تقویه یافته، حملات سنگین را بر ضد بنادر و مرآکثر صنعتی شمالی المان از قبیل هبورگ، ویلهمهافن، بریون، کیل، ایسن، هانوفر و علاقه جات صنعتی (رور) شروع

کردن دولی باهم هیچیکی؛ ازین حملات بزرگ هوائی نتیجه قطعی و قناعت‌بخشی را حاصل کرده نتوانستند. در خلال این او فات المانها مصلحت خود را دران دیدند که بسب طول گشیدن جنگ، نسبت به همسایه‌ها دور و تردیک خود مطمئن شوند و پلان سیاسی و حریق تازه راشکیل بد هند چنانچه روی این نظر یه از یک ضرف فائد المان در اوائل عقرب ملاقات‌های بامارشال آریتن و جنرال فرانکو بعمل آوردند پیشنهادات تازه رادر برابر آنها فرارداد تا آنها نیز در نظام جدید او شرکت ورزند ولی تا اخیر سال نتیجه این اقدامات بدرستی معلوم نشد همچنین یک معاهده سه‌گانه باسas مفاده‌های ساق محور بر این، روما، توکیو، بین المان و چین و ایطالیا بتاریخ (۵ میزان) امضاهد که بموجب آن چین و ایطالیا کمار تشکیل نظام جدید اروپا را بالمان و ایطالیا واگذار و این دو دولت تا سیس نظام نوین آسیای شرقی را حق چایان تسليم کردنده و هر قسم معاونت‌های باهمی را برای منظور اساسی فوق بهم و عده دادند. این معاهده با جوش و خوش زیاد از طرف دولت سه‌گانه اعلان گردید و ضمناً برای آنکه این معاهده برخلاف دولت شوروی تلقی نشود،



ها کن شاه ناروی، کا لوئی رئیس جمهور فنلند در مواد معاهده یک ماده داخل گوستاف شاه سویلن، کرسچین شاه دنمارک در روزهای ۲۵ میزان مذکور در روابط قبل از حمله المان بر ممالک سکاندینیا تأثیر فوری کرد، همانا تویید عکس العمل شدیدی از طرف امریکا و انگلستان بر ضد چین بود که اول الذکر پلان بعده گرفتن مدافعت نصف کرده غربی را که بهمکاری انگلستان در نظر داشت با نظریه امداد به چین و ترددیکی منید با انگلستان و منع صادرات بعضی مواد مهمه صنعتی بطرف چین بسرعت سر دست اجراء گرفت و انگلیس با تاریخ ۲۵ میزان راه برما و چین

را که مقارن زمان سقوط فرانسه با از فشار جایان بقصد عدم امداد با چیا ناک کای شیک موقتاً جهت خوش ساختن جایان مسدود کرده بودند بعد از بر ریسیدن موعد امتحانی مذکور د و باره باز کردند. امادولت شوروی به تکرار سیاست بیطری فی خویش را تا کید توده، با اینکه دولت بر طایله با اعنام سفیر جدیدی مثل (سرستینفرد کرپس) از رو سای حزب کارگر بقصد حصول همکاری روسیه بایلان معینی، کو شش زیاد نمود، از حصه گرفتن در بلا نهای دول خارب خود داری بعمل آورد. تنها در موسم تابستان در روابط دولت شوروی و هاکل یانک بعد از معاہدات سال گذشته مشکلاتی رخ داده ویس ازانکه کشید گی مدتی دوام کرد و متوجه عزل یک عده زمامداران دول منبور شد بالآخره تاریخ (۳۱ سلطان) با اثر تصویب مجالس شورای دول سه گانه (لیتوانیا، لتویا و استونیا) دول مذکور به اتحاد شوروی ملحق شدند. درین زمان روزولت رئیس جمهور امریکا دوره دوم ریاست جمهور خود را به پایان رسانیده، خواهان تجدید آن برای مرتبه سوم بود بنابران در اقدامات خویش نسبت به دول متحارب خیلی محافظه کاری بخراج میداد چنانچه از یک طرف حرکات انتخابی در امریکا جاری و از طرف دیگر فرمایشات بزرگ انجمن اسلام متواتر



روزولت رئیس جمهور امریکا که در زمان برای سومین مرتبه برای انتخاب شد و قانون معروف قرض و اجاره را برای امداد انجام دادن با انگلستان طرح نمود معاهده گانه در انتظار ریسیدن موضع مساعد، چهته حمله بر انگلستان که از سبب فردیکی زمستان کم کم قابل اجرا تصویر نمی شد، متوجه ممالک اروپایی شرقی شده برای تطبيق نظام جدید درین منطقه یعنی آمنیات اقتصادی برای خود دور کردن رسوخ انگلستان از آنچه داخل اقدامات گردید. بالمقابل دولت بر طایله درین منطقه برای یهیه کردن نفوذ خویش ویشتر بنام استفاده های اقتصادی از مدتی صرف مساعی میکرد چنانچه نتیجه این تصاصم اقدامات دولتی در رومانی بصورت یک بحران سیاسی رونما گشتہ منجر به خلع شاه کارول گردید (۱۶ سپتامبر) و میخائیل پسر جوانش بسلطنت برداشته شد و چنانکو از عناصر طرفدار المان اقتدار حکومت را بکف گرفت. ولی هیجان سیاسی در رومانی هنوز هم رفع نگردیده تاریخ ۲۶ سپتامبر

المان عسا کر خود را بنام حفاظت منافع المانی در هر حوضه نفت خیز رومانیا بمقابل عملیات ساپوتاز المان احزاب کاری، انگلیسی، به آن مملکت سوق دادند این اقدام مقارن باز مانی بود که المان دول اروپای شرقی و جنوبی را برای داخل شدن در نظام جدید و اتحاد ثلاثه محور دعوت کرد، مجارستان، رومانیه، سلوواکیه بمعاهده سه گانه شمولیت خود را اعلان نمودند. اما بلغاریا، ویوگوسلا و یا درینو قت وضعیت بین البینی را اتخاذ کردند و تنها ترکیه کاملاً جنبه خود را واضح ساخته اگرچه در اثر داخل شدن ایطالیا در جنگ، از شمولیت در مخاربه خود داری کرد، لیکن وفاداری خود را به معاهده کتابانگلیس عقد نمود، تا کید نمود و مسافت ها و مذاکرات متواتر سفیر کبیر المان باز مام داران ترکی و مجاہدات جرائد دول محور تأثیری در طرز عمل ترکیه وارد آورده نتوانست تا اینکه بتاریخ ۶ عقرب ایطالیا به یونان او اینماتوم داد که چون بیطریق خود را حفظ کرده نمی تواند قوای ایطالوی را اجازه بدهد تا منافع ایطالوی را در خاک و آبهای یونان تأمین نمایند، حکومت یونان نص نطق ووعده موسو لبی را که بروز شمولیت خود در مخاربه نام گرفته یونان و دیگر همسایه های خویش را از احترام بیطرفی شان اطمینان داده بود، یاد آوری کرده اولتیما توهم را رد نمود و بلا فاصله عسکر ایطالیا از خاک البانيا به یونان حمله ورشد و حکومت یونان از انگلستان امداد خواست. انگلیسها وعده امداد کا مل یونان داده جزیره کریت را اشغال کردن و قوای هوانی انگلیس بزودی بیونان رسید. ابتداء ایطالیا او یها تا ده میل در خاک یونان پیش آمدند ولی بز و دی با استحکامات یونانها موافع، اراضی مقابل شده، جنگ شکل خود را تبدیل داد. چنان نجه بتاریخ ۲۶ عقرب عسا کر یونان بحمله مقابل شروع و نه تنها عسا کر ایطالیا را کاملاً از خاک خود خارج ساختند بلکه خود بخاک البانيا بنای پیشرفت را گذاشتند. شهرهای مستحکم کورنزا، یوگرادت وارجیو کسترو و بندر کیمارا یکی بعد دیگری سقوط نموده فرا رسیدن موسم سرما و خرابی راه ها و بمبارد مان هوانی طیارات بر طانوی وضعیت قوای ایطالوی را روز بروز وخیم تر ساخته قوماندانهای بزرگی مثل مارشال بادو گلبو رئیس ارکان حرب عمومی و جنرال ساد و کفیل وزارت حرب بی هم از کار کناره گیری اختیار کردند. مقارن هین زمان نظر بد عوت حکومت المان مولو توپ صدر اعظم و وزیر خارجه روسیه بتاریخ ۲۷ عقرب به برلین رفت و مدت سه روز باز مامداران نازی مذاکرات نمود و در خاتمه مسافرت نامبرده اعلان شد که طرفین نسبت به روابط باهی خود رضا مندی و موافقت کامل دارند ولی دیگر نتیجه مهم از این ملاقات تاخیر سال ظاهر نشد. کمی بعد ازین شاه بلغاریا نظر به دعوت حکومت المان ذریعه طیاره به برلین رفت و در آنجا طوریکه بعدها از طرف حکومت بلغار توضیح شده زمام داران المانی به او پیشنهاد الحاق بلغاریارا بقرارداد دول سه گانه

نمودند. وقتیکه شاه بلغار به سویا مراجعت کرد، معین وزارت خارجه شوروی هم با آنجا واردشد و متعاقب آن حکومت بلغاریا به المان جواب داد که الحاق او به معاهده سه‌گانه مشر و طباین است که روسیه شوروی هم داخل معاهده مذکور گردد. همچنین چندی بعد که آوازه دخول عساکر المانی درخاک بلغاریا نشروگفتگه شد که دولت شوروی هم از موضوع باخبر است آزانس رسمی تاس این خبرهارا جدا تردید نمود از طرف دیگر مذاکراتی بین بلغاریا و ترکیه که در اثر حمله ایطالیا به یونان و اقدامات المان برای تردیکی بادولت اول الذکر روابط مملکتین اهمیت خاصی کسب کرده بود، جریان یافت و روی هم رفته تایین وقت بلغاریه وضعیت بیطرفی خود را باز باز تائید و لی، ضمناً از بعضی تعایلات بالمان خودداری نمیکرد چنانچه درمهاف قوس صدر اعظم بلغاریه بنابر معالجه بطرف وین رفته‌ضمناً بازمام داران المانی ملاقات کرد و درمراجعت دوستی المان درسویا پذیرفت. از طرف دیگر در همین آوان مجارستان هم تعایلاتی بطرف یوگوسلا و یا نشان داده خواست این مملکت را که امروز توجه تمام دول بطرف آن معطوف است و خود اوردر بیطرفی خود اصرار زیاد دارد بواسطه اعزام وزیر خارجه خود جلب نمایند (۲۱ ماه قوس) چنانچه در همین موقع یک معاهده مودت ویک فرارداد اقتصادی بین طرفین بامضارسید و چندی بعد وزیر خارجه یوگو سلاویا هم بجواب سفر فوق الذکر به بوداپست مسافت کرد و گویا روابط این دو مملکت بنابر مساعی المان وايطالیا شکل بهبودی بخود گرفت. روی هم رفته در حوالی ختم سال وضعیت دول بالغان در حالت تردد و بیقراری باقی بوده، بعضأ هیجاناتی که فعالیت فرقی‌های مخالف را دران سرزین نشان میداد، ظاهر میشد مثل بحران سیاسی که در اخر ماه جدی در رومانیه باش قتل یک‌سنگر صاحب منصب المانی و منجر به سقوط حزب آیرن گارد گردید و متعاقب آن انگلستان روابط سیاسی خود را با رومانیه قطع کرد تا این‌سکه بتاریخ (اول حوت) دفتراً از اتفاق و صوفیه به صورت بی سابقه اعلان شد که بلغاریا و ترکیه بر یک اعلامیه عدم تعریض امضا کرده‌اند. این واقعه گرچه غیر منتظر بود باهم مخالف تر کی متعاقب آن اظهار نمودند که معاهده مذکور بر تهدیدات ترکیه بالانگلستان اثری وارد نمی‌سازد. با وجود این مخالف انگلیسی برای حاصل کردن اطمینان بزودی با اعزام وزیر خارجه و رئیس ارکان حرب خود به اتفاقه تصمیم گرفته ایدن و سر جان دل پس از یک اقامت مختصر در قاهره بتاریخ (۸ حوت) وارد اتفاقه شدند و مدت سه‌روز باز مادران ترک مذاکره نمودند و از آنجا بروز (۱۰ حوت) به آن رفتند و در روز دیگر در آنجامشغول مذاکرات بودند و در هر دو مرکز از اتفاق نظر کامل طرفین اعلامیه ها نشر شد. در خلال این موقع آوازه داخل شدن غسکر آلمان در بلغاریا روز بروز شدت کرد و بتاریخ (۱۱) حوت صدر اعظم و وزیر خارجه بلغاریه ذریعه طیاره به وین رفته و از طرف دیگر هتلر ورین ترپ و چیانو و سفر کبیر المان نیز به وین آمدند و بلغاریا بر معاهده

دول ثلاثة امضاء کرده و ضمناً داخل شدن عسکر المان را در خاک بلغاریا (برای تأمین صلح بالقان) قبو لدار شد. این واقعه با دخول عساکر و طیارات المان در خاک بلغاریا موافم بود. انگلستان عکس العمل که نسبت به این قضیه نشان داد عبارت از قطع روابط سیاسی بود که بتاریخ (۱۶) حوت صورت گرفت و حکومت شوروی بروز (۱۵) حوت اعلام نمود که اگرچه حکومت بلغاریا بیشنهاد المان را با اطلاع داده بود ولی حکومت شوروی به دخول عساکر المان در خاک بلغار رضائیت نداشته است و نه این اقدام را ضامن صلح بالقان اعتراض کرده میتواند. با وجود این کدام اقدام عملی از طرف دولت مربوطه بظهور نرسیده عساکر المان بزودی خاک بلغار را تا مساحت بحر سیاه و سرحدات یونان و ترکیه اشغال کردند. متعاقب آن بتاریخ (۱۴) حوت فائد المان ذریعه فاصله مخصوص پیغام شخصی بر رئیس جمهور ترکیه ارسال داشت که محتویات آن تاکنون معلوم نشده است ولی حکومت ترکیه جواب آن را در ذریعه فاصله مخصوص بتاریخ ۲۶ حوت به برلین فرستاد و متعاقب آن بتاریخ ۲۸ حوت وزیر خارجه ترکیه برای ملاقات شان با وزیر خارجه انگلیس به جزیره فرس رفته باهم مذاکرات کرده و ابلاغیه منتشره توافق نظر مملکتین را تائید نمود. از طرف دیگر بتاریخ ۲۱ حوت متوجه کا وزیر خارجه جاپان بقصد مسافرت به برلین و روم از راه مسکو جانب اروپا حرکت کرد.

یک واقعه دیگر که در زمستان این سال اتفاق افتاد عبارت از عزل لا وال از طرف بیتن بود که بتاریخ ۲۵ جدی بصورت بی سابقه صورت گرفت و مرکز سیاسی آنرا بازرسی داشتند که از طرف لا وال چهت برآنها ختن حکومت بیتن بعمل آمد است و نیز معلوم شد که در همین وقت المان بیشنهادی به بیتن نموده بود بهر حال پس از چندی بتاریخ اول دلوین بیتن ولا وال آشتبه بعمل آمد، با این هم فلاندن که جای لا وال را در وزارت خارجه گرفته بود بجای خود مانده لا وال در کابینه داخل نشد وازان پس تا اخیر سال بین بیتن ولا وال نسبت به شرائط داخل شدن دوباره اخیر الذکر در کابینه مذاکرات جاری بوده اما بنتیجه نرسیده است، ضمناً دار لان وزیر بحریه موقعیت بلندی را در کابینه بیتن حاصل نموده رفت. چنانچه فعلان علاوه بر معاونی و جانشینی مارشال بیتن وزارت خارجه و داخله هم با توافق شده و مذاکرات با المان کاملاً توسط او اجراء می شود. در اوخر سال نسبت بموانع محاصره اقتصادی بر طایه و اثرات آن بر آذوقه رسانی فرانسه نزاعی بین حکومت ویشی و سلطنت بر طانیه رخ داد لیکن با اثر مساعی امریکا بزودی رفع گردیده انگلیسها بجهازات حامل غله که از امریکا طرف فرانسه می رفت غرض دار نشده مرکز سیاسی این اقدامات بیتن را عبارت از مقاومت او تز برابر خواهشات المان میدانند در خلال این اوقات در محاذ افریقا نی فعالیت حریبی شدت کرده جنگ ایتالیا و یونان که بزودی بمقابلت دولت اخیر الذکر و پیش رفت آن در ایالات تغیر شکل

داد، با انگلیسها موقع بخشید تا به تقویه فوری قوای خویش در افریقای شمالی و شرقی پرداخته درست در همان موقعیکه ایطالویها آمده گئی حمله بزرگ را در مصر و سودان و کینیا داشتند، غفلت آ در تمام این محاذاات بحمله شروع کنند چنانچه حمله اول قوای بر طانوی از خاک مصر بر سیلی بارانی و سولوم یعنی همان علاوه هاییکه سه ماه پیشتر ایطالوی ها در صحرای مصر متصرف شده بودند تاریخ ۲۱ قوس آغاز یافته بروزی هر دو نقطه هد کور هسترد و تعداد زیادی از قوای ایطالوی اسیر گردید و عسا کر بر طانوی در نگ نکرده بر خاک لیبیا حمله بر دند و در ظرف دو ماه علی الترتیب بنادر باردیا، تبرونک، درنا،

بنغازی (مر کر لیبا) پی هم  
بحال حماصره دو چار و بعد  
از چند روز مقاومت سقوط  
نمودند و غنائم زیادی  
بدست انگلیسها افتاد.  
همچنین بر افریقا شرقی  
ایطالوی از هرسه محاذا یعنی  
از سودان علیا، سودان سفلی  
و کینیا در اوائل دلو به حمله  
آغاز و قوای بر طانوی  
بکمک قوای بومی جبشه که  
از طرف هیلا سلاسی  
امپراطور سابق جبشه که از  
مدتی مانظر در خرطوم  
افلام داشت تر تیب یافته  
و پسر کرد گی خود نامبرد  
در حرص غربی جبشه مشغول



هیلا سلاسی امپراطور سابق جبشه که فعلاً در جبهه مشغول  
جنگ با ایطالیا میباشد

اقدامات شده بود، شروع به پیشرفت نمودند.

چنانچه تا اخیر سال علاوه بر استرداد تمام علاوه هاییکه بدست ایطالوی ها افتاده بود، قسمت بزرگ سومالی و اریا بتصريف انگلیسها در آمده وادیس ابابا مر کر جبشه هم از چند طرف مورد تهدید واقع شد. در آنطرف اوقیانوس اطلس انتخابات امریکا در ماه فوریه به غلبه روزولت و حزب دیموکرات متنبی و ندل ولکی رئیس حزب جمهوری خواهان و کاندید ریاست جمهور شکست خورد و روزولت بعد از آنکه سومین مرتبه برای مدت چهار سال خود را صاحب اختیار دول متوجه دید نظر

به دلچسپی شخصی و مسلکی و صوا بدبود خود و مسامعی ظاهری و باطنی انگلیسها از قبیل اعزام وزیر خارجه خود لارد هلینگس بجای سفیر کیم جدید آن (بعوض لار دلودیان فقید) جداً طرفدار امداد به برطانیه بوده و عقیده داشت که شکست برطانیه شکست امریکا میباشد بنابران پلانی برای مقاومت با نگلستان ترتیب داد که بموجب آن باستی علاوه افزایشات غیر رسمی برطانیه که بکارخانه جات امریکائی داده، حکومت امریکا هم از لوازم واسلحة خود چیزی را که برای خودش عجایباً ضروری نباشد، بصورت قرض و کرایه به انگلستان واگذار نماید و بعد از ختم جنگ یاجنساً و یاعوض آنرا بازیافت دارد، این پلان که بعداز گفتگوهای لازمه بتاریخ ۱۸ حوت از کا نگرس تصویب یافت سبب تولید نارامی شدیدی در المان و جاپان گردید چنانچه زمام داران جایان والمان این عدم رضایت خود را نسبت به امدادهای امریکا با برطانیه و چین و یونان عنان اظهار و نسبت به عوایق این رویه، امریکا را تهدید کردند خصوصاً قائد المان در نقطه روزینجنبش به ۱۰ دلو خود بشدت به امریکا حمله کردو آن دولت هامسئول مصاب جنگ اعلام نمود.

در خلال این واقعه، واقعه گوچک ولی معنی دار دیگری در گوشة جنوب شرقی آسیا بظهور رسیده، توجه مرآکر سیاسی را بسوی خود جلب کرد یعنی بعدازینکه بسبب باز شدن دوباره دراه بر ما بروی چین امدادهای زیادی از امریکا و برطانیه به چین وارد وهم دولت شور وی هم دردی و روابط دوستانه خود را با حکومت چیانگک کائی شیک ادامه داده و به مقاومت چین به مقابل جایان میافزود، دولت سیام کا خیر آن خود را اتائی لیند گذاشت به اساس منازعات سا بیکه در سراسر اراضی سرحدی خود با هند چین فرانسوی داشت مطالبات خویش را علنی ساخته و چون فرانسویان به آن گوش نمیدادند از طرفین تصادمات سرحدی شروع شده از ۶ ماه جدی تا دهم دلو دوام داشت چنانچه درین تصادمات علی الاکثر سیامی ها پیشقدم بودند.

تا اینکه در اوائل دلو جایان بیشنهاد و میانجی گری کرده طرفین آن را بذری فتنه و بتاریخ دله دلو معاهده متارکه امضاء و زدو خورد معطل گردید حکم جایانی قسمتی از اراضی مختلف فيه را به سیام واگذار کرد در عین زمان جایان به تیاری های حریبی بزرگی در شرق آسیا پرداخته خواه پطور مظاہر و خواه جدی چنان نشان میداد که گویا برای تصرف هند چن و شرق الهند هالیندی آمده است. از طرف دیگر المان سعی کرد تا روابط جاپان و شوروی را اصلاح نماید اما این مظاہرات برخلاف انتظار جایان باعکس العمل قوی از طرف انگلیس و امریکا مقابل شده انگلیسها قوای خود را در سنگاپور را نقب گذاری نمودند و امریکا منظوری استحکامات جزائر گوام و ساموآ را که در بحر کاہل شرقی واقع است صادر نمود وهم هر دو مملکت متفقاً به جایان اختار دادند که پیش فت مزید او را

در جنوب آسیا تحمل کرده نخواهد توانست چنانچه جایان باش این مقابله ها تا اندازه از جوش و خروش افتد و نزدیکی او با روسیه هم تا آخر سال نتیجه نماد.

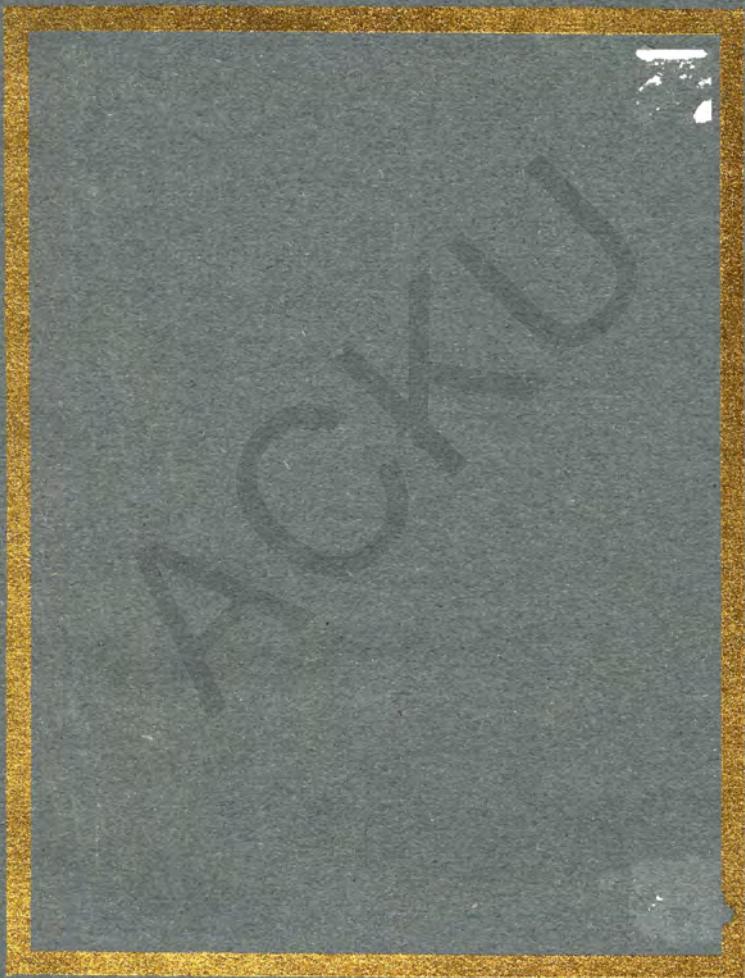
در مالکی که از جنگ بیرون مانده اندخصوص اداره مالک شرقی درین سال امنیت فایم بوده و با وجود مشکلاتی که از زهگذر جنگ چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه های اقتصادی برای شان رخداد بر بیطری خود استو از مانده نا لمقابل به پیشرفت های مدنی و اقتصادی خوش افز و دند ایران درین سال خط آهن سرتاسر خود را به خلیج فارس و صل و کارخانه جات ذوب آهن را اساس گذاشت در هندوستان بدان انسکه حکومت بر طایه آزادی داخلی هند را بمقاهی احزاب داخلی هند مشروط قرار داد، حزب مسلم لیگ تقسیم هندرا به هند مسلم و هندوپیشنهاد کرد و این پیشنهاد از طرف تمام هندوها و قسمتی از مسلمین تردید شد، و با وجود اینکه چند بار بین رؤسای احزاب مذکور جدا جدا و در حضور نائب السلطنه هند ملاقات بعمل آمد، به نتیجه فر سیدند - بالمقابل تحریک نافرمانی ملکی از طرف حزب کانگرس زیر پرده جاری بوده، در اوآخر سال حکومت بر طایه رؤسای حزب کانگرس را باستنای گاندی در تحت مواد قانونی گرفتار کرد.

در امر یکای جنو بی احسا سات اتحادیان امر یکای گاندی در یا فته در شروع خزان کنفرانس بزرگی در ( پاناما ) تشکیل و دران و زیر امور خارجه امریکا پلان مدافعت نصف کرده عربی را که بمساعدت انگلستان جزائر و مواضع بحری و هوائی و متصرفات اروپائی این خطه کاملاً در تحت نظر دولت امریکا قرار داده شده، پیشنهاد و پلان مذکور را از طرف سائر اعضای کنفرانس هم بطور اساس تصدیق شده و مقرر گردید که اتاژونی در هر مرحله همکاری دوائر و مالک مربوطه را تقاضا نماید. و نیز انگلستان و دول محور برای جلب مالک امریکا جنوبی خصوصاً در زمینه اقتصادی داخل اقدامات شده، انگلستان و جایان هیئت های بین مالک اعرام کر دند که تا حال هیچیکی نتایج قطعی حاصل ننموده است.



۴۷۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## مراض بیز ۵

بقلم پناغلی دکتور میر نجم الدین خان

پناغلی دکتور میر نجم الدین خان متخصص دندان و دیبلومه امریکاییکی از جوانان متبحری است که علاوه از وفتر علم و وثاقت تخصص در شعبه دندان ذوق خدمت را به مطبوعات مملکت خودهم دارند و مصمم آند آنچه آند و خته آند در محیط خود تعمیم بنمایند همین است که حسب خواهش ما مقاله ذیل را که از نظر حفظ الصحه دندان اهمیت بزرگی دارد برای سالنامه کابل نوشته و فرستاده آند ما از یک طرف ذوق دکتور جوان را تقدیر و از جانب دیگر تمام افراد وطن را به مطالعه این مقاله مفید که راه دفع با امراض را بسانان میاموزد تو صبه میکنیم .  
(قدیر تره کنی)

❀ ❀ ❀

دهن قسمت اول کانال هاضمه بوده، واعضای بسیاری چون زبان، غده های براقیه، و سیستم مضیغیه را که مرکب از الاشه ها ، دندانها ، و عضلات مضیغیه است ، محتوى میباشد . بدین انسان بذریعه این راه غذا، وغیره احتياجات و ضروریات حیاتی خود را اخذ نموده ، و بعد از یک سلسه تحولات کیمیاوی مواد صالحه وقابل انجذاب آنها را به تعمیر نسوجات جدیده استعمال نموده و مواد فاضله وغیر صالحه را دفع میکند . غذا بذریعه سیستم مضیغیه خورد خورد شده . و قسمتی از اجزاء نشایسته آن در حضور یک خمیره موسوم به «تائلین» به مرکبات بسیط شکری تحول یابد و تبدیل می یابد .

بعدین طریق اولین تحول کیمیاوی دردهن انجام میگیرد . و برای این قدم ، وقد مهای ما بعد تغیرات کیمیاوی مواد غذائیه که بنام هضم خوانده میشود ، چو یعنده نمیده کردن غذاء ضروری وحتمی است . و این وظیفه بسیار قیمتی را دندانها وغیره ساختمنه های مربوطه آن ها انجام میدهد . اگر در این فعالیت فریالوژی کدام رخنه یابعیی واقع شود ، وظائف معلو و دیگر قسمت های کانال هاضمه سنگین میشود . از اینجا اهمیت حفظ الصحه دندانها بخوبی واصبح وروشن میشود . حفظ الصحه دندانها بخوبی خود تایکدرجه بزرگی وابسته به سلامتی و تندرسی بیره های میباشد و بیره ها در حالات وکیفیات مختلفه بدن ، تبدلات و تغییرات متنوعه را اختیار میکند بناءً علیه در اینجا مناسب خواهد بود اگر در اطراف بیره وتطورات غیر طبیعی آن در ذیل بطور مختلف

چیزی بنویسیم تا شاید برای خوانندگان عزیز منشاء استفاده صحی بشد .  
یکی از علماء دهن شناسی بیره را دروازه صحت بدن خوانده . این گفته قابل ملاحظه  
اهمیت وظایفی بیره را تائید و تصدیق می نماید . بیره برای حفظ و ادامه بقاء دندان ها و  
نسوجات محیطی آن ایفا وظیفه میکند . از یکطرف ریشه ها و غشا و اطراف ریشه های  
دندان را از جراثیم ، مخصوصاً لات جراثیم ، ذرات غذایی ، مواد کیمیا وی ، و عوامل  
فریسکی ( چون حراره ، برودت ) و صدمات میخانیکی حفاظه و وقاره میکند ، و از  
طرف دیگر استخوان اسفنجی « لیوبولی » را که جدارهای « ساکت » دندان را تشکیل میدهد  
از اثرات سوء عوامل و مواد خارجی حمایه می نماید .

بیره و دندان در سایه نظریه که اون انتشار مرض در حفظ الصحیه عمومی بدن رول بزرگی  
را بازی میکنند . مطابق این نظریه که دکتور « روزناو » امریکائی طرفدار قوی آن است  
دندان و بیره ردی و فاسد در بعضی اشخاص در تحت شرایط مساعد به حیث که اون های انتشار  
امراض جراثیمی به حصص مختلفه بدن کار نموده ، و در تولید عوارضی چون « رومترم » ، والتهاب  
گرده والتهاب لوزتین ، بی مدخایتی نیستند . صدق این نظریه در امراض مذکوره هنوز بد رجه  
ایثات نرسیده ، ولی گمان غالب این است که جراثیم از راه دندان ، ریشه دندان ، بیره  
و استخوان الیوی به بسیار سهولت داخل جسم انسان شده میتواند . زیرا سستم لمفیه دهن ،  
زبان ، زیرزخم ، حلق و گردن برای این مقصد بسیار مستعد و مساعد بوده ، در انتشار مرض  
بذریعه جراثیم ویامواد جراثیمی اشتراک میورزند .

اگر بیره بکدام مرض گرفتار شود ، نسوجات مجاور و محیطی دندان نیز غیر متأثر مانده  
نمی تواند . چون این خط مدافمه از میان برود ، یا ضعیف بشود ، جراثیم دهن و جراثیم خارجی ،  
از راه بیره داخل غشاء اطراف ریشه و استخوان « الیوی » گردیده ، واز راه خلل های  
آخر الذکر بگده های لمفیه یاخون ، خود را رسانیده به گده های برازیله به نسوجات سطح دهن  
و زیر زبان و ساختمان های اطراف سرایت و مولداالهاب میشوند . مهمترین اختلالات و پیچیده گی  
های که بین نهنج برای مریض های ضعیف البینی و ناتوان تولید میشود ، مرض « لدویگ » است که  
متأسفانه عموماً به مرگ شخص خاتمه می یابد . این مرض خوشختانه نادر است ، ولی نایست از خطرات آن این  
وفارغیان نشست ، بنده در این دو سال اخیر به مشاهده چارنفر مبتلایان این عارضه موفق شده ام .  
دونفر آنها که به قسم راست این مرض گرفتار بودند ، حیات را پدرود گفتند و نفر سوم که مبتلای  
مرض شبیه به مرض لدویگ بود ، بعد از عملیات بر مرگ غالب آمد و نفر چارم را پوره تعقیب کرده  
نتوانست . واز صحت خوب اوامید نجات او میرفت . خلاصه در هر چار مریض مذکور ، انتشار  
جراثیم مضره از راه بیره و اطراف ریشه دندان صورت گرفته بود . طوریکه بیشتر گفتم این

حالت مهلك و خطرناك بندرت اتفاق می افتد ، ولی اکثر آ طریق انتشار آن بیره و دندان ردي و فاسد میباشد .

از بیانات فوق معلوم میشود که فساد بیره و دندان در بعضی باعث مرگ هم میشود . علاوه بر آن ، جریان ریم از بیره دهن را بی طعم و بی ذایقه ساخته ، باعث التهاب گاو و سو ، هضم نیز میشود پس میتوان گفت که حفظالصحیحه بیره برای صحت و بهبود تمام بدن مددو معاون میباشد . بیره یک نسج بسیار حساسی است که از حالات و عوارض متنوعه بدن متأثر شده و اکثر آ دستخوش تغیرات میشود . در امراض خون چون فقر الدم و تکرر ساول های سفید خصوصاً ساول های لمفیه ، درمرض دیابتیتس ؛ در تداوی « سمت » برای سفلیس ؛ در مسمومیت سیماپ ، سرب و غیره ، بیره علامات التهاب و ترااسب مواد فلزی را ارائه میدهد . به عباره دیگر بیره مر آت امر اض مختلفه ایست که بدن انسان را مورده تهاجمات خود قرار میدهد ، در اکثر اوقات صحت یا مرض بیره او صحت یا مرض بدن ترجمانی میکند .

نه تنها در اثر عوارض عمومی بدن ، بیره تبدلات مهمه را نشان میدهد ، بلکه در نتیجه عواقل مقاومتی دهن نیز متأثر شده و تغییرات غیر طبیعی را ارائه می نماید اما در اکثر مرضیان عوامل عمومی و مقامی هردو با تفاوت همدم یگر بینان صحت بیره را متزلزل میسا زند . امراض عمومی چون فقر الدم مزمن قوه مقاومت بیره هارا تنزیل و سقوط داده ، و سپس عوامل مقامی دهن چون جراثیم و مرسوبات آهکی در تحت بیره به تخریش این نسج حساس آغاز میکند ، در این مقایله موضوع بحث خود را به مرض « بیوره » محدود ساخته ، و کوشش میکنیم تاعلل و عوامل مقامی و عمومی را تجاییکه وقت اجازه میدهد متذکر بشویم .

مرض بیره یکی از قدیمترین امراض دهن انسانی میباشد . در پایه بیروس های مصر قدیم ، خاصة در پایه بیروس ایر ، در تحت عنوان تداوی امراض بیره ، سنون های مختلفه عجیب التر کیب که اجزاء مهمه آن هاستخوان سوخته ، ویوست تخم مکلس وغیره میباشد تذکار یافته . در طب یونانی هم سنون های مختلف التر کیب که بی شاباهت به نسخه های پا بیروس فوق نیستند ، داده شده ، این تر کیب ها محض دارای خاصیت پالک کردن دندان را تایکدرجه غیر قابل ملاحظه بوده ، واز نقطه نظر تداوی بیره استعمال آن ها بیشتر مضر صحت بیره میباشد . چه اجزاء درشت آن ها سلول های بیره را آزرده ساخته ، و عمل التهاب را به حرکت می آورد . در قرون مختلفه بین مردمان و طوایف مختلفه تداوی های عجیب و غریبی برای مرض بیره وجود داشته ؛ امدادهای اصولی یک امر بسیار جدید و تازه ایست که اساس آن بر دانستن عوامل مولده مرض نهاده شده .

مرض بیره درین اهالی وطن عزیز ما به پیمانه بسیار بلندی و جود و شیوع دارد . از مشاهدات روزمره درمو سسه دندان ، و معاینه خانه مرکزی معلوم میشود که بیشتر از هشتاد فيصد مردم به این

مرض مبتلا میباشد. و اگر احصائیه صحیح جم و ترتیب داده شود شاید این رقم تخمینی بلند تر برود. سنت این عارضه علل و عوامل متعددی دارد که از اینجمله عدم رعایات نظافت و صفائی دهن؛ قلت یا عدم اغذیه متوازن صحی، و ویتامین های بیشتر مشوليت و مدخلیت داشته میباشد. عده زیادی از مردم، فقطماً بهشت وشووپاک داشتن دهن، دندان، و پیره اهتمام و اعتماد نورزیده، و حتی به اینجا و اکمال یک امر سنت که عبارت از استعمال مسوک باشد هم نمی پردازند. درنتیجه دهن محل اجتماع ذرات غذایی و موضع تراسب مواد آهکی در اطراف دندان و تحت پیره شده و برای تریه و تعنیه جراحتیم و مواد چرایی زمینه خیلی مساعدی را تهیه می نماید همین است که دندان مورد حمله مرض « کی ری » یعنی کرم خورده گی- و پیره . میدان تاخت و تاز « پوره » و امراض دیگر واقع میشوند. و اکثر این جور دهن هادرستازها یا دوره های آخری مرض دندان و مرض پیره، به معاینه خانه یا هوسه مراجعت میکنند . و برای آنها علاج فطعی جز کشیدن دندان ها دیگری نیست . قات غذاهای متوازن صحی نیز رول های فجیع بازی میکنند و منشاء آن غربت وجه است. این بی پروایی در نظافت دهن، و این قلت یا عدم اغذیه متوازن صحی بدن های شان را برای استقبال امراض متعدد آماده میسازد .

قبل از اینکه به بحث بیرون خود را مصروف و مشغول بازیم، بهتر آن است که از حالت و کیفیت طبیعی پیره و دیگر نسوجات نجاور و مربوطه خود را واقع ساخته، تاکه بتوانیم تغیرات غیر طبیعی را به بسیار سهولت درک نماییم .

پیره یک نسج لبی گلابی رنگی است که گردن دندان را احاطه و فاصله های مایینی دندان ها را اشغال کرده و برای وقاوه و حفاظه نسوجات دیگر چون غشاء ماحول ریشه و استخوان « الوبولی » بدل فعالیت واپس وظیفه می نماید . رنگ گلابی پیره از انکاس ماده ملوذه خون یعنی « هیمو گلوبین » ازین سلول های غشاء محافظکه سطح خارجی پیره را تشکیل داده، بوجود آمده . رنگ پیره شفاف و دارای نقطه هایی است که بصورت غیر منظمی در طول و عرض پیره پرا گنده شده . و این نقاط در حقیقت سلول های خارجی ترین غشاء محافظ است که ذرا اثر تماس با اشیاء خارجی فاقد هسته مرکزی شده و بیک ماده شفاف قرنی بدیل گردیده اند، این سلول ها بصورت فلس هاپلهوی یکدیگر با یک وضع متراکمی قرار یافته اند . این طبقه خارجی ورقاً فوقاً از پیره متفاوت شده و در تر شفات غده های براقیه دهن - یعنی دربرابر بصورت سلول های مرده موجود میباشد . و طبقه سلول های تحتانی جایگیر آن میشود این سلول ها بین ودارای هسته مرکزی میباشند ، ولی بمرور زمان از آنها محروم میشوند . طبقه تحتانی ترین غشاء محافظ از سلول های دراز ستون شکل تشکیل یافته که بر روی یک غشا باریک تهدابی قرار گرفته . نسج لبی ماتحت غشاء محافظ بطرف پائین یا بالا آمده و در طبقه سلول

های ستون شکل فرو رفته‌گی ها یا بالارفتگی ها بوجود می‌آورد. این ها با خود عروق کوچک و اعصاب رامی آورند. واژه‌هین جهت است که سلول های دراز تختانی ترین غشاء محافظه بسیار فعال بوده و مصروف تجدید و ترمیم سلول های طبقات خارجی میباشد چه مواد غذایی بدسترس این سلول ها بمقدار زیاد موجود است.

بیره از هر طرف گردن دندان را در آغوش خود گرفته و در قسمت های مختلف دارای ضخامت متغیر است. در جلو وعقب دندان نازکتر و در قسمت مایینی دندان ها نسبتاً ضخیم‌تر میباشد. درینجا بیره از گردن دو دندان مجاور آغاز یافته و در فاله مایینی آنها یک ارتفاع یادروهه فانه شکل تولید میکند که برخلاف قسمت های دیگر آزاد میباشد؛ این قسمت بیره از طرف تختانی بذریعه تارها و رشته های الاستیکی با غشاء اطراف استخوان الی یولی ارتباط و استحکام می‌یابد؛ و از طرفین بذریعه غشاء محافظه خود با غشاء نازک فرنی تاج های دندان های مجاور در یک نقطه تقریباً حد فاصل مینایی تاج و سمنت ریشه را نشان میدهد، اتصال یافته، و یک ساختمان ذره یعنی موسوم به «بیرستگی» غشاء محافظه را تشکیل میدهد تا اهمیت بیرستگی غشاء محافظه در تولید «پاکت» یا جیب بیوره توضیح خواهد یافت. در بین دندان و بیره یک فاصله کوچکی وجود آمده که موسوم به «ناوه» بیره است. این فاصله در اشخاص و در سن های مختلفه دارای عمق و وسعت متفاوتی میباشد. و این تعلق به عوامل و شرایط دیگر چون نظافت و صحبت و غیره‌دهن دارد. و بطور عموم در اشخاص جوان قدری عمیق تر و در اطفال نسبتاً کوتاه تر میباشد. در اشخاص معمراً نسبت به جوانان عمق آن کمتر است زیرا که استخوان الی یولی در اثر کبر سن و در نتیجه تغیرات فزیالی همیشه رو به نقصان بوده و ذروه بیره هم از این تطور طبیعی بی‌اثر، نمانده و بالنتیجه پایان می‌رود و بدینظریق ناوه بیره هم سطحی شده می‌رود در امراض «لوکیمیا» بیره بی اندازه بزرگ می‌شود، و بطرف تاج دندان عزیمت میکند، و ناوه بیره هم عمیق شده می‌رود.

بیره به دوقسمت آزاد و غیر آزاد تقسیم شده میتواند و قسمت آزاد آن ذروه بیره و اطراف گردن دندان را تشکیل میدهد؛ قسمت غیر آزاد آن سطح استخوان الی یولی رامستور می‌سازد و در قسمت آزاد آن است که خاصیت الاستیکی بیره در حالت طبیعی آن ارائه یافته میتواند. اگر بیره آزاد را بذریعه یک پنس گرفته، آهسته بطرف خود کشیده و باز رها نمایم، بیره و پس بحال و وضعیت اولیه خود بر میگردد. این خاصیت طبیعی بیره از بودن تارها و الیاف الاستیکی در نسج بیره بوجود آمده این تارها از یکطرف بالسلول های ستون شکل غشاء محافظه رابطه دارند؛ و از طرف دیگر با غشاء اطراف استخوان، و از جانبین افقاً

امتداد یافته باغشاء اطراف ریشه اتصال بهم میرساند.

سستم خون رسانی بیره بسیار وافر، وازنایع و طرق مختلفه به بیره میرسد. در قسمت ذروه بیره شرائین خورد و باریک از خلل ها و فواصل استخوان اسننجی الاشه، بیرون آمده و در بیره قوس ها و کمان های پیچیده خون رسانی را تشکیل میدهند. سستم خون رسانی غشاء اطراف ریشه امتداد یافته، و با شرائین بیره داخل شبکه بندي میشوند. سستم خون رسانی بیره خیلی درهم و پیچیده بوده و یک نوع عضموانسجامی خون رسانی را تولید میکند؛ یا بعباره دیگر بیره از جریانات معاونی محروم است یعنی در وقت مرض، در بیره کدام سستم خون رسانی احتیاطی وجود نداشد که وظایف سستم اصلی خون رسانی آزادبودش بگیرد. واژه همین جهت است که بیره به تأثیرات عوامل خارجی فوق العاده حساس میباشد. واژه همین خاطراست که بیره مرآت صحت و مرض بدن گفته شده میتواند. درنتیجه همین وفتر و کثرت خون رسانی بیره یک قوه بزرگ التیامی راماکت میباشد. یعنی اگر بیره مورد کدام صدمه واقع شود، التیام آن در عرصه نسبتاً کمی صورت می پنیرد.

برخلاف سستم خون رسانی، سستم خبر رسانی بیره قلیل و ضعیف میباشد. یعنی اعصاب بیره بسیار زیاد نیست و این امر برای انجام وظیفه بیره که بیشتر محافظه و وقاية نسوجات دیگر است خوب مساعد افتاده.

حال قدری در باب دیگر نسوجات که در مرض بیره متأثر میشوند، بحث می نمائیم. و این نسوجات عبارت اند از استخوان الوبولی، و غشاء اطراف ریشه.

### استخوان الوبولی:

حفره که در ان ریشه دندان قیام و تمرکز یافته «الوبوله» واستخوان اسننجی که جدار های آن را میسازد، «استخوان الوبولی» خوانده میشود. این استخوان دارای خلل ها و فواصل متعددی است که در ان هامفر، شرائین، اورده، واعصاب سکونت دارند. استخوان مذکوره دارای خاصیت الاستیکی بوده، و ماهیت آن طوری است که آن را یک آله بس مهم جاذب صدمه میگردداند یعنی قوی مختلفه که از خائیدن غذاء و دیگر صدمات، اتفاقی بالای دندانها وارد میشود، فشار آنها را بیشتر این استخوان جذب و تحمل می نماید. استخوان الوبولی بسیار حساس و بسیار این الوقت و متغیر میباشد. و تغیرات آن همیشه به جانب حرکات فریالوژی و پتانوژی دندان متوجه و مائل بوده، و برای حفظ الصحه وبقاء آن به تطورات گوناگون خود را معروض میدارد.

چنانچه در اثر فشار زیاد دندان، ساولهای این استخوان مقدار زیاد مواد آهکی را متراسب

ساخته و بدینطور از تعداد خلل ها کاسته می‌رود. غشاء اطراف این استخوان بارشته هاو تارهای نسج لیفی بیره، و با غشاء اطراف ریشه ارتباط پیوستگی دارد. نقطه بلندترین استخوان درین دو دندان موسوم به «ذروة الوبولی» است. شرائین وارد و اعصاب آن با بیره و غشاء اطراف ریشه رابطه بهم می‌ساند.

در امراض غشاء اطراف ریشه و امراض بیره و در عوارض خصوصه استخوان، استخوان الوبولی تغیرات نقصانی نموده، وذروة آن پست می‌شود. بیره هم بهمان درجه فروл می‌کند. و این بر همه گی رایشه منتج می‌شود.

### غشاء اطراف ریشه:

این غشاء از رشته‌های بسیار سختی ساخته شده و وظیفه مهم آن قایم و محکم داشتن دندان است در «ساکت» آن رشته‌های این غشاء به دسته‌های ذروه‌ئی، فاصلی، افقی، مایل و شعاعی وغیره تقسیم یافته، واهمیت این ترتیبات برای جلوگیری از تاثیر قوی مختلفه که بر دندان وارد آمده و آن را به فرورفتگی در استخوان و دورخوردن بدور محور طولانی آن مجبور می‌سازد، می‌باشد. این غشاء از یکطرف با سمنت ریشه و از طرف دیگر با غشاء اطراف استخوان الوبولی پیوستگی دارد.

سلول‌های این غشاء از یکطرف سمنت تانوی و از طرف دیگر استخوان الوبولی بوقت ضرورت بنا کرده می‌تواند. خصوصاً در مواجهه خطر صدمه به ریشه واستخوان الوبولی متصر و محقق باشد. در اطفال ضخامت این غشاء زیاده ترین و در اشخاص معمر و کسانی که قوّه مضغیّه بالندارند، کمترین و در جوانان متوسط می‌باشد.

علاوه بر قایم داشتن دندان در «ساکت»، این غشاء یک وظیفه بسیار مهم دیگر را نیز انجام میدهد و این عبارت از حس فشار و تماس است. دندان در داخل خود دارای حس موضع نیست. ولی رفع این تقیصه از طرف غشاء اطراف ریشه بعمل آمده. اگر یک دندان کرم خورده را بر مه نمائیم، مریض داندان مظلوبه را به مشکل تعیین و تشخیص کرده می‌تواند. اکنون در دندان در اثر التهاب «پلپ» یامنگ آن، مریض را دچار اشتباه می‌گرداند، و مریض در درآبد ندان بجاور و منسوب می‌سازد. و از همین سبب است که بعضی اوقات دلک‌ها به گفته مریض عمل نموده بعوض دندان مجرم دندان معمول را محکوم به اعدام می‌کنند لیکن در امراض غشاء اطراف ریشه درد مشخص و معین و منحصر به یک دندان می‌باشد. در مرض بیره، این غشاء نیز اکنون از دچار مشکلات می‌شود. و از اثر خرابی صحبت آن، دندان متحرک می‌شود.

تامرض بیره را عوامل متعدد و مختلفی بوجود می‌آرند. و این عوامل در اشخاص مختلف از باعث تفاوت سن، غذاء، صحبت عمومی بدن یامرض آن، و شرایط دیگر اختلاف دارد.

بطور کلی میتوان گفت که اگر صحت بدن نازل و مقاومت در مقابل تهاجمات مکروہی یست باشد، عوامل موضعی دهن در تولید التهاب بیره مصدر تأثیرات شده میتواند. عواملیکه باعث تخریش والتهاب بیره می شوند فرار ذیل آنند:

### تراسب مواد آهکی:

چون توازن مواد آهکی ترشحات دهن برهم بخورد، مواد مذکوره از براق جدا شده بر سطح های مختلفه دندان و در تحت بیره و گردن دندان متراسب میشوند و اگر پاک نشوند، به مرور زمان بر حجم و مقدار خود میافرایند. قسمت طرف زبان دندان های جوی، یا یانی، و دندان های آسیاب یا یانی وبالائی از جهت اینکه مقابل یافزدیک مجرای های برا آقیه واقع شده آن، پیشتر از این مرسوبات مستور میشوند. مواد آهکی که در بیرون بهجاورت بیره نهاده میشود سخت و زرد رنگ، و آنها یکه در تحت بیره ته نشین میشوند، سیاه یا کبود رنگ و بسیار سخت میباشند. این مرسوبات های آهکی در تخریش والتهاب بیره رول مهمی را بازی میکنند.

### « کی ری » یا کرم خورده گی دندان:

خصوصا خالی گاهایکه در نزدیک بیره بوجود آمده، و کناره های ناهموار آن ها بیره را آزده میسازد و بعلاوه برای جمع و تراکم مواد غذائیه و تریه جراحت موضع مساعد را تشکیل میدهند. (این جور دندان ها اگر قابل پر کاری باشند پر کاری، ورن کشیده شوند).

### پر کاری های ناقص و نامکمل:

آنها یکه حواشی و کناره های ناهموار داشته باشد و یا اضنا فگی، آنها بر بیره فشار وارد نماید. آنها یکه نقطه اتکاء، بین دو دندان را تجدید و اعاده نکرده باشد و بدین طریق تراکم ذرات غذائیه را معاونت نماید. آنها یکه دو خالی گاه دو دندان هایجاور را پر و دندان را بهم بیوسته و یک دندان از آنها ساخته باشد. و امثال آنها همه برای صحت بیره مضراند.

### کارهای یروتیز ناقص:

پل هایکه پوش های دندان استنادی آنها بالای بیره فشار بیجا وارد میکند. پوش های بزرگتر از دندانهای پوش شده، برای جمع بشدن غذا، ونشو ونمای جراحت مساعد میکند. پل هایکه سطوح های فعال اجزا، آن بادندان های مقابل طبیعی و سالم بوضع بلندی تماس میکند دندان های مصنوعی که کروشه های آنها بالای بیره اتکاء داشته باشد.

### سوء تشكیل وسوء ترتیب دندانهای طبیعی:

تراکم دندان های جلوی یا یانی بطوریکه از استقامت قوس فک اسفل خارج شده باشند بیره را

متاثر و ملتهب می‌سازد اگر دندان نهای جلوی بالائی بادندان های مقابل پایانی بصورت طبیعی تماس وارتباط قائم نکرده و بعوض بر بیره های پایانی صدمه بر ساند.

### گرفتن اشیاء مختلفه در بین دندان ها :

گرفتن بعضی اشیاء از قبیل آلات موسیقی چون توله و ترمیفک، سوزن و نخ در خیاطان، زدن دندان ها با قلم و یا چیز دیگر، نهادن انگشتان بین دندان ها. در همه این صورت ها فشار بیجاویه و ده بردندان خشأ، اطراف ریشه، استخوان الیوی، وبالآخره بیره رامتأثر می‌گرداند.

### کاویدن و پاک کردن دندان ها با دندان خلال و نخ :

کاویدن دندان ها بذریعه دندان خلال، چوب گوگرد وغیره استعمال نخ برای همان مقصد برای صحت بیره مضر می‌باشد. اگر چوب یانخ درین دندانها بشکند. از رطوبت متاثر شده، و بر حجم آنها افزوده می‌شود، دور کردن آنها موجب تکلیف زیادی می‌شود.

### خوردن چیز های لیپی و ریشه دار

خوردن بعض چیزها مانند نیشکر و گوشت های معمول وطنی ریشه هادر وفت جوییدن مانند تارهای محکم از مابین دندانها کشیده شده، و قسمتی از آنها درینجا بندمانده، انسان را به دردسر مبتلا می‌گرداند. مضرات گوشت از این نقطه نظر خیلی زیاد است. طریق فنی تهیه گوشت این است که الباف و ریشه های گوشت نرم و بطوری قطع شوند، که خائبیدن آنها انسان را تکلیف ندهد.

### عادت نصوار :

نصوار یکی از عوامل مهم تولید مرض بیره است. اجزاء مختلف آن چون چونه و نکوتین تنبایک وغیره برای سلامتی و عافیت بیره خیلی مضر می‌باشد علاوه بر تخریش کیمیاگی، ذرات درشت نصوار درین دندان ها و درزیز بیره جم شده باعث تخریش و انزجار میخانیکی آخرالذکر می‌شود. و نیز نصوار رطوبت دهن را از تقلیل ترشحات غده های براقبه کمتر می‌سازد. خشکی دهن مرسوبات آهکی را بیشتر ساخته، و جالس التهاب و اشتغال بیره را مضاعف می‌گردد. بالآخره، نصوار دهن را متفقن و بی ذایقه نیز می‌سازد. بنابر ملاحظات فوق اجتناب از استعمال اولی است.

### مرج و مصالحه جات و ترشی جات :

استعمال بی اعتدالانه این مواد بفرض نشاط ذایقه وحظ طعام، برای صحت بیره مضر می‌باشد. عادت مفرط مرج دردهاتی ها بدون شک محرك مرض بیره می‌باشد.

### پاک کردن دندان با برس بدون مراعات شرائط صحی:

برس کردن ، بذریعه اکثر مردم موجب تخریش و انزجار بیره میشود . در دندان های بالائی باید سمت حرکت برس از بالا (بیره) بطرف پایان (تاج دندان) باشد ، در دندان های پایانی سمت حرکت برس از پایان (بیره) بطرف بالا (تاج دندان) باشد از برس کردن غیر اصولی بیره دندان های عقیقی بیشتر متاثر و منجر میشود .

### استعمال محركهای رابری وغیره :

بغرض تقویه و تحریک جریان خون در نسیج بیره اکثر آفایده و نتیجه معکوس و منفی می بخشند بعض بیره را آزرده تمیسازد .

از عوامل فوق ، عامل اول الذکر درین اهالی این سرزمین بیشتر مسئول تولید مرض بیره است ، عدم نظافت اعینادی دهن ، برای تجمع مواد آهکی در فردیک حواشی و در تحت بیره و برای تعنیه و تربیه جراثیم ، خدمت بزرگی را انجام میدهد . و چونکه در اینجا اکثر آمراض ضعف چون سل ، ملیریا ، فقر الدم مزمن ، و امراض متعدد جراثیمی چون « تای فاید » و غیره بدن هارا منزل و ماوای خود ساخته ، و مقاومت حیاتی سلول ها و نسوجات را پست برده و یا میرند ، بناءً علیه بیره های مردم به قبول و نشر ، تغیرات غیر طبیعی بسیار مستعد و آماده میباشد و یک عادت دیگر هم برآورده و کرت این مرض می افزاید ، و آن عبارت است از خوردن و نوشیدن یک عدد از مردم تنها از یک کاسه و یک جام ، کشیدن دود از یک چلم ، هر چند این عادت و مسئله انتقال امراض دیگر هم میشود ، ولی با این هم مردم از مضرات آن آگاه نیستند خلاصه در نتیجه فعالیت و مدخلیت جمیع این عوامل مختلفه که قبل از مذکور شدیم ، بیره ها دچار تغیرات نامطبوع میشوند .

### پتالوژی یا تغییرات نسبی در مرض بیره :

در پیوره بیره ها رنگ طبیعی خود را از دستداده و از گلابی شفاف و منقط به سرخ ، سرخ نیلگون ، سرخ جگری ، و سرخ تاریک مبدل میشود . بعلاوه ، خاصیت الاستیکی آن نیز از میان میرود . یعنی اگر قسمت آزاد آن را بذریعه پنس آهسته به کشیم و بیجانماییم واپس به وضعت اولی خود مراجعه نمیکنند ، بیره عموماً آماسیده و اسفنجی بنظر میخورد ، و ازاندک صدمه ، و حتی از نفس کشیدن نیز ، خون ازان در جریان می آید . و اگر حالت مذکوره بطرف ریشه پیشرفت شایانی کرده باشد ، از فشار بالای بیره یک ماده سفید زرد رنگ خارج میشود . و اگر یک آلة نوک دار کنده اگرفته ، بین دندان و بیره داخل نمائیم و آهسته آهسته پیش بیریم ، خواهیم دید که تا فاصله های مختلفی در راه آن جیزی مانع واقع نمیشود . بعباره دیگر مرض بیره ، غشاء اطراف ریشه را نیز حمله و ویران نموده و یک فاصله غیر طبیعی را که موسوم به « پاکت » یا جیب بیوره است بوجود آورده است و این یا کت به قسم نخن مواد غذاییه ، جراثیم ، مرسوبات آهکی ، وبالآخره نخن

ریم بوده ، و عمق وسعت آن نماینده پیشرفت مرض میباشد . اگر عمق پاکت قابل ملاحظه باشد و دندان حر کت غیر طبیعی داشته باشد ، حالت مذکوره صعب العلاج خواهد بود ، و اگر عمق پاکت بالعکس کمتر باشد و دندان دارای حر کت نباشد ، آینده تداوی اطمینان بخش است . خروج ریم از بیره دهن رابی ذایقه و بی طعم میسازد ، و در بعضی باعث التهاب گلو ، و اغتشاش هاضمه نیز میشود .

چون مرض پیشرفت زیادی کرده و به مزیست سیر کرده باشد ، غشاء محافظ از بین رفته و طبقات داخلی نسج بیرون مستقیماً با خارج تماس و ارتباط حاصل میکند ، خون شدن و مجروح گردیدن آن یک امر عادی میشود ، بیره درینصورت مانند گوشت خامیکه تازه از بدن جیزی جدا شده باشد بنظر می آید .

این علاماتی را که در فوق ذکر نمودیم ، تغیرات مهم نسبی بیره بوجود می آورد . و این تغیرات ذیلاً توضیح می شوند : در صورتیکه عامل مرض بیره مقامی و موضوعی بوده ، و هیچیک علت عمومی مانند دیابیطس ، و فقر الدم مزمن وغیره درعقب بوده کارروائی و تأثیر افگنی نکند عارضه بیره بدین طریق بوجود می آید : عوامل تخریش چون مرسوبات آهکی ، ذرات غذا یه ، مواد کیمیا وی ، جراثیم و امراض آن در بین بیره و دندان حایل شده . مو جب آزار و افزایش اول الد کر میشوند . و عمل التهاب کدر حقیقت یک نوع فعالیت دفاعی بدن در مقابل تعدی عوامل خارجی است ، بکار می افتد . شرائین کوچک بیره در اثر تخریش و سمعت اختیار کرده و خون زیادی بطرف خارجی بیره در جریان میشود . و از این جهت است که رنگ بیره درین وقت سرخ معلوم میشود . و اگر اسباب تخریش رفع نشود ، بالاخره جریان خون بطي و دیوار نیلهای خون در اثر فشار متواتر خاصیت الاستیکی خود را از دست میدهد . دمه شدن خون در قسمت آورده بیره رنگ آن را سرخ نیلگون میسازد . خلاصه چون خون بقدر از زیاد بنقطه تخریش میرسد ، فشار وارد آن ، قسمت مایع خون را از جدار شرائین خارج میگرداند . و سلول های سفید دفاعی بواسطه حر کت ذاتی ازانجا برده و درین نسج بیره پراگنده و انتشار می یابند قسمت مایع خون بذریعه سلول های ستون شکل غشاء محافظ جذب شده و ازانجا به سلول های فوق انتشار می نماید . هسته های مرکزی در تحت فشار آبی هلاک و ماده سمنت که سلول ها را باهم محکم وصل نموده ، محلول و از میان میروند . در اثر این تغیرات طبقات خارجی غشاء محافظ جدا شده می افتد . درینوقت فاصله بین شرائین بیره و نگاه بیننده کمتر میشود . یعنی واسطه حایله کمتر میگردد . و از این جهت رنگ خون سرخ بنظر میخورد . اگر عوامل تخریش ازاله و رفع نشوند ، این کیفیت بالاخره به بر هن شدن بیره از غشاء محافظ آن خاتمه می یابد و قسمت های تحتانی پا داخلی بیره بیشتر معروض عوامل خارجی میشود . و چون حالت مذکوره تداوی و علاج نشده

و مز من بشود، جدارهای نل‌های خون مسترخی شده و اجازه خروج را به سلول‌های قرمز خون میدهد این سلول‌ها درین نسج بیره پراگنه شده و مانند اجسام خارجی به تخریش قسمت‌های داخلی بیره می‌پردازند. سلول‌های مذکوره تحلیل و تجزیه شده، بهمراه گلوبین تجزیه شده و این هم بنویه خود، به مرکبات بسیط تری تحويل می‌یابد. این تغیرات بیشتر بیره را آزرده و منجر می‌سازد. سلول‌های سفید خون به تعداد زیاد آمده و در پاک کردن این مواد خوش عطف توجه می‌کنند. این سلول‌های دفاعی به تعداد کثیری از پادرافتاده و به مرور زمان بادیگر سلول‌های مرده خود بخود مستحیل بهمایع می‌شوند، و یک ماده سفید زرد رنگ را که موسوم به پس یاریم است تشکیل میدهند. این ماده در دوره‌های مزمن صرسی بیره، به مقدار زیاد خارج می‌شود و مریض را دچارتکلیفات می‌سازد. ( طوریکه دیدیم تغیرات مهم در رنگ بیره در اثر تحلیل و تجزیه ماده ملونه خون جلوه گرمی‌شود ) . ریم عبارت است از یک ماده سفید زرد رنگی که دارای قوام مخصوصی بوده و از مستحیل شدن سلول‌ها و نسوجات مرده تشکیل می‌یابد. سفیدی آن از باعث موجودیت سلول‌های سفیدخون است. اگر در تولید التهاب جراثیم اشتراك یا باشند ( یا اشتراك داشته باشند ) ریم جراثیم می‌باشد و برای صحت مضر می‌باشد. و اگر التهاب بدون اشتراك جراثیم بعمل آمده، ریم تشکیل شده غیر جراثیمی معقم می‌باشد.

یک تغیر بسیار مهم دیگری که در مریض بیره بوجود می‌آید، تشکیل « یاکت » یا جیب بیوره می‌باشد. برای دانستن حرز تولید آن بهتر است به ساختمان طبیعی بیره مراجعه نمائیم. طوریکه بیشتر گفته بودیم، غشاء محافظ از ذروه بیره پایان آمده در حد فاصل مینای تاج و سمتت ریشه بایک غشاء نازک و محکم ماده قرنی که باسطح مینای تاج بصورت بسیار متراکمی پیوستگی دارد، اتصال حاصل می‌نماید. این غشاء ماده قرنی یک تاریخ دلچسپی دارد. در اوایلکه دندان‌ها از زیر بیره خود را کشیده و در گمان استخوان‌های الاشه مقامات و مواضع مخصوصه خود را اشغال می‌نماید تاج‌های آن ها غشاء محافظ بیره را از هم نمیدرند، بلکه آن را با خود بالامی برند بقایای سلول تاج‌های که در تولید منشور‌های مینا اشتراك ورزیده بودند، نیز در تحت غشاء محافظ وبالای تاج‌های موجود بوده و در اثر فشار زیاد با آنها یک غشاء محکم را ترتیب میدهد. سلول‌های آن‌ها فاقد هسته های مرکزی گردیده. وبصورت یک ماده قرنی مبدل می‌شوند. در تحت ما یکرو سکوب این غشاء بیش ازدو و یا سه طبقه سلولی ندارد. با وجود این، اهمیت این غشاء خلی زیاد است چه ارتباط آن با غشاء محافظ بیره یک ساختمان بسیار قیمتی را که ما بنام « پیوستگی » غشاء محافظ ذکر کردیم می‌سازد. این ساختمان یک خط دفاعی، مستحکمی است برخلاف جراثیم وغیره مواد خارجی که اراده داخل شدن در بیره یاد رغشا، اطراف ریشه را داشته باشند. بدینظر بق ارتباط غشاء محافظ در حفظ الصحة بیره و غشاء دندان رولی مهمی را بازی می‌کنند.

بعداز اخذاین معلومات مختصره درباب بیو سنتگی غشاء محافظ ، اینک بدانستن طرز تشکیل «پا کت» یا جیب بیوره می پردازیم . در فاله کوچکی که بین بیره و دندان وجود دارد ، مواد مختلفه جمع میشود . فرض میکنیم که این مواد هر سوابات یاستنگریزه های چونه میباشد . بیره از تماس با اینها افزار و تخریش یافته برای دفاع خود به التهاب می آید . و تمام تغیرات غیر طبیعی که بیشتر ذکر یافته بود ، بروی کار می شوند . سلول های ارتباط غشاء محافظ در اثر این تغیرات خراب گردیده ، ساختمان دفاعیه مذکوره ازهم می شکند و راه را برای تهاجمات جراثیعی و داخل شدن مواد خارجی بازمیکنند . اگر عامل تخریش رفع نشود ، مواد دیگر بروی آنها افروده و فشار بالای بیره و غشاء اطراف ریشه زیاد شده و بر توسعه و امتداد پاکت افزوده میشود . تخریب سلول ها در بین این ساختمان پتاولزی ، و مستحیل شدن آن هابه مایع ، تشکیل ریم میدهد . چون بیو سنتگی غشاء محافظ بر طرف میشود ، سلول های غشاء محافظ بیره بطرف داخل پاکت آغاز به نشوونما میکنند و بطرف انجام ریشه امتداد می یابند . و بدین طریق یک جدار بوجود می آید که بیره را از دندان جدا نگاه میدارد بین این جدار و دندان مواد کشنه جمع شده ، به تولید ریم اعانت می ساند . تشکیل جیب عموماً از طرف بیره بجانب ریشه انجام می پذیرد ولی عکس آن نیز واقع شده میتواند . مثلاً اگر مرض از اطراف انجام ریشه البسه دار غشاء حول ریشه راحمله کرده و بطرف تاج دندان انتشار یابد ، با لآخره ارتباط غشاء محافظ را در انتهای بخارج باز میشود . (در بعضی امراض مهلك خون بیره بی اندازه بزرگ میشود و تاج هارا تقویاً می پوشاند . در این صورت فاله بین دندان و بیره عمق زیاد پیدا میکند . این وضعیت پاکت حقیقی را نشان نمیدهد .)

بعداز تشکیل پاکت و امتداد غشاء محافظ بیره بطرف ریشه ، رشته های غشاء و حول ریشه از استخوان الیولی جدا میشود وبالاخره مستحیل به ریم میگردد . و چون قوه کشش تار های مذکوره از میان میروند ، استخوان الیولی مکوم به تغیرات نقصانی میشود . نزول و سقوط ذروهه الیولی ، ذروهه بیره را نیز بدرجات پستی تنزل میدهد .

در اثرهه این تغیرات ، بین دندان سست شده میروند . و دندان از تأثیر قوی مضغیه بیشتر متآثر میگردد . و این باعث حرکت غیر طبیعی دندان و موجب تکلیف مریض میشود .

### تمدوی :

تمدوی :- اساس تمدوی بر تشخیص صحیح نهاده شده . بدون تشخیص و تعیین عوامل موثره که یک مرض را تولید کرده اند ، تمدوی جز نتیجه منفی نمی بخشد . در بعضی امراض که عوامل آنها مجهول مانده ، انسان از تمدوی و تدابیر علامات ناگزیر است . امانتا جائیکه امکان دارد ، باید در کشف علایاصای مرض کوشیده و بعد به تمدوی اساسی عطف توجه کند .

در بیوره بیره نیز مراعات این شرط مهم لازمی است . بدون رعایت این پرنسیپ . تداوی یک نوع هوا ییمائی خواهد بود . تشخیص صحیح بنوبه خود وابسته به امتحان فزیکی ، امتحان های کلینیکی ، و تاریخچه مکمل صحی بوده ، و آخر الذکر یعنی اخذ و قید تاریخچه صحی مهمترین مبایش . و این معلومات از نهادن سوالات ساده و معقول به مریض بdest می آید .

از روی این اجمالی صحی ، تداوی های سابق برای مرض بیره ، و امر ارض مضطمه چون سلی ، سفلس ، دیاپیتس ، امراض لمفیه خبیثه ، فقر الدم مزمن و امثال آن ها ، بما معلوم و مکشف شده ، و برای نهادن یک اساس درست رژیم تداوی معاونت های شایسته میگند . قبل از تداوی جدید باید از تداوی های سابق آگاه باشیم . و تنها بدینظریق میتوانیم از بعضی غلطی ها بر کنار و محفوظ بمانیم . اهمیت دانستن امراض دیگر از این است که بیره یک نسج خیلی حساسی بوده و از عوارض عمومی بدن متأثر شده مظہر علامات آنها میشود . و یا افلاً قوه مقاومت او در مقابل عوامل مضره پست میشود و برای قبول امراض آماده میشود . اگر یکی از این امراض در بین مریض بیره موجود باشد ، لازم است در دور نمودن آن کو شید اکرآ تداوی عادی و معمول بیره مولد کدام نتیجه مبتقی نمیشود ، و در این حالات معاینه و امتحان فیزیکی و کلینیکی مریض یک امر حتمی است . تا عوامل مخفی را کشف و تداوی بیره را در سایه تداوی طبی مریض تامین نموده باشیم .

بیره مریضان دیاپیطی اما سیده و خونین میباشد . غشاء حول ریشه خراب و نکروز گردیده باعث حرکت و جنبش دندان میشود . علتش مملو گرددین سیستم خون رسانی بیره است از مواد شکری . جریان خون در شبکه بندی شرائین واورده کمان شکل بیره بطی و حتی مسدود میشود . شکر نسوجات را زمینه مساعدی برای نشوونمای جراثیم میسازد . و عدم نظافت دهن با این کیفیت اساسی یکجا شده ، بیره را یک نسج اسفنجه و خون آلو دمیسازد دندانها از جنبش و حرکت زیاد محکوم به کشیدن میشوند . مریض دندان های خود را فاقد میشود . این رقم مرض بیره اساسی نیست بلکه علاماتی و فرعی است و ازاله آن وقتی صورت می یندیرد که علت اصلیش را بذریعه تداوی مرتب با «السلون» از بدن دور نمایم . مشوره با دکتور ر طب حتمی است و دکتور دندان تنها به حفظ نظافت دهن مریض بگوشد و سر نوشت مریض را بدست دکتور طب بسپارد .

در قلت «ویتامین سی» که اکثر ادراط فال دیده میشود بیره ها و ضعیت خرایی را اختیار می نماید . و خود بخود خون میشود . جلوگیری و علاج آن تهیه ویتامین مذکوره است به مریض .

tedaoi «بسمت» برای سفلیس موجب علالت و سیاهی بیره ها میشود . قطع کردن ارثیم تداوی و پاک داشتن از مرسوبات متنوعه ، بالاخره به بهبودی و اعاده صحت بیره ها

تمام میشود . در سومیت‌ها بذریعه مرکبات سرب و سیماب و غیره بیره‌ها اسفنجی میشود . و مقابله دندان‌های جلوی پائینی سیاه شده ، خط سرب (یاسیماب) را تشکیل میدهد . علت اصلی این عوارض را کشف و از الله باید نمود و به نظافت و صفائی دهن باید کو شید . تقویه بدن را بذریعه اغذیه متوازن صحی تامین باید نمود . در امراض «لوکیمیا» بیره‌ها بی اندازه بزرگ میشوند . مثال امراض دیگر در رفع علت اصلی باید پرداخت .

در زنان حامله و حاضره بیره‌ها به تغیراتی دچار شده و در نتیجه زود زود خون میشود . این از باعث تبدلات فریالوالزی جسم بوده ، وبعد ازانکه بدن بحالات اصلی خود مراجعت کند بیره‌ها نیز خوب میشوند . اما در همه حال دهن را نظیف باید نگه داشت .

مقصود از تندکار امثله فوق این است که ما باید همیشه اهمیت دانستن حالت عمومی بدن مریض را ملاحظه داشته ، و در گرفتن اجمالی صحی این نقطه را اهمیت شایانی بدھیم .

برای تشخیص ، گرفتن تصاویر اشعه مجهول دندان‌ها و بیره‌ها نیز شرط است . از اینها معلومات ذیل بدست می‌آید . اول . وجود مرسو بات سنگریزه‌های چونه در اطراف دندان و تحت بیره ؛ دوم . وجود تغیرات ردیه چون البسه ، «گرن یولوما» وغیره در انجام ریشه ؛ سوم . حالت استخوان الوبولی : آیا استخوان مذکوره دستخوش تبدلات نقصانی شده یا نی . چارم تشکیل پاکت یا جیب وامداد آن به مواد ریشه ؛ پنجم . حالت غشاء حول ریشه ، آیا دران تغیرات رو داده است یا نی .

علاوه بر تصاویر اشعه مجهول ، باید اثر دندان‌های بالا و پائین گرفته و از گچ ریخته شوند . و مادل‌های حاصل شده بصورت درست و مناسب تراشیده و آنها را در جای محفوظ بگذارد . فائدۀ آنها این است که علاوه بر ترتیب دندان‌ها ، برای ما حالت قبل از تداوی بیره‌ها را نشان میدهد . بعداز اختتام سلسله تداوی باز مادل‌ها ریخته شده ، وبمادل‌های سابق مقابله شوند . فرق مرئیه نتیجه تداوی را نشان میدهد .

### رژیم تداوی :

بعداز آنکه خود را از طرف امراض داخله وغیره آسوده و مطمئن ساختیم ، وتصاویر و مادل‌های گرفتیم ، آغاز به تداوی می‌نماییم . این رژیم تداوی که ذیلا ذکر می‌باشد ، طریق محافظه کاران را تطبیق میدهد . وبعد از بیان این طریقه ، به ذکر مختصر طریقه‌های دیگر نیز می‌پردازیم .

در جلسه اول قسمت‌ها و سطح‌های مرئی دندان‌ها را بکمال دقت و احتیاط پاک و صفائی کنیم . و تمام سنگریزه‌های چونه را دور می‌نماییم بدون آنکه بیره را متأثر و صدمه بردار . بسازیم . برای این مقصد سمت حرکت آلات پاک کننده از طرف بیره بجانب تاج دندان

باشد . در این وقت دکتور باید چشم های خود را بذریعه عینک از صدمه سنگریزه ها ، و انتشار مرض بذریعه جراحت حفاظه نماید . بعد از دور نمودن سنگریزه ها ، دندان هارا بذریعه نوک های چوب نارنج وغیره با خمیره ریگ بسیار میده و گلسرین صیقل ویا لش بدھیم . استعمال بر س بذریعه ماشین مناسب نیست چه بیره میکنست آزرده تر شود . بعد ازان بیره ها را باقداری آب اکسیژن لواز میکنیم .

در جلسه دوم : تحت بیره و قسمت ریشه را از مواد خارجی پاک و نظیف میسازیم . مرسوبات آهکی زیر بیره از یک ماده خیلی سخت ، سیاه یا کبوترنگ تشکیل یافته . ورنگ آن از تاثیر تجزیه هموگلوبین خون و حاصلات جراحتی است . در جلسه های دیگر به صیقل و پاش ریشه و همارسانخت آن ها بذریعه سوهان و دیگر آلات مخصوص می پردازیم .

در تداوی بیره ، منہدم و محسوساختن پاکت پیوره یا امر حتمی و مشکل است . تا وقتیکه پاکت موجود است ، ریم از بیره جریان خواهد نمود ، و عمل التهاب بصورت منی ادا مه خواهد یافت . استعمال سطحی ادویه جات برای انهدام پاکت منید واقع نمی شود . چه دوا ، تنها سلول های سطحی را متاثر ساخته و سلول های داخل پاکت را بحال خودشان میگذارد . هر چند لواز پاکت تایک اندازه محتویات آن را دور می نماید اما یک امر مهم که عبارت از بر صرف نمودن جدار غشاء محافظ پاکت و تشکیل اتحاد میخانیکی بین بیره و ریشه دندان جز بذریعه آلات و سامان مخصوص صورت نمی گیرد . با این آلات تیزوزاویه دار جدار مذکور را پاک نمود ، و بیره را قابل این می سازیم باسطح ریشه نزدیک ترشده معانقه نماید .

وجون پاک و ریشه صاف و همار ، وجدار غشائی از مایمین برداشته و اتحادیین بیره و ریشه قایم گردید ، دیگر مواد خوش به سهولت زیر بیره جمع شده نمیتواند بشرطیکه شرائط نظافت دهن مراعات شود . واين تنها در حالاتی است که پاکت سطحی باشد و دندان حرکت محسوسی نکند . اتحاد بین بیره و ریشه بعد از تداوی مخفیانکی بوده ، اتحاد فزیال اوتزی شده نمیتواند . زیرا ارتباط غشاء محافظ قابل تجدید نیست . همین اتحاد میخانیکی نیز برای مقاصد صحی مرضی کفايت میکند . و حرکت خفیف دندان در اثر این معانقه بیره و دندان رفع می شود . بعد از پاک کردن و دور کردن پاکت بیره هارا با یک نوع وا رنش مخصوص می طالی کنیم ، تادهن پاکت را بر مواد خارجی مسدود نمایم . عمل ازاله پاکت پیوره وقت و حوصله زیادی بکاردارد . و روزانه باید دویاسه دندان تحت عملیات گرفته شود . در طی تداوی مرضی باید با دکتور دندان تشریک مساعی و ابراز تسانده وتعاون نماید ، و مطابق هدایات او عمل و رفتار کنند .

### تکالیف مریض :

مریض باید در تداوی بیره باد دکتور معاونت اخلاقی و روحی نماید . در وقت اخذ اجمال

صحی از دادن معلومات صحیح خود داری نکند . زیرا اگر جمله عوامل مستقیم وغیر مستقیم مکشوف نگردد ، تداوی بی فائده تمام می شود . مریض باید به مواعید ومواقعیت تداوی پابند باشد . در برس نمودن دندان ور عایت دستور های صحی ، و خوردن اخذ یه ویتامین دار از هدایات دکتور بیرونی کند . واگر ضرورت به دکتور طب یافته مریض باید از مراجعه باوقا فل نورزد . زیرا در بعضی حالات این عمل اساس بهبودی او را میگذارد .

برای یاک داشتن دهن برس کردن دندان هارا یک عادت منظم بسازد . در ابتدا برس نرم و کوچک استعمال شود . و در برس کردن همیشه از بیره بطرف تاج دندان برود . تایپره را بی جا آزره نگرداند . و برس را هرگز از جانب بجانب استعمال ننماید . از مرچ ، نصوار ، و دیگر مواد خوش بیره اجتناب کنند . غذا بیشتر از سبزیجات و میوه های تازه مرکب باشد . گوشت میده را بر گوشت ریشه دار ترجیح بدهد . از شیر یعنی جات و خورده نی های سخت و درشت اجتناب ورزد . از همه مهمتر مریض باید برد دکتور خود اعتماد واطمینان کامل داشته باشد .

#### عقابت تداوی :

حسن نتیجه تداوی بیوره بر عوامل مختلفه تعلق دارد . از همه اولتر صحت عمومی و درجه مقاومت سلول های بدن در مقابل عوارض قابل ذکر است و اگر مریض از امراض عمومی و امراض مضعیه فارغ و آزاد باشد ، و عمق پاکت کم باشد ، تداوی فائد خواهد بخشید ، درجه مرض بیره : اگر تنها یک ربع ریشه متأثر شده و دندان حرکت نکند ، تداوی نتیجه خوب خواهد داد . اگر نصف ریشه بر هن شده باشد ، از تداوی امیدوار بودن بد نیست . واگر سه ربع آن بر هن گردیده باشد ، آن تداوی تاریک است . مریض باید فکر و نظریه دکتور خود را سعی کند تا بفهمد . تداوی بیره ناقابل علاج جزئیات وقت دکتور وضیاع یول مریض دیگر فائده ندارد .

مشکلات تداوی مرض بیوره در این است که دهن و بیره ها استراحت و ظایفی کرده نمی توانند . و دهن باید در او قات معینه اشیاء مغذی را برای رفع جوع مرض از خارج اخنده نموده ، و دندان ها باید غذاء را جو یده و خورد خورده ساخته برای انجام وظایف معده آن هارا تیار آماده بسازد . طبیعی است که در این حالات بیره راحت نداشته و مصروف کار می باشد . و سلول های آن فرست ندارند به ترمیم والتها م آن در وقت کوتاه تری بپردازنند . در امراض دیگر حرص بدن ، استراحت رول بسیمی را بازی میکند مثلاً در انکسار استخوان ، استراحت عضو شکسته سلول های مختلفه را وقت کافی میدهد تا نسیج جدیدی تولید و شکستگی را ترمیم بنمایند اما در امراض دهن و بیره این استراحت وظایفی امکان ندارد زیرا دهن همیشه باید باجرای وظایف خود توجه کند و علاوه بر آن یاک داشتن بیره

از جرائم ومواد خارجی دیگر، محل میباشد. بنابرین ملاحظات تداوی بیره در اشخاص ضعیف البته و کسانیکه بعرض های مزمن گرفتاراند، وقت و دوره دور و درازی لازم داشته، واکثر آنتیجۀ دلخوا نمیدهد. برای دکتور دندان لازم است که این اطلاعات را قبل از شروع تداوی برای صریض توضیح و تشریح داده، و حقیقت را برای او برهن نماید. واوراً بوعده های بی اساس خوشوقت نسازد، در صورتیکه علامات و امارات برنتیجۀ منفی دلالت مینماید.

### طرزهای دیگر تداوی:

جراحی بیره در مرض پیوره طرفداران دارد. اما صورت رادیکال آن خلاف مصلحت بوده ونتیجۀ آن بر هنر شدن ریشه های دندان است از بیره ها. این جراحی عبارت از قطع نمودن تمام نسج های صریضیه وردیه بیره است و جای آنها را بدزیریه موم پر و ترمیم نمودن. معایب و نواقص این عمل ازین قرار اند:

اول: بر هنر شدن ریشه ها و این خلاف مقصد اصلی تداوی که عبارت از اعاده صحت بیره برای حمایه ووفایه دندان ها است، میباشد. دوم: بیره و دندان ها حسن وظرافت اولیه خود را از دست میدهدند. و چون صریض خنده کنند یک منظره نا مطبوعی به ناظر صریع میشود. سوم: دندان ها حساس میشود. چهارم: کامیابی و حسن عاقبت این جراحی مشکوک میباشد. خصوصاً در حالیکه سه ربع ریشه بر هنر شده باشد. فعالیت وظایفی دهن و داخل شدن جراثیم وغیره بدنه عمل التیام رابطی میسازد.

سوختاندن بیره ها بصورت شدید نیز خلاف مصلحت است. زیرا اثرات این عمل به سلول های خارجی محدود بوده به متنهای پاکت نمیرسد. و نیز سوختاندن سلولهای غشاء محافظ را هلاک نموده وطبقات تحتانی نسج بیره را به صدمات و اثرات عوامل خارجی بیشتر معرض میگردداند. بناءً علیه در استعمال سوزن های برقی باید کمال احتیاط و اقتصاد مراجعات شود.

از استعمال کاستیکها برای تداوی بیره چون حمو ضات ضعیف وغیره حتی الا مکان خود داری لازم است. تاثیرات این طریقه تداوی مانند سوختاندن بر قی است. حمو ضات مانند کرومک ایس در خاب نمودن سلول های سالم و من پیش امتیازی قایم کرده نمیتواند. و اثرات آن تا عمق یا کت نفوذ نمیکند. غشاء محافظ بیره تباہ شده، و بیره در آینده معروض هرگونه صدمه میگردد. و بزودی خون ازوجاری میشود. استعمال طولانی کاستیکها در بیره یک گونه تحمل ضد ادویه را ایجاد میکند. تینچر ها بحیث ادویه ضد تغییرش نیز باید بسیار استعمال نشود.

اگر حالت بیره، غشاء حول ریشه، واستغوان «الویولی» قابل اطمینان نباشد و دندان ها بی اندازه حرکت و جنبش داشته باشند، علاج قطعی کشیدن تمام دندان های ردیه است. در صورت های دیگر که حالت بیره و دیگر نسوجات مجاور اطمینان بخش است، طریقه تداوی محافظه کارانه بهترین بوده، مولد نتایج خوبی خواهد شد. انتها.

## بعضی از اختراعات جدید

بناغلی علی احمد خان «نعمی»

از ابتدای پیدایش تا حال که قرن بیستم است علم و دانشمندان اختراعات و اکتشافات گوذاگونی نموده اند تا اینکه طرز زندگانی اولیه پسر بصورت کنونی در آمد .  
معهدا نباید تصور کرد که زندگانی بعد اعلای خود رسیده و مدنیت بشر متنهای اوج و ترقی را کسب کرده است . بلکه تنها باید گفت کامروز دانشمندان نسبت بقرون ماضیه بیشتر در راه اختراعات و اکتشافات مجاهدت و جان تاری میکنند .

از جمله اختراعات محیر العقولیکه در عصر کنونی وجود آمده اند یکی تلویزیون است که میتوان ذریعه آن از فاصله دوری چگونگی جسم و اوضاع حرکات اشخاص را مشاهده کرد .  
اگرچه تا کنون این اختلاع مورد استفاده عموم واقع نشده مگر با آنهم جای هیچگونه تردید نیست که بودی زیاد همگان مانند دگر ایجادات ازان تتمع خواهد برد .

طوریکه در مقدمه مقاله سال گذشته راجع به اختراقات خاطر نشان شده است ، به تجریثات گردیده که هر اختراعی که در اول بر حلة عمل وارد می شود دارای نواقص زیادی بوده و بتدریج نواقص آن تکمیل شده است . تلویزیون را نیز باید تابع این اصل اساسی شمرد و اکنون کاشکالات عملی شدن آن رفع شده نواقص نیز متدرج ازین برداشته خواهد شد و صورت تکامل و عمومیت را بخود اتخاذ خواهد نمود . و بااید منتظر بود که این اختراقیکه بعد از طیاره و تلگراف پیسیم و رادیو و امثالیم پادر عرصه وجود گذاشته است ، در طرز زندگانی پسر فصل تازه باز و قیافه آنرا تغیر کلی خواهد داد . و در بسیاری از مسائل حیاتی تأثیر آن بزودی آشکار خواهد شد .  
تلویزیون امروز در آلمان و انگلستان بسرعت در پیشرفت است ، اگرچه جنگ و زد و خورد های امروزیکه در اروپائی ها بروی کار آمده تایک اندازه پیشرفت و تکامل آن رابطی ساخته مگر با آنهم امید میرود که بزودی به مرحله کمال خود برسد .

این اختراق ، مانند رادیو و تلگراف دارای دودستگاه می باشد یکی فرستنده و دیگری آخذه .  
تلفن راهمه ما دیده ایم و با آن در امور رسمی و غیر رسمی خبره زیاد کرده ایم . تنها تفاوتی که تلفن با تلویزیون دارد اینست که تلفن اصوات و صدای هارا منتقل میکند ولی تلویزیون اشکال و نقش رابجای دیگری نقل میدهد .

طوریکه گفتم دستگاه های تلویزیون تا کنون مورد استفاده همگان واقع نشده ولی چند

دستگاهی که کار میکنند بازروت و مصرف هنگفتی صورت گرفته اند و تعداد آنها فوق العاده کم و ناچیز میباشد . چیزیکه هست باید امیدوار بود که این اختراع هم مانند سایر اختراعات پس از مدت کوتاهی باندازه فراوان و زیاد شود که هم مردم از آن استفاده نموده و مصرف فوق العاده هم نداشته باشد .

رادیو که امروز دریشتر شهر های بزرگ دنیا جزو اثاثیه ضروریه زندگانی شده است و در مملکت ماهمن به آن مدت کمی می شود که احتیاج زیاد حس گردیده دستگاه فرستنده آن نصب و همگان بتوسط دستگاه های کوچک آخذ خویش از نشریات آن استفاده میکنند تا چندی قبل از چیز قفس و تجملی بیش نبود . بدینظریق امیدواری زیاد است که تلویزیون هم مانند رادیو فراوان و مورد استفاده عموم واقع شود .

بهتر صورت از روزیکه برق یا به دنیا گذاشت و در دست استفاده بشر قرار گرفت هزاران امید دور و دراز روز بروز در دل انسانها پدیدار و در اثر مجاهدت دانشمندان بخود صورت عملی و حقیقت را اختیار کرد .

از مطلب دور افتدیم و تحالی بحث مایی مورد بود . میخواستیم درین مقابله بعضی از اختراقات تازه را که در جریان این سال ذریعه مجلات و روزنامه های داخلی و خارجی از آنها باخبر شده ایم ذکر و بعمرض خواننده گان گرام قرار بدهیم . اگرچه در سراسر امسال دامنه جنگ روز بروز و سعت پیدا کرده است و باید توجه علماء راجع به اختراقات کمتر می بود مگر با آنهم این خدام بشروعه های فرهنگ بشریت زحمت را از خود کم نکرده دامن اختراقات و اکتشافات را از دست نداده اند و حتی میتوان گفت که امسال بنابر شدت احتیاج اختراقات بیشتر در قسمت لوازم حریی میباشد ، اینک بعض از اختراقات تازه :

### اختراق تازه در رادیو :

در رادیو بتازه گی اختراقی شده که صاحبان آن سالها بود آرزوی آنرا داشتند . این اختراق عبارت از ساعتی است که بوسیله آن رادیو هر موقعیکه خواسته باشد شروع بکار نموده و بعد از بخودی خود در ساعت معین دیگری خاموش گردد . بدین نحو دیگر لازم نیست که هنگام کار بیوسته ساعت نظر افگنده و انتظار پروگرام و مخصوصاً ساعت خبر های رادیو برده شود همچنین میتوان آسوده گی در تخت خواب خواهد و باموزیک دلواز رادیو بخواب رفت بدون آنکه رادیو تا صبح روش باشد . این اختراق مخصوصاً برای یماران خیلی سود مند است .

ساعت مذکور با قسم و انواع مختلف ساخته می شود از جمله یک ساعت ۲۴ ساعتی می باشد که می تواند ۷۲ مرتبه و هر دفعه هر بیست دقیقه ئی رادیو را خاموش یا روشن نماید ، یک نوع دیگر ساعت دوازده ساعته است که می تواند هفتاد و دو مرتبه که هر مرتبه ده دقیقه طول میکشد را دیو را

## بعضی از اختراقات جدید

بکار انداخته یا خاموش کنند، بوسیله ساعت ۲۴ ساعته می‌توان بروگرام مخصوصی را یکماه قبل تعین و ساعت را طوری تنظیم نمود که درست در آن ساعت رادیو شروع بکار نماید.

این اسباب پسیار ساده است و با آسانی می‌توان آنرا بکار برد. ساعت مزبور دارای بندی است که در سرداشته دیگر سر آن یکلید بر قدر رادیو و سر دیگر متصل به سیم بر ق رادیو می‌گردد. ابتدا رادیو را روشن نمود و سپس عقرب ساعت را بر روی ساعتکه باید رادیو خاموش گردد فراؤ میدهد این ساعت را می‌توان برای رادیوهای باتری دار هم استعمال نمود ضمیر باید متذکر شد که این ساعت علاوه بر خاموش و روشن کردن رادیو مانند ساعت دیگر وقت روز و شب را نیز نشان میدهد.

### موتریکهم کوه گرد است وهم شناور:

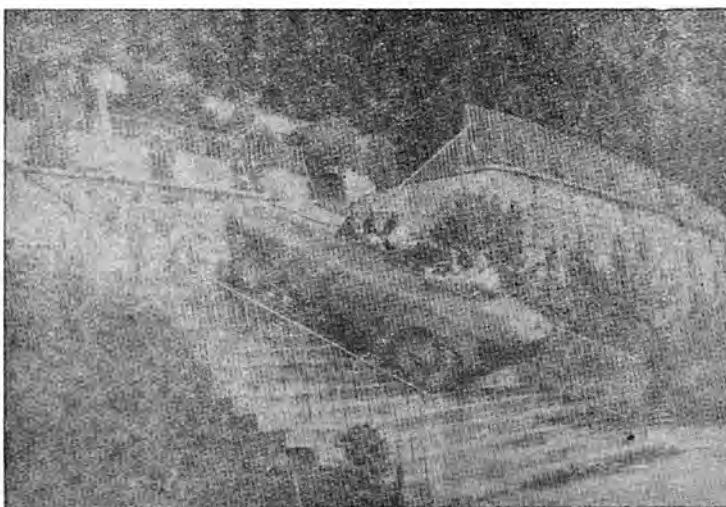
یکی از اختراقات جدید دیگر اختراق موتریست که هم بکوه بالا وهم بر روی آب شنا کرده می‌تواند.



درین عکس موثر مذکور را مشاهده میکنید مانند کشی در روی دریا یا بحر کم است

محترع این موتور هانس تریپل Hans tripel آلمانی است که بعداز امتحان و تجرب زیاد پنجالله موفق به این اختراق خویش گردیده است، محترع مذکور تاکنون هزاران کیلو متر با این موتور اختراقی خویش قطع مسافت وساحت کرده است.

سا ختمان این موتور عیناً مانند موتور های سیستم عصری است و سرعت فی ساعت نود کیلومتر می باشد .  
هچنین موتور مذکور بدون کدام اشکال به زدن بانهاي مرتفع نيز بالاشده میتواند اگر موتوران



درین عکس موتور مذکور متفوق بالاشدن بر روی زینه است  
خواسته باشد که موتور را بالای کدام پته زینه بالا کند بدون بلند نمودن خود موتور ذریعه آلة  
خصوصی هفتاد سانتی متر بلند و سپس بخودی خود به پته های زینه بالا میشود .

#### دستکش بر قی :

اخیراً یکی از دانشمندان امریکائی موسوم به « فرانکیس » آتسکنیسون دستکش خصوصی  
برای پولیس ها ایجاد نموده است که عبارت از یکنوع دستکش دارای « باتریه » (باتری) بر قی میباشد .

طوریکه در اطراف این دستکش تجربه بعمل آمد دستکش منبور بطور کامل مجرب  
و شایان اطمینان ثابت شده وقوه « باتریه » آن به ۱۵۰۰ ولت بالغ میگردد . درین باتریه عبارت  
از عین همان باتریه هایی می باشد که در برقهای جیبی استعمال کرده میشود . پولیسها یکه این  
دستکش هارا بدست میکنند می توانند هر گونه مجرمان قوی و تنومندرا که گرفتار میکنند از بازوی  
آنها گرفته تا بم رکز پولیس بر سانند یعنی مجرمین در تحت تأثیر قوه برق از هر گونه مقاومت  
عاجز آمد و رویه مر凡ه از گیر دست پولیس رهایی توانسته و مجبور به تسلیم میگردند .

### اختراع آلم «داوا» برای رفع سرما ر رسیده گی :

هوا رسیده گی ها عموماً هولدبسا امراض میگردند. بهترین چاره حمایت و مبارکه با «انقلوفرا» عرق دادن صریض مبتلا بمرض است. ویش از سالهای متقدم است این علاج پسندیده را بصورت خوبی اجرا میکردند. معلوم است کدرمالک کفایت جسمی بیشتر است مانند فنازان و ناروی و جایان عرق بیشتر از ابدان خارج میشود. «داوا» هم برای این علاج موثر جدید

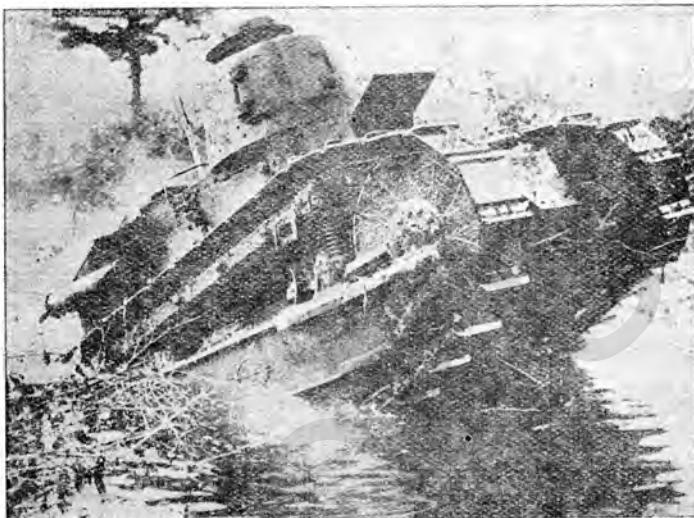


### آلم «داوا» که برای رفع سرما زده گی اختراع شده

ذریعه یکی از دانشمندان آلمانی اختراع شده است. طشت زیرین این آلمرا مناصه با آب گرم که از ۵۰ الی ۶۰ درجه سانتی گراد حرارت داشته باشد ملتو نموده درروی روکش کاسوچو کی را فرار میدهند کدارای حرارت ۴۰ الی ۵۰ درجه سانتی گراد بخار گرم میباشد. «داوا» نه تنها جهت کسالت ها و هوا رسیده گی ها و بعض امراض دیگر اختراع شده است بلکه برای مواد چربی و روغنی بدن نیز مستعمل شده می تواند سر صریض به روی بالش یامنکای رابری گذاشته شده و متساویاً از تمام بدن او عرق بسرعت شروع به سرا زیر شدن می نماید. و بعد به ترتیب درستی عرق صریض در اطاق خشک و سرد گردیده از مضرات هوا رسیده گی و غیره عوارض صریضی جلوگیری بعمل می آید. بدینظر یق بوسیله عرق دادن پوست بدن صریض صفا و پاک گردیده دوران خون منظم و طبیعی میشود.

### تانکهای جدید جرمنی که از آب عبور مینمایند :

همگمان واقع اند که مملکت هایند خط دفاعی اطمینان بخشی از آب برای خود تهی نموده بود . تا قبل از تهاجم آلمان نہا تصور میبرفت که این خط دفاعی هایند را هیچ قوه عبور کرده نخواهد توانست . مگر در اثر حمله آلمان که در سال ۱۹۴۰ هایندرا تحت تهدید قرار داده قوای



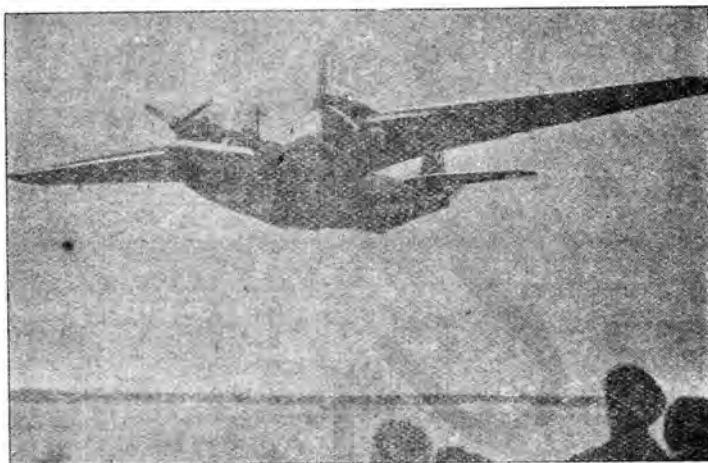
### تانک جدید جرمنی که از آب عبور میکند

تمامی آنرا از هم شکست ، معلوم شد که تختیک جدید آلمان از آب نیز عبور کرده توانست ، چنانچه در چنگ و حمله بر هایندجان تانکهای جنگی از طرف فشون آلمان استعمال گردید که مانند خشکه از آب عبور نمودند . این تانک که جدیداً در همین چنگ موجوده مورد استعمال عسا کر آلمانی وافع شده اند از اختراقات نازه می باشد ، در ان عکس یکی از تانکهای مذکور که از خط دفاعی آب عبور می نماید به مشاهده میرسد .

### طیاره مسخر شمیت :

طیاره مستر شمیت که از نوع طیارات جدید و مهم جرمنی بحساب میرود خدمت شکاری دوقره را اجرا کرده می تواند ، این طیاره بصفت بمباردمان سریع حمله کشف و همینصوره فرماندهی طیارات شکاری نیز استعمال شده می تواند .

شعاع عمل این ضیاره به نسبت ضیاره شکاری یکنفره دارای اهمیت زیاد بوده و از همین سبب است که بهره‌اهی ضیارات بماردهان و کشافی استعمال می‌شود.



#### ضیاره مسر شمیت

ضیاره مو صوف که یکپاله بوده و گنجایش دو فقر را دارد کاملاً فلزی بوده و تانکهای بنزین آن که گنجایش ۱۸۲۰ لیتر مواد سوخت را دارد به دو طرف بالهایین مو تور و بدنه ضیاره نصب می‌باشد.

در ضیاره فوق مو تور نوع دیلمیر بیست ۶۰۱ نصب بوده که مو تور مو صوف تو سطح مایع مخصوص «ایتلین گلی گول» سرد می‌شود.

قوه مو تور در صورت حرکت ضیاره در سطح زمین ۱۱۷۵ قوه اسپ بوده و دیگر نوع مو تور های ساخت جرمنی نیز در ضیاره مذکور نصب شده می‌تواند. خصوصاً مو تور یونیکرس - یومو ۲۱ - ۱۲۰۰ - اسپ قوه مو تور جدید رقم دیلمیر بیست چار بیز به شکل چلپیا بوده و قوه عمومی آن بالغ بر ۲۰۰۰ اسپ می‌باشد. ضیاره فوق در حصه دم دارای دوسکان گردش عمودی بوده عراوه های ضیاره در وقت پرواز در هوا برداشته می‌شود.

#### اسلحه طیاره مسر شمیت قرار آتیست:

در حصه مرکزی پیشوی ضیاره دو طوب ثابت به فظر ۲۳ ملیمتر نصب و دو ماشیندار ثابت در بالها نصب می‌باشد. و در جای نشیمن تیر انداز یک ماشیندار دو میله نیز نصب است.

فقط ماشیندار های مذکور ۷۹ میلیمتر می باشد طول بال طیاره ۱۶،۷۵ متر مربع است . و طول بدن آن ۱۰،۶۵ متر و بلندی طیاره ۳ میترو سطح بالها ۴۰،۳۸۴ متر مربع است وزن خالی طیاره ۴۵۰۰ کیلو گرام ، وزن لوازمات غیر متحرک ۱۸۰ کیلو گرام ، وزن مواد سوخت ۱۸۲۰ لیتر ، وزن مواد چرب کشته ۱۲۷ لیتر ، وزن رادیو ۵۰ کیلو گرام ، وزن تجهیزات ۴۵۰ کیلو گرام وزن همه ۲۰۰ کیلو گرام :

وزن مجموعی طیاره درهوا ۶۷۰۰ کیلو گرام ، وزن دریک متر مربع ۱۷۵ کیلو گرام ، وزن دریک اسپ قوه ۲۰۹۱ کیلو گرام است .

طیاره فوق بسرعت ۵۸۵ کیلومتر در ساعت مسافت ۱۳۲۰ کیلومتر و بسرعت ۳۶۴ کیلومتر فی ساعت مسافت ۲۴۱۰ کیلومتر ، و بسرعت ۲۸۲ کیلومتر فی ساعت مسافت ۲۷۵۰ کیلومتر را طی کرده می تواند .

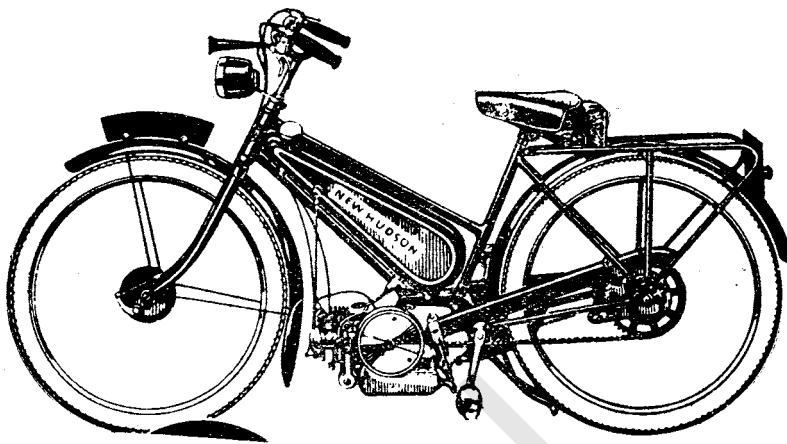
### تکریی به :

در اختصار اعماق حربی چیز یکه بیشتر از همه مو زد تو جه واقع می شود همانا اصلاحات و اسباب جدیدیست که در قوای هوایی بروی کار آمد و دول در راه تکمیل نوافص قوای فضائی اوپر عطف توجه به چیز یکه مبدول نمودند اینست که با ادوات و آلات جدید جنگ فضائی عملاً در میدان کارزار مورد استفاده قرار یافت . منجمله آله جدیدیست که روس ها آنرا اختراع نموده واهالی فنلاند آنرا بنام « تکریی قان مولوتوف » مسمی نموده اند . این آله جدید عبارت از یک سلندر مجوف است که طول آن ۸ فوت و قطر آن ۳ فوت می باشد و یک کطرف آن یک پروانه نصب گردیده است .

وقیکه طیاره بمب افگن قشنون احمر این آله را از هوا بریز افگنند پروانه آن سلندر را اینطور باز نمی کردد که از هر دو طرف باز شده و محتویات آن بیرون گردیده می شد . درین سلندر هاتقریه اهراب بمب خورد آتش افروز و بمب های شرپنل که در اطراف زمین منتشر شده و خرابی وارد می سازند و جود دارد . آواز الاقاق این بمب خیلی مدهش می باشد .

### هدسن اتو سایکل جدید :

جدیدا یک اتو سایکل جدیدی اختراق شده است که به صرف یک گیلن تیل ۱۵۰ میل مسافت را طی می نماید و از حيث ساختمان و استراحت در حین سواری بی نظیر است . بکار انداختن موتور و سوار شدن آن خیلی آسان است . ویش از یک سایکل معمولی جای نگهداشت بکار ندارد . گنجایش تانک آن ۱ گیلن و سه برابر آن می باشد .



هدسن اتو سایکل

### تاریخی هوائی:

دیگر از اختراعات خیلی مخوف هوائی عبارت از یک نوع بمب است که بنام «سکونتینگ تارییدو» یاد می شود. این اختراع در جنگ های هوائی اهمیت خیلی شانداری را دارد است زیرا اختراع آن با کمال مهارت در تهیه آن مصروف بوده و چنین تصور نمود که اگر قوای تدافعی ضد حملات هوائی خیلی مکمل و قوی باشد، تعریض از فضا خیلی دچار اشکالات شده و بمباری غیر ممکن میگردد. اما این تارییدو، جدید اختراع او در مقابل قوای ضد حملات هوائی اجرآ آت و کار روائی های بسیار شانداری می نماید.

این تارییدو هوائی با کمال صحبت بهدف اصابت نموده و اثرات بسیار مخوف و دهشتتا کی بروی کار می آورد. اگرچه ساختمان آن ظاهراً مبهم بنظر می آید اما در حقیقت مبهم نبوده و کترول اتو ما تیکی که در آن بعمل آورده شده یک طریق صعب الحصول صورت نگرفته است.

در عقب سراین تارییدو دو بال مشاهده رسیده و درین بالها دو چشم نیم بازویا احول ما نندی نصب گردیده است. که با آن لحاظ نام تارییدو را «سکونتینگ تارییدو» نهاده اند. این دو چشم عبارت از دو آئینه های فوکس داری می باشند که در حصة بیرونی آئینه های مایل نصب شده و در مقابل اخذ شعاع سرخ خیلی حساس میباشند. و چون هدف این تارییدوها انجن های بزرگ بخار و امثال آنست لذا این چشم درین راه اجرآ آت و کار روائی های بسیار مهمی مینماید. و دارای اهمیت بسیاری میباشد. دیگر اختراعات بشر مانند انجن های بخار دارای شعاع های

سرخ نمیباشد و هنگا میکه شاعع های موصوفه به این شیشه های حساس اصابت نموده فوراً به حجرات عکسی بر قی تحول می یابند . و در نتیجه آن موتور خورد بر قی را که برای اصلاح خطهای هوای بازی تهیه شده تحت کنترول و انتظام خود فرار میدهد .

غبار وابر مانع فعالیت این آله مهم حرربی نمیگردد . زیرا از فاصله سه میل دور ترهم میتواند که هدف را بخوبی مشاهده نماید و با آن اصابت کند . چه همیشه بصورت عمودی حمله نکرده و بصورت مائل هم میتواند که به نقصه مطلع به انفلاق و خرابی ها بروی کیار آورد .

### تانکهای نو د قله جدید جرمنی :

اینکه چگونه آلمانها خطوط تدافعی بلژیک و فرانسه را در ظرف چند روز مغلوب ساخت ، همه را متوجه میسازد . ولی یگانه موجب مسلط و فاتح گردیدن آلمان همان آلات و سامان تحقیک جدید و محیر العقول آنها می باشند . از جمله چیزهای عجیب و اختیارات حرربی تازه که آلمانها در جنگ هزار و نهصد و چهل در مقابله فرانسویان استعمال کرده تانکهای نو د ته می باشند . این تانکها دارای چندین طوب تقلیل و ماشیندارها بوده ۵۰ متر و ۲۵ متر عرض و ۱۲ متر ارتفاع دارد که اگر بدین فرار جسمت و بزرگی آنها را بنظر مجسم سازیم از بیک عمارت عظیم هم بزرگتر است . اگرچه جزئیات این تانک جدید بدست مانیامده ولی چیزی که دیده شده اینست که طوب های ۷۵ سانتی متره ضدتانک فرانسوی که از بزرگترین طوب های عصر اند . در مقابل آنها کاری از پیش بوده نتوانسته و با آنها خسارتنی وارد نکرده .

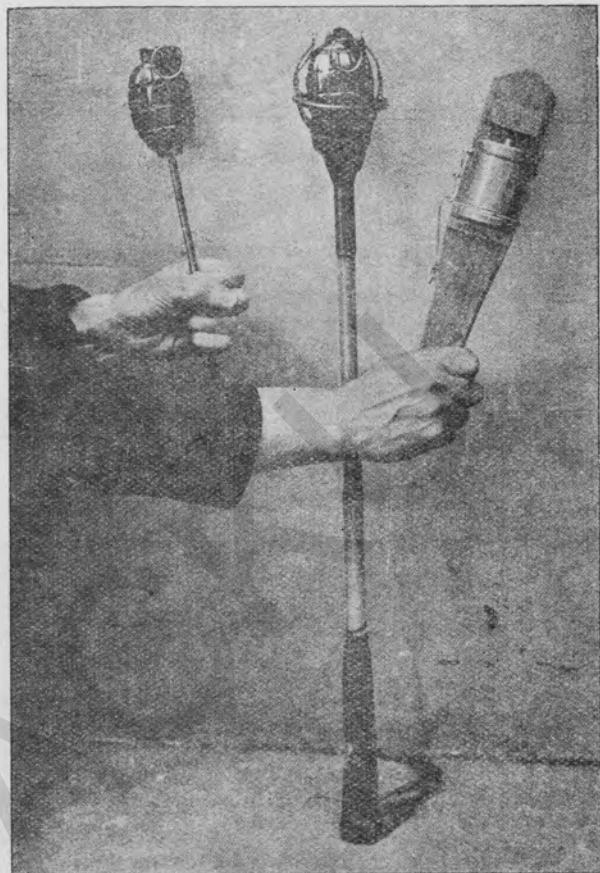
### بعض بومب های جدید دستی نرایی هردهان شهری :

جدیداً در شهر لندن بعضی از انواع بومب های دستی درین مردم تقسیم و صرف استفاده واقع شده اند که از چندین قطعه نظر خیلی دلچسپ می باشند . این بمب ها نیز از اختیارات جدیده حرربی می باشند .

بمب های مد کور مزیت و خصوصیت مخصوصی که دارند اینست که استعمال و بکار بردن آنها چندان مشق و تمرین زیاد بکار ندارد . همه مردمان بلا استثنا رس از مدت بسیار کمی می توانند که به آنها باید بیت پیدا نمایند و آنها را بکار ببرند . کیمیکه اندک احتیاط را مراحت میکند بدون خوف به استعمال کردن آنها مبادرت و جرأت کرده می تواند .

در عکس صفحه آتی ، نمونه طرف چپ یک بمب دستی می باشد که به اساس قنگ کجا غور داریود و حینیکه بومب انفلاق میکند هر چهل پارچه که در آن موجود است ، بشدت به اطراف منتشر گردیده و تا هشتاد متر را تحت آتش میگیرد ،

نموده که در مرکز عکس بنظر میرسد محتوی یک دسته درازی است که برای افگاندن بم و متفجر شدن آن



#### بمب های جدید دستی

پس از مدت کمی می نماید. نموده طرف راست بمب دستی نوع «اپر ویزد» Improvised می باشد.

#### دستگاه ضد مین مقناطیسی :

طوریکه از اعلامیه ها و اخراجات جنگ در یائی فهمیده می شود وسیله محافظت کشته ها از صدمه مین های مقناطیسی کشف شده است. میگویند این وسیله عبارت از اسبابی است که

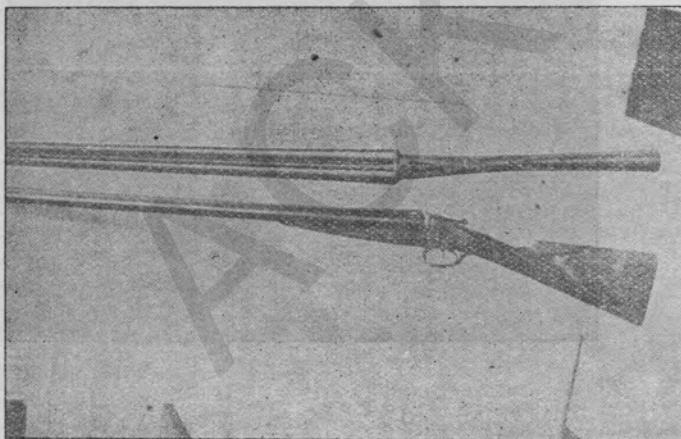
نمیگذارد در اطراف حجم آهنین کشتی میدان مقناطیسی تولید شود . گویا در اطراف بدن کشتی ها « کابل » های زیادی بیجیده شده که مانع از پیداشدن میدان مقناطیسی می باشد .

حال چگونه قدرت الکتریکی درین کابل ها منتشر شده و عمل آنها چگونه است . هنوز معلوم نیست و جز اسرار قوه دریائی می باشد .

فقط چیز یکه مسلم است اینست که در اثر عمل این کابل ها در میدانیکه کشتی از آن عبور مینماید ابداً خاصیت مقناطیسی وجود ندارد . یعنی نه فولاد کشتی و نه محتویات آن نمی توانند در عقربه مقتاطیسی مین اثر نموده و در نتیجه مین منفجر گردد . این اسباب در بسیاری از کشتیها بکار رفته است . کشتی بزرگ کوین الیزابت که اخیراً ازاو قیانوس گذشته و با امریکارفته است دارای همین اسباب ضد مین بوده است .

### تفنگ های شکاری جدید :

در حین جنگ کنونی درین اهالی شهر های انگلستان یک نوع تفنگ شکاری جدیدی



تفنگ های جدید شکاری که برای دفاع از شهر های انگلستان درین اهالی آنجا تقسیم شده اند

تقسیم شده که برای حفاظت شهر ها بکار برد می شوند . این تفنگ ها از نقطه نظر ساختمان چندان تفاوتی باقی نداشته اند . ولی چیز یکه به آنها مزیت مخصوصی میدهد اینست که این تفنگ ها می توانند تفاصله ۵۰ یارد را زیر آتش بگیرند .

### پارچه از شیر :

اخيراً چندی قبل مجلات علمی خبری را انتشاردادند که در مخالف دانشمندان اهمیت خاصی دارد و آن عبارت از اینست که در ایطالیا از بقایای شیر توانسته اند پشم بدست یاورند : هر چند پشمکه ارشیر بدست میآید بیانه پشمها طبیعی نمی‌رسد با آن نهم می‌توان گفت که این اختراع در دنیا علم اهمیت شایانی دارد و قدرت نیروی فکری بشر را ثابت می‌کند .

### تکه از چوب :

موضوع دیگری که اهمیتش کمتر از اختراع فوق نیست اختراع تکه از چوب می‌باشد . امروز در اروپا بسیاری اشخاص را مشاهده می‌کنند که جامه‌های زیادی در بردارند اگر بشما بگویند این تکه‌ها از چوب تهیه شده اند یا افلاً فی صد هفتاد آن‌ها از چوب است شاید باور نکنید ولی این موضوع عنی است که حقیقت دارد . اکنون کارخانه‌هایی هستند که تکه‌های چوب تهیه کرده و در بازار می‌فروشند و از حیث ظرافت و خوبی هیچ‌کمی از پارچه‌های پشمی معمولی و طبیعی ندارند .

### لباس از شیشه :

اخيراً خبر بزرگ دیگری در مطبوعات علمی نشر شده است که از همه حیرت انگیزتر است . و آن است که توانسته اند از شیشه تکه به بافند . اگر یک ذره شیشه در بدن انسان فرورد خواب و آسایش اورا سلب می‌کنند . با وجود این پیشرفت علم و دانش بشری توانست که از همین ماده برند که پیش ازین برای ساختن ظروف مایعات بکار میرفت پارچه‌هایی بسازند که از هر حیث بر پارچه‌های معمولی ترجیح داشته و محکم‌تر باشند تهیه این پارچه‌ها از همه نوع شیشه میسر نیست و از یک نوع شیشه مخصوص می‌توان آن را تهیه کرد با این هم باید گفت که این اختراع، مانند سایر اختراقات کبت دریج کامل شده‌اند روزی بسرحد کمال خواهد رسید .

گفتم شیشه‌هایی که از آن پارچه می‌بافند با سایر شیشه‌ها فرق دارد و بذات خود یک نوع شیشه مخصوص می‌باشد . با وجود این باید گفت که مواد اصلی که از آن پارچه‌های شیشه تهیه می‌شود از لحاظ مواد اصلی تفاوتی با مواد اولیه سایر شیشه‌ها ندارند . و تنها از حیث ترکیب و ساختمان با آن تفاوت دارد .

راه ساختن پارچه از مواد شیشه‌ئی اینست که آنها را بوسیله ماشینهای مخصوص بقدرتی مورد فشار قرار میدهند که رشته رشته شده و تارهای مانند موی سریا از آن نازکتر، از آن بدست می‌آید .

این مواردرا ابتدا به رنگی که بخواهند رنگ میکنند و سپس بصورت تارهای نازک درآورده پارچه می‌سازند.

شاید تصور کنند، این پارچه‌ها که از شیشه ساخته می‌شوند بی اندازه سنگین‌اند ولی تعجب دراینست که پارچه‌های شیشه ائی بر اتاب از پارچه‌های پشمی و نخی معمولی سبک‌تر می‌باشد.

یکی از مفادیگر این پارچه‌ها اینست که مانع آفود الکتریسته به بدن می‌باشد. البته این مزیت برای جلوگیری از برق زده‌گی فواید زیاد دارد. ولی با وجود این مفاد هنوز هم درین علم راجع به پارچه‌های مذکور گفتگو و مطالعات زیاد درآن بازه موجود است.

نکته دیگر یکه باید بدان ملتفت شداینست که مصرف تهیه کردن این پارچه‌ها چندان زیاد نمی‌باشد.

این بود چند اختصاریکه درین سال بعمل آمده وبصورت اختصار خدمت مطالعین عزیز عرض شد.



## فارم زراعتی قندز



زراعت کچ لوی اشمک



قلمه یات ساله انجیر قندهار که در سال  
اول نشانی میوه داده



زراعت ژوت گیاه صنعتی



سنند

## فارم زراعتی قندز



سایه خانه برای تربیه  
قلمه ها در تابستان



یک منظره از باغ  
چار دره



تراکتور یکه زمین را  
قبله میکند

## فارم زراعتی قندز

چین پنبه



چین پنبه



دوا پاشی



## فارم زراعتی قندز



بامیه



پنبه امریکائی



یکدسته مزدور کار در حال خیشاوه



قلمه های پیل که بدست نشان داده شده

## فارم زراعتی فندوز



منظره سایه خانه



بکین - یک قسم درخت هندی قلمه های یک و نیم ساله



یک بوته بید انجیر



قلمه در چقری های خصوص

## فارم زراعتی قندوز



مون پلی



تمبا کوی سگرتی ورزینیا

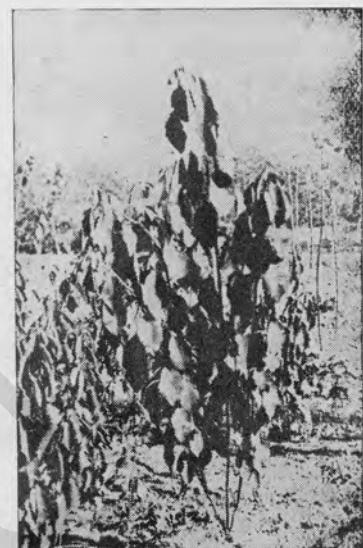


نهالهای توت پاک ساله که از بذر عمل آمده



کینا گراس یک قسم علف

## فارم زراعتی قندوز



البفانت گراس - یک نوع علف

فیکوس الاستیکا - درخت رابر



بوته های کنجد

نهالهای جوان نارنج و مال و مت

## فارم زراعتی قندوز



بوته‌های کنجد



راس بری



بنبه مصری



امروت

(۱۹۷ صفحه)

گرفته میشود، قرار را پورت های واصله پشم گو سفند های دور گه کاز چند سال باين طرف با مرینوس جفت میشوند با پشم مرینوس اصلی در بعضی ولايات مشاهده زیادی را حاصل نموده است مراقبت و ذکر این گو سفند های بذکور هم از طرف مدیریت های زراعت بعمل آمده است، ریاست زراعت برای اصلاح پشم گو سفند های وطنی و نسل گیری از گو سفند مرینوس ترتیبات جدیدی را مد نظر دارد که اول به يك موسمه تحت نگرانی متخصصین اجرا گر فته بعد از نتیجه مثبت قرار نظریه متخصصین تحت يك پروگرام در تکثیر و ترویج آن اقدامات لازمه خواهد شد. علاوه بر امور فوق از طرف مدیریت های زراعت ولايات و مدیریت های زراعت حکومتی های اعلی در حصول نهال شانی و ترتیب قوریه ها اجرآت لازمه شده است. در قند هار يك تجربه گاه زراعتی ترتیب شده دران انواع نهال ها و سبزیجات تحت نگرانی مدیریت زراعت زرع شده است برای ترتیبات تجربه گاه مذکور هدایات لازمه از ریاست زراعت بعد پریت زراعت قندهار داده شده است در فراه نیز يك باغ بزرگی که دران يك عده زیاد نهال غرس شده است ترتیب داده شده و نیز در نظر است که در مقدار آب زیاد تر حاصل شده با غهای جدید دیگری نیز تیار شود. ریاست زراعت برای اصلاح امور زراعتی ولايات و تهیین وظائف مدیریت های زراعت پلان وسیعی را روی دست داشته مسائل ترقی زراعت در ولايات و حکومتی های اعلی نیز تحت بحث است.

### تشکیل دوائر جدید ریاست زراعت در سنه ۱۳۱۹

دوائر جدید یکه در سنه ۱۳۱۹ در اثر بیشنا در ریاست مستقل زراعت در سنه ۱۳۱۹ از مقامات صلاحیت دار منظور شده است قرار ذیل آنند:

- ۱ - مدیریت تحقیق: برای وارسی و مراقبت امور زراعتی و نگرانی شبکه های زراعتی در ولايات يك مدیریت بنام مدیریت تحقیق از مقام عالی صدارت عظمی منظور شده وس، نادر علیخان مدیر مأمورین ریاست مستقل زراعت ترقیعاً به مدیریت این شعبه جدید مقرر گردیده اند.
- ۲ - مدیریت تدوین و فواین زراعتی: چون مسائل مختلف زراعتی که اکثر آن به اهالی تعاس دارد باید اقتصانی نبوده تحت قواعد و فواین معینی آورده شوند لهذا يك مدیریت بنام مدیریت تدوین و فواین از مقام عالی صدارت منظور شده وس، آقای فقیر محمد خان که سابقاً به شعبه ترجمانی مقرر بودند ترقیعاً به مدیریت تدوین و فواین مقرر گردیدند.
- ۳ - شعبه احصائیه زراعتی: مبرهن است که ترقی زراعت وابسته بدانشن معلومات احصائی زراعتی بوده بدون آن ممکن نیست که درین حاصلات زراعتی موازنۀ اقتصادی را ایجاد نماییم از داشتن معلومات احصائی کاملاً از ترئید و تقلیل مواد زراعتی بی خبرمانده انسان پروگرام صحیحی درباره پیشرفت اصولی زراعت ترتیب داده نمیتواند. بنابرین شعبه احصائیه که از طرف

ریاست زراعت پیشنهاد شده بود از مقامات عالی منظور گردیده است.

۴ : شعبه پیله وری درا کشن نقاط ولايت هرات و بعضی حصص مشرقی و قطعن شرایط نموی کرم پیله مهیا بوده اهالی نیز به تر بیه آن مشغول است دارند . لآکن چون تر بیه کرم پیله در مناطق مذکور طور معمولی بوده مراتب فتنی تعقیب نمیشود ابریشمی که گر فته میشود از لحاظ خواص و مقدار نافع بوده علاوه بر آن درین پیله ها امراض مختلفی که اکثر بر روز آنها وابسته به ضعف پیله ها و عدم رعایت قوانین صحی میباشدیدا میشود . لهذا برای نگرانی پیله وری در مناطق مذکور و دادن هدایات به اهالی و مدافعت امراض پیله بنام شعبه پیله وری بر ریاست مستقل زراعت تشکیل شده است که در وقت موسم پیله وری داخل اقدامات لازمه خواهد شد.

## اور مطبوعات

مدیریت عمومی نشریات :

### شعبه اول :

- ۱ : - روز نامه ساختن ایس و معاونت های اخلاقی با مدیریت مذکور از قبیل تهیه مقالات و پاورپوینت ها و غیره .
- ۲ : - تهیه پروژه متررات جوائز برای نویسنده گان و شعرایکه به مطبوعات وطن کمک میکند و اخذ منظوری از مقامات صلاحیت دارد .
- ۳ : - ترتیب مجلس قضاوت مركب از افاضل و دانشمندان که همه ساله در اوقات معینه اشخاص مستحق جوائز را تعین و برایشان جوائز را تعین کنند .
- ۴ : - تهیه لست مقالات و اشعار یکه در ظرف یات سال بمطبوعات از طرف نویسنده گان و شعراء داده شده با تعین درجه شان .
- ۵ : - اقدامات برای پیش فت جرائد و مجلات ورفع مشکلات و احتیاجات در داخل حدود وظائف .
- ۶ : - اقدام به تحریک و تشویق اعانه از امامورین و اهالی و فراهم کردن مبلغ ( ۹۶۳۶۷ - افغانی ) برای ایس از سر کر و ولایات .
- ۷ : - همکاری با ریاست بلدیه کابل راجع به نام گذاری جاده ها و خیابان های شهر کابل و سائر نام گذاری های همکاری پیشتو تو لنه .
- ۸ : - اقدام به تاسیس مطابع حروفی و لايات به مدستی مدیریت عمومی مطابع چنانچه درین سال مطبعة قندهار تکمیل و مطبعه هرات عنقریب تکمیل میشود .
- ۹ : - آغاز به ترجمه ( ۱۶ ) جلد کتاب که پیشتر بحیات مردم تماس دارد از قبیل کتب اجتماعی

تریوی ، طبی و معلومات عمومیه از اسناد خارجه به پیشتو و فارسی تو سلط نویسنده گان و هتر جمین مختلف بحسب ذیل :-

- اول : - کتاب فامیلی « انگلیسی »
- دوم : دا کترخانگی « »
- سوم : کتاب معلومات عمومیه (انگلیسی)
- چهارم : « تربیه اجتماعیه (عربی) »
- پنجم : « طفل بحیات چطور حاضر میشود (ترکی) »
- ششم : « خطوط اساسی معلومات انسانی (انگلیسی) »
- هفتم : « چگونه میتوان صد سال زنده کی کرد (عربی) »
- هشتم : « راه موافقیت (تریتائس) (انگلیسی) »
- نهم : « ما کولات مشرقی و مغربی (اردو) »
- دهم : « طبیب نسوان (») »
- یازدهم : « خانگی هرغها (») »
- دوازدهم : رساله مرض سکا بیز
- سیزدهم : « حرارت و عنفونت خون بعد وضع حمل »
- چهاردهم : « دانه های دنبل و مبارزه با آن »
- پانزدهم : « امراض ویریک و مبارزه با آن »
- شانزدهم : « گوناری و یاسوزاک »
- ۱۰: انتهیه و ارسال (۳۶) جلد پاورقی شامل (۱۱۷۲) صفحه بفرش نشر بجر امدو مجلات مرکز و ولایات
- ۱۱: « » « » « » « » « (۳۰۶۶) « » « (۸۱۸) مقاله
- ۱۲: « » « » « » « (۱۹۱) « » « (۱۳۱) اشعار
- ۱۳: « » « » « » « (۳۲۸) « » « (۲۵۱) فکاهی
- ۱۴: طبع و نشر رسالت اصول تنقیط .
- ۱۵: ترتیب لست شعراء و ادباء و مؤلفین وطن و تاسیس مراده با هریک ایشان واژاین اندام نتیجه خوبی گرفتی .
- ۱۶: بمعاونت وزارت معارف لست طلاب چیز نویس را بدست آور دن وایشان را بوسیله وزارت معارف بر چیز نوشتن تشویق کردن تاباین وسیله ملکه تحریر در ایشان بیداشود .
- ۱۷: - ترتیب بودجه های دوائر مطبوعاتی ولایات کنظر به سال گذشته (۵۶۹۳۲) افغانی تزئید در بودجه های مذکور بعمل آمده .

- ۱۸ : - مراقبت جرائد و مجلات مطابق مقررات مخصوصه و دادن هدایات لازمه راجع به بودی صوری و معنوی آنها .
- ۱۹ : - وارسی به پیشنهادات و مراجعات نشریاتی جرائد و لایات .
- ۲۰ : - اظهار نظر یه به بعضی کتیبه بفرض ملاحظه بین اداره از مقامات مختلف فرستاده شده .
- ۲۱ : - تهیه کردن لست کتب خانه های مهم بعضی مالک خارجه و اقدام به تاسیس مرآوده مطبوعاتی .
- ۲۲ : - ترتیب پروژه قانون مطبوعات .
- ۲۳ : - ترتیب لائحة وظائف داخلی و اداری ریاست مطبوعات .

### شعبه دوم نشریات :

- ۱ : - مضامین و یادداشت ها و تراجم مهمه اخباری از منابع مختلفه (جراید مختلفه خارجی) به مقامات عالیه تقدیم شده (۸۲۴) . نمره
- ۲ : - مرآوده با بعضی کشگ فروشی های خارجه توسعه یافته و به پیمانه پیشتر از سال گذشته برای دریافت مقطوعات خارجه نسبت به افغانستان اقدام و اشتراک شده و به تعداد زیاداز همین مقطوعات در اداره بوسیله مترجمین ترجمه گردیده و به مقامات مربوطه تقدیم شده ( بالغ بر یک‌پیم هزار کشگ گرد آورده شده )
- ۳ : - مضامین و مقالات نسبت به افغانستان جمع گردیده ( ۶۰ مضمون تاریخی )
- ۴ : - کمک باروز نامه های مرکزو جرائد و لایات .
- الف : - کمک باروز نامه ها و جرائد مرکزی ( ۵۲۱ ) ورق مضامین سیاسی و ۳۷۱۲ ورق مضامین متعدد )
- ب : - کمک با جراید و لایات ( ۹۱۹ ورق ) از مضامین علمی و سیاسی متنوعه .
- ۵ : - ارسال معلومات نشریات ( از قبیل روزنامه ها ، مجله کابل و سالنامه ها و علی الخصوص سالنامه ۱۳۱۸ کابل و فوتو های رجال و مناظر و آسیلات وغیره افغانی به مؤسسات علمی و مطبوعاتی واشخاص متتبع خارجی در خارجه پیشتر از ۹۲ دوره مجله کابل ۲۵۰ فوتو در حدود ۴۵۰ مجله ها و روزنامه ها طور مجانی یا بقسم تبادله ، و یادداشت در خواست و تقاضائی گردیده )
- ۶ : - ارسال سالنامه کابل به نمایندگی های سیاسی افغانی در خارجه ( ۴ جلد )
- ۷ : - اقدام برای استوار کردن روابط عرفانی و مطبوعاتی با یکده کتابخانه های خارجی و مقامات علمی و تاریخی
- ۸ : - وصول و دریافت یکده رسائل تبعی نسبت به زبان ملی پشتو .

### مدیریت نشریات رادیو :

این مدیریت که درماه اسد بعد از مدتی عمومی نشریات مربوط گردیده و متعاقب آن بtarیخ ( ۲۵ ) اسد ۱۳۱۹ نشریات امتحانی رادیو کابل شروع شد ، و تا اخیر سال نشریات امتحانی

## اجرا آت دوائر ملکتی

مذکور ابتدا با اندازه دو ساعت از طرف شب و سر از تاریخ (۱۶) حوت بقدره ساعت ادامه یافت، خلاصه اجرا آت مهمه این مدیریت درسال مذکور حسب ذیل است:

۱: کلوپ رادیو کدر اخیر سال گذشته تاسیس یافته بود، درین سال کمیسیون نهایی خانه آن شروع بکار نموده . با جلسه های روزمره و هفتگه سه بار خود هر کمیسیون توانست تاموقع آغاز نشیریات امتحانی رادیوییک مقدار مقا لات و مضمونین مفید بروی کاریاورد و ذخیره مقدماتی موادر ادیوبراهم شد.

۲: مدیریت رادیو برای تهیه نطاق های فارسی، پشتون، انگلیسی، فرانسوی وارد و اقدام کرد یک عدد جوانان لائق را برای این کار انتخاب و به مناق و ادار ساخت چنانچه در موقع آغاز نشیریات امتحانی برای هر یک ازین السیه افلا دودو نظر نطاق حاضر گردید که بعضی موقع کار یافته و برخی هنوز موقعی برای خدمت پیدا نکرده اند.

هچنین بسا کیانی دهای دیگر هم برای نطاقی فراهم شد و این کاریکه در مملکت بسیار بقه بود و بنظر یک مشکل بزرگ چلوه میکرد، به زودی راه حل اطمینان بخش پیدا کرد.

۳: برای تهیه ممثلین جهت دیالوگها و رادیو در امداد ها نیز اقدام شده، یک عدد جوانها صاحب ذوق و مستعد برای این کار در نظر گرفته شدند و پس از بیش مدت مشق و تربیت در موقع آغاز نشیریات رادیو بدرستی از عهده خدمت بدرشده تو انسته در امداد های مکمل را بکامیابی بعرض اجراء گذار دند.

۴: برای تربیه موسیقی نوازان ملی و احیاذا ایجاد تطور و نهضت جدید درین فن داخل اقدامات گردیده، یک عدد جوانان صاحب ذوق را که موسیقی وطن و یا به موسیقی اروپائی دسترس داشتند درین شعبه برای رهنمائی موسیقی نوازان گماشت گرچه این کار یک کار خیلی بزرگ بوده و فت زیاد میخواهد با همه اصلاحات مختصر یکه در شق مو سیقی درین عرصه بعمل آمده و امروز در رادیو کابل بلاحظه میرسد - قابل تقدیر است و امید مید هد که بزودی در فن موسیقی هم یک نهضت تازه مستند به موسیقی خالص ملی و به اساس فن جاری خواهد شد هم رادیو کابل موسیقی ملی پیشوار در نشیریات خود اولیت داده و با مقابله از موسیقی های کلاسیک اجنبي که در وطن مامروج گردیده، حتی المقدور کاسته است که این خودیک عامل مهم و قابل ملاحظه بشمار میرود.

۵: تشکیل دائرة و تکمیل اعضاي آن نظر بشروع شدن کار و تقسیم وظائف در بین افراد ووضع اصول اداری برای محاسبات و اجرائیه.

۶: مقالاتیکه تاکنون در پشتون و فارسی توسط نویسنده گان وطن و اشخاص صلاحیت دار هر شعبه فرا هم شده مثل مقا لات تاریخی، جغرافیائی، تر بیوی، اخلاقی، صحی، فلاحی علمی و فنی، امور خانه و اقتصاد وغیره وغیره بشمولیت اشعار و منظومه ها از روی تعداد بالغ

بر (۵۸۹) واز روی صفحه بالغ بر (۴۱۹۴) صفحه میشود .

۷ - ترتیب پروگرامهای روز مرہ ، هفته وار (۱۵) روزه و تهیه مقدمات نشر مجله پیشتون بzug که متنضم پروگرامهای ۱۵ روزه رادیو کابل خواهد بود .

۸ - عملی کردن درس پیشتو در رادیو مطابق بهترین سیستم فنی که از وسط ماه حوت آغاز یافته و هر شب به استثنای شب جمعه برای ۱۵ دقیقه مرتبآ اجرا میشود این خود خدمت بزرگی در راه تعمیم زبان ملی پیشتو بشمار میرود .

#### نوت :

را دیوی کابل پس از شش ماه نشریات امتحانی و احراز موافقیت کامل روز اول حمل ۱۳۲۰ بوسیله نطق افتتاحیه ع ، ج والاحضرت افخم سردار محمد نعیم خان وزیر معارف و معاون صدارت عظمی که بربان ملی پیشتو ایراد فرمودند و عمر فی دستگاه رادیو از طرف جلالتمآب صلاح الدین خان رئیس مستقل مطبوعات افتتاح شده آغاز به نشر یات مرتب نمود .

#### مدیریت عمومی آزادانس :

با آغاز سال ۱۳۱۹ فقط سه ماه از عمر آزادانس باخته میگذشت . این موسسه که در محیط مابکلی بی سابقه بود و تازه میخواست اذهان عامه و مخصوصاً مؤسسات و دوازیر سی و غیر رسمی را بخود جلب نماید در ماه های اولیه حیات خویش مشکلات زیادی مواجه شد . گذشته از اینکه پیدا کرد ن مامورین لایق چهته اجرای وظائف خبر رسانی در مرکز و ولایات و تریه شان اقدامات شد ، قانون ساختن مقامات ودوازیر - مسئول اعم از رسمی یا ملی به اعطای خبرها و اجرآت یومی شان مشکله متعددتری را ( پیشروی ) این موسسه تشکیل داده و تا وقیکه این مدیریت مفکوره و نظریه اساسی را که برای آن حیات یافته بود در اذهان قایم کرده توانست وقت زیادی در برگرفته واذهان جسته جسته بطرف این دایره و خدمت مهمن که بهده دارد متوجه میشد . معهد ا مدیریت عمومی آزادانس در سه ماه اول حیات خویش مشکلات اولیه را تا حد زیاد رفع کرد و توانست ( نمایندگیهای ) خویش را در مرکز و ولایات بزرگ و حکومتیهای اعلیٰ قایم و مرکز را از حیث وصول اخبار یومیه ذریعه مخابرات تیلفونی منظم شبا روزی تمام اطراف و نوعی مملکت وصل نماید . در سال ۱۳۱۹ نقایصی که از رهگذر مخباراتی و چه ارجیت نبودن نمایندگیهای آزادانس در بعض ولایات خورد ترو مهم ترو امثالها موجود بود آهسته رفع و به توسعی دایره خدمات اخباری این موسسه پرداخته شد . در چریان این سال پروژه مبادرات خبرهای آزادانس باخته با بعضی آزادانهای رسمی دنیا از قبیل آزادانس تاس ، هاواس ، ریوت ، انا طولی ، ترانس اوشن ، دومی ، غیره هم روی دست و زیر مطابعه گرفته شده و درین زمینه تا حدی موافقیت هم نصیب شد که از باعث جنگ موجوده اروپا

صورت عملی یافتن کل این منظور مutilus مانده است در ماه های اخیره این سال مدیریت عمومی آرansas با وزارت پوست و تبلیغات داخلی و تبلیغات داخلی مذاکره راجع به نصب بعضی دستگاه های کوچک آخوند (ریسپور) در یکی از شعبات مدیریت عمومی آرansas جهت تسریع در اخذ اخبار جاریه دنیا شده و این مذاکرات به نتیجه مثبت واصل و خرید دستگاه های موصوف هم بخارج فرماش شد از این پس آرansas با خبر اهمیت خود را از حیث خدمات داده شده است . در جریان این سال مدیریت عمومی آرansas با خبر اهمیت خود را از حیث خدمات مهم و سریعی که در اخذ و انتشار کلیه اخبار داخلی و خارجی انجام میدهد ثابت ساخته و امر روز مدیریت عمومی آرansas با خبر ادعای این که میتواند که هیچیک خبر کوچک یا بزرگی که در یکی از گوشش های دور افتاده مملکت اتفاق افتد و یاد ردنیای خارج بوقوع میرسد از احاطه معلومات آن بیرون نمانده و هر خبری بعداز حدوث آن بلا فاصله در ظرف شش ساعت ذریعه مطبوعات به معلومات عامه رسانده میشود . در جریان این سال یک وظیفه دیگر یکه علاوه بر خدمات اخباری آن بجای این دایره زیاد شد اعطای مهم ترین خبرهای داخلی و خارجی یومیه جهه پروگرام امتحانی رادیویی کابل بوده است که امروز در اثر فعالیت این مدیریت همه شب جامع ترین و تازه ترین خبرهای داخلی و خارجی هر شب به سمع عامه رسانده میشود . البته دایره این خدمت بعد از افتتاح رسمی رادیو وسیع تر خواهد شد . با وصف اینهمه این مؤسسه مراحل ابتدائی حیات خود را بیموده و بسیار پروره های دارد که بمرور ایام و بمساعدت وقت و سرمایه عملی کرده خواهد رفت . چون آرansas با خبر در دوران جنگ از تمام منابع اطلاعات دنیا استفاده می کند میتوان گفت که از نقطه نظر تفصیل و قایع و جامع بودن گذارشات دنیا بهترین مرقد فکت نصیب این آرansas است .

### مطبوعه عمومی

مطبوعه عمومی کابل در سال ۱۳۱۹ علاوه از کتابهای طباعتی مثل کتب معارف جراید و نایق ، مجلات ، و کتب علمی و اسهام و غیره که ما احصایه آن را ذیلاً عرضه میداریم و در مملکت ما کاملاً بسابقه میباشد توانسته است که مطابع و لایات رانیز بشکل عصری و مطبوعه های لیتوگرافی و سنگی آنرا بمعطاب حروفی مبدل سازد .

چنانچه مطبوعه قندهار و هرات با مشبهای حروفی طرز جدید بکار انداخته شده و دارای هر قسم حروفها به بندهای مختلف ساخت کارخانه حروف ریزی مطبوعه عمومی میباشد . این مطابع علاوه از جراید جمله کارهای حکومتی و شخصی آنولایت رانیز بصورت قشنگ و زیبا تکمیل میدارند و اشخاص تعلیم یافته فنی از طرف مطبوعه عمومی بحیث ماشینکار مرتب بهر جا جدا جدا فرستاده شده .

سالنامه « کابل »

برای دیگر مطابع مثل مطبوعه اتحاد مشرقی جلال آباد ، مطبوعه بیدار قطعن و مطبوعه مزار شریف و همینه نیز ماشینها و حروف وغیره سامان وادوات تکمیل و عنقریب فرستاده می شوند .

اینک اجرا آت طباعتی مطبوعه عمومی کابل را بصورت مختصر مینویسیم :

الف شعبه طبع :

- |                                               |   |         |
|-----------------------------------------------|---|---------|
| ۱:- جده اول مالیاتی و کتب دفترداری ۳۶۸۶۷۲۴    | { | ۱۲۳۲۰۰۰ |
| ۲:- کتب تدریسی و تعلیمی معارف                 |   |         |
| ۳:- مجلات ، کتب علمی ، جراید و اخبار ۲۰۹۱۷۸۷۱ |   |         |
| ۴:- وثایق واوراق قبتمدار ۱۷۱۳۸۰۰              |   |         |
- ۲۷۵۰۴۰۰ داپ

ب : شعبه صحافت و تجلید :

- |                                                        |   |       |
|--------------------------------------------------------|---|-------|
| ۱:- کتابهای که دوخت و وفاویه صحنی و ملتی شده ۱۷۳۸۰ جلد | { | ۷۵۰۰۰ |
| ۲:- مجلات پا نزد روزه و ماهوار وفاویه دوخت شده ۵۸۹۴۰۰  |   |       |
| ۳:- کتب تدریسی و تعلیمی طلب وغیره آثار علمی ۹۷۵۰۰      |   |       |
| ۴:- یادداشت ها وغیره آثار خورد ساز و پاپورت            |   |       |
- ۷۷۹۲۸۰ جلد

ج : شعبه عکاسی و پلت سازی :

- |                                                  |   |      |
|--------------------------------------------------|---|------|
| ۱:- عکاسی فتوهای سالنامه و مجلات وغیره ۳۴۴۰ قطعه | { | ۱۰۵۰ |
| ۲:- کلیشه کارت ویزت وغیره منفرقه ۳۰۰۰ کلیشه      |   |      |
| ۳:- قلم درافست گرفته شده ۴۴۰ تخته                |   |      |
| ۴:- کاغذ عکاسی ۵۹۰ عدد                           |   |      |
| ۵:- پلت های مخصوص ضبط                            |   |      |

د : شعبه حروف ریزی :

- |                                                        |   |      |
|--------------------------------------------------------|---|------|
| ۱:- حروف ساخته شده فارسی پنتو وغیره ۵۵۰۰ کیلو گرام     | { | ۱۲۴۰ |
| ۲:- سپیس، خشت، سربی کتیشن وغیره که ساخته شده ۶۷۴۰ کیلو |   |      |

ه : شعبه مهر سازی :

- ۱:- مهر ساخت و تکمیل شده ۷۰۰ عدد

**مدیریت عمومی پښتو و لهجه :**

چون درنهضت حاضرة مملکت خوش بختانه برای احیا و تعمیم زبان ملی پښتو جای بزرگی داده شده است و توجه اولیای بزرگ امور مملکت از شخص اعلیحضرت همایونی تمام اراکین دولت باین سو معطوف است پس وظیفه کبدوش پښتو وله تحمل شده بسیار گران میباشد و جای بسی امیدواری است که فضای زبان پښتو باین اهمیت کماهو حقه که بی برده بر حسب ایجاب مسئله با تمام قوا در این راه کار میکنند و تا اندازه زیادی در مشاغل خود کامیاب هم شده اند و چون احیا و تعمیم زبان مستلزم و فرت کتب و مطبوعات است لهذا مسائل در پښتو وله بر علاوه خدماتیکه در زمنیه کورس ها و نشریات پښتوی رادیو و اعطای مشوره های لسانی به مراجعین در توپیر کتب و مطبوعات موافقیت های خوبی نصیب شان شده است که اینک به بعضی از آثار مهمه آن در ذیل اشاره میشود:

**تألیفات و ترجمه ها :**

- ۱: کتاب فاموس اصطلاحات پښتو (۵۰۰) صفحه نگارش شا غلی محمد گل خان نوری
- ۲: د پښتو لهجه (۳۰۰۰)
- ۳: د پښتو متنو نه (۱۵۰۰)
- ۴: ملی هندره با تزئین و ترتیب دو
- ۵: ترجمہ کتاب مناهج الحیات از عربی نقولای حداد بقلم شاعری عزیز الرحمن خان
- ۶: « معنی الحیات از عربی »
- ۷: نگارش تذکرہ شعرای پښتو بنام (پشتانه شعراء) در حدود (۱۵۰۰) صفحه حاوی شرح حال و آثار تقریباً (۲۵۰) نفر ادبی و شعرای پښتو در مدت یک هزار سال اخیر از (۳۰۰) تا حال نگارش شاعری عبدالحی خان حبیبی معاون ریاست مطبوعات و مدیر عمومی پښتو وله.
- ۸: نگارش و نشر کتاب لغت حبیبی پښتو حاوی ده هزار لغت با ترجمہ و مشقات آن، و تفصیل تذکر و تأثیث و جمع و مفرد آن این کتاب در شعبه لغت تحت اداره ع، محمد اعظم خان معاون پښتو وله نگارش و نشر یافته.
- ۹: نگارش جلد سوم پښتو آکنی در دو جزو (۲۶۰) صفحه بقلم شاعری عبدالرؤف خان « یعنوا » و طبع و نشر آن.
- ۱۰: نگارش جزو اول جلد چهارم پښتو کلی بقلم شا غلی عبدالرؤف خان « یعنوا ».
- ۱۱: تصحیح و ترتیب جدید گرامر پښتو بالیرادات لازمه از طرف شاعری محمد اعظم خان ایازی
- ۱۲: نگارش کتاب (لوی احمد شاه با با) با شرح حال و منزات آن شهنشاہ بزرگ بحیث (ادیب، مفسر، شاعر) و تصحیح و ترتیب دیوان غزلیات احمد شاه با با کمی از روی سه نسخه خطی و طبع و نشر آن بقلم شاعری عبدالحی خان حبیبی.
- ۱۳: آغاز تحقیقات راجع به تحریر کتاب تذکرہ شر نگاران پښتو و نگارش مبا حث

- اویله آن از طرف بناغلی قیام الدین خان خادم و صدیق الله خان رشتن .

  - ۱۴- نشر مجله کتاب از طرف شعبه صحافت تحت مدیریت بناغلی محمدقدیر خان تر و کمی « سالنامه » > > > > > >
  - ۱۵- « سالنامه » > > > > > >
  - ۱۶- ترجمه و تحریشی کتاب روش های ادبی و بدبیعی معاصر ترجمه و تحریر بناغلی > >
  - ۱۷- جمع آوری لغات پیشتو علاوه برده هزار لغت جیبی - برای فاموس بزرگ پیشتو
  - ۱۸- اداره تنظیم کورس های زبان پیشتو از طرف شعبه تنظیم کورسها ، و تقرر معلمین و فقیش های مسائل کورسها ، و رفع نواقص تعلیمی و اداری کورسها ، و مکاتبات بادوائر را جم به اصلاح کورسها ذریعه (۵۰۰) مکتب ، و تقدیمات لازمه حاضری کورسها ، تقویتیش (۸۳) کورس ، و تقرر معلمین به (۴۷) کورس مرکز (این اجرآت از فوس تا آخر دلو است)
  - ۱۹- اصلاحات و کنترول مقالات پیشتوی رادیو و مدیریت عمومی نشریات و جراید در حدود (۲۵۰) مقاله و نگارش مقالات مهم اقتصادی و اجتماعی .
  - ۲۰- به خواهش دوائر ترجمه اسماء و اعلام بر بان پیشتو و نامگذاریهای جدید پیشتو .
  - ۲۱- نگارش تاریخچه سبکهای اشعار زبان پیشتو بر بان فارسی - بقلم بناغلی عبدالعالی خان حبیبی
  - ۲۲- ترجمه کتاب (حیات فویه) عربی از طرف بناغلی اور اداد الدین خان منتظم کورسها .
  - ۲۳- کتاب (آداب جوانان) عربی ترجمه بناغلی صدیق الله خان رشتن .

از عناؤین کتب فوق میتوان حدس زد که کتب مذکور درین دوره انتقال یعنی دوره که خوش بختانه زبان فارسی را ترک و به زبان پیشتو منتقل می شویم چقدر مفید و برای این مأمول عالی و بزرگ که مدارای چه تاثیراتی خواهد بود ؟ بهر حال زحمت فضلای پیشتو قابل قدر است .

امور فوائد عامه : (۱)

وزارت فوائد در عمران و آبادانی مملکت وظیفه بزرگی داردواز خوش قسمتی های وزارت  
معزی ایها درین چند سال اخیر چنانچه لازم است صرف همت وجدیت نموده تا اندازه زیادی آمال  
و آرزو های دولت را که در عمران و آبادی مملکت دارد برآورده است چنانچه مصدق این  
ادعای ماحصلات بندها، انها، سرگاه و سائر آبادی هایی است که درین چند سال اخیر در مملکت رو نما  
شده و جرائد، روزنامه ها و سائر هنای خبر رسانی وقتی فوقاً ازان ها اطلاع میدهند.

امسال هم وزارت مو صوفه دامنه جديت و مسامي خود را در وظائف موظفه خويش ازدست نداده و مصدر کار های بزرگی در احداث بنداوهنهار، معابر و عمران و آبادی ملکت شده است که از هر حیث قابل قدر میباشد و این شمه از اجراء آت آن وزارت را تا حد يکه بدست آورده ايم درذيل مينوسيم :

مدیریت عمومی بنده و آنها :

الف : مراتب مقدماتی راجع به استخدام انجینیر و خریداری برای وزارت فوائد عامه .

(۱) چون معلومات راجع به امور وزارت فواید عامه مؤخر تر بمارسیه لذابنابر در نظر داشتن سرعت کار امور فواید عامه از زرون خود عق قدر افتاد . (اداره)

## اجرا آت دوائر مملکتی

جون سنجیدن شرائط مقدماتی کارها و معلوم نمودن پهلوی اقتصاد و صرفه، ذریعه انجینیر و اسباب انجینیری صورت می گیرد، و بدون سنجش و دقت افدام به کارهای بزرگ سبب خسارات بزرگ میشود.

لذاء وزارت فوائد عامه از ابتدای سال ۱۳۱۹ در صدد تهیه و تکمیل انجینیرها و خریداری سامان برآمد، و اساس هایی را که برای استخدام صحیح انجینیران و خریداری سامان لازم بود وضع نموده وزیر اجراء گرفت قرار ذیل است.

۱- صورت ترتیب فرادرادیکه با انجینیران اجراء شده و روابط مستخدم و مستخدم را تعريف و حقوق طرفین را نشان می دهد.

۲- ترتیب کوایفکش انجینیران که اندازه لیافت و اهلیت انجینیر را واضح نموده و کارهایکه از ایشان مطلوب است بیان می کند.

۳- ترتیب لست ادواء ماشینی و دستی تمام شعبات عمرانی وزارت فوائد عامه نظر به احتیاج کارهایکه اجرای شان مدنظر بوده است.

۴- صدور متحدهالال بناینده های افغانی درخارج، و کمپانی های معروف دنیا، و موسسات فنی و تحقیکی، برای استخدام انجینیر و خرید سامان و دعوت کمپانی های تجارتی برای کار و عمل در افغانستان بحسب شرایط مرتبه.

ب : تهیه وسائل پیشرفت کارهای نیم کاره و کارهای جدید عمرانی مدیریت عمومی بند و انهار برای پیشرفت کارهای نیم کاره بند و انهار، سعی نموده، تا حتی الامکان تمام وسائل کار موجود شود، و از طرف دیگر وقتاً فوقاً اجراء امور عمرانی آن را تعییب نموده تامقاضای فن اقدامات شده باشد، نتایج کارهای مذکور حسب آتنی است.

### الف : بند ها :

مر بوط ولايت کابل :

۱- بند قرغه مقدار کار انجام شده امسال ( خام کاری ) ۴۳۵۰۰ متر مکعب

۲- بندسراج « « « ( پخته کاری و کانگریت ) ۳۸۰۰ » »

۳- بندخوار « « « ( پخته کاری ) ۶۰۰۰ » »

### ب : انهار :

نهر های فندhar .

۱- نهر سراج : پلان و پروژه ساختن های که ترمیم طلب است.

۲- نهر صرغه : تمام امور پروژه وی و اقدام بکار.

۳- « پاتو بعد از مطالعه ترتیب پروژه آن زیر کار است.

### ۲- نهر های مر بوط قطعن :

۱- نهر اجمیر بفلان و جریان دادن کارهای موقتی الی سلام خیل و تمام نمودن پیماش

بین فابریکه بغلان الی سلام خیل.

۲: نهر قندوز بعد از مطالعه به نتیجه رسید که از پل جمه مرمت کاری حصه های نهر کرده شود.

### ۳: حکومتی اعلیٰ مشرقی:

۱: نهر سراج - پیماش تحقیکی نقشه نهر موجود همراه برق های آن ذریعه یک هیئت فنی عملی شده است.

### ج: تشکیلات:

۱: در انهر قدهار به نسبت اهمیت کارهای فنی و اداری آن یک مدیریت لازم دیده شد، تشکیل مذکور اخیراً منظور و در رأس آن ص، عبدالفنی خان مدیر مامورین وزارت تعمین و برای ذگرانی کارهای فنی و اداری انهر قندهار ع، محمد کبیر خان مدیر عمومی بندهانهار مقرر و باهدایات لازمه اعزام شدند.

### ۲: نهر اجمیر بغلان:

هچنان برای پیشرفت و سرعت کارهای نهر که از نقطه نظر زراعتی بغلان نهر مذکور اهمیت زیادی داشت ع، سید وحدت شاه خان انجینیر تعمین و باهدایات لازمه اعزام شد.

### د: مقررات امور پروژه وی و مطالعه وی در سال ۱۳۱۹:

۱: به اتمام رسائیدن پروژه و شروع کردن ساخته برای ساختمان های مدافعانه وی سیل آبه در پل خمری.

۲: فرستادن یک هیئت فنی برای سنجیدن پروژه مناطق مایه های پل خمری - از نقطه نظر فن، و تکمیل پروژه مذکور و سپردن آن بوزارت صحیه.

۳: ساختن نقشه ابشار های قصر بغان.

۴: ترتیب نقشه دور کردن آبهای خراب از چاهای علی آباد و تسلیم دادن نقشه مذکور بوزارت صحیه.

۵: مطالعه دریای قندوز از نقطه نظر آبیاری ولايت مزار شریف ذریعه، هیئت، و تحقیق امکان کشیدن جوی از دریای قندوز بولايت مزار شریف مطابق نظریه هیئت مذکور.

### ه: تربیبات مقدمات کارهای ۱۳۲۰:

۱: چون مقصد وزارت فواید عامه درین شعبه به سال ۱۳۲۰ پیشرفت پلان های عمرانی است

لهذا، پروژه کارهای مذکور را برای سال ۱۳۲۰ حسب ذیل ترتیب داده:

۱: ترتیب لست ماشین های بندها و انهر.

۲: « مصالح داخلی بندها.

۳: « بودجه مصارفاتی بندها و انهر.

۴: اقدامات مزید برای استخدام انجینیر و خریداری سامان.

## اجرا آت دوائر مملکتی

### مدیریت پیماشی:

لسته مرتبه نقشه های که مدیریت پیماشی بوسیله مهندسین مربوطه خود از ابتدای هذا سنه تا کنون ترتیب و بدایر مطابقه اش شده است :

نام	شروع	اکسل و نمای نقشه	تفصیلات	
			اکسل	نمای
۱۳۱۹ اور ۱۹	۱۳۱۸ حوت ۱۴	۵۰۰۰_۱	۵	نقشه اراضی گمرک قلعه محمود خان
» ۲۱	» »	۱۰۰۰_۱	۱۳	» بارکهای اراضی ریش خور
»	»	۲۰۰۰_۱	۳	» چمن حضوری واطراف آن
»	»	۱۰۰۰_۱	۴	» تپه مرنجان
» سنبله ۱۶	۱۳۱۹ جمل ۱۰	۵۰۰۰_۱	۱۱	» علی آباد
» ۳۱	۱۱ اور ۱۱	۵۰۰۰_۱	۱۰	» پال میدان
» سرطان ۲۲	» جوزا ۲۰	۵۰۰۰_۱	۸	» پال شیخ آباد
» ۱۳	» سرطان ۴	۵۰۰۰_۱	۶	» دامنه کوه خواجه رواش
» سنبله ۳۰	» »	۵۰۰۰_۱	۷	» پل کنک غزنی
» سرطان ۱۸	» » ۱۶	۵۰۰۰_۱	۹	» برجه غزنی
» میزان ۱۳	۱۳۱۹ اسد ۲۱	۵۰۰۰_۱	۱۴	» پل کشک غزنی
» عقرب ۷	۲۸ سنبله ۲۸	۱۰۰۰_۱	۱۵	» شهر غزنی
»	» میزان ۲۳	۴۰۰_۱	۱۶	» تپه بلند یغمان
۱ فوس	۲۸ عقرب	۲۵۰۰_۱	۱۸	» سرک ارگ شاهی حد میثار استقلال
۲۵ عقرب	»	۲۵۰_۱	۱۷	» میدان صیاره گردیز
» حوت ۱۱	»	۵۰۰_۱	۱۸	» فابر یکه بوت دوزی
»	»	۰	۰	» زمین عقب قهوه خانه چمن
»	»	۰	۰	» سردی تنگ غارو
»	»	۰	۰	» اراضی کوتل شبر
» ۲۶ جدی	برج میزان ۱۳۱۸	۲۵۰_۱	۱	» ایش پشته
»	»	۲۰۰۰_۱	۲	» بند فرغه
»	»	۰	۰	» گمرک قلعه محمود خان
»	»	۰	۰	» بارکهای اراضی ریش خور

## مجلس شورای ملی

درسن<sup>ه</sup> ۱۳۱۹ شورای ملی بر علاوه امور سائره اداری خود موفق به مذاکره و تصویب اصولنامه های ذیل شده است :

۱ : - تدقیق و تصویب موافقه بودجه ۱۳۱۹ مملکتی .

۲ : - چلنجنوتهاي دا فغانستان بانك

۳ : - لایحه اصولنامه رادیو

۴ : - لایحه اصولنامه تشویق صنایع

۵ : - ضمیمه اصولنامه محصولات بلدیه راجع به تبدیل اصل ۲۳ آن

۶ : - معاہده مودت بین حکومت افغانستان و سوید

۷ : - قرارداد تلگرافی و رادیو تیلفونی بین افغانستان و چاپان

## مجلس اعيان :

ریاست اعيان درسن<sup>ه</sup> ۱۳۱۹ لوائح و اصولنامه های ذیل را تصویب نموده است :

۱ : - معاہده مودت بین حکومت شاهی افغانستان و حکومت شاهی هولاند

۲ : - » » » » » و سوید

۳ : - لایحه اصولنامه رادیو

۴ : - » » تشویق صنایع

۵ : - قرارداد رادیو تلگرافی و رادیو تیلفونی بین افغانستان و چاپان

## امور دارالتحریر شاهی

دارالتحریر شاهی که بمثیل او اسر و هدایات و مبلغ اراده های حضور مبارک اعلیحضرت همایونی (محمد ظاهر شاه افغان) پادشاه جوان و معارف پرور و ملت خواه افغانستان است بر علاوه امور اداری خود در هذالسن<sup>ه</sup> در حدود وظائف موظفة خویش مصدر اجر آت خوبی شده است کاینک از ان جمله یک فهرست نشانهای را که بر حسب معتاده را ساله از حضور مبارک شاهانه به خدمت گاران جدی و صادق مملکت اعطامی شود برای درج بما فرستاده اند .

ماعین فهرست را باعتبار تاریخ اعطای نشان هادر ذیل درج میکنیم :

بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۱۷ مورخه ۴ نور ۱۳۱۹ نشان درجه اول معارف برای و ، ج

کل احمد خان نائب الحکومه من ارشیف نسبت به خدمات او در امور معارف ولايت من بور .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۳۰۷ مورخه ۲۶ جوزا ۱۳۱۹ نشان خدمت برای حمیت مند

## اجرا آت دوازد مملکتی

ذکریا خان غندهمشیر مدیر کورسهای وزارت تحرییه نسبت به خدمات او که مشاهده رسیده .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۱ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ش ، محمدحسن خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۲ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ش ، عبدالغفور خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۳ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، سیدنجف خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۴ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، محمدحسن خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۵ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، میرحسن خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۶ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، گنبدل خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۷ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، محمد اسماعیل خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۸ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، حاجی عین الدین خان

تلیمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۶۹ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، پسندشاه خان

تلیمشر علم بردار فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۰ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای غ ، مهرالله خان

تلیمشر علم بردار فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۱ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب ، غلام حسن خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۲ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب ، محمد یعقوب خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۳ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب ، عزیز احمد خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

بوجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۴ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب ، محمد علی خان

بلوکمشر فرقه شاهی نسبت به خدمات و مسامعی مشارالیه .

- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۵ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، محمد اسحق خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۶ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، میر دلاور شاه خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۷ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، خواجہ عبدالغفار خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۸ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، عبدالغفور خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۷۹ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، نور محمد خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۸۰ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، عبدالله خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۸۱ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، سید محمد خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۸۲ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، محمد علی خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۸۳ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، حاجی محمد خان  
بلوکمشر فرقہ شاهی نسبت به خدمات و منساعی مشارالیه .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۳۸۴ مورخه ۴ سرطان ۱۳۱۹ نشان خدمت برای ب، محمد یوسف خان اوکمشر
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۴۳۵/۲۳ سرطان نشان ستور درجه دوم برای ع، ص غلام حیدر خان  
رئیس گمرک کابل نسبت به خدمات او در احاطه وظائفش .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۴۳۶/۲۳ سرطان نشان ستور سوم برای ع، ص خواجہ تاج الدین خان  
رئیس گمرک مزار شریف نسبت به خدمات او در احاطه وظائفش .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۴۶۶/۳۱ اسد نشان ستور درجه اول معارف برای ع، ص عبدالrahmed  
خان معین وزارت معارف نسبت به خدمات او در پیشبرد امور معارف .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۸۶۷/۱۳۱ اسد نشان ستور درجه اول معارف به ع، ص سید محمد فاروق خان  
رئیس تدقیق و زارت معارف نسبت به خدمات او در پیشبرد امور معارف .
- بموجب اعتبارنامه نمبر ۸۶۸/۱۳۱ اسد نشان ستور درجه دوم معارف برای ع، ص عبدالرحیم خان  
رئیس مکتبین استقلال و نجات نسبت به خدمات او در پیشبرد امور معارف .

## اجرا آت دوائر مملکتی

بموجب اعتبار نامه نمبر ۳۱/۸۶۹ اسد نشان ستور درجه سوم معارف برای ص، غلام جیلانی خان مدیر معارف قندهار نسبت بخدمات او در پیشبرد امور معارف .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۳۱/۸۷۰ اسد نشان ستور درجه سوم معارف برای ص، عبدالسلام خان سابق مدیر معارف مزار شریف نسبت بخدمات او در پیشبرد امور معارف .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۳۱/۸۷۱ اسد نشان ستور درجه سوم معارف مدام گرته غفور بر شنا نسبت بخدمات او در امور معارف .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۴۷۵/۲۴-۲۷۵۸ سنبله نشان سردار عالی برای ع، ج وار و مور یاوز پر خنثار جاپان در کابل اعطای گردیده .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۵۷۸/۱۷ قوس نشان ستور درجه دوم برای حمیت مند باشی حلمی اربوغ ارکان حرب معلم تعبیه نسبت بخدمات او در وظیفه اش .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۵۷۹/۱۷ قوس نشان ستور درجه دوم برای حمیت مند باشی بر هان او زکوک ارکان حرب معلم تاریخ و چرافیا عسکری نسبت بخدمات او در وظیفه اش .

بموجب معلم سواری تاریخ و چرافیا عسکری نسبت بخدمات او در وظیفه اش .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۵۸۰/۱۷ قوس نشان ستور درجه دوم برای حمیت مند باشی حقی صوقول معلم سواری تاریخ و چرافیا عسکری نسبت بخدمات او در وظیفه اش .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۸/۱۵۰۷ عقرب نشان معارف درجه سوم فورن رات اماحسن نظر بخدمات او در امور معارف .

بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۲/۱۹۹۸ جدی نشان المر عالی برای ع، ج عبد المجید خان وزیر اقتصاد ملی به تقدیر خدمات معزی ایه در امور اقتصادی و بانکی افغانستان .



# بانک ملی افغان

## تشکیلات اداری و نمایندگی ها

رئیس : ع، ج، ا، ع عبدالجیاد خان (وزیر اقتصاد ملی)  
معاون شعبه بانکی : ع، ص غلام حیدرخان مختارزاده (کنسل ریاست بانک)  
معاون شعبه تجاری : ع، ص خیر محمدخان

### ریاست تقاضیش :

معاون : ع، میر شمس الدین خان  
مدیر : ع، محمد موسی کاظم خان  
مدیر عمومی صنعتی : ع، محمد عتیق خان  
مدیر مامورین : ص، غلام علی خان  
مدیر محاسبه و کنترول : ص، محمد عمر خان  
مدیر نمایندگی : ص، محمد یعقوب خان

### اجرا آلت بانکملی افغان

سال ۱۳۱۹ بواسطه شیوه و جریان چنگ اروپاء برای اقتصادیات عالم حوادث و جریانات غیرمنتظره بوجود آورده و در اثر این پیش آمد ها نه تنها دولت متحارب با که مالک یطرف و دور دست نیز چه از لحاظ پیدا کردن بازار برای عرضه محصولات خود و چه تهیه و تورید محصولات و لوازم کارآمد زندگانی با تکانهای شدیدی معرض گردیده و اکثر مالک عالم کوشیدند که با تاخذ تدابیر و انتظامات مختلفه اوضاع خود را درقبال این جریانات متوافق بسازند.  
بانکملی افغان که در تدویر امور اقتصادی و تجاری افغانستان از بد و تاسیس خود عهده دار رول عده گردیده است در جریان سال ۱۳۱۹ با تمام آینه در قوه خود داشته کوشیده است که اوضاع و حالات اقتصادی کشور را باشرایط جدیده و غیر منتظره موافق نگه داشته و در عین زمان وظائف مهمه که از لحاظ پیشرفت امور بانکی و انبساط امور تجاری و تکمیل بلانهای صنعتی و کنترول توازن اسعار بر ذمه داشته مطابق منظور و هدف عالیه دولت از پیش برد.  
با وجود آنکه حوادث ناشیه از جریانات چنگ بساموانع واشکال در راه پیشرفت امور عائد نموده ولی معذا مالک خوشبختانه بانکملی راتا اندازه مهمی موفقیت دست داده است که امور

## اجرا آت دوائر مملکتی

مربوطه را با حسن ترتیب از بیش بیرد و علی الرغم حوادث و مشکلات قدم های وسیعی بطرف هدف مقصود بردارد .

خلاصه اجراءات بانکملی رادر ظرف سال ۱۳۱۹ در تحت عنوان ذیل بمطالعه خوانندگان

محترم تقدیم می داریم :-

- ۱ - امور بانکی :
- ۲ - امور صنعتی وزرائعتی
- ۳ - امور تجاری :
- ۴ - منفرقه :

### ۱ - امور بانکی

تدویر امور بانکی بر سیستم اساسی و راسبو نالیزه یکی از هدف های مهم بانک ملی بوده و درین راه اصول محاسبات بانک از بدو پیدایش آن مراحل تکامل را یپموده است در سال ۱۳۱۹ اسلوب استاد سهم بانک و اصول محاسبات آن مطابق مطالعاتی که در طریق اصلاح آن معمول گردیده بود تعديل و اصلاح گردیده اشکالاتی که قبل از پاره جهات درین مورد دعا ید بود کاملاً مرتفع شده است. طرز محاسبات و ارتباط مشتریان به بانک و روابط بانک مرکزی با شعبات و روابط شعبات درین یکدیگر نسبت بسابق خیلی بهتر و مطابق مطلوب در چریان است با این حسن معاملات و اجراءاتی که بانکملی در امور مربوطه رعایت داشته است اعتبار و اعتماد مردم روز بروز بدان زیاده شده و غرض آنکه مراجعت مشتریان بانک سهلتر و آسانتر گردد در اواسط سال ۱۳۱۹ یک شعبه دیگری بنام (بناری خانگه) که جزو شعبه نمایندگی کابل است در سرچوک کابل دایر کرده و باین ترتیب در مراجعت داد و گرفت بین بانک و مشتریان در شهر تسهیلات فراهم آمده است با این حسن معاملات بانک توجه مردم در توزیع و دائم و باز کردن حسابات چاری نسبت بسابق زیاده شده است .

(ملاحظه شود گرافیک نمبر «۱») .

و چون مردم بهوائد سیستم معاملات شرکت ها آشنا نیستند این کرده و عمل تامین منافع نمودند در سال ۱۳۱۹ بدون آنکه از طرف حکومت و بانکملی تشویق و حمایتی بعمل آمده باشد عده شرکت ها در کابل و هرات و مزار و قندهار افزون شده (۱) و عناصر مالی کشور بهیل ورغبت خود به تشکیل شرکت ها توجه نموده اند و این تمايل و توجه مردم به تشکیل شرکت ها روز افزون بوده و دلیل مثبتی است که نتایج عملیات و موقوفات های شرکت ها و مؤسسات اقتصادی را ثابت می سازد.

(۱) چنانچه تا او آخر ۱۳۱۹ دوازده شرکت جدید با مرآ منامه های شخصی در مملکت تشکیل گردیده است .

از طرف دیگر هر فدر بمراتب اندکشاف و تکامل با نکملی افروز بهمان نسبت حمایت و کمک آن نسبت به تجار و موسسات اقتصادی افرون تر گردید. اگر خواهند گان محترم گرافیک نمیراول را که مربوط بحساب امانت و قرضه و حسابجاری است بدقت از نظر بگذرانند ملتفت میشوند که در سال ۱۳۱۹ میزان قرضه دادگی بانکملی نسبت بسال ۱۳۱۸ در حدود شصت (۶۰) میلیون افغانی صعود نموده و تقریباً دوچند نسبت بسابق افرون شده است.

## ۲- امور صناعتی وزرائی:

۱۳۱۹ سال در ظرف بازگشته بدانکملی در راه پیشبر دیلانهای صنعتی مصادف باعوائق غیرمنتظره بوده که این مشکلات کلیتی ناشی از پیش آمد جنگ اروپا، و مسدود شدن راه های تجاری است. معذلك تا آنجا که مقدور بوده بازگشته کوشیده است که این مشکلات را از جلو خوب داشته و نقشه صنعتی کشور را از پیش بیرد. یکی از موقیت های مهمه که در ظرف سال ۱۳۱۹ از حیث پیشرفت صنعت نصیب کشور گردیده افتتاح اولین فابریکه قند سازی بغلان است که ساختمان آن در ۲۰-۱۳۱۷ از ظرف شرکت قند سازی آغاز و بهمالم موقیت در ۳۰-۱۳۱۹ افتتاح گردید در مراسم افتتاح این فابریکه ج-ع-ج-۱-الاحضرت افخم صدر اعظم صاحب کار کستان و متصدیان بازگشته و شرکت قند سازی را کمال مبارات و افتخار بخشیده شخصاً با جمعی ازو زراء و رجال دولت در بغلان تشریف برده و آنرا بدست مبارک خود مقتوح فرمودند امسال فابریکه موافق شده توائمه است که به مقدار حقیقی تولید خود برسد. علت اینکه استحصال اسال با مقدار حقیقی تولید فابریکه تناسب ندارد اینست که امسال چون بلبو به مقدار مطلوب استحصال نشده بود فابریکه فقط (۱۶) شانزده روز کار نموده است برای استحصال بلبو و بهتری جنس و شرائط زراعت آن بصورت علمی طبق نظریه و مشاهدات متخصصین لائحة جامعی ترتیب و منظور شده و برای تطبیق بدوانه مربوطه تحویل داده شده است - انتظار میرود که با تطبیق مقررات این لائحة مقدار استحصال بلبو زیاد و صفات و جنسیت آن بهتر شده و فابریکه موفق بتواند مقدار مطلوب شکر بگردد.

در لائحة مرتبه که بزای ترقی زراعت و تولید للبیو ترتیب و تصویب گردیده مقررات مهمی پیش بینی شده دائز براینکه هر دهقانی که خوبتر بزراعت پرداخته ویشنر از مقدار تعهدی خود للبیو تحويل بدارد ( ولو آنکه این مقدار اضافه‌گی یکسیز باشد ) باندازه ( ۲۰ ) فیصد قیمت مقدار للبیو تعهدی او بصورت جایزه برایش داده میشود .

مطابق پروگرام مرتباً باید در سال ۱۳۱۹ بنای دومین کارخانه فندرسازی در قندوز گذاشته می شد اما مدت آسفانه بواسطه جنگ اروپا و مشکلات راه ها این منظور بنا چار بتعویق افتاده است. فوده تو لید فابریکه در ظرف ۲۴ ساعت در حددود شش صد تن لیبو و تخمین شده یعنی کارخانه

در مدت مذکور شش صد تن لبیو را مستهلك و بشکر تحويل مینماید .  
بنای فابریکه قندسازی بغلان چنانچه در جای دیگر اشاره شده (از ۲۰) اسد ۱۳۱۷ شروع و در ۳۰  
عقرب ۱۳۱۹ ختم گردیده و در ساختمان فابریکه مذکور بطور اوست در هر روز هزار قیر عمله  
ونود نفر گذکار و شصت نفر نجار کار نموده قیمت ماشین پنج میلیون و دو صد هزار افغانی و کرایه  
آن سه صد پنجاه هزار افغانی حساب شده است در ساختمان عمارت فابریکه تقریباً هشت میلیون افغانی  
صرف شده است .

۲- در جزء امور مهندسی که در قسمت کارهای صنعتی در دست اجرا است فابریکه نساجی  
پلخمری میباشد با وجود مشکلات عالیه شرکت نساجی به کمک و معاونت بانک ملی کارهای  
ساختمانی را در ظرف سال ۱۳۱۹ - تعقیب نموده و قسمت اول امور این فابریکه را از حالا باید  
خاتمه یافته حساب کرد . اگر محاسبه آغاز نمی شد مطابق به پروگرام مرتبه حصه دوم و سوم کار  
فابریکه نیز شروع میگردد بحال قسمت اول ساختمان نهایی این فابریکه بزرگ و عصری  
در ۱۳۲۰ تمام شده و مور داستعمال واستفاده قرار خواهد یافت .

در حوالی با برجهت تعلیم و تربیه عمله برای فابریکه های نساجی کشور ساختمان یک  
فابریکه نساجی که شامل هفت صد (۷۰۰) دستگاه میباشد تحت ساختمانی بوده در ظرف سال  
۱۳۱۹ ساختمان بعضی عمارت آن تکمیل شده است .

۳- به تعقیب نظریات عالیه دولتشکه متوجه ملی ساختمن صنایع در افغانستان است در ۱۳۱۹  
شرکت نساجی پلخمری فابریکه نفتایی جبل السراج را نیز از دولت خریداری نموده و کنون  
فابریکه مذکور به سیستم تشبیث تجاری اداره میشود .

۴- از طرف شرکت اتحادیه شمالی (پنه) در بباء نقاط قطعن چون قندوز و تالقان و حضرت  
امام و قلعه زال وغیره فابریکات و دستگاه های متعددی برای حللاجی و پرس و تیل کشی  
وصابون سازی وغیره نصب و بکار افتاده و در بعضی محلات چون قندوز و تالقان دستگاه های  
کوچک بر ق آبی بکار انداخته شده است چون از عملیات سال ۱۳۱۹ شرکت مذکور درین قسمت  
اطلاع جامعی بدست نیست فقط احصائی نصب ماشین های مختلفه را که در سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸  
 بواسطه آن بعمل آمده در جدول نمبر (۳) بمطالعه خوانندگان تقدیم میداریم .

۵- با نکملی از لحاظ اهمیت و مصرفیکه پنه و لبیو در صنایع نو ایجاد کشور دارد  
و یک قلم مهم را در صادرات وطن تشکیل میدهد توجه کما ملی بدان مبذول و این توجه  
محضو صابد و قسمت معطوف است یکی بھتری جنس پنه و اصلاح نوع و تعم آن که  
هر سال بانتخاب و تجدید تخم و تو زیع مجانی آن از طرف شرکت شما لی  
پرداخته شده و دیگر ببود احوال دهاقین و زارعین که به تهیه و تولید آن میپردازند

با ساس همین منظور شرکت پنجه بهداشت بانک ملی قیمت خرید پنجه را سال بسال ترقی داده است چنانچه در سال ۱۳۱۷ نسبت بسال ۱۳۱۶ شانزده و نیم فیصد و در ۱۳۱۸ هشت فیصد قیمت ترقی یافته و در بهار سال ۱۳۱۹ مجدد آشست و نیم فیصد در قیمت تزریق بعمل آمده و مجموع تزریق قیمت از ۱۳۱۶ الی ۱۳۱۹ سی و سه فیصد میگردد در سال ۱۳۱۹ قیمت پنجه قرار ذیل تعیین شده است .

- ۱: چین اول و دوم از ابتدای فصل الی آخر عقر ب ۳ / ۶۵ افغانی
- ۲: چین سوم از اول قوس الی آخر بر ج مذکور ۴ / ۷۵
- ۳: بعد از آخر قوس الی آخر سال ۲ / ۵۰

چنانچه در قسمت دیگر اشاره کردیم برای ببودی زراعت لبلو نیز لایحه جامعی وضع و در دست اجرا سپرده شده مطابق این لایحه اگر دهاقن است متعهد خود را پوره تحويل نمایند بیست فیصد اضافه بر قیمت آنها اعطا شده و اگر از است مقرونه بیشتر بر ساند (اگرچه این زیادی یک سیر باشد) آنوقت مستحق اخذ بیست فیصد دیگر قیمت بصورت اضافی میشوند که با این ترتیب چهل فیصد اضافه از قیمت مقرونه دریافت میدارند . گویا با این ترتیب از هر حیث وسائل ترقی زراعت لبلو فراهم آمده و انتظار میروند که در سالهای آینه نتائج مثبتی از آن بدست آید .

### ۳ - امور تجاری :

ادامه جنگ اروپا در ظرف سال ۱۳۱۹ از حیث بندش راه ها مشکلات غیرمنتظره را در پیش رفت و انکشاف امور تجاری عائق ساخته و بانک ملی کوشیده آمده است که آن قسمت مواد را که تجارت آن با نحصار شرکت ها بوده از تحمل صدمات واردہ محفوظ دارد . بدین مقصد سلسله اعتباراتی را که بطور قرضه باعتبار مال التجاری صادراتی چون قره قلی به تجار صادراتی در سال قبل داده بود برداشم داشته و با این کمک تجار موفقیت پیدا کردند که با درنظر گرفتن تقاضای بازار بعضی محصولات پیردازند خلاصه اقداماتی را که از طرف بانک در امور تجاری در سال ۱۳۱۹ بعمل آمده بشرح ذیل از نظر میگذرانیم .

۱: توسعه زراعت پنجه که با ساس یک پر و ره مثبت و اساسی از چند سال شروع شده بود در دو سال اخیر نتیجه مثبت و مفید داده چنانچه در ظرف ۱۳۱۸ مقدار مجموعی استحصالات پنجه افغانی در حدودده هزار تن تخمین گردیده و یک قلم کاملاً جدید و مهمی در اقام مواد صادراتی افغانستان بوجود آمده با نکملی با وجود مشکلات حمل و نقل و موافع جنگ اقدامات موثری در عرضه این محصول تازه بازارهای مختلفه نموده چنانچه در ظرف سال مذکور بانک موفق شد که تنها (۱۰) ده هزار تن پنجه شرکت شمالی را بحکومت هند بفروش رساند و با بعضی مالک دیگر نیز این معامله

## اجر آلت دوائر ملی

- ۱- معمول گردیده و خرچ مهمی را در صادرات مملکت پیدا نموده است .
- ۲- در (۲۱) اسد ۱۳۱۹ بین بانکملی و موئسسه سو، افغان ترک رو سیه قرارداده تجارتی با مضام، رسیده مطابق این قرارداد بانکملی متعهد شده است که توسط شرکت های افرادی به مقادیری که در قرارداد تصریح شده پشم - تریاک - قره قلی - کنجد - بنه برو سیه تحويل و در مقابل از طرف رو سیه ده قلم سامان که در ان جمله مخصوصاً قند و شکر - افت باب - رخت وغیره مهم است با افغانستان وارد شود .
- ۳- در ظرف سال ۱۳۱۹ بانکملی در طی تلاش و تجسس خرد جهه پیدا کردن بازار برای عرضه مواد پیداء وارد اخلاقی افغانستان موفق شده است که یک مقدار تریاک افغانی رانیز در بعضی بازار های خارجه چون سیام وغیره عرضه داشته و مقداری بفروش رساند .
- ۴- ازمو فقیت های دیگر بانکملی در ظرف سال ۱۳۱۹ اینست که نمایندگی آن بنام افغان امریکن تریدنگ کارپوریشن استیتو - در نیو یارک قائم و تبیث یافته و پواسطه آن بانکملی موقع یافته که جهه معروفی مال التجاره افغانی چون فره قلی وغیره اقدام نماید و بدین ترتیب بازار پوست افغانی آزلندن به نیو یارک منتقل شده - مخصوصاً ترتیب گرفته شده که پوستهای افغانی بدلار که فعلاً محکمترین اسعار محسوب میشود بفروش رود .
- ۵- تعقیب سلسله اصلاحات تجارتی کشور در اوخر سال ۱۴، من خیر محمد خان معادن تجارتی بانکملی بسته هرات عزیمت نمودند تا بازتاب موسسات اقتصادی و تجار قراری راجع با اصلاحات اوضاع تجارتی بسته مذکور بدهند .
- در پایان این قسمت تذکر داده میشود که خوشبختانه باز او مراد خام که در اوائل سال ۱۳۱۸ ذچار کساد شده بود در سال ۱۳۱۹ رو به بهبود رفته و با وصف مشکلات راهها بانکملی ازین وضع استفاده نموده و در وقت مناسب به عرضه مواد پرداخته است و رو یه مرغه میتوان گفت که سال ۱۳۱۹ با وجود مشکلات وارد اوضاع تجارتی افغانستان متوفی و اطمینان بخش بوده است

### ۴- متفرقه :

در ظرف سال ۱۳۱۹ خوشبختانه باز هدایت و رهبری و حمایت حکومت مصلح ما بانکملی تا اندازه مهمی توائمه است که بمقاصد اجتماعی و ملی خدمات و کمک های قابل تقدیری عرضه دارد خلاصه اقدامات بانکملی درین قسمت فرازدیل است :

### ۱- موئسسه خیریه :

در سال ۱۳۱۹ بانکملی به پیشنهاد - ج - ۱- وزیر صاحب اقتصاد ملی و رئیس بانکملی و تصویب هیئت مدیره خود ترتیب گرفت که یک موئسسه خیریه تاسیس نماید برای این موئسسه

از طرف بانک و موسسین آن فعالیک صد و هفتاد که (۱۷۰) افغانی اعانت داده می‌شود و بالفعل در نظر است که بانک دارالاماء کین و بانک دارالایاتم و بانک شفاهانه و بانک مکتب ملی (که مقدمه تاسیس دارالفنون ملی می‌باشد) تاسیس نمایند موسسه مذکور سرمایه خود را در شهر کت‌ها بکار انداخته و از عایدات آن مصارف لازمه این مؤسسات را فراهم مینماید. مقدمات انجام این کار فراهم و البته در سال‌های بعد مطابق مطلوب عملی خواهد شد از سرمایه این موسسه خیریه برای تمام موسسات خیر به مملکت کمک و معاونت بعمل خواهد آمد - در جمیع عمومی سالانه بانک‌کملی که در سال ۱۳۱۹ منعقد گردیده بود هیئت مدیره بانک‌کملی تعهد نمودند که مبالغی بشرح ذیل از دارائی شخصی خود را بدین موسسه تحويل بدارند بدین ترتیب که سرازرسال ۱۳۱۹ هر سال ده لک افغانی تدبیه نموده و میزان تعهد خود را پوره و تکمیل نمایند .. تعهدات هیئت مدیره بانک فرار ذیل است .

- ۱- ع- ج عبدالمجید خان رئیس بانکملی (وزیر اقتصاد مملی) ۵۰۰۰۰۰ افغانی

۲- ع- ص غلام حیدر خان نخبازاده معاون بانکملی ۵۲۰۰۰۰

۳- ع- محمد عمر خان نماینده بانک در امریکا ۳۱۰۰۰۰

۴- ع- حاجی عبدالخالق خان ۷۹۰۰۰۰

۵- ع- سید عظیم خان و سید نعیم خان ۱۶۰۰۰۰

۶- ع- سید کریم خان ۱۶۰۰۰۰

۷- ع- خیر محمد خان معاون تجاری ۶۰۰۰۰

در مجمع عمومی سالیانه ۱۳۱۹ مجلس سهمداران با نکملی هم از رویه هیئت مدیره بیرونی کرده و فرار دادند که یک کرور (ده میلیون) افغانی از سر جمع مقاد بانک به مدت هفت سال وضع شده و به موسسه خسارت تا دیه شود.

## ۲ - شرکت ها:

تخریک اعطای اعانه و تقویه مزیدنی مالی موسسه خیریه بانک در شرکت های وطنی نیز تأثیر نموده و شرکت های ذیل تعهد نموده اند که از ۱۳۹۱ الی هفت سال آینده مبالغ ذیل را بصنوف خیریه بازگشایی تحویل دارند :

- |                              |                   |
|------------------------------|-------------------|
| ۱ - شرکت فند سازی در هفت سال | ۱،۰۰۵۰،۰۰۰ افغانی |
| ۲ - نساجی .                  | ۳۵۰،۰۰۰           |
| ۳ - تریاک .                  | » ۳۵۰،۰۰۰         |
| ۴ - پشه .                    | » ۲۶۱۰۰،۰۰۰       |
| ۵ - هرات .                   | » ۱۰۰۵۰،۰۰۰       |

## اجرا آت دوائر ملی

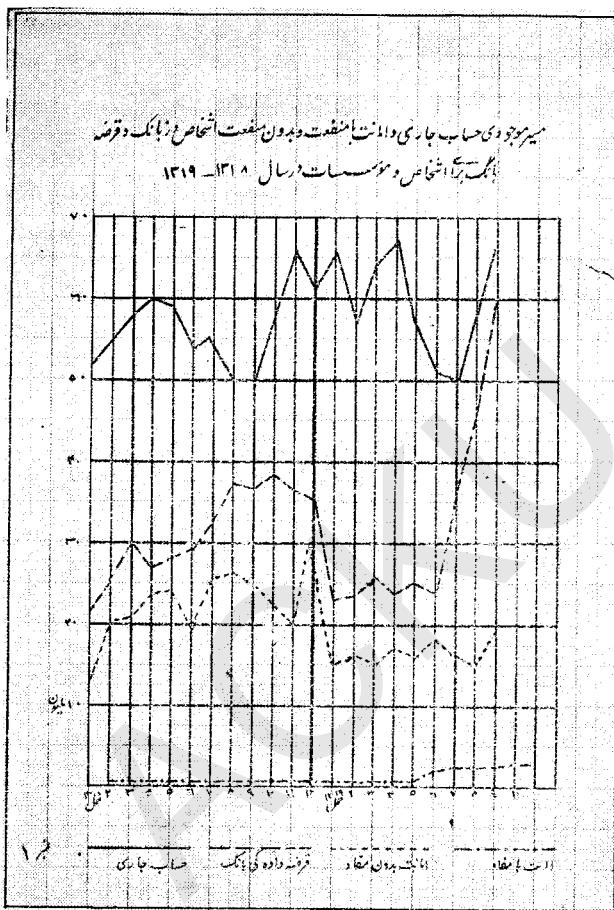
### کلوپ و کتاب خانه بانک

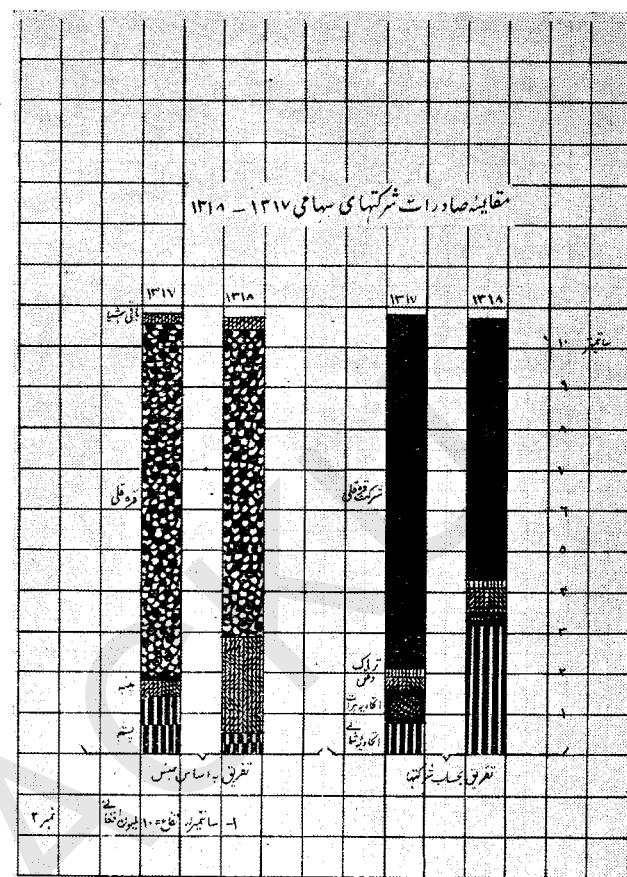
در سال ۱۳۱۹ بانک ملی موفق شده که کلوپ و کتاب خانه برای مامورین خود افتتاح کند. مطابق مقررات مصوبه کلوپ در ماه دوم تبه از طرف ارباب اطلاع در موضوعات اقتصادی و بانکی در حضور مامورین خطابه ایراد میشود. در کتاب خانه بانک یک عدد کتب مفیده اقتصادی و بانکی در سنّه مختلفه تهیه شده و بر علاوه مامورین بانک باقی علاقه مندان نیز در داخل اجازه و شرائط مخصوصه ازان استفاده میتوانند.

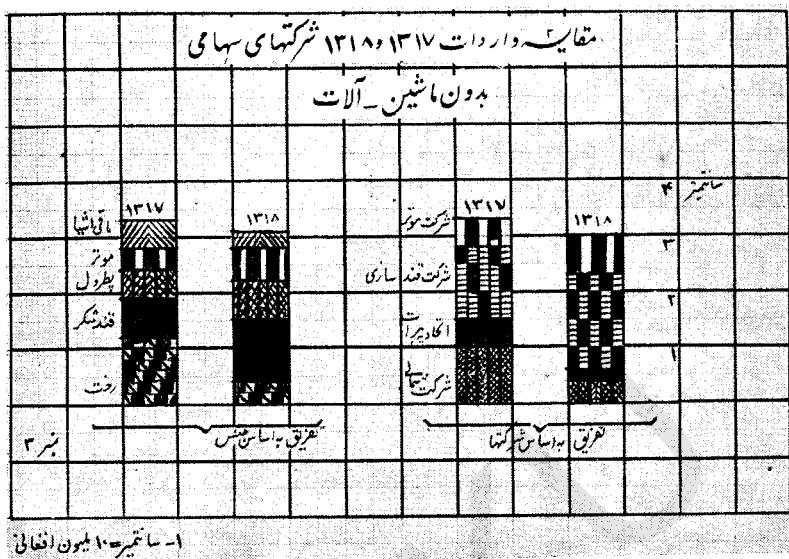
احصاییه ماشین های ناحیه شرکت شمالی پنمه در سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸

انواع ماشین ها											اسم محل
کیدرو لیک	تبل	چین روئی	تر اکتور	پر پس	پر دستی	نمر	داینوی	جمع کل	بر قی	کیدرو لیک	
۱ پایه	۱ پایه	۳ پایه	۱ پایه	۱ پایه				۹	۹ پایه	قندز	
» ۱۱	» ۲	» ۲	» ۱	» ۱	» ۱	» ۱	» ۱	» ۱۱	۱۱ پایه	امام صاحب	
» ۱۵	۴ پایه	» ۲	» ۱	» ۱	» ۱	» ۲	» ۲	» ۷	» ۷	تلقان	
» ۷	۱ پایه	» ۲	» ۱	» ۱	» ۱	» ۱	» ۱	» ۲	» ۲	خواجه غار	
» ۲						» ۲				هزار شریف	
» ۳				» ۱				» ۲		آ فجه	
» ۴	» ۱			» ۱				» ۲		۱ یلمز	
» ۵	» ۱			» ۱		» ۱		» ۲		بغلان	
» ۵۶	» ۱	» ۸	» ۲	» ۷	» ۷	» ۱۱	» ۱۱	» ۲۳	» ۱	» ۳	جمع

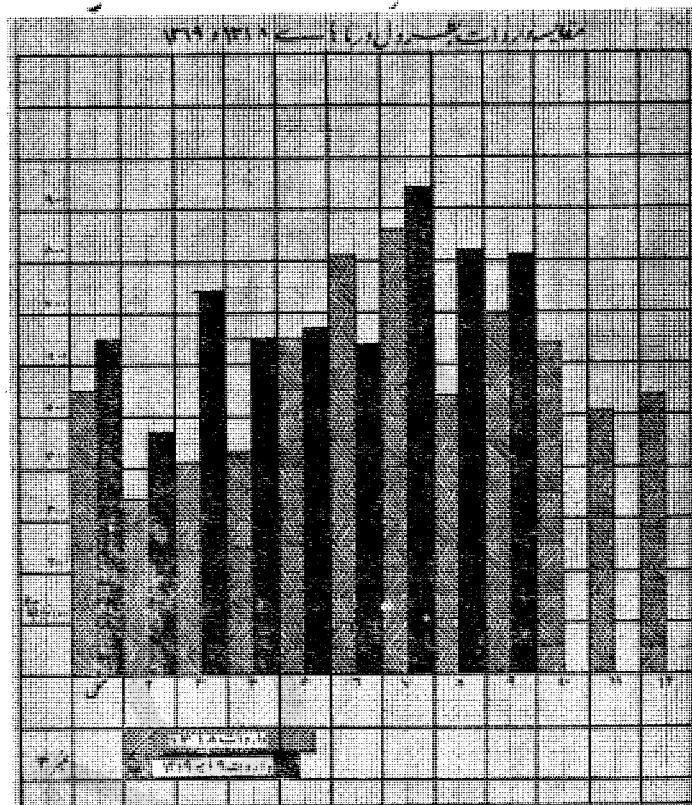
سالنامه «کابل»



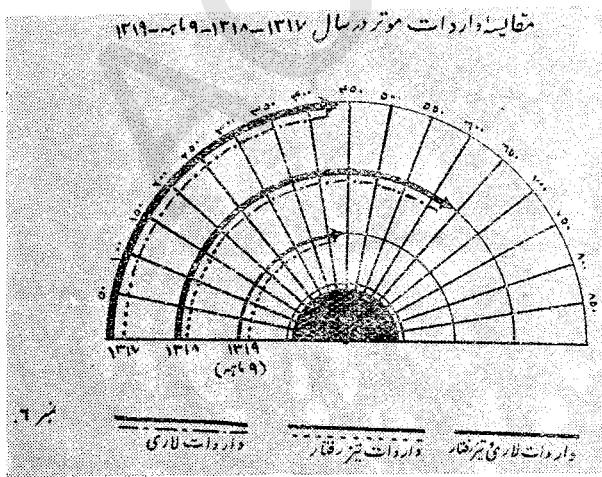
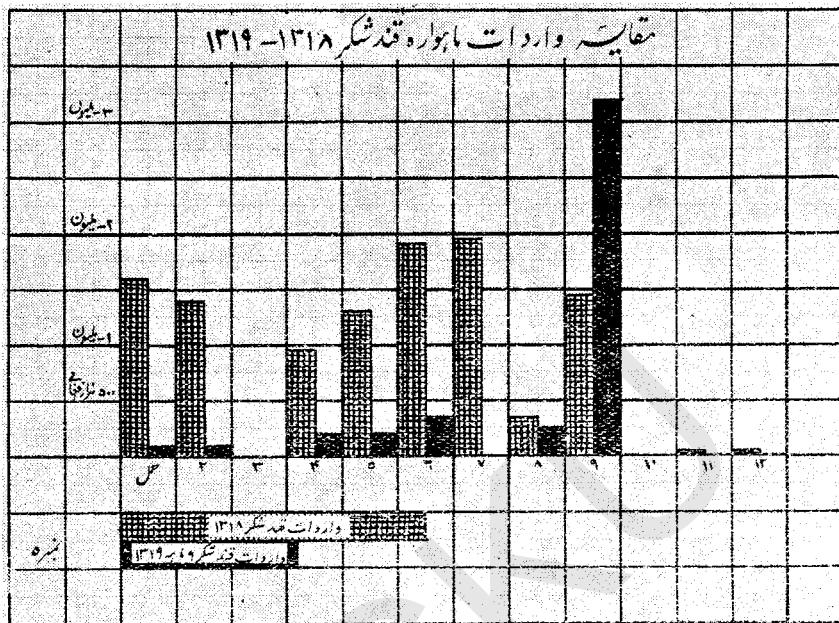




## اجرا آت دوازد مدلکتی



سالنامہ « کابل »



## فکاهیات

تجاریکه بعضی دکتورها نموده‌اند، خنده‌را در حفظ الصحه ذیدخل دانسته و تشویق می‌کنند تا مردم چنددقیقه بخندند زیرا خنده تمام عضلات را بحرکت آورده یک قسم تعریفی برای عموم اعضای قوی وضعیف وجود انسان می‌باشد.

اینک ماهم علاوه بر مقالات علمی، تاریخی، تربیوی، اقتصادی و... که درین سالنامه درج است خدمت فارئین محترم کلیشه های آنی رانیز جهت یک لحظه تفریح وساعت تیری ضمیمه نمود یم .

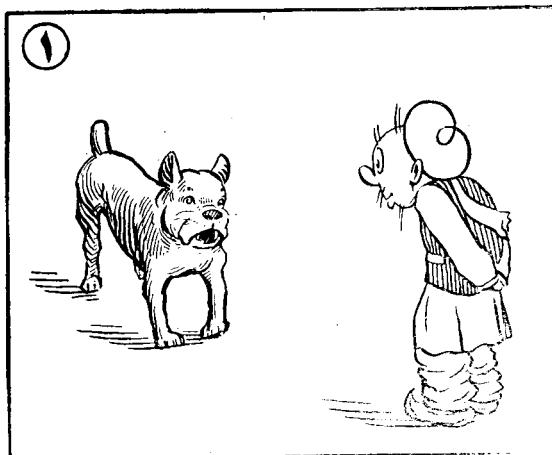
❀

رجب خان و خانم او



خانم رجب خان: زوال شوی ای پشکه چرا کتیت خومیتی؟  
رجب خان: گپ نون که ده ای شو ها هر شو موش ها ده خویم می‌آیه

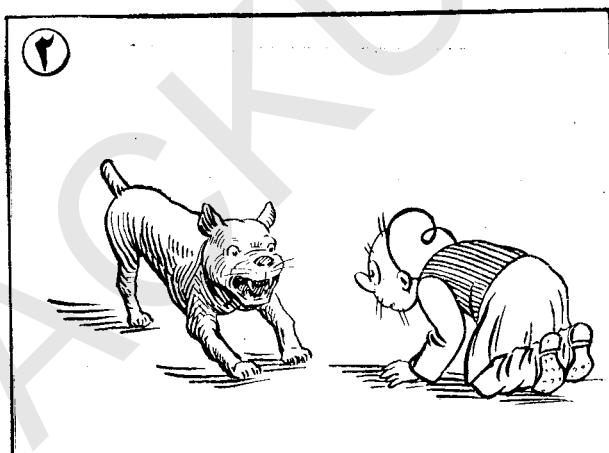
## بسیار زندان



از قواره اش معلوم هیشه

که بسیار زندان با شه

خیر . . . مه یک چل یا د  
دارم کلانها میگن که  
بطرف سگ که تیز دیدی  
میگریزه



عاقبت



سرم برید و بدم ستم بداد و گفت برو ز عشق تو به نکردی سزای تو این است  
اغلبای کمان میرود که شاعر این فرادرادرو صف خانم خود گفته باشد

هیگویند و یتامین در پوست سیب است :



شوه را خودم خوردم مگر ویتامین هایش را برایتو گذاشتم .

## سپورت و رجب خان



اینه شکر صاحب بیزار هم شدم ؟

میتوانی مثل من بدست استاده شوی ؟



رجب خان و بیزار بابا

## فهرست متن در جات سالنامه

۱۳۱۹

### الف : مضمون

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۶	تشکیلات حکومت اعلای جنویی	۱	دکابل نهمه سالنامه
۲۷	» » هیئت	۲	پادشاه افغانستان
»	» فراه	۳	تشکیلات مملکتی (صدرات عظمی)
۲۹	دوازرنمی (شورای ملی)	۵	وزارت حریبہ
۳۴	مجلس اعیان	۸	خارجہ
۳۶	دوازرنحضور (وزارت دربار)	۱۰	داخلہ
۳۷	دارالتحریر شاهی	۱۱	عدلیہ
۳۸	ریاست مبایعات	۱۲	مالیہ
»	مطبوعات	۱۳	معارف
<u>اجرا آت دوازرنمیکتی :</u>		۱۶	اقتصاد
۳۹	امور حریبہ	۱۷	فوائد عامہ
۴۶	» خارجہ	۱۸	صحیہ
۵۰	» داخلہ	۱۹	پست و تلگراف
۶۴	» عدلیہ	۲۱	ریاست مستقل زراعت
۶۵	» مالیہ	۲۲	مطبوعات
۶۸	» معارف		<u>ولایات و حکومات اعلیٰ :</u>
۱۰۴	» اقتصاد	۲۳	تشکیلات ولایت کابل
۱۲۱	» صحیہ	»	قندھار
۱۳۶	» مخابرات	۲۴	هرات
۱۳۹	» معادن	»	مراز شریف
۱۴۲	» زراعت و فلاحت	۲۵	قطلن و بدخشان
۱۶۱	تاریخچہ سبکهای اشعار پشتونو	۲۶	حکومت اعلای مشرقی

الف

## سالنامه « کابل »

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۴۲۴	مسکوکات افغانستان در عصر اسلام	۲۲۹	وقایع مهمه داخلی
۴۴۵	دیپینتو ننی لیکوال	۲۴۹	گذارشات دنیا
۴۶۵	تریه اطفال در فامیل	۲۸۲	مرض بیره
۴۸۳	مزایای بدیعی پینتو	۳۰۶	بعضی از اختراعات جدید
۴۹۸	دیپینتو ری تختی خصوصی شیکری	۳۲۳	امور مطبوعات
۵۰۶	دیپینتو دنر تاریخی تطورات	۳۳۲	« فوائد عامه
۵۱۰	دیپینتو پهشا و خواکین	۳۴۷	» شورای ملی
»	لندي	۳۵۴	» اعیان
»	ددارو بونی	۳۷۰	» دارالتحrir شاهی
۵۱۴	خنجری از ترقیات اقتصادی افغانستان	۳۸۲	» بانک ملی افغان

## ب تصاویر

صفحه	تصویر
مقابل ۲	اعلیحضرت معظم همایونی
۴	ج ، ع ، ج والا حضرت معظم صدر اعظم صاحب
مقابل ۶	ع ، ج ، ا ، نشان وزیر صاحب حریبه
۷	» والا حضرت وزیر صاحب معارف
۴۴	» ش » سردار محمد داؤد خان قوماندان
»	مقرریهای مهمه وزارت حریبه (۱۹) قطعه
»	ع ، ش س ، ع اسدالله خان مقتش باضابطان کورس پیاده
»	مداومین کورس پیاده
»	تمیر در میدان طباره (۲) قطعه
۱۰۸	فابریکه ها وغیره اجرا آت شرکت پینتون فندهار (۸) قطعه
»	گو سفند های سینوس (۴) قطعه
»	دستگاه بروکاست رادیو دریکه توت (۷) قطعه
۱۶۰	از مقرریهای مهمه وزارت خارجه (۸) قطعه
»	» » داخله (۱۱) »
»	» مالیه (۵) »
»	» فوائد عامه ، صحیه ، معادن (۱۷) قطعه
»	» ریاست زراعت و مطبوعات (۷) قطعه

صفحه	تصاویر
۱۶۰ مقابل	از مقرریها مهه و زارت معارف (۱۷) قطعه
» »	» اقتصاد (۱۶)
» »	» ازدواج منفره (۳)
» »	» دریاست شورا (۲)
» »	» بلدیه (۷)
» »	وکلای دوره چهارم شورای ملی (۸)
۱۷۴ »	زنگوگرافی هشت صفحه کتاب تندگر اولیای افغان (۸) قطعه
۲۲۸ »	اعلیحضرت معظم همایونی در روز جشن استقلال
۲۳۲ »	» » »
۲۴۰ »	والاحضرت وزیر صاحب حریه
۲۴۸ »	» » »
۲۸۰ »	ع، ش، سردار محمدآؤددخان قوماندان
۳۰۴ »	وزرش کاران افغانی
۳۸۴ »	فابریکه قند بغلان
۴۴۴ »	از مناظر بندها (۶) قطعه
۴۹۶ »	فارم زراعتی فندوز (۴۶) قطعه
۵۲۶ »	رسم های رنگه (۳) قطعه
	کاریکاتور (۹)

### غلط‌نامه سالنامه

۱۳۱۹

صفحه	سطر	غلط	صحيح	صفحه	سطر	غلط	صفحه	سطر
۱۶۶	۴	قبل الا	قبل الاسلام	۱۷۹	۲	بریک	هربیک	
۱۶۷	۷	مینه هر هر	مینه به هر		۱۵	شیخ مالی	شیخ ملی	
	۱۵	پاله لناده	پاله ستاده		۱۴	افتضای	چوهو	
۱۶۹	۱	شاهنشا هان	دشا هنشاهان		۱۸۴	شوهو	چوهو	
۱۷۰	۱۴	سلطان گوبد	سلیمان گوید		۱۱	نه بنوی سپنی	بنوئپنی	
۱۷۳	۱۲	خووا یه	خوووا یه		۱۱	هر شاه	چوهو	
۱۷۶	۱۲	درداوش	در اوش		۱۱	په پوهه	په پوهه	
	۱۷	ماواه النهر	ماواراء النهر		۱۲	واباسی	واباسی	

سالنامه « کابل »

صفحه سطر	صفحه سطر	غلط	صحيح	صفحه سطر	صفحه سطر
۱۲	۱۴	خاوندی	خاوندی	۲۰۷	۲۱
»	۱۵	کپوده	کپوده	۲۶۰	۴
۱۸۶	۳۰	کپه	کپه	۲۷۰	۲
۱۹۴	۲۵	شاغلی	شاغلی	۲۷۸	۱
۲۰۰	۴	هم دغه	دمه	۲۸۰	۲
		از خدمت	خدمت	روش ازوی	۲۸۸
۲۰۲	۲۳	فایله	فیه	بلندش را	۳۱۵
۲۰۵	۱۰	کاد	کادی	بلندش شعر را	۳۱۶
۲۰۹	۵	پ	پ	سپهر را	۳۱۹
»	۶	مطلوب د	مطلوب و	جهان نمای	۳۲۳
»	۱۶	ز به بлагت	ز به بлагت	ترجیح	»
۲۱۰	۱۷	ایپوو کیزی	ایپوول کیزی	زمانخان ولدرست	»
		بن خواجه خضر ( زمانخان ولد )			
۲۱۲	۱۵	پریزدو	پریزدو	دولتخان ولد	۳۲۸
				سرمست خان	۳۷۰
۲۱۳	۹	غوز	خوب	ولد شیر خان	»
				بن خواجه خضر )	۳۷۶
۲۱۴	۷	کوهیار	چه پیاز	( معرفت الافقانی )	۴۴۹
۲۲۰	۷	کاوو	کاسو	( معرفت الافقانی )	۴۸۷
۲۲۲	۲۷	و آن است	و آن است	معاصر	۵۴۹
۲۲۶	۱۹			هم سلک	در مقابل
۲۲۸	۱۹	مرستون	میرستون	ملا حیران	کلیشه دوم
»	۲۳			ماوراء الماده	در مقابل
۲۵۳	۱۵	بختیاری	بختیاری	آباد	کلیشه هفتم





55  
55